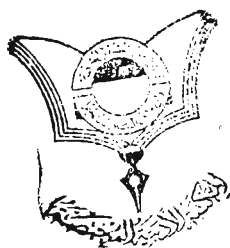


دیوان حافظ

خواجه شمس‌الدّین محمّد

جلد اوّل

غزلیّات

به تصحیح و توضیح

پرویز ناتل خانلری

خواجه شمس‌الدین محمد حافظ

دیوان حافظ

جلد اول

غزلیات

به‌تصحیح و توضیح پرویز ناتل خانلری

چاپ اول: ۱۳۵۹ هـ ش. ـ تهران

چاپ دوم با تجدید نظر: ۱۳۶۲ هـ ش. ـ تهران

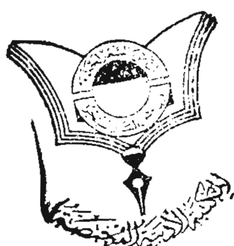
چاپ سوم: با آخرین تجدید نظرهای شادروان دکتر خانلری در متن قبل از درگذشت

چاپ: چاپخانهٔ نیل

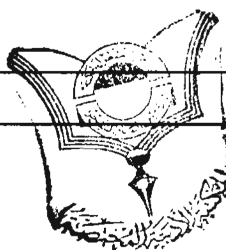
صحافی: شهاب متین

لیتوگرافی: دیبا

تعداد: ۱۱۰۰۰ نسخه



فهرست غزلها



حرف خ

حرف د

حرف ر

حرف ز

حرف س

حرف ش

حرف ع

حرف ف

حرف ق

حرف ك

حرف ل

حرف م

حرف ن

غزلیات

۱

۱ الا یـــا ایّـــهاالسّاقی ادر کـــأساً و نـــاولها
که عشق آسان نـــمود اول ولی افـــتاد مشکلهـــا

۲ به‌بوی نـــافه‌ای کـــاخر صبا زان طـــرّه بگشایـــد
ز تاب زلف مشکینش چـه خـون افـــتاد در دلهـــا

۳ به‌می سجاده رنگین کن گـرت پـیر مـغان گـــوید
کـــه سالک بـــیخبر نـــبود ز راه ورسم مـــنزلها

۴ مرا در منزل جـــانان چـه امـن عیش چـــون هر دم
جرس فـریاد مـی‌دارد کـــه بـــر بـــندید مـــحملها

۵ شب تاریک وبـیم مـوج و گـــردابی چنین هائـــل
کـجا دانـــند حـــال مـــا سبکباران ساحلهـــا

۶ همه کـارم ز خـــودکامی بـــه‌بـــدنامی کشید، آری
نهان کی مـاند آن رازی کـز آن سازنـــد مـــحفلها

۷ حضوری گر همی خواهی ازو غایـب مشو حـافظ
مـتی مـا تـلق مـــن تـــهوی دع الدنـــیا واهملهـــا

الف،ب،ه،و،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **الف،ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك**
در نسخه‌های **و،ل،م** ترتیب چنین است: ۱،۲،۴،۳،۵،۶،۷

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ح،ك: به بوی نافۀ زلفی کز و گیر ددل آرامی (ک: دلارامی) **و،ط:** زان زلف بگشاید * **ز،ط،ل:** زتاب‌جعد **ح،ك:** زتاب‌آتش‌عشقش **م:** چه‌خون‌افتاده

۳ـ م: ز رسم و راه

۴ـ ح،م: مرادرمجلس‌جانان

۵ـ الف، ح: شبی تاریك **ح:** چنین سائل * **ب:** بساحلها

۶ـ ز،ح،ل : کشیدآخر * **ه:** آن کاری **ح،ك،ل:** کزو سازند

۷ـ و،ط : مشوغایب ازوحافظ **ح،م:** ازو غافل مشو حافظ **ك:** زماغافل مشو حافظ

۲

۱ صلاح کار کجا و من خراب کجا
ببین تفاوت ره کز کجاست تا به‌کجا

۲ چه نسبت است به‌رندی صلاح و تقوی را
سماع وعظ کجا نغمهٔ رباب کجا

۳ دلم ز صومعه بگرفت و خرقهٔ سالوس
کجاست دیر مغان و شراب ناب کجا

۴ بشد که یاد خوشش باد روزگار وصال
خود آن کرشمه کجا رفت و آن عتاب کجا

۵ ز روی دوست دل دشمنان چه دریابد
چراغ مرده کجا شمع آفتاب کجا

۶ مبین به‌سیب زنخدان که چاه در راه است
کجا همی روی ای دل بدین شتاب کجا

۷ چو کحل بینش ما خاک آستان شماست
کجا رویم بفرما ازین جناب کجا

۸ قرار و خواب ز حافظ طمع مدار ای دوست
قرار چیست، صبوری کدام، خواب کجا

الف،ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **الف،ب،ه،ی،ن**

در نسخه‌های دیگر ترتیب چنین است:

ز: ۱،۳،۲،۵،۷،۶،۴،۸

ح: ۱،۲،۴،۳،۵،۷،۶،۸

ط،ك: ۱،۲،۳،۵،۷،۶،۸ بیت چهارم را ندارند

ل: ۱،۳،۲،۷،۴،۶،۵،۸

م: ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۶،۸

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ز: سماع وعظ کجا نغمهٔ رباب کجا م: زهی تفاوت

۲ـ ب: صلاح تقوی * ز: ببین تفاوت ره کز کجاست تا بکجا ح: سماع و وعظ

۳ـ ح: جلوهٔ سالوس ط،ك: جامهٔ سالوس *ز: کجاست پیرمغان

۴ـ ز: بامداد وصال

۵ـ ح،ك: دل ناتوان ز: دشمنان کجا یابد * ب،ی: شمع و آفتاب
ز،ح،ط،ك: قرص آفتاب

۶ـ الف،م: مبین بچاه زنخدان

۷ـ ط: چو کحل دیدهٔ ما

۸ـ ز،ح،ك: طمع چه می‌داری * ك: چیست و صبوری ب،ط،ی،ك،ل:
صبوری کدام وخواب کجا ز: صبوری کجاو خواب کجا

۳

۱ اگر آن ترک شیرازی به‌دست آرد دل ما را
به‌خال هندوش بخشم سمرقند و بخارا را

۲ بده ساقی می باقی که در جنّت نخواهی یافت
کنار آب رکناباد و گلگشت مصلّی را

۳ فغان کاین لولیان شوخ شیرین کار شهرآشوب
چنان بردند صبر از دل که ترکان خوان یغما را

۴ ز عشق ناتمام ما جمال یار مستغنی است
به‌آب ورنگ وخال‌وخط چه حاجت روی زیبا را

۵ حدیث از مطرب و می گو و راز دهر کمتر جو
که کس نگشود و نگشاید به‌حکمت این معمّا را

۶ من ازآن حسن روزافزون‌که یوسف داشت دانستم
که عشق از پردهٔ عصمت برون آرد زلیخا را

۷ بدم گفتی و خرسندم عفاک‌الله نکو گفتی
جواب تلخ می‌زیبد لب لعل شکر خا را

۸ نصیحت گوش کن جانا که از جان دوستر دارند
جوانان سعادتمند پند پیر دانا را

۹ غزل گفتی و دُر سفتی بیا و خوش بخوان حافظ
که بر نظم تو افشاند فلک عقد ثریا را

الف،ب،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م،ن ،و

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های :**الف،د،ه،و،ط،ی،م،ن**

درنسخه‌های‌دیگر ترتیب چنین است:

ب: ۱، ۲، ۳، ۶، ۷، ۸، ۹ بیت‌های ۴ و ۵ راندارد

ز: ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۸، ۵، ۷، ۹

ح: ۱، ۲ بقیهٔ‌بیت‌ها را ندارد

ك: ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۷، ۵، ۸، ۹

ل: ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۷، ۸، ۵، ۹

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * **ب،د،ه،ی،ك،ل:** بخال‌هندویش

۲ـ ه،ط: می‌صافی **ط:** نخواهی‌دید **م:** بخواهی‌یافت * **ی:** گل‌گشت مصلارا

۳ـ ك: لولیان شنگ * **د،و،ك:** صبرودل

۴ـ * **ط:** به‌آب وروی وخال **م:** به رنگ وبوی وخال

۵ـ و: مطرب و نی‌گو **د، ط:** می‌گوی **د،ز،ك،م:** کمتر جوی **ط:** کمتر گوی **ن:** کمتر گو *م: نگشوده نگشاید

۷ـ ز،ل: اگر دشنام فرمائی وگر نفرین دعاگویم **ك:** خرسندم نکوکردی و خوش‌گفتی **و،ط:** جزاك‌الله * **ه:** می‌زیبدازان‌لعل

۸ـل: دوست‌تردارند

۴

۱ صبا بـه‌لطف بگو آن غزال رعنا را
که سر بـه‌کـوه و بـیابان تـو داده‌ای مـا را

۲ شکر فـروش کـه عمرش دراز بـاد چـرا
تـفقّدی نکند طوطی شکر خـا را

۳ غرور حسن اجازت مگر نـداد ای گـل
کـه پـرسشی بکنی عندلیب شیدا را

۴ بـه‌خلق و لطف تـوان کـرد صید اهل نـظر
به‌بـند و دام نگیرنـد مـرغ دانـا را

۵ چـو بـا حبیب نشینی و بـاده پـیمائی
به یـاددار مـحبّان بـاد پـیما را

۶ نـدانم از چـه سبب رنگ آشنائـی نـیست
سهـی قـدان سیه چشم مـاه سیما را

۷ جـزین قـدر نـتوان گـفت در جمال تـو عیب
کـه وضع مـهر و وفـانیست روی زیـبا را

۸ در آسمان نـه عجب گـر بـه‌گـفتهٔ حـافظ
سماع زهره بـه‌رقص آورد مسیحـا را

ب،ه،ز،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با:ب،ه،ز

ترتیب نسخه‌های‌دیگر چنین‌است:

ط: ۱،۵،۳،۴،۶،۸ بیتهای۲و۷را ندارد

ك: ۱،۳،۴،۵،۶،۷،۸ بیت ۲ را ندارد

ل: ۱،۲،۳،۴،۶،۵،۸ بیت ۷ را ندارد

ی،م: ۱،۵،۳،۴،۶،۷،۸ بیت ۲ را ندارند

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ* م: سربراه وبیابان

۳ـه،ل،م:غرورحسنت ه:اجازت نمی‌دهد ای‌گل * ز،ل: که‌پرسشی‌نکنی

۴ـ ك: بلطف و خلق توان ی: توان صیدکرد اهل‌نظر ط:صیدکاهل نظر

* ط:نهنددام ومکیرند ب،م: دام‌بگیرند

۵ـم: حبیب نشستی وباد پیمانی * ط،م: محبان باده پیمارا

۶ـم: سبب بوی‌آشنائی

۷ـز،م: برجمال * ی: که صنع‌مهرووفا م: که رنگ مهرو وفا

۸ـك: بآسمان م: درآسمان چه‌عجب ب:گربگفتن حافظ ط:گرزگفتهٔ

حافظ * ل:سرود زهره م: آورد زلیخارا

۵

۱ دل می‌رود ز دستم صاحبدلان خدا را
دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا

۲ کشتی شکستگانیم ای باد شرطه برخیز
باشد که باز بینیم آن یار آشنا را

۳ ده روزه مهر گردون افسانه است و افسون
نیکی به جای یاران فرصت شمار یارا

۴ در حلقهٔ گل و مل خوش خواند دوش بلبل
هات الصبوح هبّوا یا ایّها السّکارا

۵ آئینهٔ سکندر جام می است بنگر
تا بر تو عرضه دارد احوال ملک دارا

۶ ای صاحب کرامت شکرانهٔ سلامت
روزی تفقّدی کن درویش بینوا را

۷ آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرفست
با دوستان مروّت با دشمنان مدارا

۸ در کوی نیک نامی ما را گذر ندادند
گر تو نمی‌پسندی تغییر کن قضا را

۹ بنت العنب که زاهد امّ‌الخبائثش خواند
اشهی لنا و احلی من قبلة العذارا

۱۰ هنگام تنگدستی در عیش کوش و مستی
کاین کیمیای هستی قارون کند گدا را

۱۱ خوبان پارسی‌گو بخشندگان عمرند
ساقی بده بشارت پیران پارسا را

۱۲ حافظ به خود نپوشید این خرقهٔ می‌آلود
ای شیخ پاک دامن معذوردار ما را

الف،ب،هـ،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **الف،ب،هـ،ی،م.**

ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ز: ۱،۲،۳،۴،۶،۷،۸،۹،۱۰،۵،۱۱،۱۲،+

+ گر مطرب حریفان این پارسی بخواند در رقص وحالت آرد پیران پارسارا

ح: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۱۰،۱۲ بیت‌های ۹و۱۱ راندارد.

ط: ۱،۲،۹،۳،۵،۶،×،۸،۱۲،+ بیت‌های ۴،۷،۱۰،۱۱ را ندارد

× سرکش مشو که‌چون‌شمع از غیرتت بسوزد دلبرکه درکف اوموم‌است‌سنگ‌خارا

+ گر مطرب حریفان این پارسی بخواند در رقص و حالت آرد پیران پـارسارا

ك: ۱،۲،۸،۵،۳،۴،۹،۱۱،۱۰،۱،۶،×،۷،۱۲،+

× سرکش مشو که‌چون‌شمع‌ازغیرتت بسوزند دلبرکه درکف اوموم‌است سنگ‌خارا

+ گرمطرب حریفان این پارسی بخواند دروجد و حـالت آرد پیران پـارسا را

ل: ۱،۲،۳،۴،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱،×،۵،۱۱،۱۲

× سرکش‌مشو که چون‌شمع‌ازغیرتت بسوزد دلبر که‌درکف اوموم‌است سنگ‌خارا

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ب،ك،ن: درد پنهان

۲ـ* هـ،ز،ح،ل: باز بینم ط،ی،ل،م،ن: دیدار آشنا را

۴ـ* ی: هات‌الصبوح کأساً

۵ـ ب: جامیست نیك بنگر ط،ی: جام‌جمست ی: وبنگر

۷ـ * هـ،ز: بادوستان تلطف ی: مروت‌وبا

۸ـ* ح،ك: ورتو نمی‌پسندی

۹ـ هـ،ز،ط،ی،ك،ل: آن تلخوش هـ،ز،ط،ی،ل،م: که صوفی * م:
اهنی‌لنا واحلی من‌قبل الف،ح: اسقی‌لنا ی: واهلی‌من

۱۰ـ الف: درعشق‌کوش ك: درباده‌کوش

۱۱ـ ب: ترکان پارسی‌گو ن: پارسی خوان * ك: ساقی بشارتی ده
هـ: خوبان پارسا را ل: رندان پارسا را

٦

۱ به ملازمان سلطان که رساند این دعا را

که به‌شکر پادشاهی ز نظر مران گدا را

۲ ز رقیب دیوسیرت به‌خدای خود پناهم

مگر آن شهاب ثاقب مددی دهد خدا را

۳ مژهٔ سیاهت ار کرد به‌خون ما اشارت

ز فریب او بیندیش و غلط مکن نگارا

۴ دل عالمی بسوزی چو عذار برفروزی

تو از این چه سود داری که نمی‌کنی مدارا

۵ همه شب درین امیدم که نسیم صبحگاهی

به‌پیام آشنایان بنوازد آشنا را

۶ چه قیامت است جانا که به‌عاشقان نمودی

دل‌وجان فدای رویت بنما عذارما را

۷ بخدا که جرعه‌ای ده تو به‌حافظ سحرخیز

که دعای صبحگاهی اثری کند شما را

ب،ز،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ **ل.**

ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ب: ۵،۳،۴،۲،۱ بیت‌های ۶و۷ راندارد

ز: ۳،۴،۵،۶،۲،۱ بیت ۷را ندارد

ط،ی،م: ۵،۴،۳،۲،۱ بیت‌های۶و۷ راندارند

ك: ۵،۴،۶،۲،۱ بیت‌های۳و۷ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۲ـب،م: بخدای خود بنالم ***ز،ی،ك:** مددی کند **م:** مددی کند سها را

۳ـم: سیاهت اگر کرد ***ز:** نظری کن‌ای عزیزان که چگونه کشت مارا

۴ـب: دل‌عاشقان بسوزی **ط، م:** بسوزی‌که عذار ***ك:** زفریب او بیندیش و غلط مکن نگارا **ب،ی:** چونمی کنی مدارا **م:** چونمیکنلمدارا

۵ـ* ز،ك: به‌پیام‌آشنائی بنوازد

۶ـ* ز :ز فریب او بیندیش وغلط مکن نگارا **ك:** تواز این چه سود داری که نمی‌کنی مدارا

۷

۱ صوفی بیا که آینه صافیست جام را
تا بنگری صفای می لعل فام را

۲ راز درون پرده ز رندان مست پرس
کاین حال نیست صوفی عالی‌مقام را

۳ عنقا شکار می نشود دام باز چین
کاینجا همیشه باد به‌دست است دام را

۴ در عیش نقد کوش که چون آبخور نماند
آدم بهشت روضهٔ دارالسلام را

۵ در بزم دور یک دو قدح درکش و برو
یعنی طمع مدار وصال دوام را

۶ ای دل شباب رفت و نچیدی گلی ز عیش
پیرانه‌سر بکن هنری ننگ و نام را

۷ ما را بر آستان تو بس حقّ خدمت است
ای خواجه باز بین به‌ترحّم غلام را

۸ حافظ مرید جام می است ای صبا برو
وز بنده بندگی برسان شیخ جام را

ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ک،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ه. نسخه‌های ب،ج،د،ط،ی با همین ترتیب بیت دوم را ندارند.
ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ز،ک،ل: ۱،۲،۳،۵،۶،۴،۷،۸

ح: ۱،۳،۴،۵،۶،۷،۲،۸

م: ۱،۳،۴،۵،۶،۲،۷،۸

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ب: که بادهٔ صافیست ج، ک: آینه‌صاف است

۲ـ *ز،ل: زاهدعالی مقام م: عالم عالی‌مقام

۳ـ ز،ح،ط،ک،ل: شکار کس‌نشود ط: دام‌بازکش *د،ز،ط،ل: کانجا
ح: بدستست عام‌را ط: بدستست‌جام‌را

۴ـ ز،ک: من آن‌زمـان طمع ببریدم ز عافیت ح: درنقد عیش ط: در نقدعشق ج: که چون‌انجمن نماند ی: که چون‌آب رونماند * ز،ک: کادم‌بهشت

۵ـ ط: در بزم دور خوش قدحی درکش وبرو

۶ـ م: شتاب‌رفت ب،ط: گلی‌زعشق ه، ز، ح،ک: گلی‌زعمر *ط: بکن هرننگ
م: مکن‌هنری

۷ـ د،ه: حق‌نعمت‌است *ز: زنهار بازبین

۸ـ * ط،ک: ازبنده ج: شیخ خام ز،ح،ی: پیرجام

۸

۱ ساقیا برخیز و در ده جام را
خاک بر سر کن غم ایّام را
۲ ساغر می بر کفم نه تا ز بر
برکشم این دلق ازرق فام را
۳ گرچه بدنامیست نزد عاقلان
ما نمی‌خواهیم ننگ و نام را
۴ باده درده چند ازین باد غرور
خاک بر سر نفس نافرجام را
۵ دود آه سینهٔ نالان من
سوخت این افسردگان خام را
۶ محرم راز دل شیدای خود
کس نمی‌بینم ز خاص و عام را
۷ با دلارامی مرا خاطر خوش است
کز دلم یکباره برد آرام را
۸ ننگرد دیگر به سرو اندر چمن
هر که دید آن سرو سیم اندام را
۹ صبر کن حافظ به‌سختی روز و شب
عاقبت روزی بیابی کام را

ب،ه، ز،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق.

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ك،م: ساغری می ه،ك: تازبن ز،ی: تازسر

۳ـ ی: نزدعاشقان

۴ـ *ط: نقش نافرجام را

۵ـ ب: درد وآه ز،ی،ك: دود وآه

۶ـ *ط: نمی‌بینیم‌خاص

۹ـ *م: تا بیابی منتهای کام را

۹

۱ رونق عهد شبابست دگر بستان را
می‌رسد مژدهٔ گل بلبل خوش‌الحان را

۲ ای صبا گر به‌جوانان چمن باز رسی
خدمت ما برسان سرو و گل و ریحان را

۳ گر چنین جلوه کند مغبچهٔ باده فروش
خاکروب در میخانه کنم مژگان را

۴ ای که بر مه کشی از عنبر سارا چوگان
مضطرب حال مگردان من سرگردان را

۵ ترسم آن قوم که بر دردکشان می‌خندند
در سر کار خرابات کنند ایمان را

۶ یار مردان خدا باش که در کشتی نوح
هست خاکی که به‌آبی نخرد طوفان را

۷ هر کرا خوابگه آخر نه که مشتی خاک است
گو چه حاجت که بر آری به‌فلک ایوان را

۸ برو از خانهٔ گردون بدر و نان مطلب
کاین سیه کاسه در آخر بکشد مهمان را

۹ ماه کنعانی من مسند مصر آن تو شد
گاه آنست که بدرود کنی زندان را

۱۰ حافظا می‌خور و رندی کن و خوش باش ولی
دام تزویر مکن چون دگران قرآن را

الف،ب،د،ه،ز،ح.ط،ی،ك،م،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ **ب،د،ه،ح،ی،م،** اما بیت چهارم در **ب** نیست. در نسخه‌های **ز،ل** بیت‌های ۷ و ۸ مقدم و مؤخر شده است. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

الف: ۱،۲،۳،۵،۶،۸،۹،۱۰ بیت‌های ۴و۷ را ندارد

ط: ۱،۲،۳،۷،۴،۵،۶،۸،۱۰ بیت ۹ را ندارد

ك: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۸،۱۰ بیت‌های ۷ و ۹ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ز: شبابست ودگر * **ط،ك:** می‌دهد مژدهٔ گل **م:** مژده ز گل

۲ـ ز،ح: گربعروسان چمن **ط:** چمن برگذری * **ح:** مژدهٔ ما برسان

۵ـ د،ه،ز،ح،ط،م: ترسم این قوم **م:** دردکسان می‌خندند * **الف، ج،ه،م:** در سروکار

۶ـ * ز: هست بادی‌که **ح،ك:** هست آبی‌که **م:** هست خاکی‌که ببادی **ب:** بآبی بخرد **ه:** بآبی نخرد

۷ـ ب،ی،م: خوابگه این‌آخر **د:** خوابگهش آخر مشتی **ه:** خوابگهش خاك بود آخرکار **ز:** خوابگه‌آخر بدومشتی **ح:** خوابگه آخرتی در خاکست **ل:** خوابگه آخر مشتی خاکست * **ب،د،ه،ز،ح،م:** حاجت‌که برافلاك‌کشی ایوان را **ی،ل:** حاجت‌که بافلاك‌کشی ایوان را

۸ـ * الف،د،ل،م: کان سیه‌کاسه **ط:** کاسه بآخر

۹ـ * ك،ل: وقت آنست **ی:** که پدرود کند

۱۰ـ ك: باش ولیك **ی:** باش ولیکن * **ب،ك:** قرانرا

۱۰

۱ دوش از مسجد سوی میخانه آمد پیر ما
چیست یاران طریقت بعد ازین تدبیر ما

۲ در خرابات مغان ما نیز هم منزل شویم
کاین چنین رفتست در عهد ازل تقدیر ما

۳ ما مریدان روی سوی کعبه چون آریم چون
روی سوی خانهٔ خمّار دارد پیر ما

۴ با دل سنگینت آیا هیچ درگیرد شبی
آه آتش بار و سوز نالهٔ شبگیر ما

۵ عقل اگر داند که دل در بند زلفش چون خوشست
عاقلان دیوانه گردند از پی زنجیر ما

۶ باد بر زلف تو آمد شد جهان بر من سیاه
نیست از سودای زلفت بیش ازین توفیر ما

۷ مرغ دل را صید جمعیّت به دام افتاده بود
زلف بگشادی زشست ما بشد نخجیر ما

۸ روی خوبت آیتی از لطف بر ما کشف کرد
زان سبب جز لطف و خوبی نیست در تفسیر ما

۹ تیر آه ما ز گردون بگذرد حافظ خموش
رحم کن بر جان خود پرهیز کن از تیر ما

ز،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ **ز،ك**، امـا در نسخهٔ **ز** بیت ۵ تـکرار شده است (بعد از بیت **۹** مجدداً بیت ۵ را آورده است)

ترتیب نسخهٔ **ل** چنین است:

۱،۳،۲،۵،۸،۴،۹ بیت‌های ۶ و ۷ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۲ــ ل: در خرابات طریقت ما بهم منزل شویم. در بیت دوم تصحیح ذوقـی یـکی از ادیبان افغانستان چنین است: در خرابات مغان با پیر هم منزل شویم، اما این صورت درهیچ نسخه‌ای نیامده است.

۳ــ ل: سوی قبله

۴ــ * ك: آه‌آتش سوز ما ونالهٔ شبگیرما **ل:** آه‌آتش ناك و سوز سینهٔ شبگیرما

۵ــ ز: در بند زلفت

۶ــ * ك: سودای دامش بیش

۷ــ * ك: بگشادی ز دست ما

۸ــ * ل: زان زمان جز

۹ــ ز: بیت ۵ در این نسخه دوبارآمده است. در اولی: مطابق متن است و در دومی: بگذرد یار عزیز **ك:** بگذرد جان عزیز

۱۱

۱ ساقی به‌نور باده بر افروز جام ما
مطرب بگو که کار جهان شد به‌کام ما

۲ ما در پیاله عکس رخ یار دیده‌ایم
ای بی‌خبر ز لذّت شرب مدام ما

۳ چندان بود کرشمه و ناز سهی قدان
کاید به‌جلوه سرو صنوبر خرام ما

۴ هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به‌عشق
ثبت است بر جریدهٔ عالم دوام ما

۵ ترسم که صرفه‌ای نبرد روز بازخواست
نان حلال شیخ ز آب حرام ما

۶ مستی به‌چشم شاهد دلبند ما خوش است
زان رو سپرده‌اند به مستی زمام ما

۷ ای باد اگر به‌گلشن احباب بگذری
زنهار عرضه ده بر جانان پیام ما

۸ گو نام ما ز یاد به عمدا چه می‌بری
خود آید آن که یاد نباشد ز نام ما

۹ حافظ ز دیده دانهٔ اشکی همی فشان
باشد که مرغ وصل کند قصد دام ما

۱۰ دریای اخضر فلک و کشتی هلال
هستند غرق نعمت حاجی قوام ما

الف،ب،ج،د،ه،و،ز،ح،ط،ی،ک،ل،م،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با **الف،ب،د،و**، اما در این نسخه‌ها بیت ۶ نیامده است. نسخه‌های **ه،ح** با همین ترتیب بیت ۶ و ۹ و نسخهٔ **ن** بیت ۶ را ندارند. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ج: ۱،۲،۳،۵،۴،۷،۸،۹ — بیت‌های ۶ و ۱۰ را ندارد
ز: ۱،۲،۴،۳،۷،۸،۱۰،۵،۶،۹
ط: ۱،۲،۶،۳،۷،۸،۹ — بیت‌های ۴ و ۵ و ۱۰ را ندارد
ی: ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۸،۱۰،۹ — بیت ۶ را ندارد
ک: ۱،۲،۴،۵،۶،۳،۷،۸،۹ — بیت ۱۰ را ندارد
ل: ۱،۲،۴،۳،۷،۸،۶،۵،۹،۱۰
م: ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۹،۱۰ — بیت‌های ۶ و ۸ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * **ط:** تا دور روزگار بگردد بکام ما
۳ـ **ط:** بگرفت همچولاله دلم درهوای سرو * **ط:** طوبی نهال‌قدصنوبرخرام‌ما
۴ـ **ب:** هرگز نشد فناکه دلش
۵ـ **ج:** صرفهٔ نکند **ز:** روز داوری **ح:** روز داد خواه
۶ـ **ز،ک:** مستی ز چشم شاهد * **ک:** زانجا سپرده‌اند بمستان زمام ما
۷ـ * **م:** عرضه‌دار
۸ـ **ج:** چو می‌بری * **ج،ه،ط،ی،ل،م،ن:** یاد نیاری **د:** یاد نیارد
ح: یاد نیاید
۹ـ * **ج:** شایدکه مرغ **ی:** وصل درآید بدام ما **ب:** قصد بسام مـا
ز،ح،ک: میل دام ما
۱۰ـ **ب:** کشتی هلال

۱۲

۱ ای فروغ ماه حسن از روی رخشان شما
آب روی خوبی از چاه زنخدان شما

۲ کی دهد دست این غرض یارب که همدستان شوند
خاطر مجموع ما زلف پریشان شما

۳ عزم دیدار تو دارد جان بر لب آمده
بازگردد یا برآید چیست فرمان شما

۴ دوردار از خاک و خون دامن چو بر ما بگذری
کاندرین ره کشته بسیارند قربان شما

۵ دل خرابی می‌کند دلدار را آگه کنید
زینهار ای دوستان جان من و جان شما

۶ کس به دور نرگست طرفی نبست از عافیت
به که نفروشند مستوری به مستان شما

۷ بخت خواب‌آلود ما بیدار خواهد شد مگر
زانکه زد بر دیده آب روی رخشان شما

۸ با صبا همراه بفرست از رخت گلدسته‌ای
بو که بوئی بشنوم از خاک بستان شما

۹ عمرتان باد و مراد ای ساقیان بزم جم
گرچه جام ما نشد پر می به دوران شما

۱۰ می‌کند حافظ دعائی بشنو آمینی بگو
روزی ما باد لعل شکّرافشان شما

۱۱ ای صبا با ساکنان شهر یزد از ما بگو
کای سر حق ناشناسان گوی چوگان شما

۱۲ گرچه دوریم از بساط قرب همّت دور نیست
بندهٔ شاه شمائیم و ثناخوان شما

۱۳ ای شهنشاه بلند اختر خدا را همّتی
تا ببوسم همچو گردون خاک ایوان شما

ب،ه،ز،ط،ی،ك،ل،م،ن

ترتیب ابیات

متن تا بیت ۱۰ مطابق است با نسخه‌های ب،ه. سه بیت اخیر فقط در نسخهٔ ل هست و بیت ۱۳ را در حاشیهٔ نسخهٔ ز به‌خط دیگری افزوده‌اند. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین‌است:

ز: ۱،۳،۶،۷،۸،۵،۹،۲،۴،۱۰،۱۳ بیت‌های ۱۱ و ۱۲ را ندارد

ط،ن: ۱،۲،۳،۴،۵،۹،۶،۷،۸،۱۰ بیت‌های ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ را ندارد

ی: ۱،۲،۳،۴،۵،۶ بقیهٔ بیت‌ها را ندارد

ل: ۱،۳،۶،۷،۸،۹،۵،۲،۴،۱۰،۱۱،۱۲،۱۳

م: ۱،۲،۳ بقیهٔ بیت‌ها را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ز،ی: فروغ حسن ماه

۲ـ ك: ان غرض * ط،ك: مجموع با زلف

۳ـ * ز،ن: یا درآید

۴ـ * ط: کشته بسیارست

۶ـ * ن: که بفروشند

۷ـ * ل: بردیده‌آبی

۸ـ ه،ن: بفرست از رهت * ه،ل: بشنویم

۹ـ ه،ز،ك: ساقیان جام جم ط: ساقیان جام می ن: ساقیان جام‌بخش * ك: شد خود پر بدوران

۱۰ـ ط: دعائی آخرآمینی ك: دعائی صادق آمینی ز: آمینی بگوی

۱۳ـ * ل: تا ببوسم همچو اختر

۱۳

۱ مـی‌دمـد صبح و کـلّه بست سحـاب
الصبّوح الصبّوح یـا اصحـاب
۲ مـی‌چکد ژاله بـر رخ لاله
المدام المدام یـا احباب
۳ مـی‌وزد از چمن نسیم بـهشت
بس بـنوشید دایـما مـی‌نـاب
۴ تـخت زمـرد زده‌ست گـل بـه‌چمن
راح چـون لعـل آتشین دریـاب
۵ در میخانه بسته‌انـد دگـر
افـتتح یـا مـفتّح الابـواب
۶ در چنین مـوسمی عجب بـاشد
کـه بـبستند مـیکده بـه‌شتاب

ب،ز،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ز،ك. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ل: ۱،۲،۳،۴،۵،+،۶،× بعد از بیت ۵ این بیت:

+ لب و دندانت را حقوق نمك — هست برجان و سینهای کباب

و بعد از بیت ۶ بیت زیر را افزوده است:

× بررخ ساقی پری پیکر — همچو حافظ بنوش بادهٔ ناب

ی: ۱،۲،۳،۴،۵ بیت ۶ را ندارد

م: فقط بیت ۵ را دارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ب: گل بشست سحاب

۳ـ ز: میدمد از چمن * ل: هان بنوشید دم بدم می‌ناب

۴ـ ز: تخت عشرت ك: تخت زهره

۵ـ ب،ل: بسته‌اند مگر

۶ـ ل: این چنین * ز،ك،ل: که ببندند

۱۴

۱ صبح دولت می‌دمد کو جام همچون آفتاب
فرصتی زین به‌کجا باشد بده جام شراب

۲ خانه بی‌تشویش و ساقی یار و مطرب نکته‌گوی
موسم عیش است و دور ساغر و عهد شباب

۳ از پی تفریح طبع و زیور حسن و طرب
خوش بود ترکیب زرّین جام با لعل مذاب

۴ از خیال لطف می مشّاطهٔ چالاک طبع
در ضمیر برگ گل خوش می‌کند پنهان گلاب

۵ شاهد و مطرب به‌دست افشان و مستان پای‌کوب
غمزهٔ ساقی ز چشم می‌پرستان برده خواب

۶ باشد آن مه مشتری دُرهای حافظ را اگر
می‌رسد هر دم به‌گوش زهره گلبانگ رباب

ب،ز،ط،ی،ك،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق‌است با نسخهٔ **ب، ط، ن.** با ترتیب متن نسخهٔ **ز** بیت ۴ ونسخه‌های **ی،ك** بیت ۶ را ندارند. در نسخهٔ **ك** بیت‌های ۴ و ۵ مقدم و مؤخر شده است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ *ك: فرصتی به‌زین کجا

۲ـ ز،ی: مطرب نکته‌کو **ط:** خلوت خاصست و جای امن و نزهتگاه انس **ك:** مطرب بذله‌کو **ن:** بذله‌گوی * **ك:** روز ساغر

۳ـ ط: زیور و حسن **ب:** زیور حسن طرب

در بیت سوم همه جا «حسن» ضبط شده است. اما ظن قوی من بر آن است که کلمهٔ درست «جشن» بوده است.

۴ـ *ك: خوش بود ترکیب زرین جام بالعل مذاب

۵ـ ز: مطرب پای کوب * **ب،ط،ی،ك، ن:** می پرستان مست خواب **ن:** غمزهٔ ساقی و چشم

۶ـ ز،ن: تا شد آن مه مشتری **ز،ط:** درهای حافظ را کنون **ن:** درهای حافظ را بجان * **ز:** میرساند او بچنك زهره **ط:** می‌رسد هر شب بکوش **ن:** به عود زهره

۱۵

۱ گفتم ای سلطان خوبان رحم کن بر این غریب
گفت در دنبال دل ره گم کند مسکین غریب

۲ گفتمش مگذر زمانی گفت معذورم بدار
خانه پروردی چه تاب آرد غم چندین غریب

۳ خفته بر سنجاب شاهی نازنینی را چه غم
گر ز خار و خاره سازد بستر و بالین غریب

۴ ای که در زنجیر زلفت جان چندین آشناست
خوش فتاد آن خال مشکین بر رخ رنگین غریب

۵ می‌نماید عکس می در رنگ روی مهوشت
همچو برگ ارغوان بر صفحهٔ نسرین غریب

۶ بس غریب افتاده است آن مور خطّت گرد رخ
گر چه نبود در نگارستان خط مشکین غریب

۷ گفتم ای شام غریبان طرّهٔ شبرنگ تو
در سحرگاهان حذر کن چون بنالد این غریب

۸ گفت حافظ آشنایان در مقام حیرتند
دور نبود گر نشیند خسته و غمگین غریب

ب،ه،ز،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ه،ز،ی،ل. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ط: ۱،۲،۳،۴،۶،۷،۵،۸

ك: ۱،۲،۴،۳،۵،۶،۷،۸

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ز،ك: در سودای دل ی: ره گم می‌کند

۲ـ ط: بگذرزمانی

۳ـ * ه،ك: کوز خار و خاره

۴ـ ز،ط،ل: جای چندین ه: چندین پارساست * ب: خال شیرین

۵ـ ك: رنگ وروی * ط: برگ زعفران

۶ـ ز: آن مسورچه کرد رخت ل: مور خط گرد رخت * ط،ی،ك: خط مسکین

۷ـ ب: طرهٔ رنگین تو * ب: هرسحرگاهان

۸ـ * ب،ط،ك،ل: خسته و مسکین ی: خستهٔ مسکین

١٦

١ ای شاهد قدسی که کشد بند نقابت
وی مرغ بهشتی که دهد دانه و آبت

٢ خوابم بشد از دیده درین فکر جگرسوز
کاغوش که شد منزل و مأواگه خوابت

٣ درویش نمی‌پرسی و ترسم که نباشد
اندیشهٔ آمرزش و پروای ثوابت

۴ راه دل عشاق زد آن چشم خمارین
پیداست ازین شیوه که مست است شرابت

۵ تیری که زدی بر دلم از غمزه خطا رفت
تا باز چه اندیشه کند رای صوابت

۶ هر ناله و فریاد که کردم نشنیدی
پیداست نگارا که بلندست جنابت

٧ دورست سر آب درین بادیه هش‌دار
تا غول بیابان نفریبد به سرابت

٨ تا در ره پیری به چه آئین روی ای دل
باری به غلط صرف شد ایّام شبابت

٩ ای قصر دل افروز که منزلگه انسی
یارب مکناد آفت ایّام خرابت

١٠ حافظ نه غلامیست که از خواجه گریزد
لطفی کن و بازآ که خرابم ز عتابت

ب،د،ه،ز،ح،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ل. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ب،ی: ۱،۲،۳،۹،۶،۷،۱۰ بیت‌های ۴ و ۵ و ۸ را ندارد

د: ۱،۲،۳،۹،۶،۷،۸،۵،۱۰ بیت ۴ را ندارد

ه: ۱،۲،۳،۸،۹،۶،۱۰ بیت‌های ۴ و ۵ و ۷ را ندارد

ز: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۹،۱۰،۸

ح: ۱،۲،۳،۴،۵،۹،۶،۷،۸،۱۰

ك: ۱،۲،۳،۴،۵،۹،۱۰،۸ بیت‌های ۶ و ۷ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * د: ای مرغ

۲ـ د: ازین فکر * ح،ك: که شدتکیه و ماواکه د: منزل وآسایش خوابت ل: منزل آسایش خوابت

۳ـ * ب،د،ه: تدبیر صوابت ی: پروای صوابت

۴ـ ز،ل: چشم خماری

۵ـ د: خطا بود * د: تا باز چه تدبیر کند

۶ـ ح: نشنودی

۷ـ ز: دورست همی‌آب ك،ل: ازین بادیه

۹ـ ح،ك: که عشرت‌گه انسی

۱۰ـ ی: که از خواجه برنجد * ز،ل: صلحی کن و ح،ی: که نرنجم زعتابت ك: که برنجم زعتابت

۱۷

۱ خمی که ابروی شوخ تو در کمان انداخت
به قصد خون من زار ناتوان انداخت

۲ شراب خورده و خوی کرده کی شدی به چمن
که آب روی تو آتش در ارغوان انداخت

۳ به یک کرشمه که نرگس به خودفروشی کرد
فریب چشم تو صد فتنه در جهان انداخت

۴ ز شرم آنکه به روی تو نسبتش کردند
سمن به دست صبا خاک در دهان انداخت

۵ بنفشه طرّهٔ مفتول خود گره می‌زد
صبا حکایت زلف تو در میان انداخت

۶ من از ورع می و مطرب ندیدمی زین پیش
هوای مغبچگانم در این و آن انداخت

۷ کنون به آب می لعل خرقه می‌شویم
نصیبهٔ ازل از خود نمی‌توان انداخت

۸ نبود رنگ دو عالم که نقش الفت بود
زمانه طرح محبّت نه این زمان انداخت

۹ مگر گشایش حافظ درین خرابی بود
که بخشش ازلش در می مغان انداخت

۱۰ جهان به کام من اکنون شود که دور زمان
مرا به بندگی خواجهٔ جهان انداخت

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ه،ح، امـا بیت ۱۰ تنها در دو نسخهٔ ز،ل هست. نسخه‌های ط،ك با همین ترتیب بیت۵را ندارند. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ز: ۱،۲،۳،۴،+،۵،۶،۷،۸،۱۰،۹ بعد از بیت ۴ بیت زیر را افزوده است:

+ بیزمگاه چمن دوش مست بگذشتم چو از دهان تـوام غنچه در گمان انداخت

ی: ۱،۸،۷،۶،۲،۵،۴،۹ بیت‌های ۳ و ۱۰ را ندارد

ل: ۱،۸،۳،۲،+،۵،۴،۶،۷،۹،۱۰ بعد از بیت۲ بیت زیر را افزوده است:

+ بیزمگاه چمن دوش مست بگذشتم چو از دهـان تـوام غنچه درگمان انداخت

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ز: در جهان انداخت * ط،ل: بقصد جان من

۲ـ ب: کی روی بچمن ه: خوش شدی بچمن ز: چـون شدی بچمن
ل: میروی بچمن * ب: آتش بارغوان

۴ـ ح،ك: بشرم آنکه ب،ل: نسبتش کردم * ب،ط: سحربـدست صبا

۵ـ ب: طرهٔ مفتون خود ه: طرهٔ مفتون را ح،ی: طرهٔ مفتول را

۶ـ ه،ی: ندیدمی‌هرگز * ی: درین میان انداخت

۸ـ ط،ی،ل: نبـود نقش دو عـالم ز،ح،ی،ك: کـه نقش رویـت بود
ل: که رنگ الفت بود

۹ـ * ح،ی،ك: که قسمت ازلش

۱۸

۱ سینه‌ام زاتش دل در غم جانانه بسوخت
آتشی بود درین خانه که کاشانه بسوخت

۲ تنم از واسطهٔ دوری دلبر بگداخت
جانم از آتش مهر رخ جانانه بسوخت

۳ هر که زنجیر سر زلف پری روی تو دید
دل سودازده‌اش بر من دیوانه بسوخت

۴ سوز دل بین که ز بس آتش اشکم دل شمع
دوش برمن ز سر مهر چو پروانه بسوخت

۵ آشنائی نه غریب است که دلسوز من است
چون من از خویش برفتم دل بیگانه بسوخت

۶ خرقهٔ زهد مرا آب خرابات ببرد
خانهٔ عقل مرا آتش خمخانه بسوخت

۷ چون پیاله دلم از توبه که کردم بشکست
همچو لاله جگرم بی می و پیمانه بسوخت

۸ ماجرا کم کن و بازآ که مرا مردم چشم
خرقه از سر بدر آورد و به شکرانه بسوخت

۹ ترک افسانه بگو حافظ و می نوش دمی
که نخفتیم شب و شمع به افسانه بسوخت

ب،ه،ز،ح،ط،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ز،ح،ط**. با ترتیب متن، نسخهٔ **ب** بیت ۴ و نسخهٔ **ه** بیت‌های ۴و۵ و نسخهٔ **ل** بیت ۳ را ندارد. ترتیب نسخهٔ **ك** چنین است:

۹،۸،۷،۳،۲،۱ بیت‌های ۴ و ۵ و ۶ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ز،ل: سینه ازآتش
۲ـ ك: دوری هجران * **ب:** دلـم ازآتش حسن رخ **ه:** آتش عشق رخ
ح: آتش شوق رخ
۳ـ ط،ك: پری روئی دید
۴ـ ح: آن‌گذشتم بسر ازآتش دل دوش‌که شمع **ز،ط:** اشکم چون شمع
۵ـ * ب: خوش ... برفتم **ح:** من چو از خویش
۶ـ * ل: آتش میخانه
۷ـ * ب،ه،ز،ح،ك: همچوباده جگرم **ط:** بی می پیمانه **ل:** بی‌می وخمخانه
۹ـ ط: تاکی افسانه بگو **ب:** می‌نوش و مرو * **ز:** که نخفتم بشب و
ك :که بخفتیم بشب و

۱۹

۱ ساقیا آمدن عید مبارک بادت
وان مواعید که کردی مرواد از یادت

۲ در شگفتم که درین مدّت ایّام فراق
بر گرفتی ز حریفان دل و دل می‌دادت

۳ برسان بندگی دختر رز گو بدر آی
که دم و همّت ما کرد ز بند آزادت

۴ شادی مجلسیان در قدم و مقدم تست
جای غم باد هران دل که نخواهد شادت

۵ شکر ایزد که ازین باد خزان رخنه نیافت
بوستان سمن و سرو و گل و شمشادت

۶ چشم بد دور کزان تفرقه خوش باز آورد
طالع نامور و دولت مادر زادت

۷ حافظ از دست مده صحبت این کشتی نوح
ورنه طوفان حوادث ببرد بنیادت

ب،ه،و،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق.

اختلاف نسخه‌ها

۴ـ **ط:** شادی مجلس ما **ك:** در قدم مقدم * **ل:** مران دل

۵ـ **ل:** ایزد که ز تاراج خزان * **ك:** بوستان سخن

۶ـ **ح:** کزین تفرقه‌اش بازآورد **ی:** کزین تفرقه خوش بازآورد **ك،ل:** کزان تفرقدات بازآورد **ط:** خوش بازآمد

۷ـ **ل:** مده دولت این **ح،ك:** صحبت آن کشتی

۲۰

۱ شکفته شد گل خمری و گشت بلبل مست
صلای سرخوشی ای صوفیان وقت پرست

۲ اساس توبه که در محکمی چو سنگ نمود
ببین که جام زجاجی چه طرفه‌اش بشکست

۳ بیار باده که در بارگاه استغنا
چه پاسبان و چه سلطان چه هوشیار و چه مست

۴ درین رباط دو در چون ضرورت است رحیل
رواق و طاق معیشت چه سربلند و چه پست

۵ مقام عیش میسّر نمی‌شود بی رنج
بلی به حکم بلا بسته‌اند عهد الست

۶ به هست و نیست مرنجان ضمیر و خوش می‌باش
که نیستیست سرانجام هر کمال که هست

۷ شکوه آصفی و اسب باد و منطق طیر
به باد رفت و ازو خواجه هیچ طرف نبست

۸ به بال و پر مرو از ره که تیر پرتابی
هوا گرفت زمانی ولی به خاک نشست

۹ زبان کلک تو حافظ چه شکر آن گوید
که گفتهٔ سخنت می‌برند دست به دست

ب،ج،ه،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با ب،ه،ح،ط،ك،ل. با ترتیب متن نسخهٔ ج بیت‌های ۷ و ۹ و نسخهٔ ی بیت‌های ۴ و ۸ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ب،ح،ی،ك،ل: گل حمرا * ی: ای بلبلان باده پرست ب،ل: صوفیان باده پرست

۲ـ ك: لباس توبه * ح،ك: چگونه‌اش بشکست

۴ـ ل: ازین رباط ه، ط: چون مقررست رحیل * ب: رواق وطاق مقرنس ج: معیشت چه پاسبان و چه مست

۵ـ ط: مقام عشق * ب: یکی بحکم ط: بلی به‌حکم بلی ح،ی،ك: بسته‌اند روزالست

۶ـ * ح: که نیستست سرانجام ك: که نیست است سرانجام

۷ـ ح،ی: شکوه آصف وآسیب بادو * ی: ازو هیچ خواجه طرف نبست

۸ـ ح: که تیر ربانی

۹ـ ه: چه شرح آن گوید ح: چه قدر آن گوید * ب،ی: که گفتهٔ سخنش

۲۱

۱ مطلب طاعت و پیمان و صلاح از من مست
که به پیمانه کشی شهره شدم روز الست

۲ من همان دم که وضو ساختم از چشمهٔ عشق
چار تکبیر زدم یکسره بر هرچه که هست

۳ می بده تا دهمت آگهی از سرّ قضا
که به روی که شدم عاشق و از بوی که مست

۴ کمر کوه کم است از کمر مور آنجا
نا امید از در رحمت مشو ای باده پرست

۵ بجز آن نرگس مستانه که چشمش مرساد
زیر این طارم فیروزه کسی خوش ننشست

۶ جان فدای دهنت باد که در باغ نظر
چمن آرای جهان خوشتر ازین غنچه نبست

۷ حافظ از دولت عشق تو سلیمانی شد
یعنی از وصل تواش نیست بجز باد به دست

ب،ه،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ح: که نه پیمان شکنی ب،ه،م: که به پیمان شکنی
۲ـ ط: چشمه نوش * ط،م: یك رهه برهرچه ك: یکسر برهرچه
۳ـ ك: می‌دهم تا دهمت * ك: که بروی کـه شدی عـاشق و بربوی که مست
م: که بروی تو شدم عاشق و از بوی تو مست
۴ـ ه،ح،ل،م: مور اینجا
۵ـ ی: بجز آن چشمهٔ مستانه ك: بجز این نرگس *ك: زیر آن طارم
ط: طارم پیروزه
۶ـ ط: فدای نظرت باد ل: فدای دهنش باد * ط: ازین نقش نبست
۷ـ * ه: نیست بجز باده بدست ح،ك: هست کنون باده بدست ط:
نیست کنون باد بدست م: هست کنون باده پرست

۲۲

۱ زلف آشفته و خوی کرده و خندان لب و مست

پیرهن چاک و غزلخوان و صراحی در دست

۲ نرگسش عربده جوی و لبش افسوس کنان

نیم شب دوش به بالین من آمد بنشست

۳ سر فراگوش من آورد و به آواز حزین

گفت کای عاشق دیرینهٔ من خوابت هست

۴ عارفی را که چنین ساغر شبگیر دهند

کافر عشق بود گر نبود باده پرست

۵ برو ای زاهد و بر دردکشان خرده مگیر

که ندادند جز این تحفه به ما روز الست

۶ آنچه او ریخت به پیمانهٔ ما نوشیدیم

اگر از خمر بهشت است و گر از بادهٔ مست

۷ خندهٔ جام می و زلف گره‌گیر نگار

ای بسا توبه که چون توبهٔ حافظ بشکست

ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق.

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ * ز،ط: من آمد سرمست
۳ـ ح: سرفرا پیش من ب،ل: آورد بآواز * ب،ی،ل: گفت ای عاشق
ج،د: عاشق دیوانهٔ من
۴ـ د،ط،ل: عاشقی را که چنین ه: که چنان ساغر شب‌گیر د: بادهٔ
شبخیز ج،ز،ل: بادهٔ شبگیر * ز،ح،ط،ك،ل: گرنشود باده پرست
۶ـ ی: به‌پیمانه و ما * ح،ل: بهشتست وگر بادهٔ مست
۷ـ ز،ح،ك: جرعهٔ جام می و

۲۳

۱ در دیر مغان آمد یارم قدحی در دست
مست از می و میخواران از نرگس مستش مست

۲ در نعل سمند او شکل مه نو پیدا
وز قدّ بلند او بالای صنوبر پست

۳ آخر به چه گویم هست از خود خبرم چون نیست
وز بهر چه گویم نیست با وی نظرم چون هست

۴ شمع دل دمسازان بنشست چو او برخاست
وافغان ز نظربازان برخاست چو او بنشست

۵ گر غالیه خوشبو شد در گیسوی او پیچید
ور وسمه کمانکش گشت در ابروی او پیوست

۶ باز آی که باز آید عمر شدهٔ حافظ
هرچند که ناید باز تیری که بشد از شست

ه،ز،ط،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با ز،ط،ل. با ترتیب متن نسخه‌های ه،ك بیت ۵ را ندارند.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ه: از نرگس شوخش مست

۲ـ ك: شکل مه نو پیداست

۳ـ ط: از بهرچه‌گویم   * ه،ط،ك: با او نظرم   ز: باری نظرم

۴ـ ه،ز،ل: دل دمسازم   * ه: افغان

۵ـ ط: درکیسوی او پیچد

۶ـ * ه: هرچندکه نباید باز   ط: هرچند نباید باز تیری‌که بـرفت از شست

ك: هرچند نباید باز هرتیرکه شد از شست

۲۴

۱ به جان خواجه و حق قدیم و عهد درست
که مونس دم صبحم دعای دولت تست

۲ سرشک من که ز طوفان نوح دست ببرد
ز لوح سینه نیارست نقش مهر تو شست

۳ بکن معامله‌ای وین دل شکسته بخر
که با شکستگی ارزد به صد هزار درست

۴ ملامتم به خرابی مکن که مرشد عشق
حوالتم به خرابات کرد روز نخست

۵ زبان مور به آصف دراز گشت و رواست
که خواجه خاتم جم یاوه کرد و باز نجست

۶ دلا طمع مبر از لطف بی نهایت دوست
چو لاف عشق زدی سر بباز چابک و چست

۷ شدم ز دست تو شیدای کوه و دشت و هنوز
نمی‌کنی به ترحّم نطاق سلسله سست

۸ مرنج حافظ و از دلبران حفاظ مجوی
گناه باغ چه باشد چو این درخت نرست

ب،و،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با **ب،و،ز،ح،ط،ك**. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ل: ۱،۲،۳،۵،۶،+،۷،۸ بیت ۴ را نـدارد و بعد از بیت ۶ بیت زیـر را افزوده است:

بصدق کوش که خورشید زاید از نفست / که از دروغ سیه روی گشت صبح نخست

ی،م: ۱،۲،۳،۷،۴،۵،۶،۸

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ز،ح: بجان یار و بحق قدیم و عهد درست **ط،ك:** بجان یار قـدیم و بحق عهد درست * **ح:** که مونس دل و جانم دعای **ط:** کـه مـونسم دم صبح و دعای.

۲ـ ل: نوح دست برد * **ز:** نقش روی تو شست.

۵ـ ز،ح،ط،ك: برآصف **ب،و،م:** گشت ازان **و:** کشت و روان * **و،ح:** چرا که خاتم جم **ط:** کرد و هیچ نجست

۶ـ ح،ك: دلامبرطمع.

۷ـ ی: شیدا بکوه و دشت.

۸ـ ح،ك: خموش حافظ و از **ط:** دلبران کناره مجوی * **و،ل:** چـو این گیاه نرست **ز:** جو آن درخت

۲۵

۱ روزه یکسو شد و عید آمد و دلها بـرخاست
می ز خمخانه به جوش آمد و می باید خـواست

۲ نـوبهٔ زهدفـروشان گـرانجان بگذشت
وقت رندی و طـرب کـردن رنـدان بـرجاست

۳ چه مـلامت بـود آن را کـه چنین بـاده خـورد
این چه عیبست بدین بیخردی وین چـه خـطاست

۴ بـاده نـوشی کـه درو روی و ریـائی نـبود
بـهتر از زهدفـروشی کـه درو روی و ریـاست

۵ مـا نـه مـردان ریـائیم و حـریفان نـفاق
آنکه او عالِم سرّست برین حـال گـواست

۶ فـرض ایـزد بگزاریـم و بـه کس بـد نکنیم
وانـچه گـویند روا نـیست نگوئـیم رواست

۷ چه شود گر من و تـو چند قـدح بـاده خـوریم
بـاده از خـون رزانست نـه از خـون شماست

۸ این چـه عیبست کـزان عیب خلل خـواهد بـود
ور بود نیز چـه شد مـردم بـی عیب کـجاست

ط،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با ط،ل. با ترتیب متن نسخهٔ ك بیت‌های ۷ و ۸ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ *ط: می زمیخانه ك: می و میخانه
۲ـ ط،ك: توبهٔ زهد فروشان گرانجان * ط،ك: وقت شادی و طرب‌کردن رندان برخاست ل: طرب‌کردن رندان‌پیداست. (متن‌تصحیح قیاسی است).
۳ـ ط: چه ملامت رسدآنکس‌که چوما باده خورد
این نه عیبست بدین بی خردی این نه خطاست
ك: چه ملامت خوردآنکس‌که‌چوماباده‌نخورد
این نه‌عیبست بدین خرده واین (کلمه ناخوانا) نه خطاست
۴ـ ط،ك: باده خواری‌که درو هیچ ریائی نبود * ط: رو و ریاست.
۵ـ ل: مانه رندان ریائیم * ط،ك: انك او ل: بدین حال ك: بدین قول
۶ـ ك: بگزاریم و بدی هم نکنیم
۸ـ ط: این نه عیست‌کزین عیب * ط: بی عیب خداست.

۲۶

۱ چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست
سخن‌شناس نئی دلبرا خطا اینجاست

۲ سرم به دنیی و عقبی فرو نمی‌آید
تبارک‌الله ازین فتنه‌ها که در سر ماست

۳ در اندرون من خسته دل ندانم کیست
که من خموشم و او در فغان و در غوغاست

۴ دلم ز پرده برون شد کجائی ای مطرب
بنال هان که ازین پرده کار ما به نواست

۵ مرا به کار جهان هرگز التفات نبود
رخ تو در نظر من چنین خوشش آراست

۶ نخفته‌ام ز خیالی که می‌پزم، شبهاست
خمار صدشبه دارم شرابخانه کجاست

۷ چنین که صومعه آلوده شد ز خون دلم
گرَم به باده بشوئید حق به دست شماست

۸ ازان به دیر مغانم عزیز می دارند
که آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست

۹ چه ساز بود که بنواخت دوش آن مطرب
که رفت عمر و دماغم هنوز پر ز هواست

۱۰ ندای عشق تو دوشم در اندرون دادند
فضای سینه ز شوقم هنوز پر ز صداست

ب،ح،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ح،ك: دو مصراع مقدم و مؤخر است * ل: نهٔ جان من خطا
۴ـ * ح: هان که درین پرده
۵ـ * ك: چنین که خوش آراست
۶ـ ح: بخفته‌ام ل: ز خیالی که میزد دل من * ك: خمار دی شبه
۷ـ * ب: گرم بباده بشویند ك: کراست وقت عبادت چه جای وقت دعاست
۸ـ ب،ح: ازان به‌پیرمغانم
۹ـ ل: چه ساز بودکه در پرده میزدآن مطرب ك: ایـن مطرب * ك: هنوزم دماغ پرز صداست ل: هنوزم دماغ پر ز هواست
۱۰ـ ب،ح،ل: عشق تو دیشب * ك،ل: سینهٔ حافظ هنوز ك: سینهٔ‌حافظ ز ذوق پر ز هواست

۲۷

۱ ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست
منزل آن مه عاشق‌کش عیّار کجاست

۲ شب تار است و ره وادی ایمن در پیش
آتش طور کجا موعد دیدار کجاست

۳ هرکه آمد به جهان نقش خرابی دارد
در خرابات مپرسید که هشیار کجاست

۴ آن کس است اهل بشارت که اشارت داند
نکته‌ها هست بسی محرم اسرار کجاست

۵ هر سر موی مرا با تو هزاران کارست
ما کجائیم و ملامتگر بیکار کجاست

۶ عقل دیوانه شد آن سلسلهٔ مشکین کو
دل ز ما گوشه گرفت ابروی دلدار کجاست

۷ باده و مطرب و گل جمله مهیّاست ولی
عیش بی یار مهیّا نشود یار کجاست

۸ حافظ از باد خزان در چمن دهر مرنج
فکر معقول بفرما گل بی خار کجاست

ب،ه،ز،ح،ی،ك،ل،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ه،ز،ح،ی**. باترتیب متن، نسخهٔ **ك** بیت‌های ۵و۶ را ندارد و نسخهٔ **ل** بعد از بیت ۵ بیت زیر را افزوده است:

باز پرسید زگیسوی شکن درشکنش　　　کاین دل غمزده سرگشته‌گرفتار کجاست

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ن: شب درازست　　***ز:** وعدهٔ دیدار

۳ـ * ز،ك: در خرابات نپرسند　　**ل:** در خرابات بگوئید　　**ن:** بپرسید

۴ـ ی: که اشارت دارد

۵ـ ن: هر سر موی ترا خود سر وکاری دگرست　　***ب،ه،ح،ی:** ملامتگر بدکار

۶ـ * ن: دل ما

۷ـ ل: ساقی و مطرب و می　　*** ب،ك،ن:** مهیا نبود　　**ح:** میسر نشود

۸ـ ك: حافظ از باده خوران

۲۸

۱ دل و دینم شد و دلبر به ملامت برخاست

گفت با ما منشین کز تو سلامت برخاست

۲ که شنیدی که درین بزم دمی خوش بنشست

که نه در آخر صحبت به ندامت برخاست

۳ شمع اگر زان رخ خندان به زبان لافی زد

پیش عشّاق تو شبها به غرامت برخاست

۴ در چمن باد بهاری ز کنار گل و سرو

به هواداری آن عارض و قامت برخاست

۵ مست بگذشتی و از خلوتیان ملکوت

به تماشای تو آشوب قیامت برخاست

۶ پیش رفتار تو پا بر نگرفت از خجلت

سرو سرکش که به ناز قدوقامت برخاست

۷ حافظ این خرقه بینداز مگر جان ببری

کاتش از خرمن سالوس کرامت برخاست

ب،ه،ح،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق.

اختلاف نسخه‌ها

۳ـ ح: زان رخ زیبا بزبان   ل: زان لب خندان بزبان
۵ـ ح: بگذشتی برخلوتیان
۶ـ * ل: بناز از قد و قامت
۷ـ * ل: خرقهٔ سالوس   ب،ه،ل: سالوس وکرامت

۲۹

۱ خیال روی تو در هر طریق همره ماست
نسیم موی تو پیوند جان آگه ماست

۳ به رغم مدّعیانی که منع عشق کنند
جمال چهرهٔ تو حجّت موجّه ماست

۳ ببین که سیب زنخدان تو چه می‌گوید
هزار یوسف مصری فتاده در چه ماست

۴ اگر به زلف دراز تو دست ما نرسد
گناه بخت پریشان و دست کوته ماست

۵ به حاجب در خلوت‌سرای خاص بگو
فلان ز گوشه‌نشینان خاک درگه ماست

۶ اگر به سالی حافظ دری زند بگشای
که سالهاست که مشتاق روی چون مه ماست

۷ به صورت از نظر ما اگر چه محجوبست
همیشه در نظر خاطر مُرفّه ماست

هـ،ز،ح،ط،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های هـ،ز،ح،ط،ك. در نسخهٔ ل بیتهای ۶ و ۷ مقدم و مؤخر است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * هـ: نسیم بوی تو ح: نسیم زلف تو
۲ـ * ح: جمال و چهرهٔ تو
۵ـ ك: در دولت سرای هـ،ز: خاص بکوی * هـ: خاص درکه ماست
۶ـ هـ: بسالی و حافظ ح: درت زند بگشای * هـ: که روزهاست

۳۰

۱ آن شب قدری که گویند اهل خلوت امشب است
یارب این تأثیر دولت در کدامین کوکب است

۲ تا به گیسوی تو دست ناسزایان کم رسد
هر دلی در حلقه‌ای در ذکر یارب یارب است

۳ کشتهٔ چاه زنخدان توام کز هر طرف
صد هزارش گردن جان زیر طوق غبغب است

۴ شهسوار من که مه آیینه‌دار روی اوست
تاج خورشید بلندش خاک نعل مرکب است

۵ تاب خوی بر عارضش بین کافتاب گرم رو
در هوای آن عرق تا هست هر روزش تب است

۶ من نخواهم کرد ترک لعل یار و جام می
زاهدان معذور داریدم که اینم مذهب است

۷ آنکه ناوک بر دل من زیر چشمی می‌زند
قوت جان حافظش در خندهٔ زیر لب است

۸ آب حیوانش ز منقار بلاغت می‌چکد
زاغ کلک من بنامیزد چه عالی مشرب است

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ه،ح،ی،ل،م، اما نسخه‌های ه،ح بیت ۸ را ندارند.

ز: ۱،۲،۳،۴،+،۵،۶،۷ بیت ۸ را ندارد

ط: ۱،۲،۳،+،۵،۶ بیت‌های ۴ و ۷ و ۸ را ندارد

ك: ۱،۲،۶،۵،+،۳،۴،۷،۸

نسخهٔ ز بعد از بیت ۴، نسخهٔ ط بعد از بیت ۳، نسخهٔ ك بعد از بیت ۵، ونسخهٔ ل بعد از بیت ۶، بیت زیر را افزوده‌اند:

+ اندرآن موکب که برپشت صبا بندند زین با سلیمان چون برانم‌من که‌مورم‌مرکب‌است

که در نسخهٔ ك: «اندران منزل که براسب صبا» و در نسخهٔ ل: «اندرآن ساعت» و درنسخهٔ ز: «با سلیمان کی برایم» و در نسخهٔ ط: «چون برآیم» ضبط شده‌است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ح: قدری که جویند م: اهل دولت * م: آن تـأثیر ز،ط: از کدامین م: در کدامین دولت

۲ـ ط: چشم ناسزایان * ح،ی: هرشبی در حلقه زلف تو یارب م: هردل از هرحلقه‌ای در ذکر ه،ل: از حلقهٔ در ط: از حلقهٔ زلف تـو یارب

۳ـ ح: کشتهٔ خال * ز: صد هزاران طوق جان در زیر ح: صد هزاران گردن ی: گردن اندر زیر

۴ـ ح: که خود آئینه‌دار مهر اوست * ی: خال خورشید

۵ـ ز،ط،ی،ك،ل: عکس خوی ح: عکس می م: تاب می * ح: این عرق ط: تا هست دانم در تبست

۶ـ ط: نخواهم ترك کردن لعل * ح: دوستان معذور می‌دارید کاینم

۷ـ ك: بردل ما

۸ـ ب،ی،م: آب خورشیدش ز منقار ك: ز منقار ملاحت * م: زانکه کلك نازنینش نیك عالی مشرب است ی: زانکه کلك من ب،ل: من بنام ایزد چه

۳۱

۱ ما را ز خیال تو چه پروای شراب است
خم گو سر خودگیر که خمخانه خراب است

۲ گر خمر بهشت است بریزید که بی‌دوست
هر شربت عذبم که دهی عین عذاب است

۳ افسوس که شد دلبر و در دیدهٔ گریان
تحریر خیال خط او نقش برآب است

۴ بیدار شو ای دیده که ایمن نتوان بود
زین سیل دمادم که درین منزل خواب است

۵ معشوقه عیان می‌گذرد برتو ولیکن
اغیار همی بیند ازان بسته نقاب است

۶ گل بررخ رنگین تو تا لطف عرق دید
در آتش رشک از غم دل غرق گلاب است

۷ راه تو چه راهیست که از غایت تعظیم
دریای محیط فلکش عین سراب است

۸ در کنج دماغم مطلب جای نصیحت
کاین حجره پر از زمزمهٔ چنگ و رباب است

۹ حافظ چه شد ار عاشق و رند است و نظرباز
بس طور عجب لازم ایّام شباب است

ب،د،ه،ز،ح،ط،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با ب،ه. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

د،ل: ۱،۲،۳،۴،۵،۶، +،۸،۹ بیت ۷ را ندارند.

ز: ۱،۲، ×،۴،۳،۵، +،۸،۶،۷،۹

ح: ۱،۲، ×،۴،۳،۵، +،۸،۷،۹ بیت ۶ را ندارد.

ط: ۱،۲،۴،۵،۳،۶،۷،۸،۹

ك: ۱،۲، ×،۴،۳،۵، +،۸،۶،۷،۹

نسخه‌های د،ل بعد از بیت ۶ و نسخه‌های ز،ح،ك بعد از بیت ۵، این بیت:

+سبزست درودشت بیا تا نگذاریم دست از سرآبی که جهان جمله سرابست

و نسخه‌های ز،ح،ك بعد از بیت ۲ بیت زیر را افزوده‌اند:

×در بزم دل از روی توصد شمع برافروخت

وین طرفه که برروی تو صد گونه نقابست

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ * ز: هرشربت قندم که دهی

۳ـ * ز: خیال خط تو ط: خیال و خط او ح،ك: خیال رخ او

ه: نقش سرابست

۴ـ * ب،ه: از سیل دمادم ط: که درین وادی خوانست

۵ـ د،ك،ل: معشوق عیان * ط: نمی‌بیند ازان ز: ازان بسته حجابست

۶ـ * ل: درآتش شوق

۸ـ د،ه: مطلب راه نصیحت * ل: کاین‌گوشه

۳۲

۱ زلفت هزار دل بـه یکی تـاره مـو بـبست
راه هزار چـاره‌گـر از چـارسو بـبست

۲ تـا هر کسی بـه بـوی نسیمی دهند جـان
بگشود نـافه‌ای و در آرزو بـبست

۳ شیدا ازان شدم کـه نگارم چـو مـاه نـو
ابـرو نـمود و جلوه‌گـری کـرد و روبـبست

۴ ساقـی به چند رنگ مـی‌انـدر پـیاله ریـخت
این نقشها نگر که چـه خـوش در کـدو بـبست

۵ یارب چه نغمه کـرد صراحـی کـه خـون خـم
بـا نـغمه‌های قـلقلش انـدر گـلو بـبست

۶ مطرب چـه پـرده ساخـت کـه در پـردهٔ سماع
بـر اهل وجـد و حـال درِ های و هو بـبست

۷ حـافظ هر آنکه عشق نـورزید و وصل خـواست
احـرام طـوف کـعبهٔ دل بـی‌وضو بـبست

ب،ج،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با ب،ج،ه،ح،ك،ل. در نسخهٔ ز بیت‌های ۴ و ۵ و در نسخهٔ ی بیت‌های ۵ و ۶ مقدم و مؤخر است. نسخهٔ ط بیت‌های ۱ و ۲ و ۳ را دارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ج: زلفت هزار مو ز،ح،ط: زلفش هزار دل ز،ط،ی: بیکی‌تارمو * ه: چاره که از

۲ـ ز،ل: تا عاشقان ببوی نسیمش دهندجان * ه: نافه را و

۳ـ ه: شیدا شدم ازانك نگارم

۴ـ ك: ساقی بخنده رنگ * ح: وین نقشها نگر چه خوش اندرکدو بیست ی: این نقشها به‌بین

۵ـ ز،ی: یارب چه نعره‌کرد ح،ل: یارب چه غمزه‌کرد ز: صراحی‌که جام می ح: صراحی‌که خون جام * ح: با نقشهای قلقلش ی: زین نعرمها و قلقلش ل: با نعرهای قلقلش ز: غلغلش اندرکلو

۶ـ ج: مطرب چه زخمه ساخت ه: مطرب چه نغمه کرد ح،ك: که در حلقهٔ سماع ز: داناکه زد تفرج این چرخ حقه باز * ز: هنکامه باز چید و در های و هو بیست ح: براهل نجد ووجد ره های و هو بیست

۷ـ ز: حافظ‌کسی که‌عشق نورزید و صلح‌خواست * ز: احرام کعبهٔ دل و جان بی وضو بیست

۳۳

۱ خدا چو صورت ابروی دلگشای تو بست
گشاد کار من اندر کرشمه‌های تو بست

۲ مرا و مرغ چمن را ز دل ببرد آرام
زمانه تا قصب نرگس و قبای تو بست

۳ ز کار ما و دل غنچه بس گره بگشود
نسیم گل چو دل اندر پی هوای تو بست

۴ مرا به بند تو دوران چرخ راضی کرد
ولی چه سود که سررشته در رضای تو بست

۵ چو نافه بردل مسکین من گره مفکن
چو عهد با سر زلف گره گشای تو بست

۶ تو خود حیات دگر بودی ای زمان وصال
خطا نگر که دل امید در وفای تو بست

۷ ز دست جور تو گفتم ز شهر خواهم رفت
به خنده گفت که حافظ برو که پای تو بست

ب،ج،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق جز نسخهٔ ی که چنین است:

ی: ۱،۲،۵،۴،۶،۳،۷

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ه: خدا که صورت

۲ـ ب،ه،ی،ل: مرا و سرو چمن را به‌خاك راه نشاند ط: ز دل ربود آرام * ه،ی،ل: قصب نرگس قبای ز: قصب و ترکش قبای ط: قصب زرکش قبای

۳ـ ب،ی: هم از نسیم تو روزی گشایشی یابد ز: نکار ما ز دل غنچه ح،ك: زکارماگره غنچه بس‌گره ه،ط،ل: غنچه صدگره * ب،ی: چو غنچه هر که دل اندر ز،ط: ولی‌چه سودکه سررشته در رضای توبست

۴ـ ط: مرا بقید تو * ز: نسیم‌گل چو دل اندر پی هوای تو بست ط: که عهد با سرزلف گره‌کشای توبست ج: سررشته در قفای توبست

۵ـ ب،ی: چو غنچه بردل ز: ز نافه بردل مسکین من گره بکشود ك: چو باد بردل ط: مسکین ماگره * ز،ح،ك،ل: که عهد ط: نسیم گل چو دل خویش در هوای تو بست

۶ـ ل: توخود وصال دگر ط: بودی ای نسیم صبا ی: بودهٔ زمان وصال ز،ح،ك،ل: ای نسیم وصال * ج،ی: دلم امید ندانست و در وفای تو بست ط: خطا نکردکه دل در پی قبای تو بست ز،ح،ك: که دل اندر پی وفای

۷ـ ك: ز دست جور تو خواهم ز شهر بیرون رفت

۳۴

۱ خلوت گزیده را به تماشا چه حاجت است
چون کوی دوست هست به‌صحرا چه حاجت است

۲ جانا به حاجتی که ترا هست با خدای
کاخر دمی بپرس که ما را چه حاجت است

۳ ای پادشاه حسن خدا را بسوختیم
آخر سؤال کن که گدا را چه حاجت است

۴ ارباب حاجتیم و زبان سؤال نیست
در حضرت کریم تمنّا چه حاجت است

۵ محتاج قصّه نیست گرت قصد جان ماست
چون رخت ازان تست به یغما چه حاجت است

۶ جام جهان نماست ضمیر منیر دوست
اظهار احتیاج خود آنجا چه حاجت است

۷ آن شد که بار منّت ملاّح بردمی
گوهر چو دست داد به دریا چه حاجت است

۸ ای عاشق گدا چو لب روح بخش یار
می‌داندت وظیفه تقاضا چه حاجت است

۹ ای مدّعی برو که مرا با تو کار نیست
احباب حاضرند به‌اعدا چه حاجت است

۱۰ حافظ تو ختم کن که هنر خود عیان شود
با مدّعی نزاع و محاکا چه حاجت است

الف،ب۱، ب۲، ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ب۱،ب۲،ه،ی. با ترتیب متن نسخهٔ الف بیت ۶ و نسخهٔ ج بیت۴را ندارد و در نسخهٔ د بیت‌های ۵ و ۶ و در نسخهٔ ل بیت‌های ۸ و ۹ مقدم ومؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ز: ۱،۳،۲،۴،۸،۶،۷،۵،۹،۱۰

ح،ك: ۱،۹،۳،۲،۴،۶،۸،۷،۵،۱۰

ط: ۱،۳،۴،۸،۶،۷،۱۰ بیت‌های ۲و۵و۹ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۲ــ د،ح،ل: هست با خدا * ز: آخر سؤال کن که‌گدا را چه حاجتست

۳ــ * ز: کاخر دمی بپرس که مارا چه حاجتست

۵ــ ج: محتاج غمزه نیست که در قصد خون ماست ح: محتاج قصد نیست‌گرت میل جان ماست ك،ل: گرت قصد خون ماست * ز: احباب حاضرند باعدا چه حاجتست ب۱: رخت زان تست

۶ــ ب۱: جان جهان نماست ج: ضمیر منیرتست * ب۱: خود اینجا

۹ــ*ز: چون رخت ازان تست بیغما چه حاجتست

۱۰ــ ه: خود عیان کند

۳۵

۱ رواق منظر چشم من آستانهٔ تست
کرم نمای و فرود آ که خانه خانهٔ تست

۲ به لطف خال و خط از عارفان ربودی دل
لطیفه‌های عجب زیر دام و دانهٔ تست

۳ دلت به وصل گل ای بلبل سحر خوش باد
که در چمن همه گلبانگ عاشقانهٔ تست

۴ علاج ضعف دل ما به لب حوالت کن
که آن مفرّح یاقوت در خزانهٔ تست

۵ به تن مقصّرم از دولت ملازمتت
ولی خلاصهٔ جان خاک آستانهٔ تست

۶ من آن نیم که دهم نقد دل به هر شوخی
در خزانه به مهر تو و نشانهٔ تست

۷ تو خود چه لعبتی ای شهسوار شیرین کار
که توسنی چو فلک رام تازیانهٔ تست

۸ چه جای من که بلغزد سپهر شعبده باز
ازین حیل که در انبانهٔ بهانهٔ تست

۹ سرود مجلست اکنون فلک به رقص آرد
که شعر حافظ شیرین سخن ترانهٔ تست

ب،ج،هـ،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با ب،ج،هـ،ز،ی،ك،ل،م. با ترتیب متن نسخهٔ ح بیت ۲ و نسخهٔ ط بیت ۲ را ندارد. در نسخهٔ ط بیت‌های ۶و۷ مقدم و مؤخر است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ب،هـ،ط،ی،ل،م: من آشیانهٔ تست * ج،ز،ح،ی،م: کرم نما وفرودآ
هـ: درا درا و فرودا ط: فرودآی خانه ك: فرودآی که خانه
۲ـ ح: بزلف و خال و م: بلطف و خال و ی،ك: از عارفان ببردی دل
۳ـ م: دلت زوصل گل ح،ك،ل: بلبل صباخوش
۴ـ ج: علاج درد دل ما * ج،ل: که این مفرح
۵ـ * ح،ط: ولی ملازم جان خاك ط: خاك اشیانهٔ تست
۶ـ ط: که دهم دل بمهر هرشوخی * ح،ك: در خزینه ط: ولی خزینه
۷ـ * ط: فلك زیر تازیانهٔ
۸ـ * ح،ط: ازان حیل ح: در ابنای سالیانهٔ تست
۹ـ ط: اکنون مرا برقص آورد * ی: حافظ مسکین دگر ترانهٔ

۳۶

۱ برو به کار خود ای واعظ این چه فریادست
مرا فتاد دل از ره ترا چه افتادست

۲ به کام تا نرساند مرا لبش چون نای
نصیحت همه عالم به گوش من بادست

۳ میان او که خدا آفریده است از هیچ
دقیقه‌ایست که هیچ آفریده نگشادست

۴ گدای کوی تو از هشت خلد مستغنیست
اسیر بند تو از هر دو عالم آزادست

۵ اگرچه مستی عشقم خراب کرد ولی
اساس هستی من زان خراب آبادست

۶ دلا منال ز بیداد و جور یار که یار
ترا نصیب همین کرده است و این دادست

۷ برو فسانه مخوان و فسون مدم حافظ
کزین فسانه و افسون مرا بسی یادست

ب،ه،ز،ح،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با ب،ه،ح،ی. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ز: ۱،۳،۴،۵،۶،+،۷ بیت ۲ را ندارد و بعد از بیت ۶ بیت زیررا افزوده است:

+ غم جهان مخور و پند من مبر ازیاد   که این لطیفهٔ عشقم زره روی یـادست

ك: ۱،۳،۴،۵،۶،۷،۲

ل: ۱،۳،۲.۴،۵،۶،۷

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ك: مرا فتاده دل

۲ـ ی: بکام تا نرسد لب من از لبش چون نای

۴ـ * ل: اسیر عشق تو از هردو عالم

۵ـ * ب،ز،ی: اساس مستی من   ز: زان خرابی   ح: زان خراب افتادست

۶ـ ب،ه: ز بیداد جوریار   * ك: همین داد و این ترا دادست   ل: همین کرد و این ازآن دادست

۷ـ ی: فسانه مگو و فسون مخوان   * ز: کـه ایـن فسانه و افسون بنزد مـا بادست   ح: ترا بسی یادست

۳۷

۱ بیا که قصر امل سخت سست بنیادست
بیار باده که بنیاد عمر بر بادست

۲ غلام همّت آنم که زیر چرخ کبود
ز هرچه رنگ تعلّق پذیرد آزادست

۳ چه گویمت که به میخانه دوش مست و خراب
سروش عالم غیبم چه مژده‌ها دادست

۴ که ای بلندنظر شاهباز سدره نشین
نشیمن تو نه این کنج محنت آبادست

۵ ترا ز کنگرهٔ عرش می‌زنند صفیر
ندانمت که درین دامگه چه افتادست

۶ نصیحتی کنمت یاد گیر و در عمل آر
که این حدیث ز پیر طریقتم یادست

۷ مجو درستی عهد از جهان سست نهاد
که این عجوزه عروس هزار دامادست

۸ غم جهان مخور و پند من مبر از یاد
که این لطیفهٔ عشقم ز رهروی یادست

۹ رضا به داده بده وز جبین گره بگشای
که برمن و تو در اختیار نگشادست

۱۰ نشان عهد و وفا نیست در تبسّم گل
بنال بلبل عاشق که جای فریادست

۱۱ حسد چه می‌بری ای سست نظم بر حافظ
قبول خاطر و لطف سخن خدادادست

الف،ب،ج،د،هـ،و،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با الف،ب،هـ،و،ی،ك،م. با ترتیب متن نسخه‌هـای ج،د،ز بیت ۸ را ندارند.

ح: ۱،۲،۳،۴،۵،۸،۷،۹،۱۰،۱۱ بیت ۶ را ندارد

ط: ۱،۲،۳،۴،۵،۸،۹،۱۱ بیت‌های ۶و۷و۱۰ را ندارد

ل: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۸،۹،۷،۱۰،۱۱

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ی: که ایام عمر

۳ـ ی: مست شراب د،ح: مست خراب

۵ـ ط: فراز کنگرهٔ عرش ج: می‌زنند نفیر

۶ـ ی: در عمل‌آور

۷ـ ح: فریب شیوه حسن از جهان پیر مخر د: سست آباد * ج: که ان عجـوزه ح،ل،م: کـه این عجوز

۸ـ هـ: بیر از یاد ط: مده از یاد * ط: لطیفهٔ غیبم

۹ـ ط: برو ملامت دردی‌کشان مکن زاهد ب،ز،ح: گره بگشا

۱۰ـ ج،و،ز: عهد وفا * ز،ح،ل: بلبل بیدل ی: چه جای

۱۱ـ ز: مکن‌معارضه ای شیخ وقت با حافظ ط: مکن‌معارضه ای سست نظم با حافظ * ز،ط: که حسن شیوه و لطف سخن ك: قبول مردم

۳۸

۱ تا سر زلف تو در دست نسیم افتادست
دل سودازده از غصّه دو نیم افتادست

۲ چشم جادوی تو خود عین سواد سحرست
لیکن این هست که این نسخه سقیم افتادست

۳ در خم زلف تو آن خال سیه دانی چیست
نقطهٔ دوده که در حلقهٔ جیم افتادست

۴ زلف مشکین تو در گلشن فردوس عذار
چیست طاووس که در باغ نعیم افتادست

۵ دل من از هوس بوی تو ای مونس جان
خاک راهیست که در پای نسیم افتادست

۶ همچو گرد این تن خاکی نتواند برخاست
از سر کوی تو زانرو که عظیم افتادست

۷ سایهٔ سرو تو بر قالبم ای عیسی دم
عکس روح است که بر عظم رمیم افتادست

۸ آنکه جز کعبه مقامش نبد از یاد لبت
بر در میکده دیدم که مقیم افتادست

۹ حافظ گمشده را با غمت ای جان عزیز
اتّحادیست که در عهد قدیم افتادست

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با ب،ه،ز،ط،ی،ل،م. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ح: ۱،۲،۷،۳،۴،۵،۶،۸،۹

ك: ۱،۴،۵،۶،۷،۸،۹ بیت‌های ۲و۳ راندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ * ب،م: لیکن آن هست ط،ی: که آن نسخه

۳ـ *ی: نقطه نون که در

۵ـ ط: دل ما از هوس ل: دل من در هوس ز،ی: از هوس روی تو * ز،ل: که در دست نسیم

۶ـ * ب: زان درکه عظیم ط: زان ناله عظیم

۷ـ ل: سایهٔ قد تو * ح،ل: عکس روحیست ی: عکس روئیست

۸ـ ط: مقامش نبد از روز الست

۹ـ ز: حافظ دلشده ه: با لبت ای جان ل: ای یار عزیز * ی: که با عهد قدیم

۳۹

۱ بی‌مهر رخت روز مرا نور نماندست
وز عمر مرا جز شب دیجور نماندست

۲ صبرست مرا چارهٔ هجران تو لیکن
چون صبر توان کرد که مقدور نماندست

۳ هنگام وداع تو ز بس گریه که کردم
دور از رخ تو چشم مرا نور نماندست

۴ می‌رفت خیال تو ز چشم من و می‌گفت
هیهات ازین گوشه که معمور نماندست

۵ وصل تو اجل را ز سرم دور همی داشت
از دولت هجر تو کنون دور نماندست

۶ نزدیک شد آن دم که رقیب تو بگوید
دور از درت آن خستهٔ مهجور نماندست

۷ من بعد چه سود ارقدمی رنجه کند دوست
کز جان رمقی در تن رنجور نماندست

۸ در هجر تو گر چشم مرا آب نماند
گو خون جگر ریز که معذور نماندست

۹ حافظ ز غم از گریه نپرداخت به خنده
ماتم‌زده را داعیهٔ سور نماندست

ب،ز،ح،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با ب،ی اما ی بیت ۲ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ز،ك: ۱،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۲،۹

ح: ۱،۳،۴،۵،۶،۹ بیت‌های ۲و۷و۸ را ندارد.

ل: ۱،۳،۴،۵،۶،۲،۸،۹ بیت ۷ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ز: چاره ز هجر تو ولیکن

۳ـ ی: گریه که کردیم

۵ـ ی: اجل از سرمن

۶ـ ز: که رقیبان تو گویند * ی،ل: دور از رخت ی،ك: ان خستهٔ رنجور

ل: این خستهٔ رنجور ز،ح: خستهٔ رنجور

۷ـ * ی: در تن مهجور

۸ـ ز: آب نماندست ی: چشم مرا خواب نگیرد ل: آب روانست

* ب،ح: که مقدور نماندست

۴۰

۱ باغ مرا چه حاجت سرو و صنوبرست
شمشاد خانه پرور من از که کمتر است

۲ ای نازنین صنم تو چه مذهب گرفته‌ای
کت خون ما حلال‌تر از شیر مادر است

۳ چون نقش غم ز دور ببینی شراب‌خواه
تشخیص کرده‌ایم و مداوا مقرّر است

۴ از آستان پیر مغان سر چرا کشم
دولت درین سرا و گشایش درین در است

۵ دی وعده داد وصلم و در سر شراب داشت
امروز تا چه گوید و بازش چه در سر است

۶ در راه ما شکسته دلی می‌خرند و بس
بازار خودفروشی ازان سوی دیگر است

۷ یک قصّه بیش نیست غم عشق و این عجب
کز هر کسی که می‌شنوم نامکرّر است

۸ شیراز و آب رکنی و این باد خوش نسیم
عیبش مکن که خال رخ هفت کشور است

۹ فرق است ازاب خضر که ظلمات جای اوست
تا آب ما که منبعش الله اکبر است

۱۰ ما آب روی فقر و قناعت نمی‌بریم
با پادشه بگوی که روزی مقدّر است

۱۱ حافظ چه طرفه شاخ نباتیست کلک تو
کش میوه دلپذیرتر از شهد و شکّر است

الف،ب،ج،د،ه،و،ز،ح،ط،ی،ك،ل،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ج. با ترتیب متن نسخه‌های **الف،ب،ه،ز** بیت ۶ راندارند و در نسخه‌های **و،ی** بیت‌های ۵ و ۶ مقدم ومؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

د: ۱،۲،۳،۴،۶،۵،۷،۱۰،۸،۹،۱۱

ح: ۱،۲،۴،۵،۳،۱۰،۸،۹،۱۱

ط: ۱،۱۰،۳،۶،۵،۲،۸،۹،۱۱

ك: ۱،۲،۷،۴،۵،۳،۱۰،۸،۹،۱۱

ل: ۱،۲،۳،۴،۷،۵،۸،۹،۱۰،۱۱

ن: ۱،۲،۳،۵،۸،۹،۱۰،۱۱ بیتهای ۴،۶،۷ ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ج،ه: سروصنوبرست *** د،ط،ل**: خانه پرورما **و،ز**: سایه پرور من **ح**: سایه پرورما

۲ـ د،ه،ز،ح،ی،ك،ل: ای نازنین پسر

۴ـ ب،د،ه،و،ی،ل: سرچرا کشیم **ح،ك**: سرکشم‌چـرا *** ج**: درین سرای **ل**: درآن سراوگشایش درآن **د**:گشایش بدین **ه،و**:گشایش برین

۵ـ ح: دی‌وعده‌صلح‌دادم‌ودرسر **ط**: دی‌دادوعده‌وصلم و *** ط**:تاچه بازد وبازش

۶ـ * ج،د،و،ی،ط: ازان راه دیگرست

۷ـ الف: یك قصه نیست شرح غم عشق و وین عجب **ك**: غم عشق آن صنم **ل**: غم عشق وین عجب *** ز،ج،ك**: از هرکسی که می‌شنوم **ی**: کز هرکه هست می‌شنوم **ل**: کز هرزبان که می‌شنوم

۸ـ ح: آن باد **د،ی**: باد خوش نفس *** و**: که آب رخ

۹ـ ك: فرقست آب خضر *** الف**: ازآب ما که **ب**: تا آب او که **الف،ب،ز**: الله و اکبرست

۱۰ـ * الف،ب،ج: که روزی مقررست **ح،ك**: که قسمت مقدرست

۱۱ـ الف،د: حافظ روان چو شاخ **ب،ه،ی،ن**: حـافظ روان چه شاخ **ط**: حـافظ چـو طرز شاخ **الف،ب،ه،ز،ط،ی،ن**: شاخ نباتست * **ط**: کش میوهٔ لذیذتر از **ك**: کش میوهٔ لطیف‌تر از

۴۱

۱ المنّة للّه که در میکده باز است
زان رو که مرا بر در او روی نیاز است
۲ خمها همه در جوش و خروشند ز مستی
وان می که در آنجاست حقیقت نه مجاز است
۳ از وی همه مستیّ و غرورست و تکبّر
وز ما همه بیچارگی و عجز و نیاز است
۴ رازی که بر غیر نگفتیم و نگوئیم
با دوست بگوئیم که او محرم راز است
۵ شرح شکن زلف خم اندر خم جانان
کوته نتوان کرد که این قصّه دراز است
۶ بار دل مجنون و خم طرّهٔ لیلی
رخسارهٔ محمود و کف پای ایاز است
۷ بر دوخته‌ام دیده چو باز از همه عالم
تا دیدهٔ من بررخ زیبای تو باز است
۸ در کعبهٔ کوی تو هر آن کس که درآید
از قبلهٔ ابروی تو در عین نماز است
۹ ای مجلسیان سوز دل حافظ مسکین
از شمع بپرسید که در سوز و گداز است

هـ،ط،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با ط،ل. با ترتیب متن در نسخهٔ هـ بیت‌هـای ۲ و ۳ مقدم و مؤخر است.

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ * هـ: زین می
۳ـ هـ: از او همه مستی	ط: مستی و خروش است و تکبر
۴ـ هـ،ط: رازی که برخلق
۵ـ هـ: خم خوبان
۸ـ ل: که بیاید
۹ـ * هـ: با شمع بگوئید

۴۲

۱ اگرچه باده فرح بخش و باد گلبیزست
به بانگ چنگ مخور می که محتسب تیز است

۲ صراحیی و حریفی گرت به چنگ افتد
به عقل نوش که ایّام فتنه‌انگیز است

۳ در آستین مرقّع پیاله پنهان کن
که همچو چشم صراحی زمانه خونریز است

۴ ز رنگ باده بشوئیم خرقه‌ها در اشک
که موسم ورع و روزگار پرهیز است

۵ سپهر بر شده پرویزنیست خون‌افشان
که ریزه‌اش سر کسری و تاج پرویز است

۶ مجوی عیش خوش از دور واژگون سپهر
که صاف این سر خم جمله دردی آمیز است

۷ عراق و پارس گرفتی به شعر خوش حافظ
بیا که نوبت بغداد و وقت تبریز است

الف،ب،ج۱،ج۲،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با **الف،ب،ج۱،ز،ی**. در نسخه‌های **ج۲،ح،ط،ك،ل** بیت‌های ۵ و ۶ مقدم و مؤخر است.

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ **ج۲:** صراحئی و کتابی **ج۲،ح،ی:** گرت بدست افتد * **ج۲:** بهوش نوش **ك:** بعقل کوش

۳ـ ***ط:** زمان خونریزست

۴ـ **ز،ل:** بآب دیده بشوئیم خرقها از می **ح:** خرقـه را در اشك **ك:** خرقها از اشك * **ز:** که صاف این سرخم جمله دردی آمیزست

۵ـ **ج۱:** سپهر پرشده پرویزنیست خون پالای **ط:** سپهر پیرچـو پرویزنیست * **ج۱،ز،ط،ك:** که قطره‌اش **ح:** که قطرهٔ سرکسری

۶ـ **ط:** واژگون فلك **ل:** باژگون سپهر * **ز:** که موسم ورع و روزکار پرهیزست **ح:** که صافی سرخم جمله دردآمیزست

۷ـ **الف،ح،ل:** عراق و فارس * **الف:** بیا که موسم

۴۳

۱ حال دل با تو گفتنم هوس است
خبر دل شنفتنم هوس است
۲ طمع خام بین که قصّهٔ فاش
از رقیبان نهفتنم هوس است
۳ شب قدری چنین عزیز و شریف
با تو تا روز خفتنم هوس است
۴ وه که دُر دانه‌ای چنین نازک
در شب تار سفتنم هوس است
۵ ای صبا امشبم مدد فرمای
که سحرگه شکفتنم هوس است
۶ از برای شرف به نوک مژه
خاک راه تو رُفتنم هوس است
۷ همچو حافظ به رغم مدّعیان
شعر رندانه گفتنم هوس است

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ز،ط،ی: حال خود
۲ـك: خام به‌بین **ی:** بین و قصهٔ فاش * **ی:** از رقیبان شنفتنم **ط:** از رفیقان
۳ـ ب،ه،ز،ح،ی،ل: عزیز شریف
۵ـ ب: مدد فرما
۶ـ *ح،ك: خاك درگاه رفتنم **ط:** در و یاقوت سفتنم هوس است

ردیف این غزل در نسخهٔ «ی» به‌جای «هوس است» در تمام بیت‌ها «چه خوش‌است» ثبت شده است.

۴۴

۱ صحن بستان ذوق بخش و صحبت یاران خوش است
وقت گل خوش باد کز وی وقت میخواران خوش است

۲ از صبا هر دم مشام جان ما خوش می‌شود
آری آری طیب انفاس هواداران خوش است

۳ ناگشوده گل نقاب آهنگ رحلت ساز کرد
ناله کن بلبل که گلبانگ دل افگاران خوش است

۴ مرغ شب‌خوان را بشارت باد کاندر راه عشق
دوست را با نالهٔ شبهای بیداران خوش است

۵ نیست در بازار عالم خوشدلی ور زانکه هست
شیوهٔ رندی و خوشباشی عیّاران خوش است

۶ از زبان سوسن آزاده‌ام آمد به گوش
کاندر این دیر کهن کار سبکباران خوش است

۷ حافظا ترک جهان گفتن طریق خوشدلیست
تا نپنداری که احوال جهانداران خوش است

ب،د،ه،ز،ح،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق. با ترتیب متن نسخه ی بیت آخر را نـدارد و در نسخهٔ ح بیت‌های ۵ و ۶ مقدم و مؤخر است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ز،ح: بستان روح بخش و * ح: کزوی مجلس یاران خوش است
۲ـ ه: ای صبا هردم
۳ـ ب،د،ه،ی: گـل قبا آهنگ ز: آهنك رحلت مـی کند ح: آهنگ رفتن می کند ی،ك: آهنگ رفتن سازکرد * ب،ه،ی: بلبل که فریاد دل افکاران ز: بلبل که آهنگ دل افکاران
۴ـ ز،ح،ی،ك،ل: مرغ خوشخوانرا
۵ـ *ب: خوشباشی و عیاری ح:ك: خوشباشی دلداران

۴۵

۱ کنون که بر کــف گــل جــام بــادهٔ صاف است
به صد هزار زبان بــلبلش در اوصاف است

۲ بـخواه دفــتر اشعــار و راه صحــرا گــیر
چه وقـت مــدرسه و بــحث کشف کشّاف است

۳ بــبرُ ز خلق و ز عنقــا قــیاس کــار بگیر
که صیت گــوشه‌نشینان ز قــاف تــا قــاف است

۴ فــقیه مــدرسه دی مست بــود و فــتوی داد
کـه مـی‌حـرام ولی بـه زمــال اوقــاف است

۵ بـه دُرد و صاف تـرا حکم نـیست خــوش در کش
کـه هر چــه ساقــی مــا کــرد عین الطاف است

۶ حــدیث مــدّعیان و خیال همکاران
همان حکایــت زردوز و بــوریاباف است

۷ خموش حـافظ و ایـن نکته‌های چــون زر سرخ
نگاه‌دار کـه قـلاّب شهــر صرّاف است

ب،ج۱،ج۲،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با ب،ز،ی. با ترتیب متن نسخهٔ ج۱ بیت ۳ ونسخهٔ ج۲ بیت ۲ را ندارد، در نسخهٔ ط بیت‌های ۳ و ۲ مقدم و مؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ح،ك: ۱،۲،۴،۳،۵،۷،۶

ل: ۱،۲،۴،۵،۳،۶،۷

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ی: کنون که درکف گل

۲ـ ح،ط: راه بستان‌گیر ٭ ز،ط: چه‌جای مدرسه ج۱،ج۲،ح،ك: کشف وکشافست

۳ـ ل: بیر ز خلق و چو عنقا ٭ ح: گوشه نشینان قاف

۴ـ ٭ ی: که می حلال ولی

۵ـ ج۱،ز: نیست دم درکش ٭ ج۲،ح : ساقی مـا داد ح : محض الطافست

۶ـ ب،ح : خیال همکاری

۷ـ٭ ج۱: شهر زراق است

۴۶

۱ درین زمانه رفیقی که خالی از خلل است
صراحی می صاف و سفینهٔ غزل است

۲ جریده رو که گذرگاه عافیت تنگ است
پیاله گیر که عمر عزیز بی بدل است

۳ نه من ز بی عملی در جهان ملولم و بس
ملالت علما هم ز علم بی عمل است

۴ به چشم عقل درین رهگذار پر آشوب
جهان و کار جهان بی‌ثبات و بی محل است

۵ دلم امید فراوان به وصل روی تو داشت
ولی اجل به ره عمر رهزن امل است

۶ بگیر طرّهٔ مه‌چهره‌ای و قصّه مخوان
که سعد و نحس ز تأثیر زهره و زحل است

۷ به هیچ دور نخواهند یافت هشیارش
چنین که حافظ ما مست بادهٔ ازل است

ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با ب،ج،د،ه،ز،ی،ك. باترتیب متن درنسخه‌های ح،ط بیت‌های ۳ و ۴ و در نسخهٔ ل بیت‌های ۵ و۶ و در نسخه ن بیتهای ۲ و۳ مقدم و مؤخر است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ج: صراحی و می صاف و ل: صراحی می ناب و
۲ـ * ز: پیاله نوش که عمر
۴ـ * د: ببین که کار جهان بی ثبات و ج: بی ثبات و پرخللست
۵ـ ج: فراوان بروی خوب تو داشت ن: به وصل تو میداشت
۶ـ ح: طرهٔ معطرهٔ و *ح: که نحس و سعد د،ح: بتأثیر ه: زهره و حمل
۷ـ ج،د،ه،ن: بهیچ‌روی ب،ط،ی،ك،ن: نخواهید یافت ح: بخواهید یافت

۴۷

۱ گل در بر و می در کف و معشوقه به کام است
سلطان جهانم به چنین روز غلام است

۲ گو شمع میارید درین جمع که امشب
در مجلس ما ماه رخ دوست تمام است

۳ در مذهب ما باده حلال است ولیکن
بی روی تو ای سرو گل اندام حرام است

۴ در مجلس ما عطر میامیز که ما را
هر لحظه ز گیسوی تو خوشبوی مشام است

۵ گوشم همه بر قول نی و نغمهٔ چنگ است
چشمم همه بر لعل لب و گردش جام است

۶ از چاشنی قند مگو هیچ و ز شکّر
زانرو که مرا در لب شیرین تو کام است

۷ تا گنج غمت در دل ویرانه مقیم است
همواره مرا کنج خرابات مقام است

۸ از ننگ چه گوئی که مرا نام ز ننگ است
وز نام چه پرسی که مرا ننگ ز نام است

۹ میخواره و سرگشته و رندیم و نظرباز
وان کس که چو ما نیست درین شهر کدام است

۱۰ با محتسبم عیب مگوئید که او نیز
پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است

۱۱ حافظ منشین بی می و معشوقه زمانی
کایّام گل و یاسمن و عید صیام است،

الف،ب،د،هـ،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با **الف،ب،د،ی،ن** در نسخهٔ **ل** بیت‌های ۴ و ۵ مقدم ومؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

هـ: ۱،۳،۲،۵،۴،۷،۱۰،۱۱	بیت‌های ۶ و ۸ و ۹ را ندارد
ز: ۱،۲،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۱	بیت‌های ۳ و ۴ را ندارد
ح: ۱،۲،۳،۴،۶،۷،۵،۸،۹،۱۰،۱۱	
ط: ۱،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۱	بیت‌های ۲ و ۳ و ۱۰ را ندار
ك: ۱،۲،۳،۴،۶،۷،۸،۹،۱۰،۵،۱۱	
م: ۱،۲،۳،۴،۵،۶	بقیهٔ ابیات را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ **ح،ك،ن:** می برکف **د،هـ،ز،ط،ل،م:** معشوق ***ح،ك:** بچنین‌وقت

۲ـ **الف:** میارید بدین جمع **ن:** عطر میارید ***ح،ی،ك:** ماه رخ یار

۳ـ *** ك:** بی لعل توای **د:** ای شمع‌گل اندام

۴ـ **د،ح،ی،ك،م:** میامیز که جانرا *** ط،ك:** هردم ز سرزلف تو خوشبوی

۵ـ **ط:** گوش همه **ب:** زخمهٔ چنگست **ح:** نـالهٔ چنگست *** ط:** چشم همه **ز،ط:** برلعل تو وگردش

۶ـ **ح،ك:** ای چاشنی قند مگو هیچ ز شکر *** د:** مرا با لب شیرین تو **ز:** برلب شیرین تو **ل:** از لب شیرین تو **ن:** زان لب

۷ـ **الف،هـ:** در دل دیوانه **ب:** دل بیگانه ***ح،ك،ن:** پیـوسته مرا **ل:** مرا کوی خرابات

۸ـ **د،ن:** از ننگ چه پرسی **ح:** وز ننگ چه پرسی

۹ـ **ح:**میخواره‌وآشفته و *** الف:**هرکس‌که **د:** آنکس‌که‌چوما نیست ددین‌دور **ز:**آنکس‌که **ط:**آنکس‌که‌درین‌روز چومانیست **ی،ن:** وانکس که چنین

۱۰ـ **ن:** با محتسب شهر بگوئید ***ح:** چو من در طلب **ز،ك:** درطلب شرب مدام

۱۱ـ **ب،هـ،ز،ط،ل،ن:** می ومعشوق ***د:** گل یاسمن **ط:** امروز که روز طرب و عید

۴۸

۱ به کوی میکده هر سالکی که ره دانست
دری دگر زدن اندیشهٔ تبه دانست

۲ بر آستانهٔ میخانه هر که یافت رهی
ز فیض جام می اسرار خانقه دانست

۳ زمانه افسر رندی نداد جز به‌کسی
که سرفرازی عالم درین کله دانست

۴ ورای طاعت دیوانگان ز ما مطلب
که شیخ مذهب ما عاقلی گنه دانست

۵ هرانکه راز دو عالم ز خطّ ساغر خواند
رموز جام جم از نقش خاک ره دانست

۶ دلم ز نرگس ساقی امان نخواست به جان
چرا که شیوهٔ آن ترک دل سیه دانست

۷ ز جور کوکب طالع سحرگهان چشمم
چنان گریست که ناهید دید و مه دانست

۸ خوش آن نظر که لب جام و روی ساقی را
هلال یکشبه و ماه چارده دانست

۹ حدیث حافظ و ساغر که می‌زند پنهان
چه جای محتسب و شحنه پادشه دانست

۱۰ بلند مرتبه شاهی که نه رواق سپهر
نمونه‌ای ز خَمِ طاق بارگه دانست

ب،د،ز،ح،ط،ی،ك۱،ك۲،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با ب. باترتیب متن نسخهٔ ی بیت ۸ را ندارد و درنسخهٔ ك بیت‌های ۴ و ۵ مقدم و مؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

د: ۱،۳،۸،۴،۲،۵،۶،۷،۹ — بیت ۱۰ را ندارد

ز: ۱،۳،۲،۵،۴،۶،۷،۹،۸،۱۰

ح: ۱،۳،۵،۴،۶،۷،۸،۹،۱۰ — بیت ۲ را ندارد

ط: ۱،۳،۵،۴،۶،۷،۹،۱۰ — بیت‌های ۲ و ۸ را ندارد

ك۱: ۱،۳،۵،۴،۶،۷،۸،۹ — بیت‌های ۲ و ۱۰ را ندارد

ل: ۱،۳،۲،۵،۴،۶،۷،۹،۱۰ — بیت ۸ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ د،ط: بکوی باده فروشان کسی که ره دانست   ح،ك: براستانهٔ میخانه هر که ره دانست   * د،ز: خیال عافیت اندیشهٔ   ط: ز فیض جام مـی اسرار خانقه دانست

۲ـ د: جز استانهٔ   * ز: جام جم اسرار

۴ـ ز: طاعت بیکانکان

۵ـ ح،ك: کسی که خواند ز خط پیاله نامهٔ عشق   ب: ز خـط ساقـی خواند   * ب،د،ی: رموز حال جم   د: از فیض خاك

۶ـ ط: ز نرگس مستش امان   ز: امان بخواست بجان   ح،ط،ك: بجان نخواست امان

۷ـ ب،ی،ل: ز دست کوکب   * ك۲: گریست که خورشید دید و

۹ـ ط: حدیث ساغر پنهان که می‌زند حافظ   ز: ساغر کشیدن پنهان   ی: ساغر چه میکنی پنهان

۱۰ـط: شهی که طارم هفتم رواق گردونرا   * ب: نمونهٔ

۴۹

۱ صوفی از پرتو می راز نهانی دانست
گوهر هرکس ازین لعل توانی دانست

۲ قدر مجموعهٔ گل مرغ سحر داند و بس
که نه هر کاو ورقی خواند معانی دانست

۳ ای که از دفتر عقل آیت عشق آموزی
ترسم این نکته به تحقیق ندانی دانست

۴ می بیاور که ننازد به گل باغ جهان
هر که غارتگری باد خزانی دانست

۵ عرضه کردم دو جهان بر دل کار افتاده
بجز از عشق تو باقی همه فانی دانست

۶ سنگ و گِل را کند از یمن نظر لعل و عقیق
هرکه قدر نفس باد یمانی دانست

۷ آن شد اکنون که ز افسوس عوام اندیشم
محتسب نیز درین عیش نهانی دانست

۸ لطفش آسایش ما مصلحت وقت ندید
ورنه از جانب ما دل نگرانی دانست

۹ حافظ این گوهر منظوم که از طبع انگیخت
اثر تربیت آصف ثانی دانست

ب،ج،د،ح،ط،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با ح،ك. با ترتیب متن نسخه‌های ب،ط بیت ۴ را ندارند. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ج: ۱، ۲، ۵، ۷، ۶، ۸، ۹ بیت‌های ۳ و ۴ را ندارد
د: ۱، ۲، ۵، ۴، ۶، ۷، ۸، ۹ بیت ۳ را ندارد
ل: ۱، ۲، ۵، ۷، ۸، ۶، ۳، ۴، ۹

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ح: صوفی ازپرتوی از راز * ب،ج،ط: ازان لعل
۲ـ ك: داند بس * ح،ك: نه‌که هرکو ورقی ط: نه هرانکس ورقی
۳ـ ك: آیه عشق اموزی * ك: نکتهٔ تحقیق
۴ـ ح: بگل و باد خزان
۵ـ ب: غرقه‌کردم ج: دو جهان در دل
۷ـ ب،د،ط،ل: که زابنای عوام ح: که ز تشویش عوام * ج: درین کار نهانی
۸ـ ح،ك: لعلش‌آسایش‌ما ل: دلبرآسایش ما ح: مصلحت وقت‌بدید *ج: ورنه آن‌جانب ما
۹ـ ط: حافظ آن‌کوهر

۵۰

۱ روضهٔ خلد برین خلوت درویشان است
مایهٔ محتشمی خدمت درویشان است

۲ گنج عزّت که طلسمات عجایب دارد
فتح آن در نظر رحمت درویشان است

۳ قصر فردوس که رضوانش بهدربانی رفت
منظری از چمن نزهت درویشان است

۴ آنچه زر میشود از پرتو آن قلب سیاه
کیمیائیست که در صحبت درویشان است

۵ آنکه پیشش بنهد تاج تکبّر خورشید
کبریائیست که در حشمت درویشان است

۶ از کران تا بهکران لشکر ظلم است ولی
از ازل تا بهابد غرصت درویشان است

۷ دولتی را که نباشد غم از آسیب زوال
بی تکلّف بشنو دولت درویشان است

۸ گنجقارون که فرو میرود از قهر هنوز
صدمهای از اثر غیرت درویشان است

۹ ای توانگر مفروش این همه نخوت که ترا
سر و زر در کنف همّت درویشان است

۱۰ روی مقصود که شاهان بهدعا میطلبند
مظهرش آینهٔ طلعت درویشان است

۱۱ حافظ اینجا به ادب باش که سلطانی و ملک
همه از بندگی حضرت درویشان است

۱۲ بندهٔ آصف عهدم که درین سلطنتش
صورت خواجگی و سیرت درویشان است

الف،ب،ه،و،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با **الف،ب،ه،** اما الف بیت ۵ و ب بیت‌های ۵و۶و۱۲ و ه بیت‌های ۵ و ۱۲ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

و: ۱،۲،۳،۴،۷،۸،۶،۱۰،۹،۱۱،۱۲ بیت ۵ را ندارد
ز: ۱،۴،۵،۷،+،۹،۲،۱۰،۸،۱۲،۳،۱۱ بیت ۶ را ندارد
ح: ۱،۴،۷،۲،۱۰،۳،۶،۸،۹،۱۱،۱۲ بیت ۵ را ندارد
ط: ۱،۴،۵،۲،۹،۸،۱۲،× بیت‌های ۳و۶و۷و۱۰و۱۱ را ندارد
ی: ۱،۲،۳،۴،۶،۷،۹،۱۰،۱۲،۱۱ بیت‌های ۵ و ۸ را ندارد
ك: ۱،۴،۷،۲،۱۰،۳،۶،۹،۸،۱۱ بیت‌های ۵ و ۱۲ را ندارد
ل: ۱،۲،۳،۴،۵،۷،+،۱۰،۶،۹،۸،×،۱۲ بیت ۱۱ را ندارد

+ خسروان قبلهٔ حاجات دعااند ولی سببش بندگی حضرت درویشانست
ل: حاجات جهانند
× حافظ ارآب حیات ابدی میخواهی منبعش خاك در خلوت درویشانست
ل: از آب حیات ازلی

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ **ح،ط،ی:** خلدبرین صحبت درویشانست * **ح:** پایهٔ محتشمی
۲ـ **و،ز،ط،ل:** کنج عزلت *ز: فتح بابش نظرهمت **ز:ح:** نظر همت
ی: نظر حشمت
۳ـ * **الف،ی:** از چمن نکهت
۴ـ **و:** آنکه زر می‌شود از **الف،ح،ط:** پرتو او
۵ـ **ط:** وانك پیشش بنهد * **ط** : کهربائیست
۷ـ **ح:** نباشد غم آسیب زوال * **ی:** بشنو صحبت درویشانست
۸ـ **ل:** که فرو می‌شود * **و،ز،ح،ط،ك،ل:** خوانده باشی که هم از غیرت
۹ـ **ط:** این توانگر مفروش این همه دعوت که ترا
۱۰ـ * **و:** منظرش آیینه طلعت
۱۱ـ **و،ز:** حافظ انجا بادب **الف،ب،و،ح،ك:** که سلطان و ملك **ز،ی:** که سلطانی ملك * **الف،و:** همه در بندکی **ب:** بندهٔ بندکی
۱۲ـ **ط:** من مرید نظر آصف عهدم کورا **ز:** من غلام نظر آصف عهدم که ورا
ل: من غلام نظر آصف عهدم کورا

۵۱

۱ به دام زلف تو دل مبتلای خویشتن است
بکش به غمزه که اینش سزای خویشتن است

۲ گرت ز دست برآید مراد خاطر ما
به دست باش که خیری بجای خویشتن است

۳ به‌مشک چین و چگل نیست چین گل محتاج
که نافه‌هاش ز بند قبای خویشتن است

۴ به جانت ای بت شیرین من که همچون شمع
شبان تیره مرادم فنای خویشتن است

۵ چو رای عشق زدی با تو گفتم ای بلبل
مکن که آن گل خود روبه‌رای خویشتن است

۶ مرو به خانهٔ ارباب بی مروّت دهر
که گنج عافیتت در سرای خویشتن است

۷ بسوخت حافظ و در شرط عشق‌بازی او
هنوز بر سر عهد و وفای خویشتن است

ب،ه،ح،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با ب،ح، اما ح بیت ۳ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ه: ۱،۲،۵،۷ بقیهٔ بیت‌ها را ندارد

ل: ۱،۲،۴،۵،۳،۶،۷

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ * ب: که چیزی بجای

۳ـ ل: نیست بوی‌گل

۴ـ ل: شیرین دهن

۵ـ ب،ه،ح: چو راز عشق ز دل * **ل:** آن گل خندان برای

۶ـ * ب،ه: که‌کنج عافیت

۷ـ ب،ه: در شرط عشق جـان بازی

۵۲

۱ لعل سیراب به خـون تشنه لب یـار مـن است
وز پـی دیـدن او دادن جـان کـار مـن است

۲ شرم ازان چشم سیه بـادش و مـژگان دراز
هر کـه دل بـردن او دیـد و در انکار مـن است

۳ ساربان رخت بـه دروازه مـبر کـان سر کـوی
شاهراهیست کـه سرمـنزل دلدار مـن است

۴ بـندهٔ طـالع خـویشم کـه دریـن قـحط وفـا
عشق آن لولی سرمست وفـادار مـن است

۵ طبلهٔ عطر گـل و درج عبیر افشانش
فـیض یک شمّه ز بـوی خـوش عطّار مـن است

۶ بـاغبان، همچـو نسیمم ز در بـاغ مـران
کاب گلزار تـو از اشک چـو گـلنار مـن است

۷ شربـت قـند و گـلاب از لب یـارم فـرمود
نـرگس او کـه طبیب دل بـیمار مـن است

۸ آن که در طـرز غزل نکته بـه حـافظ آمـوخت
یـار شیریـن سخـن نـادره گـفتار مـن است

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ک،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با ب،ه،ح،ط،ل. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین‌است:

ز: ۱،۲،۳،۴،۶،۷،۵،۸

ی: ۱،۲،۵،۷،۶،۳،۸ بیت ۴ را ندارد

ک: ۱،۵،۳،۸ بیت‌های ۲ و ۴ و ۶ و ۷ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ک: از پی دیدن

۲ـ ی: شرمی از چشم

۳ـ ز،ل: ساروان ح،ل: کان سرکو * ط،ل: که منزلگه دلدار

۴ـ *ط: آن طوطی سرمست ل: سرمست خریدار منست

۵ـ ح: کلبهٔ عطرگل و ل: زلف عبیرافشانش

۶ـ ح: باغبانا بستم از در باغم مرمان ط،ل: ز در خویش مران

۷ـ ح: شربت از قند وگلاب لب ز: از رخ یارم فرمود ط: از لب‌لعلم فرمود

۸ـ ی: وانکه در طرز ز،ح: آنکه در طور غزل ی: نکتهٔ حافظ
ک: گفتهٔ حافظ * ز،ح،ی،ک: یار شیرین دهن

۵۳

۱ روزگاریست که سودای بتان دین من است
غم این کار نشاط دل غمگین من است

۲ دیدن لعل ترا دیدهٔ جان‌بین باید
وین کجا مرتبهٔ چشم جهان‌بین من است

۳ یار من باش که زیب فلک و زینت دهر
از مه روی تو و اشک چو پروین من است

۴ تا مرا عشق تو تعلیم سخن گفتن داد
خلق را ورد زبان مدحت و تحسین من است

۵ دولت فقر خدایا به من ارزانی دار
کاین کرامت سبب حشمت و تمکین من است

۶ یا رب آن کعبهٔ مقصود تماشاگه کیست
که مغیلان طریقش گل و نسرین من است

۷ واعظ شحنه‌شناس این عظمت گو مفروش
زانکه منزلگه سلطان دل مسکین من است

۸ حافظ از حشمت پرویز دگر قصّه مخوان
که لبش جرعه‌کش خسرو شیرین من است

ب،ج،ه،و،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق‌است با ز،ک. نسخه‌های ب،ج،ه،ط،ی با ترتیب متن بیت ۶ را ندارند. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

و: با ترتیب متن‌بیت ۶ را ندارد و بعد از بیت ۵ بیت زیر را افزوده است:

رسم عاشق‌کشی و شیوهٔ شهرآشوبی کارآن شوخ سیه چـردهٔ شیرین منست

ح: ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۸،۶

ل: ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۶،۸

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ك: دیدهٔ لعل ترا **ل:** دیدن روی ترا **ج:** دیدن جان بین **ه:** چشم جهان بین

۳ـ ی: یادما باش **ك:** فلك و نسبت دهر * **ك:** چشم چو پروین

۴ـ و،ی،ل: سخن گفتن‌کرد

۵ـ * ب: کبن سعادت

۶ـ ل: یارب این * **ح،ك:** که تماشاگه سلطان دل و دین منست

۷ـ * ب: دل غمگین منست **ز:** دل با دین منست

۸ـ * ز،ح: جرعه چش خسرو

۵۴

۱ منم که گوشهٔ میخانه خانقاه من است
دعای پیر مغان ورد صبحگاه من است

۲ گرم ترانهٔ چنگ صبوح نیست چه باک
نوای من به‌سحر آه عذرخواه من است

۳ ز پادشاه و گدا فارغم بحمدالله
کمین گدای در دوست پادشاه من است

۴ غرض ز مسجد و میخانه‌ام وصال شماست
جز این خیال ندارم خدا گواه من است

۵ ازان زمان که برین آستان نهادم روی
فراز مسند خورشید تکیه‌گاه من است

۶ مگر به‌تیغ اجل خیمه بر کنم ور نی
رمیدن از در دولت نه رسم و راه من است

۷ گناه اگر چه نبود اختیار ما حافظ
تو در طریق ادب کوش و گو گناه من است

ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ج،د،ه،ز،ح،ی،ك. با ترتیب متن در نسخهٔ ل بیت‌های ۵ و ۶ مقدم و مؤخر است. ترتیب نسخهٔ ط چنین است:
۱،۳،۲،۴،۶،۵،۷

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ * ی: بسحرگاه عذر خواه
۳ـ * ج،د،ز،ح،ط،ك،ل: گدای خاك در دوست   ه: گدای کوی در دوست
۵ـ ج،ه: که بران آستان   د،ی: که بدین آستان   ج: نهادم رو   ی: نهادم پای   * ی: خورشید بارگاه
۶ـ ح: برکنم ورنه
۷ـ * ب،د،ی: تو برطریق   ج: طریق کوش گو   ب،د،ی: ادب باش وگو   ز،ح،ك: کوش گو   ل: ادب باش گو

۵۵

۱ ز گریه مردم چشمم نشسته در خون است
ببین که در طلبت حال مردمان چون است

۲ به‌یاد لعل تو بی چشم مست میگونت
ز جام غم می لعلی که می‌خورم خون است

۳ ز مشرق سر کوی آفتاب طلعت تو
اگر طلوع کند طالعم همایون است

۴ حکایت لب شیرین کلام فرهادست
شکنج طرّهٔ لیلی مقام مجنون است

۵ دلم بجو که قدت همچو سرو دلجوی است
سخن بگو که کلامت لطیف و موزون است

۶ ز دور باده به جان راحتی رسان ساقی
که رنج خاطرم از جور دور گردون است

۷ ازان زمان که ز چنگم برفت رود عزیز
کنار دامن من همچو رود جیحون است

۸ چگونه شاد شود اندرون غمگینم
به اختیار، که از اختیار بیرون است

۹ ز بیخودی طلب یار می‌کند حافظ
چو مفلسی که طلبکار گنج قارون است

ب،ه،و،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق جز ح که با همین ترتیب بیت ۲ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ز،ك: ببین که از غم تو حال **ح:** ببین که در غم تو حال

۲ـ و،ی: یاد لعل تو وآن دو چشم میگونت **ل:** یاد لعل تو و چشم مست *** ز:** می چون لعل می‌خوردم **ك:** می خون رنك می‌خوردم

۳ـ ز: ز مشرق سر کوت آفتاب طالع من **ح،ی،ل:** ز مشرق سر کو آفتاب

۵ـ ط: دلم بجوی که قدت چوسرو دلجویست

۶ـ ز،ح،ك: بدور باده رسان راحتم بجان ساقی **ب:** باده مرا راحتی **ی:** بجان راحتم رسان *** ط:** از جور و درد گردونست

۷ـ ل: از آندمی که ز چشمم برفت *** ح:** کنار و دامن **ز،ح،ك:** مـن برزرود

٥٦

۱ خم زلف تو دام کفر و دین است
ز کارستان او یک شمّه این است

۲ جمالت معجز حسن است لیکن
حدیث غمزه‌ات سحر مبین است

۳ ز چشم شوخ تو جان کی توان برد
که دایم با کمان اندر کمین است

۴ بدان چشم سیه صد آفرین باد
که در عاشق‌کشی سحرآفرین است

۵ عجب علمیست علم هیئت عشق
که چرخ هشتمش هفتم زمین است

۶ نپنداری که بدگو رفت و جان برد
حسابش با کرام الکاتبین است

۷ مشو حافظ ز کید زلفش ایمن
که دل برد و کنون در بند دین است

ب،ح،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ل. با ترتیب متن نسخه‌های دیگر بیت‌های ۳ و ۷ را ندارند.

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ * ك: تو یك شمه
۴ــ ح،ل: برآن چشم سیه
۵ــ * ب،ح: که چرخ هفتمش هفتم
۶ــ ل: تو پنداری

۵۷

۱ سر ارادت ما و استان حضرت دوست
که هرچه بر سر ما می‌رود ارادت اوست

۲ نظیر دوست ندیدم اگرچه از مه و مهر
نهادم آینه‌ها را مقابل رخ دوست

۳ صبا ز حال دل تنگ ما چه شرح دهد
که چون شکنج ورقهای غنچه تو بر توست

۴ نه من سبوکش این دیر رندسوزم و بس
بسا سرا که درین کارخانه خاک سبوست

۵ مگر تو شانه‌زدی زلف عنبرافشان را
که باد غالیه‌سای است و خاک عنبربوست

۶ نثار روی تو هر برگ گل که در چمن است
فدای قدّ تو هر سروبن که بر لب جوست

۷ رخ تو در دلم آمد مراد خواهم یافت
چرا که حال نکو در قفای فال نکوست

۸ نه این زمان دل حافظ در آتش هوس است
که داغدار ازل همچو لالهٔ خودروست

۹ زبان ناطقه در وصف شوق ما لال است
چه جای کلک بریده زبان بیهده‌گوست

الف،ب،د،ه،و،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ د. با ترتیب متن نسخه‌های الف،ب،ه،و،م بیت ۷ را ندارند، نسخهٔ ی بیت‌های ۷ و ۸ و ۹ را ندارد. در نسخهٔ ز بیت‌های ۸ و ۹ مقدم ومؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ح،ك: ۱،۹،۴،۲،۶،۳،۷،۵،۸

ط: ۱،۳،۶،۷،۵،۴،۲،۹،۸

ل: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۹،۷،۸

ن: ۱،۲،۳،۴،۸،۹ بیتهای ۵ و ۷ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ب: ندیدیم اگرچه د،ح: ندیدم وگرچه ك: ندیدیم‌گرچه م: اگرچه درمهو مهر * و: بدیدم آینها در برابر رخ دوست ط: نهادم آیینها در مقابل ی: نهادم آینها را مقابل ك،ن: نهادم‌آیینه‌ها در مقابل. ل: نهادم آینه‌ها در مقابل

۳ـ ح: به غور درد دل تنگ من کسی برسد ز: دل تنگ من ط: دل ریش ما * ب: ورقهآء دیده ی: ورقهاش توبرتوست

۴ـ الف،ب،و،ی: رندسوز شدم * د: که درین آستانه ی: که درین راه ه،ل،م: سنگ و سبوست ك: سنگ سبوست

۵ـ * ح،ك: که باد مشك نسیم است و خاك غالیه بوست م: که خاك غالیه ساز است و باد عنبر بوست د،ه،ز،ل: غالیه ساگشت و خاك

۶ـ * ك: ورای قدتو ح: هرنارون که برلب جوست

۷ـ د: مراد خواهم خواست * ز: از قفای

۸ـ ب: پرآتش هوس است ه: برآتش هوس است د،ز،ط،ك،ن: درآتش‌طلب است ح: برآتش طلب است * م: که داغ‌او ازلی‌همچو

۹ـ الف،ب،د،ه،و،ز،ط،ل،م: در وصف شوق نالان است ح: در وصف عشق ما ك: در وصف حسن او

۵۸

۱ دارم امید عاطفتی از جناب دوست
کردم جنایتی و امیدم به عفو اوست
۲ چندان گریستیم که هرکس که بر گذشت
در اشک ما چو دید روان گفت کاین چه جوست
۳ دانم که بگذرد زسر جرم من که او
گرچه پری‌وش است ولیکن فرشته‌خوست
۴ سرها چو گوی در سر کوی تو باختیم
واقف نشد کسی که چه‌گوی‌است و این چه‌کوست
۵ بی‌گفت و گوی زلف تو دل را همی کشد
با زلف دلکش تو که را روی گفت و گوست
۶ هیچ است آن دهان که نبینیم ازو نشان
موییست آن میان و ندانم که آن چه موست
۷ عمریست تا ز زلف تو بوئی شنیده‌ام
زان بوی در مشام دل من هنوز بوست
۸ دارم عجب زنقش خیالش که چون نرفت
از دیده‌ام که دم به‌دمش کار شست و شوست
۹ حافظ بد است حال پریشان تو ولی
بر بوی زلف دوست پریشانیت نکوست

ب، ه، ز،ح، ی،ك، ل،م

ترتیب ابیات

متن‌مطابق‌است‌بانسخه‌های ب،ه. با ترتیب متن، درنسخه‌های ز،ی،ك،ل،م بیت‌های ۲ و ۳ مقدم و مؤخر است، نسخهٔ ز بیت‌های ۵ و ۷ ، نسخه‌های ح،ل بیت ۴ ونسخه‌های ی،ك بیت ۵ را ندارند.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * م: کردم خیانتی و

۲ـ ب،ح: چندان گریستیم‌که من‌بعد اگر کسی ی،م: چندان گریستم که ی: که هر آنکس‌که برگذشت

۳ـ * م: ولیکن فریب‌خوست

۴ـ ز: ماسرچوگوی ك: چوگوی‌برسر * ب،ه،ز،ك: که چه کویست و این چه کوست ی: که چه‌گویست و در چه کوست م: که چه‌گویست وین چه‌کوست

۵ـ ح: زلف تو دلها همی برد * ح: کرا برگ گفت وگوست م: کرا رای گفت وگوست

۶ـ ز: که ندیدیم ازان‌نشان ل: دهان ونبینم * ز،ل،م: مویست آن‌میان ح: آن میان و ندانیم‌آن چه موست ك: ان میان‌که ندانیم ان چه‌موست

۷ـ * ك: زان ذوق در مشام

۸ـ ب،ه،ح،م: ز نقش خیالت‌که چون گذشت ی: ز نقش خیالت‌که چون برفت

۹ـ ی: حافظ بدست حال و پریشان توئی ولی * ل: زلف یار پریشانیت

۵۹

۱ آن سیه چرده که شیرینی عالم با اوست
چشم میگون لب خندان رخ خرّم با اوست
۲ گرچه شیرین‌دهنان پادشهانند ولی
او سلیمان زمان است که خاتم با اوست
۳ خال شیرین که بران عارض گندم‌گون است
سرّ آن دانه که شد رهزن آدم با اوست
۴ دلبرم عزم سفر کرد خدا را یاران
چه کنم با دل مجروح که مرهم با اوست
۵ روی خوب است و کمال هنر و دامن پاک
لاجرم همّت پاکان دو عالم با اوست
۶ باکه این نکته توان گفت که آن سنگین دل
کشت ما را و دم عیسی مریم با اوست
۷ حافظ از معتقدان است گرامی دارش
زانکه بخشایش بس روح مکرّم با اوست

الف،ب،ج،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با **الف،ب،ه،ط،م**. بـا تـرتیب متن نسخهٔ **ج** بیت ۴ و نسخهٔ **ی** بیت‌های ۳ و ۴ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ز،ح،ك،ل: ۱،۲،۵،۳،۴،۶،۷

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * **ز،ی،ك،ل،م:** لب خندان دل خرم

۲ـ **ح،ك:** پادشاهانند همه   * **الف،ز:** او سلیمان جهانست   **ی:** که مرهم با اوست

۳ـ **ح،ل:** خال مشکین   **ب،ج،ل،م:** که بدان عارض   * **ب،م:** سر آن نکته که شد   **ك:** سراین نکته که شد   **ب:** ره زن عالم با اوست

۴ـ * **م:** مجروح که خاتم با اوست

۵ـ **الف:** کمال و هنر   **ی:** هنروگوهر پاك

۶ـ **ز:** باکه این شیوه توان

۷ـ * **ج:** بخشایش ارواح مکرم

٦٠

۱ دل سراپردهٔ محبّت اوست
دیده آئینه‌دار طلعت اوست

۲ من که سر در نیاورم به دوکون
گردنم زیر بار منّت اوست

۳ تو و طوبی و ما و قامت یار
فکر هرکس به‌قدر همّت اوست

۴ گر من آلوده دامنم چه زیان
همه عالم گواه عصمت اوست

۵ من که باشم دران حرم که صبا
پرده دار حریم حرمت اوست

۶ دور مجنون گذشت و نوبت ماست
هر کسی پنج روز نوبت اوست

۷ ملکت عاشقی و گنج طرب
هرچه دارم ز یمن دولت اوست

۸ فقر ظاهر مبین که حافظ را
سینه گنجینهٔ محبّت اوست

الف،ب،ج،د،ه،و،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با **الف،ب،و،ی.** با ترتیب متن‌نسخهٔ **ج** بیت ۷ را ندارد و درنسخهٔ **م** بیت‌های ۴ و ۵ مقدم ومؤخر است، نسخه‌های **د،ه** بعد از بیت ۷، بیت زیررا افزوده‌اند:

× من و دل گرفدا شدیم چه شد   غرض انــدر میان سلامــت اوست

ز،ح: ۱،۲،۷،۳،۵،×،۴،۶،۸

×من و دل گر فدا شدیم چه‌باك   غرض انــدر میان سلامــت اوست

ط: ۱،۲،۳،۴،۷،۶،۵،۸

ك: ۱،۲،۷،۳،۵،۴،۶،۸

ل: ۱،۲،۳،۴،۵،+،*،۶،۷،×،۸ **ن:** ۱،۲،۴،۶،۵،۷،۳،۹ بیت ۸ ندارد

+ بی خیالش مباد منظــر چشم   زانکه این‌گوشه جای خلوت اوست

* هرگل نوکه شد چمن آرای   ز اثر رنگ و بوی صحبت اوست

× من و دل‌گر فدا شدیم چه‌باك   غـرض انــدر میان سلامت اوست

اختلاف نسخه‌ها

۲ــ* **م،ن:** گردنم شیب بار

۳ــ **م:** تو و طوبی ما و   **ج:** ما قامت   * **الف:** فکر هریك

۴ــ **و،ن:** من که آلوده دامنم   **ب،د،ه،ی،ل:** دامنم چه عجب

۵ــ **ی:** من که باشم که در حریم صبا   * **الف:** پرده‌دار حریم و حرمت
ب،ط،ی: خاك بوس حریم

۶ــ **الف،ج،و،ز،ك:** گذشت نوبت   ***الف،ج،ح،ن:** پنج روزه   **ط:** روز مهلت اوست

۷ــ **ز،ط:** عاشقی وکنج طلب   **ح:** عاشقی وکنج‌فراق   **ك:** عاشقی و کنج فراغ   **م:** عاشقی و دور طرب   * **ج،و،ل،م:** زیمن همت اوست   **ط:** بیمن دولت اوست

۸ــ **الف،ب،د:** که حافظ راست

٦١

۱ صبا اگر گذری افتدت به‌کشور دوست
بیار نفحه‌ای از گیسوی معنبر دوست

۲ به جان او که به‌شکرانه جان برافشانم
اگر به‌سوی من آری پیامی از بر دوست

۳ اگر چنانکه دران حضرتت نباشد بار
بدین دو دیده بیاور غباری از در دوست

۴ من گدا و تمنّای وصل او هیهات
کجا به‌چشم ببینم خیال منظر دوست

۵ دل صنوبریم همچو بید لرزان است
ز حسرت قد و بالای چون صنوبر دوست

۶ اگرچه دوست به‌چیزی نمی‌خرد ما را
به‌عالمی نفروشیم موئی از سر دوست

۷ چه باشد ار شود از بند غم دلش آزاد
چو هست حافظ خوشخوان غلام و چاکر دوست

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق.

ی: ۷،۶،۵،۴ بیت‌های ۱ و ۲ و ۳ و مصراع اول بیت‌های ۴ و ۵ را ندارد و دو مصراع دوم بیت‌های ۴ و ۵ را به‌صورت یك بیت آورده است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ح،ك: گذری باشدت بکشور

۲ـ ب،ه،م: بجان او که من از شکر جان برافشانم   ز: بجان او که من از رشك جان برافشانم

۳ـ ه،ز: اگر چنانچه   ح،ك: وگر چنانچه   ط،ل: وگر چنانکه
* ز،ح،ط،ك،ل: برای دیده بیاور

۴ـ ز،ك: من کدای و   * ح،ط،ك،ل: مگر بخواب ببینم   ح: ببینم جمال منظر دوست

۵ـ ب: همچو بید می‌لرزد   * ز: درآرزوی قد خوب چون

۷ـ ی: دلت آزاد   * ه،ك،ل: حافظ مسکین

٦٢

۱ این پیک نامور که رسید از دیار دوست
واورد حرز جان ز خط مشکبار دوست

۲ خوش می‌دهد نشان جمال و جلال یار
تا در طلب شود دل امیدوار دوست

۳ دل دادمش به مژده و خجلت همی برم
زین نقد قلب خویش که کردم نثار دوست

۴ شکر خدا که از مدد بخت کار ساز
بر حسب آرزوست همه کار و بار دوست

۵ سیر سپهر و دور قمر را چه اختیار
در گردشند بر حَسَب اختیار دوست

۶ گر باد فتنه هر دو جهان را به‌هم زند
ما و چراغ چشم و ره انتظار دوست

۷ کحل الجواهری به من آر ای نسیم صبح
زان خاک نیکبخت که شد رهگذار دوست

۸ دشمن به‌قصد حافظ اگر دم زند چه باک
منّت خدای را که نیم شرمسار دوست

ب،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با ب،د،ك. با ترتیب متن نسخهٔ ح بیت ۸ و نسخه‌های ط، م بیت ۶ را ندارند، نسخه‌های ز،ل پس ازبیت ۷ بیت زیررا افزوده‌اند

مائیم و آستانهٔ عشق و سر نیاز   تاخواب‌خوش کرا برد اندر کناردوست

ز: کرا بود

ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ه: ۱،۲،۳،۴،۷،۵،۶،۸

ی: ۱،۶،۲،۳،۴،۵،۷،۸

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ ب،ز،ط،م: ایـن پیك خـوش خبر   د،ل: ان پیك   ه،ح: ان پیك نامه بر   ی،ك: این پیك نامه بر   * د: آورد بوی جان   ح،ی،ك،ل: آورد حرزجان   م: وآورد بوی جان   ب،ه،ط: به خط مشکبار

۲ــ ی،م: نشان ز جلال و جمال یار   ط: میدهد خبر ز جمال و   ح،ل: نشان جلال و جمال یار   * د: شود دلم امیدوار   ز،ح،ك،ل: خـوش می‌کند حکایت عزو وقار دوست

۳ــ * د،م: نقدکم عیارکه کردم   ك: این نقد

۵ــ * د: درگردش‌اند براثر اختیاردوست   م: درگردش است برحسب

۶ــ ب: ارباد فتنه

۷ــ * د: که در رهگذار دوست

٦٣

۱ مرحبا ای پیک مشتاقان بده پیغام دوست
تا کنم جان از سر رغبت فدای نام دوست

۲ واله و شیداست دایم همچو بلبل در قفس
طوطی طبعم ز عشق شکرّ و بادام دوست

۳ زلف او دام است و خالش دانهٔ آن دام و من
بر امید دانه‌ای افتاده‌ام در دام دوست

۴ سر ز مستی بر نگیرد تا به صبح روز حشر
هرکه‌چون‌من درازل یک‌جرعه‌خورد ازجام‌دوست

۵ می‌بگفتم شمّه‌ای از شرح شوق خود ولی
من نمی‌خواهم نمودن بیش ازین ابرام دوست

۶ گر دهد دستم کشم در دیده همچون توتیا
خاک راهی کان مشرّف گردد از اقدام دوست

۷ میل من سوی وصال و قصد او سوی فراق
ترک کام خود گرفتم تا برآید کام دوست

۸ حافظ اندر درد او می‌سوز و بی‌درمان بساز
زانکه درمانی ندارد درد بی‌آرام دوست

ب،ه،و،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با ب،ه،ز،ط،ی،ك،ل. با ترتیب متن نسخه‌های ح،و بیت ۵ را ندارند، در نسخهٔ و بیت‌های ۳ و ۴ مقدم و مؤخر است.

م: ۱،۲،۴،۵،۳،۶،۷،۸

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ب: واله شیداست * بلبل طبعم ز عشق

۳ـ ب: خالش دانه و زان دام من ز: خالش دانهٔ وآن مرغ من ط: خالش دانه و مسکین دلم ك: خالش دانه وان دام و من * ط: برامید دانه است افتاده اندر دام دوست ب: افتاده‌ام بردام دوست

۴ـ ب: سر ز مستی برنگیرم ی: شور مستی برنگیرد * ی: یك‌جام‌خورد

۵ـ ب: من بگفتم شمهٔ ی: می نگفتم شمهٔ م: من نگفتم شمهٔ ط: می نگویم شمهٔ از شرح شوق خود از انك ك: از شرح‌حال خود ولی ل: بس نگویم‌شمهٔ از شرح شوق خود ازانك * ب: می نمی‌خواهم نمودن ط،ل: درد سر باشد نمودن ط: بعد ازین ابرام دوست

۶ـ *ی: خاك راهی‌کو ه: مشرف کرده است اقدام دوست

۸ـ ك: اندر درد دل می‌سوز ب،ه،و،ز،ك: می‌سوز و با درمان بساز * ب: زانکه او را می‌نسازد درد بی آرام دوست ه،و،ح،ط،ی،ك: زانکه آرامی ندارد ك: درد بی درمان دوست

٦۴

۱ روی تو کس ندید و هزارت رقیب هست
در غنچه‌ای هنوز و صدت عندلیب هست

۲ هر چند دورم از تو که دور از تو کس مباد
لیکن امید وصل توام عن قریب هست

۳ گر آمدم به‌کوی تو چندان غریب نیست
چون من درین دیار هزاران غریب هست

۴ عاشق که شد که یار به‌حالش نظر نکرد
ای خواجه درد نیست وگرنه طبیب هست

۵ در عشق خانقاه و خرابات فرق نیست
هر جا که هست پرتو روی حبیب هست

۶ آنجا که کار صومعه را جلوه می‌دهند
ناموس دیر راهب و نام صلیب هست

۷ فریاد حافظ این همه آخر به‌هرزه نیست
هم قصّه‌ای غریب و حدیثی عجیب هست

ب،د،ه،و،ز،ح،ط،ی،ك،ل،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با ب،ه. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

د،و: ۱،۳،۲،۵،۴،۶،۷
ز،ی،ك: ۱،۳،۲،۵،۶،۴،۷
ح: ۱،۳،۲،۴،۶،۷ بیت ۵ را ندارد
ط: ۱،۲،۵،۶،۳،۴،۷
ل: ۱،۳،۵،۶،۴،۷ بیت ۲ را ندارد
ن: ۱،۳،۲،۵،۴،۶،۷

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ه: در پردهٔ هنوز و
۳ـ * ه،ط: دران دیـار **د،ه،ك،ن:** فـراوان غریب **و،ز،ح،ی:** هزارت غریب
۴ـ * ن: وگرنی
۶ـ د: آنجا که حسن و صومعه را **و،ی،ن:** کـه حسن صومعه ***ل:** ناقوس دیر **ز:** ناقوس ودیر و راهب و **ب:** راهب و بانگ صلیب **ی:** ناموس و نام راهب و دیو و صلیب هست
۷ـ *ز: هم قصهٔ عجیب و حدیثی غریب

٦۵

۱ اگر چه عرض هنر پیش یار بی‌ادبیست
زبان خموش ولیکن دهان پر از عربیست

۲ پری نهفته رخ و دیو در کرشمهٔ حسن
بسوخت عقل زحیرت که این چه بلعجبیست

۳ سبب مپرس که چرخ از چه سفله پرور شد
که کام‌بخشی او را بهانه بی‌سببیست

۴ درین چمن گل بی‌خار کس نچید آری
چراغ مصطفوی با شرار بولهبیست

۵ به‌نیم جو نخرم طاق خانقاه و رباط
مرا که مصطبه ایوان و پای خم طنبیست

۶ جمال دختر رز نور چشم ماست مگر
که در نقاب زجاجی و پردهٔ عنبیست

۷ دوای درد خود اکنون ازان مفرّح جوی
که در صراحی چینیّ و ساغر حلبیست

۸ بیار می که چو حافظ مدامم استظهار
به‌گریهٔ سحری و نیاز نیم شبیست

ب،ج،د،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با ب،ج،د،ی. با ترتیب متن نسخهٔ ح بیت ۶ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ز: ۱،۶،۲،۳،۴،۷،۵،۸

ط: ۱،۲،۳،۴،۷،۵،۸،۶

ك: ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۶،۸

ل: ۱،۲،۴،۳،۵،۶،+،۸ بیت ۷ راندارد و بعد ازبیت ۶ بیت زیر را افزوده‌است:

+ هزار عقل و ادب داشتم من ای خواجه   کنون که مست خرابم صلاح بی‌ادبیست

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ ك: عرض سخن   د: هنر نزد یار   * ح: ولیکن دهن پر از

۲ــ * ب،د،ك،ل: بسوختدیده زحیرت   ی: بسوخت دیدهٔ حیرت   ح: عقل ز غیرت‌که این

۴ــ ب،د،ی: کس نمی‌چیند   * ی: مصطفوی یا شرار

۵ــ ط: طاق خانقاه و رواق   * ز،ح،ك: مراکه‌میکده‌ایوان

۶ــ ح: مصراع اول را ندارد

۷ــ ج: دوای درد دل اکنون   ز: اکنون ازین مفرح   * ج،د،ح،ك: چینی و شیشهٔ

۸ــ د: بیار باده‌که حافظ مدامش استظهار   ج،ز،ح،ط،ل: حافظ هزارم استظهار

٦٦

۱ خوشتر ز عیش و صحبت و باغ و بهار چیست
ساقی کجاست گو سبب انتظار چیست

۲ هر وقتِ خوش که دست دهد مغتنم شمار
کس را وقوف نیست که انجام کار چیست

۳ پیوند عمر بسته به موییست هوش دار
غمخوار خویش باش غم روزگار چیست

۴ معنیّ آب زندگی و روضهٔ ارم
جز طرف جویبار و می خوشگوار چیست

۵ مستور و مست هر دو چو از یک قبیله‌اند
ما دل به‌عشوهٔ که دهیم؟ اختیار چیست

۶ راز درون پرده چه داند فلک، خموش
ای مدّعی، نزاع تو با پرده‌دار چیست

۷ سهو و خطای بنده گرش هست اعتبار
معنیّ لطف و رحمت پروردگار چیست

۸ زاهد شراب کوثر و حافظ پیاله خواست
تا در میانه خواستهٔ کردگار چیست

ب،د،ه،ز،ح،ط،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با **ز،ل.** با ترتیب متن نسخه‌های **ب،د،ه،ط،ی،ن** بیت ۷ را ندارند، نسخهٔ **ح** بیت ۷ را بعد از بیت ۴ آورده و در نسخهٔ **ك** بیت‌های ۶ و ۷ مقدم و مؤخر است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ د: ز عیش صحبت **ی:** صحبت باغ و * **ن:** ساقی بیار

۲ـ * ح: که فرجام کار چیست

۳ـ ط: پیوسته عمر **د:** گوش‌دار * **ی:** غم کار و بار چیست

۴ـ ی: آب زندگانی * **ط:** جزطرف کل عذار

۵ـ د: مست جمله چو از یك نشانه‌اند * **ط:** دل را بعشوهٔ که دهند

۶ـ ح: پرده نداند فلك

۷ـ ز: کرش‌نیست‌اعتبار **ل:** گرش‌اعتبار نیست * **ل:** معنی‌عفو و رحمت‌آمرزگار

٦٧

۱ بنال بلبل اگر با منت سر یاریست
که ما دو عاشق زاریم و کار ما زاریست

۲ دران زمین که نسیمی وزد ز طرّهٔ دوست
چه جای دم‌زدن نافه‌های تاتاریست

۳ بیار باده که رنگین کنیم جامهٔ زرق
که مست جام غروریم و نام هشیاریست

۴ خیال زلف تو پختن نه کار خامان است
که زیر سلسله رفتن طریق عیّاریست

۵ لطیفه‌ایست نهانی که عشق ازان خیزد
که نام آن نه لب لعل و خطّ زنگاریست

۶ جمال شخص نه‌چشم‌است و روی و عارض وخط
هزار نکته درین کار و بار دلداریست

۷ مجّردان طریقت به نیم جو نخرند
قبای اطلس آنکس که از هنر عاریست

۸ بر آستان تو مشکل توان رسید، آری
عروج بر فلک سروری به دشواریست

۹ سحر کرشمهٔ چشمت به خواب می‌دیدم
زهی مراتب خوابی که به ز بیداریست

۱۰ دلش به ناله میازار و ختم کن حافظ
که رستگاری جاوید در کم آزاریست

الف،ب،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ز،ط،ل**. با ترتیب متن نسخه‌های **الف،ب،ه،ی** بیت ۷ را ندارند. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

د: ۱،۲،۳،۴،۷،۵،۶،۸،۹،۱۰

ح،ك: ۱،۲،۳،۷،۴،۸،۵،۶،۹،۱۰

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ح: در آن نفس که نسیمی وزد ز حضرت دوست

۳ـ د،ه،ح،ك: جامهٔ دلق

۴ـ ط: خیال عشق تو **ل:** نه‌کار هرخامیست

۵ـ د: نهانی و عشق **ح:** دهانت که عشق **ز،ح،ط،ل:** کـه عشق ازو خیزد

۶ـ د،ه،ز: نه رویست و چشم وعارض و خط **ح:** نه رویست و زلف وعارض و خال **ل:** نه چشمست و زلف و عارض و خال *** ز،ح:** هزار شیوه درین **ه:** درین کار بار

۷ـ د،ح،ك: برهنگان طریقت **ل:** قلندران حقیقت

۸ـ الف: باستین تو مشکل **د،ه،ز،ی:** بآستان تومشکل

۹ـ ب: کرشمهٔ حسنت بخواب **د،ه،ی،ك:** کرشمهٔ وصلش بخواب **ز،ط:** کرشمهٔ چشمش بخواب

۱۰ـ * ی: جاوید در طلب کاریست

٦٨

۱ یا رب این شمع دل افروز زکاشانهٔ کیست
جان ما سوخت بپرسید که جانانهٔ کیست

۲ حالیا خانه برانداز دل و دین من است
تا هم آغوش که می‌باشد و همخانهٔ کیست

۳ بادهٔ لعل لبش کز لب من دور مباد
راح روح که و پیمان ده پیمانهٔ کیست

۴ دولت صحبت آن شمع سعادت پرتو
باز پرسید خدا را که به‌پروانهٔ کیست

۵ می‌دَمَد هر کسش افسونی و معلوم نشد
که دل نازک او مایل افسانهٔ کیست

۶ یا رب آن شاه‌وش ماه‌رخ زهره‌جبین
دُرّ یکتای که و گوهر یکدانهٔ کیست

۷ گفتم آه از دل دیوانهٔ حافظ بی‌تو
زیر لب خنده‌زنان گفت که دیوانهٔ کیست

ب،د،ه،و،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با ب،ه،ط،ل. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

د: ۱،۴،۲،۶،۵،۳،۷

و: ۱،۲،۴،۵،۶،۳،۷

ح،ك: ۱،۵،۴،۲،۶،۳،۷

ی: ۱،۲،۳،۵،۶،۴،۷

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ح،ك: یارب آن **ه:** شمع شب افروز *** و:** سوخت نپرسید **ط:** سوخت بکویید

۲ـ * ل: تا درآغوش که می‌خسبد و همخانهٔ کیست

۳ـ * ح: داح روح که و پیمانه خمخانهٔ کیست **د،ه،و،ی،ك:** پیمان ده و پیمانه

۴ـ د،ه،و،ی: این شمع

۵ـ در نسخه‌ها «می‌دهد» است. تصحیح قیاسی است.

۶ـ ب: یارب این شاهوش **د،ح،ط:** یارب ان ماه رخ شاهوش **ب،و:** ماه رخ مهرفروغ **ط:** شاهوش مهرفروغ **ی:** ماه رخ مهرفروز

٦٩

۱ ماهم این هفته شد از شهر و به‌چشمم سالیست

حال هجران تو چه دانی که چه مشکل حالیست

۲ مردم دیده ز لطف رخ او در رخ او

عکس خود دید گمان برد که مشکین خالیست

۳ می‌چکد شیر هنوز از لب همچون شکرش

گرچه در شیوه‌گری هرمژه‌اش قتّالیست

۴ ای که انگشت نمائی به‌کرم در همه شهر

وه که در کار غریبان عجبت اهمالیست

۵ بعد ازینم نبود شایبه در جوهر فرد

که دهان تو بران نکته خوش استدلالیست

۶ مژده دادند که بر ما گذری خواهی کرد

نیّت خیر مگردان که مبارک فالیست

۷ کوه اندوه فراقت به چه حیلت بکشد

حافظ خسته که از ناله تنش چون نالیست

ب،ج،ز،ح،ط،ی،ك،ل،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ج،ح،ی،ك،ل،ن** با ترتیب متن در نسخهٔ **ز** بیت‌های ۴ و ۵ مقدم و مؤخر است و نسخهٔ **ط** بیت ۴ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ **ی:** هفته نهان گشت و بچشمم **ل،ن:** هفته برون رفت و بچشمم
* **ج:** که چه مشکل کاریست

۲ـ **ب،ط:** بر رخ او * **ز:** عکس خوردید **ج،ح،ی،ك،ن:** دید و گمان برد **ی:** که مشکل حالیست

۳ـ **ی:** همچون شکرت

۴ـ * **ج:** حال غریبان **ح:** کار غریبانت عجب اهمالیست **ك:** کار عزیزان

۵ـ * **ج:** بدین نکته **ز:** برین نکته **ك:** دران نکته **ی،ل،ن:** درین نکته

۶ـ **ط:** گذری خواهد کرد

۷ـ **ل:** بچه حالت بکشد **ن:** به چه طاقت بکشد * **ج،ن:** ناله دلش

۷۰

۱ کس نیست که افتادهٔ آن زلف دو تا نیست
در رهگذر کیست که این دام بلا نیست

۲ روی تو مگر آینهٔ لطف الهیست
حقّا که چنین است و درین روی و ریا نیست

۳ زاهد دهدم پند ز روی تو زهی روی
هیچش ز خدا شرم و ز روی تو حیا نیست

۴ از بهر خدا زلف مپیرای که ما را
شب نیست که صد عربده با باد صبا نیست

۵ باز آی که بی‌روی تو ای شمع دل‌افروز
در بزم حریفان اثر نور و صفا نیست

۶ تیمار غریبان سبب ذکر جمیل است
جانا مگر این قاعده در شهر شما نیست

۷ دی می شد و گفتم صنما عهد به‌جای آر
گفتا غلطی خواجه درین عهد وفا نیست

۸ چون چشم تو دل می‌برد از گوشه نشینان
دنبال تو بودن گنه از جانب ما نیست

۹ گر پیر مغان مرشد من شد چه تفاوت
در هیچ سری نیست که سرّی ز خدا نیست

۱۰ گفتن بر خورشید که من چشمهٔ نورم
دانند بزرگان که سزاوار سها نیست

۱۱ در صومعهٔ زاهد و در خلوت حافظ
جز گوشهٔ ابروی تو محراب دعا نیست

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ه، امانسخهٔ ب بیت ۱۰ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ز: ۱، ×، ۱۰، ۸، ۲، +، ۴، ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۱، * بیت ۳ راندارد

ح: ۱، ۸، ۲، ۱۰، ۶، ۴، ۵، ۷، ۹، ×، ۱۱ بیت ۳ را ندارد

ط: ۱، ۸، ۲، ۴، +، ۵، ۷، ۹، ۱۱ بیت‌های ۳ و۶و۱۰ را ندارد

ی: ۱، ۲، ۳، +، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۱ بیت‌های ۴و۱۰ را ندارد

ك: ۱، ۸، ۲، ۱۰، +، ۴، ۵، ۹، ×، ۱۱ بیت‌های ۳و۶و۷ را ندارد

ل: ۱، ۸، ۲، +، ۴، ۵، ۶، ۷، ۹، ×، ۱۱، * بیت‌های ۳و۱۰ ندارد

نسخه‌های ه،ی بعد از بیت ۳، نسخه‌های ز،ل بعد از بیت ۲، نسخهٔ ط بعد از بیت ۴ و نسخهٔ ك بعد ازبیت ۱۰ بیت زیر را افزوده‌اند:

+ نرگس طلبد شیوهٔ چشم تو زهی چشم مسکین خبرش از سر و در دیده حیانیست

که در نسخه‌های ز،ط «درسر» و در نسخهٔ ی «ضیا نیست» آمده است.

نسخهٔ ز بعد از بیت اول و نسخه‌های ح،ك،ل بعد از بیت ۹ بیت زیر را افزوده‌اند:

× عاشق چه کند گر نکشد بارملامت بـا هیچ دلاور سپر تیر قـضا نیست

که در نسخهٔ ح «تیر ملامت» و «سپری تیر» آمده است.

نسخه‌های ز،ل بعد از بیت ۱۱ بیت زیر را افزوده‌اند:

* ای چنگ فرو برده‌بخون دل حافظ فکرت مگر ازغیرت قرآن ودعانیست

که در نسخهٔ ل «قرآن و خدا» آمده است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ * ط: برده‌کذرکیست که آن دام ز،ك،ل: کیست‌که دامی ز بلا نیست

۲ــ ب: آینهٔ لطف خدایست ه: آینهٔ نـور الهیست ط: آئینهٔ لطف خدایست ی: آینهٔصنع‌الهیست * ز: رو و ریا ط،ك:رویِریا

۳ــ ه: دهدم توبه

۴ــ ح: زلف میارای‌که ما را

۵ــ * ه،ز،ط: اثر نور وضیا نیست

۶ــ ی،ل: غربیان اثر ذکر

۸ــ * ل: همراه تو بودن

۱۰ــ ه: گفتی برخورشید

۱۱ــ ز: در خلوت عابد ح،ل: در خلوت صوفی

۷۱

۱ مـردم دیـدهٔ مـا جـز بـه‌رخـت نـاظر نـیست
دل سرگشتهٔ مـا غیر تـرا ذاکـر نـیست

۲ اشکم احـرام طـواف حـرمت مـی‌بـندد
گـرچه از خـون دل ریش دمـی طـاهر نـیست

۳ بستهٔ دام قـفس بـاد چـو مـرغ وحشی
طـایر سدره اگـر در طلبت طـایر نـیست

۴ عاشق مـفلس اگـر قـلب دلت کـرد نثار
مکنش عیب کـه بـر نـقد روان قـادر نـیست

۵ عاقـبت دست بـدان سرو بـلندش بـرسد
هر کـه را در طلبت همّت او قـاصر نـیست

۶ از روان بـخشی عیسی نـزنم پـیش تـو دم
زانکه در روح فـزائی چـو لبت مـاهر نـیست

۷ مـن کـه در آتش سودای تـو آهی نـزنم
کی توان گـفت کـه بـر داغ دلم صابـر نـیست

۸ روز اوّل کـه سر زلف تـو دیـدم گـفتم
کـه پـریشانی ایـن سلسله را آخـر نـیست

۹ سر پـیوند تـو تـنها نـه دل حـافظ راست
کیست آن کش سر پـیوند تـو در خـاطر نـیست

ب،ه،ح،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ك: مردم دیدهٔ من
۲ـ * ح: دل خویش دمی ب،ی: دمی ظاهر نیست
۳ـ ح،ل: بستهٔ دام وقفس
۴ـ ل: قلب دلش کرد
۵ـ ب: سرو بلندت برسد ح: نرسد * ه،ك: هرکه را درطلبش
ی: هرکه را در طلب
۶ـ ل: نزنم دم هرگز * ح: چو لبت نادرنیست
۷ـ ك: من که برآتش سودای تو آبی نزنم ح: سودای تو آهی نکنم
ی: آهی نکشم * ی: که برداغ دلت

۷۲

۱ زاهد ظاهر پرست از حال ما آگاه نیست
در حق ما هر چه گوید جای هیچ اکراه نیست

۲ در طریقت هر چه پیش سالک آید خیر اوست
بر صراط مستقیم ای دل کسی گمراه نیست

۳ تا چه بازی رخ نماید بیدقی خواهیم راند
عرصهٔ شطرنج رندان را مجال شاه نیست

۴ چیست این سقف بلند سادهٔ بسیار نقش
زین معمّا هیچ دانا در جهان آگاه نیست

۵ این چه استغناست یارب وین چه قادر حاکم است
کاین همه زخم نهان هست و مجال آه نیست

۶ صاحب دیوان ما گوئی نمی‌داند حساب
کاندرین طغرا نشان حسبةً لله نیست

۷ هر که خواهد گو بیا و هرچه خواهد گو بگو
کبر و ناز و حاجب و دربان درین درگاه نیست

۸ هرچه هست از قامت ناساز بی‌اندام ماست
ورنه تشریف تو بر بالای کس کوتاه نیست

۹ بر در میخانه رفتن کار یکرنگان بود
خود فروشان را به‌کوی می فروشان راه نیست

۱۰ بندهٔ پیر خراباتم که لطفش دایم است
ورنه لطف شیخ و واعظ گاه هست و گاه نیست

۱۱ حافظ ار بر صدر ننشیند ز عالی همّتیست
عاشق دردی کش اندر بند مال و جاه نیست

ب،ه،ز،ح،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با ب،ح،ی،ك،ل،م، اما نسخهٔ ح بیت ۱۱ را نـدارد و در نسخهٔ ل بیت‌های ۸ و ۹ مقدم و مؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ه: ۱،۲،۴،۶،۸،۹،۱۱ بیت‌های ۳و۵و۷و۱۰ را ندارد

ز: ۱،۷،۸،۹،۱۰،۱۱ بیت‌های ۲و۳و۴و۵و۶ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ز،م: هرچه‌گوید در حق ما جای ی: هرچه‌گوید در حق ما بعد ازین اکراه نیست

۲ـ * ك،ل: در صراط

۴ـ * ه: وین معما

۵ـ ح: وین چه قادر حاکمی است ك: وین چه عین حکمتست ل: وین چه قادر حکمتست * این همه زخم ك: زخم جنان هست

۶ـ م: نمی‌آید حساب

۷ـ ی: هرچه خواهدگوبگو و هـرکه خواهد گـویبا * ب: برین درگاه ی،ك،ل،م: بدین درگاه

۸ـ ز: از قامت‌کوتاه بی اندام

۱۰ـ * ز،ی،ك،ل،م: شیخ و زاهدگاه ح: شیخ و حافظگاه

۱۱ـ ی: برصدر بنشیند ه،ی،ل: ز عالی مشربیست

۷۳

۱ راهیست راه عشق که هیچش کناره نیست
آنجا جز آن که جان بسپارند چاره نیست

۲ هرگه که دل به‌عشق دهی خوش دمی بود
در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست

۳ فرصت شمر طریقهٔ رندی که این نشان
چون راه گنج بر همه کس آشکاره نیست

۴ ما را به منع عقل مترسان و می بیار
کان شحنه در ولایت ما هیچ کاره نیست

۵ او را به چشم پاک توان دید چون هلال
هر دیده جای جلوهٔ آن ماهپاره نیست

۶ از چشم خود بپرس که ما را که می‌کشد
جانا گناه طالع و جرم ستاره نیست

۷ نگرفت در تو گریهٔ حافظ به‌هیچ روی
حیران آن دلم که کم از سنگ خاره نیست

ب،ج،د،هـ،ز،ح،ط،ی،ك،ل،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با **ب،د،هـ،ی،ن.** با ترتیب متن نسخهٔ **ج** بیت ۶ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ز،ط،ل: ۱،۲،۴،۶،۵،۳،۷

ح،ك: ۱،۲،۵،۴،۶،۳،۷

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ د: بحریست بحر عشق

۲ــ ز،ط: هردم که دل **ج:** بعشق دهد **ب،ی،ك:** دل بعشوه دهی *** ح:** در راه خیر

۳ــ ح،ك: فرصت شمر تجرد رندان **هـ،ح،ك:** که این طریق **ط:** کـه این جهان

۴ــ ل: ما را ز منع عقل *** ج:** کین شحنه

۵ــ ز: بچشم سرنتوان دید *** ح،ك:** جای منظر آن ماه پاره **ج،ط،ن:** جای خلوت

۷ــ ح،ك: در تو نالهٔ حافظ **ل:** بهیچ رو

۷۴

۱ روشن از پرتو رویت نظری نیست که نیست
منّت خاک درت بر بصری نیست که نیست

۲ ناظر روی تو صاحب‌نظرانند آری
سرّ گیسوی تو در هیچ سری نیست که نیست

۳ اشک من گر ز غمت سرخ برآمد چه عجب
خجل از کردهٔ خود پرده دری نیست که نیست

۴ تا به دامن ننشیند ز نسیمت گردی
سیل‌خیز از نظرم رهگذری نیست که نیست

۵ تا دم از شام سر زلف تو هر جا نزند
با صبا گفت و شنیدم سحری نیست که نیست

۶ من ازین طالع شوریده به رنجم ورنه
بهره‌مند از سر کویت دگری نیست که نیست

۷ از حیای لب شیرین تو ای چشمهٔ نوش
غرق آب و عرق اکنون شکری نیست که نیست

۸ آب چشمم که بر و منّت خاک در تست
زیر صد منّت او خاک دری نیست که نیست

۹ از وجودم قَدَری نام و نشان هست که هست
ورنه از ضعف در آنجا اثری نیست که نیست

۱۰ شیر در بادیهٔ عشق تو روباه شود
آه ازین راه که در وی خطری نیست که نیست

۱۱ مصلحت نیست که از پرده برون افتد راز
ورنه در مجلس رندان خبری نیست که نیست

۱۲ غیر ازین نکته که حافظ ز تو ناخشنودست
در سراپای وجودت هنری نیست که نیست

ب،ج،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با ك، اما این نسخه بیت ۲ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ب: ۱،۲،۳،۵،۶،۷،۱۲ بیت‌های ۴ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ را ندارد

ج: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۱۲ بیت‌های ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ را ندارد

ز: ۱،۳،۲،۴،۵،۸،۶،۱۰،۹،۷،۱۲ بیت ۱۱ را ندارد

ح: ۱،۳،۴،۵،۶،۷،۹،۱۰،۱۱،۱۲ بیت‌های ۲ و ۸ را ندارد

ط: ۲،۳،۴،۱۱،۵،۶،۷،۱۲ بیت‌های ۱ و ۸ و ۹ و ۱۰ را ندارد

ی: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۱۲ بیت‌های ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ را ندارد

ل: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۱۱،۱۰،۸،۹،۱۲

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ج،ط: صاحب نظرانند ولی ط: عاشق روی تـو صاحب نظری نیست کـه نیست * ز،ط: شور کیسوی تو

۳ـ ز،ح،ك،ل: اشك غماز من ادسرخ برآمد ب :سرخ براید

۴ـ ط: زجفایت کردی ل: زنسیمش گردی * ز: سیل خون ازمژه‌ام درکذری ح،ك: سیل اشك مژه‌ام ره‌گذری

۵ـ ل: هرجا نزنند

۶ـ ز،ی،ل: برنجم ورنی * ط: بهرمند سرکویت دکری

۷ـ ب،ط،ی،ك: ازخیال لب شیرین ب،ز،ی: ای شربت نوش

۸ـ *ك: زیر هرمنت او

۹ـ ز،ح،ك: از وجود این قدرم نام و * ز،ح،ك: دراینجا اثری

۱۰ـ * ح،ك: آه ازین ورطه که در

۱۲ـ ز،ح،ط،ك: بجز این نکته ز،ح،ی،ك: که حافظ ز توخشنود نشد * ی:وجودت خبری نیست که نیست

۷۵

۱ حاصل کارگه کون و مکان این همه نیست
باده پیش آر که اسباب جهان این همه نیست

۲ از دل و جان شرف صحبت جانان غرض است
همه آن است و گرنی دل و جان این همه نیست

۳ منّت سدره و طوبی ز پی سایه مکش
که چو خوش بنگری ای سرو روان این همه نیست

۴ دولت آن است که بی‌خون دل افتد به‌کنار
ورنه با سعی عمل باغ جنان این همه نیست

۵ پنج روزی که درین مرحله مهلت داری
خوش بیاسای زمانی که زمان این همه نیست

۶ بر لب بحر فنا منتظریم، ای ساقی
فرصتی دان که ز لب تا به‌دهان این همه نیست

۷ دردمندی من سوختهٔ زار نزار
ظاهراً حاجت تقریر و بیان این همه نیست

۸ زاهد ایمن مشو از بازی غیرت زنهار
که ره صومعه تا دیر مغان این همه نیست

۹ نام حافظ رقم نیک پذیرفت ولی
پیش رندان رقم سودو زیان این همه نیست

ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ب. با ترتیب متن نسخهٔ ج بیت‌های ۷ و ۸ ونسخه‌های ه،ی بیت ۷ را ندارند، درنسخهٔ ل بیت‌های ۷ و ۸ مقدم ومؤخراست. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

د: ۱،۲،۳،۷،۴،۵،۶،۸،۹
ز: ۱،۲،۳،۴،۸،۶،۵،۷،+،۹
ح: ۱،۲،۳،+،۸،۴،۶،۵ بیت‌های ۷ و ۹ را ندارد
ط: ۱،۲،۳،۴،۵،۸،۶،۷،۹
ك: ۱،۲،۳،+،۸،۴،۶،۵،۷،۹
+ ازتهتك مكن اندیشه وچون‌گل خوش باش
زانکه تمکین جهان گذران این همه نیست

اختلاف نسخه‌ها

۲ــ * د،ح: همه اینست ل: غرض اینست د،ز،ط،ی،ك،ل: وگرنه
۳ــ د: زپس سایه * ز،ح،ط،ك: که اگربنگری ح: بنگری آن سرو روان
۴ــ ج،ل: دل‌آید بکنار * ج،ز،ی،ل: سعی وعمل
۵ــ ج: مرحله مهلت یابی ح،ك: مرحله فرصت داری ط: مرحله منزل داری * ط: خوش برآسای زمانی
۶ــ ز: منتظرم * ح، ك: فرصتی جوكه زلب
۷ــ ل: زار ونزار
۸ــ *ح،ك: که ره بادیه تا دیرمغان
۹ــ ط: رقم تنگ ك: پذیرفت ولیك *ز،ط: خطر سود وزیان

۷٦

۱ جز آستان توام در جهان پناهی نیست
سر مرا بجز این در حواله گاهی نیست

۲ عدو چو تیغ کشد من سپر بیندازم
که تیر ما بجز از ناله‌ایّ و آهی نیست

۳ چرا ز کوی خرابات روی برتابم
کزین به‌ام به جهان هیچ رسم و راهی نیست

۴ زمانه گر بزند آتشم به خرمن عمر
بگو بسوز که بر من به برگ کاهی نیست

۵ غلام نرگس جمّاش آن سهی قدَم
که از شراب غرورش به کس نگاهی نیست

۶ مباش در پی آزار و هرچه خواهی کن
که در شریعت ما غیر ازین گناهی نیست

۷ عنان‌کشیده رو ای پادشاه کشور حسن
که نیست بر سر راهی که دادخواهی نیست

۸ چنین که از همه سو دام راه می‌بینم
به از حمایت زلفت مرا پناهی نیست

۹ خزینهٔ دل حافظ به زلف و خال مده
که کارهای چنین حدّ هر سیاهی نیست

ب،ج،ه،و،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ه،ل. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ج: ۱،۵،۲،۶،۹ — بیت‌های ۳و۴و۷و۸ را ندارد

و: ۱،۳،۵،۲،۴،۶،۷،۸،۹

ز: ۱،۳،۴،۵،۸،۷،۲،۶،۹

ح، ك: ۱،۵،۳،۲،۴،۶،۷،۸،۹

ط: ۱،۲،۳،۶،۴،۵،۹ — بیت‌های ۷ و ۸ را ندارد

ی: ۱،۶،۴،۵،۸،۷،۲،۹ — بیت ۳ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ * ح: سروش را بجز این در

۲ــ ز: اگر تو تیغ زنی من   ه،و: عدو چو تیغ زند   * ج: که کار ما بجزاز   و: که تیغ من بجز ازناله و   ز،ح،ط،ك،ل: که تیغ ما بجزاز

۳ــ ط: ز راه کوی خرابات برنتابم روی   ب: چرا ز روی خرابات   ز،ح،ك: چرا ز راه خرابات   * ب: کزین بهم زجهان   ح،ك: کزین همه بجهان   ط: جز این‌درم بجهان   ز،ح،ط،ك: هیچ روی وراهی نیست

۴ــ ز،ح،ط،ك: زمانه کرفکندآتشم

۵ــ ح: نرگس چشمان‌آن   ط: آن پری رویم   و،ز،ی،ك:ل: آن سهی سروم

۶ــ ه: هرچه خواهی باش

۷ــ ز،ح: ای پادشاه حسن وجمال   * ی: برسرراهت

۸ــ و: چنان‌که از   ز: ازهمه رو دام   ح،ك: همه سو راه دام می‌بینم   *ز،ل:حمایت زلفش مرا

۹ــ ج: خزانهٔ دل   ح: حافظ بدست وخال مده   * ج: کار هرسیاهی   ح: درحد سیاهی

۷۷

۱ کنون که می‌دمد از بوستان نسیم بهشت
من و شراب فرح‌بخش و یار حورسرشت

۲ گدا چرا نزند لاف سلطنت امروز
که خیمه سایهٔ ابرست و بزمگه لب کشت

۳ چمن حکایت اردی‌بهشت می‌گوید
نه عارف است که نسیه خرید و نقد بهشت

۴ وفا مجوی ز دشمن که پرتوی ندهد
که شمع صومعه افروزی از چراغ کنشت

۵ به‌می عمارت جان کن که این جهان خراب
بران سرست که از خاک ما بسازد خشت

۶ مکن به نامه‌سیاهی ملامت من مست
که آگه است که تقدیر بر سرش چه نوشت

۷ قدم دریغ مدار از جنازهٔ حافظ
که گر چه غرق گناه است می‌رود به بهشت

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ه،ی.** با ترتیب متن در نسخه‌های **ح،ط،ك،ل** بیت‌های ۴ و ۵ مقدم ومؤخر است. ترتیب نسخهٔ **ز** چنین است:
۱،۳،۴،۵،۶،۲،۷

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ح: از بوستان نعیم بهشت * **ك:** عفاالله از مـی لعل وبتان حورسرشت
ح: یارخوب سرشت

۲ـ * ط: که چتر سایهٔ ابرست و **ب، ط:** ابرست وتختگه لب‌کشت

۳ـ ح: چمن برمز صبا با بهشت **ط،ك:** چمن برمز در اردی بهشت * **ط،ل:** نه عاقل است **ی:** که نقد داد ونسیه بهشت

۴ـ * ز،ح،ك،ل: چوشمع صومعه **ح:** صومعه افروز با چراغ

۵ـ ز: بـروعمارت **ك:** بیا عمارت **ح،ی،ل:** عمارت دل کن
* **ك:** بدان‌سرست

۶ـ ز،ح،ك: مکن بنامه سیاهی نکاه درمن مست * **ط:** که واقفست‌که تقدیر

۷ـ * ز،ی: اگر چه غرق‌گناهست میرود

۷۸

۱ عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت
که گناه دگری بر تو نخواهند نوشت

۲ من اگر نیکم و گر بد تو برو خود را کوش
هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت

۳ همه کس طالب یارند چه هشیار و چه مست
همه‌جا خانهٔ عشق است چه مسجد چه کنشت

۴ سر تسلیم من و خشت در میکده‌ها
مدّعی گر نکند فهم سخن گو سر و خشت

۵ ناامیدم مکن از سابقهٔ لطف ازل
تو پس پرده چه‌دانی که که خوب است و که زشت

۶ نه من از خلوت تقوی بدر افتادم و بس
پدرم نیز بهشت ابد از دست بهشت

۷ گر نهادت همه این است زهی نیک نهاد
ور سرشتت همه این است زهی خوب سرشت

۸ حافظا روز اجل گر به کف آری جامی
یکسر از کوی خرابات برو تا به بهشت

الف،ب،ج،ه،و،ز،ح،ط،ی،ك،ل،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ **الف**. با ترتیب متن درنسخه‌های **ب،ه** بیتهای ۷ و ۸ مقدم ومؤخر است و نسخهٔ **ل** بیت ۷ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ج،و،ح: ۱،۲،۵،۳،۴،۶،۸ بیت ۷ را ندارد

ی: ۱،۲،۵،۳،۴،۶،۷،۸

ز: با ترتیب متن بعد ازبیت ۶ بیت زیر را افزوده است:

باغ فردوس لطیفست ولیکن زنهار تا غنیمت شمری سایهٔ بید و لب‌کشت

ط: ۱،۲،۶،۵،۳،+،۴،۸ بیت ۷ را ندارد وبعد ازبیت ۳ بیت زیر را افزوده است:

برعمل تکیه‌مکن زانکه دران روز ازل تو چه دانی قلم صنع بنامت چه نوشت

ك: ۱،۲،۵،۳،۴،۶،۷،۸

ن: ۱،۲،۵،۳،۶،۸ بیتهای ۴ و ۷ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ ***ب،ه،و،ط،ل،ن:** که گناه دگران برتو **ی:** نخواهند نبشت

۲ــ**الف:** نیکم و وربد **ز،ی:** نیکم اگربد **ط:** نیکم واربد **الف،ج، ح،ط،ل:** توبرو خود را باش **ز:** توبرو خود را دان

۳ــ چه هشیار چه مست **ن:** هرکسی طالب یارند

۴ــ **ز:** من و خاك در * **و:** کوسرخشت

۵ــ ***ز،ح:** تو چه دانی که پس‌پرده‌که خوبست وکه زشت **ب:** چه دانی که خوبست وکه زشت **ج:** که چه خوبست وکه زشت **ك:** که چه‌خوبست وچه زشت

۶ــ **ز،ح،ل:** نه من از پردهٔ تقوی

۷ــ ***ز:** گر سرشتت همه اینست **ب،ه،ی،ك:** زهی نیك سرشت

۸ــ **ه،ن:** حافظا روز ازل * **ج:** خرابات روی تا ببهشت **ه،ز،ح، ل،ن:** خرابات برندت ببهشت

۷۹

۱ بلبلی برگ گلی خوش‌رنگ در منقار داشت
وندران برگ و نوا خوش ناله‌های زار داشت

۲ گفتمش در عین وصل این ناله و فریاد چیست
گفت ما را جلوهٔ معشوق در این کار داشت

۳ یار اگر ننشست با ما نیست جای اعتراض
پادشاهی کامران بود از گدایان عار داشت

۴ در نمی‌گیرد نیاز و ناز ما با حسن دوست
خرّم آن کز نازنینان بخت برخوردار داشت

۵ خیز تا بر کلک آن نقّاش جان افشان کنیم
کاین همه نقش عجب در گردش پرگار داشت

۶ گر مرید راه عشقی فکر بدنامی مکن
شیخ صنعان خرقه رهن خانهٔ خمّار داشت

۷ وقت آن شیرین قلندر خوش که در اطوار سیر
ذکر تسبیح ملک در حلقهٔ زنّار داشت

۸ چشم حافظ زیر بام قصر آن حوری سرشت
شیوهٔ جنّات تجری تحتهاالانهار داشت

ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق، اما نسخهٔ ط بیت ۵ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ه: برمنقار داشت * ی: و اندرآن ج،ز: نوابس نالهای ك: نوا صدنالهای

۲ـ ج، ه: درعین وصلی ناله وفریاد چیست ز،ی: وصلی نالهای زارچیست ح: وصلی این همه فریاد چیست ط،ك: وصل این نالهای زارچیست *ج: ما را شیوهٔ معشوق د،ی: جلوهٔ معشوقه در این ز: جلوهٔ معشوق در انکار ط: معشوق براین کار

۳ـ ب: ننشست بر ما *ح،د،ن: پادشاه کامران ج،ز،ط،ل،ن: از گدایی عار

۴ـ ج،د: نازما با خوی دوست ح: نازما بـا روی دوست ی: نیاز ما وناز وحسن دوست ك: نازمابا لطف دوست * د: خرم اوکز

۶ـ ح،ی: ترك بدنامی مکن * ح: شیخ رندان خرقه

۷ـ ج: وقت آن صوفی قلندر ط: کـه در اطـوار طیر ن: زیبا قلندر *د،ح،ط: ذکر و تسبیح ح: تسبیح و ملك

۸ـ ج: زیر بام‌آن بت حـورا سرشت ك: زیرقصر خوب آن حوری بهشت ه: زیر قصر بام‌آن ز: حورا سرشت

۸۰

۱ دیدی که یار جز سر جور و ستم نداشت
بشکست عهد و از غم ما هیچ غم نداشت

۲ یارب مگیرش ارچه دل چون کبوترم
افکند و کشت و عزّت صید حرم نداشت

۳ بر من جفا زبخت من آمد وگرنه یار
حاشا که رسم لطف و طریق کرم نداشت

۴ با این همه هرانکه نه خواری کشید ازو
هر جا که رفت هیچ کسش محترم نداشت

۵ ساقی بیار باده و با مدّعی بگوی
انکار ما مکن که چنین جام‌جم نداشت

۶ هر راهرو که ره به‌حریم درش نبرد
مسکین برید وادی و ره در حرم نداشت

۷ حافظ ببر تو گوی سعادت که مدّعی
هیچش هنر نبود و خبر نیز هم نداشت

ب،ج،د،ه،و،ز،ح،ط،ی،ك،ل،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ط: جز سرجنگ وستم *** ج:** عهد ما و ازان هیچ **د:** عهد واز دل‌ماهیچ **ه،ز،ل:** عهد وز غم ما

۲ـ ب،ج،ز،ح: یا رب مگیر اگرچه

۳ـ *ن: رسم لطف و نشان کرم

۴ـ ج: نخواری کشد ازو **ك:** نخواری ازو کشید **ح،ی:** نه خواری ازو کشید

۵ـ ه،و،ح،ط،ك،ن: با مدعی بگو **ل:** با محتسب بگو ***ح:** که انکار ما مکن **ی،ك:** کانکار مامکن

۶ـ ج: هر راه‌بر **ز،ط:** هرره‌روی **و،ی:** که ره‌بحریم‌حرم‌نبرد ***ط:** مسکین ملدمد

۷ـ ح،ط،ك،ل: گوی فصاحت که مدعی **ن:** سعادت که در جهان ***ج،و:** هیچش خبر نبود وهنر نیز هم نداشت **ز،ح،ك:** هیچش نبود جز سخن آن نیز هم نداشت **ط:** هیچش خبر نبود و خبر نیز هم نداشت

۸۱

۱ صبحدم مرغ چمن با گل نوخاسته گفت
نازکم کن که درین باغ بسی چون تو شکفت

۲ گل بخندید که از راست نرنجیم ولی
هیچ عاشق سخن سخت به معشوق نگفت

۳ گر طمع‌داری از آن جام مرصّع می‌لعل
درّ و یاقوت به نوک مژه‌ات باید سفت

۴ تا ابد بوی محبّت به مشامش نرسد
هر که خاک در میخانه به رخساره نرُفت

۵ در گلستان ارم دوش چو از لطف هوا
زلف سنبل به نسیم سحری می‌آشفت

۶ گفتم ای مسند جم جام جهان‌بینت کو
گفت افسوس که آن دولت بیدار بخفت

۷ سخن عشق نه آن است که آید به زبان
ساقیا می ده و کوتاه کن این گفت‌وشنفت

۸ اشک حافظ خرد و صبر به‌دریا انداخت
چه کند سوز غم عشق نیارست نهفت

ب،ه،و،ح،ط،ی،ک،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ه،و،ل. با ترتیب متن در نسخه‌های ح،ی،ک بیت‌های ۳ و ۴ مقدم ومؤخر است ونسخه‌های ط،ی بیت ۵ را ندارند.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ*ط: بسی چون‌تو برست

۲ـ ب: گل بخندید و ازین راست نرنجید وبگفت * ب،ه: هیچ عاقل سخن
ب: سخن راست ک: بمعشوقه

۳ـ و،ط: کرطمع باشدت از جام مرصع ح،ی،ک: داری ازین جام
* ح،ک،ل: ای بسا در که بنوک مژه‌ات

۴ـ ح،ک: زمشامش نرود ط:بمشامش برسید * و: هرکسی کو درمیخانه
برخسار نرفت ط،ک: خاک در جانانه ط: برخساره رفت
ی،ک: برخساربرفت

۵ـ *ح،ک: زنسیم سحری

۶ـ*ح،ک: گفت خاموش ک: که این دولت

۸ـ ک: بصحرا انداخت

۸۲

۱ آن ترک پری‌چهره که دوش از بر ما رفت
آیا چه خطا دید که از راه خطا رفت

۲ تا رفت مرا از نظر آن نور جهان‌بین
کس واقف ما نیست که از دیده چها رفت

۳ بر شمع نرفت از گذر آتش دل دوش
آن دود که از سوز جگر بر سر ما رفت

۴ دور از رخ او دم‌بدم از چشمهٔ چشمم
سیلاب سرشک آمد و طوفان بلا رفت

۵ از پای فتادیم چو آمد غم هجران
در درد بماندیم چو از دست دوا رفت

۶ دل گفت وصالش به دعا باز توان یافت
عمریست که عمرم همه در کار دعا رفت

۷ احرام چه بندیم چو آن قبله نه اینجاست
در سعی چه کوشیم چو از کعبه صفا رفت

۸ دی گفت طبیب از سر حسرت چو مرا دید
هیهات که رنج تو ز قانون شفا رفت

۹ ای دوست به پرسیدن حافظ قدمی نه
زان پیش که گویند که از دار فنا رفت

ب،ه،ز،ح،ی۱،ی۲،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ی۱: آن یارپری چهره   **ب،ه:** چهره که در زیرقبا رفت   * **ه،ی۱:** چه خطا بود که

۲ـ ز،ح،ل: آن چشم جهان بین   **ی۱:** آن ماه جهان بین   * **ب:** که از چهره چها رفت

۳ـ ی۲: آتش دلسوز

۴ـ ل: دور از رخ تو   **ز،ل:** دم بدم ازگوشهٔ چشمم

۵ـ * ل: در درد بمردیم

۶ـ ز: دل گفت که وصلش بدعا

۷ـ ز: احرام نه‌بندیم   **ح:** نبندیم که آن قبله   **ی۱،ی۲:** قبله نه‌آنجاست   **ك:** کعبه نه اینجاست   * **ی۱:** چون ازقبله صفا رفت   **ل:** چو از مروه صفا رفت

۸ـ * ز: هیهات که درد تو

۹ـ * ح: که‌گویند که زین دارفنا

۸۳

۱ گر ز دست زلف مشکینت خطائی رفت رفت

ور ز هندوی شما بر ما جفائی رفت رفت

۲ برق عشق ار خرمن پشمینه پوشی سوخت سوخت

جور شاهی کامران گر بر گدائی رفت رفت

۳ گر دلی از غمزهٔ دلدار باری برد برد

ورمیان جان و جانان ماجرائی رفت رفت

۴ از سخن‌چینان ملالتها پدید آمد ولی

چون میان همنشینان ناسزائی رفت رفت

۵ در طریقت رنجش خاطر نباشد می بیار

هر کدورت را که بینی چون صفائی رفت رفت

۶ عشقبازی را تحمّل باید ای دل پای‌دار

گر ملالی بود بود و گر خطائی رفت رفت

۷ عیب حافظ گو مکن واعظ که رفت از خانقاه

پای آزادان نبندند ار به جائی رفت رفت

ب،ج،ه،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ه،ط،ی. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ج: ۱،۲،۳،۵،۶،۴،۷

ح،ك: ۱،۲،۳،۵،۴،۶،۷

ل: ۱،۲،۵،۶،۳،۴،۷

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ط: عشق ازخرقه‌پشمینه‌پوشی * ح،ط،ل: جورشاه کامران ج: گرباگدائی

۳ـ ح،ك: ازغمزهٔ غماز * ب،ه،ط،ی: درمیان جان وجانان ج: ناسزائی رفت رفت ح: مرحبائی رفت رفت ك: مرجفائی رفت رفت

۴ـ ح: ملامت می‌پدیدآید ی: ملامتها ج،ه،ح،ی،ك: پدیدآید ولی * ل: گرمیان ج،ح،ط،ك: ماجرائی رفت رفت

۵ـ ك: درطریق رنجش ح،ك: نباشد بی‌غبار * ك: گرصفائی

۶ـ ط: ای دل یاد دار ی: ای دل پایدار * ح،ط: گربلایی بود ج،ه: ورخطائی

۷ـ * ح،ك،ل: آزادی چه بندی ط: که بندد ب،ی: چون بجائی ح: گرزجائی ط،ل: گربجائی ك: چون زجائی

۸۴

۱ ساقی بیار باده که ماه صیام رفت
درده قدح که موسم ناموس و نام رفت

۲ وقت عزیز رفت بیا تا قضا کنیم
عمری که بی‌حضور صراحی و جام رفت

۳ در تاب توبه چند توان سوخت همچو عود
می ده که عمر در سر سودای خام رفت

۴ مستم کن آن‌چنان که ندانم زبیخودی
در عرصهٔ خیال که آمد کدام رفت

۵ بر بوی آنکه جرعهٔ جامت به ما رسد
در مصطبه دعای تو هر صبح و شام رفت

۶ دل را که مرده بود حیاتی به‌جان رسید
تا بوئی از نسیم می‌اش در مشام رفت

۷ زاهد غرور داشت سلامت نبرد راه
رند از ره نیاز به دارالسّلام رفت

۸ نقد دلی که بود مرا صرف باده شد
قلب سیاه بود ازان در حرام رفت

۹ دیگر مگو نصیحت حافظ که ره نیافت
گم‌گشته‌ای که بادهٔ نابش به کام رفت

ه،ح،ط،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ه،ح،ط،ك. ترتیب نسخهٔ ل چنین‌است:
۹،۳،۸،۷،۶،۵،۴،۲،۱

اختلاف نسخه‌ها

۳ـ ه، ط: درباب توبه   **ح:** درتاب غصه   *** ح:** سودای جام رفت
۶ـ ح،ك: حیاتی زجان رسید   *** ح:** نسیم تواش
۷ـ ح: زاهد غروریافت
۹ـ ل: دیگرمکن نصیحت   *** ه،ح،ط،ك:** بادهٔ شیرین بکام رفت

۸۵

۱ شربتی از لب لعلش نچشیدیم و برفت
روی مه‌پیکر او سیر ندیدیم و برفت

۲ گوئی از صحبت ما نیک به تنگ آمده بود
بار بربست و به گردش نرسیدیم و برفت

۳ بس که ما فاتحه و حرز یمانی خواندیم
وزپی‌اش سورهٔ اخلاص دمیدیم و برفت

۴ عشوه می‌داد که از کوی ملامت نرویم
دیدی آخر که چنان عشوه خریدیم و برفت

۵ شد چمان در چمن حسن و لطافت لیکن
در گلستان وصالش نچمیدیم و برفت

۶ همچو حافظ همه شب ناله‌وزاری کردیم
کای دریغا به وداعش نرسیدیم و برفت

ب،ه،ز،ح،ط،ك،ل

ترتیب‌ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ز،ط،ك،ل. با ترتیب متن نسخه‌هـای ه،ح،ی
ب ۵ را ندارند.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ی: شربتی زان لب ك: شربتی از می
۳ـ * ط: درپیش ب: سورة اخلاص ه: سورت اخلاص
۴ـ ل: عشوه دادندکه برما گذری خواهی کرد ز،ح،ط،ك: که ازکوی ارادت نروم * ح،ل: چنین عشوه
۵ـ ز،ط،ك: لطافت وانگه * ز،ك: درگلستان جمالش

۸٦

۱ ساقی بیا که یار ز رخ پرده برگرفت
کار چراغ خلوتیان باز درگرفت

۲ آن شمع سرگرفته دگر چهره برفروخت
وین پیر سالخورده جوانی ز سر گرفت

۳ آن عشوه داد عشق که تقوی ز ره برفت
وان لطف کرد دوست که دشمن حذر گرفت

۴ زنهار ازان عبارت شیرین دلفریب
گوئی که پستهٔ تو سخن در شکر گرفت

۵ بار غمی که خاطر ما خسته کرده بود
عیسی دمی خدا بفرستاد و برگرفت

۶ هر حوروش که برمه و خور حسن می‌فروخت
چون تو درآمدی پی کاری دگر گرفت

۷ زین قصّه هفت گنبد افلاک پرصداست
کوته‌نظر ببین که سخن مختصر گرفت

۸ حافظ تو این دعا ز که آموختی که بخت
تعویذ کرد شعر ترا و به زر گرفت

ب،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است بانسخه‌های ب،ل. با ترتیب متن درنسخهٔ ه بیت‌های۷ و ۸ مقدم و مؤخراست. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

د: ۱،۲،۴،۳،۶،۵،۸،۷

ز،ط: ۱،۲،۵،۳،۴،۶،۸،۷

ی: ۱،۲،۴،۳،۵،۶،۸ بیت ۷ را ندارد

ح،ك: ۱،۲،۵،۳،۴،۶،۸ بیت ۷ را ندارند

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ط،ی: ساقی بیا که پرده ز رخ یار برگرفت

۲ـ د: سرگرفتهٔ‌گلچهره‌برفروخت ی: سرگرفته چوگل چهره * ب: آن پیر سالخورده ز،ح،ط،ك: وان پیر سال خورده

۳ـ د،ه،ی: ان جلوه کرد باده که ه: که مفتی زده ببرد ی: که تقوی زره ببرد * د: ان لطف‌کرد

۴ـ ز، ط،ك: زنهار ازین ح: از این عبادت * ط: کز پسته بازکارسخن

۵ـ ط،ك: بارغمش * ب: مگر بفرستاد

۶ـ د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل: هرسرو قدکه ب: که درمه وخور د: که درخور مه ط: که برخورومه ی: که درخورومه *ط: پی‌کار دگر

۷ـ * د،ز: کوته نظرنگر

۸ـ ل: حافظ تو این سخن ز،ح،ك: زکه آموختی‌که یار *ح،ط،ك: تعویذ ساخت

۸۷

۱ حسنت به اتّفاق ملاحت جهان گرفت
آری به اتّفاق جهان می‌توان گرفت

۲ افشای راز خلوت ما خواست کرد شمع
شکر خدا که سرّ دلش در زبان گرفت

۳ زین آتش نهفته که در سینهٔ من است
خورشید شعله‌ایست که در آسمان گرفت

۴ می‌خواست گل که دم زند از رنگ‌وبوی دوست
از غیرت صبا نفسش در دهان گرفت

۵ آسوده بر کنار چو پرگار می‌شدم
دوران چو نقطه عاقبتم در میان گرفت

۶ آن روز عشق ساغر می خرمنم بسوخت
کاتش ز عکس عارض ساقی دران گرفت

۷ خواهم شدن به کوی مغان آستین‌فشان
زین فتنه‌ها که دامن آخر زمان گرفت

۸ می‌خور که هر که آخر کار جهان بدید
از غم سبک برامدو رطل گران گرفت

۹ بر برگ گل به خون شقایق نوشته‌اند
کان کس که پخته شد می چون ارغوان گرفت

۱۰ فرصت نگر که فتنه چو در عالم اوفتاد
صوفی به جام می‌زد و از غم کران گرفت

۱۱ حافظ چو آب لطف ز نظم تو می‌چکد
حاسد چگونه نکته تواند بران گرفت

ب،ج،د،ه،و،ز،ح،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق‌است با نسخه‌های ب،ل، اما این‌دونسخه بیت ۱۰ را ندارند. ترتیب‌نسخه‌های دیگرچنین است:

ج: ۱،۲،۵،۶،۳،۴،۹،۸،۷،۱۰ — بیت ۱۱ را ندارد
د: ۱،۲،۵،۶،۳،۴،۹،۸،۷،۱۰،۱۱
ه: ۱،۲،۴،۳،۵،۶،۷،۸،۹،۱۱ — بیت ۱۰ را ندارد
و: ۱،۲،۵،۳،۴،۹،۸،۷،۱۱ — بیت‌های ۶ و ۱۰ را ندارد
ز: ۱،۲،۳،۵،۴،۶،۷،۸،۹،۱۱ — بیت ۱۰ را ندارد
ح: ۶،۴،۸،۱۱ — بیت‌های دیگر را ندارد
ی: ۱،۲،۵،۶،۳،۴،۹،۸،۷،۱۱ — بیت ۱۰ را ندارد
ك: ۱،۲،۵،۹،۶،۷،۴،۸،۱۱ — بیت‌های ۳ و ۱۰ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ب،و،ی،ل: رازخلوتیان‌خواست کرد * ج: شکرخداکه‌راز دلش د:شکر خداکه سوز دلش

۴ـ ج: از رنگ وبوی تو د: از رنگ وبوی خود و،ح،ی،ك: ازرنگ وبوی او * ج،ح،ك: ازغیرتش صبا د،ه: ازغیرتت صبا

۵ـ د: آسوده برکناره ه،ی: آسوده درکنار

۶ـ ز،ح،ل: آن روزشوق ساغر ه: آن روز عشق خرمن ومی ساغرم بسوخت *ه: کاتش زعشق ب،و: طلعت ساقی

۷ـ *ك: زان فتنها

۹ـ ز: زخون شقایق ه: شقایق نبشته‌اند

۱۰ـ * ج: حافظ بجام می‌زد

۸۸

۱ شنیده‌ام سخنی خوش که پیر کنعان گفت
فراق یار نه آن می‌کند که بتوان گفت

۲ حدیث هول قیامت که گفت واعظ شهر
کنایتی است که از روزگار هجران گفت

۳ نشان یار سفر کرده از که پرسم راست
که هر چه گفت برید صبا پریشان گفت

۴ فغان که آن مه نامهربان دشمن‌دوست
به‌ترک صحبت یاران خود چه آسان گفت

۵ من و مقام رضا بعد ازین و شکر رقیب
که دل به درد تو خو کرد و ترک درمان گفت

۶ گره به باد مزن گرچه بر مراد وزد
که این سخن به مثل باد با سلیمان گفت

۷ به مهلتی که سپهرت دهد ز راه مرو
ترا که گفت که این زال ترک دستان گفت

۸ غم کهن به می سالخورده دفع کنید
که تخم خوشدلی این است و پیر دهقان گفت

۹ مزن ز چون‌وچرا دم که بندهٔ مقبل
قبول کرد به‌جان هر سخن که جانان گفت

۱۰ که گفت حافظ از اندیشهٔ تو آمد باز
من این نگفته‌ام آن کس که گفت بهتان گفت

ب، ج، ه، و، ح، ط، ی، ك، ل

ترتیب ابیات

ترتیب نسخه ها چنین است:

ب: ۱، ۲، ۳، ۸، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۰ بیت ۷ را ندارد
ج: ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۷، ۸، ۱۰ بیت‌های ۵ و ۹ را ندارد
ه، ح: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۰ بیت‌های ۷ و ۸ را ندارد
و: ۱، ۲، ۳، ۸، ۴، ۵، ۶، ۹، ۷، ۱۰
ط: ۱، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۰ بیت‌های ۲ و ۳ و ۷ و ۸ را ندارد
ی: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۹، ۷، ۱۰ بیت ۸ را ندارد
ك: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۱۰ بیت‌های ۷ و ۸ و ۹ را ندارد
ل: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۶، ۷، ۹، ۱۰

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ج: فراق دوست ح: که نتوان گفت
۳ـ ج، و، ح، ل: از که پرسم باز
۴ـ ط، ی: فغان ازان ل: نامهربان مهرگسل * ط، ی: که ترك صحبت
۵ـ ح، ی، ك: جور رقیب
۶ـ و، ح، ی: ورچه برمراد ل: برمراد رود
۸ـ * ج: اینست که پیر ل: اینست پیر ب: پیر کنعان گفت
۱۰ـ و: تو آید باز ح، ی: تو بازآمد * ب: نگفتم وهرکس که گفت
و: نگفتم وآنکس

۸۹

۱ چه لطف بود که ناگاه رشحهٔ قلمت
حقوق خدمت ما عرضه کرد بر کرمت

۲ به نوک خامه رقم کرده‌ای سلام مرا
که کارخانهٔ دوران مباد بی‌رقمت

۳ نگویم از من بیدل به سهو کردی یاد
که در حساب خرد نیست سهو بر قلمت

۴ مرا ذلیل مگردان به شکر این توفیق
که داشت دولت سرمد عزیز و محترمت

۵ بیا که با سر زلفت قرار خواهم کرد
که گر سرم برود برندارم از قدمت

۶ ز حال ما دلت آگه شود ولی وقتی
که لاله بردمد از خاک کشتگان غمت

۷ صبا ز زلف تو با هر گلی حدیثی راند
رقیب کی ره غمّاز داد در حرمت

۸ ترا ز حال دل خستگان چه غم که مدام
همی دهند شراب خضر ز جام جمت

۹ دلم مقیم در تست حرمتش می‌دار
به شکر آن که خدا داشتست محترمت

۱۰ همیشه وقت تو ای عیسی صبا خوش باد
که جان حافظ دلخسته زنده شد به دمت

ب،هـ،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ب. با ترتیب متن نسخهٔ هـ بیت ۹ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ز: ۱،۲،۵،۶،۸،۴،۷،۱۰،+ بیت‌های ۳ و۹ را ندارد و بعد ازبیت ۱۰ بیت زیر را افزوده است:

+ کمین‌گهست وتو خــوش تیزمی‌روی هشدار
مکن کــه گرد برآید زشه ره عدمت

ح: ۱،۲،۳،۷،۹،۶،۵،۴،۸،۱۰

ط: ۱،۲،۵،۶،۴،۸،۱۰ بیت‌های ۳ و ۷ و۹ را ندارد

ك: ۱،۲،۷،۹،۶،۵،۸،۱۰ بیت‌های ۳ و ۴ را ندارد

ل،ی: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۸،۱۰ بیت‌های ۷ و ۹ را ندارند

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ب،ط: عرض کرد

۳ـ * ی: سهونیست برقلمت ب،ح: درقلمت

۴ـ ح: بشکرآن توفیق ل: بشکر این نعمت * ح: دولت باقی عزیز

۵ـ هـ،ی: قرارخواهم بست ز،ط: قرارخواهم داد

۶ـ ط،ك: مگر آگه شود هـ،ل: مگروقتی ط: دلت وقتی ك: دلت روزی

۷ـ ب: صبا حکایت زلف تو کرد باگل وسرو

۸ـ هـ،ی: زحال دل تنگ ما چه غم ز،ل: روان تشنهٔ ما را بجرعهٔ دریاب
ح: چه غم که ترا ط: بجرعهٔ زغریبان خسته یادآور * ز،ط،ل: چو می‌دهند زلال خضر ز جام جمت

۹ـ ب: دلم مقیم غم تست * ب: بحکم آنکه خدا

۱۰ـ ط: همیشه عیش تو

۹۰

۱ یا رب سببی ساز که یارم به سلامت
باز آید و برهاندم از بند ملامت

۲ خاک ره آن یار سفر کرده بیارید
تا چشم جهان‌بین کنمش جای اقامت

۳ فریاد که از شش جهتم راه ببستند
آن خال‌وخط و زلف و رخ و عارض و قامت

۴ امروز که در دست توام مرحمتی کن
فردا که شدم خاک چه سود اشک ندامت

۵ ای آنکه به تقریر و بیان دم‌زنی از عشق
ما با تو نداریم سخن خیر و سلامت

۶ درویش مکن ناله ز شمشیر احبّا
کاین طایفه از کشته ستانند غرامت

۷ در خرقه زن آتش که خم ابروی ساقی
برمی‌شکند گوشهٔ محراب امامت

۸ حاشا که من از جور و جفای تو بنالم
بیداد لطیفان همه لطف است و کرامت

۹ کوته نکند بحث سر زلف تو حافظ
پیوسته شد این سلسله تا روز قیامت

ب،د،ه،و۲،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،د،ه،و۲،ح،ی،ك،ل. با ترتیب متن درنسخهٔ ط بیت‌های۴ و ۵ مقدم ومؤخر است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ب،ه،ح،ی: برهاندم ازچنگ ملامت

۲ـ *د: تا دیدهٔ روشن کنمش

۳ـ ط: زنهار که ازشش جهتم   * د،ه،ط: ازخال وخط   ح،ك: آن زلف و رخ وخال وخط وعارض وقامت

۴ـ *ح،ط،ك،ل: فردا که شوم خاك

۵ـ ح: به‌تقریر بنان دم زنی

۶ـ *و: ستانند جنایت

۷ـ * ط: محراب شرابست نه محراب امامت   ك: برمی‌شکند کوکب محراب
د: محراب و امامت

۸ـ و۲: ازجور جفای تو

۹ـ ی: کوته‌کند این بحث   * ط: تا دورقیامت

۹۱

۱ ای هدهد صبا به سبا می‌فرستمت
بنگر که از کجا به کجا می‌فرستمت

۲ حیف است طایری چو تو در خاکدان غم
زینجا به آسمان وفا می‌فرستمت

۳ در راه عشق مرحلهٔ قرب و بعد نیست
می‌بینمت عیان و دعا می‌فرستمت

۴ هر صبح و شام قافله‌ای از دعای خیر
در صحبت شمال و صبا می‌فرستمت

۵ تا لشکر غمت نکند ملک دل خراب
جان عزیز خود به نوا می‌فرستمت

۶ ساقی بیا که هاتف غیبم به مژده گفت
با درد صبر کن که دوا می‌فرستمت

۷ ای غایب از نظر که شدی همنشین دل
می‌گویمت دعا و ثنا می‌فرستمت

۸ در روی خود تفرّج صنع خدای کن
کایینهٔ خدای نما می‌فرستمت

۹ تا مطربان ز شوق منت آگهی دهند
قول و غزل به ساز و نوا می‌فرستمت

۱۰ حافظ سرود مجلس ما ذکر خیر تست
تعجیل کن که اسب و قبا می‌فرستمت

ب،ه،ز،ح،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ز. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ب،ه،ی: ۱۰،۶،۵،۴،۳،۲،۱ بیت‌های ۷ و ۸ و ۹ را ندارند

ح،ك: ۱۰،۶،۵،۸،۹،۴،۳،۲،۱ بیت ۷ را ندارند

ل: ۱۰،۶،۹،۸،۷،۵،۴،۳،۲،۱

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ح،ك: دربوستان غم ی: خاکدان نم *ه: بآستان وفا ی،ل: بآشیان‌وفا

۳ـ ح: فاصلهٔ قرب ك: راحلهٔ قرب * ك: عیان بدعا

۴ـ ك: هرشام وصبح

۵ـ * ه: قول وغزل بساز ونوامی‌فرستمت

۸ـ ز،ح،ك: صنع خدا بکن

۱۰ـ * ز: تعجیل هان ل: بشتاب هان‌که اسب و

۹۲

۱ ای غایب از نظر به خدا می‌سپارمت
جانم بسوختی و ز جان دوستدارمت

۲ تا دامن کفن نکشم زیر پای خاک
باور مکن که دست ز دامن بدارمت

۳ محراب ابرویت بنما تا سحر گهی
دست دعا بر آرم و در گردن آرمت

۴ گر بایدم شدن سوی هاروت بابلی
صد گونه جادوئی بکنم تا بیارمت

۵ خواهم که پیش میرمت ای بیوفا طبیب
بیمار بازپرس که در انتظارمت

۶ صد جوی آب بسته‌ام از دیده در کنار
بر بوی تخم مهر که در دل بکارمت

۷ حافظ شراب و شاهد و رندی نه وضع تست
فی‌الجمله می‌کنی و فرومی‌گذارمت

ب،د،ه،و۲،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ه،و۲،ز،ح،ط،ی،ك. با ترتیب متن درنسخهٔ د بیت‌های ۳و۴ مقدم ومؤخر است ونسخهٔ ل بعد ازبیت ۶ بیت‌های زیر را به ترتیب افزوده است :

خونم بریخت‌وزغم عشقم‌خلاص داد منت پـذیرغمـزهٔ خنجـر گذارمت
میگریم و مـرادم ازین سیل اشکبار تخم محبتست کـه در دل بکارمت
بارم ده ازکرم سوی‌خود تا بسوزدل درپای دم بدم گهر از دیده بارمت

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ب: زجان‌دوستدارمت د،ه،و،ی: بجان دوستدارمت ز،ح،ل: بدل دوستدارمت ك: ز دل دوستدارمت ط: زجان دوستارمت
۳ـ ب،و۲،ح: محراب ابرویم بنما ز،ط،ی: محراب ابروان
۴ـ* ح،ط: صدگونه ساحری بکنم
۵ـ* د: بیمار خود بپرس ه: بیمار را بپرس
۶ـ و،ح،ط،ك،ل: از دیده برکنار ز: می‌گریم ومرادم ازین اشك سیل‌بار
* ز: تخم محبت است که در دل بکارمت
۷ـ ب،و،ط: شاهد وساقی نه وضیع

۹۳

۱ زان یار دلنوازم شکریست با شکایت
گر نکته‌دان عشقی خوش بشنو این حکایت

۲ بی‌مزد بود و منّت هر خدمتی که کردم
یا رب مباد کس را مخدوم بی‌عنایت

۳ رندان تشنه لب را جامی نمی‌دهد کس
گوئی ولی‌شناسان رفتند ازین ولایت

۴ هر چند بردی آبم روی از درت نتابم
جور از حبیب خوشتر کز مدّعی رعایت

۵ در زلف چون کمندش ای دل مپیچ کانجا
سرها بریده بینی بی‌جرم و بی‌جنایت

۶ چشمت به غمزه ما را خون خورد و می‌پسندی
جانا روا نباشد خونریز را حمایت

۷ در این شب سیاهم گم گشت راه مقصود
از گوشه‌ای برون آی ای کوکب هدایت

۸ از هر طرف که رفتم جز وحشتم نیفزود
زنهار ازین بیابان وین راه بی‌نهایت

۹ این راه را نهایت صورت کجا توان بست
کش صدهزار منزل بیش است در بدایت

۱۰ عشقت رسد به فریاد ور خود بسان حافظ
قرآن ز بر بخوانی در چارده روایت

الف،ب،ه،ز،ح،ط،ی،ک،ل،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ه**. با ترتیب متن نسخه‌های **الف،ی،ن** بیت چهارم را ندارند. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ز: ۱،۲،۳،۸،۷،۹،+،۴،۵،۱۰ — **بیت ۶ را ندارد**

ح: ۱،۲،۳،۷،۹،+،۸،×،۶،۵،۱۰ — **بیت ۴ را ندارد**

ط: ۱،۲،۳،۷،۸،۶،۵،۱۰ — **بیتهای ۴ و ۹ را ندارد**

ک: ۱،۲،۳،۷،۹،+،۸،۶،۵،۱۰ — **بیت ۴ را ندارد**

ل: ۱،۲،۳،۵،۶،۷،۸،+،۹،۴،۱۰

نسخه‌های ز،ح،ک بعد از بیت ۹ ونسخهٔ ل بعد از بیت ۸ بیت زیر را افزوده‌اند:

+ ای‌آفتاب خوبان‌میجوشد‌اندرونم یکساعتم بگنجان در سایهٔ عنایت

که درنسخهٔ ز «بخسبان درسایهٔ حمایت» و درنسخهٔ ح «بخوابان درسایهٔ لوایت» آمده است. نسخهٔ ح بعد از بیت ۸ بیت زیر را افزوده:

× این عشق بازی ای دل با جای دیگر انداز

کز کشته می‌ستانـد معشوق مـا جنایت

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ الف،ح: از یار دلنوازم * **ک:** گر خرده دان عشقی

ل: بشنو تو این‌حکایت

۲ــ الف،ه،ح: هرخدمتی که کردیم

۳ ــ ه،ی،ل،ن: آبی نمی‌دهد **ک:** جامی نمی‌فرستی

۴ ــ * همه نسخه‌ها بجز **ز:** حمایت

۵ــ ح: ای دل مرو که آنجا

۶ــ ح: خون ریخت می‌پسندی

۷ ــ ک،ن: در آن شب

۸ــ ب،ه: جز حیرتم نیفزود

۹ــ الف: صورت‌کجا توان یافت **ی،ن:** صورت نمی‌توان بست

۱۰ ــ الف،ه: گر خود **ز،ط،ک،ل:** ار خود بسان * **ط:** هر هفت سبع خوانی دچارده **الف:** درچهارده روایت **ی:** برچارده روایت

۹۴

۱ مدامم مست می‌دارد نسیم جعد گیسویت
خرابم می‌کند هر دم فریب چشم جادویت

۲ پس از چندین شکیبائی شبی یا رب توان دیدن
که شمع دیده افروزیم در محراب ابرویت

۳ سواد لوح بینش را عزیز از بهر آن دارم
که جان را نسخه‌ای باشد ز نقش خال هندویت

۴ تو گر خواهی که جاویدان جهان یکسر بیارائی
صبارا گو که بردارد زمانی برقع ازرویت

۵ وگر رسم فنا خواهی که از عالم براندازی
برافشان تا فرو ریزد هزاران جان ز هر مویت

۶ من و باد صبا مسکین دو سرگردان بی‌حاصل
من از افسون چشم مست و او از بوی گیسویت

۷ زهی همّت که حافظ راست کزدنیی و از عقبی
نیامد هیچ در چشمش بجز خاک سر کویت

ب،ج،د،ه،و،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق غیر ازنسخهٔ ط که چنین است:

۱،۲،۴،۵،۳،۶،۷

اختلاف نسخه‌ها

۲ــ * و: که شمع مجلس افروزیم

۳ــ * ل: زلوح خال

۴ــج،د،ه: اگر خواهی

۵ــ ن: رسم جفا * **ج،د،و،ح،ط،ك:** بیفشان تا فروریزد **ط:** فروریزد جهانی

۶ــط،ك: باد صبا هردو دوسرگردان **ی:** باد صباداگو دوسرگردان ***ه،ط،ل:** چشمت مست **ط:** ازتاب‌گیسویت

۷ــ ب،د،ح،ط،ل: از دنیی **ن:** در دنیا و در عقبی * **ح:** که در چشمش نمی‌آید بجز خاك سرکویت **ل،ن:** نیاید هیچ

۹۵

۱ دل من در هوای روی فرخ
بود آشفته همچون موی فرّخ
۲ بجز هندوی زلفش هیچکس نیست
که برخور باشد او از روی فرّخ
۳ سیاهی نیک‌بخت است او که دایم
بود همراه و همزانوی فرّخ
۴ شود چون بید لرزان سرو بستان
اگر بیند قد دلجوی فرّخ
۵ بده ساقی شراب ارغوانی
به یاد نرگس جادوی فرّخ
۶ دو تا شد قامتم همچون کمانی
ز غم پیوسته چون ابروی فرّخ
۷ نسیم مشک تاتاری خجل کرد
شمیم زلف عنبر بوی فرّخ
۸ اگر میل دل هر کس به جائیست
بود میل دل من سوی فرّخ
۹ غلام خاطر آنم که باشد
چو حافظ چاکر و هندوی فرّخ

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق غیر ازنسخهٔ ط که فقط بیت ۹ رادارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ح،ی: شود آشفته
۲ـ *ه،ز: که برخورد باشد از ابروی فرخ ك،ل: که برخوردارشد ازروی‌فرخ
۳ـب،ه،ز،ی،ك،ل: آنکه دایم ح: آنکه دانم * ح: بود همواره هم ازبوی فرخ ل: بود همراز و
۴ـز،ی،ل: سروآزاد
۹ـك،ل: غلام همت‌آنم * ب،ك: چاکر هندوی ل: بنده وهندوی

۹۶

۱ دی پیر می‌فروش که ذکرش به خیر باد
گفتا شراب نوش و غم دل ببر ز یاد

۲ گفتم به باد می‌دهدم باده ننگ و نام
گفتا قبول کن سخن و هر چه باد باد

۳ سود و زیان و مایه چو خواهد شدن ز دست
گو بهر این معامله غمگین مباش و شاد

۴ بادت به دست باشد اگر دل نهی به هیچ
در معرضی که تخت سلیمان رود به‌باد

۵ حافظ گرت ز پند حکیمان ملالت است
کوته کنیم قصّه که عمرت دراز باد

ب،ه،ز،ح،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق غیر ازنسخهٔ ه که بیت ۴ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ح،ل: بیاد میدهدهم بـاده   ل،م: باده نام وننگ   * م: سخنم هرچه
۳ـ ه،ز: زبان مایه   * ح: روبهر این   ز،ل: از بهر این

۹۷

۱ شراب وعیش نهان چیست کار بی‌بنیاد
زدیم بر صف رندان و هرچه بادا باد

۲ گره ز دل بگشا وز سپهر یاد مکن
که فکر هیچ مهندس چنین گره نگشاد

۳ زانقلاب زمانه عجب مدار که چرخ
ازین فسانه هزاران هزار دارد یاد

۴ قدح به شرط ادب‌گیر زانکه ترکیبش
ز کاسهٔ سرجمشید و بهمن است و قباد

۵ که آگه است که کاووس و کی کجا رفتند
که واقف است که چون رفت تخت جم بر باد

۶ ز حسرت لب شیرین هنوز می‌بینم
که لاله می‌دمد از خون دیدهٔ فرهاد

۷ مگر که لاله بدانست بیوفائی دهر
که تا بزاد و بشد جام می ز کف ننهاد

۸ بیابیا که زمانی ز می خراب شویم
مگر رسیم به گنجی درین خراب آباد

۹ نمی‌دهند اجازت مرا به سیر و سفر
نسیم باد مصلّی و آب رکناباد

۱۰ قدح مگیر چو حافظ مگر به نالهٔ چنگ
که بسته‌اند بر ابریشم طرب دل شاد

ب،ج،د،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،د،ی،ل. با ترتیب متن نسخهٔ ج بیت‌های ۶ و ۷ و ۸ ونسخهٔ ز بیت‌های ۱و۷ و نسخهٔ م بیت ۱۰ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین‌است:

ح: ۱،۷،۲،۳،۴،۸،۶،۹،+ بیت‌های ۵ و ۱۰ را ندارد وبعد ازبیت ۹ بیت زیر را افزوده است:

+ رسید درغم عشقش به‌حافظ آنچه‌رسید که چشم زخم‌حوادث به‌عاشقان مرساد

ط: ۱،۲،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰ بیت ۳ را ندارد

ك: ۱،۷،۲،۳،۴،۸،۵،۶،۹،۱۰

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ ی: عیش جهان

۲ــ ح: بگشا وسپهر بازمکن * م: گره چنین نگشاد

۳ــ م: طمع مدار

۴ــ ح،ك: ازانکه ترکیبش * ح،ك: پرویز وبهمنست و ط: شاپور و بهمنست و ی: قیصرست وقباد

۵ــ ك: که آگهست که جمشید کی بدخمه رسید ط: که آگهست که کاوس کی بدخمه چه برد * م: تختشان برباد

۶ــ م: هنوز می‌بینند * م: خاك دیدهٔ فرهاد

۷ــ م: مگو که لاله ی: که لاله ندانست ح: بیاموخت بیوفائی

۸ــ ب: بیا بیا که ز می یکزمان خراب شویم ز،د: بیا بیا که زمی یکدگر خراب کنیم ی،م: بیا بیا که ز می‌یکدمی‌خراب شویم *ب،ز: بکنجی ازین

۹ــ ج،ط،ل: بسیر سفر * م: مصراع دوم را ندارد

۱۰ــ ج: قدح بگیر ط: مگیر وچوحافظ

۹۸

۱ دوش آگهی ز یار سفر کرده داد باد
من نیز دل به باد دهم هر چه باد باد

۲ کارم بدان رسید که همراز خود کنم
هر شام برق لامع و هر بامداد باد

۳ در چین طرّهٔ تو دل بی‌حفاظ من
هرگز نگفت مسکن مألوف یاد باد

۴ امروز قدر پند عزیزان شناختم
یارب روان ناصح ما از تو شاد باد

۵ خون شد دلم به یاد تو هرگه که در چمن
بند قبای غنچهٔ گل می‌گشاد باد

۶ از دست رفته بود وجود ضعیف من
صبحم به بوی وصل تو جان باز داد باد

۷ حافظ نهاد نیک تو کامت برآورد
جانها فدای مردم نیکو نهاد باد

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ح،ط،ی،ك،ل،م. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ه: ۱،۳،۴،۵،۲، +، ۶،۷ بعد از بیت ۲ بیت زیر را افزوده است:

\+ هرشب هزارهم بهمن آید زعشق تو یا رب که دم بدم غم عشقت زیاد باد

ز: ۱،۳،۴،۵،۶،۷،۲

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ * ی: هرچه بادا باد

۲ــ ه: که همراه خودکنم ی: که هم کار خودکنم * م: لامعه هربامداد

۳ــ ز: دل حق‌گزارمن ك: دل ناحفاظ من

۵ــ ب،ه،ز،ی: دل خون شودبیاد تو ك: خون دل شدم بیاد تو م: دل خون شدی بیاد تو ب،ط،ی: هردم که درچمن * ه،ز: برگشادباد

۹۹

۱ روز وصل دوستداران یاد باد
یاد باد آن روزگاران یاد باد

۲ کامم از تلخی غم چون زهر گشت
بانگ نوش شادخواران یاد باد

۳ گر چه یاران فارغند از یاد من
از من ایشان را هزاران یاد باد

۴ مبتلا گشتم درین بند و بلا
کوشش آن حق‌گزاران یاد باد

۵ گر چه صد رودست در چشمم مدام
زنده‌رود و باغ کاران یاد باد

۶ راز حافظ بعد ازین ناگفته ماند
ای دریغا رازداران یاد باد

ب،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ح،ی،ك،ل،م. ترتیب نسخهٔ ط چنین است:

۱،۳،۲،۴،۶ بیت ۵ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ م: تلخی می * ط: از من ایشان را هزاران یاد باد م: بانگ‌نوشانوش یاران ح: نوش باده خواران

۳ـ*ط: بانگ نوشانوش خوبان یاد باد

۴ـی: درین بند بلا

۵ـ *ب: ژنده رود ك: زنده رود باغ

۶ـب: ناگفته‌اند ط: ناگفته به * ح،ط،ی،ك: ای دریغ آن راز داران

۱۰۰



۱ جمالش آفتاب هر نظر باد
ز خوبی روی خوبش خوبتر باد
۲ همای زلف شاهین شهپرش را
دل شاهان عالم زیر پر باد
۳ کسی کاو بستهٔ زلفش نباشد
چو زلفش درهم و زیر و زبر باد
۴ دلی کاو عاشق رویش نگردد
همیشه غرقه در خون جگر باد
۵ بتا چون غمزه‌ات ناوک فشاند
دل مجروح من پیشش سپر باد
۶ چو لعل شکّرینت بوسه بخشد
مذاق جان من زو پرشکر باد
۷ مرا از تست هر دم تازه عشقی
ترا هر ساعتی حسنی دگرباد
۸ بجان مشتاق روی تست حافظ
ترا در حال مشتاقان نظر باد

ب۱،ب۲،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ح،ك،ل،م. با ترتیب متن نسخه‌های ب۲،ه،ی بیت ۴ ونسخهٔ ط بیت‌های ۴ و۶ را ندارد ودرنسخهٔ ب۱ بیت‌های ۲ و۳ مقدم و مؤخر است.
ترتیب نسخهٔ ز چنین است:

ز: ۱،۲،۳،۵،۶،۷،۸،۴

ن: ۱،۲،۳،۶،۷،۵ بیت ۴ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ح،ك،ل: جمال‌آفتاب * ح،ی،ك،ل: روی خوبت

۲ـ ح: شهرت باد ك،ل:شهرت را

۳ـ ح،ی،ك،ل: دلی کوبستهٔ زلفت‌نباشد * ب۲،ز،ح،ط،ی،ك: همیشه‌غرقه در خون‌جگرباد ه: همیشه غرقهٔ خون‌جگرباد ل: چو زلفت درهم و

۴ـ ح،ك: کسی کوعاشق رویت نگردد ب۱،م: رویش نباشد ز: رویت نگردد ل: رویت نباشد * ز: چو زلفت بسته و زیر و زبرباد ح: چو زلفت درهم و زیر و زبرباد ك: چو زلفت

۵ـ ب۱: دلا چون غمزه‌ات ح: ترا چون غمزه‌ات ح،ك: ناوك‌گشاید * ب۱: دل محروم من پیشت سپرباد ط: دل مجروح بیمارم سپرباد

۶ـ ب۱: زلعل شکرینت بوسهٔ بخش ن: لعل شکرینش

۷ـ *ن: حسن دگر

۸ـ *ح،ك: ترا برحال

۱۰۱

۱ صوفی ار باده به اندازه خورد نوشش باد
ورنه اندیشهٔ این کار فراموشش باد

۲ وانکه یک جرعه می از دست تواند دادن
دست با شاهد مقصود در آغوشش باد

۳ پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت
آفرین بر نظر پاک خطا پوشش باد

۴ شاه ترکان سخن مدّعیان می‌شنود
شرمی از مظلمهٔ خون سیاووشش باد

۵ چشمم از آینه‌داران خط و خالش گشت
لبم از بوسه‌ربایان بر و دوشش باد

۶ گر چه از کبر سخن بامن درویش نگفت
جان فدای شکرین پستهٔ خاموشش باد

۷ نرگس مستِ نوازش کنِ مردم دارش
خون عاشق به قدح گر بخورد نوشش باد

۸ به غلامی تو مشهور جهان شد حافظ
حلقهٔ بندگی زلف تو در گوشش باد

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ح،ی،ك،م. با ترتیب متن نسخهٔ ه بیت ۷ ونسخه های ز،ط بیت ۵ را ندارند و درنسخهٔ ل بیت‌های ۵ و ۶ مقدم ومؤخر است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ی: باده از این دست خورد
۲ـح،ی،ك،ل: آنکه یك جرعه
۴ـ * ب: شرم ازمظلمهٔ
۶ـ * ب: شکری پسته
۷ـط: نرگس مست توآن سرکش مردم دارست ب: نوازش‌کن ومردم دارش
۸ـ*ب: زلف تو بر دوشش باد

۱۰۲

۱ تنت به ناز طبیبان نیازمند مباد
وجود نازکت آزردهٔ گزند مباد

۲ سلامت همه آفاق در سلامت تست
به هیچ عارضه شخص تو دردمند مباد

۳ بدین چمن چو دراید خزان یغمائی
رهش به سرو سهی قامت بلند مباد

۴ دران بساط که حسن تو جلوه آغازد
مجال طعنهٔ بدبین و بدپسند مباد

۵ کمال صورت و معنی ز امن و صحّت تست
که ظاهرت دژم و باطنت نژند مباد

۶ هرانکه روی چو ماهت به چشم بد بیند
بر آتش تو بجز چشم او سپند مباد

۷ شفا ز گفتهٔ شکّرفشان حافظ جوی
که حاجتت به علاج گلاب و قند مباد

ب،ج،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ز. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ج: ۱،۲،۵،۴،۳،۶،۷

ه: ۱،۲،۴،۵،۳،۶،۷

ح،ط،ك،ل،م: ۱،۲،۵،۳،۴،۶،۷

ی: ۱،۲،۵،۳،۴،۷ بیت ۶ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ * ط: شخص تو مستمند مباد

۳ـ ج،ه،ی،ل،م: درین چمن ج،ه،ز،ل: خزان به‌یغمائی *ح: رخش بسرو سهی قامتت بلند مباد

۴ـ ج،ی،م: دران مقام که‌حسن تو * ه: بدین خودپسند ب،ه،ز،ی: بدین بد پسند م: بدین ناپسند

۵ـ ج،ح،ی،ك،ل،م: جمال صورت و معنی ط: جمال صورت معنی امن ب،ه،ز: زیمن صحت تست ج،ح،ك،ل: زامن صحت تست * ه: که ظاهر دژم و ح: که خاطرت دژم و

۶ـ * ح: بجز برآتش غم جان اوسپند مباد ط،م: بجز برآتش‌غم چشم اوسپند مباد ح،ك: برآتش توجزان چشم اوسپند مباد ل: برآتش توبجزجان اوسپند مباد

۷ـ ح: شفای گفتهٔ ح: حافظ جو * ج: بعلاج وگلاب وقند

۱۰۳

۱ حسن تو همیشه در فزون باد
رویت همه ساله لاله‌گون باد

۲ وندر سرمن خیال عشقت
هر روز که هست در فزون باد

۳ قدّ همه دلبران عالم
در خدمت قامتت نگون باد

۴ هر سرو که در چمن برآید
پیش الف قدت چو نون باد

۵ چشمی که نه فتنهٔ تو باشد
از گوهر اشک بحر خون باد

۶ چشم تو ز بهر دلربائی
در کردن سحر ذو فنون باد

۷ هر جا که دلیست از غم تو
بی‌صبر و قرار و بی‌سکون باد

۸ هر کس که نباشدش سر هجر
از حلقهٔ وصل تو برون باد

۹ لعل تو که هست جان حافظ
دور از لب، هر خسیس دون باد

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است بانسخه‌های ب،ه،ز،ی،م، اما نسخهٔ ه بیت ۴ ونسخهٔ ز بیت ۶ و نسخهٔ م بیت ۸ را ندارد. درنسخهٔ ط بیت‌های ۴ و ۵ مقدم ومؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ح،ل: ۱،۲،۴،۵،۶،۷،۳،۸،۹

ك: ۱،۲،۴،۵،۷،۳،۸،۹ بیت ۶ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ك: عشق توهمیشه * ح: رویت همه روزه

۲ـ ب،ط،ی: اندر سرمن ل: اندرسرما ز: هوای عشقت * ح،ك: هر لحظه که هست ل: هر روزکه باد ز: برفزون باد

۳ـ *ه،ل: پیش الف‌قدت چو نون باد

۴ـ ح،ك: که از چمن ح،ل: درآید * ح: قدتو نون باد ل: در خدمت قامتت نگون باد

۵ـ ه،ی: عقلی که نه فتنهٔ * ز: درکردن سحر ذوفنون باد ل: چون‌گوهر اشك غرق خون باد

۶ـ ط: زمهر دلربایی

۷ـ ح،ط،ی،ل: درغم تو

۸ـ ح،ك،ل: هردل‌که زعشق تست خالی ی: هرکس‌که ندارد ازتو دردی ب،ط: نباشدش فراقی

۹ـ *ك: دور از دهن خسیس ل: لب مردمان دون

۱۰۴

۱ خسروا گوی فلک در خم چوگان تو باد
ساحت کون و مکان عرصهٔ میدان تو باد

۲ زلف خاتون ظفر شیفتهٔ پرچم تست
دیدهٔ فتح ابد عاشق جولان تو باد

۳ ای که انشای عطارد صفت شوکت تست
عقل کل چاکر طغراکش دیوان تو باد

۴ طیرهٔ جلوهٔ طوبی قد چون سرو تو شد
غیرت خلدبرین ساحت ایوان تو باد

۵ نه به تنها حَیَوانات و نباتات و جماد
هر چه در عالم امرست به فرمان تو باد

ب،ه،ک،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است بانسخه‌های فوق.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ل: خم چوگان تو شد
۴ـ ک: طرهٔ جلوهٔ خوبی * **ل:** ساحت بستان تو باد
۵ـب: حیوانات وجمادات ونبات **ه:** آدمی‌جمله وحیوان‌وجمادات ونبات **ک:** حیوانات ونباتست وجماد
این شعر در چاپ قزوینی در قسمت مقطعات آمده است

۱۰۵

۱ دیرست که دلدار پیامی نفرستاد
نَنوشت کلامی و سلامی نفرستاد

۲ صد نامه فرستادم و آن شاهِ سواران
پیکی ندوانید و پیامی نفرستاد

۳ سوی من وحشی صفت عقل رمیده
آهو روشی کبک خرامی نفرستاد

۴ دانست که خواهد شدنم مرغ دل از دست
وز آن خط چون سلسله دامی نفرستاد

۵ فریاد که آن ساقی شکّر لب سرمست
دانست که مخمورم و جامی نفرستاد

۶ چندان که زدم لاف کرامات و مقامات
هیچم خبر از هیچ مقامی نفرستاد

۷ حافظ به ادب باش که واخواست نباشد
گر شاه پیامی به غلامی نفرستاد

ب،ه،ز،ح،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق، اما نسخهٔ م بیت ۶ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ی: دیریست که دلدار *ك،ل،م: ننوشت سلامی و کلامی نفرستاد ز: پیامی نفرستاد

۲ـ *ز،ل: سلامی نفرستاد

۵ـ ه: فریادکزان

۷ـ ح: که واخواه نباشد

۱۰۶

۱ پیرانه‌سرم عشق جوانی به سر افتاد
وان راز که در دل بنهفتم بدر افتاد

۲ از راه نظر مرغ دلم گشت هواگیر
ای دیده نگه کن که به‌دام که در افتاد

۳ دردا که ازآن آهوی مشکین سیه‌چشم
چون نافه بسی خون دلم درجگر افتاد

۴ از رهگذر خاک سر کوی شما بود
هر نافه که در دست نسیم سحر افتاد

۵ مژگان تو تا تیغ جهانگیر برآورد
بس کشتهٔ دل زنده که بر یکدگر افتاد

۶ بس تجربه کردیم درین دیر مکافات
با دردکشان هر که درافتاد برافتاد

۷ گر جان بدهد سنگِ سیه لعل نگردد
با طینت اصلی چه کند بدگهر افتاد

۸ حافظ که سر زلف بتان دستکشش بود
بس طرفه حریفیست کش اکنون به سر افتاد

ب،ج، د،ه،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،د،ح،ی،ك،ل. با ترتیب متن نسخهٔ ه بیت ۴ و نسخهٔ م بیت ۸ را ندارد ودرنسخهٔ ط بیت‌های ۳ و ۴ مقدم‌ومؤخر است، درنسخهٔ ج بیت‌های ۴ و ۵ مقدم ومؤخر است وبیت ۶ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ه: زان راز که
۳ـ ك: دردا که ازین ج،ك: آهوی مسکین
۴ـ * م: مصراع دوم ندارد
۵ـ ج: تاتیرجهانگیر * ه: بس‌کشته دل و دیده
۶ـم: ما تجربه‌کردیم د: تجربه‌کردیم و درین
۷ـط: تاجان ندهد سنگ
۸ـ ط: حافظ چو سر زلف ح،ط: بتان دست خوشش بود * ح: خوش طرفه

۱۰۷

۱ عکس روی تو چو برآینهٔ جام افتاد
عارف از خندهٔ می در طمع خام افتاد

۲ جلوه‌ای کرد رخت روز ازل زیر نقاب
این همه نقش در آئینهٔ اوهام افتاد

۳ این همه عکس می و نقش مخالف که نمود
یک فروغ رخ ساقی است که در جام افتاد

۴ غیرت عشق زبان همه خاصان ببرید
کز کجا سرّ غمش در دهن عام افتاد

۵ من ز مسجد به خرابات نه خود افتادم
اینم از عهد ازل حاصل فرجام افتاد

۶ چه کند کز پی دوران نرود چون پرگار
هر که در دایرهٔ گردش ایّام افتاد

۷ زیر شمشیر غمش رقص کنان باید رفت
کان که شدکشتهٔ او نیک سرانجام افتاد

۸ درخم زلف تو آویخت دل از چاه زنخ
آه کز چاه برون آمد و در دام افتاد

۹ آن شد ای خواجه که در صومعه بازم بینی
کار ما با رخ ساقی و لب جام افتاد

۱۰ هر دمش با من دلسوخته لطفی دگرست
این گدا بین که چه شایستهٔ انعام افتاد

۱۱ صوفیان جمله حریفند و نظرباز ولی
زین میان حافظ دلسوخته بدنام افتاد

ب،ج،د،ه،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با ب،ه،م. با ترتیب متن نسخهٔ د بیت‌های ۸ و ۹، نسخهٔ ح بیت‌های ۳و۹ ،نسخهٔ ی بیت۳ ونسخهٔ ك بیت‌های ۳ و۷ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ج: ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۰، ۳، ۷، ۱۱

ط: +، ۶، ۲، ۹، ۱۰، ۴، ۸، ۱۱ بیت‌های ۱و۳و۵و۷ را ندارد و به جای بیت اول، بیت زیر را آورده است:

+ درازل رزق مـن از فیض لب جام افتاد اینم از عهد ازل حـاصل فـرجـام افتاد

ل: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۷، ۱۰، ۱۱

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ی: که برآینهٔ د،ح،ك،ل: چو درآینهٔ * ج،م: عاشق سوخته دل درطمع

۲ـ ج،د،ك،ل: حسن روی تو بیك جلوه که درآینه کرد ط: دل مـن آینه ازبهر تماشا برداشت * ط: برآینهٔ اوهام

۳ـ ب: نقش محالت ل: نقش نگارین

۴ـ * ج،ط: ازکجا سرغمش

۵ـ * ج: اینم از دور ازل

۶ـ ج: چکنم کز پی * ب: گردش ناکام افتاد

۷ـ ه: زیرشمشیر غمت * ج،د: زانکه سرگشتهٔ او

۹ـ ج: یارم باشی

۱۰ـ ه: هرزمان با من دلسوخته

این غزل در نسخه‌ای از المعجم فی معاییر اشعارالعجم مکتوب در سال ۷۸۱ نیز آمده است. اما بیتهای ۳ و ۷ در آن نیست.

۱۰۸

۱ آنکه رخسار ترا رنگ گل و نسرین داد
صبر و آرام تواند به من مسکین داد

۲ وانکه گیسوی ترا رسم تطاول آموخت
هم تواند کرمش داد من غمگین داد

۳ من همان روز ز فرهاد طمع ببریدم
که عنان دل شیدا به لب شیرین داد

۴ گنج زر گر نبود، کنج قناعت باقیست
آنکه آن داد به شاهان به گدایان این داد

۵ خوش عروسیست جهان از ره صورت لیکن
هر که پیوست بدو عمر خودش کاوین داد

۶ بعد ازین دست من و دامن سرو و لب جوی
خاصه اکنون که صبا مژدهٔ فروردین داد

۷ در کف غصّهٔ دوران دل حافظ خون شد
در فراق رخت ای خواجه قوام‌الدین، داد

الف،ب،د،ه،و،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با **الف،ب،و،ز،ح،ی،ك،ل،م**. با ترتیب متن نسخهٔ **د** بیت ۷ ونسخهٔ **ه** بیت‌های ۴ و ۷ را ندارد. ترتیب نسخهٔ **ط** چنین است:

۱،۲،۴،۵،۶،۳،۷

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ز: زیب گل ونسرین **ط:** لطف گل ونسرین **و،ی:** گل نسرین
*** ز:** هم تواند کرمش داد من مسکین داد

۲ـ الف: وانکه رخسارترا **ب،د:** انك گیسوی ترا **ط:** وانك زلفین ترا
*** ز:** صبر وآرام تواند بمن غمگین داد **د،ه،و،ح،م:** داد من مسکین داد

۴ـ ب: کنج و زدکر نبودکنج **الف،د،و،ز،ح،ك:** کنج زرکر نبودکنج
ط،م: گنج زرگر نبودگنج *** ك:** اوکه آن داد

۵ـ ح: ازپی صورت **ك:** از روی صورت ***ط،ی:** پیوست باو
ب،و،ط: کابین داد

۶ـ ط: دامن جوی ولب کشت **ی:** دامن آن سروچمن *** و،ح،ك،م:** خاصه وقتی که صبا

۷ـ * ل: ازفراق رخت **ب:** درفراق رخ آن خواجه **ط،م:** ازفراق رخش
ای خواجه **ط:** خواجه علاالدین داد

۱۰۹

۱ بنفشه دوش به گل گفت و خوش نشانی داد
که تاب من به جهان طرّهٔ فلانی داد

۲ دلم خزینهٔ اسرار بود و دست قضا
درش ببست و کلیدش به دلستانی داد

۳ شکسته‌وار به درگاهت آمدم که طبیب
به مومیائی لطف توام نشانی داد

۴ گذشت بر من مسکین و با رقیبان گفت
دریغ عاشق مسکین من چه جانی داد

۵ تنش درست و دلش شاد باد از دولت
که دست دادش و یاریّ ناتوانی داد

۶ برو معالجت خود کن ای نصیحت گو
شراب و شاهد شیرین کرا زیانی داد

ب،ز،ح،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ز،ح،ك. ترتیب نسخهٔ ل چنین است:
۱،۲،۳،۵،۶،۴

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ك: خوش پیامی داد
۲ـ ل: دلم خزانهٔ ح: بود دست
۳ـ * ح: زمومنائی لطف
۴ـ * ل: دریغ حافظ مسکین ح: که جانی داد
۵ـ ل: شاد باد وخاطرخوش * ز: یاری به‌ناتوانی داد
۶ـ ل: برومعالجهٔ خودکن ز: ای نصیحت‌گو * ز: شاهد وساقی کرا

۱۱۰

۱ همای اوج سعادت به دام ما افتد
اگر ترا گذری بر مقام ما افتد

۲ حباب‌وار براندازم از نشاط کلاه
اگر ز روی تو عکسی به جام ما افتد

۳ شبی که ماه مراد از افق طلوع کند
بود که پرتو نوری به بام ما افتد

۴ ملوک را چو ره خاکبوس این در نیست
کی التفات مجال سلام ما افتد

۵ چو جان فدای لبت شد خیال می‌بستم
که قطره‌ای ز زلالش به کام ما افتد

۶ خیال زلف تو گفتا که جان وسیله مساز
کزین شکار فراوان به دام ما افتد

۷ به ناامیدی ازین در مرو بزن فالی
بود که قرعهٔ دولت به نام ما افتد

۸ ز خاک کوی تو هر دم که دم زند حافظ
نسیم گلشن جان در مشام ما افتد

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ه،ی،ل،م. با ترتیب متن نسخهٔ ط بیت ۷ را ندارد، درنسخهٔ ب بیت‌های ۶ و ۷ و درنسخه‌های ح،ك بیت‌های ۳ و ۴ مقدم و مؤخر است. نسخهٔ ز فقط سه بیت اول را دارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ب،ی،م: همای برج سعادت
۳ـ ح،ك،ل: از افق شود طالع * ح،ك: پرتوعکسی بیام
۴ـ ه،ط،ل: بیارگاه توچون باد را نباشد بار * ح،ط،ك،ل: کــی اتفاق مجال ی،م: کی التفات بحال
۵ـ ی: فدای لبت را ل: فدای لبش شد * ه: که قطرهٔ ززلالت
۶ـ ح،ك: خیال وصل توگفتا
۸ـ ح،ط،ك،ل: هرگه‌که دم زند م: که دم نزد حافظ

۱۱۱

۱ درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد
نهال دشمنی برکن که رنج بی‌شمار آرد

۲ چو مهمان خراباتی به عزّت باش با رندان
که دردسر کشی جانا گرت مستی خمار آرد

۳ شب صحبت غنیمت‌دان که بعد از روزگار ما
بسی گردش کند گردون بسی لیل و نهار آرد

۴ عماری‌دار لیلی را که مهد ماه در حکم است
خدایا در دل اندازش که بر مجنون گذار آرد

۵ بهار عمر خواه ای دل وگرنی این چمن هر سال
چو نسرین صدگل آرد بار و چون بلبل هزار آرد

۶ خدارا چون دل‌ریشم قراری بست با زلفت
بفرما لعل نوشین را که حالش با قرار آرد

۷ درین باغ ار خدا خواهد دگر پیرانه سر حافظ
نشیند بر لب جوئی و سروی در کنار آرد

ب،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق، اما نسخه هـای ب،ط،ی درآخـر، بیتذیر را افزوده‌اند:

ز کـار افتادهٔ ای دل که صدمن بار غـم داری
برو یك یکمنی درکش که درحالت‌بکارآرد

که درنسخهٔ ط «اگر صد بارغم» و «برو تویکمنی» آمده است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ب: درختی دوستی ی: ببارآید

۲ـ ح،ط،ك: بحرمت‌باش ك: باش‌بامستان * ح،ك: گرین‌مستی ط: که این مستی

۳ـ * ح: گردون وبس لیل ونهار

۴ـ ی: که مهد ماه درحملست *ط،ك،ل: خدا را ب: در دلش‌آور

۵ـ ح،ط،ك،ل: وگرنه این چمن * ح،ك: صدگل رعنا وچون

۶ـ* ب: که لعلش باقرارآرد ط: که‌جانش با قرارآرد ی: که زلفش با قرارآرد ل: که زودش با قرارآرد

۷ـ ب،ح،ط،ل: باغ ازخدا خواهد * ط: نشیند درکنارجوی وسروی

۱۱۲

۱ کسی که حسن خط دوست در نظر دارد
محقّق است که او حاصل بصر دارد

۲ چو خامه بر خط فرمان او سر طاعت
نهاده‌ایم مگر او به تیغ بر دارد

۳ کسی به وصل تو چون شمع یافت پروانه
که زیر تیغ تو هر دم سری دگر دارد

۴ به پایبوس تو دست کسی رسید که او
چو آستانه بدین در همیشه سر دارد

۵ ز زهد خشک ملولم بیار بادهٔ ناب
که بوی باده مدامم دماغ تر دارد

۶ ز باده هیچت اگر نیست این نه بس که ترا
دمی ز وسوسهٔ عقل بی‌خبر دارد

۷ کسی که از در تقوی قدم برون ننهاد
به عزم میکده اکنون سر سفر دارد

۸ دل شکستهٔ حافظ به خاک خواهد برد
چو لاله داغ هوائی که برجگر دارد

ب،ه،ح،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ح،ك،ل. با ترتیب متن نسخهٔ ه بیت ۷ را نـدارد و نسخه‌های ب،ه،ی،م بعد از بیت ۴، بیت زیر را افـزوده‌اند که معنی درستی از ایـن بیت درنیافتم.

بزد رقیب تو روزی بسینه‌ام نی‌تیر   زبس که تیرغمت سینه پی‌سپردارد

که درنسخهٔ ه «بسینه‌ام پی‌تیر» و درنسخهٔ ی «بسینه‌ام بی‌تیر» ـ «که بس» و درنسخهٔ م «بی سپر دارد» آمده است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ه،ك،ل: حسن وخط   * ح: حقیقت است که او

۲ـ ل: چوخامه در ره فرمان   * ب،ه: نهاده‌ایم ندانم که اوچه سردارد

۵ـ ل: کجاست بادهٔ ناب

۷ـ ل: از ره تقوی   ح: برون بنهاد   * ه: دیدم سرسفر دارد   ل: ره سفر

۸ـ * ب: که درجگر

۱۱۳

۱ دل مـا بـه دور رویـت ز چمن فـراغ دارد

که چـو سرو پـای بند است و چـو لاله داغ دارد

۲ سر مـا فـرو نـیاید بـه کـمان ابـروی کس

کـه درون گـوشه‌گـیران ز جهـان فـراغ دارد

۳ شب تـیره چـون سر ارم ره پـیچ پـیچ زلفش

مگر آنکه عکس رویش بـه رهم چـراغ دارد

۴ ز بـنفشه تـاب دارم کـه ز زلف او زنـد دم

تـو سیاه کم بـها بـین کـه چـه در دمـاغ دارد

۵ مـن و شمع صبحگاهی سزد ار بـه خـود بگریـیم

کـه بسوختیم و از مـا بـت مـا فـراغ دارد

۶ سر درس عشق دارد دل دردمـند حـافظ

کـه نـه خـاطر تـماشا نـه هوای بـاغ دارد

۷ به چمن خرام و بـنگر بـر تـخت گـل کـه لاله

بـه نـدیم شاه مـاند کـه بـه کـف ایـاغ دارد

ب،ج،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ه،ی. در نسخه‌های ز،م بیت‌های ۶ و ۷ مقدم ومؤخر شده است. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ج: ۱،۲،۴،۷،۳،۶

ح،ك: ۱،۲،۳،۵،۴،۷،+ ، × ،۶

ط: ۱،۲،۴،۳،۵،۷،۶

ل: ۱،۲،۴،۷،۳،۵، + ،۶

+ سزدم چو ابر بهمن که برین چمن بگریم
طرب آشیان بلبل بنگر که زاغ دارد

که درنسخهٔ ك «رسدم چو ابر» و «که بدین چمن» آمده است.

× به فروغ چهره زلفت ره دل زند همه شب
چه دلاورست دزدی که به شب چراغ دارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ح: دل من ح،ط،ك: بدوررویش *م: که بسروپای بنداست وزلاله

۲ـ ج،ط: بجزان کمان ابرونکشید دل‌بهیچم ب: به‌کمان‌ابروانش * ج: گوشه گیران جهان ط،ی: زچمن فراغ دارد

۳ـ ج،ه،ح،ط،ك،ل: شب ظلمت وبیابان بکجا توان رسیدن ی: پیچ پیچ زلفت * ح،ك: شمع رویش ی: عکس رویت ل: شمع رویت

۴ـ ط: که ززلف تو ی: زندلاف

۵ـ ك،ل: سزد ار بهم بگریم

۶ـ ج،ح: سردرد عشق دارد

۱۱۴

۱ دلی که غیب‌نمای است و جام جم دارد
ز خاتمی که دمی گم شود چه غم دارد

۲ به خط و خال گدایان مده خزینهٔ دل
به دست شاه‌وشی ده که محترم دارد

۳ نه هر درخت تحمّل کند جفای خزان
غلام همّت سروم که این قدم دارد

۴ رسید موسم آن کز طرب چو نرگس مست
نهد به پای قدح هر که شش درم دارد

۵ زر از بهای می اکنون چو گل دریغ مدار
که عقل کل به صدت عیب متّهم دارد

۶ دلم که لاف تجرّد زدی کنون صدشغل
به بوی زلف تو با باد صبحدم دارد

۷ مراد دل ز که جویم چو نیست دلداری
که جلوهٔ نظر و شیوهٔ کرم دارد

۸ ز سرّ غیب کس آگاه نیست قصّه مخوان
کدام محرم دل ره درین حرم دارد

۹ ز جیب خرقهٔ حافظ چه طرف بتوان بست
که ما صمد طلبیدیم و او صنم دارد

ب،د،هـ،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

با ترتیب متن نسخه‌های **ب،ط،ی،م** بیت‌های **۶و۷** و نسخه‌هـای **د،ز** بیت **۵** را ندارند. ترتیب نسخه‌های‌دیگر چنین است:

هـ: ۱،۲،۳،۴،۸،۵،۹ بیت‌های **۶و۷**را ندارد

ح: ۱،۲،۳،۶،۴،۷،۵،۸،۹

ك: ۱،۲،۳،۶،۴،۷،۸،۹ بیت۵را ندارد

ل: ۱،۲،۳،۴،۵،۸،۶،۷،۹

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ د،ح: خزانهٔ دل

۳ـ ط: جفای کسان * **ح،ك،** غلام قامت سروم

۴ـ ی: رسیدموسم گل

۵ـ ط: زر از برای‌گل و مل‌چو گل **ی:** زما بهای می **م:** زر از برای می

۷ـ ل: زکه پرسم که نیست * **د:** که جلوهٔ قدم وشیوهٔ

۸ـ هـ،ی،م: آگاه‌نیست عیب مجوی **د:** آگاه نیست نقش مخوان **ط:** آگاه نیست عیب مخوان ***د:** دران‌حرم

۹ـ ح: ز چیست خرقهٔ حافظ که صبر بتوان‌بست **ط،ی:** زجیب وخرقهٔ

۱۱۵

۱ آن کس که به دست جام دارد
سلطانی جم مدام دارد
۲ آبی که خضر حیات ازو یافت
در میکده جو که جام دارد
۳ سررشتهٔ جان به جام بگذار
کاین رشته ازو نظام دارد
۴ ما و می و زاهدان و تقوی
تا یار سر کدام دارد
۵ بیرون ز لب تو ساقیا نیست
در دور کسی که کام دارد
۶ نرگس همه شیوه‌های مستی
از چشم خوشت به‌وام دارد
۷ ذکر رخ و زلف تو دلم را
وردی است که صبح و شام دارد
۸ بر سینهٔ ریش دردمندان
لعلت نمکی تمام دارد
۹ در چاه زنخ چو حافظ ای جان
حسن تو دو صد غلام دارد

ب،ه،ز،ح،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق.

اختلاف نسخه‌ها

۲ـب،ك: حیات ازان یافت
۳ـح: به‌جام یکتاست
۴ـم: ماومی‌زاهدانو
۵ـ* ه: کسی‌که جام دارد
۶ـ* ه،ز،ح: خوش تووام
۸ـ* ب،ی،م: نمك تمام
۹ـز: برجاه زنخ **ل:** درچاه ذقن

۱۱۶

۱ بتی دارم که گرد گل ز سنبل سایه‌بان دارد
بهار عارضش خطّی به خون ارغوان دارد

۲ غبار خط بپوشانید خورشید رخش، یارب
بقای جاودانش ده که حسن جاودان دارد

۳ چو عاشق می‌شدم گفتم که بردم گوهر مقصود
ندانستم که این دریا چه موج خون‌فشان دارد

۴ ز چشمت جان نشاید برد کز هرسو که می‌بینم
کمین از گوشه‌ای کردست و تیر اندر کمان دارد

۵ ز سرو قدّ دلجویت مکن محروم چشمم را
بدین سرچشمه‌اش بنشان که خوش آبی روان دارد

۶ به فتراک ار همی بندی خدا را زود صیدم کن
که آفتهاست در تأخیر و طالب را زیان دارد

۷ چو دام طرّه افشاند ز گرد خاطر عشّاق
به غمّاز صبا گوید که راز ما نهان دارد

۸ چو در رویت بخندد گل مشو در دامش ای بلبل
که بر گل اعتمادی نیست ور حسن جهان دارد

۹ ز خوف هجرم ایمن کن اگر امّید آن داری
که از چشم بداندیشان خدایت درامان دارد

۱۰ بیفشان جرعه‌ای بر خاک و حال اهل شوکت پرس
که از جمشید و کیخسرو فراوان داستان دارد

۱۱ خدا را داد من بستان ازو ای شحنهٔ مجلس
که می با دیگری خوردست و سر بر من گران دارد

۱۲ چه عذر بخت خود گویم که آن عیّار شهرآشوب
به تلخی کشت حافظ را و شکّر در دهان دارد

ب،ه،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ **ب**. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ه: ۱،۲،۴،۱۱،۳،۹،۵،۶،۷،۸،۱۲ بیت ۱۰ را ندارد

ح: ۱،۲،۳،۶،۸،۹،۵،۱۰،۱۱،۱۲ بیت‌های ۴ و ۷ را ندارد

ط: ۱،۳،۸،۱۱،۶،۵،۹،۴،۱۲ بیت‌های ۲ و ۷ و ۱۰ را ندارد

ی: ۱،۲،۴،۱۱،۳،۹،۵،۶،۷،۸،۱۰،۱۲

ك: ۱،۲،۳،۶،۸،۴،۹،۵،+،۱۱،۱۲ بیت‌های ۷ و ۱۰ را ندارد و بعد از بیت ۵ بیت زیر را افزوده است:

+ چه افتادست در این ره که هر سلطان معنی را بر این درگاه می‌بینم که سر بر آستان دارد

ل: ۱،۲،۳،۴،۷،۱۰،۸،۱۱،۶،۵،۹،۱۲

م: ۱،۲،۴،۱۱،۳،۹،۵،۶،۷،۱۰،۸،۱۲

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * **ه،ط:** قدش آئین سروناز ولعلش لطف جان دارد **ح،ك:** عذارش آب زیبائی ولعلش لطف جان دارد

۲ـ * **ح،ك:** حیات جاودانش ده

۳ـ * **ه،م،ك:** چه موجی خون فشان

۴ـ **ه،ك،د:** زچشمش جان **م:** کز هرسوی می‌بینم

۵ـ **ب:** قد دلجویش * **ح،ط،ك:** برین سرچشمه‌اش **ط:** آب روان

۶ـ **ب،م:** زود قیدم کن

۸ـ * **ح،ل:** نیست گرحسن **ی:** نیست و گرحسن **ك:** نیست اکر حسن

ط: که می بادیگران خوردست وسر برمن گران دارد

۹ـ **ب:** زخوف هجر ایمن کن * **ی:** که ازشر بداندیشان **م:** خدایت درمیان دارد

۱۰ـ **ب:** حال اهل شوکت بین **ح:** حال اهل شکوه پرس **ی:** حال اهل دولت پرس

ل: حال اهل دل بشنو * **م:** کیخسرو هزاران داستان

۱۱ـ * **ط:** که می بادیگران خوردست **ه:** خوردست و برمن سرگران دارد

ل، م: خوردست و بامن سر گران دارد

۱۲ـ **ط:** چه عذر بخت می گویم **ی:** که آن طرار شهرآشوب *ك: شکر درزبان دارد

۱۱۷

۱ هر آن کاو خاطری مجموع و یاری نازنین دارد
سعادت همدم او گشت و دولت همنشین دارد

۲ حریم عشق را درگه بسی بالاتر از عقل است
کسی آن آستان بوسد که جان در آستین دارد

۳ دهان تنگ شیرینت مگر مُهر سلیمان است
که نقش خاتم لعلش جهان زیر نگین دارد

۴ لب‌لعل و خط مشکین چو اینش هست آنش نیست
بنازم دلبر خود را که حسنش آن و این دارد

۵ چو بر روی زمین باشی توانائی غنیمت دان
که دوران ناتوانیها بسی زیر زمین دارد

۶ به خواری منگر ای منعم ضعیفان و نحیفان را
که صدر مجلس عزّت فقیر ره‌نشین دارد

۷ بلاگردان جان و دل دعای مستمندان است
که بیندخیر ازآن خرمن‌که ننگ‌از خوشه‌چین دارد

۸ صبا از عشق من رمزی بگو با آن شه‌خوبان
که صد جمشید و کیخسرو غلام کمترین دارد

۹ اگر گوید نمی‌خواهم چو حافظ عاشقی مفلس
بگوئیدش که سلطانی گدائی همنشین دارد

ب،ه،ح،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ی،ك،م. با ترتیب متن نسخهٔ ح بیت ۴ را ندارد و درنسخهٔ ل بیت‌های ۵ و ۶ مقدم ومؤخر است. ترتیب نسخهٔ ه چنین است:

۱،۳،۴،۲،۷،۸،۹ بیت‌های ۵ و ۶ را ندارد

ترتیب ابیات

۱ـ ه،ل: خاطر مجموع و یار نازنین * ه،ی،ك: دولت هم قرین دارد

۲ـ * آستان‌کوبد ك: استان بیند ب: که سر برآستان دارد ح: که سر درآستین دارد ك: که سر برآستین دارد

۳ـ ل: شیرینش ب: دگر ملك سلیمانست ه،ح،ی،ل،م: مگـرملك سلیمانست * ب،ی،م: خاتم لعلت جهان

۴ـ م: مشکین خوش آئینی است آنت را ی: مشکین [چو] خوش اینست وآنش نیست ه،ك: چو آنش نیست جانش نیست ل: چوآنش‌هست و اینش هست *ی: این وآن دارد

۵ـ * م: که دوران ناتوانان را بسی

۶ـ * م: مسند عزت ل: مجلس عشرت‌گدای ره نشین ی: معین ره‌نشین

۷ـ ی،ك،ل،م: بلاگردان جان وتن * ح،م: نبیند خیر ح: که تنگ خوشه چین

۸ـ ه،ی: با آن مه خوبان

۹ـ ك،ل: وگرگوید ح: بندهٔ مفلس ل: عاشق مفلس * ح:گدائی همقرین ی: گدایی ره نشین

۱۱۸

۱ هرانکه جانب اهل وفا نگه دارد
خداش در همه حال از بلا نگه دارد
۲ گرت هواست که معشوق نگسلد پیمان
نگاه دار سر رشته تا نگه دارد
۳ ز درد دوست نگویم حدیث جز با دوست
که آشنا سخن آشنا نگه دارد
۴ سر و زر و دل و جانم فدای آن محبوب
که حقّ صحبت و عهد وفا نگه دارد
۵ صبا دران سر زلف ار دل مرا بینی
ز روی لطف بگویش که جا نگه دارد
۶ دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای
فرشته‌ات به دو دست دعا نگه دارد
۷ نگه نداشت دل ما و جای رنجش نیست
ز دست بنده چه خیزد خدا نگه دارد
۸ غبار راهگذارت کجاست تا حافظ
به یادگار نسیم صبا نگه دارد

ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ز. با ترتیب متن نسخهٔ ج بیت‌های ۳ و ۶ ونسخهٔ ه بیت ۷ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ب: ۱،۲،۳،۵،۸،+ بیت‌های ۴ و ۶ و ۷ را ندارد و درآخر، بیت ناتمام زیررا افزوده است:

+مراو سرو چمن را بخاك راه نشاند قد تو

د: ۱،۶،۲،۴،۳،۷،۵،۸

ح،ك: ۱،۶،۲،۵،۳،۷،۸ بیت ۴را ندارند

ط: ۱،۲،۳،۶،۵،۷،۴،۸

ل: ۱،۳،۶،۲،۵،۷،۴،۸

ی،م: ۱،۶،۲،۳،۴،۷،×،۵،۸ بعد از بیت۷ بیت‌زیر را افزوده‌اند:

× مبارزان ویلان خواجه را نگهدارید که همچو جان گرامی شما نگه دارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ج،ح،ط،ك،ل: اهل خدا

۲ـ ز: گرت هواست که با یارهمنشین باشی ج،ط،ی،ك،م: معشوقه ه،د: نگسلد پیوند

۳ـ ح،ط،ك،ل: حدیث دوست نگویم مگر بحضرت دوست

۴ـ ه،ی،م: دل وجانش ل: فدای‌آن یاری * د،م: صحبت ومهرووفا ه،ز،ط،ی،ل: صحبت مهر و وفا

۵ـ ل،م: صبا بر آن ط: دران خم زلف * ط: زروی مهر

۶ـ د: گرت بلغزد

۷ـ ط: چو گفتمش دل ما را نگاه دار چه‌گفت ل: چو گفتمش که دلم را نگاه دار چه‌گفت

۸ـ م: راهگذارت بکاست

۱۱۹

۱ مطرب عشق عجب ساز و نوائی دارد
نقش هر زخم که زد راه به جائی دارد

۲ عالم از نالهٔ عشّاق مبادا خالی
که خوش‌آهنگ و فرح‌بخش صدائی دارد

۳ پیر دُردی‌کش ما گرچه ندارد زر و زور
خوش عطابخش و خطاپوش خدائی دارد

۴ محترم دار دلم کاین مگس قندپرست
تا هواگیر تو شد فرّ همائی دارد

۵ از عدالت نبود دور گرش پرسد حال
پادشاهی که به همسایه گدائی دارد

۶ اشک خونین بنمودم به طبیبان گفتند
درد عشق است و جگرسوز دوائی دارد

۷ ستم از غمزه میاموز که در مذهب عشق
هر عمل اجری و هر کرده جزائی دارد

۸ نغز گفت آن بت ترسا بچهٔ باده‌پرست
شادی روی کسی خور که صفائی دارد

۹ خسروا حافظ درگاه نشین فاتحه خواند
وز زبان تو تمنّای دعائی دارد

ب،ه،ح،ط،ی،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ط،ی،ل. با ترتیب متن نسخهٔ ه بیت ۴ ونسخهٔ م بیت ۹ را ندارد. ترتیب نسخهٔ ه چنین است:

۱،۲،۳،۶،۷،۵،۹ بیت‌های ۴ و ۷ و ۸ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ *ل: نقش هر زخمه ط: نقش هر پرده ل: نقش هر نغمه

۲ـ * ل،م: فرح بخش‌هوایی دارد

۳ـ * ح: خوش‌گنه بخش وخطاپوش ط: خوش خطا بخش وخطاپوش

۴ـ ب،ی،م: محتشم داردم آیین مگس ط: محتـرم دار مـرا کین مگس

*ه،ح،ل: هواخواه تو شد

۵ـ ط: اگر پرسد

۶ـ ط: اشك خود را بنمودم

۷ـ ط: شوخی ازغمزه

۸ـ ط: ترسا بچهٔ باده فروش

۱۲۰

۱ آنکه از سنبل او غالیه تـابی دارد
باز بـا دلشدگـان نـاز و عتابـی دارد

۲ از سر کشتهٔ خود مـی‌گـذرد همچـون بـاد
چـه تـوان کـرد کـه عمرست و شتابـی دارد

۳ مـاه خـورشیدنـمایش ز پس پـردهٔ زلف
آفـتابیست کـه در پـیش سحـابی دارد

۴ آب حیوان اگـر آن است کـه دارد لب دوست
روشن است ایـن کـه خضر بـهره سرابـی دارد

۵ چشم مـن کـرد بـه هر گـوشه روان سیل سرشک
تـا سهی سرو تـرا تـازه بـه آبـی دارد

۶ غمزهٔ شوخ تـو خـونم بـه خـطا مـی‌ریـزد
فـرصتش بـاد کـه ایـن فکر صوابـی دارد

۷ چشم مـخمور تـو دارد ز دلم قصد جگر
تـرک مست است مگر مـیل کـبابی دارد

۸ جـان بـیمار مـرا نـیست ز تـو روی سؤال
ای خـوش آن خسته کـه از دوست جـوابی دارد

۹ کـی کـند سوی دل خستهٔ حـافظ نـظری
چشم مستت کـه بـه هر گـوشه خـرابی دارد

ب،د،ه،ح،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،د،ه،ك،م. با ترتیب متن نسخهٔ ح بیت ۳ را ندارد ونسخهٔ ی بعد ازبیت ۳ بیت‌زیر را افزوده است:

آن زمان وقت‌می‌صبح فروغست‌که شب گسرد خرگاه افسق پرده سرایسی دارد

که بیت‌فوق‌با ردیف «اندازد» مربوط به‌غزل دیگری است. ترتیب نسخهٔ ل چنین‌است: ۱،۲،۳،۵،۶،۴،۷،۸،۹

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ح: بر سرکشنهٔ خود ل: می‌گذری

۳ـ ب: ماه وخورشید ی: پردهٔ حسن

۴ـ ل: اگر اینست ی: مگرآنست که دارد [لب] دوست

۵ـ * د: تا سهی قد ترا ل،م: تازه‌ترآبی دارد

۶ـ ب: خونم به جفا می‌ریزد *ل: که خوش فکر صوابی

۷ـ *ب: ترك مستست ومگر

۸ـ ی: نیست ز روی تو سؤال * د: ای خوشا خسته ك: که در دست جوابی

۹ـ ك: میکند سوی دل * ل: چشم مستش که ی: سرابی دارد

۱۲۱

۱ شاهد آن نیست که موئی و میانی دارد
بندهٔ طلعت او باش که آنی دارد

۲ شیوهٔ حور و پری خوب و لطیف است ولی
خوبی آن است و لطافت که فلانی دارد

۳ چشمهٔ چشم مرا ای گل خندان دریاب
که به امّید تو خوش آب روانی دارد

۴ خم ابروی تو در صنعت تیراندازی
بستد از دست هرآن کس که کمانی دارد

۵ گوی خوبی که برد از تو که خورشید آنجا
نه سواریست که در دست عنانی دارد

۶ دلنشان شد سخنم تا تو قبولش کردی
آری آری سخن عشق نشانی دارد

۷ در ره عشق نشد کس به یقین محرم راز
هرکسی برحسب فهم گمانی دارد

۸ با خراباتنشینان ز کرامات ملاف
هر سخن وقتی و هر نکته مکانی دارد

۹ مرغ زیرک نشود در چمنش نغمهسرای
هر بهاری که ز دنباله خزانی دارد

۱۰ مدّعی گو لغز و نکته به حافظ مفروش
کلک ما نیز بیانی و زبانی دارد

ب،ز،ط،ی،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ز،ی اما نسخه‌های ب،ی بیت ۹ ونسخهٔ ز بیت ۵ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ط: ۱،۲،۳،۴،۹،۵،۸،۱۰ بیت‌های ۶ و ۷ را ندارد

ل: ۱،۲،۳،۵،۶،۴،۷،۸،۹،۱۰

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ * **ط،ی،ل:** طلعت آن باش

۲ــ **ل:** حور وپری گرچه لطیفست

۴ــ * **ل:** برده از دست

۶ــ **ی:** دلستان شد سخنم

۷ــ * **ل:** برحسب فکر

۸ــ **ط:** با کرامات نشینان ز خرابات ملاف

۹ــ **ل:** مرغ زیرك نزند **ط،ل:** درچمنش پرده سرای * **ط:** که ز دنبال خزانی **ل:** که بدنباله خزانی

۱۰ــ * **ط،ل:** نیز زبانی وبیانی دارد

۱۲۲

۱ جان بی جمال جانان میل جهان ندارد
وان کس که این ندارد حقّا که جان ندارد

۲ با هیچ کس نشانی زان دلستان ندیدم
یا من خبر ندارم یا او نشان ندارد

۳ هر شبنمی درین ره صد بحر آتشین است
دردا که این معمّا شرح و بیان ندارد

۴ سر منزل فراغت نتوان ز دست دادن
ای ساربان فروکش کاین ره کران ندارد

۵ ذوقی چنان ندارد بی دوست زندگانی
بی‌دوست زندگانی ذوقی چنان ندارد

۶ چنگ خمیده قامت می‌خواندت به عشرت
بشنو که پند پیران هیچت زیان ندارد

۷ احوال گنج قارون کایّام داد بر باد
با غنچه بازگوئید تا زر نهان ندارد

۸ کس در جهان ندارد یک بنده همچو حافظ
زیرا که چون تو شاهی کس در جهان ندارد

الف،ب،ه،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **الف،ب،ی**. با ترتیب متن نسخه‌های **ه،ح** بیت ۷، نسخهٔ **ط** بیت ۵ ونسخهٔ **ل** بیت‌های ۵ و ۶ را ندارد. نسخه‌های **ح،ك** بعد ازبیت ۴ ونسخهٔ **ل** بعد ازبیت ۷ بیت زیر را افزوده‌اند:

گرخود رقیب شمعست‌اسرار ازو بپوشان　　　کان شوخ سر بریده بند زبان ندارد

که در نسخهٔ **ك** «حریف شمعست» و درنسخهٔ ح «اسرارخود» آمده است. نسخهٔ **ل** بعد ازبیت ۴ بیت زیر را آورده:

ای دل طریق رندی از محتسب بیاموز　　　مستست ودرحق او کس این‌گمان ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ب: بی‌جمال رویت　　**ه:** ذوق جهان　　* **ح،ط،ل:** هرکس که این ندارد　　**ی:** آنکس که این ندارد　　**ح،ل:** حقا که آن ندارد

۲ـ ی: یا هیچکس نشانی زان دوستان ندیده

۳ـ ح،ك: درین ره دریای آتشین است

۴ـ ط، ك: سرمنزل قناعت　　* **ل:** ای ساروان

۶ـ * ی: بشنو سخن ز پیران　　**ه،ط:** هیچت زبان

۷ـ * ب: درگوش‌گل فروخان [خوان] تازر　　**ی:** درگوش گل فروگوی تازر

ل: درگوش دل فروخوان تازر

۸ـ ح،ك: یك بندهٔ چوحافظ

۱۲۳

۱ روشنی طلعت تو ماه ندارد
پیش تو گل رونق گیاه ندارد

۲ گوشهٔ ابروی توست منزل جانم
خوشتر از این گوشه پادشاه ندارد

۳ دیدم و آن چشم دل سیه که تو داری
جانب هیچ آشنا نگاه ندارد

۴ رطل گرانم ده ای مرید خرابات
شادی شیخی که خانقاه ندارد

۵ تا چه کند با رخ تو دود دل من
آینه دانی که تاب آه ندارد

۶ خون خور و خامش نشین که آن دل نازک
طاقت فریاد دادخواه ندارد

۷ نی من تنها کشم تطاول زلفت
کیست که او داغ این سیاه ندارد

۸ شوخی نرگس نگر که پیش تو بشکفت
چشم دریده ادب نگاه ندارد

۹ گو برو و آستین به خون جگر شوی
هرکه درین آستانه راه ندارد

۱۰ حافظ اگر سجدهٔ تو کرد مکن عیب
کافر عشق ای صنم گناه ندارد

ب،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با ه، اما این نسخه بیت ۸ را ندارد. با ترتیب متن نسخه‌های ب، ز بیت‌های ۵ و ۸ ونسخهٔ د بیت‌های ۵ و ۸ و ۱۰ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ح: ۱،۲،۵،۷،۸،۴،۶،۹،۱۰،۳	
ط: ۱،۲،۵،۷،۳،۶،۴،۹،۱۰	بیت ۸ را ندارد
ی: ۱،۲،۳،۶،۴،۷،۹،۱۰	بیت‌های ۵ و ۸ را ندارد
ك: ۱،۲،۵،۷،۸،۴،۹،۱۰	بیت‌های ۳ و ۶ را ندارد
ل: ۱،۲،۵،۸،۳،۴،۶،۹،۷،۱۰	
م: ۱۰،۹	بقیهٔ بیت‌ها را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۳ـ ز: دیدم آن   ط: دیده‌ام آن چشم دل سیاه‌که با تست

۶ـ ط: خامش نشین که یار دگر بار

۷ـ *ه،ز،ح،ل: داغ آن سیاه

۹ـ ی: گو برو آستین ز خون جگر بشوی   * ح،ك: آنکـه دریـن آستانه   ی: هر که درین آشیانه

۱۰ـ ح: تو کرد پیش تو شاید   ط: تو کرد چه باکست   ك: حافظ اگر سجده کرد پیش تو شاید   * ك: کافر عشقت ای صنم

۱۲۴

۱ نیست در شهر نگاری که دل ما ببرد
بختم ار یار شود رختم ازینجا ببرد

۲ کو حریفی کش سرمست که پیش کرمش
عاشق سوخته دل نام تمنّا ببرد

۳ باغبانا ز خزان بی‌خبرت می‌بینم
آه ازان روز که بادت گل رعنا ببرد

۴ رهزن دهر نخفتست مشو ایمن ازو
اگر امروز نبرده‌ست که فردا ببرد

۵ در خیال این همه لعبت به هوس می‌بازم
بو که صاحب نظری نام تماشا ببرد

۶ علم و فضلی که به چل سال دلم جمع آورد
ترسم آن نرگس ترکانه به یغما ببرد

۷ بانگ گاوی چه صدا باز دهد عشوه مخر
سامری کیست که دست از ید بیضا ببرد

۸ جام مینائی می سدّ ره تنگدلیست
منه از دست که سیل غمت از جا ببرد

۹ راه عشق ار چه کمین‌گاه کمانداران است
هر که دانسته رود صرفه ز اعدا ببرد

۱۰ حافظ ار جان طلبد غمزهٔ مستانهٔ یار
خانه از غیر بپرداز و بهل تا ببرد

ب،د،ز،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ز،ك،ل**. با ترتیب متن نسخهٔ **ح** بیت‌های ۴ و ۹ و نسخه‌های **ی،م** بیت ۹ را ندارند. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

د: ۱،۲،۳،۴،۶،۸،۷،۱۰ بیت‌های ۵ و ۹ را ندارد

ط: ۱،۲،۵،۳،۴،۹،۱۰ بیت‌های ۶ و ۷ و ۸ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ * **د:** ازآنجا ببرد

۲ــ ی،ك: که پیش قدمش * **ی،م:** عاشقی سوخته **ز:** نام تماشا ببرد

۴ــ ط: رهزن دور * **ز:** گرت امروز نبردست بفردا ببرد **ط:** امروزببردست

۵ــ ط: درجهان‌این‌همه‌شطرنج هوس‌می‌بازم **ب:** بهوس می‌بازند * **ط:** نام تمنا ببرد

۶ــ د: که بسی سال **ح،ك:** که بچل سال بدست‌آوردم * **د،ح،ل:** نرگس مستانه **ز:** ترکانه به یکجا

۷ــ ز: عشوه مخور

۸ــ ز: مینائی‌من سدره دل تنگیست * **د،ی،م:** که سیل غمش ازجا ببرد

۱۰ــ ط: غمزهٔ مستانهٔ او * **ح:** مپرداز و بهل **ی،م:** بپرداز بهل

۱۲۵

۱ اگر نه باده غم دل ز یاد ما ببرد
نهیب حادثه بنیاد ما ز جا ببرد

۲ اگر نه عقل به مستی فروکشد لنگر
چگونه کشتی ازین ورطهٔ بلا ببرد

۳ فغان که با همه کس غایبانه باخت فلک
که کس نبود که دستی ازین دغا ببرد

۴ گذار بر ظلمات است خضر راهی کو
مباد کاتش محرومی آب ما ببرد

۵ دل ضعیفم ازان می‌کشد به طرف چمن
که جان ز مرگ به بیماری صبا ببرد

۶ طبیب عشق منم باده‌خور که این معجون
فراغت آرد و اندیشهٔ خطا ببرد

۷ بسوخت حافظ و کس حال او به یار نگفت
مگر نسیم پیامی خدای را ببرد

ب،د،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ی،ل،م. با ترتیب متن نسخهٔ ز بیت ۴ را ندارد، در نسخه‌های ب،ط بیت‌های ۶ و ۷ و در نسخهٔ د بیت‌های ۵ و ۶ مقدم ومؤخر است. ترتیب نسخه‌های ح،ك چنین است:

۷،۵،۴،۳،۶،۲،۱

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ*م: حادثه بیخ نهاد ما ببرد ب،د،ز،ح،ط،ك: بنیاد جان ما ببرد

۲ـ ح،ط،ك: وگرنه عقل ب،د: فروکشد لشکر * د: چگونه رخت ازین ب،م: چگونه ورطهٔ این کشتی بلاببرد ی: چگونه ورطه ازین کشتی بلاببرد

۳ـ * ط،ك: کسی نبودکه دستی م: ازین بلا ببرد

۴ـ ط: خضر راهی جوی * د،ی: مبادکـانش این خـاك ح: آتش محروری ك: کاتش محروری

۵ـ ط: بسوی چمن * ط: که جان بمرگ ز بیماری ی: به بیماری ازصبا

۶ـ ل: باده ده‌که‌این

۱۲۶

۱ سحر بلبل حکایت با صبا کرد
که عشق روی گل با ما چها کرد

۲ نقاب گل کشید و زلف سنبل
گره‌بند قبای غنچه واکرد

۳ به هر سو بلبل عاشق به افغان
تنعّم از میان باد صبا کرد

۴ ازان رنگ رخم خون در دل انداخت
وزین گلشن به خارم مبتلا کرد

۵ خوشش باد آن نسیم صبحگاهی
که درد شب‌نشینان را دوا کرد

۶ من از بیگانگان دیگر ننالم
که با من هرچه کرد آن آشنا کرد

۷ گر از سلطان طمع کردم خطا بود
ور از دلبر وفا جستم جفا کرد

۸ غلام همّت آن نازنینم
که کار خیر بی‌روی و ریا کرد

۹ وفا از خواجگان شهر با من
کمال دولت و دین بوالوفا کرد

۱۰ بشارت بر به کوی می‌فروشان
که حافظ توبه از زهد ریا کرد

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ **ك**. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ب،ی: ۱،۴،۸،۵،۶،۷،۲،۳،۹،۱۰
ه: ۱،۴،۸،۵،۶،۲،۳،۱۰ بیتهای ۷ و ۹ ندارد
ز: ۱،۴،۵،۶،۷،۲،۳،۱۰،۹ بیت ۸ ندارد
ح: ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۶،۸،۹،۱۰
ط: ۱،۴،۸،۶،۵،۷،۲،۳،۱۰ بیت ۹ ندارد
ل: ۱،۴،۸،۶،۷،۵،۲،۳،۱۰،۹

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ***ط:** با من چها کرد
۲ـ **ب،ه،ی:** کشیده زلف **ز،ح،ك:** کشید از زلف ***ب،ه،ی:** قبا چون غنچه **ط:** تنعم از میان باد صبا
۳ـ **ح،ك:** ز هر سو **ح،ی،ك:** بلبلی عاشق **ح،ك،ل:** در افغان * **ح،ك:** تحمل از میان **ط:** کمال‌الدوله والدین بوالوفا
۴ـ **ك:** رنگ رخت **ل:** در دل افتاد ***ز:** درین گلشن **ح،ل:** وزان گلشن **ط:** وزین گلبن **ك:** دران گلشن **ه:** گلشن نگارم **ح،ك:** چو خارم
۵ـ **ك:** خوشت باد ای نسیم کوی جانان **ز،ح،ی،ل:** باد آن نسیم **ط:** بادا نسیم
۷ـ **ب:** اگر سلطان **ط:** طمع‌کردن خطا بود ***ط:** گره بند قبا چون غنچه واکرد
۸ـ ***ز:** بی‌رو و ریا کرد
۹ـ **ب،ز،ی:** ملك با من ***ب،ك:** کمال دین و دولت **ز:** کمال دولت دین **ح:** کمال‌الدین و دولت بوالوفا

۱۲۷

۱ بیا که ترک فلک خوان روزه غارت کرد
هلال عید به دور قدح اشارت کرد

۲ ثواب روزه و حج قبول آن کس برد
که خاک میکدهٔ عشق را زیارت کرد

۳ مقام اصلی ما گوشهٔ خرابات است
خداش خیر دهاد آن که این عمارت کرد

۴ نماز در خم آن ابروان محرابی
کسی کند که به خون جگر طهارت کرد

۵ بهای بادهٔ چون لعل چیست جوهر عقل
بیا که سود کسی برد کاین تجارت کرد

۶ فغان که نرگس جمّاش شیخ شهر امروز
نظر به دردکشان از سر حقارت کرد

۷ حدیث عشق ز حافظ شنو نه از واعظ
اگرچه صنعت بسیار در عبارت کرد

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ی، ن** بـا همین ترتیب بیت **۶** ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ه: ۱، ۲، ۳، +، ۵، ۶، ×، ۷

ز: ۱، ۲، ۳، *، +، ۵، ۶، ۵، ۷، ⊕

ح: ۱، ×، ۲، ۳، *، +، ۵، ۶، ۷

ط: ۱، ۲، ×، ۳، ۵، ∅، ۶، ۷

ك: ۱، ×، ۲، ۳، ۵، ۶، ۷

ل: ۱، ۲، ۳، ۵، ۴، ۶، +، ۷

بیت‌های اضافی از این قرار است:

+ **بروی یار نظر کـن ز دیده منت دار — کـه کار دیده همه از سر بصارت کرد**

که در نسخهٔ ل «که کار دیده نظر» آمده است.

× **اگر امـام جماعت طلب کند امروز — خبر دهید که صوفی بمی طهارت کرد**

در نسخهٔ ك «طلب کند روزی» آمده.

* **خوشا نماز و نیاز کسی که از سردرد — بـه‌آب دیده وخون جگر طهارت کرد**

⊕ **امام شهر که سجاده می‌کشید بدوش — بخون دختر رز خرقه را قصارت کـرد**

∅ **سزای گوشهٔ محراب ابروش کس نیست — مگر دلی که به‌خون جگر جسارت کرد**

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ب: خان روزه   **ح:** جان روزه

۲ـ *ن: آن کس یافت

۳ـ * ز: خدای خیر دهادش که این

۴ـ *ی،ن: که بخوناب دل طهارت

۵ـ ب،ه،ز: لعل هست   **ط:** گوهر عقل   *** ب:** کین زیارت کرد

۶ـ ط،ی،ك: نرگس مخمور

۱۲۸

۱ به آب روشن می عارفی طهارت کرد
علی‌الصّباح که میخانه را زیارت کرد

۲ همان که ساغر زرّین خور نهان گردید
هلال عید به دور قدح اشارت کرد

۳ خوشا نماز و نیاز کسی که از سر درد
به آب دیده و خون جگر طهارت کرد

۴ به روی یار نظر کن ز دیده منّت دار
که کاردیده همه از سر بصارت کرد

۵ دلم به حلقهٔ زلفش به جان خرید آشوب
چه سود دید ندانم که این تجارت کرد

۶ اگر امام جماعت طلب کند امروز
خبر دهید که حافظ به می طهارت کرد

ب،ز،ح،ط،ك،ل

ترتیب ابیات

متن تا بیت ۵ مطابق است با نسخه‌های ب،ز،ح،ط،ك که بیت ۶ را ندارند اما نسخهٔ ز بعد ازبیت ۵ به ترتیب دو بیت زیر را افزوده است که بیت دوم آن جزء غزل ۱۲۷ نیز ثبت است.

+ امام خواجه که بودش سر نماز دراز بخون دختر رز خرقه را قصارت کرد
+ رموز عشق ز حافظ شنو نه از واعظ اگـر چه صنعت بسیار درعبارت کرد

این غزل درنسخهٔ ه نیست اما بیت‌های ۴ و ۶ را جزء غزل ۱۲۷ ثبت کـرده است. نسخهٔ ك هم بیت ۶ را جزء غزل۱۲۷ آورده است. نسخهٔ ل با ترتیب متن بیت ۶ را ندارد وبه‌جای آن بیت زیررا افزوده است:

+ امام خواجه کـه بودش سرنماز دراز بخون دختر رز خرقه را قصارت کرد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ط: که میخانه را عمارت کرد
۲ـ ح،ط،ك،ل: همین کـه ب،ز: ساعد زرین ب: زرین‌خود
ح،ط،ك: زرین می ب،ح،ط،ك: نهان کردند
مصراع دوم این بیت درغزل شمارهٔ ۱۲۷ نیز آمده است.
۴ـ * ب: که کار دهر همه ح: که کار خیر همه ط: هم از دیده بصارت
۵ـ ز،ح،ك،ل: زحلقهٔ * ط: دیده ندانم

۱۲۹

۱ صوفی نهاد دام و سر حقّه باز کرد
بنیاد مکر با فلک حقّه‌باز کرد

۲ بازیِّ دهر بشکندش بیضه در کلاه
زیرا که عرض شعبده با اهل راز کرد

۳ ساقی بیا که شاهد رعنای صوفیان
دیگر به جلوه آمد و آغاز ناز کرد

۴ این مطرب از کجاست که ساز عراق ساخت
واهنگ بازگشت ز راه حجاز کرد

۵ ای دل بیا که ما به پناه خدا رویم
زانچ آستین کوته و دست دراز کرد

۶ صنعت مکن که هر که محبّت نه پاک باخت
عشقش به روی دل در معنی فراز کرد

۷ فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید
شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد

۸ ای کبک خوشخرام کجا می‌روی بایست
غرّه مشو که گربهٔ عابد نماز کرد

۹ حافظ مکن ملامت رندان که در ازل
ما را خدا ز زهد ریا بی‌نیاز کرد

ب،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ی،ل.** با ترتیب متن درنسخه‌های **ح،ك** بیت‌های ۸ و ۹ ودرنسخهٔ **ز** بیت‌های ۲ و ۳ مقدم ومؤخر است. ترتیب نسخهٔ **ط** چنین است:

۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۹ بیت‌های ۳ و ۸ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ز،ل: بازی چرخ

۳ـ * ز: آمد دگر بجلوه وآغاز **ك:** دیگر بخلوت‌آمد و

۴ـ *ز،ل: براه

۶ـ ط،ی: هرانك محبت **ز،ط،ی،ل:** نه راست باخت **ح:** براست باخت **ك:** نداشت باخت *** ز:** ایزد بروی وی درمعنی

۷ـ ط: پیشگاه محبت

۸ـ *ز،ی،ل: گربهٔ زاهد

۱۳۰

۱ بلبلی خون جگر خورد و گلی حاصل کرد
باد غیرت به صدش خار پریشان دل کرد

۲ طوطیی را به خیال شکری دل خوش بود
ناگهش سیل فنا نقش امل باطل کرد

۳ قرّةالعین من آن میوهٔ دل یادش باد
که خود آسان بشد و کار مرا مشکل کرد

۴ ساربان بار من افتاد خدا را مددی
که امید کرمم همره این محمل کرد

۵ روی خاکی و نم چشم مرا خوار مدار
چرخ فیروزه طربخانه ازین کهگل کرد

۶ آه و فریاد که از چشم حسود مه چرخ
در لحد ماه کمان ابروی من منزل کرد

۷ نزدی شاه رخ و فوت شد امکان حافظ
چه کنم بازی ایّام مرا غافل کرد

الف،ب،ز،ط،ی،ك۱،ك۲،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **الف،ز،ط،ل** نسخه‌های **ب،ی،ك۲** فقط بیت‌های ۱ و ۲ را دارند. با ترتیب متن نسخهٔ **ك۱** بیت ۶ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ل: خون دلی خورد *** ب،ی:** بصدش حال

۲ـ ی،ك۱: به هوای شکری **الف،ك۲:** خوش دل‌بود *** ب:** ناگهش سنگ اجل **ی:** ناگهش سنگ بلا **ك۲:** سیل بلا

۳ـ الف: قرةالعین توان *** ط:** گرچه آسان بشد

۴ـ ل: ساروان

۵ـ ط: نم اشك مرا **الف،ط:** چرخ پیروزه *** ك۱:** در لحد ماه کمان ابروی من منزل کرد

۶ـ ز: دست حسود **ط:** چشم حسودان ناگه

۷ـ *ط: بازی امید مرا

۱۳۱

۱ چو باد عزم سر کوی یار خواهم کرد
نفس به بوی خوشش مشکبار خواهم کرد
۲ هر آبروی که اندوختم ز دانش و دین
نثار خاک ره آن نگار خواهم کرد
۳ به هرزه بی می و معشوق عمر می‌گذرد
بطالتم بس از امروز کار خواهم کرد
۴ صبا کجاست که این جان خون گرفته چو گل
فدای نکهت گیسوی یار خواهم کرد
۵ چو شمع صبحدمم شد ز مهر او روشن
که عمر در سر این کار و بار خواهم کرد
۶ به یاد چشم تو خود را خراب خواهم ساخت
بنای عهد قدیم استوار خواهم کرد
۷ نفاق و زرق نبخشد صفای دل حافظ
طریق رندی و عشق اختیار خواهم کرد

ب،ه،ح،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ه،ح،ی،ك**. ترتیب نسخهٔ **ل** چنین است:
۱،۳،۲،۵،۶،۴،۷

اختلاف نسخه‌ها

۳ـ * ب: چو طالبم بس
۵ـ ب: چو شمع صبح شد از مهر روی او روشن **ه،ح،ك:** شمع صبحدم شد
۷ـ ب: نقاب زرق نبخشد *** ی:** آشکار خواهم کرد

۱۳۲

۱ دل از من برد و روی از من نهان کرد
خدا را با که این بازی توان کرد

۲ سحر تنهائی‌ام در قصد جان بود
خیالش لطف‌های بیکران کرد

۳ چرا چون لاله خونین دل نباشم
که با ما نرگس او سرگران کرد

۴ کجا گویم که با این درد جانسوز
طبیبم قصد جان ناتوان کرد

۵ بران سان سوخت چون شمعم که برمن
صراحی گریه و بربط فغان کرد

۶ صباگر چاره داری وقت وقت است
که درد اشتیاقم قصد جان کرد

۷ میان مهربانان کی توان گفت
که یار من چنین گفت و چنان کرد

۸ عدو با جان حافظ آن نکردی
که تیر چشم آن ابرو کمان کرد

ب،د،ه،ز،ح،ط،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ل.** ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

د: ۱،۲،۳،۶،۵،۴،۷،۸

ه،ز: ۱،۲،۳،۶،۴،۵،۷،۸

ح: ۱،۲،۳،۴،۷،۵،۶،۸

ط: ۱،۲،۳،۶،۴،۷،۸ بیت ۵ را ندارد

ك: ۱،۲،۳،۴،۷،۵،۶،۸

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ب،ك: دل از ما برد و روی از ما نهان کرد

۲ـ د،ح،ط،ك: سحر پنهانیم **ه،ل:** شب تنهائیم

۳ـ ح: لاله خون دل نپاشیم * **د،ح،ط،ك:** چو با ما

۴ـ ط،ل: کراگویم

۵ـ ح،ل: بدانسان سوخت **ك:** بران سرسوخت

۶ـ ك: وقت آنست * **ز:** اشتیاقم ناتوان کرد

۷ـ ح،ك: به پیش مهربانان **د،ط،ك:** چون تـوان گفت * **ط:** چنین کرد وچنان کرد

۱۳۳

۱ دست در حلقهٔ آن زلف دو تا نتوان کرد
تکیه بر عهد تو و باد صبا نتوان کرد

۲ آنچه سعی است من اندر طلبت بنمایم
این قدر هست که تغییر قضا نتوان کرد

۳ دامن دوست به صد خون دل افتاد به دست
به فسوسی که کند خصم رها نتوان کرد

۴ عارضش را به مثل ماه فلک نتوان گفت
نسبت یار به هر بی سر و پا نتوان کرد

۵ سر و بالای من آنگه که در اید به سماع
چه محل جامهٔ جان را که قبا نتوان کرد

۶ مشکل عشق نه در حوصلهٔ دانش ماست
حلّ این نکته بدین فکر خطا نتوان کرد

۷ چه بگویم که ترا نازکی طبع لطیف
تا به حدّیست که آهسته دعا نتوان کرد

۸ نظر پاک تواند رخ جانان دیدن
که در آئینه نظر جز به صفا نتوان کرد

۹ غیرتم کشت که محبوب جهانی لیکن
روز و شب عربده با خلق خدا نتوان کرد

۱۰ بجز ابروی تو محراب دل حافظ نیست
طاعت غیر تو در مذهب ما نتوان کرد

ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ **ب**. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین‌است:

ج: ۱،۲،۳،۹،۴،۷،۶،۸،۱۰ بیت ۵ را ندارد

د: ۱،۲،۳،۹،۴،۵،۷،۶،۸،۱۰

ه،ز،ی: ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۹،۸،۶،۱۰

ح،ك: ۱،۲،۳،۴،۷،۸،۶،۹،۵،۱۰

ط: ۱،۳،۲،۴،۵،۶،۸،۱۰ بیت‌های ۷ و ۹ را ندارد

ل: ۱،۲،۳،۴،۵،۸،۶،۹،۷،۱۰

ن: ۱،۲،۳،۹،۴،۷،۶،۱۰ بیت‌های ۵ و ۸ ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۲ــ ح: طلبت می‌کوشم **ك:** طلبش بنمایم

۳ــ ب: افتاده بدست **ن:** افتاده به کف ***ط:** بفسوسی که دهد

۴ــ ب: بتوان خواند **ی،ك:** نتوان خواند *** ك،ل:** نسبت دوست

۵ــ د: بالای من آن لحظه که آید **ه،ز،ط:** بالای من آن دم که **ح،ك:** بالای من ارزانکه

۶ــ ح،ك: مشکل وصل **ك:** حوصلهٔ دامن ماست *** ه:** حز آن
ج،ط: باین فکر **د:** بآن فکر

۷ــ ی،ل: من چه‌گویم که ترا **ه:** نازکی وطبع **ب،ی:** طبع ملول
ج: طبع چه بود

۸ــ د: نظر پاك توان در رخ جانان **ح،ك:** نظر پاك توان در رخ خوبان

۹ــ ح: غیرتم گفت که محبوس جهانی *** ه:** عربده با باد صبا

۱۰ــ ن: بجز از روی تو

۱۳۴

۱ دیدی ای دل که غم عشق دگر بار چه کرد
چون بشد دلبر و با یار وفادار چه کرد

۲ وه ازان نرگس جادو که چه بازی انگیخت
آه ازان مست که با مردم هشیار چه کرد

۳ اشک من رنگ شفق یافت ز بی مهری یار
طالع بی‌شفقت بین که درین کار چه کرد

۴ برقی از منزل لیلی بدرخشید سحر
وه که با خرمن مجنون دل افگار چه کرد

۵ ساقیا جام می‌ام ده که نگارندهٔ غیب
نیست معلوم که در پردهٔ اسرار چه کرد

۶ آن که پر نقش زد این دایرهٔ مینائی
کس ندانست که در گردش پرگار چه کرد

۷ فکر عشق آتش غم در دل حافظ می‌سوخت
یار دیرینه ببینید که با یار چه کرد

ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق، اما ترتیب نسخهٔ ط چنین است:
۷،۴،۶،۵،۳،۲،۱

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ك: که غم یار
۲ـ ب: وه که آن نرگس   ج،د،ح،ی،ك،ل: آه ازان نرگس   *ج: واه ازآن مست   د،ح: وه ازآن مست   ل: آه ازآن مست
۳ـ ز،ك: رنگ شفق داشت   * ك: که دگر بار چه‌کرد
۵ـ ح،ك: ساقیا باده بیاور   ط: برو ای صوفی مسکین که نگارندهٔ غیب   *ط: کس ندانست که درپردهٔ
۶ـ ب،ج،د،ه،ز،ط،ك: آنکه برنقش   ح: این که پرنقش   ب،ج،ی: زدی دایرهٔ مینایی   * ط: نیست معلوم که درگردش   ج: کـه درپردهٔ اسرار چه‌کرد   ه: که درپردهٔ پرگار چه‌کرد
۷ـ ط: برق‌عشق   ج،ز: خرمن‌حافظ   ی: بردل‌حافظ   د،ح،ط،ك،ل: حافظ زد وسوخت

۱۳۵

۱ دوستان دختر رز توبه ز مستوری کرد

شد سوی محتسب و کار به دستوری کرد

۲ آمد از پرده به مجلس عرقش پاک کنید

تا بگوید به حریفان که چرا دوری کرد

۳ جای آن است که در عقد وصالش گیرند

دختری مست چنین کاین همه مستوری کرد

۴ مژدگانی بده ای دل که دگر مطرب عشق

راه مستانه زد و چارهٔ مخموری کرد

۵ نه شگفت ار گل طبعم ز نسیمش بشکفت

مرغ شبخوان طرب از برگ گل سوری کرد

۶ نه به هفت آب که رنگش به صد آتش نرود

آنچه با خرقهٔ زاهد میِ انگوری کرد

۷ حافظ افتادگی از دست مده زانکه حسود

عرض و مال و دل و دین در سر مغروری کرد

ب،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ز،ط،ی. با ترتیب متن نسخهٔ ب بیت ۴ ونسخهٔ ح بیت ۵ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ك: ۱،۴،۲،۳،۵،۶،۷

ل: ۱،۲،۴،۶،۵،۷ بیت ۳ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ح،ك: امدازخانه بمجلس * ز،ل: تا نکویند حریفان ط: تانکویند حریفان

۳ـ ط: عقد نکاحش گیرند ب: وصالش گرید * دختر مست کـه این شیوهٔ مستوری کرد ح،ی: دختر مست ط: مست که او این همه ی: مست که با بنده چنین

۴ـ ح: مطرب مست ك: مطرب غیب * ط،ی: زد وتو به زمستوری کرد

۵ـ ب: نشکفت ازگل طبعم ز: چشکفت ازگل طبعم ب: بنشیمن بشکفت ز: زنسیمش شکفت ی،ك: بنسیمش ل: غنچهٔ گلبن وصلم ز نسیمش * ط،ل،ك: مرغ خوش خوان طرب ز،ح: از بهرگل ك: ازبوی گل

۶ـ *ب: آنکه با خرقهٔ ی: خرقهٔ صوفی ح،ك: جامهٔ زاهد

۷ـ *ی: درسر مستوری کرد

۱۳۶

۱ سالها دل طلب جام جم از ما می‌کرد
آنچه خود داشت ز بیگانه تمنّا می‌کرد

۲ گوهری کز صدف کون و مکان بیرون است
طلب از گمشدگان ره دریا می‌کرد

۳ مشکل خویش بر پیر مغان بردم دوش
کاو به تأیید نظر حلّ معمّا می‌کرد

۴ دیدمش خرّم و خوشدل قدح باده به دست
وندران آینه صد گونه تماشا می‌کرد

۵ گفتم این جام جهان‌بین به تو کی داد حکیم
گفت آن روز که این گنبد مینا می‌کرد

۶ گفت آن یار کزو گشت سر دار بلند
جرمش این بود که اسرار هویدا می‌کرد

۷ فیض روح‌القدس ار باز مدد فرماید
دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد

۸ گفتمش زلف چو زنجیر بتان از پی چیست
گفت حافظ گله‌ای از دل شیدا می‌کرد

ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ج،ه،ح،ی،ك. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

د: با ترتیب متن بعد از بیت ۲، دو بیت زیر را به ترتیب افزوده است:

انك چون غنچه لبش راز حقیقت بنهفت   ورق خاطر ازین نکته محشا می‌کرد

بی دلی درهمه احوال خدا با وی بود   او نمی‌دیدش و از درد خدا را می‌کرد

ز: با ترتیب متن بعد از بیت ۲، بیت زیر را افزوده است:

آن همه شعبدهٔ عقل که می‌کـرد انجا   ساحری پیش عصـای ید بیضا می‌کرد

ط: ۱،۲،۴،۶،۵،۸   بیت‌های ۳ و ۷ را ندارد

ل: با ترتیب متن بعد از بیت ۵، دو بیت زیر را به ترتیب افزوده است:

بیدلی درهمـه احـوال خـدا با او بود   اونمی‌دیدش و از دورخدا را می‌کرد

این همه شعبدهٔ خویش کـه میکرد اینجا   سامری پیش عصاو یـد بیضا می‌کرد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ج،ه،ی،ك،ل: وانچه خود   ح: ز بیگانه تقاضا می‌کرد

۲ـ ز: گوهری راکه بپرورد صبا درهمه عمر   ح: گوهری را که نپرورد صدف در همه عمر   ط: گوهری را که بپرورد صدف در همه عمر   ی: گوهری را که بپرورد بسا درهمه عمر   د: بیرون بود   * ك: طلب ازمـردم نارفته بلدیا می‌کرد   ج،د،ه،ی،ل: گمشدگان لب دریا

۳ـ *ج: نظرحال معما

۴ـ ط: دیلمش فارغ و خرم   ج،ك،ل: خرم وخندان   ب: قدحی باده‌بدست

۶ـ د: گفتم آن یار   ط: گفت کان یار   * ج،ی: جرمش آن بود

۸ـ ح،ط،ك،ل: گفتمش سلسلهٔ زلف بتان   ی: چو زنجیر بتاب از پی چیست   * ی: گلهٔ از شب یلدا میکرد

۱۳۷

۱ به سرّ جام‌جم آنگه نظر توانی کرد
که خاک میکده کحل بصر توانی کرد

۲ مباش بی‌می و مطرب که زیر طاق سپهر
به این ترانه غم از دل بدر توانی کرد

۳ گل مراد تو آنگه نقاب بگشاید
که خدمتش چو نسیم سحر توانی کرد

۴ به عزم مرحلهٔ عشق پیش نه قدمی
که سودها کنی ار این سفر توانی کرد

۵ بیا که چارهٔ ذوق حضور و نظم امور
به فیض بخشش اهل نظر توانی کرد

۶ جمال یار ندارد نقاب و پرده ولی
غبار ره بنشان تا نظر توانی کرد

۷ تو کز سرای طبیعت نمی‌روی بیرون
کجا به کوی طریقت گذر توانی کرد

۸ گدائی در میخانه طرفه اکسیریست
گر این عمل بکنی خاک زر توانی کرد

۹ دلا ز نور ریاضت گر آگهی یابی
چو شمع خنده زنان ترک سر توانی کرد

۱۰ ولی تو تا لب معشوق و جام می خواهی
طمع مدار که کاری دگر توانی کرد

۱۱ گر این نصیحت شاهانه بشنوی حافظ
به شاهراه حقیقت سفر توانی کرد

ب۱،ب۲،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك۱،ك۲،ل،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب۲،ه،ز،ك۲. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ب۱: +،۲،۳،۸،۴،۵،۷،۹،۱۰،۱۱ بیت‌های ۱ و ۶ را ندارد

ج،د: ۱،۲،۳،۸،۴،۷،۶،۹،۱۰ بیت‌های ۵ و ۱۱ را ندارند

ح: +،۱،۵،۲،۴،۷،۶،۳،۹،۱۰،۱۱ بیت ۸ را ندارد

ط: +،۲،۸،۴،۵،۳،۹،۱۰،۱۱ بیت‌های ۱ و ۶ و ۷ را ندارد

ی: ۱،۲،۳،۸،۶،۴،۷،۹،۱۰ بیت‌های ۵ و ۱۱ را ندارد

ك۱: +،۲،۸،۴،۷،۶،۵،۳،۹،۱۰،۱۱ بیت ۱ را ندارد

ل: ۱،۲،۳،۸،۴،۷،۶،۵،۱۰،۹،۱۱

+ دوای غصهٔ دوران اگر توانی کرد بدور بادهٔ گلگون مگر توانی کرد

ن: ۱،۲،۴،۶،۷،۹ بیتهای دیگر را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ج: که زیر طاق کبود * **د،ح،ط،ل:** بدین ترانه **ب ۲:** برین ترانه **ن:** بدین بهانه

۳ـ ط: گل جمال تو **د:** ان دم نقاب

۴ـ د: مرحلهٔ قرب

۵ـ ح: ذوق وحضور نظم * **ل:** بفیض بخشی

۷ـ *ی،ن: کجا بکوی ریاضت

۹ـ ج،د،ی،ن: گرت ز نور ریاضت خبر شود حافظ **ن:** خبر بود حافظ **ل:** ز نور هدایت **ب۱،ز،ط:** گر آگهی داری

۱۰ـ د،ه: جام می‌بینی * **ط،ل:** که کار دگر

۱۱ـ * ب۱،ب۲،ه،ز،ح،ط،ك۱: بشاهراه طریقت **ز،ط،ك۱:** گذرتوانی کرد **ك۲:** رخ مراد بخوبی قمر توانی کرد

۱۳۸

۱ یاد باد آن که ز ما وقت سفر یاد نکرد
به وداعی دل غمدیدهٔ ما شاد نکرد
۲ آن جوانبخت که می‌زد رقم خیر و قبول
بندهٔ پیر ندانم ز چه آزاد نکرد
۳ کاغذین جامه به خوناب بشویم که فلک
رهنمونیم به پای علم داد نکرد
۴ دل به امّید صدائی که مگر در تو رسد
ناله‌ها کرد درین کوه که فرهاد نکرد
۵ سایه تا بازگرفتی ز چمن مرغ سحر
آشیان در شکن طرّهٔ شمشاد نکرد
۶ شاید ار پیک صبا از تو بیاموزد کار
زانکه چالاکتر از این حرکت باد نکرد
۷ کلک مشّاطهٔ صنعش نکشد نقش مراد
هر که اقرار بدان حسن خداداد نکرد
۸ مطربا پرده بگردان و بزن راه حجاز
که به این راه بشد یار و ز ما یاد نکرد
۹ غزلیّات عراقیست سرود حافظ
که شنید این ره دلسوز که فریاد نکرد

ب،ه،ز،ح،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ك،ل با ترتیب متن نسخه‌های ب،ه،ح بیت‌های ۳ ۴ و نسخهٔ ز بیت ۳ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ب،ه،ح،ك: خیر قبول

۳ـ ك: بخونابه

۴ـ * ك: درین کوچه

۶ـ * ح: ازآن حرکت

۷ـ ز: نکشد خط مراد *ز،ك،ل: اقرار بدین

۸ـ ز،ك،ل: بزن راه عراق * ل: که بدین راه بشد

۹ـ ح: غزلیات عراقی و سرود

۱۳۹

۱ رو بر رهش نهادم و بر من گذر نکرد
صد لطف چشم داشتم او یک نظر نکرد

۲ سیل سرشک ما ز دلش کین بدر نبرد
در سنگ خاره قطرهٔ باران اثر نکرد

۳ یا رب تو این جوان دلاور نگاه‌دار
کز تیر آه گوشه‌نشینان حذر نکرد

۴ ماهی و مرغ دوش نخفت از فغان من
وان شوخ دیده بین که سر از خواب بر نکرد

۵ می‌خواستم که میرمش اندر قدم چو شمع
او خود گذر به ما چو نسیم سحر نکرد

۶ جانا کدام سنگدل بی‌کفایت است
کاو پیش زخم تیغ تو جان را سپر نکرد

۷ کلک زبان کشیدهٔ حافظ در انجمن
با کس نگفت راز تو تا ترک سر نکرد

ب،ج،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ج،ز،ح،ط،ل. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین‌است:

ك: ۱،۳،۲،۵،۶،۴ بیت ۷ را ندارد

ی: ۱،۲،۳،۵،۴،۷ بیت ۶ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ب،ح،ی،ك،ل: داشتم و یك نظر

۲ـ ز: کس بدرنبرد ك: ره بدرنبرد * ك: برسنگ خاره

۳ـ ز،ط،ی،ك،ل: تو آن جوان * ج: کزدود وآه ب،ز،ح: کز آه ودود

۴ـ ك: ماهی و مور دوش ز افغان ما نخفت ی،ل: دوش ز افغان مـن نخفت

* ح: وان شوخ چشم بین ی،ك: ان شوخ دیده بین ج: که سر از خاك برنکرد

۵ـ ب،ج،ح: قدم چو صبح * ب: او خود به ما گذر

۶ـ ط: سنگدل بی‌وفا کسیست ك: سنگ دل سست مذهبست * ط: زخم تیر تو

۷ـ ح،ی،ل: کلك زبان بریدهٔ

۱۴۰

۱ دلبر برفت و دلشدگان را خبر نکرد
یادِ حریف شهر و رفیق سفر نکرد

۲ یا بخت من طریق مروّت فرو گذاشت
یا او به شاهراه طریقت گذر نکرد

۳ من ایستاده تا کنمش جان فدا چو شمع
او خود گذر به ما چو نسیم سحر نکرد

۴ گفتم مگر به گریه دلش مهربان کنم
در نقش سنگ قطرهٔ باران اثر نکرد

۵ دل را اگر چه بال و پر از غم شکسته شد
سودای دام عاشقی از سر بدر نکرد

۶ هر کس که دید روی تو بوسید چشم من
کاری که کرد دیدهٔ ما بی‌نظر نکرد

ب،ز،ح،ط،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ح. با ترتیب متن نسخه های ط،ك در آخر بیت زیر را که مقطع غزل ۱۳۹ است افزوده‌اند، نسخهٔ ز نیز درآخر همین بیت را آورده است:

+ کلك زبان کشیدهٔ حافظ در انجمن — با کس نگفت راز تو تا ترك سرنکرد

ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ز: ۱،۲،۳،۵،۶،۴،+

ل: ۱،۲،۴،۵،۶،۳

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ك: طریق محبت

۳ـ ك: من ایستاده‌ام که کنم جان فدای شمع

۴ـ *ح،ك: درسنگ خاره قطرهٔ — ل: چون سخت بود در دل سنگش اثر نکرد

۵ـ ز،ط: شوخی نگر که مرغ دل بال و پر خراب — ل: شوخی مکن که مرغ دل بیقرار من — ح: از هم شکسته شد — * ز،ط: سودای خام

۶ـ * ل: دیدهٔ من

۱۴۱

۱ چه مستی است ندانم که ره به ما آورد
که بود ساقی و این باده از کجا آورد

۲ چه راه می‌زند این مطرب مقام شناس
که در میان غزل قول آشنا آورد

۳ تو نیز باده به چنگ آر و راه صحرا گیر
که مرغ نغمه‌سرا ساز خوش‌نوا آورد

۴ رسیدن گل و نسرین به خیر و خوبی باد
بنفشه شاد و گشس آمد سمن صفا آورد

۵ صبا به خوش خبری هدهد سلیمان است
که مژدهٔ طرب از گلشن سبا آورد

۶ دلا چو غنچه شکایت ز کار بسته مکن
که باد صبح نسیم گره‌گشا آورد

۷ علاج ضعف دل ما کرشمهٔ ساقیست
برار سر که طبیب آمد و دوا آورد

۸ مرید پیر مغانم ز من مرنج ای شیخ
چرا که وعده تو کردی و او بجا آورد

۹ به تنگ چشمی آن ترک لشکری نازم
که حمله بر من درویش یک قبا آورد

۱۰ فلک غلامی حافظ کنون به طوع کند
که التجا به در دولت شما آورد

ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ح،ك،ن**. با ترتیب متن نسخه‌های **ب،ج،د،ی،م** بیت ۵ و نسخهٔ **ه** بیت ۳ را ندارد. در نسخهٔ **ج** بیت‌های ۲ و ۳ مقدم و مؤخر است.
ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ز: ۱،۲،۳،۴،۶،۷،۸،۹،۵،۱۰

ط: ۱،۶،۴،۵،۷،۹،۸،۲ بیت‌های ۳ و ۱۰ را ندارد

ل: ۱،۳،۶،۴،۵،۷،۸،۹،۱۰ بیت ۲ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ **ز،ل:** که روبما آورد ***ی:** که بود مطرب و

۲ـ **ط:** بساز نغمهٔ حافظ سماع کن مطرب

۳ـ **ح،ی،ك:** راه بستان‌گیر *** ح،ك:** چو مرغ **ح:** برده سرا

۴ـ **ل:** گل نسرین *** ط:** سمن صبا آورد

۵ـ **ح،ك:** بخوش نفسی *** ل:** گلشن صبا

۶ـ ***ی:** چو باد صبح **ط:** نسیمی گره‌گشا

۷ـ **ب،ه،ی:** ضعف دل من **ح،ك:** دل ما بلب حوالت کن ***ب، ه،ی،ك،ن:** ازین جهت که طبیب **ح:** از آن جهت که طبیب **م:** نه زین جهت که طبیب

۹ـ **ح:** ترك لشکری نازیم **ط:** ترك نازنین نازم **ك:** ترك لشکری میرم *** ج،د،ح:** برمن مسکین یك قبا

۱۴۲

۱ صبا وقت سحر بوئی ز زلف یار می‌آورد
دل دیوانهٔ ما را به نو در کار می‌آورد

۲ من آن شکل صنوبر را ز باغ سینه بر کندم
که هر گل کز غمش بشکفت محنت بار می‌آورد

۳ ز بیم غارت عشقش دل اندر خون رها کردم
ولی می‌ریخت خون و ره بدان هنجار می‌آورد

۴ فروغ ماه می‌دیدم ز بام قصر او روشن
که روی از شرم آن خورشید در دیوار می‌آورد

۵ به قول مطرب و ساقی برون رفتم گه و بیگه
کزان راه گران قاصد خبر دشوار می‌آورد

۶ سراسر بخشش جانان طریق لطف و احسان بود
اگر تسبیح می‌فرمود و گر زنّار می‌آورد

۷ عجب می‌داشتم دیشب ز حافظ جام و پیمانه
ولی بحثی نمی‌کردم که صوفی‌وار می‌آورد

۸ عفاالله چین ابرویش اگر چه ناتوانم کرد
به عشوه هم پیامی بر سر بیمار می‌آورد

ب،ه،ح،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ح،ك،م، اما نسخهٔ ب بیت ۵ ونسخهٔ ح بیت ۸ را ندارد، نسخهٔ ك درآخر بیت زیر را افزوده‌است:

خـوشا آن وقت وان دولت‌کزان زلف‌گـره بندش

بدر می‌بـرد دل کاری که خصم اقـرار می‌آورد

و درنسخهٔ م بیت‌های ۷و۸ مقدم ومؤخرشده است. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین‌است:

ه: ۱،۳،۴،۶،۸،۷ بیت‌های ۲ و ۵ را ندارد

ل: ۱،۲،۴،۳،۵،۶،۸،۷

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ م: صبا وقتی سحر * ل: دل شوریدهٔ ما را ل،م: ما را ببو درکار

۲ـ ب: شاخ صنوبر را ك،ل: زباغ دیده

۳ـ ل: دل پرخون رها کردم م: دل‌خونین رها کردم * ح،م: خون دردره
م: برآن هنجار

۴ـم: قصر ایوانش * ح،ل: که رو ازشرم ح،ك: شرم رخسار تو در دیوار م: که روی ازبیم رخسار تو در دیوارمی‌آورد

۵ـ *ح،ك: کزین راه‌گران م: راه گـردیم منزل ح،ك: گران منزل
ك: خرد دشوار

۶ـ ه: مرا هربخشش م: طریق ولطف * ل،م: می‌فرمود اگر

۷ـ ح: می‌داشتم من دی زحافظ * ل،م: ولی منعش نمی‌کردم

۸ـ *م: هم نباتی برسر

۱۴۳

۱ بـریـد بـاد صبا دوشم آگـهی آورد
که روز مـحنت و غم رو بـه کـوتهی آورد

۲ بـه مـطربان صبوحـی دهیم جـامهٔ چـاک
بـه ایـن نـوید کـه بـاد سحـرگهی آورد

۳ همی رویـم بـه شیراز بـا عنایـت دوست
زهی رفـیق کـه بـختم بـه همرهی آورد

۴ بیا بیا کـه تـو حـور بـهشت را، رضوان
بدین جهان ز بـرای دل رهی آورد

۵ بـه جبر خـاطر مـا کـوش کـاین کـلاه نـمد
بسا شکست کـه بـر افسر شـهی آورد

۶ چـه نـاله‌ها کـه رسید از دلم بـه خـرگه مـاه
چـو یـاد عارض آن مـاه خـرگهی آورد

۷ رسانـد رایـت مـنصور بـر فـلک حـافظ
کـه التجـا بـه جناب شهنشهی آورد

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ز،ط،م. با ترتیب متن نسخه‌های ب،ی بیت ۵ را ندارند، درنسخه‌های ح،ك بیت‌های ۴ و ۵ و درنسخهٔ ل بیت‌های ۳ و ۴ مقدم ومؤخراست.

ترتیب نسخهٔ ه چنین است:

۱،۲،۴،۶،۷ بیت‌های ۳ و ۵ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ل: نسیم باد صبا ب،ه،م: دوش آگهی آورد * ح: که دورمحنت‌وغم

۲ـ ی: جامهٔ پاك * ه،ط،ل،م: بدین نوید ز: که مرغ سحرگهی

۳ـ ز: نسیم زلف توشد خضر راهم اندر عشق ح: زشیراز ل: باعنایت‌بخت * ب: زهی رقیب

۴ـ ط: بیا که پرتو حوربهشت ب: بهشت از رضوان *ح،ط،ل: درین جهان

۵ـ *ك: بسی‌شکست م: شکست به‌پیراهن شهی ح،ط،ك: که در افسر ل: که با افسر

۶ـ ب،ه: چه نالهٔ که رسید ز،ح: بخرگه شاه ط،ل: بخرمن ماه ك: بحضرت شاه

۷ـ م: رسید رایت منصور * ز،ح،ط،ك: چو النجا

۱۴۴

۱ یارم چو قدح به دست گیرد
بازار بتان شکست گیرد
۲ در پاش فتاده‌ام به زاری
آیا بود آن که دست گیرد
۳ در بحر فتاده‌ام چو ماهی
تا یار مرا به شست گیرد
۴ هر کس که بدید چشم او گفت
کو محتسبی که مست گیرد
۵ خرّم دل او که همچو حافظ
جامی ز می الست گیرد

ب،ه،ز،ح،ط،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ه،ز،ح،م. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ط: ۱،۳،۴،۲،۵

ك: ۱،۳،۲،۴،۵

ل: ۱،۴،۳،۲،۵

اختلاف نسخه‌ها

۲ــ * ط: تا دوست مرا بدست گیرد

۵ــ ه،ح،ط،ك،ل،م: دل آنکه * ط،ك: مستی زمی الست

۱۴۵

۱ دلم جز مهر مهرویان طریقی بر نمی‌گیرد
ز هر در می‌دهم پندش ولیکن در نمی‌گیرد

۲ خدا را ای نصیحتگو حدیث از خطّ ساقی گو
که نقشی در خیال ما ازین خوشتر نمی‌گیرد

۳ صراحی می‌کشم پنهان و مردم دفتر انگارند
عجب گر آتش این زرق در دفتر نمی‌گیرد

۴ من این دلق ملمّع را بخواهم سوختن روزی
که پیر می فروشانش به جامی بر نمی‌گیرد

۵ از آن روی است یاران را صفاها با می لعلت
که غیر از راستی نقشی درین جوهر نمی‌گیرد

۶ نصیحتگوی رندان را که با حکم قضا جنگ است
دلش بس تنگ می‌بینم، مگر ساغر نمی‌گیرد

۷ میان گریه می‌خندم که چون شمع اندرین مجلس
زبان آتشینم هست لیکن در نمی‌گیرد

۸ من آن آئینه را روزی به دست آرم سکندروار
اگر می‌گیرد این آتش زمانی، ورنمی‌گیرد

۹ چه خوش صید دلم کردی بنازم چشم مستت را
که کس مرغان وحشی را ازین خوشتر نمی‌گیرد

۱۰ سخن در احتیاج ما و استغنای معشوق است
چه سود افسونگری ای دل چو در دلبر نمی‌گیرد

۱۱ خدا را رحمی ای منعم که درویش سر کویت
دری دیگر نمی‌داند رهی دیگر نمی‌گیرد

۱۲ بدین شعر تر شیرین ز شاهنشه عجب دارم
که سر تا پای حافظ را چرا در زر نمی‌گیرد

ب،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ی،م. با ترتیب متن نسخهٔ ز بیت‌های ۵ و ۱۰ و نسخه‌های ط،ك بیت‌های ۷و۸ و۹ و۱۰ و۱۱ را ندارند. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ح: ۱،۳،۲،۴،۵،۶،۷،۹،۱۰،۱۱،۱۲ بیت ۸راندارد.

ل: ۱،۲، +، ۳،۴،۵،*،۶،۷،۹،۱۰،۸،۱۱،۱۲

+ بیا ای ساقی گلرخ بیاور بادهٔ رنگین
که فکری در درون ما ازین بهتر نمی گیرد

* سر وچشمی‌چنین دلکش‌تو گوئی‌چشم ازو بردار
برو کاین وعظ بی‌معنی مرا در سر نمی‌گیرد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ب،ی،م: مهرویان رهی دیگر نمی‌گیرد * ح: بهر در ط: زهرسو

۲ـ ح،ط،ك: بیا ای ساقی‌گلرخ بیاور بادهٔ رنگین ل: حدیث ساغر و می گو
ی: ازخط دلبر گو * ط: که نقشی در درون ما

۳ـ ط: می کنم پنهان *ب: عجب اراتش ز: عجب کزآتش

۴ـ ح،ك: من ازپیرمغان دیدم‌کرامتهای مردانه ل: دلق مرقع را ط: سوختن باری * ط: که پیر درد نوشانش بجامی ح،ك: که این دلق ریائی را بجامی ی: می فروشانش بیك ساغر نمی‌گیرد

۵ـ ط: ازان روپاك بازان را صفاها با می‌لعلست ل،م: ازآنرو هست
ل: با می لعلش * ب،ی: که غیر از دوستی ل: درآن جوهر

۶ـ ط: نصیحتگوی ما امروز در تابست برمنبر * ح: دلش پرتنگ می‌بینم

۷ـ ی: میان‌خنده می گریم که چون شمع اندران‌مجلس * ح،م: زبانی آتشینم
ب: هست ولیکن

۸ـ *ب: آتش زبانی ونمی‌گیرد

۱۰ـ *ل: که در دلبر

۱۲ـ ز،ی،م: باین شعر ح،ك: شعر خوش شیرین ط: شعر تررنگین

۱۴۶

۱ ساقی ار باده ازین دست به جام اندازد
عارفان را همه در شرب مدام اندازد

۲ ور چنین زیر خم زلف نهد دانهٔ خال
ای بسا مرغ خرد را که به دام اندازد

۳ ای خوشا حالت آن مست که در پای حریف
سر و دستار نداند که کدام اندازد

۴ روز در کسب هنر کوش که می خوردن روز
دل چون آینه در زنگ ظلام اندازد

۵ آن زمان وقت می صبح فروغ است که شب
گرد خرگاه افق پردهٔ شام اندازد

۶ زاهد خام که انکار می و جام کند
پخته گردد چو نظر بر می خام اندازد

۷ باده با محتسب شهر ننوشی حافظ
بخورد بادهات و سنگ به جام اندازد

ب،ز،ح،ط،ی،ک،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ **ز**. با ترتیب متن نسخهٔ **ب** بیت‌های ۵ و ۶ و نسخه‌های **ط،م** بیت ۶ را ندارند. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ح،ی،ک: ۱،۲،۴،۵،۳،۷   بیت ۶ را ندارند

ل: ۱،۲،۳،۶،۴،۵،۷،+

+ حافظا سر ز کله گوشهٔ خورشید برار
بختت ار قرعه بدان ماه تمام اندازد

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ی،م: پیش خم زلف   **ح:** خم زلف فتد

۳ـ ب،ز: طالع آن مست   **ل:** دولت آن مست   ***ز:** سر و زر هردو نداند   **ی:** زر و سر هر دو نداند   **م:** سر و زر هردو نداندکه بدام اندازد

۴ـ *ی: دل آیینه چو در زنگ

۵ـ ک،م: صبح فروزست   ***ح:** زیر خرگاه افق   **ح،ک:** دامن شام

۶ـ ز: زاهد خام طمع بر سرانکار بماند

۷ـ ح: شهرمخودای حافظ   **ط، ل:** شهر ننوشی زنهار   **ک،م:** شهر منوش ای حافظ   ***ط:** که خورد   **ی:** بخورد باتو می وسنگ

۱۴۷

۱ دمی با غم بسر بردن جهان یکسر نمی‌ارزد
به می بفروش دلق ما کزین بهتر نمی‌ارزد

۲ به کوی می فروشانش به جامی بر نمی‌گیرند
زهی سجّادهٔ تقوی که یک ساغر نمی‌ارزد

۳ رقیبم سرزنشها کرد کز این باب رخ برتاب
چه افتاد این سر ما را که خاک در نمی‌ارزد

۴ شکوه تاج سلطانی که بیم جان دران درج است
کلاهی دلکش است اما به ترک سر نمی‌ارزد

۵ بس آسان می‌نمود اوّل غم دریا به بوی سود
غلط گفتم که این طوفان به صد گوهر نمی‌ارزد

۶ ترا آن به که روی خود ز مشتاقان بپوشانی
که شادی جهانگیری غم لشکر نمی‌ارزد

۷ چو حافظ در قناعت کوش و از دنیای دون بگذر
که یک جو منّت دونان به صد من زر نمی‌ارزد

ب،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ی،ل،م. با ترتیب متن درنسخه‌های ب،ح بیت‌های ۶ و ۷ مقدم ومؤخر است ونسخهٔ ك بیت ۶ را ندارد. نسخهٔ ز بعد از بیت ۶ ونسخهٔ ح بعد از بیت ۲ بیت زیر را افزوده‌اند:

بشوی این نقش دلتنگی که در بازار یك رنگی
ملمعهای گوناگون می احمر نمی‌ارزد

که درنسخهٔ ح «این دلق» و «مرقع‌های گوناگون» آمده است. ترتیب نسخهٔ ط چنین است:

۷،۵،۴،۶،۳،۲،۱

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ ط: دلا یکدم گران باری‌جهان * ط: کزان بهتر

۲ــ ز،ط،م،ن: بکوی می‌فروشانم *ن: مرقعهای گوناگون می احمر نمی‌ارزد

۳ــ ط: کزین ره روی خود بر تاب *ط: چه‌گشت آخر سر ما را ز، ح،ی،م: که یك افسر نمی‌ارزد

۴ــ ح: که بیم سر ز،ح،ط،ل،ن: درو درجست *م: کلاهی سرکش است ز: اما بدرد سر نمی‌ارزد ن: کلاه سرکش

۵ــ ط: بسی رو می‌نمود اول ل: چه آسان مینمود اول * ط،ل: غلط کردم‌که این ی: که این سلطان

۷ــ ز،ل: کوش وز ح: کوش‌وترك دنیی دون‌کن *ل،ن: دونان دوصد من زر

۱۴۸

۱ در ازل پرتو حسنت ز تجلّی دم زد
عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد

۲ جلوه‌ای کرد رخت دید ملک عشق نداشت
عین آتش شد ازین غیرت و بر آدم زد

۳ عقل می‌خواست کزان شعله چراغ افروزد
برق غیرت بدرخشید و جهان بر هم زد

۴ مدّعی خواست که آید به تماشاگه راز
دست غیب آمد و بر سینهٔ نامحرم زد

۵ دیگران قرعهٔ قسمت همه بر عیش زدند
دل غمدیدهٔ ما بود که هم بر غم زد

۶ جان علوی هوس چاه زنخدان تو داشت
دست در حلقهٔ آن زلف خم اندر خم زد

۷ حافظ آن روز طربنامهٔ عشق تو نوشت
که قلم بر سر اسباب دل خرّم زد

ب،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ه،ز،ط،ی،ل،م**. با ترتیب متن نسخهٔ **ب** بیت ۳ را ندارد و درنسخهٔ **ح** بیت‌های ۵ و ۶ مقدم ومؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

د: ۱،۲،۳،۶،۴،۵،۷

ك: ۱،۲،۳،۶،۵،۷ بیت ۴ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ د: پرتو حسنش **ی:** پرتو رویت

۲ـ ب،ح،ك: دید وملك * **ك:** ازین عزت

۳ـ ك: کزین شعله * **د،م:** برق عزت

۴ـ ب: عقل می‌خواست که آید **د:** هرکسی خواست قدم درحرم عشق نهد

۵ـ ط: قرعهٔ همت همه **ك:** قرعهٔ عشرت همه * **ح:** جان غمدیدهٔ ما بود

۷ـ طرب خانه زعشق

۱۴۹

۱ سحر چون خسرو خاور علم بر کوهساران زد
به دست مرحمت یارم در امیدواران زد

۲ چو پیش صبح روشن شد که حال مهر گردون چیست
برآمد خنده‌ای خوش بر غرور کامگاران زد

۳ نگارم دوش در مجلس به عزم رقص چون برخاست
گره بگشود از گیسو و بر دلهای یاران زد

۴ من از رنگ صلاح آنگه به خون دل بشستم دست
که چشم باده پیمایش صلا بر هوشیاران زد

۵ کدام آهن دلش آموخت این آئین عیّاری
کز اوّل چون برون آمد ره شب زنده‌داران زد

۶ خیال شهسواری پخت و شد ناگه دل مسکین
خداوندا نگه‌دارش که بر قلب سواران زد

۷ در آب و رنگ رخسارش چه خون خوردیم و جان دادیم
چو نقشش دست داد اوّل رقم بر جانسپاران زد

۸ منش با خرقهٔ پشمین چگونه در کمند آرم
زره موئی که مژگانش ره خنجرگزاران زد

۹ نظر بر قرعهٔ توفیق و یمن دولت شاه است
بده کام دل حافظ که فال بختیاران زد

۱۰ شهنشاه مظفّر فر شجاع ملک و دین منصور
که جود بی دریغش خنده بر ابر بهاران زد

۱۱ ازان ساعت که جام می به دست او مشرّف شد
زمانه ساغر شادی به یاد میگساران زد

۱۲ ز شمشیر سرافشانش ظفر آنروز بدرخشید
که چون خورشید انجم سوز تنها بر هزاران زد

۱۳ دوام عمر و ملک او بخواه از لطف حق ای دل
که چرخ این سکهٔ دولت بدور روزگاران زد

ب،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ **ل.** با ترتیب متن نسخه‌های **ب،ی،م** سه بیت‌آخر را ندارند، در نسخهٔ **ط** بیت‌های ۳ و ۴ مقدم و مؤخر است و سه بیت آخر را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ط: چو پیش ازصبح **ی:** که‌خاك مهرگردون * **ب،ی،ك:** خندهٔخوش **ط:** برعروس کامکاران

۳ـ * ل: گره بگشود از ابرو

۴ـ م: من از زنگ صلاح **ل:** آندم بخون * **ب،ك،م:** کـه چشم باد پیمایش **ط:** که یاد چشم بیمارش صلا

۵ـ ی: کدام‌آیین دلش * **ط:** که اول شب برون‌آمد

۶ـ ط: خیالش شهسواری **ی:** پخت وشد حالی دل **م:** پخت وخون شد این دل **ط:** شد جای دل

۷ـ ب،ل: چه جان دادیم وخون خوردیم **ط:** چو خون خوردیم

۸ـ ط،ل: پشمین کجا اندرکمندآرم **ك:** پشمین کجا اندر نظرآریم * **ك:** زره موئی که زنجیرش **ب:** ره‌خنجر گذاران زد

۹ـ ط: قرعهٔ اقبال **ط،م،ی:** دولت شاهیست

۱۰ـ ك: شجاع شیردل‌منصور * **ط:** که جودش‌هرنفس خنده بر ابرنوبهاران‌زد

۱۱ـ ك: دران ساعت

۱۵۰

۱ راهی بزن که آهی بر ساز آن توان زد
شعری بخوان که با او رطل گران توان زد

۲ بر آستان جانان گر سر توان نهادن
گلبانگ سربلندی بر آسمان توان زد

۳ قدّ خمیدهٔ ما سهلت نماید امّا
بر چشم دشمنان تیر از این کمان توان زد

۴ در خانقه نگنجد اسرار عشق‌بازی
جام می مغانه هم با مغان توان زد

۵ درویش را نباشد نزل سرای سلطان
مائیم و کهنه دلقی کاتش دران توان زد

۶ اهل نظر دو عالم در یک نظر ببازند
عشق است و داو اوّل بر نقد جان توان زد

۷ گر دولت وصالش خواهد دری گشودن
سرها بدین تخیّل بر آستان توان زد

۸ عشق و شباب و رندی مجموعهٔ مراد است
چون جمع شد معانی، گوی بیان توان زد

۹ شد رهزن سلامت زلف تو وین عجب نیست
گر راهزن تو باشی صد کاروان توان زد

۱۰ حافظ به حقّ قرآن کز شید و زرق بازای
باشد که گوی عیشی در این جهان توان زد

ب،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ل. با ترتیب متن نسخهٔ ز بیت ۶ ونسخهٔ ح بیت ۳ و نسخهٔ ك بیت‌های ۳ و ۸ را ندارد، نسخه‌های ی،م بعد ازبیت ۹ بیت زیر را افزوده‌اند:

بر عزم کامرانی فالی بزن چه دانی یمکن که‌گوی فرصت در آن میان‌توان زد

که درنسخهٔ ی «ممکن که‌گوی» آمده است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ م: با سازآن * ح،ط: که باآن رطل

۳ــ * ز: دشمنان را تیر ازکمان م: ازآن کمان

۵ــ ط: درویش را باشد ط،ك،ل: برگ سرای سلطان

۶ــ ك،م: دریك نظر نیارند

۷ــ ط،ل: گر دولت وصالت * ط: درین تخیل ی: بدین تجلی

۹ــ ب: شد ره زن ملامت م: وین عجب نی * ز: گر راه رو توباشی

ط: چون راهزن توباشی برکاروان

۱۰ــ ك: بسازآ * ی،ك: گوی عشقی ز،ح،ط: در این میان

ك،م: دران میان

۱۵۱

۱ اگر روم ز پی‌اش فتنه‌ها برانگیزد
ور از طلب بنشینم به کینه برخیزد

۲ وگر به رهگذری یک دم از هواداری
چو گرد در پی‌اش افتم چو باد بگریزد

۳ وگر کنم طلب نیم بوسه صد افسوس
ز حقّهٔ دهنش چون شکر فرو ریزد

۴ من آن فریب که در نرگس تو می‌بینم
بس آبروی که با خاک ره برآمیزد

۵ فراز و شیب بیابان عشق دام بلاست
کجاست شیردلی کز بلا نپرهیزد

۶ تو عمر خواه و صبوری که چرخ شعبده باز
هزار بازی ازین طرفه‌تر برانگیزد

۷ بر آستانهٔ تسلیم سر بنه حافظ
که گر ستیزه کنی روزگار بستیزد

ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ج،د،ز،ی،ك،ل.** با ترتیب متن نسخهٔ **ه** بیت ۶ را ندارد، درنسخهٔ **ح** بیت‌های ۲ و ۳ و درنسخهٔ **ط** بیت‌های ۴ و۵ مقدم ومؤخر است.

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ج: وگر بره‌گذرم یکدم از هـواخواهی **ز:** بره‌گذری از ره **هواداری**
ی،ك،ل: یکدم از وفاداری * **ك:** چو باد برخیزد

۳ـ ط: اگر کنم طلب **ب،ه:** وگرکنم طمع **ج:** طلب بوسهٔ بصدافسوس

۴ـ ب: من ازفریب **ج،د:** که درتـرکش تومی‌بینم **ز:** کـه درغمزهٔ تو
می‌بینم * **ج:** که برخاك ره **د:** بیامیزد

۵ـ ط: راه بلاست * **ب:** کز بلا بپرهیزد

۶ـ ب: توعمر خواه وصبوحی * **ج،ز:** ازین خوبتر برانگیزد

۷ـ * ه: که گر ستیزکنی **ك:** روزگار نستیزد

۱۵۲

۱ به حسن خلق و وفا کس به یار ما نرسد
ترا درین سخن انکار کار ما نرسد

۲ اگر چه حسن فروشان به جلوه آمده‌اند
کسی به حسن و ملاحت به یار ما نرسد

۳ به حقّ صحبت دیرین که هیچ محرم راز
به یار یک جهت حق گزار ما نرسد

۴ هزار نقد به بازار کاینات آرند
یکی به سکّهٔ صاحب عیار ما نرسد

۵ هزار نقش براید ز کلک صنع و یکی
به دلپذیری نقش نگار ما نرسد

۶ دریغ قافلهٔ امن کانچنان رفتند
که گردشان به هوای دیار ما نرسد

۷ دلا ز طعن حسودان مرنج و واثق باش
که بد به خاطر امیّدوار ما نرسد

۸ چنان بزی که اگر خاک ره شوی کس را
غبار خاطری از رهگذار ما نرسد

۹ بسوخت حافظ و ترسم که شرح قصهٔ او
به سمع پادشه کامگار ما نرسد

ب،د،ه،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ب. با ترتیب متن نسخه‌های د،ط بیت ۸ را نـدارند و در نسخه‌هـای د،ح،ط،ك،ل بیت‌های ۴ و ۵ مقدم و مـؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگـر چنین است:

ه: ۱،۲،۳،۵،۶،۴،۷،۸،۹

ی،م: ۱،۲،۳،۴،۷،۵،۶،۸،۹

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ط،ك: بحسن وخلق وفا

۲ـ * ط،ك،م: کسی بلطف وملاحت

۵ـ ط: هزارنقش برآمد ب،ه: زکلك صنع ولی * ی: بدلربایی‌نقش

۶ـ ح،ل: قافلهٔ عمرکانچنان ط: آنچنان * د: بغبار دیارما

۷ـ ح،ط،ك،م: زخبث حسودان ل: ز رنج حسودان د،م: ایمن‌باش

۹ـ ب،ه،ط،ی،ك: شرح غصهٔ او

۱۵۳

۱ هر کـه را بـا خـط سبزت سر سودا بـاشد
پـای از دایـره بـیرون نـنهد تـا بـاشد
۲ من چـو از خـاک لحـد لاله صفـت بـرخیزم
داغ سودای تـوام سرّ سویـدا بـاشد
۳ تـو خـود ای گـوهر یکدانـه کـجائی آخـر
کـز غمت دیـدهٔ مـردم همه دریـا بـاشد
۴ از بـن هر مـژه‌ام آب روان است بـیا
اگـرت مـیل لب جـوی و تـماشا بـاشد
۵ چون دل مـن دمـی از پـرده بـرون آی و درای
کـه دگـر بـاره مـلاقات نـه پـیدا بـاشد
۶ ظـلّ مـمدود خـم زلف تـوام بـر سر بـاد
کـاندرین سایـه قـرار دل شیدا بـاشد
۷ چشمت از نـاز بـه حـافظ نکند مـیل آری
سرگـرانی صفـت نـرگس رعنا بـاشد

ب،ه،ز،ح،ط،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ه،ز،ل.** ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:
ح،ط،ك: ۱،۲،۳،۶،۴،۵،۷
م: ۱،۴،۳،۶،۵،۲،۷

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ب: برخط سبزت **ط:** سروسودا باشد * **ح،ك،ل،م:** پای ازین دایره **ط:** پا ازین دابره
۲ـ ز: من خود از **ح،ك:** نعره زنان برخیزم * **م:** مهرسویدا
۳ـ ط: تا کی ای گوهریکدانه روا خواهی داشت **ط:** کزخیال تومرا دیده چو دریا باشد
۴ـ ح،ط،ك: دربن هرمژه‌ام **ب،ه،م:** آب روانیست بیا **ط:** آب روانیست مرا * **ب:** لب جوو تماشا
۵ـ ل: چون‌گل ومی دمی **ل:** درا * **ط:** که دگربارملاقات توپیداباشد
۶ـ ح،ك: سر زلف * **ك:** کاندران
۷ـ ه،ط،ك: چشمت اربازبحافظ **ط:** نکند میل چه شد

۱۵۴

۱ من و انکار شراب این چه حکایت باشد
غالبا این قدرم عقل و کفایت باشد
۲ من که شبها ره تقوی زده‌ام با دف و چنگ
این زمان سر به ره آرم چه حکایت باشد
۳ زاهد ار راه به رندی نبرد معذورست
عشق کاریست که موقوف هدایت باشد
۴ بندهٔ پیر مغانم که ز جهلم برهاند
پیر ما هر چه کند عین ولایت باشد
۵ تا به غایت ره میخانه نمی‌دانستم
ورنه مستوری ما تا به چه غایت باشد
۶ زاهد و عجب و نماز و من و مستی و نیاز
تا ترا خود ز میان با که عنایت باشد
۷ دوش ازین غصّه نخفتم که حکیمی می‌گفت
حافظ ار مست بود جای شکایت باشد

ب،ج،ه،ز،ح،ط،ی،ک،ل،م،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ه،ز،ط،ک،م. با ترتیب متن نسخهٔ ح بیت ۵ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ج،ی،ل: ۱،۵،۶،۳،۲،۴،۷

ن: ۱،۵،۶،۳،۲،۷ بیت ۴ ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۲ــ ج،ی،م: بادف ونی *** ج،ه،ز،ی،ک:** ناگهان سر بره آرم

۳ــ ی: برندی نبرد با کی‌نیست *** ح:** عشق راهیست **ک:** عشق‌چیزیست

۴ــ * ل: عین عنایت باشد

۵ــ *ی،ن: مستوری من

۶ــ ط: عجب نماز ومن **ج:** من و رندی ونیاز *** ب:** تا خدا را زمیان

۷ــ ج،ه،ل: که فقیهی می‌گفت **ل:** که رفیقی می‌گفت

*** ج:** حافظ ازباده خورد **ی:** حافظ گر ازین دست خورد **ک:** مست‌شود

۱۵۵

۱ نقد صوفی نه همه صافی بی‌غش باشد
ای بسا خرقه که شایستهٔ آتش باشد

۲ صوفی ما که ز ورد سحری مست شدی
شامگاهش نگران باش که سرخوش باشد

۳ خوش بود گر محک تجربه آید به میان
تا سیه روی شود هر که درو غش باشد

۴ نازپرورد تنعّم نبرد راه به دوست
عاشقی شیوهٔ رندان بلاکش باشد

۵ غم دنییِّ دنی چند خوری باده بخواه
حیف باشد دل دانا که مشوّش باشد

۶ خط ساقی گر ازین گونه زند نقش بر آب
ای بسا رخ که به خونابه منقّش باشد

۷ دلق و سجّادهٔ حافظ ببرد باده فروش
گر شراب از کف آن ساقی مهوش باشد

ب،ج،د،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ج،ح،ط،ی. با ترتیب متن در نسخهٔ **ب** بیت‌های ۲ و ۳ و درنسخه‌های **ك،م** بیت‌های ۵ و ۶ مقدم ومؤخر است. ترتیب‌نسخه‌های دیگرچنین‌است:
د،ز،ل: ۷،۵،۴،۶،۳،۲،۱

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ ج: نقد صافی نه همه **ب،د،ح،ی،م:** صافی وبیغش *** ح،ل:** که مستوجب‌آتش باشد

۵ــ ی: غم دنیای دنی **ز،ح،ط،ی،ل:** باده بخور **ك:** باده بنوش
*** ج:** ای بسا رخ‌که بخونابه مشوش باشد

۶ــ ح: ساقی که ازین **د،ط،ك،م:** گرازین دست زند *** ج:** حیف‌باشد دل داناکه مشوش باشد **م:** ای بسا دل‌که

۷ــ ط: نبرد باده فروش *** ج،ط:** که شراب **ل:** گرشرابش زکف ساقی مهوش باشد

۱۵۶

۱ خوش است خلوت اگر یـار یـار مـن بـاشد
نـه مـن بسوزم و او شمع انـجمن بـاشد

۲ مـن آن نگین سلیمان بـه هیچ نستانـم
کـه گـاه گـاه بـر او دست اهرمـن بـاشد

۳ روا مـدار خـدایا کـه در حـریم وصال
رقـیب مـحرم و حـرمان نصیب مـن بـاشد

۴ همای گـو مـفکن سایـهٔ شرف هرگـز
بـران دیـار کـه طـوطی کـم از زغن بـاشد

۵ بـیان شوق چـه حـاجت کـه حـال آتش دل
تـوان شناخـت ز سوزی کـه در سخـن بـاشد

۶ هوای کـوی تـو از سر نـمی‌رود آری
غریـب را دل سرگشته بـا وطـن بـاشد

۷ بسان سوسن اگـر ده زبـان شود حـافظ
چـو غنچه پیش تـواش مـهر بـر دهن بـاشد

ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با همهٔ نسخه‌های فوق، اما نسخهٔ **ه** بیت ۲ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ح،ی: نه‌من بمیرم واو

۲ـ * ه،ز: بدو دست اهرمن

۳ـ ه: که با حریم

۴ـ * ج،ز،ح،ل: درآن دیار **د،ی،ك،م،ن:** بدان دیار

۵ـ ز: بیان شوق چه باشد **ج،ل،ن:** کـه سوز آتش دل **ح،ك:** که آتش دلـرا **ط:** کـه شرح آتش دل ***ح:** بسوزی کـه **ن:** ز ذوقی **ك:** که در دهن باشد

۶ـ ج،د،ط،ی،ن: نمی‌رود ما را ***ج:** دل برگشته

۱۵۷

۱ کی شعر خوش انگیزد خاطر که حزین باشد
یک نکته ازین دفتر گفتیم و همین باشد

۲ از لعل تو گر یابم انگشتری زنهار
صد ملک سلیمانم در زیر نگین باشد

۳ غمناک نباید بود از طعن حسود ای دل
شاید که چو وابینی خیر تو درین باشد

۴ هر کاو نکند فهمی زین کلک خیال‌انگیز
نقشش به حرام ار خود صورتگر چین باشد

۵ جام می و خون دل هر یک به کسی دادند
در دایرهٔ قسمت اوضاع چنین باشد

۶ در کار گلاب و گل حکم ازلی این بود
کاین شاهد بازاری وان پرده‌نشین باشد

۷ آن نیست که حافظ را رندی بشد از خاطر
کان سابقهٔ پیشین تا روز پسین باشد

ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق‌است با همهٔ نسخه‌های فوق.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ د،ه،ز،ی،ل،م: کی شعر تر انگیزد * د،ط،ل: ازین معنی
۳ـ ز: غمناك نشاید بود * ز: خیر تو دران باشد
۴ـ ج: زان‌کلك ح،ك: زین فکر خیال‌انگیز * ط: نقشش نخرم‌گر‌خود
۵ـ د،ه،ط: هریك یکی دادند
۶ـ ی: دراصل گلاب و گل ج: حکم‌ازپی این‌باشد * ج،ز،ح،ی،ك: کان شاهد بازاری م: کوشاهد بازاری ج،ح،ك،م: وین پرده‌نشین‌باشد د: وین خانه نشین باشد ز: وین‌گوشه نشین باشد
۷ـ ح،ی،م: این نیست * ه: کین سابقهٔ پیشین ط: این سابقهٔ پیشین ل: کاین سابقهٔ پیشین

۱۵۸

۱ خوش آمد گل و زان خوشتر نباشد
که در دستت بجز ساغر نباشد

۲ زمان خوشدلی دریاب و دریاب
که دایم در صدف گوهر نباشد

۳ غنیمت دان و می خور در گلستان
که گل تا هفتهٔ دیگر نباشد

۴ ایا پر لعل کرده جام زرّین
ببخشا بر کسی کش زر نباشد

۵ بیا ای شیخ و در خمخانهٔ ما
شرابی خور که در کوثر نباشد

۶ بشوی اوراق اگر همدرس مائی
که علم عشق در دفتر نباشد

۷ ز من بنیوش و دل در شاهدی بند
که حسنش بستهٔ زیور نباشد

۸ شرابی بی‌خمارم بخش یا رب
که با وی هیچ درد سر نباشد

۹ کسی گیرد خطا بر نظم حافظ
که هیچش لطف در گوهر نباشد

۱۰ من از جان بندهٔ سلطان اویسم
اگر چه یادش از چاکر نباشد

۱۱ به تاج عالم آرایش که خورشید
چنین زیبندهٔ افسر نباشد

ب،هـ،ز،ح،ط،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،م. با ترتیب متن نسخهٔ هـ بیت‌های ۱۰ و ۱۱ و نسخهٔ ز بیت ۱۱ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ح: ۱،۲،۳، +،۴،۷،۵،۶،۸،۹،۱۰،۱۱

ط: ۱،۲،۳،۶،۵،*،۹ — بیت‌های ۴ و ۷ و ۸ و ۱۰ و ۱۱ را ندارد

ك: ۱،۲،۳، +،۷،۴،۵،۶،۸،۹،۱۰،۱۱

ل: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۱۰،۱۱،۹

+ عجب راهیست راه عشق کانجا — کسی سر بـر کند کش سر نباشد

* بنامیـزد بت سیمین تنـم هست — کـه در بتخانـه آزر نباشد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * م: که در دستش بجز

۲ـ * ز: دریاب دریاب

۴ـ ح: جام نوشین — ك: جان شیرین

۵ـ ب: شیخ در — ح،ط،ل: شیخ واز — ط،ك: میخانهٔ ما

۶ـ ز: بشو اوراق — * م: عشق را دفتر

۱۵۹

۱ گل بی رخ یار خوش نباشد
بی باده بهار خوش نباشد
۲ طرف چمن و طواف بستان
بی لاله عذار خوش نباشد
۳ رقصیدن سرو و حالت گل
بی صوت هزار خوش نباشد
۴ با یار شکرلب خوش اندام
بی بوس و کنار خوش نباشد
۵ باغ گل و مل خوش است لیکن
بی صحبت یار خوش نباشد
۶ هر نقش که دست عقل بندد
جز نقش نگار خوش نباشد
۷ جان نقد محقّرست حافظ
از بهر نثار خوش نباشد

ب،هـ،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌هـــای ب،هـ،ز،ح،ی،ك. با تـــرتیب متن نسخهٔ ط فقط دو بیت اول را دارد و نسخه‌های ل،م بیت ۵ را ندارند.

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ هـ: هوای بستان
۴ـ هـ: بی‌یار شکرلب
۵ـ ب،ح،ی،ك: باغ و گل ومل
۷ـ * ز: جز بهرنثار

١٦٠

١ نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد
عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد

٢ ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد
چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد

٣ این تطاول که کشید از غم هجران بلبل
تا سراپردهٔ گل نعره زنان خواهد شد

۴ گر ز مسجد به خرابات شدم خرده مگیر
مجلس وعظ درازست و زمان خواهد شد

۵ ای دل ار عشرت امروز به فردا فکنی
مایهٔ نقد بقا را که ضمان خواهد شد

۶ ماه شعبان مده از دست قدح کاین خورشید
از نظر تا شب عید رمضان خواهد شد

٧ گل عزیزست غنیمت شمریدش صحبت
که به باغ آمد ازین راه و ازان خواهد شد

٨ مطربا مجلس انس است غزل خوان و سرود
چند گوئی که چنین رفت و چنان خواهد شد

٩ حافظ از بهر تو آمد سوی اقلیم وجود
قدمی نه به وداعش که روان خواهد شد

ب،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **د،ز،ی،ل،م.** با ترتیب متن نسخهٔ **ب** بیت ۸، نسخهٔ **ه** بیت‌های ۶ و ۷ و نسخهٔ **ط** بیت ۹ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ح: ۱، ۳، ۲، ۴، ۵، ۷، ۸، ۶، ۹

ك: ۱، ۳، ۴، ۵، ۷، ۶، ۸، ۹ — بیت ۲ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ح: دگربار

۳ـ ح: آن تطاول — **ط:** آن تظلم که کشید — **ی:** از غم او چون بلبل

۴ـ ی: بخرابات شدم نعره زنان

۵ـ م: بفردا فگنم

۶ـ د،ح،ك،ل: ماه شعبان منه از دست — **ط،ی:** ماه شعبان قدح از دست منه

م: ماه شعبان قدح از دست مده

۷ـ ب،د،ی،م: گل عزیزست وغنیمت

۸ـ ط: حافظا مجلس انسست — **ی:** انس است وغزل

۹ـ د،ه،ز: آمد براقلیم وجود

۱۶۱

۱ مرا مهر سیه چشمان ز سر بیرون نخواهد شد
قضای آسمان است این و دیگرگون نخواهد شد

۲ رقیب آزارها فرمود و جای آشتی نگذاشت
مگر آه سحرخیزان سوی گردون نخواهد شد

۳ مرا روز ازل کاری بجز رندی نفرمودند
هران قسمت که‌آنجا رفت ازان‌افزون نخواهد شد

۴ خدا را محتسب ما را به فریاد دف و نی بخش
که ساز شرع ازین افسانه بی قانون نخواهد شد

۵ شراب لعل و جای امن و یار مهربان ساقی
دلا کی به شود کارت اگر اکنون نخواهد شد

۶ مجال من همین باشد که پنهان مهر او ورزم
کنار و بوس و آغوشش چه گویم چون نخواهد شد

۷ مشوی ای دیده نقش غم ز لوح سینهٔ حافظ
که زخم تیغ دلدار است و رنگ خون نخواهد شد

الف،ب،ج،د،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است بانسخه‌های **الف،ب،د،ز،م**. با ترتیب متن درنسخه‌های **ح،ط،ك** بیت‌های ۴ و ۵ و درنسخهٔ **ل** بیت‌هـای ۵ و ۶ مقدم ومؤخر است. تـرتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ج: ۱،۲،۶،۳،+،۵،۷ بیت ۴ را ندارد وبعد ازبیت۳بیت زیر را افزوده است

+ بیا تا در صـف رندان بانگ چنگ مـی نوشیم
که کارعشق روشن شد که پنهان را نخواهد شد

ی: ۱،۲،۶،۳،۵،۷ بیت ۴ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ج: ز دل بیرون

۲ـ ح،ی،ك: رقیب ازار ما فرمود و

۳ـ الف: بما روز ازل * **ط:** که رفت‌آنجا دگر افزون **ك:** که شدانجا بران افزون **ز،م:** که آنجا رفت دیگر گون

۴ـ ح،ط،ك: نصیحت‌کم کن و ما را بفریاد **ح:** دف و نی کش **م:** دف و نی رس * **د:** که ساز عشق ازین اسباب **ح،ك:** که کار ما ازین توحید بی‌قانون **ط:** که کار ما ازین توحید با قانون

۶ـ ج،د،ی،م: همان باشد **ك:** چنین باشد **د،ل:** عشق او ورزم * **د،ح،ط:** حدیث بوس‌و **ج:** بوس اغوشش

۷ـ ب: بشوی ای دیده **ج،ز،ح،ك،م:** مشو ای دیده **ی:** مشوی ازدیده **الف:** اوح‌غم زنقش دیدهٔ حافظ **ج:** دیدهٔ حافظ **ط،ی:** چهرهٔ حافظ * **الف:** خون دلدارست و دیگر گون **ج،ی:** دلدارست ونقش‌خون

۱٦۲

۱ روز هجران و شب فرقت یار آخر شد
زدم این فال و گذشت اختر و کار آخر شد

۲ آن همه ناز و تنعّم که خزان می‌فرمود
عاقبت در قدم باد بهار آخر شد

۳ شکر ایزد که به اقبال کله گوشهٔ گل
نخوت باد دی و شوکت خار آخر شد

۴ صبح امید که شد معتکف پردهٔ غیب
گو برون آی که کار شب تار آخر شد

۵ آن پریشانی شبهای دراز از غم دل
همه در سایهٔ گیسوی نگار آخر شد

۶ باورم نیست ز بد عهدی ایّام هنوز
قصّهٔ غصّه که در دولت یار آخر شد

۷ ساقیا لطف نمودی قدحت پر می باد
که به تدبیر تو تشویش خمار آخر شد

۸ در شمار ار چه نیاورد کسی حافظ را
شکر کان غصّهٔ بی حدّ و شمار آخر شد

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ل،م**. با ترتیب متن نسخهٔ **ه** بیت ۴ ونسخهٔ **ی** بیت ۵ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ز: ۱،۲،۳،۵،۶،۷،۸،۴

ح: ۱،۲،۵،۴،۳،۶،۸ بیت ۷ را ندارد

ط: ۱،۲،۴،۳،۶،۷،۸ بیت ۵ را ندارد

ك: ۱،۲،۵،۴،۳،۷،۶ بیت ۸ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ **ح،ك:** غم فرقت

۲ــ **ه،ز:** این همه ناز **ی:** برمن آن ناز * **ط:** همه درمقدم سلطان بهار

۳ــ **ح،ك:** شکر ایزدکه ببوی گل نوروزی باز * **ح،ك:** نکهت باد دی وشکوت خار

۴ــ **ح:** شمع امیدکه شد **ی،ل،م،ن:** که بد معتکف

۵ــ **ب:** تا پریشانی **م:** با پریشانی **ح،ك،ل،م:** دراز و غم دل

۶ــ **ب:** ایام وهنوز * **ط:** که از دولت

۷ــ **ط:** ساقیا عمر دراز وقدحت **ك:** ساقی بخت دل افروز بماناد مدام

* **ط:** که بسعی‌توم اندوه خمار **ك:** که به‌تیمار وی اندوه خمار

۸ــ * **ه:** شکرکان محنت بیرون ز شمار **ز،ط،ك،ل:** شکرکـان محنت بیحد وشمار **ح:** محنت اوکه فرون بد زشمار **م:** شکرکان غصهٔ بیرون زشمار

۱۶۳

۱ ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد
دل رمیدهٔ ما را رفیق و مونس شد

۲ نگار من که به مکتب نرفت و خط ننوشت
به غمزه مسئله آموز صد مدرّس شد

۳ به بوی او دل بیمار عاشقان چو صبا
فدای عارض نسرین و چشم نرگس شد

۴ به صدر مصطبه‌ام می‌نشاند اکنون دوست
گدای شهر نگه کن که میر مجلس شد

۵ طرب‌سرای محبّت کنون شود معمور
که طاق ابروی یار منش مهندس شد

۶ لب از ترشّح می پاک کن زبهر خدا
که خاطرم به هزاران گنه موسوس شد

۷ کرشمهٔ تو شرابی به عارفان پیمود
که علم بیخبر افتاد و عقل بیحس شد

۸ ز راه میکده یاران عنان بگردانید
چرا که حافظ ازین راه رفت و مفلس شد

۹ خیال آب خضر بست و جام کیخسرو
به جرعه‌نوشی سلطان ابوالفوارس شد

۱۰ چو زر عزیز وجود است نظم من، آری
قبول دولتیان کیمیای این مس شد

ب،ج،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

با ترتیب متن نسخهٔ **ب** بیت ۶ را دوبار پشت سرهم آورده وبیت ۹ را ندارد، نسخهٔ **ج** بیت‌های ۷ و ۹ و ۱۰، ونسخهٔ **ه** بیت‌های ۶ و ۹ و ۱۰ ونسخهٔ **ز** بیت‌های ۵ و ۹ و ۱۰ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ح: ۱،۲،۳،۶،۷،۱۰،۴،۵،۸،۹

ط: ۱،۲،۵،۷،۶،۴،۳،۹،۸ — بیت ۱۰ را ندارد

ی: ۱،۲،۳،۴،۹،۵،۶،۷،۸،۱۰

ك: ۱،۲،۳،۶،۴،۵،۸،۹ — بیت‌های ۷ و ۱۰ را ندارد

ل: ۱،۲،۳،۴،۹،۵،۶،۷،۱۰،۸

م: ۱،۲،۴،۹،۵،۳،۶،۷،۸،۱۰

اختلاف نسخه‌ها

۳ـ ی: دل شیدای عاشقان * **ح:** عارض ونسرین **ج:** چشم ونرگس‌شد

۴ـ ط: اکنون یار

۵ـ ح: مرا سرای محبت * **ب:** منش مؤسس شد **ك:** منش مقرنس‌شد

۶ـ ج: ز بهر خدای **ل،م:** برای خدا * **ب:** موسس شد

۷ـ ب،م: بعارفان بنمود **ه:** بعاشقان بنمود **ز،ح،ل:** بعاشقان پیمود

۸ـ ه: میکده واعظ عنان **ه،ك:** عنان مگردانید * **ه،ك:** ازین ره فتاد ومفلس شد

۹ـ ل: جام اسکندر

۱۶۴

۱ یاری اندر کس نمی‌بینیم یاران را چه شد
دوستی کی آخر آمد دوستداران را چه شد

۲ آب حیوان تیره‌گون شد خضر فرّخ پی کجاست
گل بگشت از رنگ خود باد بهاران را چه شد

۳ کس نمی‌گوید که یاری داشت حقّ دوستی
حق‌شناسان را چه حال افتاد یاران را چه شد

۴ شهرِ یاران بود و خاک مهربانان این دیار
مهربانی کی سرآمد شهریاران را چه شد

۵ لعلی از کان مروّت برنیامد سالهاست
تابش خورشید و سعی باد و باران را چه شد

۶ گوی توفیق و کرامت در میان افگنده‌اند
کس به‌میدان در نمی‌آید سواران را چه شد

۷ صد هزاران گل شکفت و بانگ مرغی برنخاست
عندلیبان را چه پیش آمد هزاران را چه شد

۸ زهره سازی خوش نمی‌سازد مگر عودش بسوخت
کس ندارد ذوق مستی میگساران را چه شد

۹ حافظ اسرار الهی کس نمی‌داند خموش
از که می‌پرسی که دور روزگاران را چه شد

ب،ز،ح،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ **ب**. با ترتیب متن درنسخه‌های **ح،ك،ل** بیت‌های ۴ و ۵ و درنسخهٔ **م** بیت‌های ۷ و ۸ مقدم ومؤخر است، نسخهٔ **ز** بیت ۳ ونسخهٔ **ی** بیت ۴ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ *ی: دوستی را آخر آمد

۲ـ * ب،ل: خون چکید ازشاخ گل باد **ز:** حق شناسان را چه حال افتاد و یاران را **ی:** گل نگشت از رنگ خود

۳ـ *ب،ح،ی،ك: چه‌کار افتاد **ب،ی،ك:** افتاد ویاران را

۴ـ ح،ك: خاك مهرورزان ***ك:** کرسر آمد

۵ـ ی: بر نیاید سالها

۶ـ ز،ك: کوی‌توفیق‌کرامت **م:** درمیانست ای عجب

۷ـ ح: بانگ نایی

۸ـ ی: زهره عودی خوش **م:** مکر کردون بسوخت

۹ـ ی: حافظ از سر الهی

۱۶۵

۱ حافظ خلوت‌نشین دوش به‌میخانه شد
از سر پیمان برفت با سر پیمانه شد

۲ شاهد عهد شباب آمده بودش به خواب
باز به پیرانه سر عاشق و دیوانه شد

۳ صوفی مجنون که دی جام و قدح می‌شکست
زود به یک جرعه می عاقل و فرزانه شد

۴ مغبچه‌ای می‌گذشت راهزن دین و دل
در پی آن آشنا از همه بیگانه شد

۵ آتش رخسار گل خرمن بلبل بسوخت
چهرهٔ خندان شمع آفت پروانه شد

۶ گریهٔ شام و سحر شکر که ضایع نگشت
قطرهٔ باران ما گوهر یکدانه شد

۷ نرگس ساقی بخواند آیت افسونگری
حلقهٔ اوراد ما مجلس افسانه شد

۸ منزل حافظ کنون بارگه پادشاست
دل سوی دلدار رفت جان بر جانانه شد

ب،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ك. با ترتیب متن نسخه‌های ب،د،ه،ط بیت ۳ ونسخهٔ ح بیت ۷ را ندارد، درنسخهٔ ل بیت‌های ۲ و۳، درنسخهٔ ی بیت‌های ۴ و ۵ و درنسخهٔ م بیت‌های ۵ و ۶ مقدم ومؤخر است. ترتیب نسخهٔ ز چنین است:

۱،۲،۴،۵،۶،۳،۸ بیت ۷ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ ح،ك،م: حافظ مسجد نشین ل: زاهد خلوت نشین * ك: از سر پیمان‌گذشت

۲ــ ط: شاهد وشمع وشراب‌آمده بودش * ح: عاقل وفرزانه ك: عاشق‌دیوانه

۳ــ ل: صوفی مجلس * ز،ی،م: دوش بیك جرعه می ك: زود بیك جام می ل: بازبیك جرعه می ی: سرخوش وفرزانه شد

۴ــ * ح: ازپی اوآشنا

۶ــ ز،ط،م: که ضایع نشد * ح: حلقهٔ اوراد ما مجلس افسانه شد

۷ــ * ك: حلقهٔ اوراد ذکر

۸ــ د،ه،ی: مجلس حافظ د،ه،ط،ی،م: بزمگه پادشاست * د،ح،ك،ل: دل بر دلدار رفت ط: جان سوی جانانه شد

١٦٦

۱ گداخت جان که شود کار دل تمام و نشد
بسوختیم درین آرزوی خام و نشد

۲ فغان که در طلب گنجنامهٔ مقصود
شدم خراب جهانی ز غم تمام و نشد

۳ دریغ و درد که درجست و جوی گنج حضور
بسی شدم به گدائی بر کرام و نشد

۴ به لابه گفت شبی میر مجلس تو شوم
شدم به رغبت خویشش کمین غلام و نشد

۵ پیام داد که خواهم نشست با رندان
بشد به رندی و دردی‌کشیم نام و نشد

۶ دران هوس که به مستی ببوسم آن لب لعل
چه خون که در دلم افتاد همچو جام و نشد

۷ به کوی عشق منه بی‌دلیل راه قدم
که من به خویش نمودم صد اهتمام و نشد

۸ هزار حیله برانگیخت حافظ از سر مکر
دران هوس که شود آن نگار رام و نشد

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ه،ز،ك،م**. با ترتیب متن نسخهٔ **ط** بیت‌های ۲ و ۳ را ندارد ودرنسخه‌های **ح،ی** بیت‌های ۲ و۳مقدم ومؤخراست. ترتیب‌نسخهٔ **ل** چنین‌است:

۱،۴،۵،+،۶،۷،۲،۳،۸ بعد ازبیت ۵ بیت زیر را افزوده است:

+ رواست دربر اگــر می‌طپدکبوتــر دل
که دیده در ره خود تاب وپیچ دام و نشد

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ *ح: خراب وجهانی

۳ـ ه: جستجوی **ط:** نقد حضور

۴ـ * ح: شدم بمجلس خوبش‌کمین **ط:** بشد بهرندی و دردی‌کشیم نام ونشد

ك: شدم بمجلس خویشش‌کمین

۵ـ ب: بآن خیال‌که خواهم نشست

۶ـ ه،ز،ح،ك،ل: بدان هوس‌که بمستی **ی،م:** بدان طمع‌که بمستی

ك: که ببوسم بمستی‌آن

۷ـ * ك: نه من بخویش بکردم صذ اهتمام ونشد

۸ـ ی،ل: حافظ از سر فکر ***ح:** بـدان هوس کـه شود **ط:** بـدان طرف که شود **ك:** بدان طمع که شود **ط:** آن حریم رام نشد

۱٦٧

۱ دوش از جناب آصف پیک بشارت آمد
کز حضرت سلیمان عشرت اشارت آمد

۲ خاک وجود ما را از آب باده گل کن
ویران سرای دل را گاه عمارت آمد

۳ عیبم بپوش زنهار ای خرقهٔ می آلود
کان پاک دامن اینجا بهر زیارت آمد

۴ این شرح بی‌نهایت کز حسن یار گفتند
حرفیست از هزاران کاندر عبارت آمد

۵ امروز جای هر کس پیدا شود ز خوبان
کان ماه مجلس افروز اندر صدارت آمد

۶ بر تخت جم که تاجش معراج آفتاب است
همّت نگر که موری با این حقارت آمد

۷ از چشم شوخش ای دل ایمان خود نگهدار
کان جادوی کمانکش بر عزم غارت آمد

۸ آلوده‌ای چو حافظ فیضی ز شاه درخواه
کان عنصر سماحت بهر طهارت آمد

۹ دریاست مجلس او دریاب وقت دریاب
هان ای زیان کشیده وقت تجارت آمد

ب،ج،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ح،ط،ی،ك. با ترتیب متن نسخهٔ ج بیت ۹ ونسخهٔ م بیت‌های ۷ و ۸ را ندارد، درنسخهٔ ل بیت‌های ۳ و ۴ مقدم ومؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ب،ه: ۱،۲،۴،۶،۷،۵،۸ بیت‌های ۳ و ۹ را ندارند

ز: ۱،۴،۶،۷،۵،۸ بیت‌های۲ و۳ و۹ را ندارند

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ *ب،ه،ز،ی،م: عشرت حوالت‌آمد

۲ـ ط: کلی وجود ما را ح،ط،ك،ل: از آب دیده‌گل کن

۳ـ ی،م: زین خرقهٔ * ح،ك،ل: کان پاك پاك‌دامن بهرزیارت‌آمد ط،م: پاك دامن آنجا ج: بهرطهارت‌آمد

۴ـ ج: کرپیش یارگفتند ط،ك: کزعشق یارگفتند ی: کز حسن باز گفتند ل: کز زلف یارگفتند * ك،م: حرفیست کز هزاران

۵ـ ه،ی: امروزجای خوبان پیدا شود ز هرکس ح،ك: پیدا شود ز خوبی * ج: کان شمع مجلس افروز م: کاندر صدارت‌آمد

۶ـ ب،ه،ز: که جامش معراج ط: که نامش معراج‌آسمانست ج،ل: معراج آسمانست * ط،ل: که موری با آن

۷ـ ز: ازچشم مستش

۸ـ ح،ط،ی،ك،ل: آلودهٔ توحافظ * ج: هان ای زبان‌کشیده‌گاه‌تجارت‌آمد

۹ـ ح،ی،م: دریاب مجلس او ح،ل: وقت ودریاب * ل: هان ای‌زبان رسیده

۱٦۸

۱ عشق تو نهال حیرت آمد
وصل تو کمال حیرت آمد
۲ بس غرقهٔ حال وصل کاخر
هم با سر حال حیرت آمد
۳ نه وصل بمانَد و نه واصل
آنجا که خیال حیرت آمد
۴ یک دل بنما که در ره او
بر چهره نه خال حیرت آمد
۵ از هر طرفی که گوش کردم
آواز سؤال حیرت آمد
۶ سر تا قدم وجود حافظ
در عشق نهال حیرت آمد

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ **ب**. با ترتیب متن نسخه‌های **ه،ط،ی،ك** بیت ۳ را ندارند.
ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ز: ۱،۲،۴،۵،۳،۶
ل: ۱،۲،۴،۳،۵،+،۶
\+ شد منهزم از کمال عزت آنـرا که جلال حیرت‌آمد
م: ۱،۲،۴،۳،۵،۶

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ح: محال حیرت‌آمد **ط:** نهال عشرت‌آمد
۲ـ ك: بس غرقه جان **ط:** این غرقهٔ بحر وصل‌آخر * **ه:** وصف تو کمال حیرت‌آمد **ل:** هم بر سرحال
۴ـ ط: یك دم بنما * **ی:** برچهره نه حال **ك:** برچهره مجال
۵ـ ح: که گوش دارم
۶ـ ط: سر تا بقدم * **ح:** کمال حیرت‌آمد

۱۶۹

۱ در نمازم خم ابروی تو با یاد آمد
حالتی رفت که محراب به فریاد آمد

۲ از من اکنون طمع صبر و دل و هوش مدار
کان تحمّل که تو دیدی همه بر باد آمد

۳ باده صافی شد و مرغان چمن مست شدند
موسم عاشقی و کار به بنیاد آمد

۴ بوی بهبود ز اوضاع جهان می‌شنوم
شادی آورد گل و باد صبا شاد آمد

۵ ای عروس هنر از بخت شکایت منمای
حجلهٔ حسن بیارای که داماد آمد

۶ دلفریبان نباتی همه زیور بستند
دلبر ماست که با حسن خداداد آمد

۷ زیر بارند درختان که تعلّق دارند
ای خوشا سرو که از بار غم آزاد آمد

۸ مطرب از گفتهٔ حافظ غزلی مست بخوان
تا بگریم که ز عهد طربم یاد آمد

الف،ب،د،هـ،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق‌است با نسخه‌های **ب،د،ز،ی،ل،م**. با ترتیب متن نسخه‌های **ح،ك** بیت۳ ونسخهٔ **ط** بیت ۶ را ندارد. ترتیب نسخهٔ **الف** چنین‌است:

۱،۶،۲،۳،۴،۵،۷،۸

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ درهمهٔ نسخه‌ها «کان تحمل...» است، اما گمان من بر آن است که «تجمل» صحیح است وشاعراین کلمه را به‌همین معنی جای دیگر آورده: «عاشق مسکین چرا چندین تجمل بایدش»

۳ـ ط: مرغان چمن گرد شدند * **الف:** نوبت عاشقی وکار

۴ـ ح: بوی بهبودی از **ز:** ز اوضاع فلك **ح:** از اوضاع جهان می‌بینم **م:** از اوضاع فلك * **ب:** فرح‌آورد گل و

۵ـ ح: ای عروس خرد **ط:** ای عروس چمن **ح،ط،ل،م**. شکایت منما * **ط:** خلوت حسن

۷ـ ط: درختان که بزیر بارند * **ح:** که ازباغ غم

۸ـ الف: غزلی چند بخوان **ز:** غزلی خوش برخوان **ح:** غزلی تربرخوان **ط:** غزلی هست بخوان **ی:** غزلی تازه بخوان **ل:** غزلی نغز بخوان **م:** غزلی هست بگو * **ح،ط،ل،م:** تا بگویم

۱۷۰

۱ مژده ای دل که دگر باد صبا باز آمد
هدهد خوش خبر از طرف سبا باز آمد

۲ برکش ای مرغ سحر نغمهٔ داوودی باز
که سلیمان گل از باد هوا باز آمد

۳ لاله بوی می نوشین بشنید از دم صبح
داغ دل بود به امیّد دوا باز آمد

۴ عارفی کو که کند فهم زبان سوسن
تا بپرسد که چرا رفت و چرا باز آمد

۵ مردمی کرد و کرم بخت خداداد به من
کان بت سنگدل از راه وفا باز آمد

۶ چشم من در ره این قافلهٔ راه بماند
تا به گوش دلم آواز درا باز آمد

۷ گرچه حافظ در رنجش زد و پیمان بشکست
لطف او بین که به صلح از در ما باز آمد

ز،ح،ط،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ز،ح،ك،ط**، اما درسه نسخهٔ اول بیت ۶ و درنسخهٔ **ط** بیت ۵ نیست. ترتیب نسخهٔ **ل** چنین است:

۱،۲،۴،۵،۳،۶،۷

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ *ز،ط: ازطرف هوا

۳ـ ز: می نوشان بشنید   **ح،ك:** می دوشین بشنید   **ط:** دم نوششن بشنید
* **ز:** داغ دل باز   **ط:** بامید وفا

۴ـ * **ط:** یا بپرسد

۵ـ ل: لطف خداداد   ***ل:** کان بت ماه رخ   **ز،ح،ك:** از بهر خدا باز آمد

۶ـ ط: چشم من دربی آن قافله بس‌آب کشید   * **ط:** که بگوش

۷ـ ز: گرچه ما عهد شکستیم وگنه حافظ کرد   **ط:** گرچه ما عهد شکستیم گنه حافظ کرد   * **ل:** که بلطف از درما

۱۷۱

۱ صبا به تهنیت پیر می‌فروش آمد
که موسم طرب و عیش و ناز و نوش آمد

۲ هوا مسیح نفس گشت و خاک نافه‌گشای
درخت سبز شد و مرغ در خروش آمد

۳ تنور لاله چنان برفروخت باد بهار
که غنچه غرق عرق گشت و گل به جوش آمد

۴ به گوش هوش نیوش از من و به عشرت کوش
که این سخن سحر از هاتفم به گوش آمد

۵ ز مرغ صبح ندانم که سوسن آزاد
چه گوش کرد که با ده زبان خموش آمد

۶ ز فکر تفرقه بازای تا شوی مجموع
به حکم آن که چو شد اهرمن سروش آمد

۷ چه جای صحبت نامحرم است مجلس انس
سر پیاله بپوشان که خرقه‌پوش آمد

۸ ز خانقاه به میخانه می‌رود حافظ
مگر ز مستی زهد ریا به هوش آمد

الف،ب،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،د،ز،م**. با ترتیب متن درنسخهٔ **الف** بیت‌های ۳ و ۴، درنسخهٔ **ح** بیت‌های۴ و ۵، درنسخهٔ **ی** بیت‌های ۲ و۳ و درنسخهٔ **ل** بیت‌های ۵ و۶ مقدم ومؤخر است. نسخه‌های **ه،ك** بیت ۶ را ندارند. ترتیب نسخهٔ **ط** چنین است:

۱،۲،۴،۳،۷،۶،۸ بیت ۵ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ * **ط:** که موسم می ومعشوق ونای ونوش‌آمد **ك:** که موسم‌گل ونسرین ونای ونوش آمد **د:** عیش‌وناش ونوش‌آمد **ی:** عیش وباده نوش‌آمد

۲ــ **ط:** هوا عبیرفشانست وخاك عنبر بوست **ی،ل:** باد نافه‌گشای

۳ــ **الف:** نبود لاله **ط،ی:** بنور باده چنان **ك:** تنور باده **م:** هنوزلاله

۴ــ **الف،ب،د،ه،ی،م:** بکوش هوش بنوش **ط:** بکوش وهوش شنو ازمن‌و

۵ــ * **الف:** که گوش‌کرد

۶ــ **ط:** بگویمت سخنی خوش بیا وباده بیار * **ط:** که اهرمن شد و برجای او سروش‌آمد

۷ــ **ز:** نه جای صحبت **ط:** مه جای صحبت **ح:** خلوت انس

۸ــ * **الف:** زمستی اهل ریا **ز،م:** ز مستی زهد و ریا **ط:** ز مستی کبر ومنی بهوش

۱۷۲

۱ سحرم دولت بیدار به بالین آمد
گفت برخیز که آن خسرو شیرین آمد

۲ قدحی درکش و سرخوش به تماشا بخرام
تا ببینی که نگارت به چه آیین آمد

۳ مژدگانی بده ای خلوتی نافه‌گشای
که ز صحرای ختن آهوی مشکین آمد

۴ گریه آبی به رخ سوختگان بازآورد
ناله فریادرس عاشق مسکین آمد

۵ مرغ دل باز هوادار کمان ابروئیست
ای کبوتر نگران باش که شاهین آمد

۶ ساقیا می بده و غم مخور از دشمن و دوست
که به کام دل ما آن بشد و این آمد

۷ رسم بد عهدی ایّام چو دید ابر بهار
گریه‌اش بر سمن و سنبل و نسرین آمد

۸ چون صبا گفتهٔ حافظ بشنید از بلبل
عنبر افشان به تماشای ریاحین آمد

ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،د،ه،ز،ی،ل.** با ترتیب متن نسخهٔ **ج** بیت‌های ۵ و ۶ و ۷، نسخهٔ **ط** بیت ۴ و نسخهٔ **ك** بیت ۲ را ندارد، در نسخهٔ **ح** بیت‌هـای ۲ و ۳ مقدم و مؤخر است. ترتیب نسخهٔ **م** چنین است:

۱،۴،۲،۳،۵،۶،۷،۸

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ * ح: که نگارین
۳ـ * م: نافهٔ مشکین
۴ـ ك: گرچه آبی
۵ـ ب،ی،م: باز هواخواه
۶ـ ی: ساقیا باده ده وغم
۷ـ * ز،م: برسمن ولاله ونسرین
۸ـ ط: چوصبا

۱۷۳

۱ ای پستهٔ تـو خنده زده بـر حـدیث قـند
مشتاقـم از بـرای خـدا یک شکر بـخند

۲ خواهی کـه بـر نـخیزدت از دیـده رود خـون
دل در وفـای صحبت رود کسان مـبند

۳ طـوبی ز قـامت تـو نـیارد کـه دم زنـد
زیـن قصّه بگذرم کـه سخـن مـی‌شود بـلند

۴ گـر طیره مـی‌نـمائی و گـر طعنه مـی‌زنـی
مـا نـیستیم مـعتقد مـرد خـودپسند

۵ زاشفتگی حـال مـن آگـاه کـی شود
آن را کـه دل نگشت گـرفتار ایـن کـمند

۶ بـازار شوق گـرم شد آن شمع قـد کـجاست
تـا جـان خـود بـر آتش رویش کـنم سپند

۷ حـافظ چـو تـرک غمزهٔ تـرکان نـمی‌کـنی
دانـی کـجاست جـای تـو خـوارزم یـا خجند

ب،ز،ح،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ز،ح،ی،ك. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ل: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،+،۷ بعد از بیت ۶ بیت زیر را افزوده است:

+ جائی که یارما بشکرخندد دم زند ای پسته کیستی توخدا را بخود مخند

م: ۱،۲،–،–،۴،۵،۶،۷ بعداز بیت ۲،دو بیت زیر را به‌طوردرهم آورده‌است:

– جائی که یار ما بشکرخنده دم زند زین قصه بگذرم که سخن می‌شود ببند

– طوبی ز قامت تو نیارد که دم زند ای پسته کیستی تو خدا را بخود مخند

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ی: خواهدکه برنخیزد ازو دیده رود رود ب،ز،ح: از دیده رود رود
م: از دیده رود اشك * ح: دل را فدای صحبت

۳ـ * ی: سخن میشود به بند

۴ـ ب: ارطیره می‌نمائی وگر ح: ارطیره می‌نمائی و ور ك: گــرطیره می‌شوی وگرم طعنه ل: گرجلوه می‌نمائی وگر م: ارطیره می‌نمائی‌ور
* ل: شیخ خودپسند

۵ـ * ی: گرفتار یك کمند

۶ـ ز: بازارشمع ح: باران شوق ك: بازارعشق ز،ح،ك،ل،م: آن سرو قدکجاست * ك: تا جان و دل باتش

۷ـ ز،ك،م: ترك غمزهٔ خوبان

۱۷۴

۱ نه هر که چهره برافروخت دلبری داند
نه هر که آینه سازد سکندری داند

۲ نه هر کسی که کله کج نهاد و تند نشست
کلاه‌داری و آئین سروری داند

۳ تو بندگی چو گدایان به شرط مزدمکن
که دوست خود روش بنده‌پروری داند

۴ وفای عهد نکو باشد ار بیاموزی
وگرنه هر که تو بینی ستمگری داند

۵ بباختم دل دیوانه و ندانستم
که آدمی بچه‌ای شیوهٔ پری داند

۶ غلام همّت آن رند عافیت سوزم
که با گداصفتی کیمیاگری داند

۷ هزار نکتهٔ باریکتر ز موی اینجاست
نه هر که سر بتراشد قلندری داند

۸ مدار نقطهٔ بینش ز خال تست مرا
که قدر گوهر یکدانه جوهری داند

۹ به قدّ و چهره هر آن کس که شاه خوبان شد
جهان بگیرد اگر دادگستری داند

۱۰ ز شعر دلکش حافظ کسی بود آگاه
که لطف نظم و سخن گفتن دری داند

الف،ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **الف،ب،د.** ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ج: ۱،۲،۴،۹،۵،۳،۱۰ — بیت‌های ۶ و ۷ و ۸ را ندارد

ه: ۱،۷،۳،۴،۵،۶،۸ — بیت‌های ۲ و ۹ و ۱۰ را ندارد

ز: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۱۰،۸،۹،+ — بعد از بیت ۹ بیت زیر را افزوده‌است:

+ بقدر مردم چشم منست غرقه بخون — درین محیط نه هر کس شناوری داند

ح،ك: ۱،۴،۲،۸،۵،۹،۶،۷،۱۰ — بیت ۳ را ندارند

ط: ۱،۴،۲،۶،۷،۸،۳،۱۰ — بیت‌های ۵ و ۹ را ندارد

ی: ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۱۰ — بیت‌های ۶ و ۸ و ۹ را ندارد

ل: ۱،۲،۳،۶،۴،۵،۷،۸،۹،۱۰

م: ۱،۲،۷،۳،۸،۶،۴،۵،۱۰ — بیت ۹ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ل: نه هر که طرف کله

۳ـ ج: بشرط مردم کن * **الف:** کرم بنده پروری

۴ـ ب،ج،د،ز،ح،ط،ل،م: وفا وعهد **ك:** وفا ومهر

۶ـ * د،ز،ح،ط،ك،ل،م: که درگدا صفتی

۷ـ د،ك: زموی انجاست **ی،ل:** ز مو اینجاست

۸ـ * ه: هزار نقطهٔ بینش **ك:** زخال تست چرا * **ه:** که قدرجوهر **ه،ز،ح،ط،ك،ل،م:** جوهری داند

۹ـ * ح،ك: اگر بنده پروری داند

۱۰ـ ح،ط: ز نظم دلکش حافظ **ج،م:** کسی بود اگه **ح:** کسی شود آگاه **ط،ك:** کسی‌شود اگه ***د،ل:** که لطف طبع وسخن **ح،ط،ك،م:** که لطف نکته و سرّ سخن وری داند

۱۷۵

۱ هر که شد محرم دل در حرم یار بماند
وانکه این کار ندانست در انکار بماند

۲ اگر از پرده برون شد دل ما عیب مکن
شکر ایزد که نه در پردهٔ پندار بماند

۳ صوفیان واستدند از گرو می همه رخت
دلق ما بود که در خانهٔ خمّار بماند

۴ خرقه‌پوشان دگر مست گذشتند و گذشت
قصّهٔ ماست که در هر سر بازار بماند

۵ داشتم دلقی و صد عیب نهان می‌پوشید
خرقه رهن می و مطرب شد و زنّار بماند

۶ هر می لعل کزان دست بلورین ستدم
آب حسرت شد و در چشم گهربار بماند

۷ جز دل من کز ازل تا به ابد عاشق رفت
جاودان کس نشنیدیم که در کار بماند

۸ از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر
یادگاری که درین گنبد دوّار بماند

۹ گشت بیمار که چون چشم تو گردد نرگس
شیوهٔ او نشدش حاصل و بیمار بماند

۱۰ به تماشاگه زلفش دل حافظ روزی
شد که بازآید و جاوید گرفتار بماند

ب،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ **ب**، اما در این نسخه بیت۵ نیست. با ترتیب متن، نسخهٔ **ط** بیت‌های ۵ و ۷ و ۸ ونسخهٔ **ك** بیت‌های ۷ و ۸ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین‌است:

ح: ۱،۲،۳،۴،۸،۵،۶،۹،۱۰ بیت ۷ را ندارد

ل: ۱،۲،۳،۴،۶،۷،۹،۸،۵،+ ۱۰ بعد از بیت ۵ بیت زیر را افزوده است:

+ برجمال توچنان‌صورت چین حیران شد که حدیثش‌همه‌جا در در و دیوار بماند

ی،م: ۱،۲،۳،۶،۷،۸،۴،۹،۱۰ بیت ۵ را ندارند

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ * **ی:** در این کار بماند

۲ــ ح،ط،ك،ل،م: دل من **ط:** دل من خرده مگیر * **ب،م:** پردهٔ انکار بماند **ط:** پردهٔ عشاق بماند

۳ــ * **ح،ط:** رخت ما بود که در

۴ــ ی،م: با حریفان دگران هیچ نگفتند وشدند **ل:** محتسب شیخ شد وفسق خود از یاد ببرد **ح،ك:** گرفتند و گذشت * **ط،ك:** که بر هر سر بازار

۵ــ ل: عیب مرا میپوشید

۶ــ ب: دست بلوری **ی:** بلورین خوردیم **ب،ل،م:** ستدیم

۹ــ ط: باشد نرگس * **ح:** شیوهٔ آن نشدش **ل:** شیوهٔ تو نشدش

۱۷۶

۱ رسید مژده که ایّام غم نخواهد ماند
چنان نماند و چنین نیز هم نخواهد ماند

۲ من ار چه در نظر یار خاکسار شدم
رقیب نیز چنین محترم نخواهد ماند

۳ چو پرده‌دار به شمشیر می‌زند همه را
کسی مقیم حریم حرم نخواهد ماند

۴ چه جای شکر و شکایت ز نقش نیک و بد است
که بر صحیفهٔ هستی رقم نخواهد ماند

۵ سرود مجلس جمشید گفته‌اند این بود
که جام باده بیاور که جم نخواهد ماند

۶ توانگرا دل درویش خود بدست آور
که مخزن زر و گنج درم نخواهد ماند

۷ غنیمتی شمر ای شمع وصل پروانه
که این معامله تا صبحدم نخواهد ماند

۸ برین رواق زبرجد نوشته‌اند به زر
که جز نکوئی اهل کرم نخواهد ماند

۹ ز مهربانی جانان طمع مبر حافظ
که نقش جور و نشان ستم نخواهد ماند

ب،ج،د،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ب، اما در این نسخه بیت ۵ نیست. درنسخهٔ ل بیت‌های ۶ و ۷ مقدم ومؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ج: ۱،۲،۸،۳،۴،۵،۶،۷،۹

د: ۱،۲،۷،۳،۴،۵،۶،۸،۹

ز: ۱،۲،۷،۳،۵،۴،۶،۸،۹

ح: ۱،۲،۷،۳،۵،۸،۶،+،۴،۹

ط: ۱،۲،۷،۳،۵،۴،۸،۶،۹

ی: ۱،۷،۲،۴،۵،۶،۸،۹ بیت ۳ را ندارد

ك: ۱،۲،۷،۳،۵،۸،+،۴،۹ بیت۶ را ندارد

+ سحر کرشمهٔ صبحم بشارتی خوش داد که کس همیشه گرفتارغم نخواهد ماند

م: ۱،۷،۲،۳،۴،۵،۶،۸،۹

ن: ۱،۲،۳،۸،۴،۵،۷،۶،۹

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ *د،ز،ط،ل،ن: چنان نماند چنین

۴ـ د: شکایت که نقش ی: نقش بندانست * د،ك،ل: چو برصحیفهٔ هستی ح: چو برسفینهٔ هستی

۵ـ * ح،ك: بیارجام که‌دوران جم نخواهد ماند ط: که‌جام نوش که دوران جم نخواهد ماند م: بیارجام که جمشید وجم نخواهد ماند ن: جام باده بکردان

۶ـ * ب،ط،ی،م: گنج و درم

۸ـ ب،ز،ح،ل: بدین رواق

۱۷۷

۱ حسب حالی ننوشتی و شد ایّامی چند
محرمی کو که فرستم به تو پیغامی چند

۲ ما به آن مقصد اعلی نتوانیم رسید
هم مگر پیش نهد لطف شما گامی چند

۳ چون می از خم به سبو رفت و گل افکند نقاب
فرصت عیش نگهدار و بزن جامی چند

۴ قند آمیخته با گل نه علاج دل ماست
بوسه‌ای چند برآمیز به دشنامی چند

۵ زاهد از کوچهٔ رندان به سلامت بگذر
تا خرابت نکند صحبت بدنامی چند

۶ عیب می جمله چو گفتی هنرش نیز بگو
نفی حکمت مکن از بهر دل عامی چند

۷ ای گدایان خرابات خدا یار شماست
چشم اِنعام مدارید ز اَنعامی چند

۸ پیر میخانه چه خوش گفت به دردی کش خویش
که مگو حال دل سوخته با خامی چند

۹ حافظ از شوق رخ مهر فروغ تو بسوخت
کامگارا نظری کن سوی ناکامی چند

ب،ج،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ج،ح،ك،ل،م. با ترتیب متن نسخهٔ ه بیت‌های ۵ و ۶ ونسخه‌های ز، ط بیت ۶ را ندارند، درنسخه‌های ه،ز بیت‌های ۷ و ۸ و در نسخهٔ ی بیت‌های ۳ و ۴ مقدم و مؤخر است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ی: حسب حالی ننوشتیم وشد

۲ـ ز،ط،ی،ك،ل: ما بدان مقصد   ی،ل،م: مقصد عالی

۳ـ ح،ك: می چو از خم به سبو رفت

۴ـ ح،ط: نه دوای دل ماست   * ط: چند بیامیز

۵ـ ك: زاهد ازحلقهٔ رندان   م: زاهد ازگوشهٔ رندان

۶ـ ی: جمله بگفتی   ج،م: هنرش نیز بگوی

۷ـ * ح: مدارید از انعامی

۸ـ ج: یارمیخانه   ح،ط: گفت بآن دردی نوش   ك: گفت بلردی کش دوش   * م: سوخته با عامی چند

۹ـ ب،ح،ط،ی،م: رخ مهر فروز تو   * ی: نظری‌کن تو بنا کامی

۱۷۸

۱ دوش وقـت سحـر از غصّه نـجاتم دادنـد
ونـدر آن ظلمت شب آب حیاتـم دادنـد

۲ بـیخود از شعشعـهٔ پـرتو ذاتـم کـردند
باده از جـام تـجلّی صفـاتم دادنـد

۳ چه مبارک سحری بـود و چـه فـرخنده دمـی
آن شب قـدر که ایـن تـازه بـراتم دادنـد

۴ بـعد ازیـن روی مـن و آیـنهٔ وصف جمال
کـه در آنـجا خبر از جلوهٔ ذاتـم دادنـد

۵ من اگر کـامروا گشتم و خـوشدل چـه عجـب
مستحق بودم و ایـنها بـه زکـاتم دادنـد

۶ هاتـف آن روز بـه مـن مـژدهٔ ایـن دولت داد
کـه بـران جـور و جفـا صبر و ثـباتم دادنـد

۷ همّت حـافظ و انـفاس سحـرخیزان بـود
کـه ز بـند غم ایّـام نـجاتم دادنـد

ب،د،ه،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ **ب**. با ترتیب متن نسخه‌های **ح،ل** بعد ازبیت ۶ ونسخهٔ **ك** بعد ازبیت ۵ این بیت را افزوده‌اند:

اینهمه شهد وشکر کز سخنم میریزد　　　اجر صبریست کزان شاخ نباتم دادند

که درنسخهٔ **ح** «که ازشاخ نباتم» آمده است.

نسخهٔ **ك** بعد از بیت ۶ نیز بیت زیر را افزوده است:

شکر شکر بشکرانه فشانم دیگر　　　که‌نگاری کش‌شیرین حرکاتم دادند

ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

د،ه،ی،م: ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۴، ۷

اختلاف نسخه‌ها

۳ـ د،ح،ل: چه فرخنده شبی　　* **ه:** که آن تازه

۴ـ ب: روی من آید صفت وصف　　**ه:** روی من آینه صفت وصف　　* **ی:** خبر از عالم ذاتم

۵ـ ط: گشتم ومنعم چه عجب

۶ـ ح،ط،ك: من همان روز بدیدم که ظفر خواهم یافت　　***د:** که به بازار غمت صبرو　　**ط:** که برافسوس عدو صبرو　　**ل:** که بدان جور وجفا

۷ـ د: حافظ آن دم که ببند سرزلف توفتاد　　* **د:** گفت کز بند غم وغصه نجاتم دادند

۱۷۹

۱ دوش دیدم که ملایک در میخانه زدند
گل آدم بسرشتند و به پیمانه زدند
۲ ساکنان حرم ستر و عفاف ملکوت
با من راه‌نشین بادهٔ مستانه زدند
۳ آسمان بار امانت نتوانست کشید
قرعهٔ کار به نام من دیوانه زدند
۴ جنگ هفتاد و دو ملّت همه را عذر بنه
چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند
۵ شکر آنرا که میان من و او صلح افتاد
حوریان رقص‌کنان ساغر شکرانه زدند
۶ آتش آن نیست که بر شعلهٔ او خندد شمع
آتش آن است که در خرمن پروانه زدند
۷ کس چو حافظ نکشید از رخ اندیشه نقاب
تا سر زلف سخن را به قلم شانه زدند

ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ج،د،ی،ل،م. با ترتیب متن نسخهٔ ه بعد از بیت ۴ این بیت:

نقطهٔ عشق دل گوشه نشینان خون کرد همچو آن خال که برعارض جانانه زدند

وبعد ازبیت ۶ بیت زیر را افزوده است:

ما به‌صد خرمن پندار زره چون‌نرویم چون زره‌آدم بیدار به یك دانه زدند

نسخهٔ ز بیت ۵، نسخهٔ ح بیت ۴ را ندارد، در نسخه‌های ط،ك بیت‌های۴ و۵ مقدم ومؤخر است.

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ د: حرم سر وعفاف * ح،ك: با من خاك نشین ج: راه نشین ساغر وپیمانه زدند

۳ـ * ك: قرعهٔ فال بنام

۴ـ م: جمله‌هفتادو ك: همه را عذری نه * ج،ز،ط،ك،م: چون بدیدند حقیقت د،ه،ز،ط: در افسانه زدند

۵ـ ط،ی،ل،م: شکر ایزدکه میان * ج: قدسیان رقص کنان ل: صوفیان رقص کنان ب: ساغرمیخانه زدند د: بادهٔ شکرانه زدند ط: ساغر وپیمانه زدند

۶ـ ل: که ازشعلهٔ اوخندد ی: خندد صبح * ب،ج،م: که برخرمن پروانه ح: که اندر دل پروانه

۷ـ ی: حافظ نگشود ل: حافظ نگشاد از م: از رخ افسانه نقاب * ز،ط،ك: تا سر زلف عروسان سخن شانه زدند ح: تا سر زلف عروسان چمن شانه زدند

۱۸۰

۱ نقدها را بود آیا که عیاری گیرند
تا همه صومعه‌داران پی کاری گیرند

۲ مصلحت دید من آن است که یاران همه کار
بگذارند و خم طرّهٔ یاری گیرند

۳ خوش گرفتند حریفان سر زلف ساقی
گر فلکشان بگذارد که قراری گیرند

۴ قوّت بازوی پرهیز به خوبان مفروش
که درین خیل حصاری به سواری گیرند

۵ یا رب این بچّهٔ ترکان چه دلیرند به خون
که به تیر مژه هر لحظه شکاری گیرند

۶ رقص برشعر خوش و نالهٔ نی خوش باشد
خاصه وقتی که در آن دست نگاری گیرند

۷ حافظ ابنای زمان را غم مسکینان نیست
زین میان گر بتوان به که کناری گیرند

ب،ج۱،ج۲،د،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ **ب،ج۱،د،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م**. نسخهٔ **ج۲** بیت‌های ۵ و ۶ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ د: مصلحت دیده‌ام انست **ی:** مصلحت دیدنم آن نیست **م:** مصلحت دیدم و انست *** ی:** مگذارندو

۴ـ * ج۱،ج۲،ك: کاندرین خیل

۵ـ ج۱: یارب این پنجهٔ طفلان چه دلبرست بخون *** ج۱:** سواری‌گیرند

۶ـ ل: بر شعرتر و نالهٔ *** ز،ط،ك،ل:** خاصه رقصی‌که **ح:** که درو دست **د،ی:** زلف نگاری‌گیرند

۷ـ *ك: زین میان تا بتوان

۱۸۱

۱ گر می‌فروش حاجت رندان روا کند
ایزد گنه ببخشد و دفع وبا کند

۲ ساقی به جام عدل بده باده تا گدا
غیرت نیاورد که جهان پر بلا کند

۳ ما را که درد عشق و بلای خمار هست
یا وصل دوست یا می صافی دوا کند

۴ حقّا کزین غمان برسد مژدهٔ امان
گر سالکی به عهد امانت وفا کند

۵ گر رنج پیشت آید وگر راحت ای حکیم
نسبت مکن به غیر که اینها خدا کند

۶ در کارخانه‌ای که ره علم و عقل نیست
وهم ضعیف رای فضولی چرا کند

۷ مطرب بساز عود که کس بی‌اجل نمرد
وان کاو نه این ترانه سراید خطا کند

۸ جان رفت در سر می و حافظ به عشق سوخت
عیسی دمی کجاست که احیای ما کند

ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ز،ح،ك. با ترتیب متن نسخه‌های ب،ه،ی،م بیت۳، نسخهٔ ج بیت ۸ و نسخهٔ ط بیت‌های ۲ و ۳ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

د: ۱،۲،۶،۷،۵،۴،۳،۸

ل: ۱،۲،۴،۵،۶،۷،۳،۸

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ * ح،ك،ل: دفع بلا کند

۲ــ ح: بجام عقل بده ك: باده تا حریف

۳ــ ح: بلای خمارنیست ل: بلای خمار کشت

۴ــ ب،ه،ز،ی،م: حقا که در زمان برسد ی،م: مژدهٔ مراد

۵ــ ل: گر رنج پیش‌آید ط: آید اگر راحت ج: آید و ور راحت

۶ــ د،ح،ط،ك،ل: که ره عقل و فضل نیست * ط،م،ل: فهم ضعیف
ز،ح: ضعیف حال فضولی

۷ــ ط: مطرب بسوزعود ل: بساز پرده که‌کس * ب،ط: هر کو نه این ترانه د: آنکو نه این ترانه

۸ــ ط: رفت در پی می و ه: زعشق سوخت

۱۸۲

۱ دلا بسوز که سوز تو کارها بکند
نیاز نیم‌شبی دفع صد بلا بکند

۲ عتاب یار پریچهره عاشقانه بکش
که یک کرشمه تلافیّ صد جفا بکند

۳ ز ملک تا ملکوتش حجاب بردارند
هر آنکه خدمت جام جهان‌نما بکند

۴ طبیب عشق مسیحا دم است و مشفق لیک
چو درد در تو نبیند کرا دوا بکند

۵ تو با خدای خود انداز کار و دل خوش دار
که رحم اگر نکند مدّعی خدا بکند

۶ ز بخت خفته ملولم بُوَد که بیداری
به وقت فاتحهٔ صبح یک دعا بکند

۷ بسوخت حافظ و بوئی به زلف یار نبرد
مگر دلالت این دولتش صبا بکند

ب،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ د،ه،ز،ح،ط،ی،ك: دلا بساز *** ح:** دفع این بلا بکند

۲ـ ح،ك: عتاب یارمبین مهرعاشقانه بورز **م:** عتاب وناز پریچهره ***ب،م:** تلافی صد بلا بکند

۳ـ ه،ز،ی: حجاب بر گیرند *** ح،ك:** کسی که خدمت

۴ـ * ط،ی: چو در تو درد نبیند **ه،ح،ك:** کیت دوا بکند **د:** نبیند کجا دوا بکند

۶ـ ط: نه بخت خفتهٔ ما و دلم بود بیمار *** ط:** قافلهٔ صبح

۷ـ ح،ك: بوئی ز زلف یار

۱۸۳

۱ مـرا بـه رنـدی و عشق آن فضول عیب کـند
که اعتراض بر اسرار علم غیب کـند

۲ کـمال صدق مـحبّت بـبین نـه نـقص گـناه
که هر کـه بی‌هنر افـتد نـظر بـه عیب کـند

۳ ز عطر حـور بـهشت آن نـفس بـرآید بـوی
که خـاک مـیکدهٔ مـا عبیر جیب کـند

۴ چنان بـزد ره اسلام غمزهٔ ساقـی
کـه اجتناب ز صهبا مگر صهیب کـند

۵ کـلید گـنج سعـادت قـبول اهل دل است
مـباد کس کـه دریـن نکته شکّ و ریـب کـند

۶ شبان وادی ایـمن گـهی رسد بـه مـراد
که چند سال بـه جـان خـدمت شعیب کـند

۷ ز دیـده خـون بـچکاند فسانـهٔ حـافظ
چـو یـاد وقـت زمـان شباب و شیب کـند

ب،د،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،د،ی،ل،م**. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ح،ك: ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۳، ۷

ط: ۱، ۲، ۴، ۵، ۳، ۶، ۷

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ی: برندی وعیش *** د:** اهل غیب

۲ـ د،ی: کمال صدق ومحبت **ح،ط،ك،ل:** کمال سرمحبت **د:** نه نقص وگناه **ی:** نقیض گناه

۳ـ ط: زعطر بوی بهشت **ح،ط،ك،م:** آن زمان براید بوی *** ط:** مبادکس که درین نکته شك و ریب کند

۴ـ ل: چنان زنده اسلام

۵ـ * ط: که خاك میکدهٔ ما عبیرجیب کند **ك،ل:** مبادآنکه درین

۶ـ ی: شبان ایمن وادی‌کسی رسد بمراد **د،ط،ك:** ایمن‌کسی رسد به‌مراد *** ب،ی:** که چند سال زجان

۷ـ * ح،ك: که یاد عهد زمان شباب **ی:** چویاد وقت و زمان

۱۸۴

۱ طایر دولت اگر باز گذاری بکند
یار بازآید و با وصل قراری بکند

۲ دیده را دستگه درّ و گهر گرچه نماند
بخورد خونی و تدبیر نثاری بکند

۳ دوش گفتم بکند لعل لبش چارهٔ من
هاتف غیب ندا داد که آری بکند

۴ کس نیارد بر او دم زدن از قصّهٔ ما
مگرش باد صبا گوش‌گذاری بکند

۵ داده‌ام بازِ نظر را به تذروی پرواز
باز خواند مگرش نقش و شکاری بکند

۶ کو کریمی که ز بزم طربش غمزده‌ای
جرعه‌ای درکشد و دفع خماری بکند

۷ شهر خالیست زعشّاق بُوَد کز طرفی
مردی از خویش برون آید و کاری بکند

۸ یا وفا یا خبر وصل تو یا مرگ رقیب
بازی چرخ یکی زین همه باری بکند

۹ حافظا گر نروی از در او هم روزی
گذری بر سرت از گوشه‌کناری بکند

ب،ج،ه،ز،ح،ط،ی،ك۱،ك۲،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ه،ز،ح،ط،ك۱**. با ترتیب متن نسخهٔ ج بیت‌های ۷ و ۸، نسخهٔ **ز** بیت ۵، نسخهٔ **ط** بیت‌های ۳ و ۶ را ندارد. نسخهٔ **ك۲** فقط بیت اول را دارد. ترتیب نسخه‌های **ی،ل،م** چنین است:

۱،۲،۳،۴،۵،۷،۶،۸،۹

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ح: دستگه لعل و گهر **ح،ك۱:** گهر بیش نماند

۳ـ ح: گفتم نکند لعل لبت چارهٔ

۴ـ ل: دم زند از قصهٔ من **ز،ح،ك۱:** ازقصهٔ من ***ح،ك۱:** صبا سمع گذاری بکند

۵ـ * ك۱: یار خواند مگرش

۸ـ * ل: بودآیا که فلك زین **ح،ك۱:** بازی چرخ فلك زین همه **ز،ح، ك۱،ك۲:** زین همه کاری بکند **ه،ل:** زین دو سه کاری بکند **م:** زین همه یاری بکند

۱۸۵

۱ کلک مشکین تو روزی که ز ما یاد کند
بِبَرد اجر دوصد بنده که آزاد کند

۲ قاصد حضرت سلمی که سلامت بادش
چه شود گر به سلامی دل ما شاد کند

۳ امتحان کن که بسی گنج مرادت بدهند
گر خرابی چو مرا لطف تو آباد کند

۴ یا رب اندر دل آن خسرو شیرین انداز
که به رحمت گذری بر سر فرهاد کند

۵ حالیا عشوهٔ عشق تو ز بنیادم برد
تا دگر باره حکیمانه چه بنیاد کند

۶ گوهر پاک تو از مدحت ما مستغنیست
فکر مشّاطه چه با حسن خداداد کند

۷ ره نبردیم به مقصود خود اندر شیراز
خرّم آن روز که حافظ ره بغداد کند

ب، ه، ز، ح، ط، ی، ك، ل، م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب، ه، ز، ح، ی، ك، م. با ترتیب متن نسخهٔ ل بعد از بیت ۴ بیت زیر را افزوده است:

+ شاه را به‌بود ازطاعت صدساله وزهد   قدر یکساعته عمری که درو داد کند

ترتیب نسخهٔ ط چنین است: ۱، ۴، ۵، ۳، ۷   بیت‌های ۲ و ۶ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ز، ط: به بود زاجر دوصد بنده

۲ـ ل: قاصد منزل سلمی

۳ـ ب، ه، ی، م: که بسی جام مرادت   ط: مرادت بدهد   *ب، ط: که خرابی چو مرا

۴ـ ح، ط، ك: خسرو خوبان انداز   * م: که برحمت نظری بر سر

۵ـ ط: حالیا عشوهٔ عشق توم ازیاد ببرد   ی، ل، م: عشوهٔ ناز تو   ك: ز بنیاد ببرد   * ط، ك: تا دگر فکرحکیمانه   ط: حکیمانه چه بیدادکند

۶ـ ك: از منت ما مستغنیست   * ز: چه با حکم خداداد کند

۷ـ ح، ط، ك: ره نبردیم بمطلوب خود

۱۸۶

۱ آن کیست کز روی کرم با من وفاداری کند
بر جای بدکاری چو من یک دم نکوکاری کند

۲ اوّل به بانگ نای و نی آرد به دل پیغام وی
وانگه به یک پیمانه می با من وفاداری کند

۳ دلبر که جان فرسود ازو کار دلم نگشود ازو
نومید نتوان بود ازو باشد که دلداری کند

۴ گفتم گره نگشوده‌ام زان طرّه تا من بوده‌ام
گفتا منش فرموده‌ام تا با تو طرّاری کند

۵ پشمینه پوش تنگ‌خو از عشق نشنیدست بو
از مستی‌اش رمزی بگو تا ترک هشیاری کند

۶ چون من گدای بی‌نشان مشکل بود یاری چنان
سلطان کجا عیش نهان با رند بازاری کند

۷ زان طرّهٔ پر پیچ و خم سهل است اگر بینم ستم
از بند و زنجیرش چه غم هرکس که عیّاری کند

۸ شد لشکر غم بی‌عدد از بخت می‌خواهم مدد
تا فخر دین عبدالصّمد باشد که غمخواری کند

۹ با چشم پر نیرنگ او حافظ مکن آهنگ او
کان چشم مست شنگ او بسیار مکّاری کند

ب،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ی،ل،م.** با ترتیب متن نسخهٔ **ط** بیت ۳ ونسخهٔ **ك** بیت ۸ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ك: کز روی وفا **ل:** با ما وفاداری *** ك،م:** برجای بدکاری من
۲ـ * ط: آنگه بیك پیمانه
۳ـ ی،ل: کام دلم نگشود *** ك:** نامید **ك:** باشد که غم خواری کند
۴ـ *ط: گفتا که من فرموده‌ام
۵ـ ل،م: پشمینه پوش تند خو *** ی:** ازمستیش روزی بگو
۶ـ ی،ك،م: گدائی بی‌نشان **ط:** بود یار چنان **ی:** بودکاری چنان
۷ـ ك: بینی‌ستم
۸ـ ب،ی،م: وزبخت
۹ـ *ب،م: کان چشم مست تنگ او **ی:** تا چشم مست شنگ او **ك،ل:** کان طرهٔ شبرنگ او **ط:** باشد که عیاری کند

۱۸۷

۱ سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند
همدم گل نمی‌شود یاد سمن نمی‌کند

۲ لخلخه‌سای شد صبا دامن پاکش از چه روی
خاک بنفشه‌زار را مشک ختن نمی‌کند

۳ دل به امید وصل تو همدم جان نمی‌شود
جان به هوای کوی تو خدمت تن نمی‌کند

۴ تا دل هرزه‌گرد من رفت به چین زلف او
زان سفر دراز خود عزم وطن نمی‌کند

۵ پیش کمان ابرویش لابه همی‌کنم ولی
گوش کشیده است ازان گوش به من نمی‌کند

۶ با همه عطف دامنت آیدم از صبا عجب
کز گذر تو خاک را مشک ختن نمی‌کند

۷ چون ز نسیم می‌شود زلف بنفشه پرشکن
وه که دلم چه یاد آن عهدشکن نمی‌کند

۸ ساقی سیم ساق من گر همه دُرد می‌دهد
کیست که تن چو جام می جمله دهن نمی‌کند

۹ کشتهٔ غمزهٔ تو شد حافظ ناشنیده پند
تیغ سزاست هر که را درد سخن نمی‌کند

ب۱،ب۲،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است‌بانسخه‌های ب۱،ب۲،ز،ی،م، اما نسخه‌های ب۱،ب۲،ز بیت‌های ۲ و ۳ ونسخه‌های ی،م بیت ۳ را ندارند. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ح: ۱،۲،۳،۴،+ ،× ،۷،۹،۸ — بیت‌های ۵ و۶ را ندارد
ط: ۱،۴،۵،۲،۳،۷،۹ — بیت‌های ۶ و۸ را ندارد
ك: ۱،۲،۳،۴، × ،۷،۹ — بیت‌های ۵ و۶ و۸ را ندارد
ل: ۱، × ،۴،۵،۶،۷،۳،۸، + ،۹

+ دست خوش جفا مکن آب رخم که فیض ابر
بی‌مدد سرشك من دُرّ عدن نمیکند

که درنسخهٔ ح «دست خوش صبا» آمده است.

× دی گلهٔ ز طره‌اش کردم و از سر فسوس
گفت که این سیاه کج گوش بمن نمیکند

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ب۲: سروچمان توچرا ك: سرو روان من چرا
۲ـ م: لخلخه‌سای شدزمن ح،ك: دامن پاکت ط: دامن پاك ح: ازچه رو
۳ـ ل: دل بامید روی او * ل: کوی او
۴ـ ب۲،ط: بچین زلف تو * ح،ك: خوش‌سفری‌گزید ازان‌یاد وطن‌نمی کند
ط: از هوس سفرکنون یاد وطن نمی‌کند م: میل وطن نمی‌کند
۵ـ ب۲،ز،ط،ی،م: پیش‌کمان‌ابروت ب۱: پیش‌کمان ابرویت ی: لابه همی‌کند ولی م: لابه نمی‌کند ولی * ط: گوشه کشیده
۶ـ ی: آیدم چوعطف دامنت با همه ازصبا عجب * ب۲،ز،ی،م: کزگذر تو باد را
۷ـ ط: زلف بنفشه درشکن * ط: وه که چه‌یاد زلف‌آن ل،م: وه که دلم‌چه یاد ازآن
۸ـ ب۱،ب۲،ز،ی،م: ساقی سیم ساق ما * ز: کیست‌که همچو جام می
۹ـ * ط: خیره سریست هرکرا درد

۱۸۸

۱ در نظربازی ما بیخبران حیرانند
من چنینم که نمودم دگر ایشان دانند

۲ عاقلان نقطهٔ پرگار وجودند ولی
عشق داند که درین دایره سرگردانند

۳ عهد ما با لب شیرین‌دهنان بست خدای
ما همه بنده و این قوم خداوندانند

۴ مفلسانیم و هوای می و مطرب داریم
آه اگر خرقهٔ پشمین به گرو نستانند

۵ لاف عشق و گله از یار زهی لاف دروغ
عشقبازان چنین مستحق هجرانند

۶ جلوه‌گاه رخ او دیدهٔ من تنها نیست
ماه و خورشید هم این آینه می‌گردانند

۷ وصف خورشید به شب‌پرّهٔ اعمی نرسد
که درین آینه صاحب‌نظران حیرانند

۸ مگرم چشم سیاه تو بیاموزد کار
ورنه مستوری و مستی همه کس نتوانند

۹ گر شوند آگه از اندیشهٔ ما مغبچگان
بعد ازین خرقهٔ صوفی به گرو نستانند

۱۰ گر به نزهتگه ارواح برد بوی تو باد
عقل و جان گوهر هستی به نثار افشانند

۱۱ زاهد ار رندی حافظ نکند فهم چه شد
دیو بگریزد از آن قوم که قرآن خوانند

ب۱،ب۲،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب۲،ی،م**، اما بیت چهارم در این سه نسخه نیست. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ب۱: ۱،۲،۳،۶،۵،۹،۸،۱۰،۱۱ — بیت‌های ۴ و ۷ را ندارد
ح: ۱،۲،۶،۵،۷،۳،۴،۸،۱۰،۱۱ — بیت ۹ را ندارد
ط: ۱،۲،۳،۴،۷،۶،۵،۹،۸،۱۰،۱۱
ك: ۱،۲،۶،۵،۷،۳،۴،۸،۱۱ — بیت‌های ۹ و ۱۰ را ندارد
ل: ۱،۲،۶،۳،۴،۷،۵،۸،۱۰،۱۱،۹

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ح،ط،ك: درنظر بازی من **ط:** بی‌بصران حیرانند * **م:** من نمودم که چنینم دگران می‌دانند
۲ـ ب۱: نکتهٔ پرگار **ح:** وجودندآری
۳ـ ب۱،ب۲،ط،ی،ك: عهد من بالب **ح،ل:** بست خدا
۴ـ * ك: وای اگر خرقهٔ **ح:** خرقهٔ پشمینه‌گرو
۵ـ ی: لاف و دروغ
۶ـ ی: جلوه‌گاه من و او * **ب۱،ب۲،ح،ی،ك،ل،م:** همین‌آینه **ط:** همه‌آینه
۷ـ ب۱،ل: وصل خورشید **ح،ك:** وصف رخسار چو خورشید ز خفاش‌مپرس **ط:** بشب دیده اعمی نرسد * **ح،ل:** که درآن‌آینه
۸ـ ی: سیاه تو بیاموزاند
۹ـ ب۲: گر شود آگـه * **ط:** خرقهٔ پشمین بگرونستانند **م:** خرقهٔ صوفی بجوی نستانند
۱۰ ـح: گر به ارواح رساند نفسی بوی توباد
۱۱ـ ح،ك: حافظ نکنی فهم برو **ط:** نکند فهم برو **ی،م:** نکند فهم مراد

۱۸۹

۱ سمن بویان غبار غم چو بنشینند بنشانند
پری‌رویان قرار دل چو بستیزند بستانند

۲ به فتراک جفا دلها چو بربندند بربندند
ز زلف عنبرین جانها چو بگشایند بفشانند

۳ ز چشمم لعل رمّانی چو می‌خندند می‌بارند
ز رویم راز پنهانی چو می‌بینند می‌خوانند

۴ به عمری یک نفس با ما چو بنشینند برخیزند
نهال شوق در خاطر چو برخیزند بنشانند

۵ سرشک گوشه‌گیران را چو دَریابند دُریابند
رخ مهر از سحرخیزان نگردانند اگر دانند

۶ چو منصور از مراد آنان که بردارند بردارند
بدین درگاه حافظ را چو می‌خوانند می‌رانند

۷ درین حضرت چو مشتاقان نیاز آرند ناز آرند
که با این درد اگر در بند درمانند درمانند

ب،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ح،ك. با ترتیب متن‌نسخهٔ ط بیت ۷ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ب: ۱،۲،۳،۴،۵،+،۶ بیت ۷ را ندارد

ی: ۱،۲،۴،۳،۵،+،۶،۷

ل: ۱،۲،۴،۵،۳،+،۶،۷

\+ دوای درد عاشق را کسی کو سهل پندارد
ز فکر آنان که در تدبیر درمانند درمـانند

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ی: سمن رویان ك: سمن‌مویان * ط،ل: قرار از دل ب،ی: دل چو بستانند بستانند

۲ـ ح: بفتراك از جفا * ب،ط،ی: جانها چو بگشایند بگشایند ح،ك: جانها چو بفشانند بفشانند

۳ـ ح: دوچشم لعل‌رمانی ب،ی: رمانی چو می‌بینند می‌خندند ط: رمانی چو می‌خندند می‌ریزند * ب،ی: پنهانی چو می‌دانند می‌خوانند

۴ـ * ب،ط،ی: نهال سوز درخاطر

۵ـ * ی: رخ ازمهر سحرخیزان ب،ك: بگردانند اگر دانند ط: چو گردانند گردانند ی: بگردانند بگردانند

۶ـ ب: چو منصور آن کسانی راکه بردارند بردارند ح: چومقصود مرادآنان که بردارند بردارند ی: چو منصورآن مراد ك: چومنصـور ان مراد آنانك بردارند بردارند * ح،ك: که با این درد اگر دربند درمانند درمانند ب،ی: چو میخوانند میخوانند

۷ـ * ح: درین درگاه حافظ را چو می‌بینند میرانند ط،ل: درین درگاه حافظ را چومی‌خوانند می‌رانند ك: بدین درگاه حافظ را چومی‌بینند میرانند

۱۹۰

۱ غلام نرگس مست تو تاجدارانند
خراب بادهٔ لعل تو هوشیارانند

۲ ترا صبا و مرا آب دیده شد غمّاز
وگرنه عاشق و معشوق رازدارانند

۳ ز زیر زلف دو تا چون گذر کنی بنگر
که از یمین و یسارت چه بیقرارانند

۴ گذار کن چو صبا بر بنفشه زار و ببین
که از تطاول زلفت چه سوگوارانند

۵ نصیب ماست بهشت ای خداشناس برو
که مستحقّ کرامت گناهکارانند

۶ نه من بر آن گل عارض غزل سرایم و بس
که عندلیب تو از هر طرف هزارانند

۷ تو دستگیر شو ای خضر پی خجسته که من
پیاده می‌روم و همرهان سوارانند

۸ بیا به میکده و چهره ارغوانی کن
مرو به صومعه کانجا سیاه‌کارانند

۹ خلاص حافظ از آن زلف تابدار مباد
که بستگان کمند تو رستگارانند

ب،ج،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ **ل**. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ب: ۱،۲،۳،۴،۵،۸،۷،۹ بیت ۶ را ندارد

ج،ی،ن: ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۹ بیت‌های ۶ و۸ را ندارند

ه: ۱،۲،۳،۴،۵،۸،۶،۷،۹

ز: ۱،۲،۳،۴،۶،۵،۸،۷،۹

ح: ۱،۲،۴،۵،۶،۳،۸،۷،۹

ط: ۱،۶،۳،۹،۴،+ بیت‌های ۲ و۵ و ۷ و۸ را نـدارد وبعد ازبیت ۴ بیت زیر را افزوده است:

+ ز نقش چهرهٔ حافظ همی توان دیدن که ساکنان در دوست خاکسارانند

ك: ۱،۲،۴،۵،۶،۸،۷،۹ بیت ۳ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ **ط:** مست تو هوشیارانند * **ط:** اسیر بادهٔ لعل توتاجدارانند

۳ـ **ج،ه:** بزیر زلف دوتا **ط:** ز چین زلف دوتا * **ل:** یسارت چه سوگوارانند

۴ـ **ط:** گذرکنی چو صبا بربنفشه زاربیبن * **ل:** زلفت چه بیقرارانند

۵ـ **ج:** ای خداشناس و برو

۶ـ **ز:** نه من بدان گل **ط:** نه سبزه برگل رویت همی سراید و بس **ك:** ازان‌گل عارض غزل سرایم بس

۷ـ **ح:** دلیل راه شو ای‌خضر **ج،ز،ی،ك،ن:** ای پیك پی‌خجسته که من

۸ـ **ب،ه،ز،ح،ك:** برو بمیکده * **ب:** کانجا گناه‌کارانند

۹ـ **ب:** حافظ ازین زلف **ط:** ز دام زلف تودل را مباد روی خلاص * **ن:** که کشتگان

۱۹۱

۱ آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند
آیا بود که گوشهٔ چشمی به ما کنند

۲ دردم نهفته به ز طبیبان مدّعی
باشد که از خزانهٔ غیبش دوا کنند

۳ معشوقه چون نقاب ز رخ برنمی‌کشد
هر کس حکایتی به تصوّر چرا کنند

۴ چون حسن عاقبت نه به رندیّ و زاهدیست
آن به که کار خود به عنایت رها کنند

۵ بی‌معرفت مباش که در من یزید عشق
اهل نظر معامله با آشنا کنند

۶ می خور که صد گناه ز اغیار در حجاب
بهتر ز طاعتی که به روی و ریا کنند

۷ پیراهنی که آید ازو بوی یوسفم
ترسم برادران غیورش قبا کنند

۸ حالی درون پرده بسی فتنه می‌رود
تا آن زمان که پرده برافتد چها کنند

۹ گر سنگ ازین حدیث بنالد عجب مدار
صاحبدلان حکایت دل خوش ادا کنند

۱۰ حافظ دوام وصل میسّر نمی‌شود
شاهان کم التفات به حال گدا کنند

ب،د،ه،و۲،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ **ب.** ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

د: ۱،۲،۴،۳،۹،۸،۵،۱۰ بیت‌های ۶ و ۷ را ندارد

ه: ۱،۲،۴،۳،۹،۵،۸،۶، +،۷،۱۰

و۲: ۱،۲،۴،۳،۹،۵،۸،۶،۱۰ بیت۷ را ندارد

ز: ۱،۲،۴،۳،۹،۵، +،۶،۸،۷،۱۰

ح: ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۸،۶،۹،۱۰

ط: ۱،۲،۳،۴،۸،۵،۹،۷ بیت ۶ را ندارد

ی: ۱،۲،۴،۳،۹،۵،۸،۶،۷،۱۰

ك: ۱،۲،۳،۴،۷،۸،۶،۹،۵،۱۰

ل: ۱،۲،۳،۴،۵،۸،۹،۶،۷، +، ×،۱۰

+ بگذر بکوی‌صومعه تا زمرهٔ حضور اوقات خود ز بهر تو صرف دعا کنند
که درنسخهٔ **ل** «بکوی میکده» آمده است.

× پنهان زحاسدان به‌خودم‌خوان که‌منعمان خیر نهان بـرای رضـای خـدا کنند

اختلاف نسخه‌ها

۲ــ * ح: لطیفهٔ غیبش **ز،ح،ك،ل:** خزانهٔ غیبم **د:** خزانهٔ لطفش

۳ــ د،ح،ط،ل: معشوق چون **ه،و۲،ز،ك،ل:** درنمی‌کشد

۴ــ ه،ز،ط: چون حسن عافیت

۵ــ * ح: اهل دل این معامله

۸ــ ب،د،ی: حالی برون پرده **ط:** حال درون پرده

۱۰ــ ز: حافظ وظیفهٔ تو دعاگفتن است و بس **ه:** دوام عیش میسر

۱۹۲

۱ شاهدان گر دلبری زین سان کنند
زاهدان را رخنه در ایمان کنند

۲ هر کجا آن شاخ نرگس بشکفد
گلرخانش دیده نرگسدان کنند

۳ یار ما چون سازد آغاز سماع
قدسیان بر عرش دست افشان کنند

۴ ای جوان سروقد گوئی بزن
پیش ازان کز قامتت چوگان کنند

۵ عاشقان را بر سر خود حکم نیست
هر چه فرمان تو باشد آن کنند

۶ مردم چشمم به خون آغشته شد
در کجا این ظلم بر انسان کنند

۷ پیش چشمم کمتر است از قطره‌ای
آن حکایت‌ها که از طوفان کنند

۸ عید رخسار تو کو تا عاشقان
در وفایت جان خود قربان کنند

۹ خوش برآ با غصّه ای دل کاهل راز
عیش، خود، در بوتهٔ هجران کنند

۱۰ سر مکش حافظ ز آه نیم‌شب
تا چو صبحت آینه رخشان کنند

ب،ج،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ه،ط که بیت ۹ را ندارند. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ب،ز: ۱،۲،۳،۴، +،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰

ج: ۱،۲،۳،۶،۴، +،۵،۷،۸ — بیت‌های ۹ و ۱۰ را ندارد

ح: ۱،۲،۳،۶،۹،۴، +،۵،۷،۸ — بیت ۱۰ را ندارد

ی: ۱،۲،۴، +،۵،۶،۷،۸،۹ — بیت‌های ۳ و ۱۰ را ندارد

ك: ۱،۲،۳،۶،۹،۴،۵،۷،۸ — بیت ۱۰ را ندارد

ل: ۱،۲،۴،۵،۷،۳،۶،۹،۱۰ — بیت ۸ را ندارد

+ رو نماید آفتاب دولتت گر چو صبحت آینه رخشان کنند

که در نسخهٔ **ب** «گرچه صبحت»، و در نسخه‌های **ج،ح** «گرچوشمعت» آمده است.

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ب،ه،ط: هرکجا این شاخ **ی:** هرکجا کان شاخ **ه:** نرگس‌بشکفید **ح،ك:** نرگس بارداد

۳ـ ج،ز،ح،ك: سرما چون **ی،ل:** چون‌گیرد آغاز * **ز،ح،ك:** قدسیان درعرش **ط:** قدسیان ازعرش

۴ـ ز: ای جوان دولتی گوبی **ب،ه،ط،ل:** گوبی ببر * **ط:** تا چو صبح‌آینه‌ات رخشان‌کنند

۶ـ ج،ك: بخون‌آغشته است * **ز:** ظلم با انسان

۷ـ ز: کمترست از ذرهٔ * **ب،ح،ل:** این حکایت‌ها **ح،ك:** که ازعمان کنند

۸ـ ط: عید رخسارت‌نما تا * **ج:** همچوحافظ جان ودل قربان‌کنند **ز:** پیش رخسار توجان قربان‌کنند **ح،ك:** همچو حافظ جان خود قربان‌کنند

۹ـ ب،ی: خوش برای ازغصه **ی:** حافظ کاهل راز **ز،ح،ك:** اصل کل وصلست لیکن اهل راز * **ز،ح،ك:** عیشها دربوته **ی،ل:** عیش خوش

۱۰ـ * ه: ذکر خیر ازخواندن قران‌کنند **ط:** تا چوصبح آینه‌ات رخشان‌کنند

۱۹۳

۱ گفتم کی‌ام دهان و لبت کامران کنند
گفتا به چشم هر چه تو گوئی چنان کنند

۲ گفتم خراج مصر طلب می‌کند لبت
گفتا درین معامله کمتر زیان کنند

۳ گفتم به نقطهٔ دهنت خود که برد راه
گفت این حکایتیست که با نکته‌دان کنند

۴ گفتم صنم‌پرست مشو با صمد نشین
گفتا به کوی عشق هم این و هم آن کنند

۵ گفتم هوای میکده غم می‌برد ز دل
گفتا خوش آن کسان که دلی شادمان کنند

۶ گفتم شراب و خرقه نه آیین مذهبست
گفت این عمل به مذهب پیر مغان کنند

۷ گفتم ز لعل نوش لبان پیر را چه سود
گفتا به بوسهٔ شکرینش جوان کنند

۸ گفتم که خواجه کی به سر حجله می‌رود
گفت آن زمان که مشتری و مه قران کنند

۹ گفتم دعای دولت او ورد حافظ است
گفت این دعا ملایک هفت آسمان کنند

ب،ج،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ج،ح،ی،ك،ل. با ترتیب متن نسخهٔ ه بیت ۸ و نسخهٔ ط بیت‌های ۶ و۷ و۸ و۹ را ندارد. ترتیب نسخهٔ ز چنین است:

۹،۸،۵،۶،۴،۷،۳،۲،۱

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ه،ز: گفتم کیت دهان و

۳ـ ی: دهنت تا که برد راه (بیت۳ درنسخهٔ اصل دوبار کتابت شده است) ب: خودکه راه برد ط: خودکه برد ره *ك: گفتا حکایتیست ح: که با خرده دان کنند

۴ـ ح: گفتم صمد پرست مشو با صنم نشین

۵ـ ط: غم می‌برد زیاد

۷ـ ی: گفتم زنوش لعل لبانت مرا چه سود

۸ـ ح: کی بدرحجله میرود * ب،ی: گفتا سحر که مشتری ومه

۹ـ ج،ح،ی،ك: دولت تو ورد

۱۹۴

۱ واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند
چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند

۲ مشکلی دارم ز دانشمند مجلس باز پرس
توبه‌فرمایان چرا خود توبه کمتر می‌کنند

۳ گوئیا باور نمی‌دارند روز داوری
کاین همه قلب و دغل در کار داور می‌کنند

۴ بندهٔ پیر خراباتم که درویشان او
گنج را از بی‌نیازی خاک بر سر می‌کنند

۵ یا رب این نودولتان را با خر خودشان نشان
کاین همه ناز از غلام ترک و استر می‌کنند

۶ بر در میخانهٔ عشق ای مَلَک تسبیح‌گوی
کاندر آنجا طینت آدم مخمّر می‌کنند

۷ حسن بی‌پایان او چندانکه عاشق می‌کشد
زمره‌ای دیگر به عشق از غیب سر بر می‌کنند

۸ ای گدای خانقه برجه که در دیر مغان
می‌دهند آبی و دلها را توانگر می‌کنند

۹ خانه خالی کن دلا تا منزل سلطان شود
کاین هوسناکان دل و جان جای لشکر می‌کنند

۱۰ وقت صبح از عرش می‌آمد خروشی عقل گفت
قدسیان گوئی که شعر حافظ از بر می‌کنند

ب،ج،ز،ح،ط،ی،ك،ل،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ج،ی با ترتیب متن نسخهٔ ب بیت ۵ ونسخهٔ ح بیت ۹ را ندارد، درنسخه‌های ز،ح،ك بیت‌های۴ و۵ مقدم و مؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ط: ۱،۲،۵،۴،۳،۸،۶،۹،۱۰ — بیت ۷ را ندارد

ل: ۱،۲،۳،۵،۸،۷،۶،۱۰ — بیت‌های ۴ و۹ را ندارد

ن: ۱،۲،۳،۴،۶،۷،۸،۹ — بیت ۵ ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ب،ط: زاهدان‌کین ی: جلوه برمحراب * ب: شاهدان‌شان نیم‌شب خلوت منور می کنند

۳ـ ط: نمی‌دارند از روز جزا *ج،ن: همه نقش دغل درکار ح: همه قول و غزل در کار ی،ك: همه قلب دغل درکار

۴ـ ط: خراباتم که روز داوری

۵ـ ج: نودولتان هم با خرخودشان ك: نودولتان‌کز فضل چون بی‌بهره‌اند * ج:کین تنعم ازغلام ط،ك: کین‌همه‌غنج ازغلام ط: غلام وترك و

۶ـ ح،ك: بر در میخانهٔ دل ج،ن: تسبیح کن ز: تسبیح خوان ح: تسبیح‌گو *ط: کاندر اینجا

۷ـ ح: ناز بی‌پایان او * ج: ازخاك سر برمی‌کنند ن: به غیب ازعشق

۸ـ ط: خانقه بر درگه پیر مغان *ب،ط،ل،ن: می‌دهند آبی که دلها را ز،ك: دلها را منور می‌کنند

۹ـ ب: خالی‌کن بیا ی،ك،ن: خالی کن بتا ب،ز،ی،ك: تا منزل جانان شود *ج: دل وجان [جای] مسکر می‌کنند (شاید: جای عسکر) ب،ز،ی،ن: جای دیگر می‌کنند ط،ك: جای لنگر می‌کنند

۱۰ـ ط،ل،ن: صبحدم ازعرش ب،ی،ن: خروشی عشق گفت ج: خروش عقل گفت

۱۹۵

۱ دانی که چنگ و عود چه تقریر می‌کنند
پنهان خورید باده که تکفیر می‌کنند

۲ گویند رمز عشق مگوئید و مشنوید
مشکل حکایتیست که تقریر می‌کنند

۳ ناموس عشق و رونق عشّاق می‌برند
منع جوان و سرزنش پیر می‌کنند

۴ ما از برون در شده مغرور صد فریب
تا خود درون پرده چه تدبیر می‌کنند

۵ تشویش وقت پیر مغان می‌دهند باز
این سالکان نگر که چه با پیر می‌کنند

۶ صد آب رو به نیم نظر می‌توان خرید
خوبان درین معامله تقصیر می‌کنند

۷ قومی به جدّ و جهد نهادند وصل دوست
قومی دگر حواله به تقدیر می‌کنند

۸ فی‌الجمله اعتماد مکن بر ثبات دهر
کاین کارخانه‌ایست که تغییر می‌کنند

۹ می ده که شیخ و حافظ و مفتیّ و محتسب
چون نیک بنگری همه تزویر می‌کنند

ب،ج،ز،ح،ط،ی،ك،ل،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ **ب**، اما دراین نسخه بیت ۸ نیست. **با ترتیب متن نسخهٔ ج** بیت‌های ۲ و۸ ونسخهٔ **ی** بیت‌های ۲ و۷ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ح،ك: ۱،۳،۴،۵،۲،۶،۷،۹،۸

ط: ۱،۳،۲،۵،۶،۴،۷،۸،۹

ل: ۱،۳، +،۲،۴،۵،۶،۷،۸،۹

ن: ۱،۲،۴،۶،۷،۹ بیتهای ۳،۵،۸ ندارد

نسخهٔ **ل** بعد از بیت ۳ ونسخهٔ **ز** با ترتیب متن بعد ازبیت ۶ بیت زیر را افزوده‌اند:

+ جز قلب تیره هیچ نشد حاصل وهنوز　　　باطل درین خیال که اکسیر می کنند

که درنسخهٔ **ز** «باطن درین خیال» آمده است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ك،ل: باده که تعزیرمی کنند

۳ـ *ح،ط،ل: عیب جوان و

۴ـ ب: تا از درون پرده　　**ح،ن:** ما از درون درشده

۵ـ ط: میدهند وباز

۶ـ ل: صد ملك دل به‌نیم نظر　　**ی:** چندآب رو به‌نیم نظر　　*** ح:** وایشان درین معامله

۸ـ ط: اعتماد مکن برمدارچرخ　　**ز،ح،ك:** برثبات هیچ

۹ـ ز،ح،ط،ل: می خورکه شیخ و　　**ب:** شیخ و واعظ و　　**ج:** حافظ و قاضی ومحتسب　　**ك:** حافظ وصوفی ومحتسب　　**ن:** شیخ و واعظ وصوفی

۱۹۶

۱ شراب بی‌غش و ساقیِّ خوش دو دام رهند
که زیرکان جهان از کمندشان نرهند

۲ من ار چه عاشقم و رند و مست و نامه سیاه
هزار شکر که یاران شهر بی‌گنهند

۳ قدم منه به خرابات جز به شرط ادب
که ساکنان درش محرمان پادشهند

۴ جفا نه پیشهٔ درویشی است و راهروی
بیار باده که این سالکان نه مرد رهند

۵ مبین حقیر گدایان عشق را کاین قوم
شهان بی‌کمر و خسروان بی‌کلهند

۶ مکن که کوکبهٔ دلبری شکسته شود
چو بندگان بگریزند و چاکران بجهند

۷ غلام همت دردی کشان یکرنگم
نه آن گروه که ازرق لباس و دل سیهند

۸ بهوش باش که هنگام باد استغنا
هزار خرمن طاعت به نیم جو ننهند

۹ جناب عشق بلند است همّتی حافظ
که عاشقان ره بی‌همّتان به‌خود ندهند

ب،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،د،ه،ی،م** اما بیتهای ۶ و ۷ از نسخه‌های **ل،ن** افزوده شده. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ز: ۱،۲،۴،۳،۵،۸،۶،۹
ح: ۱،۲،۴،۸،۳،۵،۹
ط: ۱،۲،۴،۸،۵،۳،۹
ك: ۱،۲،۴،۸،۳،۹ بیت ۵ را ندارد
ل: ۱،۲،۴،۵،۸،۶،۷،۳،۹
ن: بیت ۹ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ه،م: ساقی چه خوش دو دام ***ه،ط،ی،ك،م:** از کمندشان نجهند
۲ـ ز،ح،ك،ن: عاشقم و مست و رند و **ی:** رند و نامه سیاه
۳ـ * ح،ك،ل: که سالکان درش
۴ـ ز،ح،ط،ی،ك،م: جفا نه شیوهٔ **ب:** درویشی است و راه ادب **م:** راه و روی
۸ـ ن: خموش باش ***ه،ز،ی،ن:** به نیم جو نخرند

۱۹۷

۱ باشد ای دل که در میکده‌ها بگشایند
گره از کار فرو بستهٔ ما بگشایند

۲ اگر از بهر دل زاهد خودبین بستند
دل قوی دار که از بهر خدا بگشایند

۳ به‌صفای دل رندان که صبوحی زدگان
بس در بسته به مفتاح دعا بگشایند

۴ نامهٔ تعزیت دختر رز بنویسید
تا حریفان همه خون از مژه‌ها بگشایند

۵ گیسوی چنگ ببرید به مرگ می ناب
تا همه مغبچگان زلف دو تا بگشایند

۶ درِ میخانه ببستند خدایا مپسند
که درِ خانهٔ تزویر و ریا بگشایند

۷ حافظ این خرقه که داری تو ببینی فردا
که چه زنّار ز زیرش به جفا بگشایند

ب،د،ه،ح،ط،ی،ك،ل،م،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ی،ل. با ترتیب متن نسخهٔ ه بیت ۵ را نـدارد و درنسخه‌های ح،ك،م بیت‌های ۲ و ۳ مقدم ومؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

د: ۱،۶،۲،۴،۵،۳،۷

ط: ۱،۲،۳،۶،۴،۵،۷

ن: ۱،۶،۲،۳،۵،۴،۷

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ه: بود ای دل ل: بودآیا که در

۲ـب،د،ه،م: زاهد خود را بستد

۳ـ ب: رندان وصبوحی ه،ط،ی،ك،ل،م،ن: رندان صبوحی

۴ـ* ه،ك،ل: تا همه مغ‌بچگان زلف دوتا بگشایند ی: که حریفان همه

ن: دختر رز برخوانید

۵ـ *ك،ل: تا حریفان همه خون از مژها بگشایند

۶ـ ب: درمیخانه چوبستند

۷ـ ك،م: تو به‌بینی روزی * م: که چو زنار ح: به خفا بگشایند

ل: بدغا بگشایند ن: به ریا بگشایند

۱۹۸

۱ کنون که در چمن آمد گل از عدم به وجود
بنفشه در قدم او نهاد سر به سجود

۲ بنوش جام صبوحی به نالهٔ دف و چنگ
ببوس غبغب ساقی به نغمهٔ نی و عود

۳ به دور گل منشین بی‌شراب و شاهد و چنگ
که همچو دور بقا هفته‌ای بود معدود

۴ شد از بروج ریاحین چو آسمان روشن
زمین به اختر میمون و طالع مسعود

۵ ز دست شاهد نازک عذار عیسی دم
شراب نوش و رها کن حدیث عاد و ثمود

۶ جهان چو خلد برین شد به دور سوسن و گل
ولی چه سود که در وی نه ممکن است خلود

۷ چو گل سوارشود بر هوا سلیمان وار
سحر که مرغ درآید به نغمهٔ داوود

۸ به‌باغ تازه کن آئین دین زردشتی
کنون که لاله برافروخت آتش نمرود

۹ بخواه جام صبوحی به یاد آصف عهد
وزیر ملک سلیمان عماد دین محمود

۱۰ بود که مجلس حافظ به یمن تربیتش
هر آنچه می‌طلبد جمله باشدش موجود

ب،ز،ح،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ل. با ترتیب متن نسخه‌های ب،ح بیت‌های ۳ و ۸ و ۱۰ ونسخهٔ ز بیت‌های ۳ و ۸ و ۹ و ۱۰ را ندارد. ترتیب نسخهٔ ك چنین است:

۱،۲،۸،۵،۶،۳،۴،۹ بیت‌های ۷ و ۱۰ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ب: که ازچمن *ز: بنفشه برقدم
۲ـ * ب،ز،ح: که همچو دور بقا هفتهٔ بود معدود
۳ـ * ل: که همچو روزبقا
۴ـ ل: شد ازخروج ریاحین
۵ـ ح: بدست شاهد
۷ـ ب،ح: سوارشود درهوا ز: سوارشود درجهان
۹ـ ك: بخواه جام لبالب ب،ح: بیاد صاحب دهر ك: بیادآصف دهر

۱۹۹

۱ سالها دفتر ما در گرو صهبا بود
رونق میکده از درس و دعای ما بود

۲ نیکی پیر مغان بین که چو ما بدمستان
هر چه کردیم به چشم کرمش زیبا بود

۳ دفتر دانش ما جمله بشوئید به می
که فلک دیدم و در کین من دانا بود

۴ از بتان آن طلب ار حسن شناسی ای دل
کاین کسی گفت که در علم نظر بینا بود

۵ دل چو پرگار به هر سو دَوَرانی می‌کرد
و اندران دایره سرگشتهٔ پا برجا بود

۶ مطرب از درد محبّت عملی می‌پرداخت
که حکیمان جهان را مژه خون پالا بود

۷ می‌شکفتم ز طرب زانکه چو گل بر لب جوی
بر سرم سایهٔ آن سرو سهی بالا بود

۸ پیر گلرنگ من اندر حق ازرق پوشان
رخصت خبث نداد ار نه حکایتها بود

۹ قلب اندودهٔ حافظ بر او خرج نشد
که معامل به همه عیب نهان بینا بود

ب۱،ب۲،ز،ح،ط،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ **ل**. با ترتیب متن نسخه‌های **ب۱،ب۲،ز،ی،م** بیت ۴ را ندارند. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ح: ۱،۲،۳،۵،۶،۷،۴،۸،۹

ط: ۱،۲،۵،۷،۴،۸،۹ — بیتهای ۳ و ۶ را ندارد

ك: ۱،۲،۳،۵،۶،۷،۸،۲،۹

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * **ح:** از درس دعای ما

۲ـ * **ط:** بعین کرمش

۳ـ **ب۱:** جمله بشورید بمی * **ل:** دیدم و درقصد دل دانا **ح،ك:** دیدم و درکین دل دانا

۴ـ * **ط،ك:** درعلم نظر دانا بود

۵ـ **ب۱،ب۲،ز:** چو پرگار ز هرسو **ك:** بهرسویی دوران می‌کرد **ی:** بهرسوی که دورانی زد **ز:** دوران میزد * **ی:** اندرآن دایره‌سرگشتهو پا برجا بود **م:** سرگشتهٔ ناپروا

۶ـ **م:** عملی خوش پرداخت

۷ـ **ب۱،ب۲:** من شکفتم زطرب **ك:** می‌شکفتم بطرب **ح:** برلب جو

۸ـ * **ح،ك:**رخصت کفرنداد **م:** رخصت عیب نداد **ح،ك:** ارچه‌حکایتها

۹ـ **ی:** بر اوخرج مکن * **ل:** کاین معامل **ح:** عیب نهان پیدا بود

۲۰۰

۱ یاد باد آنکه نهانت نظری با ما بود
رقم مهر تو بر چهرهٔ ما پیدا بود

۲ یاد باد آنکه چو چشمت به عتابم می‌کشت
معجز عیسویت در لب شکّرخا بود

۳ یاد باد آنکه صبوحی زده در مجلس انس
جز من و یار نبودیم و خدا با ما بود

۴ یاد باد آنکه رخت شمع طرب می‌افروخت
وین دل سوخته پروانهٔ ناپروا بود

۵ یاد باد آنکه در آن بزمگه خلق و ادب
آنکه او خندهٔ مستانه زدی صهبا بود

۶ یاد باد آنکه چو یاقوت قدح خنده زدی
در میان من و لعل تو حکایتها بود

۷ یاد باد آنکه مه من چو کله بر بستی
در رکابش مه نو پیک جهان پیما بود

۸ یاد باد آنکه خراباتنشین بودم و مست
وانچه در مسجدم امروز کم است آنجا بود

۹ یاد باد آنکه به‌اصلاح شما می‌شد راست
نظم هر گوهر ناسفته که حافظ را بود

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ **ل.** با ترتیب متن نسخه‌های **ب،ی** بیت ۸ را ندارند، نسخهٔ **ه** بیتهای ۷ و ۸ راندارد وبیتهای ۵و۶ آن مقدم ومؤخر است، درنسخهٔ **ز** بیتهای ۸ و ۹ مقدم ومؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ح،ك: ۱، ۲، ۳، ۶، ۸، ۷، ۵، ۴، ۹

ط: ۱، ۴، ۵، ۲، ۷ بیتهای ۳ و۶ و۸ و ۹ را ندارد

م: ۱، ۳، ۲، ۸، ۴، ۵، ۶، ۷، ۹

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ * **ب،ط:** اثر مهر تو **ح:** رقم عفو تو **ط:** درچهرهٔ ما **ی،م:** از چهرهٔ ما **ك:** چهرهٔ ما زیبا بود

۲ــ * **ه:** معجز عیسوی اندر لب

۳ــ * **ح:** نبودیم خدا آنجا بود

۴ــ * **ی:** زین دل سوخته **ه،ط:** پروانهٔ پا برجا بود

۵ــ **ط:** یاد بادانکه درین مجلس تمکین و ادب

۷ــ **ل:** یاد بادآنکه نگارم چوکمر بربستی **م:** چو کُله بربستی

۸ــ * **ح،ك:** امروزنبود آنجا بود

۹ــ * **ح:** هر درگوهر ناسفته

۲۰۱

۱ تا ز میخانه و می نام و نشان خواهد بود
سر ما خاک ره پیر مغان خواهد بود

۲ حلقهٔ پیر مغان از ازلم در گوش است
بر همانیم که بودیم و همان خواهد بود

۳ بر سر تربت ما چون گذری همّت خواه
که زیارتگه رندان جهان خواهد بود

۴ برو ای زاهد خودبین که ز چشم من و تو
راز این پرده نهانست و نهان خواهد بود

۵ ترک عاشق کش من مست برون رفت امروز
تا دگر خون که از دیده روان خواهد بود

۶ چشمم آن شب که ز شوق تو نهم سر به لحد
تا دم صبح قیامت نگران خواهد بود

۷ بخت حافظ گر ازین دست مدد خواهد داد
زلف معشوقه به دست دگران خواهد بود

ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،د،ه،ز،ط،ی،ل،م. با ترتیب متن نسخهٔ ج بیت ۵ را ندارد، نسخهٔ ح بعد از بیت ۳ و نسخهٔ ك بعد از بیت ۲ بیت زیر را افزوده‌اند:

بر زمینی که نشان کف پای تو بود   سالها سجدهٔ صاحب نظران خواهد بود

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ز: سرما درقدم پیرمغان   ج،د،ط: خاك درپیرمغان

۲ـ ز،ط: حلقهٔ پیرمغانم ز ازل درگوش است   * ب،ز،ط: برهمانیم که گفتیم و

۴ـ * ط: نهانست نهان

۵ـ ح: عاشق کش سرمست   ط: ترك عاشق کش من دوش برون آمد مست

۶ـ ز،ی،ل: چشمم آن دم   ط: دیده آن شب که زشوق   ب،ز،ط،ی،ل،م: که زشوق تو نهد   ك: که زعشق تو نهد

۷ـ ج،ه،ز،ح،ط،ك،ل،م: گر ازین‌گونه   د: گر ازین نوع مدد
د،ه،ز،ك،ل: مدد خواهد کرد   * د،ز،ح،ط،ك: زلف معشوق

۲۰۲

۱ پیش ازینت بیش ازین اندیشهٔ عشّاق بود
مهرورزی تو با ما شهرهٔ آفاق بود

۲ بر در شاهم گدائی نکته‌ای در کار کرد
گفت بر هر خوان که بنشستم خدا رزّاق بود

۳ یاد باد آن صحبت شبها که با نوشین لبان
بحث سرّ عشق و ذکر حلقهٔ عشّاق بود

۴ حسن مهرویان مجلس گرچه دل می‌برد و دین
بحث ما در لطف طبع و خوبی اخلاق بود

۵ از دم صبح ازل تا آخر شام ابد
دوستی و مهر بر یک عهد و یک میثاق بود

۶ پیش ازین کان سقف سبز و طاق مینا بر کشند
منظر چشم مرا ابروی جانان طاق بود

۷ سایهٔ معشوق اگر افتاد بر عاشق چه شد
ما به او محتاج بودیم او به ما مشتاق بود

۸ رشتهٔ تسبیح اگر بگسست معذورم بدار
دستم اندر ساعد ساقی سیمین ساق بود

۹ در شب قدر ار صبوحی کرده‌ام عیبم مکن
سر خوش آمد یار و جامی بر کنار طاق بود

۱۰ شعر حافظ در زمان آدم اندر باغ خلد
دفتر نسرین و گل را زینت اوراق بود

ب،ج،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ج، اما این نسخه بیت‌های ۹ و ۱۰ را ندارد. ترتیب‌نسخه‌های دیگر چنین است:

ب: ۱،۳،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰	بیت‌های ۲ و۴ را ندارد
ح،ی: ۱،۳،۶،۵،۷،۸،۹،۱۰	بیت‌های ۲ و۴ را ندارند
ط: ۱،۴،۸،۶،۷،۵،۲،۱۰	بیت‌های ۳ و۹ را ندارد
ك: ۱،۳،۶،۵،۷،۸،۱۰	بیت‌های ۲ و۴و۹ را ندارد
ل: ۱،۳،۶،۵،۷،۴،۲،۸،۹،۱۰	
م: ۱،۳،۴،۶،۵،۷،۸،۹،۱۰	بیت ۲ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ح،ی،ك: بیش‌ازیــن غمخواری عشاق م: بیش ازین دلداری عشاق
* ج: کوکب بخت مرا صد جلوه در افاق بود ط،ی: کوکب سعد مــرا صد جلوه درآفاق بود

۲ـ ط: بردرشاهی‌گدائی

۳ـ ج،ی،م: شبها که با زلف توام ح،ك: شبهاکه با شیرین لبان * ب،ح: بحث مادرلطف طبع وخوبی اخلاق بود ی: مهرورزی‌بود وباما شهرهٔ آفاق بود ك: بحث ما درخوبی و درلطف و در اخلاق بود

۴ـ ج،م: عشق مه رویان مجلس ط: مه رویان بمجلس * ج: عشق‌جای لطف طبع و ط: عشق ما هم لطف طبع و م: عشق ما برلطف طبع و

۶ـ ح،ط،ك: پیش ازآن ط،ی: سقف سبز طاق ب: طاق مینا برکشید ج: طاق ایوان برکشند ك: طاق مینایی‌کشند

۷ـ ی: برعاشق چه باك

۸ـ * ل: اندر دامن ساقی

۹ـ ج،ح،ی،ل،م: کرده‌ایم

۲۰۳

۱ یاد باد آنکه سر کوی توام منزل بود
دیده را روشنی از خاک درت حاصل بود

۲ راست چون سوسن و گل از اثر صحبت پاک
در زبان بود مرا هرچه ترا در دل بود

۳ دل چو از پیر خرد نقل معانی می‌کرد
عشق می‌گفت به‌شرح آنچه بر او مشکل بود

۴ در دلم بود که بی دوست نباشم هرگز
چه توان کرد که سعی من و دل باطل بود

۵ دوش بر یاد حریفان به خرابات شدم
خم می دیدم خون در دل و سر در گل بود

۶ بس بگشتم که بپرسم سبب درد فراق
مفتی عقل درین مسئله لایعقل بود

۷ راستی خاتم فیروزهٔ بو اسحاقی
خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود

۸ دیدی آن قهقههٔ کبک خرامان حافظ
که ز سر پنجهٔ شاهین قضا غافل بود

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ز،ی،م**. با ترتیب متن نسخهٔ **ه** بیت ۷، نسخهٔ **ح** بیت ۵ ونسخهٔ **ط** بیت‌های ۶ و ۸ را ندارد، نسخهٔ **ك** بیت ۷ را ندارد وبعد از بیت۶ بیت زیر را افزوده است:

آه ازین جور و تظلم که درین دامگه است
واه ازین ناز و تجمل که دران محفل بود

ونسخهٔ **ل** بعد از بیت ۳ بیت زیر را افزوده است:

آه از آن جور و تطاول که درین دامگه است
آه از آن سوز و نیازی که در آن محفل بود

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ **ط**: یاد بادانکه سرزلف توم
۲ـ **ط**: صحبت یار * **ح،ك،ل**: برزبان بود **ك**: ترا هرچه مرا
ل: مرا آنچه ترا
۳ـ **ی**: دل چو از پیرمغان **ح**: نقل معما میکرد * **ز**: آنچه بدومشکل بود
ح،ك: آنچه بدل مشکل بود
۴ـ * **ح،ك**: چوسعی من و دل
۵ـ * **ب،ه،ز،ط،ی،ك**: دیدم وخون **ل**: پا درگل بود **ك**: برگل بود
۶ـ **ح،ك**: بس که گشتم **ح**: که‌بپرسم صفت درد * **ی،ك**: مفتی‌عشق درین
۷ـ * **ط**: ولی دولت ما غافل بود
۸ـ **ی**: زدی آن قهقههٔ

۲۰۴

۱ دوش در حلقهٔ ما قصّهٔ گیسوی تو بود

تا دل شب سخن از سلسلهٔ موی تو بود

۲ دل که از ناوک مژگان تو در خون می‌گشت

باز مشتاق کمانخانهٔ ابروی تو بود

۳ هم عفاالله صبا کز تو پیامی می‌داد

ورنه در کس نرسیدیم که از کوی تو بود

۴ عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت

فتنه‌انگیز جهان غمزهٔ جادوی تو بود

۵ من سرگشته هم از اهل سلامت بودم

دام راهم شکن طرّهٔ هندوی تو بود

۶ بگشا بند قبا تا بگشاید دل من

که گشادی که مرا بود ز پهلوی تو بود

۷ به وفای تو که بر تربت حافظ بگذر

کز جهان می‌شد و در آرزوی روی تو بود

ب،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **د،ه،ز،ط،ی،ل.** با ترتیب متن درنسخهٔ **ب** بیت‌های ۴ و ۵ مقدم ومؤخر است ونسخهٔ **م** بیت ۵ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ح: ۱،۲،۵،۳،۴،۶،۷

ك: ۱،۵،۲،۳،۴،۶،۷

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ب: سخن سلسلهٔ

۲ـ * ب،ی: مشتاق کمان مهرهٔ ابروی **د:** مشتاق کمان گوشهٔ ابروی

۳ـ د،ز،ط،ك: هم عفاالله ز صبا **ح:** پیامی دارد *** م:** که در کوی تو بود

۴ـ ی: خبر هیچ نداد

۵ـ * ی: طرهٔ گیسوی تو بود

۲۰۵

۱ دوش می‌آمد و رخساره بر افروخته بود
تا کجا باز دل غمزده‌ای سوخته بود

۲ رسم عاشق کشی و شیوهٔ شهرآشوبی
جامه‌ای بود که بر قامت او دوخته بود

۳ جان عشّاق سپند رخ خود می‌دانست
واتش چهره به این کار بر افروخته بود

۴ کفر زلفش ره دین می‌زد و آن سنگین دل
در رهش مشعله از چهره بر افروخته بود

۵ گرچه می‌گفت که زارت بکشم می‌دیدم
که نهانش نظری با من دلسوخته بود

۶ دل بسی خون به‌هم آورد ولی دیده بریخت
الله الله که تلف کرد و که اندوخته بود

۷ یار مفروش به دنیا که بسی سود نکرد
آنکه یوسف به زر ناسره بفروخته بود

۸ گفت و خوش گفت برو خرقه بسوزان حافظ
یا رب این قلب‌شناسی ز که آموخته بود

ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ك،ل،م،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ه،ز،ن.** با ترتیب متن در نسخهٔ **ط** بیت‌های ۶ و ۷ و در نسخهٔ **ل** بیت‌های ۴ و ۵ مقدم و مؤخر است. نسخهٔ **ج** بیت ۵، نسخهٔ **د** بیت ۳، نسخهٔ **ه** بیت ۶ ونسخهٔ **ط** بیت ۳ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ح،ك: ۱، ۲، ۴، ۳، ۵، ۶، ۷، ۸

م: ۱، ۴، ۲، ۳، ۵، ۶، ۷، ۸

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ك: رخسار

۳ـ ه: دل عشاق *ج،ح: آتش چهره **ن:** آتش عشق **ه،ز، ل،م:** چهره بدین کار

۴ـ *ل،م: در پیش **ج،ط،ك،ل:** مشعلی از **ط،ك:** شعلهٔ از

۵ـ ح: بکشم دانستم

۶ـ ج،د،ز،ح،ط،ك،ل: خون بکف آورد

۷ـ ب: بدنیی **ج،ه،ز:** بدنیا که‌کس این سود نکرد **ط:** هرکه یك ذره وصالش بدو عالم نخرند **ح،ك:** هرکه یك لحظه وصالش بدوعالم بفروخت * **ج:** زانك یوسف **ح،ط،ك:** یوسف خود بزرناسره

۸ـ م: گفت وخوش گفت که حافظ برو وخرقه بسوز **ه،ح،ك:** خرقه بسوز ای حافظ

۲۰۶

۱ یک دو جامم دی سحرگه اتّفاق افتاده بود
وز لب ساقی شرابم در مذاق افتاده بود

۲ از سر مستی دگر با شاهد عهد شباب
رجعتی می‌خواستم لیکن طلاق افتاده بود

۳ در مقامات طریقت هر کجا کردیم سیر
عافیت را با نظربازی فراق افتاده بود

۴ ساقیا جام دمادم ده که در سیر طریق
هر که عاشق وش نیامد در نفاق افتاده بود

۵ نقش می‌بستم که گیرم گوشه‌ای زان چشم مست
طاقت صبر از خم ابروش طاق افتاده بود

۶ ای معبّر مژده‌ای فرما که دوشم آفتاب
در شکر خواب صبوحی هم وثاق افتاده بود

۷ حافظ آن ساعت که این نظم پریشان می‌نوشت
طایر فکرش به دام اشتیاق افتاده بود

۸ گر نکردی نصرت دین شاه یحیی از کرم
کار ملک و دین ز نظم و اتّساق افتاده بود

ب،ه،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق‌است با نسخه‌های ب،ه،ح،ط،ی،ك، اما این نسخه‌ها بیت۸ را ندارند.
باترتیب متن‌در نسخهٔ ل بیت‌های ۵و۶ مقدم ومؤخر شده است. ترتیب نسخهٔ م چنین است:
۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۳، ۸

اختلاف نسخه‌ها

۳ـ * ح،ك: با نظر گویی ه: طلاق افتاده بود
۴ـ ح،ك: جامی پیاپی ده * ح،ط،ك: عاشق‌وش نباشد ب: در نقاب افتاده بود ط: دد فراق افتاده بود
۵ـ * ط،ل،م: طاقت وصبر ط: عاقبت صبر
۶ـ * ی: صبوحی هم تفاق افتاده بود
۷ـ ط: که این خط پریشان م: نظم ثمین را می‌نوشت * ب: طاقت فکرش م: بدامی اتفاق افتاده بود

۲۰۷

۱ گوهر مخزن اسرار همان است که بود
حقّهٔ مِهر بدان مُهر و نشانست که بود

۲ عاشقان زمرهٔ ارباب امانت باشند
لاجرم چشم گهربار همانست که بود

۳ از صبا پرس که ما را همه شب تا دم صبح
بوی زلف تو همان مونس جانست که بود

۴ طالب لعل و گهر نیست وگرنه خورشید
همچنان در عمل معدن و کانست که بود

۵ کشتهٔ غمزهٔ خود را به زیارت می آی
زانکه بیچاره همان دل نگرانست که بود

۶ رنگ خون دل ما را که نهان می‌کردی
همچنان در لب لعل تو عیانست که بود

۷ زلف هندوی تو گفتم که دگر ره نزند
سالها رفت و بدان سیرت و سانست که بود

۸ حافظا باز نما قصّهٔ خونابهٔ چشم
که درین چشمه همان آب روانست که بود

ب،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،د،ز،ط،ی،ل،م**. **با ترتیب متن نسخهٔ ه بیت ۷ را** ندارد. ترتیب نسخه‌های **ح،ك** چنین است:

۱،۴،۲،۳،۵،۶،۷،۸

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ط: عاشقان زندهٔ ارباب   **ح،ك:** عاشقان محرم اسرار امانت   **د:** امانت باشد

۳ـ ط: تا در صبح

۴ـ ك: وگرنی خورشید

۵ـ ط،ل: به زیارت درياب   **م:** بزيارت بازآ   *** ط:** زانك درخاك همان

۶ـ ل،م: که نهان می‌داری   **ط:** که نهان می‌کردند   *** ط،م:** لعل تو نهانست که بود

۷ـ ط: که دگر ره نبرد   *** ط،ك:** سالها رفت و بران   **د،م:** سیرت و شانست که بود   **ط:** سیر وشتابست که بود   **ی:** بدان عهد ونشان است که بود

۸ـ * ل: که برین چشمه   **ح،ك:** که درین جوی نه‌ان   **د،ه،م:** چشمه بران

۲۰۸

۱ به‌کوی میکده یا رب سحر چه مشغله بود
که جوش شاهد و ساقی و شمع و مشعله بود

۲ حدیث عشق که از حرف و صوت مستغنیست
به نالهٔ دف و نی در خروش و ولوله بود

۳ مباحثی که در آن مجلس جنون می‌رفت
ورای مدرسه و قال و قیل مسئله بود

۴ دل از کرشمهٔ ساقی به شکر بود ولی
ز نامساعدی بختش اندکی گله بود

۵ قیاس کردم و آن چشم جادوانهٔ مست
هزار ساحر چون سامریش در گله بود

۶ بگفتمش به لبم بوسه‌ای حوالت کن
به خنده گفت کی‌ات با من این معامله بود

۷ ز اخترم نظری سعد در رهست که دوش
میان ماه و رخ یار من مقابله بود

۸ دهان یار که درمان درد حافظ داشت
فغان که وقت مروّت چه تنگ حوصله بود

ب،ﻫ،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ح،ط،ی،ك،ل،م**. با ترتیب متن نسخهٔ **ﻫ** بیت ۳ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ك: عشق که از حد وصف * **ب:** درخروش مشغله بود **ﻫ،ح،ط،ی،ك،م:** درخروش و غلغله بود

۳ـ ح،ط،ك: که دران حلقهٔ جنون * **ح،ط،ی:** مدرسه وقیل وقال

۴ـ * ح،ك: زنامساعدی بختم

۵ـ ط: قیاس کردم ازان **ح:** آن شوخ چشم شعبده باز **ك:** آن چشم‌شوخ شعبده باز **م:** آن چشم آهوانهٔ مست

۶ـ ط: چوگفتمش **ط،م:** بلبت بوسهٔ * **م:** گفت لبت با من

۷ـ م: ز اخترت نظری **ط:** نظرسعد * **ب،ﻫ،ك:** ما و رخ **ی:** رخ ماه من

۲۰۹

۱ دیدم به خواب خوش که بـه دستم پـیاله بـود
تـعبیر رفـت و کـار بـه دولت حـواله بـود

۲ چـل سال رنـج و غصّه کشیدیـم و عاقـبت
تـدبیر مـا بـه دست شراب دو ساله بـود

۳ آن نـافهٔ مـراد کـه مـی‌خـواستم ز بـخت
در چین زلف آن بت مشکین کـلاله بـود

۴ از دست بـرده بـود خمار غمم سحـر
دولت مساعد آمـد و مـی در پـیاله بـود

۵ بـر آستان مـیکده خـون مـی‌خـورم مـدام
روزیّ مـا ز خـوان کـرم ایـن نـواله بـود

۶ هر کـاو نکاشت مـهر و ز خـوبی گـلی نـچید
در رهگذار بـاد نگهبان لاله بـود

۷ بـر طـرف گـلشنم گـذر افـتاد وقـت صبح
آن دم کـه کـار مـرغ چمن آه و نـاله بـود

۸ دیـدیم شعـر دلکش حـافظ بـه مـدح شاه
یک بـیت از آن سفینه بـه از صد رساله بـود

۹ آن شاه تـند حمله کـه خـورشید شیر گـیر
پـیشش بـه روز مـعرکه کـمتر غزاله بـود

ب،ج،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است بـا نسخه‌های ز،ل. با ترتیب متن نسخه‌های ب،ج،ح،ی بیت ۹، نسخه‌های ه،ط،ك بیت‌های ۶ و۹ ونسخهٔ م بیت‌های ۸ و ۹ را ندارد. نسخه‌هـای ح،ك بعد ازبیت ۷ بیت زیر را افزوده‌اند:

+ آتش فکند در دل مرغان نسیم باغ   زان داغ سر بمهر که برجان لاله بود

نسخهٔ م بعد ازبیت ۷ بیت زیر را افزوده است:

+ آتش فکند در دل حافظ نسیم باغ   ... اغ سر بمهر کـه در جـان لاله بود

ترتیب نسخهٔ ط چنین است: ۸،۷،۵،۲،۴،۳،۱

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ * ط: تعبیر رفت کار

۲ــ ب،ه،ز: سی‌سال رنج و   ح،ط،ك: چل سال درد وغصه   * ج،ز، ح،ك،م: تدبیر آن   ج: بجام شراب

۴ــ ز: از دست رفته بود وجود ضعیف من   ب،ج،ه: برده‌بود وجودم خمارغم   ط: خمار غمم ولی

۵ــ ز: خون میخوردم ولیك نه جای شکایتست   ط: خون میخوریم ما و نه جای شکایتست   م: خون می‌خورم ولیك چه‌جای شکایتست   ج: می کده غم میخوردم   * ل: زخوان قدر   ح،ك: زخوان فلك

۶ــ ی: مهر زخوبی   م: مهر و زشادی‌گلی   * ج،ز: در ره‌گذارباغ

۷ــ * ط،ل: کار مرغ سحر

۸ــ ط: گل برجریده گفتهٔ حافظ همی‌نوشت   ح،ك: این بود شعر دلکش حافظ   * ز: هربیت   ط،ل: بیت ازین قصیده به از   ط: شعری که نکته‌ایش به از صد رساله بود

۲۱۰

۱ آن یار کزو خانهٔ ما جای پری بود
سر تا قدمش چون پری از عیب بری بود

۲ دل گفت فروکش کنم این شهر به بویش
بیچاره ندانست که یارش سفری بود

۳ منظور خردمند من آن ماه که او را
با حسن ادب شیوهٔ صاحب نظری بود

۴ از چنگ منش اختر بد مهر بدر برد
آری چکنم دولت دور قمری بود

۵ عذری بنه ای دل که تو درویشی و او را
در مملکت حسن سر تاجوری بود

۶ تنها نه ز راز دل ما پرده بر افتاد
تا بود فلک شیوهٔ او پرده دری بود

۷ اوقات خوش آن بود که با دوست به سر رفت
باقی همه بی‌حاصلی و بی‌خبری بود

۸ خوش بود لب آب و گل و سبزه ولیکن
افسوس که آن گنج روان رهگذری بود

۹ خود را بکشد بلبل ازین رشک که گل را
با باد صبا وقت سحر جلوه‌گری بود

۱۰ هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ
از یمن دعای شب و درس سحری بود

ب،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق‌است با نسخه‌های **ب،م.** با ترتیب متن نسخهٔ **ط** بیت‌های ۵ و ۷ و ۹ ونسخهٔ ی بیت ۸ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ز،ل: ۱،۲،۶،۳،۴،۵،۷،۸،۹،۱۰

ح: ۱،۲،۴،۶،۸،۹،۷،۱۰ بیت‌های ۳ و ۵ را ندارد

ك: ۱،۲،۴،۵،۳،۶،۸،۹،۷،۱۰

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ **ط:** دل گفت ببویش کنم این مهرفراموش

۳ـ **ط:** منظورهنرمند من **ز:** آن ماه که امروز **ك:** آن یارکه او را

* **ط:** درحسن و ادب

۴ـ * **ح:** چکنم گردش دور **ك:** چکنم محنت دور

۵ـ * **ك:** حسن بسر تاج وری **م:** حسن وهنر تاجوری

۶ـ **ل:** ز راز دل من * **ط:** فلك پیشهٔ او

۷ـ **ی:** که با دوست بسر برد

۸ـ **ل:** گل وسبزه ونسرین * **ح:** این کنج روان **ب،ز:** کنج کهر ره گذری

۹ـ **ل:** خود را بکش ای بلبل * **ح،ك:** وقت سحر برده دری بود

۱۰ـ * **ح،ط،ك،ل:** شب و ورد سحری

۲۱۱

۱ مسلمانان مرا وقتی دلی بود
که با وی گفتمی گر مشکلی بود

۲ به گردابی چو می‌افتادم از غم
به تدبیرش امید ساحلی بود

۳ دلی همدرد و یاری مصلحت بین
که استظهار هر اهل دلی بود

۴ ز من ضایع شد اندر کوی جانان
چه دامنگیر یا رب منزلی بود

۵ هنر بی‌عیب حرمان نیست لیکن
ز من محروم‌تر کی سائلی بود

۶ برین جان پریشان رحمت آرید
که وقتی کاردانی کاملی بود

۷ مرا تا عشق تعلیم سخن کرد
حدیثم نکتهٔ هر محفلی بود

۸ مگو دیگر که حافظ نکته‌دانست
که ما دیدیم و محکم غافلی بود

ب،ه،ز،ح،ط،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ل،م.** با ترتیب متن نسخهٔ **ه** بیت ۵ را ندارد، در نسخهٔ **ز** بیت‌های ۶ و۷، در نسخه‌های **ح،ك** بیت‌های ۲ و ۳ و بیت‌های ۵ و ۶ و درنسخهٔ **ط** بیت‌های ۲ و۳ مقدم ومؤخر است ونیز بیت ۵ را ندارد. نسخه‌های **ح،ك** بعد ازبیت ۵ بیت زیر را افزوده‌اند:

+ سرشکم در طلب دُرها چکانید　　　ولی از وصل او بی‌حاصلی بود

که درنسخهٔ **ك** «چکاند» آمده است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ * ك: که با او گفتمی

۲ــ ط: بکردآبی که من افتادم از چشم　　　**ب،ه،ز،ح،ك:** می‌افتادم ازچشم

*** ط:** پس ازغرقم امید

۳ــ ز: دلی پردرد　　　**ط:** دلی هم درد بود ومصلحت بین

۵ــ * ح،ك: ازو محروم‌تر

۶ــ ب،ز: بدین جان پریشان　　　**ه:** بدین حال پریشان　　　**ط:** برین مست‌پریشان

ك: بران مست پریشان　　　**ز:** رحمت‌آور　　　*** ط:** که روزی‌کاردانی

۷ــ ح: تعلیم سخن داد

۸ــ * ل: محکم جاهلی

۲۱۲

۱ در ازل هر کاو به فیض دولت ارزانی بود
تا ابد جام مرادش همدم جانی بود

۲ من همان ساعت که از می خواستم شد توبه‌کار
گفتم این شاخ ار دهد باری پشیمانی بود

۳ خود گرفتم کافکنم سجّاده چون سوسن به دوش
همچو گل بر خرقه رنگ می مسلمانی بود

۴ بی‌چراغ جام در خلوت نمی‌یارم نشست
زانکه کنج اهل دل باید که نورانی بود

۵ همّت عالی طلب جام مرصّع گو مباش
رند را آب عنب یاقوت رمّانی بود

۶ گرچه بی‌سامان نماید کار ما سهلش مبین
کاندرین کشور گدائی رشک سلطانی بود

۷ نیکنامی خواهی ای دل با بدان صحبت مدار
بدپسندی جان من برهان نادانی بود

۸ مجلس انس و بهار و بحث شعر اندر میان
نستدن جام می از جانان گرانجانی بود

۹ دی عزیزی گفت حافظ می‌خورد پنهان شراب
ای عزیز من نه عیب آن به که پنهانی بود

ب،ج،ه،ز،ح،ط،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ **ل**. با ترتیب متن نسخه‌های **ب،ج،ز،ط،م** بیت‌های ۷ و ۸ ونسخهٔ **ه** بیت‌های ۵ و ۶ و ۷ و ۸ را ندارد، درنسخهٔ **ط** بیت‌های ۲ و ۳ مقدم و مؤخر است.
ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ح: ۱،۲،۳، +، ۸،۴،۵،۶،۹ بیت ۷ را ندارد

ك: ۱،۲،۳، +، ۸،۴،۵،۷،۶،۹

+ خلوت ما را فروغ از عکس شمع و باده داد
زانك کنج اهل دل باید که نورانی بود

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ج: که از وی خواستم

۳ـ ز: من گرفتم کافکنم **ط:** سجادهٔ تقوی براب **ح،ك:** سوسن براب * **ح:** رنگ می پریشانی بود **ك:** رنگ می پشیمانی بود

۴ـ ب: بی چراغ و جام * **ل:** زانکه گنج اهل **م:** زانکه اهل کنج دل **ب:** بایدکه ویرانی بود **ح،ك:** رند را آب عنب یاقوت رمانی بود

۵ـ ب: همتی عالی طلب * **ح،ك:** وقت‌گل مستوری مستان زنادانی‌بود

۶ـ ج: کار ما عیبش مکن **ح:** کار ما سهلش مدار * **م:** کاندران‌کشور

۷ـ ***ل:** خودپسندی

۸ـ ح،ك: بحث عشق اندرمیان

۹ـ ج،ط: گفت پنهان می‌خورد حافظ شراب

۲۱۳

۱ خستگان را چو طلب باشد و قوّت نبود
گر تو بیداد کنی شرط مروّت نبود

۲ ما جفا از تو نبینیم و تو خود نپسندی
آنچه در مذهب اصحاب طریقت نبود

۳ خیره آن دیده که آبش نبرد گریهٔ عشق
تیره آن دل که درو شمع محبّت نبود

۴ دولت از مرغ همایون طلب و سایهٔ او
زانکه با زاغ و زغن شهپر دولت نبود

۵ گر من از میکده همّت طلبم عیب مکن
شیخ ما گفت که در صومعه همّت نبود

۶ چون طهارت نبود کعبه و بتخانه یکیست
نبود خیر در آن خانه که عصمت نبود

۷ حافظا علم و ادب ورز که در مجلس خاص
هر که را نیست ادب لایق صحبت نبود

الف،ب،د،ه،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **الف،ب،د،ط،ی،ل،م**. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ه: ۱،۲،۳،۵،۶،+،۷ بیت ۴ را ندارد

ح: ۱،۲،۳،۴،+،۶،×،۵،۷

ك: ۱،۲،+،۶،×،۵،۷ بیت‌های ۳ و ۴ را ندارد

+ تا بافسون نکند جادوی چشم تومدد **نــور در سوختــن شمع محبت نبود**

که درنسخهٔ ح مصراع اول به‌صورت «تابافسون نکشد جادوی چشم تومرا» آمده‌است.

× چون‌چنین‌نیك زسررشتهٔ خودبا خبرم آن مبادا کــه **طلب کــاری دولت نبود**

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ح،ط،ك: گر تو افسوس‌کنی **ك:** جای مروت

۲ـ ط: ما جفا در تو **د،ح،ك،ل:** از توندیدیم و **ط: در تو نه‌بینیم و**
م: از تو نمی‌بینم و **ح،ط،ك:** توهرگز نکنی ***ل:** مذهب ارباب طریقت **ح،ط،ك:** مذهب پیران طریقت

۳ـ الف: حیرت‌آن دیده که هیچش نبود گریهٔ عشق **ط: خرم‌آن دیده**
ح،ط: که آبش ببرد *** د،م:** درو شمع مودت **ط: دروشرط محبت**

۴ـ * الف،ب،د،ی،م: شهپرهمت نبود

۵ـ ح،ك،ل: گر مدد خواستم ازپیرمغان عیب مکن **د: میکده دیدم طلبش‌عیب** مکن *** د،ح:** پیر ما گفت

۶ـ ب: جوطهارت‌نبود

۷ـ ح،ط،ك،ل: که در مجلس شاه **ك:** که در صحبت شاه

۲۱۴

۱ قتل این خسته به شمشیر تو تقدیر نبود
ورنه هیچ از دل بی‌رحم تو تقصیر نبود

۲ من دیوانه چو زلف تو رها می‌کردم
هیچ لایق‌ترم از حلقهٔ زنجیر نبود

۳ یا رب آئینهٔ حسن تو چه جوهر دارد
که درو آه مرا قوّت تأثیر نبود

۴ سر ز حیرت به در میکده‌ها بر کردم
چون شناسای تو در صومعه یک پیر نبود

۵ نازنین‌تر ز قدت در چمن ناز نرست
خوشتر از نقش تو در عالم تصویر نبود

۶ تا مگر همچو صبا باز به کوی تو رسم
حاصلم دوش بجز نالهٔ شبگیر نبود

۷ آن کشیدم ز تو ای آتش هجران که چو شمع
جز فنای خودم از دست تو تدبیر نبود

۸ آیتی بود عذاب انده حافظ بی‌دوست
که بر هیچکسش حاجت تفسیر نبود

ب،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ز،ی،ل،م. با ترتیب متن نسخهٔ ط بیت ۶ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ب: ۱،۳،۴،۲،۵،۶،۷،۸

ح: ۱،۳،۴،۶،۵،۲،۷،۸

ك: ۱،۳،۴،۵،۲،۷،۸ بیت ۶ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ك: ورنه ازجانب بی‌رحم تو

۲ـ * ی: هیچ لایق‌تر ازین حلقهٔ

۳ـ ل: یارب این‌آینهٔ‌حسن‌چه ح،ك: آینهٔ لطف توچه م: آینهٔ زلف‌تو
* ی: قوت و تأثیر

۴ـ ل: سرزحسرت ب،ح،ط،ك،م: بمی ومیکدها * ب: که‌شناسای‌تو
ی: چوشناسای تو

۵ـ ح،ك: نازنین سرو تو تا درچمن * ك: خوشتر ازعشق تو

۷ـ * ح،ك: خودم ازعشق تو ز،ح،ك: توفبرنبود

۸ـ ز: آتشی بود ز،ح،ك،ل: حافظ بی‌تو

۲۱۵

۱ از دیده خون دل همه بر روی ما رود
بر روی ما ز دیده نبینی چها رود

۲ ما در درون سینه هوائی نهفته‌ایم
بر باد اگر رود دل ما زان هوا رود

۳ بر خاک راه یار نهادیم روی خویش
بر روی ما رواست اگر آشنا رود

۴ سیل است آب دیده و بر هر که بگذرد
گر چه دلش ز سنگ بود هم ز جا رود

۵ ما را به آب دیده شب و روز ماجراست
زان رهگذر که بر سر کویش چرا رود

۶ خورشید خاوری کند از رشک جامه چاک
گر ماه مهرپرور من در قبا رود

۷ حافظ به کوی میکده دایم به صدق دل
چون صوفیان صومعه‌دار از صفا رود

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب‌ابیات

متن مطابق است با نسخه‌هـای **ه،ز،ی،ك،م.** با ترتیب متن نسخه‌های **ب،ح** بیت های ۶ و۷ را ندارند. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ط: ۱،۲،۳،۶،۴،۵،۷

ل: ۱،۲،۶،۳،۴،۵،۷

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * **ز،ط،ل:** چگویم چهارود

۳ـ **ح:** برخاك پای یار **ط:** راه دوست نهادیم * **م:** اگرآن آشنا رود

۴ـ **ب،ط،ی:** سیلیست آب دیده **ط:** دیده که بر هرکه **ل:** دیده وهر کس‌که بگذرد **ی:** بگذری * **ط،ل،** گر خود دلش

۵ـ **ط:** ما را زآب دیده **ی:** دیده وشب

۶ـ * **ط:** ماه مهرپرورما

۷ـ **ز:** دانم زصدق دل * **ی:** داراالصفا رود

۲۱۶

۱ چو دست در سر زلفش زنم به تاب رود
ور آشتی طلبم با سر عتاب رود

۲ چو ماه نو ره نظّارگان بیچاره
زند به گوشهٔ ابرو و در نقاب رود

۳ شب شراب خرابم کند به بیداری
و گر به روز شکایت کنم به خواب رود

۴ طریق عشق پرآشوب و آفت است ای دل
بیفتد آن که درین راه با شتاب رود

۵ حباب را چو فتد باد نخوت اندر سر
کلاه داری‌اش اندر سر شراب رود

۶ گدائی در جانان به سلطنت مفروش
کسی ز سایهٔ این در به آفتاب رود

۷ دلا چو پیر شدی حسن و نازکی مفروش
که این معامله در عالم شباب رود

۸ سواد نامهٔ موی سیاه چون طی شد
بیاض کم نشود ور صد انتخاب رود

۹ حجاب راه توئی حافظ از میان برخیز
خوشا کسی که درین پرده بی‌حجاب رود

ب،ج،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ی،م. با ترتیب متن نسخه‌های ج،ط،ك بیت‌های ۷ و ۸، نسخهٔ ه بیت ۸، نسخهٔ ز بیت‌های ۵ و ۸، نسخهٔ ح بیت ۶ ونسخهٔ ل بیت ۷ را ندارد، نسخهٔ ب بعد ازبیت ۶ بیت زیر راکه ترکیبی ازبیت‌های ۶ و۷ است افزوده است:

دلا چوپیرشدی حسن و نازکی مفروش	کسی ز سایهٔ این در بآفتاب رود

نسخهٔ ز نیز بعد از بیت ۶ بیت زیر را افزوده است:

مرا بعهد شکن خواندی و همی ترسم	که با تو روز قیامت همین خطاب‌رود

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ح،ل،م: بر سر زلفش * ط: چوآشتی طلبم برسر

۲ـ ب: چوماه نوکه بنظارگان ح: چوماه نو دل بیچارگان‌بنظاره ك: چوماه نو دل بیچارگان نظاره ج،ل: ره بیچارگان نظاره ز،ط: ره بیچارگان بنظاره * ب: ابروی و در ه،ز: درحجاب رود

۳ـ ح،ك: شراب خمارش‌کند * ب: وگر زروز ی: اگر بروز

۴ـ ج،ح،ط،ك: عشق پر از شور وفتنه است ز،ل: پرآشوب وفتنه است

۵ـ * ك: کلاه دلبریش درسر م: اندر سر خمار رود

۶ـ * ج: زسایهٔ‌آن نو برافتاب رود ز: بیفتدانك درین راه با شتاب رود

۷ـ ج،ه،ك،ل: حسن و نازکی تا چند

۸ـ * ح،ل: کم نشود گر ی: کم نشد ار

۹ـ ط: توی‌حافظا ز ره برخیز * ز: خجسته انك درین ج،ز،ل: درین راه ح: با حجاب رود

۲۱۷

۱ از سر کوی تو هر کاو به ملالت برود
نرود کارش و آخر به خجالت برود

۲ سالک از نور هدایت طلبد راه به دوست
که به جائی نرسد گر به ضلالت برود

۳ گروی آخر عمر از می و معشوق بگیر
حیف اوقات که یکسر به بطالت برود

۴ ای دلیل دل گم‌گشته خدا را مددی
که غریب ار نبرد ره به دلالت برود

۵ حکم مستوری و مستی همه بر خاتمت است
کس ندانست که آخر به چه حالت برود

۶ کاروانی که بود بدرقه‌اش حفظ خدای
به تجمّل بنشیند به جلالت برود

۷ حافظ از چشمهٔ حکمت به کف آور آبی
بو که از لوح دلت نقش جهالت برود

ب۱،ب۲،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب۱،ب۲،ه،ز،ك.** با ترتیب متن نسخه‌های **ح،ط** بیت ۶ و نسخهٔ **م** بیت‌های ۶ و ۷ را ندارد، در نسخهٔ **ی** بیت‌های ۵ و ۶ مقدم و مؤخر است. ترتیب نسخهٔ **ل** چنین است:

۱، ۶، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ط: هر کو بملامت برود **ی:** هر کو بسلامت برود * **ی:** آخر بملامت برود

۲ـ ح،ك: زاهد از نور **ل:** هدایت ببرد راه * **ح،ك:** چون بجایی برسد گر **م:** کو بجائی نرسد **ز:** ار به ضلالت

۳ـ ل: کام خود آخر عمر **ط:** گرو آخر عمر **ه،ی،ك:** معشوقه * **ط:** حیف از اوقات که هر دم **م:** بضلالت برود

۴ـ ب۱: دل سرگشته **ط:** در گم کشته * **ز:** ار ببرد **ح:** ار نرود **ط،ك:** ار برود

۵ـ ب۲: همه برعاقبت است **ه:** همه برعافیت **ح:** همه برخاتم تست

۶ـ ز،ی: لطف خدای **ك،ل:** حفظ خدا

۷ـ ح،ط،ل: بکف آور جامی **ی:** بکف آورد آبی * **ح،ك:** ار پیش دلت **ی:** از لوح دلش

۲۱۸

۱ ساقی حدیث سرو و گل و لاله می‌رود
وین بحث با ثلاثهٔ غسّاله می‌رود

۲ می ده که نوعروس سخن حدّ حسن یافت
کار این زمان ز صنعت دلاّله می‌رود

۳ شکّر شکن شوند همه طوطیان هند
زین قند پارسی که به بنگاله می‌رود

۴ طیّ مکان ببین و زمان در سلوک شعر
کاین طفل یکشبه ره یک ساله می‌رود

۵ آن چشم جادوانهٔ عابد فریب بین
کش کاروان سحر ز دنباله می‌رود

۶ از ره مرو به عشوهٔ دنیا که این عجوز
مکّاره می‌نشیند و محتاله می‌رود

۷ خوی کرده می‌خرامد و بر عارض سمن
از شرم روی او عرق از ژاله می‌رود

۸ باد بهار می‌وزد از گلستان شاه
وز ژاله باده در قدح لاله می‌رود

۹ حافظ ز شوق مجلس سلطان غیاث دین
خامش مشو که کار تو از ناله می‌رود

ب،ج،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ی،م**. با ترتیب متن نسخهٔ **ط** فقط بیت‌های ۷ و ۸ و ۹ را دارد و نسخه‌های **ك،ل** بیت ۶ را ندارند، در نسخهٔ **ب** بیت‌های ۶ و ۷ مقدم و مؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ج: ۱،۲،۵،۴،۶،۷،۳،۹ بیت ۸ را ندارد
ه: ۱،۲،۵،۶.۷،۹ بیت‌های ۳ و ۴ و ۸ را ندارد
ز: ۱،۲،۳،۶،۵،۷،۸،۹ بیت ۴ را ندارد
ح: ۱،۲،۴،۵،۳،۷،۶،۸،۹

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ * **ب:** وین قصه باثلاثهٔ
۲ــ **ج،ح:** می خور که نوعروس **ج:** نوعروس جهان **ه،ح،ی،ل:** نوعروس چمن
۳ــ **ی،ك:** کنون طوطیان * **ج،ز،ح:** زین قند فارسی
۴ــ **ج:** طی زمان به‌بین ومکان **ح:** طی زمان مبین ومکان **ك:** طی زمانه ببین ومکان **م:** زمان سلوك سعی * **ه،ز:** ره صد ساله
۵ــ **ح:** عارف فریب * **ح:** به دنباله
۶ــ **ج:** ایمن مشو زمحنت دنیا **ح،ط،ك:** از ره مشو **ب،ج،ك:** بعشوهٔ دنیی * **ب:** سکاره می‌نشیند ومکاره می‌رود
۷ــ **ی:** برعــارض سخن * **م:** روی او زعرق **ح:** عرق لاله می‌رود **ی،م:** عرق ژاله می‌رود
۸ــ **ح،ك:** ازبوستان شاه
۹ــ **ب:** سلطان جلال دین (زیر این کلمه: غیاث دین) **ه:** سلطان کامکار * **ل:** غافل مشو

۲۱۹

۱ خوشا دلی که مدام از پی نظر نرود
به هر رهش که بخوانند بی‌خبر نرود

۲ طمع در آن لب شیرین نکردنم اولی
ولی چگونه مگس از پی شکر نرود

۳ سواد دیدهٔ غمدیده‌ام به اشک مشوی
که نقش خال توام هرگز از نظر نرود

۴ دلا مباش چنین هرزه‌گرد و هرجائی
که هیچ کار ز پیشت بدین هنر نرود

۵ سیاه‌نامه‌تر از خود کسی نمی‌بینم
چگونه چون قلمم دود دل به سر نرود

۶ بپوش دامن عفوی به زلّت من مست
که آب روی شریعت بدین قدر نرود

۷ من گدا هوس سرو قامتی دارم
که دست در کمرش جز به سیم و زر نرود

۸ تو کز مکارم اخلاق عالمی دگری
وفا و عهد من از خاطرت مگر نرود

۹ به تاج هدهدم از ره مبر که باز سفید
ز کبر در پی هر صید مختصر نرود

۱۰ بیار باده و اوّل به دست حافظ ده
به شرط آنکه ز مجلس سخن بدر نرود

ب،ج،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،م.** با ترتیب متن نسخه‌های **ج،ط،ن** بیت‌های ۷ و ۸ و ۹، نسخهٔ **ه** بیت ۹، نسخهٔ **ز** بیت‌های ۸ و ۹ و نسخهٔ **ی** بیت ۵ را ندارد.
ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ح،ك: ۱،۲، +،۳،۷،۸،۴،۹،۵،۶،۱۰

ل: ۱،۲،۳، +،۴،۶،۷،۸،۵،۹،۱۰

\+ زمن چو باد صبا بوی‌خود دریغ مدار چرا که بی سر زلف توام بسر نرود

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ه،ن: خوشا کسی ***ل:** بهر درش

۲ـ ز: طمع بدان لب **ه،ح،ط،ی:** نکردنم اولیست

۳ـ ج،ن: بر اشك بشوی **ط:** باشك بشوی ***ب:** که نقش روی توام

۴ـ *ن: به این هنر

۵ـ * ط: چگونه دود دلم چون قلم بسرنرود

۶ـ ه،ز،ی،ك،ل: مکن به چشم حقارت نگاه درمن مست **ح:** مپوش دامن عفوی **ج،ط،ن:** بذلت من

۸ـ ح،ك: تو ازمکارم **ح،ی:** عالم دگری **م:** عالمی داری *** ه،ی، ل،م:** وفای عهد من **ب،ح،م:** خاطرت بدرنرود

۹ـ ح،ك،ن: از ره مبر که باز خشین ***ل:** چو باشه در پی هر صید

۲۲۰

۱ گرچه بر واعظ شهر این سخن آسان نشود
تا ریا ورزد و سالوس مسلمان نشود

۲ رندی آموز و کرم کن که نه چندان هنر است
حیوانی که ننوشد می و انسان نشود

۳ گوهر پاک بباید که شود قابل فیض
ور نه هر سنگ و گلی لؤلؤ و مرجان نشود

۴ اسم اعظم بکند کار خود ای دل خوش باش
که به تلبیس و حیل دیو مسلمان نشود

۵ عشق می‌ورزم و امیّد که این فنّ شریف
چون هنرهای دگر موجب حرمان نشود

۶ دوش می‌گفت که فردا بدهم کام دلت
سببی ساز خدایا که پشیمان نشود

۷ حسن خلقی ز خدا می‌طلبم حسن ترا
تا دگر خاطر ما از تو پریشان نشود

۸ ذرّه را تا نبود همّت عالی حافظ
طالب چشمهٔ خورشید درخشان نشود

ب،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ط،ی،ل،م.** با ترتیب متن در نسخه‌های **ح،ك** بیت‌های ۵ و ۶ مقدم ومؤخر است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ح: گرچه برحافظ شهر *** ك:** که ریا ورزد وسالوس و مسلمان نشود

۲ـ ب،ی،ك: که نچندان هنریست **ط:** که نه چندان چیزیست *** ط،ی:** حیوانی که بنوشد

۳ـ ب: گوهری پاك *** ط:** ورنه سنگ و گل ولؤلؤ همه مرجان نشود

۴ـ * ط: که بتزویر وحیل **ح:** دیوسلیمان نشود

۵ـ ح،ط: علم شریف

۶ـ ب: کام لبت

۷ـ ح: حسن وخلقی **ح،ط،ك،ل:** می‌طلبم خوی ترا *** ط:** خاطر من

۸ـ *ی: درفشان نشود

۲۲۱

۱ ترسم که اشک بر غم ما پرده‌در شود
وین راز سر به مُهر به عالم سمر شود

۲ گویند سنگ لعل شود در مقام صبر
آری شود و لیک به خون جگر شود

۳ خواهم شدن به میکده گریان و دادخواه
کز دست غم خلاص من آنجا مگر شود

۴ از هر کرانه تیر دعا کرده‌ام روان
باشد کزین میانه یکی کارگر شود

۵ ای جان حدیث ما بر دلدار باز گوی
امّا چنان مگو که صبا را خبر شود

۶ در تنگنای حیرتم از نخوت رقیب
یا رب مباد آنکه گدا معتبر شود

۷ از کیمیای مِهر تو زر گشت روی من
آری به یمن لطف شما خاک زر شود

۸ بس نکته غیر حسن بباید که تا کسی
مقبول طبع مردم صاحب‌نظر شود

۹ این سرکشی که در سر سرو بلند تست
کی با تو دست کوته ما در کمر شود

۱۰ حافظ چو نافهٔ سر زلفش به دست تست
دم درکش ار نه باد صبا پرده‌در شود

ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ج،د. با ترتیب متن نسخهٔ ح بیت ۹ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ب: ۱،۲،۴،۳،۵،۶،۷،۸،+،۱۰	بیت ۹ را ندارد
ه: ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۸،+،۱۰	بیت‌های ۶ و ۹ را ندارد
ز: ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۶،۸،×،۱۰،*	بیت ۹ را ندارد
ط: ۱،۲،۹،۴،۶،۷،۸،۱۰	بیت‌های ۳ و ۵ را ندارد
ی: ۱،۲،۳،۴،۷،۶،۸،۹،۱۰	بیت ۵ را ندارد
ك: ۱،۲،۴،۹،۵،۶،۷،۸،۳،+،۱۰	
ل: ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۶،۸،+،۱۰	بیت ۹ را ندارد
م: ۱،۲،۳،۴،۵،۷،×،۶،۸،+،۱۰	بیت ۹ را ندارد

+ این سرکشی که کنگرهٔ کاخ وصل راست   سرها بر آستانهٔ او خاک در شود

× روزی اگر غمی رسدت تنگ دل مباش   روشکر کن مباد کزان بد بتر شود

که در نسخهٔ ز «در روزی ارغمی» و «بدترشود» آمده است.

* حافظ سر ازلحد بدرآرد بپای بوس   کز خاک او بپای شما پی سپر شود

اختلاف نسخه‌ها

۱- ج،ز،ح،ل: درغم ما

۴- * د،ه،ك،ل: کزان میانه

۵- ج،ح: ای دل حدیث   ح: حدیث جان   د: بردلدار ما بگوی   ل: بردلدار بازگو   م: بردلدار ما بگو   * ج: لیکن چنان‌بگو   د،ه،ك، ل،م: لیکن چنان مگو   ب،ز،ح: لیکن چنان مکن

۶- * ز: آیا مباد

۷- ط: ازکیمیای عشق تو   * ط: بیمن تربیتت خاک

۹- ج: آن سرکشی   ط: زین سرکشی   * د: مشکل دودست کوته ما

۱۰- * ج،د،ه،ز،خ،ط،ی،ل،م: باد صبا را خبرشود

۲۲۲

۱ گر من از باغ تو یک میوه بچینم چه شود
پیش پائی به چراغ تو ببینم چه شود

۲ یا رب اندر کنف سایهٔ آن سرو بلند
گر من سوخته یک دم بنشینم چه شود

۳ آخر ای خاتم جمشید همایون آثار
گر فتد عکس تو بر لعل نگینم چه شود

۴ واعظ شهر چو مهر مَلِک و شحنه گزید
من اگر مهر نگاری بگزینم چه شود

۵ عقلم از خانه بدر رفت و اگر می این است
دیدم از پیش که در خانهٔ دینم چه شود

۶ صرف شد عمر گرانمایه به معشوقه و می
تا ازانم چه به پیش آید ازینم چه شود

۷ خواجه دانست که من عاشقم و هیچ نشد
حافظ ار نیز بداند که چنینم چه شود

الف،ب،ج،ه،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **الف،ب،ج،ه،ی،ل،م**. با ترتیب متن نسخهٔ **ط** بیت ۵ را ندارد و درنسخه‌های **ح،ك** بیت‌های ۴ و ۵ مقدم ومؤخر است.

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ الف،ط: سایهٔ این **ط:** قصر بلند
۳ـ ی: سایهٔ جمشید *** ل:** برنقش نگینم
۴ـ ج،ح،ط،ك: زاهد شهر **ط:** چومیر وملك وشحنه گزید **ی:** که مهرملك و ***ح:** من اگرعشق نگاری
۵ـ ح،ك: ازخانه برون رفت و **ج،ح،ی،ك،ل،م:** بـدر رفت و گر می **ج:** بدر رفت وسرخویش گرفت
۶ـ ب: عمرگرامی بمی و معشوقه
۷ـ ج،ط،ل: هیچ نگفت *** ط:** نیز بدانم

۲۲۳

۱ بخت از دهان دوست نشانم نمی‌دهد
دولت خبر ز راز نهانم نمی‌دهد

۲ از بهر بوسه‌ای ز لبش جان همی دهم
اینم نمی‌ستاند و آنم نمی‌دهد

۳ مُردم ز اشتیاق و درین پرده راه نیست
یا هست و پرده‌دار نشانم نمی‌دهد

۴ زلفش کشید باد صبا چرخ سفله بین
کانجا مجال باد وزانم نمی‌دهد

۵ چندانکه بر کنار چو پرگار می‌روم
دوران چو نقطه ره به میانم نمی‌دهد

۶ شکّر به صبر دست دهد عاقبت ولی
بد عهدی زمانه زمانم نمی‌دهد

۷ گفتم روم به خواب و ببینم خیال دوست
حافظ ز آه و ناله امانم نمی‌دهد

ب،هـ،ز،ح،ط،ی،ک،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،هـ،ز،ط،ی،ل،م. با ترتیب متن در نسخه‌های ح،ک بیت‌های ۵ و ۶ مقدم ومؤخر است.

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ * ل: اینم همی ستاندو
۳ـ هـ،ز،ط،ک: مردم دراشتیاق و ل: مردم درین فراق و درآن پرده
ح،ک: پرده بارنیست * ح: یا هست پرده دار
۴ـ ی: کشیده باد
۵ـ ط،ک: جزانك بر ب،هـ،ط،ی،م: بر کناره هـ،ل: چو پر گارمی‌شدم * م: دولت چو نقطه
۶ـ ح: شکر به دست صبر دهد ط: شکرت بصبر دست دهد
۷ـ ح: گفتم مگر بخواب ببینم ز،ل: جمال دوست ط: وصال دوست

۲۲۴

۱ رسید مژده که آمد بهار و سبزه دمید
وظیفه گر برسد مصرفش گل است و نبید

۲ صفیر مرغ برآمد بط شراب کجاست
فغان فتاد به بلبل نقاب گل که کشید

۳ ز روی ساقی مهوش گلی بچین امروز
که گرد عارض بستان خط بنفشه دمید

۴ چنان کرشمهٔ ساقی دلم ز دست ببرد
که با کسی دگرم نیست برگ گفت و شنید

۵ من این مرقّع رنگین چو گل بخواهم سوخت
که پیر باده‌فروشش به‌جرعه‌ای نخرید

۶ عجایب ره عشق ای رفیق بسیار است
ز پیش آهوی این دشت شیر نر بدوید

۷ به کوی عشق منه بی‌دلیل راه قدم
که گم شد آن که درین ره به رهبری نرسید

۸ مکن ز غصّه شکایت که در طریق طلب
به راحتی نرسید آن که زحمتی نکشید

۹ ز میوه‌های بهشتی چه ذوق دریابد
هر آن که سیب زنخدان شاهدی نگزید

۱۰ خدای را مددی ای دلیل راه حرم
که نیست بادیهٔ عشق را کرانه پدید

۱۱ گلی نچید ز بستان آرزو حافظ
مگر نسیم مروّت درین هوا نوزید

۱۲ شراب نوش کن و جام زر به حافظ ده
که پادشه به کرم جرم صوفیان بخشید

ب،ج،د،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ب، اما این نسخه بیت ۱۲ را نـدارد. با ترتیب متن نسخهٔ ج بیت‌های ۵ و ۱۱ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

د: ۱،۲،۸،۳،۴،۵،۶،۷،۱۰،۱۲	بیت‌های ۹ و ۱۱ را ندارد
ز: ۱،۲،۸،۳،۴،۵،۶،۷،۱۰،۹،۱۲،۱۱	
ح: ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۶،۸،۱۰،+،۱۱	بیت‌های ۹ و ۱۲ را ندارد
ط: ۱،۳،۴،۵،۷،۸،۱۰،+	بیت‌های۲ و۶ و۹ و ۱۱ و۱۲را ندارد
ی: ۱،۲،۸،۳،۵،۶،۴،۹،۷،۱۰،۱۱	بیت ۱۲ را ندارد
ك: ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۸،۱۰،+	بیت‌های۶ و۹ و ۱۱ و۱۲ را ندارد
ل: ۱،۲،۹،۸،۳،۴،۵،+	بیت‌های۶ و۷ و۱۰و۱۱ و۱۲ راندارد

+ بهار مـی گـذرد دادگسترا دریاب که رفت موسم وحافظ هنوزمی‌نچشید

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ ی: رسیده مژده

۲ــ * ج: نقاب گل که درید

۳ــ ح: عارض خوبش خط ك: عارض خوبان خط

۴ــ ح،ك: دلم ببرد از دست * ط: که با کس دگرم

۵ــ * ی: که پیر درد فروشش د: بجرعهٔ بخرید

۶ــ ح: عجائب غم عشق * ح: شیر نر برمید

۷ــ * ح: به‌رهروی نرسید ط: بمنزلی نرسید

۹ــ ی: بذوق دریابد * ب: شاهدان نگزید ی: شاهدی بگزید

۱۰ــ ك: ای رفیق راه حرم ح: ای طریق راه حرم * ط: کناره پدید

۱۱ــ ح: آرزو زاهد * ح: درآن هوا نوزید

۱۲ــ ز: جام زریاران بخش

۲۲۵

۱ ابر آذاری برآمد باد نوروزی وزید
وجه می می‌خواهم و مطرب که می‌گوید رسید

۲ شاهدان در جلوه و من شرمسار کیسه‌ام
بار عشق و مفلسی صعب است و می‌باید کشید

۳ قحط جود است آبروی خود نمی‌باید فروخت
باده و گل از بهای خرقه می‌باید خرید

۴ گوئیا خواهد گشود از دولتم کاری که دوش
من همی کردم دعا و صبح صادق می‌دمید

۵ با لبی و صد هزاران خنده آمد گل به باغ
از کریمی گوئیا در گوشه‌ای بوئی شنید

۶ دامنی گر چاک شد در عالم رندی چه باک
جامه‌ای در نیکنامی نیز می‌باید درید

۷ این لطافت کز لب لعل تو من گفتم که گفت
وان تطاول کز سر زلف تو من دیدم که دید

۸ تیر عاشق کش ندانم بر دل حافظ که زد
این قدر دانم که از شعر ترش خون می‌چکید

۹ عدل سلطان گر نپرسد حال مظلومان عشق
گوشه‌گیران را ز آسایش طمع باید برید

ب،ج،د،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است بـا نسخه‌های **ب،ز،ح،ی.** با ترتیب متن نسخه‌های **ج،ط،ك** بیت ۹ را ندارند، درنسخهٔ **ل** بیت‌های ۸ و۹ مقدم ومؤخر است. ترتیب نسخهٔ **د** چنین است:

۹،۸،۴،۷،۶،۴،۳،۲،۱ بیت ۴ را دوبارآورده وبیت ۵ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ ط: ابرنیسانی برآمد

۲ــ ط: شاهدان درمجلس ومن **د:** ما شرمسار کیسه‌ایم ***** **ط:** ای فلك

این شرمساری تا کیم باید کشید **د:** کار بارمفلسی **ج:** مفلسی حیفست

ی: مفلسی را هر دو می‌باید

۴ــ ج، بیت مکرر **د،ح،ك:** غالبا خواهدگشود

۵ــ ط: خنده گل‌آمد برش **ب،ز،ح،ی:** گل بپرس **ك:** گل دربرش

***** **ط:** جامهٔ درنیك نامی نیزمی‌باید درید **ب،ز،ح،ی،ك:** کز کریمی

۶ــ ط: جامهٔ گرچاك شد ***** **ط:** کز کریمی گوئیا درگوشهٔ بویی‌شنید

۷ــ ح،ط،ك: آن لطائف **ی:** این لطایف **ج:** میگفتم که گفت

***** **ج،د،ز،ك،ل:** وین تطاول **ط:** آن تطاول

۸ــ ی: تیرغمزه بردل حافظ ندانم من که زد ***** **ز:** این قدر دیدم که از

۹ــ ی: مظلومان راه ***** **ز:** ازآسایش

۲۲۶

۱ اگر به بادهٔ مشکین کشد دلم شاید
که بوی خیر ز زهد ریا نمی‌آید

۲ جهانیان همه گو منع من کنید از عشق
من آن کنم که خداوندگار فرماید

۳ طمع ز فیض کرامت مبر که خلق کریم
گنه ببخشد و بر عاشقان ببخشاید

۴ مقیم حلقهٔ ذکرست دل بدان امّید
که حلقه‌ای ز سر زلف یار بگشاید

۵ ترا که حسن خدا داده هست و حجلهٔ بخت
چه حاجت است که مشّاطه‌ات بیاراید

۶ چمن خوش است و هوا دلکش است و می بی‌غش
کنون بجز دل خوش هیچ درنمی‌باید

۷ جمیله‌ایست عروس جهان ولی هش دار
که این مخدّره در عقد کس نمی‌آید

۸ به لابه گفتمش ای ماهرخ چه باشد اگر
به یک شکر ز تو دلخسته‌ای بیاساید

۹ به خنده گفت که حافظ خدای را، مپسند
که بوسهٔ تو رخ ماه را بیالاید

ب،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،د،ه،ز،ح،ی،ك،ل**. با ترتیب متن نسخهٔ **ط** بیت‌های ۴ و ۷ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ ی: اگر بیادهٔ رنگین **ه،ز،ح،ط،ل:** دلم کشد شاید

۲ــ د: جها[نیا]ن همه گــر منع می‌کنند از عشق **ب:** همه گو منع میکنید **ز،ح،ل:** همه‌گر منع من‌کنند **ك:** همه‌گرمنع می‌کنند **ی:** منع او کنید

۳ــ ح،ك: مبرکه خالق خلق

۴ــ ح،ك: مقیم حلقهٔ زلفست **ح،ی:** دل به‌آن امید

۵ــ ب،ز،ط: خدا داده است و **ز،ط:** حجله زبخت

۷ــ * ب: درعهد کس

۸ــ * ز: بیك‌کرشمه ز توخستهٔ بیاساید

۹ــ * ح: ماه را بیاراید

۲۲۷

۱ گفتم غم تو دارم گفتا غمت سرآید
گفتم که ماه من شو گفتا اگر برآید

۲ گفتم ز مهرورزان رسم وفا بیاموز
گفتا ز ماه‌رویان این کار کمتر آید

۳ گفتم که بر خیالت راه نظر ببندم
گفتا که شبرو است او از راه دیگر آید

۴ گفتم که بوی زلفت گمراه عالمم کرد
گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید

۵ گفتم خوشا هوائی کز باغ حسن خیزد
گفتا خنک نسیمی کز کوی دلبر آید

۶ گفتم که نوش لعلت ما را به آرزو کشت
گفتا تو بندگی کن کاو بنده‌پرور آید

۷ گفتم دل رحیمت کی عزم صلح دارد
گفتا مگوی با کس تا وقت آن برآید

۸ گفتم زمان عشرت دیدی که چون سرآمد؟
گفتا خموش حافظ کاین غصّه هم سرآید

ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **د،ز،ل.** با ترتیب متن نسخه‌های **ب،ح،ط،ی،ن:** بیت ۷، نسخهٔ **ج** بیت‌های ۶ و ۷ و نسخهٔ **ه** بیت ۶ را ندارد. در نسخهٔ **ك** بیت‌های ۶ و ۷ مقدم و مؤخر است.

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ د،ی،ن: گفتم ز مهربانان **ط:** گفتم ز عشق‌بازان **ی:** مهر و وفا بیاموز ***ط،ل:** گفتا ز خوب رویان

۳ـ * د: وز راه دیگر

۴ـ ط: گفتم هوای زلفت

۵ـ د،ه: گفتم که خوش هوایی **ج،ح،ط:** کز باغ عشق خیزد **د:** از باد حسن‌خیزد **ه:** کز بادحسن‌خیزد **ز:** کزراه مهرخیزد **ك:** کز کوی عشق خیزد **ل:** کز باد صبح خیزد *** د:** از کوی

۷ـ ه: گفتم که دل زچشمت کی عزم *** د،ه،ز،ك:** گفتا بکس مگو این تا **د،ه،ز،ك،ل:** آن دراید

۲۲۸

۱ بر سر آنم که گر ز دست برآید
دست به کاری زنم که غصّه سرآید
۲ منظر دل نیست جای صحبت اضداد
دیو چو بیرون رود فرشته درآید
۳ صحبت حکّام ظلمت شب یلداست
نور ز خورشید خواه بو که برآید
۴ بر در ارباب بی‌مروّت دنیا
چند نشینی که خواجه کی بدر آید
۵ ترک گدائی مکن که گنج بیابی
از نظر رهروی که در گذر آید
۶ صالح و طالح متاع خویش نمودند
تا که قبول افتد و چه در نظر آید
۷ بلبل عاشق تو عمر خواه که آخر
باغ شود سبز و شاخ گل به برآید
۸ غفلت حافظ درین سراچه عجب نیست
هر که به میخانه رفت بی‌خبر آید

ب،ج،ز،ح،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ز،ح،ی،ك،ل. با ترتیب متن نسخهٔ ج بیت ۷ را ندارد و بیت‌های ۵ و ۶ آن مقدم ومؤخر است.

اختلاف نسخه‌ها

۲ــ ل: خلوت دل‌نیست ج: جای صحبت اغیار

۳ــ * ل: زخورشید جوی

۴ــ ح: که خواجگی

۶ــ ح: متاع‌خود بنمودند * ج: تا که قبول که شدکه درنظر آید ح: تا که قبول اوفتد ی: تا که قبول اونشد چه ك: تا که قبول‌آیدو ج،ك،ل: که درنظر آید

۷ــ * ب: شاخ‌گل بدرآید

۲۲۹

۱ دست از طلب ندارم تا کام من برآید
یا تن رسد به جانان یا جان ز تن برآید

۲ بگشای تربتم را بعد از وفات و بنگر
کز آتش درونم دود از کفن برآید

۳ بنمای رو که خلقی واله شوند و حیران
بگشای لب که فریاد از مرد و زن برآید

۴ جان بر لب است و حسرت در دل که از لبانش
نگرفته هیچ کامی جان از بدن برآید

۵ از حسرت دهانش آمد به تنگ جانم
خود کام تنگدستان کی زان دهن برآید

۶ بر بوی آنکه در باغ یابد جلا ز رویت
آید نسیم و هر دم گرد چمن برآید

۷ گویند ذکر خیرش در خیل عشقبازان
هر جا که نام حافظ در انجمن برآید

ب،ه،ح،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ه،ح،م. با ترتیب متن نسخه‌های ب،ك بیت ۴ و نسخهٔ ل بیت ۶ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ م: تا کار من براید * ح: یا جان رسد به‌جانان م :یا جان‌من برآید
۲ـ * ب،ه،م: دود از دهن
۳ـ ل: بنمای رخ
۴ـ ه: جانی بدست وحیرت در دل ح: جائی رسید حیرت دردل م: حیرت در دل‌که ازلبانت
۵ـ ب،ه،ح: ازحیرت دهانش * ح: خودکام تنگدستی
۶ـ م: یابد چولاله رویت * ب: آید نسیم وهمدم‌گر درچمن برآید
۷ـ ح: درکوی عشقبازان * ب،ه،م: از انجمن برآید

۲۳۰

۱ چو آفتاب می از مشرق پیاله برآید
ز باغ عارض ساقی هزار لاله برآید

۲ نسیم در سر گل بشکند کلالهٔ سنبل
چو از میان چمن بوی آن کلاله برآید

۳ حکایت شب هجران نه آن شکایت حال است
که شمّه‌ای ز بیانش به صد رساله برآید

۴ ز گِرد خوان نگون فلک طمع نتوان داشت
که بی‌ملالت صد غصّه یک نواله برآید

۵ گرت چو نوح نبی صبر هست در غم طوفان
بلا بگردد و کام هزار ساله برآید

۶ به سعی خود نتوان برد پی به گوهر مقصود
خیال بود که این کار بی‌حواله برآید

۷ نسیم وصل تو گر بگذرد به تربت حافظ
ز خاک کالبدش صد هزار لاله برآید

ب،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ط،ی. در نسخه‌های ه،ز،ل بیت‌های ۵ و ۶ مقدم ومؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

د: ۱،۲،۳،۶،۴،۵،۷

ح،ك: ۱،۲،۳،۵،۶،۴،۷

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ب: هزارناله

۲ـ * د،ه،ك: چو درمیان چمن ح: چمن بانگ‌آن

۳ـ ز: نه‌آن حکایت حال است ح،ل: نه‌آن حکایت حالیست ط: نه‌آن حدیث درازست ك: نه‌آن حکایتهاست * ح: زیاضش

۴ـ ك: زگرد خوان فلك این‌طمع به‌نتوانداشت ح: طمع نتوان‌کرد ط: فلك مدارطمع * ز،ك: که بی‌ملالت وصد غصه

۵ـ ح،ك: دلا اگر ببری جان چو نوح ازین طوفان ب،ط: برطوفان

۶ـ د،ط: نتوانست بردگوهر مقصود ی: نتوان پی‌بردگوهر مقصود * ح: خیال تست‌که این‌کار ل: خیال باشدکاین‌کار

۷ـ ط: نسیم لطف تو ح،ك،ل: نسیم زلف تو ل: چون بگذرد * ب،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك: ناله برآید

۲۳۱

۱ زهی خجسته زمانی که یار بازآید
به کام غمزدگان غمگسار بازآید

۲ به پیش شاه خیالش کشیدم ابلق چشم
بدان امید که آن شهسوار بازآید

۳ در انتظار خدنگش همی پرد دل صید
خیال آن که به رسم شکار بازآید

۴ مقیم بر سر راهش نشسته‌ام چون گرد
بدان هوس که بدین رهگذار بازآید

۵ اگر نه در خم چوگان او رود سر من
ز سر چه گویم و سر خود چه کار بازآید

۶ دلی که با سر زلفین او قراری کرد
گمان مبر که دران دل قرار بازآید

۷ سرشک من نزند موج بر کنار چو بحر
اگر میان وی‌ام در کنار بازآید

۸ چه جورها که کشیدند بلبلان از دی
به بوی آنکه دگر نوبهار بازآید

۹ ز نقشبند قضا هست امید آن حافظ
که همچو سرو به دستت نگار بازآید

ب،ه،ز،ح،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ه،،ز،ی،ك. با ترتیب متن نسخهٔ ح بیت ۶ را ندارد. ترتیب نسخهٔ ل چنین است:

۱،۲،۵،۴،۶،۸،۹ بیتهای ۳ و ۷ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۲ــ ل: خیل خیالش

۴ــ * ی: بدین هوس ب،ز: بدان رهگذار

۵ــ * ل: ز سرنگویم و ك: ارخود چه کار

۶ــ ل: قراری داد * ی،ل: که بدان دل

۷ــ ه،ز،ك: بزند موج ح: برکناره

۸ــ ب،ه،ز،ی: بلبلان ازگل ح: بلبلان از دل

۹ــ * ی،ك: بدست نگار ل: بدستم نگار

۲۳۲

۱ اگر آن طایر قدسی ز درم بازاید
عمر بگذشته به پیرانه‌سرم بازاید

۲ دارم امّید برین اشک چو باران که دگر
برق دولت که برفت از نظرم بازاید

۳ آن که تاج سر من خاک کف پایش بود
از خدا می‌طلبم تا به سرم بازاید

۴ خواهم اندر عقبش رفت و به یاران عزیز
شخصم ار باز نیاید خبرم بازاید

۵ گر نثار قدم یار گرامی نکنم
گوهر جان به چه کار دگرم بازاید

۶ مانعش غلغل گل گشت و شکر خواب صبوح
ورنه گر بشنود آه سحرم بازاید

۷ کوس نودولتی از بام سعادت بزنم
گر ببینم که مه نوسفرم بازاید

۸ آرزومند رخ شاه چو ماهم حافظ
همّتی تا به سلامت ز درم بازاید

ب،ه،ز،ح،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ه،ز،ی،ك. با ترتیب متن در نسخهٔ ل بیت‌های ۶ و ۷ مقدم ومؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ب: ۱،۲،۵،۳،۷،۴،۶،۸

ح: ۱،۲،۵،۳،۴،۶،۸ بیت ۷ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ك: بدین اشك ب،ه،ی: که اگر

۳ـ * ه،ز،ی،ك: پادشاهی‌بکنم گر بسرم باز آید

۴ـ ح: خواهم اندرقدمش ل: رفت بیاران عزیز

۵ـ * ی: گوهر کان

۶ـ ز،ح،ك،ل: غلغل چنگست و

۷ـ * ی: گر به‌بینم مه نوکز سفرم

۲۳۳

۱ نفس برآمد و کام از تو برنمی‌آید
فغان که بخت من از خواب درنمی‌آید

۲ صبا به چشم من انداخت خاکی از کویش
که آب زندگی‌ام در نظر نمی‌آید

۳ قد بلند ترا تا به بر نمی‌گیرم
درخت کام و مرادم به برنمی‌آید

۴ مگر به روی دلارای یار ما ورنی
به هیچ وجه دگر کار برنمی‌آید

۵ مقیم زلف تو شد دل که خوش سوادی دید
وزان غریب بلاکش خبر نمی‌آید

۶ ز شست صدق گشادم هزار تیر دعا
ولی چه سود یکی کارگر نمی‌آید

۷ کمینه شرط وفا ترک سر بود حافظ
برو برو ز تو این کار اگر نمی‌آید

ب،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ه،ح،ی،ك.** ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

د: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، +

ز: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ×، ۶، *، ۷

ط: ۱، ۳، ۵، ۴، ۶، ۷

ل: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، *، ×، +

+ زبس که شد دل حافظ رمیده از همه کس　　کنون ز حلقهٔ زلفت بدر نمی‌آید

× درین خیال بسر شد زمان عمر وهنوز　　بلای زلف سیاهت بسر نمی‌آید

که درنسخهٔ ز «بسر شد دریغ عمر عزیز» آمده است.

* بسم حکایت دل هست با نسیم سحر　　ولی ببخت من امشب سحر نمی‌آید

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ح: ازخواب برنمی‌آید

۲ـ ز،ی: خاکی ازکویت　　*** ح:** که آب زندگیش

۳ـ * ح: درخت کام ونشاطم

۴ـ ط: مگر ز روی　　**ح،ك:** بروی دلارام یارما　　**ط:** یارما ورنی

*** ط:** به‌هیچ وجه مرا

۵ـ ب: که خوش هوایی دید

۶ـ ه: زشست عشق　　**ط:** گشودم هزار　　**ح:** هزار تیر قضا　　*** ح:** ولی چه سود که یك کارگر　　**ط:** وزان میانه یکی کارگر　　**ی:** وزین میانه یکی کارگر

۷ـ ك: ترك سرکند حافظ　　*** ز،ح،ط،ی:** برو اگر زتو کار این قدرنمی‌آید

ك: برو اگر زتو اینکار برنمی‌آید　　**ه:** برو برو زتو اینکار برنمی‌آید

غزل ۲۳۳ در نسخهٔ **ل** با غـزل شمارهٔ ۲۳۴ آمیخته و به صورت غزل واحـدی درآمده است. در نسخهٔ **ی** نیز فقط یك غزل موافق متن است

۲۳۴

۱ ز دل برآمدم و کار برنمی‌آید
ز خود برون شدم و یار درنمی‌آید

۲ درین خیال به سر شد زمان عمر و هنوز
بلای زلف درازت به سر نمی‌آید

۳ چنان به حسرت خاک در تو می‌میرم
که آب زندگی‌ام در نظر نمی‌آید

۴ بسم حکایت دل هست با نسیم سحر
ولی به بخت من امشب سحر نمی‌آید

۵ مگر به روی دلارای یار ما ورنی
به هیچ وجه دگر کار برنمی‌آید

۶ فدای دوست نکردیم عمر و مال دریغ
که کار عشق ز ما این قدر نمی‌آید

۷ ز بس که شد دل حافظ رمیده از همه کس
کنون ز حلقهٔ زلفت به در نمی‌آید

ب،ه،ز،ح،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ه،ز،ح.** با ترتیب متن نسخهٔ **م** بیت ۵ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ * م: فغان که بخت من ازخواب برنمی‌آید
۲ــ * ز،ح: بلای زلف سیاهت
۵ــ ح: یارما ورنه
۶ــ ه: دوست بکردیم *** ب،ه:** که کار عشق بمن
۷ــ ب،ز: رمیده از هرکس ***م:** ز حلقه زلفش

۲۳۵

۱ مژده ای دل که مسیحا نفسی می‌آید
که ز انفاس خوشش بوی کسی می‌آید

۲ از غم هجر مکن ناله و فریاد که دوش
زده‌ام فالی و فریادرسی می‌آید

۳ زاتش وادی ایمن نه منم خرّم و بس
موسی آنجا به امید قبسی می‌آید

۴ هیچکس نیست که در کوی تواش کاری نیست
هرکس آنجا به طریق هوسی می‌آید

۵ کس ندانست که منزلگه معشوق کجاست
این قدر هست که بانگ جرسی می‌آید

۶ دوست را گر سر پرسیدن بیمار غم است
گو بران خوش که هنوزش نفسی می‌آید

۷ خبر بلبل این باغ بپرسید که من
ناله‌ای می‌شنوم کز قفسی می‌آید

۸ یار دارد سر آزردن حافظ یاران
شاهبازی به شکار مگسی می‌آید

ب،ج،ه،ز،ح،ط،ی،ك

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ح،ك**. با ترتیب متن نسخه‌های **ج،ه** بیت ۷ و نسخهٔ **ی** بیت ۵ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ز: ۱، ۲، ۳، ۴، + ، ۶، ۷، ۸ بیت ۵ را ندارد

ط: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، + ، ۶، ۷، ۸

+ جرعهٔ ده که بمیخانهٔ ارباب کرم هر حریفی ز پی ملتمسی می‌آید

که در نسخهٔ **ط** «زمیخانهٔ» آمده است.

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ح: فریاد که من

۳ـ ط: نه منم خسته و بس

۴ـ * **ز،ك:** هر کس اینجا **ز:** بامید هوسی

۵ـ ح: که منزلگه مقصود

۶ـ ح: دوست را گر هوس پرسش بیمارغم است * **ح:** گو بدان خوش

۷ـ ز: بلبل ازین باغ **ح:** نپرسید که من

۸ـ ط: این همه باز ستم بردل حافظ چه زنند

۲۳٦

۱ معاشران ز حریف شبانه یاد آرید
حقوق بندگی مخلصانه یاد آرید

۲ به وقت سرخوشی از راه نالهٔ عشاق
به صوت نغمهٔ چنگ و چغانه یاد آرید

۳ چو لطف باده کند جلوه در رخ ساقی
ز عاشقان به سرود و ترانه یاد آرید

۴ چو در میان مراد آورید دست امید
ز عهد صحبت ما در میانه یاد آرید

۵ نمی‌خورید زمانی غم وفاداران
ز بی‌وفائی دور زمانه یاد آرید

۶ سمند دولت اگر چند سرکش است ولی
ز همرهان به سر تازیانه یاد آرید

۷ به وجه مرحمت ای ساکنان صدر جلال
ز روی حافظ و این آستانه یاد آرید

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ه،ز،ی**. با ترتیب متن نسخهٔ **ب** بیت ۶ را ندارد، در نسخه‌های **ح،ط،ك** بیت‌های ۳ و ۴ و درنسخه‌های **ل،م** بیت‌های ۵ و ۶ مقدم ومؤخر است، نسخهٔ **م** بیت‌های ۱ و ۲ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ح،ط،ك،ل: راه وناله **ط:** از بی‌نوایی عاشق * **ح،ی،ل:** بصوت ونغمهٔ

۳ـ * ز،ح،ط،ك: ز زهد من بسرود وترانه **ه:** بسرود ترانه

۴ـ ه،ز: چو درکنارمراد

۵ـ ه،ط،ی،ك: نمی‌خورندزمانی **ب:** غم وفاداری * **ی:** دور و زمانه

۶ـ ل: اگر چند سرکشیده رود

۷ـ ط: بوقت مرحمت **ب:** ای سالکان صدر * **ب:** حافظ این آستانه **ط،م:** حافظ وآن آستانه

۲۳۷

۱ بیا که رایت منصور پادشاه رسید
نوید فتح و بشارت به مهر و ماه رسید

۲ جمال بخت ز روی ظفر نقاب انداخت
کمال عدل به فریاد دادخواه رسید

۳ سپهر دور خوش اکنون زند که ماه آمد
جهان به کام دل اکنون رسد که شاه رسید

۴ ز قاطعان طریق این زمان شوند ایمن
قوافل دل و دانش که مرد راه رسید

۵ عزیز مصر به رغم برادران غیور
ز قعر چاه برامد به اوج ماه رسید

۶ کجاست صوفی دجّال کیش ملحد شکل
بگو بسوز که مهدیّ دین پناه رسید

۷ صبا بگو که چها بر سرم درین غم عشق
ز آتش دل سوزان و دود آه رسید

۸ ز شوق روی تو شاها بدین اسیر فراق
همان رسید کز آتش به روی کاه رسید

۹ مرو به خواب که حافظ به بارگاه قبول
ز ورد نیم شب و درس صبحگاه رسید

ب،ه،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق، اما نسخهٔ **ه** بیت‌های ۵ و ۶ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ب: نویدفتح وظفر تا بمهرو

۳ـ ل: اکنون کند *** ب:** اکنون بشد **م:** که ماه رسید

۴ـ * ه: دانش بمهر وماه رسید

۵ـ ی: عزیزمصر برسم

۶ـ ك،ل: دجال فعل ملحد

۷ـ ی: که جهان برسرم *** ی:** سوزان دودآه **ك:** سوزان و درد وآه

۸ـ ه: که آتش **ل،م:** بیرگ‌کاه

۹ـ * ك: ز یمن ورد شب و

۲۳۸

۱ بوی خوش تو هر که ز باد صبا شنید
از یار آشنا نفس آشنا شنید

۲ اینش سزا نبود دل حق‌گزار من
کز غمگسار خود سخن ناسزا شنید

۳ یا رب کجاست محرم رازی که یک زمان
دل شرح آن دهد که چه دید و چها شنید

۴ ای شاه حسن چشم به حال گدا فکن
کاین گوش بس حکایت شاه و گدا شنید

۵ خوش می‌کنم به بادهٔ مشکین مشام جان
کز دلق‌پوش صومعه بوی ریا شنید

۶ ما باده زیر خرقه نه امروز می‌کشیم
صد بار پیر میکده این ماجرا شنید

۷ ما می به بانگ چنگ نه امروز می‌خوریم
بس دور شد که گنبد چرخ این صدا شنید

۸ سرّ خدا که عارف سالک به کس نگفت
در حیرتم که باده‌فروش از کجا شنید

۹ ساقی بیا که عشق ندا می‌کند بلند
کان کس که گفت قصّهٔ ما هم ز ما شنید

۱۰ محروم اگر شدم ز سر کوی او چه شد
از گلشن زمانه که بوی وفا شنید

۱۱ پند حکیم عین صواب است و محض خیر
فرخنده بخت آن که به سمع رضا شنید

۱۲ حافظ وظیفهٔ تو دعا گفتن است و بس
در بند آن مباش که نشنید یا شنید

ب،ج،د،ز،ح،ط،ی،ك۱،ك۲،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ب. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ج: ۱،۲،۴،۳،۶،۵،۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲

د: ۱،۲،۵،۸،۳،۴،۱۰،۹،۶،۷،۱۱،۱۲

ز: ۱،۴،۵،۸،۳،۲،۹،۶،۷،۱۱،۱۲ — بیت ۱۰ را ندارد

ح: ۱،۴،۷،۳،۲،۶،۹،+،۵،۱۰،۸،۱۲،۱۱

ط: ۱،۴،۷،۸،۱۰،۵،۱۲ — بیتهای۲ و۳و۶ و۹ و۱۱ راندارد

ی: ۱،۴،۵،۸،۳، بیت مکرر ۴،۲،۱۰،۹،۶،۷،۱۱،۱۲

ك۱: ۱،۴،۷،۳،۲،۶، ×،+،۵،۱۰،۸،۱۲ — بیتهای ۹ و۱۱ را ندارد

ك۲: ۱،۴،۵،۸ — بقیهٔ ابیات را ندارد

ل: ۱،۴،۵،۸،۳،۲،۱۰،۹،۶،۷،۱۱،۱۲

+ هرصبح ماجرای من ودل‌شمال‌گفت — هر شام گفت و گوی من و اوصبا شنید

× نشنید هرچه گفتم و بگذشت و ین عجب — سلطان شنیده‌ام که حدیث گدا شنید

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ح: گوش دلم سحر زنسیم صبا شنید ك ۱: گوش دلم سخن زنسیم صباشنید * د: کز یارآشنا ح،ك۱: زان یارآشنا ب،د،ز،ح،ل: سخن آشنا شنید ك۱: خبرآشنا شنید

۲ـ ب: دل حق شناس من

۳ـ ح،ك۱: رازی که درجهان * ج: دل شرح آن کند د،ج،ل: که چه گفت وچها شنید

۴ـ ج: ای پادشاه سایه ز درویش وامگیر د: ای پادشاه سایه زدرویش برمگیر ی: ای پادشاه حسن سایه ز درویش وامگیر

۵ـ ح،ك: خوش می‌شود ح،ی،ك: زبادهٔ مشکین ح،ك: مشام دل

۶ـ ل: نه امروزمیخوریم

۷ـج،ز،ل: نه امروز می کشیم * ح: بس روزشد

۸ـ ح: سرّقضا ب،ز: که عارف‌عاشق ح: که سالك عارف ی: سالك بسرنبرد

۹ـ * ز: کزگلشن زمانه که بوی وفا شنید

۱۰ـ ط: کوی توجه شد * ح،ك۱: ازگلبن زمانه

۱۱ـ ل: محض صوابست وعین خیر * ح: فیروز روزآن‌که ل: فرخنده آنکسی که ج: آنك بعین رضا

۲۳۹

۱ معاشران گره زلف یار باز کنید
شبی خوش است بدین وُصله‌اش دراز کنید

۲ حضور خلوت انس است و دوستان جمع‌اند
و ان یکاد بخوانید و در فراز کنید

۳ رباب و چنگ به بانگ بلند می‌گویند
که گوش هوش به پیغام اهل راز کنید

۴ به جان دوست که غم پردهٔ شما ندرد
گر اعتماد بر الطاف کارساز کنید

۵ میان عاشق و معشوق فرق بسیارست
چو یار ناز نماید شما نیاز کنید

۶ نخست موعظهٔ پیر صحبت این حرف است
که از مصاحب ناجنس احتراز کنید

۷ هر آن کسی که درین حلقه نیست زنده به عشق
بر او نمرده به فتویّ من نماز کنید

۸ وگر طلب کند انعامی از شما حافظ
حوالتش به لب یار دلنواز کنید

ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق‌است با نسخه‌های **ب،ح،ی،ل.** با ترتیب متن نسخه‌های **ج،ه،ك** بیت۷، نسخهٔ **ز** بیت ۶ ونسخهٔ **ط** بیت ۵ را ندارد. ترتیب نسخهٔ **د** چنین است:

۱، ۲، ۵، ۷، ۶، ۳، ۴، ۸

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ج،د،ه،ل: گره اززلف یار ***ب،ج،د،ه:** خوشست و **ك:** خوشست با این **ب:** بدین وصلتش **ج:** که این وصله‌اش **د،ه:** بدین فضله‌اش **ل:** بدین قصه‌اش

۲ـ ط: مجلس انس **ی:** صحبت انس **ب:** دوستان حاضر

۳ـ د،ه: بلند می‌گوید * **ز:** که ازمصاحب ناجنس احترازکنید

۴ـ ب،د،ز،ط،ل: پرده برشما ندرد * **ه:** بالطاف

۵ـ ح،ك: رازبسیارست

۶ـ د: پیرمحض **ب،ز:** این نکته‌ست

۷ـ د: که درین خانه **ب،ی:** نیست زندهٔ عشق **ط:** هست زنده عشق * **د،ز،ح،ط:** برو بمرده

۸ـ ه،ط: اگرطلب‌کند **ح،ك:** وگر کند طلب * **ح،ك:** حواله‌اش‌بلب **ی:** بلب و زلف دلنواز

۲۴۰

۱ الا ای طوطی گویای اسرار
مبادا خالیت شکّر ز منقار
۲ سرت سبز و دلت خوش باد جاوید
که خوش نقشی نمودی از خط یار
۳ سخن سربسته گفتی با حریفان
خدا را زین معمّا پرده بردار
۴ به روی ما زن از ساغر گلابی
که خواب آلوده‌ایم ای بخت بیدار
۵ چه ره بود این که زد در پرده مطرب
که می‌رقصند با هم مست و هشیار
۶ ازین افیون که ساقی در می‌افکند
حریفان را نه سر ماند و نه دستار
۷ سکندر را نمی‌بخشند آبی
به زور و زر میسّر نیست این کار
۸ بیا و حال اهل درد بشنو
به لفظ اندک و معنّی بسیار
۹ بت چینی عدوی دین و دلهاست
خداوندا دل و دینم نگهدار
۱۰ به مستوران مگو اسرار مستی
حدیث جان مپرس از نقش دیوار
۱۱ به یمن دولت منصور شاهی
علم شد حافظ اندر نظم اشعار
۱۲ خداوندی به جای بندگان کرد
خداوندا ز آفاتش نگه‌دار

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ط،ل.** با ترتیب متن نسخهٔ **ه** بیت‌های ۷ و ۸ و ۹ و ۱۲ را ندارد . ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ز: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۱۱،۱۰، + ،۱۲ — بیت ۹ را ندارد

ح: ۱،۲،۳،۴،۵،۶، + ،۱۰،۷،۸،۱۱،۱۲ — بیت ۹ را ندارد

ی: ۱،۲،۳،۵،۶،۷، + ،۸،۹،۱۰،۱۱ — بیت‌های ۴ و ۱۲ را ندارد

ك: ۱،۲،۳،۴،۵،۶، + ،۱۰،۷،۸،۹،۱۱،۱۲

م: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸، + ،۱۰،۹،۱۱،۱۲

+ خـرد هـرچند نقد کـاینا تست چـه سنجـد پیش عشق کیمیا کـار

که در نسخهٔ **ح** «نقد خانقاد است» و در نسخه‌های **ح،ك** «نقش کیمیا کار» آمده است

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ز: دلت سبز وسرت خوش * **ط:** که خوش رمزی **ی:** از رخ یار

۳ـ ح: سربسته گویی

۴ـ م: بروی من زن * **م:** که خواب آلوده‌ام

۵ـ ك: بر پرده * **ز:** باوی مست و

۶ـ ط،ل: از آن افیون * **ی:** حریفانرا بسرمانید دستار **ح،ط،ك:** ماند نه دستار

۷ـ م: نمی‌بخشید آبی

۸ـ ه: اهل دور

۹ـ ب: عدو وشیخ ما مست **ی:** عدو شیخ وشابست **ی:** عدوّ دین و **ط،ك،م:** دین وما مست * **ب،ط،ك،م:** دل اندر دام ومیرصید غدار **ی:** دل اندر دام صید میرغدار

۱۰ـ ل: جان مگو با نقش

۱۱ـ ی،ك: بیمن رایت **ه:** دولت شاه جوانبخت **ز:** دولت سلطان غضنفر

۱۲ـ ح: بحای بنده او کرد

۲۴۱

۱ عید است و آخر گل و یاران در انتظار
ساقی به روی شاه ببین ماه و می بیار

۲ دل برگرفته بودم از ایّام گل ولی
کاری بکرد همّت پاکان روزه‌دار

۳ دل در جهان مبند و ز مستی سؤال کن
از فیض جام و قصّهٔ جمشید کامگار

۴ جز نقد جان به دست ندارم شراب کو
کان نیز بر کرشمهٔ ساقی کنم نثار

۵ خوش دولتیست خرّم و خوش خسروی کریم
یا رب ز چشم زخم زمانش نگاه‌دار

۶ می خور به شعر بنده که زیبی دگر دهد
جام مرصّع تو بدین دُرّ شاهوار

۷ زانجا که پرده‌پوشی عفو کریم تست
بر قلب ما ببخش که نقدیست کم عیار

۸ ترسم که روز حشر عنان بر عنان رود
تسبیح ما و خرقهٔ رند شراب خوار

۹ حافظ چو رفت روزه و گل نیز می‌رود
ناچار باده نوش که از دست رفت کار

ب،هـ،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ح،ك،م. با ترتیب متن، نسخهٔ ز بعد از بیت ۳ و نسخهٔ ل بعد ازبیت ۶، بیت زیر را افزوده‌اند:

\+ گر فوت شد سحور چـه نقصان صبـوح هست
از مـی کنند روزه‌گشا طـالبـان یـار

که درنسخهٔ ز «روزه‌کشان» آمده است.

ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است.

هـ: ۱،۴،۸،۵،۶،۷،۹ بیت‌های ۲ و ۳ را ندارد

ط: ۱،۵،۳،۶،۷،۸،۹ بیت‌های ۲ و ۴ را ندارد

ی: ۱،۲،۳،۴،۸،۵،۶،۷،۹

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ح: دل برگرفتم از می و از وصل گل ولی ك: بودم و از وصل گل ولی * ح،ك: کاری نکرد ح: همت مردان به روزگـار ی: همت پاکان روزگار م: همت رندان روزه دار

۳ـ ی،ك،ل: به مستی * ك: جام قصهٔ ط: جمشید و روزگار ح،ك: جمشید روزگار

۴ـ ح: شراب خواه * ب: کین نیز

۵ـ * ب: زچشم زخم جهانش ح: زچشم زخم زمانشان

۶ـ ح: میخواست شعربنده * هـ،ز،ط،ی: ازین درشاهوار

۷ـ ح: پرده داری ح،ك: لطف عمیم تست * ك: برجرم ما ببخش

۸ـ ب: عنان برعنان بود * ل: تسبیح شیخ و

۹ـ هـ،ح،ط،ی،ك: روزه وشیطان زبند جست * ح،ك: ناچارمی‌خوریم چو از دست رفت کار

۲۴۲

۱ صبا ز منزل جانان گذر دریغ مدار
وزو به عاشق بیدل خبر دریغ مدار

۲ به شکر آنکه شکفتی به‌کام بخت ای گل
نسیم وصل ز مرغ سحر دریغ مدار

۳ حریف عشق تو بودم چو ماه نو بودی
کنون که ماه تمامی نظر دریغ مدار

۴ کنون که چشمهٔ قنداست لعل نوشینت
سخن بگوی و ز طوطی شکر دریغ مدار

۵ جهان و هر چه درو هست سهل و مختصرست
ز اهل معرفت این مختصر دریغ مدار

۶ مکارم تو به آفاق می‌برد شاعر
ازو وظیفه و زاد سفر دریغ مدار

۷ چو ذکر خیر طلب می‌کنی سخن این است
که در بهای سخن سیم و زر دریغ مدار

۸ غبار غم برود حال خوش شود حافظ
تو آب دیده ازین رهگذر دریغ مدار

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ز،ح،ط،ی،ك،م. با ترتیب متن نسخهٔ ب بیت‌های ۳ و۶، نسخهٔ ه بیت‌های ۵ و۶ و نسخهٔ م بیت ۷را ندارد، در نسخهٔ ل بیت‌های ۴ و۶ مقدم ومؤخراست.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ط: جانان نظر * ح: زعاشق مسکین ی،ك،م: بعاشق مسکین
ی: نظر دریغ مدار

۲ـ ه،ز،ی،ك: بکام دل ه،ز،ك: ای بخت

۴ـ ح،ك: کنون که چشمهٔ نوشست لعل‌شیرینت ط: کنون کرشمهٔ لعلت قند نوشینت
* م: نظر دریغ مدار

۵ـ ز: هرچه دران هست ح،م: سهل مختصریست ك: سهل مختصرست
* ح،ك: زاهل مختصر این

۶ـ ی: باطراف می‌برد * ز،ط،ی،ك،م: وظیفهٔ زاد

۷ـ ه: چو ذکر دوست ی: چونام نیك

۸ـ ز،ح،ك: حال به شود * ه،ی: ازان رهگذر

۲۴۳

۱ ای صبا نکهتی از کوی فلانی به من آر
زار و بیمار غمم راحت جانی به من آر

۲ قلب بی‌حاصل ما را بزن اکسیر مراد
یعنی از خاک در دوست نشانی به من آر

۳ در کمین‌گاه نظر با دل خویشم جنگ است
ز ابرو و غمزهٔ او تیر و کمانی به من آر

۴ در غریبیّ و فراق و غم دل پیر شدم
ساغری می ز کف تازه جوانی به من آر

۵ منکران را هم ازین می دو سه ساغر بچشان
و گر ایشان نستانند روانی به من آر

۶ ساقیا عشرت امروز به فردا مفکن
یا ز دیوان قضا خطّ امانی به من آر

۷ دلم از پرده بشد دوش چو حافظ می‌گفت
ای صبا نکهتی از کوی فلانی به من آر

ب،ه،ز،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ز،ل،م**. با ترتیب متن در نسخهٔ **ه** بیت‌های ۴ و ۵ مقدم ومؤخراست، نسخهٔ **ط** بیت ۵، نسخهٔ **ی** بیت ۴ ونسخهٔ **ك** بیت ۶ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۳ـ ك: با دل‌ریشم * **ب:** زابروی غمزهٔ او **ه،ز،م:** زابروی وغمزه او

۴ـ ط: غم اوپیرشدم * **ط،ل:** ساغرمی

۶ـ * ه: حکم امانی

۷ـ ب،ز،ل،م: دلم از دست بشد **ی:** دوش که حافظ **ب:** که حافظ میخواند **ز،م:** چوحافظ میخواند **ط:** چوحافظ برخواند **ك:** که حافظ میگفت * **ه،ز،ل،م:** کای صبا **م:** از زلف فلانی

۲۴۴

۱ ای صبا نکهتی از خاک ره یار بیار
ببر اندوه دل و مژدهٔ دلدار بیار

۲ نکتهٔ روح‌فزا از دهن دوست بگو
نامهٔ خوش‌خبر از عالم اسرار بیار

۳ تا معطّر کنم از لطف نسیم تو مشام
شمّه‌ای از نفحات نفس یار بیار

۴ به وفای تو که خاک ره آن یار عزیز
بی‌غباری که پدید آید از اغیار بیار

۵ گردی از رهگذر دوست به‌کوریّ رقیب
بهر آسایش این دیدهٔ خونبار بیار

۶ خامی و ساده دلی شیوهٔ جانبازان نیست
خبری از بر آن دلبر عیّار بیار

۷ شکر آن را که تو در عشرتی ای مرغ چمن
به اسیران قفس مژدهٔ گلزار بیار

۸ کام جان تلخ شد از صبر که کردم بی‌دوست
عشوه‌ای زان لب شیرین شکربار بیار

۹ روزگاریست که دل چهرهٔ مقصود ندید
ساقیا آن قدح آینه کردار بیار

۱۰ دلق حافظ به چه ارزد به می‌اش رنگین کن
وانگهش مست و خراب از سر بازار بیار

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ **ل**. با ترتیب متن نسخهٔ **ه** بیت ۶ ونسخهٔ **ط** بیت‌های ۵ و ۶ و۷ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ب،ح،ك: ۱،۲،۳،۴،۹،۸،۱۰ — بیت‌های ۵ و۶ و۷ را ندارند

ز: ۱،۲،۳،۴،۸،۵،۶،۷،۹،۱۰

ی: ۱،۲،۳،۴،۸،۹،۱۰ — بیت‌های ۵ و۶ و۷ را ندارد

م: ۱،۲،۳،۴،۸،۵،۶،۹،۱۰ — بیت ۷ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ ه،ح،ط: خاك در * **ط:** اندوه من و

۲ــ ب،ه،ز،ح،ك،م: نکتهٔ روح فزای **ك:** فزای‌دهن **ب:** ازلب دلدار **ه،ز،ح،ی،ك،م:** دهن یار **ه،ز،ك،م:** بگوی * **ب،ط،ی:** نافهٔ خوش خبر

۴ــ ه،ی: که برخاك ره یارعزیز * **ه،ح:** بغباری‌که **ح:** که به ازدیدهٔ اغیاربیار

۵ــ ز: ره‌گذر یارمن ازکوی رقیب **ه:** بفتوی رقیب

۶ــ م: شیوهٔ جانبازانست

۷ــ ه،ز: شکر ایزد * **ز:** مژدهٔ دلدار

۸ــ ب،ط: که‌کردم بی‌تو

۲۴۵

۱ روی بنمای و وجود خودم از یاد ببر
خرمن سوختگان را همه گو باد ببر

۲ ما چو دادیم دل و دیده به طوفان بلا
گو بیا سیل غم و خانه ز بنیاد ببر

۳ زلف چون عنبر خامش که ببوید؟ هیهات!
ای دل خام طمع این سخن از یاد ببر

۴ سینه گو شعلهٔ آتشکدهٔ پارس بکُش
دیده گو آب رخ دجلهٔ بغداد ببر

۵ سعی نابرده درین راه به جائی نرسی
مزد اگر می‌طلبی طاعت استاد ببر

۶ دولت پیر مغان باد که باقی سهل است
دیگری گو برو و نام من از یاد ببر

۷ روز مرگم نفسی وعدهٔ دیدار بده
وانگهم تا به لحد فارغ و آزاد ببر

۸ دوش می‌گفت به مژگان درازت بکشم
یا رب از خاطرش اندیشهٔ بیداد ببر

۹ حافظ اندیشه کن از نازکی خاطر یار
برو از درگهش این ناله و فریاد ببر

ب،ج،د،هـ،ز،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ **د** . با ترتیب متن نسخهٔ **ب** بیت‌های ۲ و ۶، نسخه‌های **ج،ی،م** بیت ۶، نسخهٔ **هـ** بیت ۴ و نسخهٔ **ز** بیت‌های ۶ و ۸ را ندارد. درنسخهٔ **ب** بیت‌های ۷ و ۸ و درنسخهٔ **ل** بیت‌های ۵ و ۶ مقدم ومؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ط: ۱،۲،۶،۸،۴،۵،۷،۹ بیت ۳ را ندارد

ك: ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۹،۶ بیت ۸ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۳ـ ج،د،هـ،ز،م: عنبرخامت

۴ـ ی،ل،م: آتشکدهٔ فارس * **م:** دجله بیکبار ببر

۵ـ ج: بجائی نرسید

۷ـ * ی: وانگهی تا بلحد

۸ـ ط: بمژگان سیاهت

۹ـ ك: خاطر دوست

۲۴۶

۱ شب قدر است و طی شد نامهٔ هجر
سلام فیه حتیّ مطلع الفجر
۲ دلا در عاشقی ثابت قدم باش
که در این ره نباشد کار بی‌اجر
۳ من از رندی نخواهم کرد توبه
ولو آذیتنی بالهجر و الحجر
۴ دلم رفت و ندیدم روی دلدار
فغان از این تطاول آه ازین زجر
۵ برآی ای صبح روشن دل خدا را
که من تاریک می‌بینم شب هجر
۶ وفا خواهی جفا کش باش حافظ
فان الرّبح و الخسران فی‌التّجر

ب،ز،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ز،ط**. با ترتیب متن نسخه‌های **ب،ی،ك،م** بیت ۵ را ندارند، درنسخهٔ **ل** بیت‌های ۴ و ۵ مقدم ومؤخر است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ل،م: شب وصلست و
۳ـ ط: نخواهم توبه‌کردن * **ز:** ولوادبتنی **ط:** بالحجر و الهجر
۵ـ ز،ط: برا ای صبح * **ط،م:** که بس تاریك
۶ـ * ط،م: فان‌الریح **ط،ی،م:** فی‌البحر

۲۴۷

۱ گر بود عمر به میخانه رسم بار دگر
بجز از خدمت رندان نکنم کار دگر

۲ خرّم آن روز که با دیدهٔ گریان بروم
تا زنم آب در میکده یک بار دگر

۳ معرفت نیست درین قوم خدایا سببی
تا برم گوهر خود را به خریدار دگر

۴ یار اگر رفت و حق صحبت دیرین نشناخت
حاش‌لله که روم من ز پی یار دگر

۵ گر مساعد شودم دایرهٔ چرخ کبود
هم به دست آورمش باز به پرگار دگر

۶ راز سربستهٔ ما بین که به دستان گفتند
هر زمان با دف و نی بر سر بازار دگر

۷ عافیت می‌طلبد خاطرم ار بگذارند
غمزهٔ شوخش و آن طرّهٔ طرّار دگر

۸ هر دم از درد بنالم که فلک هر ساعت
کندم قصد دل ریش به آزار دگر

۹ باز گویم نه درین واقعه حافظ تنهاست
غرقه گشتند درین بادیه بسیار دگر

ب،د،ح،ط،ی،ک،ل،م،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،م، اما این دونسخه بیت ۷ را ندارند. با ترتیب‌متن نسخهٔ ط بیت‌های ۶ و۷ را ندارد. درنسخهٔ ی بیت‌های ۵ و۶ و درنسخهٔ ل بیت‌های ۶ و۷ مقدم ومؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

د: ۱،۶،۵،۲،۳،۴،۷،۸،۹

ح: ۱،۲،۳،۶،۴،۵،۸،۹ — بیت ۷ را ندارد

ک: ۱،۲،۳،۶،۴،۵،۹ — بیت‌های ۷ و۸ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ ح،ط،م: عمرو بمیخانه — د: بمیخانه روم

۲ــ * ط: بزنم آب در

۳ــ ب: خـدایا مـددی — ح،ک: خدایا مپسند — ل،م: خدا را سببی

* ط: که برم

۶ــ ح،ک: حیف رازمن وجانان که بدین سان گفتند — * د،ی،م: در سر

۸ــ ب: هردم از دیده بنالم — د،ح،ط،ی: هرشب از درد

۹ــ ح: باکه گویم که درین واقعه — ط: بازگویم که در بن مرحله حافظ هیهات

ی: حافظ سمر [مت] — * د: غرق‌گشتند

۲۴۸

۱ ای خرّم از فروغ رخت لاله‌زار عمر
بازآ که ریخت بی‌گل رویت بهار عمر

۲ از دیده گر سرشک چو باران چکد رواست
کاندر غمت چو برق بشد روزگار عمر

۳ این یک دو دم که وعدهٔ دیدار ممکن است
دریاب کار ما که نه پیداست کار عمر

۴ تا کی می صبوح و شکر خواب بامداد
هشیار گرد، هان، که گذشت اختیار عمر

۵ دی در گذار بود و نظر سوی ما نکرد
بیچاره دل که هیچ ندید از گذار عمر

۶ اندیشه از محیط فنا نیست هر کرا
بر نقطهٔ دهان تو باشد مدار عمر

۷ در هر طرف ز خیل حوادث کمین گهیست
زان رو عنان‌گسسته دواند سوار عمر

۸ بی‌عمر زنده‌ام من و زین بس عجب مدار
روز فراق را که نهد در شمار عمر

۹ حافظ سخن بگوی که بر صفحهٔ جهان
این نقش ماند از قلمت یادگار عمر

ب،ج،ه،ز،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ج،ه،ز،ل.** ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ب: ۱،۲،۶،۸،۷،۳،۴،۵،۹

ط: ۱،۲،۳،۶،۴،۸،۵،۷،۹

ی: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۸،۷،۹

ك: ۱،۲،۷،۳،۴،۸،۵،۶،۹

م: ۱،۲،۳،۵،۶،۸،۷،۹ بیت ۴ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ج،ه،ز: چو باران رود

۳ـ ط: که دولت دیدار **ك،ل:** که مهلت دیدار * **ه:** در باب کارها

م: هشیار گردهان که گذشت اختیار عمر

۴ـ * ط،ك: بیدار گردهان **ط:** که نه پیداست کار عمر

۵ـ * ه: بیچاره بین که هیچ

۷ـ ز: از هرطرف زسیل حوادث **ی:** زجنگ حوادث

۸ـ ه،ز،ی،ك،ل: من واین بس **ط:** من واین هم عجب **م:** من وین بس

۹ـ ط: که برعرصهٔ جهان **م:** که درصفحهٔ جهان * **ط:** مانند برقلمت

۲۴۹

۱ دیگر ز شاخ سرو سهی بلبل صبور
گلبانگ زد که چشم بد از روی گل به دور

۲ ای گل به شکر آنکه توئی پادشاه حسن
با بلبلان بیدل شیدا مکن غرور

۳ از دست غیبت تو شکایت نمی‌کنم
تا نیست غیبتی نبود لذّت حضور

۴ گر دیگران به عیش و طرب خرّمند و شاد
ما را غم نگار بود مایهٔ سرور

۵ زاهد اگر به حور و قصور است امیدوار
ما را شرابخانه قصور است و یار حور

۶ می خور به بانگ چنگ و مخور غصّه ور کسی
گوید ترا که باده مخور گو هوالغفور

۷ حافظ شکایت از غم هجران چه می‌کنی
در هجر وصل باشد و در ظلمت است نور

ه،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق.

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ * ه: با بی‌دلان عاشق مسکین مکن غرور
۳ـ * ه: غیبتی ندهد
۵ـ * ه: قصورست و باده حور
۶ـ ه: مخور غم که گر کسی

۲۵۰

۱ یوسف گمگشته باز آید به کنعان غم مخور
کلبهٔ احزان شود روزی گلستان غم مخور

۲ این دل غمدیده حالش به شود دل بد مکن
وین سر شوریده باز آید به سامان غم مخور

۳ دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نبود
دایما یکسان نباشد کار دوران غم مخور

۴ گر بهار عمر باشد باز بر تخت چمن
چتر گل در سرکشی ای مرغ خوشخوان غم مخور

۵ ای دل ار سیل فنا بنیاد هستی برکند
چون ترا نوح است کشتیبان ز طوفان غم مخور

۶ هان مشو نومید چون واقف نه‌ای از سرّ غیب
باشد اندر پرده بازیهای پنهان غم مخور

۷ در بیابان گر ز شوق کعبه خواهی زد قدم
سرزنشها گر کند خار مغیلان غم مخور

۸ گر چه منزل بس خطرناک است و مقصد بس بعید
هیچ راهی نیست کان را نیست پایان غم مخور

۹ حال ما در فرقت جانان و ابرام رقیب
جمله می‌داند خدای حال گردان غم مخور

۱۰ حافظا در کنج فقر و خلوت شبهای تار
تا بود وردت دعا و درس قرآن غم مخور

ب،ز،ط،ی،ك،ل،م،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ی،ن.** ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ز: ۱،۲،۴،۳،۶،۵،۷،۱۰ — **بیت‌های ۸ و ۹ را ندارد**

ط: ۱،۲،۴،۳،۵،۶،۷،۹،۸،۱۰

ك: ۱،۲،۳،۴،۶،۷،۵،۸،۱۰ — بیت ۹ را ندارد

ل،م: ۱،۲،۴،۳،۶،۵،۷،۸،۹،۱۰

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ط،ل،م: ای دل غمدیده **ط،ل:** حالت به‌شود **ك:** دل بد مدار

۳ـ ز: دورگردون یك دو روزی‌گربکام ما نبود **ل،ن:** بر مراد ما نرفت *ط،ك،ن: یکسان نماند **ل:** حال دوران

۴ـ * م: حسن گل درسر کشی **ط:** در سر کشد مرغ سحرخوان **ن:** درسر کش ای مرغ سحرخوان

۵ـ ط: سیل بلا **م:** سیرفنا **م:** بنیاد عشقت بر کند * **ط:** نوحست کشتی‌وان

۶ـ ب،ز،ی،ك،ل،م: چون واقف نهٔ **ط:** چون‌آگه نه از **ز،م:** برسر غیب

۷ـ ط،ل: گر بشوق کعبه

۸ـ ط: مقصد ناپدید * **ی:** راهی‌نیست‌کورا

۹ـ ط،ی: حال ما وفرقت **ی:** فرقت یاران وآزار رقیب

۱۰ـ ی: خلوت‌وشبهای تار **ط:** تابود ورد دعا

۲۵۱

۱ نصیحتی کنمت بشنو و بهانه مگیر
هرانچه ناصح مشفق بگویدت بپذیر
۲ نعیم هر دو جهان پیش عاشقان به دو جو
که این متاع قلیل است و آن عطای حقیر
۳ معاشری خوش و رودی بساز می‌خواهم
که درد خویش بگویم به نالهٔ بم و زیر
۴ چو قسمت ازلی بی‌حضور ما کردند
گر اندکی نه به وفق رضاست خرده مگیر
۵ به عزم توبه نهادم قدح ز کف صد بار
ولی کرشمهٔ ساقی نمی‌کند تقصیر
۶ چو لاله در قدحم ریز ساقیا می و مشک
که نقش خال نگارم نمی‌رود ز ضمیر
۷ وصال روی جوانان غنیمتی دانید
که در کمینگه عمرست مکر عالم پیر
۸ نگفتمت که حذر کن ز زلف او ای دل
که می‌کشند درین حلقه باد در زنجیر
۹ می دو ساله و محبوب چارده ساله
همین بس است مرا صحبت صغیر و کبیر
۱۰ بران سرم که ننوشم می و گنه نکنم
اگر موافق تدبیر من رود تقدیر
۱۱ بیار ساغر یاقوت و درّ فیض خوشاب
حسود گو کرم آصفی ببین و بمیر
۱۲ حدیث توبه درین بزمگه مگو حافظ
که ساقیان کمان ابرویت زنند به تیر
۱۳ چه جای گفتهٔ خواجو و شعر سلمان است
که شعر حافظ ما به ز شعر خوب ظهیر

ج،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ج. با ترتیب متن‌نسخهٔ م بیت‌های ۹ و ۱۰ و ۱۲ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ط: ۱،۷،۲،۳،۴،۵،+،۹،۱۲ بیت‌های ۶ و ۸ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ را ندارد

ی: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۱۱،۹،۱۰،۱۲،۱۳

ك: ۱،۷،۲،۳،۱۰،۴،۵،۶،۹،۸،۱۱،۱۳ بیت ۱۲ را ندارد

ل: ۱،۷،۲،۳،۱۰،۴،۶،۱۱،۵،۹،+،۱۲ بیت‌های ۸ و ۱۳ را ندارد

+ دل‌رمیدهٔ ما راکه پیش می‌گیرد خبر دهید بمجنون خسته از زنجیر

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ط: نصیحتی کنمت‌می خور و پیاله بگیر ی: نصیحتی کنمت خوش شنو بهانه مگیر م: نصیحتی کنمت خوش ولی بهانه مگیر

۲ـ ج: پیش عاشقان هیچست ی: عاشقان سهلست ل،م: عاشقان‌بجوی * ج: وان بهای کثیر ك: این عطای ل: عطای کثیر

۳ـ ط: معاشرخوش و رود بسازمیخواهم * ج: که دادخویش‌بکویم ط: که درد عشق بگویم

۴ـی: بی‌حضورمن * ی: نه بوفق مراد تست

۶ـ ك: گرم چومشك براتش نهی وبکدازی

۷ـ ط: ز روی وصل جوانان ك،ل،م: ز وصل روی جوانان ط،ك،ل: جوانان تمتعی بردار * ط،م: فکرعالم پیر

۸ـ * م: باز در زنجیر ج: پای در زنجیر

۱۰ـ ی: بدان سرم * ج،ی: تدبیر می‌رود نقدیر ك: تدبیر من بود تقدیر ل: تدبیر من شود تقدیر

۱۱ـ ل: بیار ساغردرخوشاب ای ساقی م: فیض درخوشاب * ی: خرد بگو کرم‌آصفی

۱۲ـ * ط: کمان ابروت زنند ی: مصراع دوم ندارد

۱۳ـ م: چه جای گفتهٔ سلمان و شعر خواجو است

۲۵۲

۱ روی بنمای و مرا گو که ز جان دل برگیر
پیش شمع آتش پروانه به جان گو در گیر

۲ در لب تشنهٔ ما بین و مدار آب دریغ
به سر کشتهٔ خویش آی و ز خاکش برگیر

۳ ترک درویش مگیر ار نبود سیم و زرش
در غمت سیم شمار اشک و رخم را زر گیر

۴ چنگ بنواز و بساز ار نبود عود منال
آتشم عشق و دلم عود و تنم مجمر گیر

۵ در سماع آی و ز سر خرقه برانداز و برقص
ورنه با گوشه رو و خرقهٔ ما در سر گیر

۶ صوف بر کش ز سر و بادهٔ صافی درکش
سیم در باز و به زر سیمبری در بر گیر

۷ دوست گو یار شو و هر که جهان دشمن باش
بخت گو پشت کن و روی زمین لشکر گیر

۸ میل رفتن مکن ای دوست دمی با ما باش
بر لب جوی طرب جوی و به‌کف ساغر گیر

۹ رفته گیر از برم و زاتش و آب دل و چشم
گونه‌ام زرد و لبم خشک و کنارم تر گیر

۱۰ حافظ آراسته کن بزم و بگو واعظ را
که ببین مجلسم و ترک سر منبر گیر

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ه،ز،ی،ل،م**. با ترتیب متن نسخهٔ **ح** بیت ۱۵ و نسخهٔ **ك** بیت ۹ را ندارد. ترتیب نسخهٔ **ط** چنین است:

۱،۲،۳،۴،۵،۶،۹،۷،۸،۱۵

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ی،ل: روی بنما ومرا **ح،ك:** مرا کوی زجان **م:** که دل ازجان‌برگیر

۲ـ ط: این لب تشنهٔ ما **ه:** مکن‌آب دریغ * **ه،ز،ل:** برسر کشتهٔ خویش

۳ـ ح: درویش‌مکن گرنبود * **ح:** درغمش سیم شمار **ی،ل،م:** رخش را زر گیر

۴ـ ز،ط،ل: عود چه باك * **ی:** تنم عود و دلم مجمر گیر

۵ـ ح،ط،ك،م: خرقه درانداز و * **ه،ط،ی:** ورنه‌در گوشه **ز:** چادرما **ب،ح،ك:** بر سر گیر **ط:** از سر گیر

۶ـ * ح: سیم درباز و برو سیم بری

۷ـ ی: دوست گر یارشود **ه،ز،ط،ل:** هر دوجهان * **ز:** بخت‌گوروی کن و هر دوجهان لشکر گیر **ط،ل:** پشت مکن روی **ی:** روی‌کن‌وروی **ب:** روی جهان لشکر گیر

۸ـ ط: میل رفتن مکن و در دو جهان با ما باش **ب:** ای دوست و دمی **ح،ك:** ای یار و دمی * **ه:** طرب جوی و لب ساغر گیر **ط:** طرب خیز و بکف

۹ـ ح: رفته‌گیر از بر ما آتش و آب از دل وچشم **ط:** ازبرم واتش و آب **ی:** رفته‌گیر از بـرم این آب دل وآتش چشم **ه:** وزآب‌دل و زاتش چشم **ز:** وزاب دل وآتش چشم **م:** زآتش آب دل و چشم * **ز:** لبم خشك و دلم ساغر گیر

۲۵۳

۱ هزار شکر که دیدم به‌کام خویشت باز
ز روی صدق و صفا گشته با دلم دمساز

۲ روندگان طریقت ره بلا ورزند
رفیق عشق چه غم دارد از نشیب و فراز

۳ غم حبیب نهان به ز جست و جوی رقیب
که نیست سینهٔ ارباب کینه محرم راز

۴ چه فتنه بود که مشّاطهٔ قضا انگیخت
که کرد نرگس شوخش سیه به سرمهٔ ناز

۵ به این سپاس که مجلس منوّرست به تو
گرت چو شمع جفائی رسد بسوز و بساز

۶ به نیم بوسه دعایی بخر ز اهل دلی
که کید دشمنت از جان و جسم دارد باز

۷ فکند زمزمهٔ عشق در حجاز و عراق
نوا و بانگ غزل‌های حافظ از شیراز

ب،ه،ح،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ب. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ه: ۱،۳،۴،۵،۶، + ،۷ بیت ۲ را ندارد

ح،ك: ۱،۲،۳،۵،۴،،۶،۷

ی: ۱،۲،۳،۴،۵، + ،۶،۷

ل: ۱،۲،۳، × ، × ،۴،۵،*،* بیت‌های ۶ و۷ را ندارد وبعد ازبیت ۳ این دوبیت را که در غزل شمارهٔ ۲۵۴ آمده است:

× اگرچه‌حسن‌تواز‌عشق‌غیر‌مستغنی‌است من آن نیم که ازین عشقبازی‌آیم باز

× چه‌گویمت‌که‌ز‌سوزدرون‌چه‌می‌بینم ز اشك پرس حکایت که من نیم غماز

وبعد ازبیت ۵ نیز دوبیت زیر راکه اولی بیت شمارهٔ ۵ و دومی بیت مقطع در غزل شمارهٔ۲۵۴ است افزوده است:

*غرض کرشمهٔ‌حسنست‌ورنه‌حاجت‌نیست جمال دولت محمود را بزلف ایاز

* غزل سرائی ناهید صرفهٔ نبرد در آن مقام که حافظ برآورد آواز

م: ۱،۲، + ،۷ بیت‌های ۳ و۴ و۵ و۶ را ندارد

+ ملامتی که بروی من آمد از غم تو زاشك پرس حکایت که من نیم غماز

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ح: با دلم همراز

۲ـ ل: ره بلا سپرند

۳ـ ل: زگفت وگوی رقیب * ك: سینهٔ ابنای کینه

۴ـ * ب: نرگس شوخت ل: نرگس مستش

۵ـ ل: بدین سپاس ح: منورست ز تو ك،ل: منورست بدوست

* ب: قفایی رسد

۶ـ * ح: که گرد دشمنت

۷ـ ه: فکنده زمزمه‌عشاق در ح: فکنده زمزمه عشق در ی،م: فکند نالهٔ عشاق در ح،ی،م: درعراق وحجاز * ب،م: نوای بانگ ح،ك: حافظ شیراز

۲۵۴

۱ منم که دیده به دیدار دوست کردم باز
چه شکر گویمت ای کارساز بنده نواز

۲ نیازمند بلا گو رخ از غبار مشوی
که کیمیای مراد است خاک کوی نیاز

۳ به یک دو قطره که ایثار کردی ای دیده
بسا که بر رخ دولت کنی کرشمهٔ ناز

۴ طهارت ار نه به خون جگر کند عاشق
به قول مفتی عشقش درست نیست نماز

۵ غرض کرشمهٔ حسن است ورنه حاجت نیست
جمال دولت محمود را به زلف ایاز

۶ ز مشکلات طریقت عنان متاب ای دل
که مرد راه نیندیشد از نشیب و فراز

۷ درین مقام مجازی بجز پیاله مگیر
درین سراچهٔ بازیچه غیر عشق مباز

۸ من از نسیم سخن‌چین چه طرف بربندم
چو سرو راست درین باغ نیست محرم راز

۹ اگر چه حسن تو از عشق غیر مستغنیست
من آن نیم که ازین عشقبازی آیم باز

۱۰ چه گویمت که ز سوز درون چه می‌بینم
ز اشک پرس حکایت که من نیم غمّاز

۱۱ غزل‌سرایی ناهید صرفه‌ای نبرد
دران مقام که حافظ برآورد آواز

ب،ج،د،ه،ز،ك،ل،م
ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ب. با ترتیب متن نسخهٔ ج بیت‌های ۵ و۸ را ندارد. در نسخهٔ د بیت ۵ بعد از بیت ۹ قرار گرفته است. نسخهٔ ه بیت‌های ۴ و ۹ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ز: ۱،۲،۶،۴،۵،۹،۳،۸،۷،۱۰،۱۱

ك: ۱،+،×،⊕،۲،۴،۷،۵،۹،۱۱ بیت‌های ۳ و ۶ و۸ و ۱۰ را ندارد

+ چه حلقها که زدم بر در دل از سر سوز
به بوی صبح وصال تو در شبان دراز

× صبا بمقدم گل روح روح می‌بخشد
کجاست بلبل خوش‌گوی گو بر آر آواز

⊕ تنم زجسم چوچشم ازجهان فرومی‌دوخت
امید مژدهٔ وصل تو داد جانم باز

ل: ۱،۲،۶،۴،۷،+،+ بیت‌های۳ و۵ و۸ و۹ و۱۰ و۱۱ را ندارد

+ به نیم بوسه دعائی بخر زاهل دلی که کید دشمنت از جان و جسم داردباز
+ فکند زمزمهٔ عشق در حجاز وعراق نوای بانگ غزلهای حافظ از شیراز

م: ۱،۲،۶،۴،۳،۹،۵،۱۰،۷،+،۸،+،+،+،۱۱

+غم‌حبیب‌نهان به‌زجست وجوی رقیب که نیست سینهٔ ارباب‌کینه محرم راز
+ چه فتنه بود که مشاطهٔ قضا انگیخت که کرد نرگس شوخش‌سیه بسرمهٔ ناز
+ به این سپاس که مجلس‌منورست‌بتو گرت چوشمع جفائی رسدبسوز و بساز
+ به نیم بوسه دعایی بخر زاهل دلی که‌کید دشمنت از جان و جسم دارد باز

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ * ب: حال‌کوی
۳ـ * م: کرشمه و ناز
۵ـ ك: کرشمهٔ بخنست * ز،ك: بحسن اباز
۶ـ د: عنان میبچ * ه: که مرد راه بیندیشد
۷ـ ب: بجز پیاله مجوی
۸ـ ب: من ازنسیم سحرگه
۹ـ ز: اگرچه عشق تو ازحسن غیر مستغنیست ك: اگر چه عشق تو ازغیرحسن مستغنیست * ج: که ازان
۱۰ـ ز: ز سرّ درون
۱۱ـ ج: صرفهٔ نبود

۲۵۵

۱ ای سرو ناز حسن که خوش می‌روی به ناز
عشّاق را به ناز تو هر لحظه صد نیاز

۲ فرخنده باد طلعت نازت که در ازل
ببریده‌اند بر قد سروت قبای ناز

۳ آن را که بوی عنبر زلف تو آرزوست
چون عود گو بر آتش سوزان بسوز و ساز

۴ پروانه را ز شمع بود سوز دل ولی
بی شمع عارض تو دلم را بود گداز

۵ از طعنهٔ رقیب نگردد عیار من
چون زر اگر برند مرا در دهان گاز

۶ دل کز طواف کعبهٔ کویت وقوف یافت
از شوق آن حریم ندارد سر حجاز

۷ هر دم به خون دیده چه حاصل وضو چو نیست
بی طاق ابروی تو نماز مرا جواز

۸ صوفی که بی تو توبه ز می کرده بود دوش
بشکست عهد چون در میخانه دید باز

۹ چون باده باز بر سر خم رفت کف زنان
حافظ که دوش از لب ساغر شنید راز

ب،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ی،م. با ترتیب متن نسخهٔ ط بیت‌های ۲ و ۸ و ۹ را ندارد، در نسخه‌های د،ه،ز،ح،ك بیت‌های ۴ و ۵ مقدم و مؤخر است. ترتیب نسخهٔ ل چنین است:

۹،۷،۶،۵،۸،۴،۳،۲،۱

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ح: طالع نازت **ل:** طلعت‌خوبت **م:** طلعت پاکت * **ز:** برقدحسنت

۳ـ ك: او را که بوی * **ط،ل:** برآتش سودا **ی:** بسوزباز

۵ـ * **ب:** اگر برید مرا

۶ـ ز،ی: دل ازطواف **ی:** کعبهٔ وصلت * **ك:** از سرّ آن حریم **ب،ه،م:** از شوق این حریم **ی:** ازسوی این حریم **ز:** آن طواف ندارد **ح:** آن حریف ندارد

۷ـ ط: هردم بخون دیده وضویی کنم چو نیست **ط،ی،ل:** چه حاجت وضو **ز:** وضو که نیست * **ط:** ابروی توحضوریم ازنماز

۸ـ ب،ه،ح: توبهٔ می کرده

۹ـ ز،ح،ك: چون باده مست بر سر * **ط،ل،م:** ازلب ساقی شنید

۲۵٦

۱ حال خونین دلان که گوید باز
وز فلک خون خم که جوید باز

۲ شرمش از چشم می‌پرستان باد
نرگس مست اگر بروید باز

۳ هر که چون لاله کاسه‌گردان بود
زین جفا رخ به خون بشوید باز

۴ بس که در پرده چنگ گفت سخن
ببرش موی تا نموید باز

۵ جز فلاطون خم‌نشین شراب
سرّ حکمت به ما که گوید باز

۶ نگشاید دلم چو غنچه اگر
ساغر لاله‌گون نبوید باز

۷ گرد بیت‌الحرام خم حافظ
گر نمیرد به سر بپوید باز

ب،ه،ح،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ه،ی،م. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ح: ۱،۵،۲،۴،۶،۷

ك: ۱،۵،۲،۳،۴،۶،۷

ل: ۱،۲،۵،۳،۶،۴،۷

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ی: درفلك ح: خون جم

۲ـ * م: اگر بگوید باز

۳ـ ه: سر که چون لاله ی،ل: کاسه‌گردان شد

۴ـ *ب،ه،م: ببرش‌زلف ه: تا بموید باز

۵ـ ه،ی: چون فلاطون ح: جزفلاطون و * ی: سر این حکمتم که

۶ـ ب،ح،ی: بگشاید دلم * ح،ك،ل: ساغری ازلبش ه: برویدباز
م: نگوید باز ح،ی: ببویدباز

۷ـ*ب،ه،ی،م: کر تواند بسر

۲۵۷

۱ بیا و کشتی ما در شط شراب انداز
غریو و ولوله در جان شیخ و شاب انداز

۲ مرا به کشتی باده در افکن ای ساقی
که گفته‌اند نکوئی کن و در آب انداز

۳ ز کوی میکده برگشته‌ام ز راه خطا
مرا دگر ز کرم با ره صواب انداز

۴ بیار زان می گلرنگ مشکبو جامی
شرار رشک و حسد در دل گلاب انداز

۵ اگر چه مست خرابی تو نیز لطفی کن
نظر برین دل سرگشتهٔ خراب انداز

۶ به نیمشب اگرت آفتاب می‌باید
ز روی دختر گلچهر رز نقاب انداز

۷ مهل که روز وفاتم به خاک بسپارند
مرا به میکده بر در خم شراب انداز

۸ ز جور چرخ چو حافظ به جان رسید دلت
به سوی دیو محن ناوک شهاب انداز

ه،ز،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ل. باترتیب متن نسخهٔ ه بیت ۴، نسخهٔ ك بیت ۸ ونسخهٔ ز بیت۵ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ز،ك: غریو ولوله　　ل: خروش وولوله
۳ـ ه: ز روی میکده
۴ـ ز،ك: بیار ازان　　* ك: شرار و رشك وحسد در دل‌کباب انداز
۵ـ ه: اگر چه هست خرابی　　ك: اگر چه مست وخرابی　　ل: اگر چه مست وخرابم　　* ه: نظربدین
۶ـ * ه: ز روی چهرهٔ‌گلچهر　　ك: ز روی شاهد مه پاره نقاب انداز

۲۵۸

۱ خیز و در کاسهٔ زر آب طربناک انداز
پیشتر زان که شود کاسهٔ سر خاک انداز

۲ عاقبت منزل ما وادی خاموشان است
حالیا غلغله در گنبد افلاک انداز

۳ به سر سبز تو ای سرو که چون خاک شوم
ناز از سر بنه و سایه بر این خاک انداز

۴ چشم آلوده نظر بر رخ جانان نه رواست
به رخ او نظر از آینهٔ پاک انداز

۵ دل ما را که ز مار سر زلف تو بخست
از لب خود به شفاخانهٔ تریاک انداز

۶ ملک این مزرعه دانی که ثباتی نکند
آتشی از جگر جام در املاک انداز

۷ غسل در اشک زدم کاهل طریقت گویند
پاک شو اوّل و پس دیده بر آن پاک انداز

۸ یا رب آن زاهد خودبین که بجز عیب ندید
دود آهیش در آئینهٔ ادراک انداز

۹ چون گل از نکهت او جامه قبا کن حافظ
وین قبا در ره آن قامت چالاک انداز

ب،ج،د،و،ز،ح،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ **ب**، اما این نسخه بیت ۷ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ج: ۱،۲،۳،۵،۷،۶،۹ بیت‌های ۴ و ۸ را ندارد

د: ۱،۲،۳،۵،۸،۷،۶،۹ بیت ۴ را ندارد

و،ی: ۱،۲،۳،۵،۶،۷،۸،۹ بیت۴ را ندارد

ز: ۱،۲،۶،۴،۳،۵،۸،۹ بیت ۷ را ندارد

ح: ۱،۲،۴،۸،۶،۷،۳،۵،۹

ك: ۱،۲،۶،۷،۳،۵،۸،۹ بیت ۴ را ندارد

ل: ۱،۲،۴،۳،۵،۶،۷،۸،۹

م: ۱،۲،۳،۶،۵،۷،۸،۹،۴

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * **د،و:** پیش ازان دم که شود

۲ـ * **و:** درقبهٔ افلاك

۳ـ **ح:** سرو که من خاك توام **ك،ل:** که گرخاك شوم * **ب:** بازی از سربنه و **ج:** دیده بران خاك انداز **ز:** بدین خاك انداز

۴ـ **ز،ح،ل،م:** از رخ جانان دورست * **ز،ح،م:** بررخ او

۵ـ **ز،ك:** که زتار سرزلف

۶ـ **ج:** که ثنا می ندهد **ز،ل:** که ثباتی ندهد * **ب:** ازجگرخام **ب،م:** در افلاك انداز **ی:** برافلاك انداز

۷ـ **ح:** طریقت گفتند * **ج:** بران خاك انداز

۸ـ **ب،د:** یا رب این

۹ـ **م:** چاك شد جامهٔ جان چندپوشی حافظ * **ز،ح،ك:** وان قبا **م:** این قبا در بر آن قامت

۲۵۹

۱ برنیامد از تمنّای لبت کامم هنوز
بر امید جام لعلت دردی آشامم هنوز

۲ روز اوّل رفت دینم در سر زلفین تو
تا چه خواهد شد درین سودا سرانجامم هنوز

۳ ساقیا یک جرعه ده زان آب آتش‌گون که من
در میان پختگان عشق او خامم هنوز

۴ از خطا گفتم شبی موی ترا مشک ختن
می‌زند هر لحظه تیغی مو بر اندامم هنوز

۵ نام من رفتست روزی بر لب جانان به سهو
اهل دل را بوی جان می‌آید از نامم هنوز

۶ پرتو روی تو تا در خلوتم دید آفتاب
می‌رود چون سایه هر دم بر در و بامم هنوز

۷ در ازل دادست ما را ساقی لعل لبت
جرعهٔ جامی که من مدهوش آن جامم هنوز

۸ ای که گفتی جان بده تا باشدت آرام دل
جان به غمهایش سپردم نیست آرامم هنوز

۹ در قلم آورد حافظ قصّهٔ لعل لبت
آب حیوان می‌رود هر دم ز اقلامم هنوز

ب،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ی،ك. با ترتیب متن نسخهٔ ب بیت ۲، نسخهٔ ح بیت ۶ و نسخهٔ م بیت ۹ را ندارد، در نسخه‌های ط،ل بیت‌های ۵ و ۶ مقدم ومؤخر است.

اختلاف نسخه‌ها

۳ـ ط،ل: یك جرعهٔ زان   ی،م: یك دور ده زان   ط: آتش‌گون بده
۴ـ ح،ل: شبی زلف ترا   * ی،م: تیغی زان
۶ـ ب،ط،ی،ك: روی ترا   ب: درخلوتش دید   * ب: می‌دود هردم چو سایه بر در و بامم هنوز
۷ـ ب: دادست ساقی آن لب لعلت مرا
۸ـ ل: آرام جان   * ح،ك: بغمهایت سپردم   م: به‌یغمایش سپردم
۹ـ ط،ل: لعل لبش

۲۶۰

۱ دلم ربـودهٔ لولی وشیست شورانگیز
دروغ وعده و قـتّال وضع و رنگ آمـیز

۲ فـدای پـیرهن چـاک مـاهرویان بـاد
هزار جـامهٔ تـقوی و خـرقهٔ پـرهیز

۳ فـرشته عشق نـداند کـه چیست ای ساقـی
بـخواه جام و گـلابی بـه خـاک آدم ریـز

۴ غلام آن کـلماتم کـه آتش انگیزد
نه آب سرد زنـد در سخـن بـه آتش تـیز

۵ فـقیر و خسته بـه درگـاهت آمـدم رحمی
کـه جـز ولای تـوام نـیست هیچ دستاویـز

۶ مـباش غرّه بـه بـازی خـود کـه در خبرست
هزار تـعبیه در حکم پـادشاه انگیز

۷ بـیا کـه هاتـف مـیخانه دوش بـا مـن گـفت
کـه در مـقام رضا بـاش و از قضا مگریـز

۸ پـیاله بـر کـفنم بـند تـا سحـرگه حشر
بـه مـی ز دل بـبرم هول روز رستاخیز

۹ مـیان عاشق و مـعشوق هیچ حـایل نـیست
تو خود حجاب خـودی حـافظ از مـیان بـرخیز

ب،و،ز،ح،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ب. بـا ترتیب متن نسخهٔ ح بیت ۴ را ندارد، درنسخهٔ و بیت‌های ۶ و ۷ و درنسخه‌های ز،ح،ك،م بیت‌های ۵ و ۶ مقدم ومؤخر است. ترتیب‌نسخه‌های دیگرچنین است.

ی: ۱،۴،۲،۳،۶،۵،۷،۸،۹

ل: ۱،۲،+،۳،۸،۵،۷،۹ بیت‌های ۴ و۶ را ندار

+ خیال خـال تو با خود بخاك خـواهم برد
که تا ز خال تو خاکم شود عبیرآمیز

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ل،م: دلم رمیدهٔ * م: وعدهٔ قتال ز،م: قتال وضع رنك‌آمیز

۳ـ و،ك: بشکرانك بحسن ازملك ببردی‌کوی ح: بشکرآنکه به‌حسن ازملك ببردی‌گو ز،م: که چیست بحث مکن * و: گلابی بآب‌آدم ریز

۴ـ ك،م: که آتش‌افروزد * ك: برسخن درآتش تیز و،ز، م: برآتش تیز ی: نه‌آتش تیز

۵ـ ی: آمدم زچمن

۶ـ ی: غره ببازوی خود ز،ح،ك،م: که درضربست * ب،و،ز،ی،م: هزارتعبیهٔ حکم و،ز: حکـم پادشه انگیز ح: حکم پارسازانگیز ك: حکم پارساانگیز (معنی این بیت دانسته نشد)

۷ـ * ز: باش وبا قضا ح،ل: باش وزقضا

۸ـ ب: بیا و برکفنم بند

۹ـ ح،ك: نقاب وپرده ندارد نگار دلبرمن * ح،ك: حجاب شدی حافظ

۲۶۱

۱ ای صبا گر بگذری بر ساحل رود ارس

بوسه زن بر خاک آن وادی و مشکین کن نفس

۲ منزل سلمی که بادش هر دم از ما صد سلام

پر صدای ساربانان بینی و بانگ جرس

۳ محمل جانان ببوس آنگه به زاری عرضه‌دار

کز فراقت سوختم ای مهربان فریاد رس

۴ من که قول ناصحان را خواندمی قول رباب

گوشمالی دیدم از هجران که اینم پند بس

۵ عشرت شبگیر کن بی ترس کاندر شهر عشق

شبروان را آشنائی‌هاست با میر عسس

۶ عشقبازی کار بازی نیست ای دل سر بباز

ورنه گوی عشق نتوان زد به چوگان هوس

۷ دل به رغبت می‌سپارد جان به چشم مست یار

گر چه هشیاران ندادند اختیار خود به کس

۸ طوطیان در شکرستان کامرانی می‌کنند

وز تحسّر دست بر سر می‌زنند مسکین مگس

۹ نام حافظ گر برآید بر زبان کلک دوست

از جناب حضرت شاهم بس است این ملتمس

ب،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق.

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ * ك: ساربان بینی و بانگ آن جرس
۳ـ ط: منزل جانان ط،ك: ببرس انکه * ب: سوختیم ای نامهربان فریادرس
۴ـ ط: خواندمی قول زمان * ط: گوشمالی خوردم ازهجران
۵ـ ط: عشرتی ل: شبگیر کن می نوش کاندر ح،ل: کاندر راه عشق
ی: کاندر مهد عشق
۶ـ ب،ح،ط،ی،ك: پادشاهی کار بازی نیست * ل: زانکه گوی عشق
۷ـ ی: دل بغیبت می‌سپارد ح: می‌سپارم جان ی: مست او
۸ـ ی: برشکرستان * ك: و زتحیر
۹ـ ی: کلك تو

۲۶۲

۱ گلعذاری ز گلستان جهان ما را بس
زین چمن سایهٔ آن سرو چمان ما را بس

۲ من و همصحبتی اهل ریا دورم باد
از گرانان جهان رطل گران ما را بس

۳ قصر فردوس به پاداش عمل می‌بخشند
ما که رندیم و گدا دیر مغان ما را بس

۴ بنشین بر لب جوی و گذر عمر ببین
وین اشارت ز جهان گذران ما را بس

۵ نقد بازار جهان بنگر و آزار جهان
گر شما را نه بس این سود و زیان ما را بس

۶ یار با ماست چه حاجت که زیادت طلبیم
دولت صحبت آن مونس جان ما را بس

۷ از در خویش خدا را به بهشتم مفرست
که سر کوی تو از کون و مکان ما را بس

۸ حافظ، از مشرب قسمت گله بی انصافیست
طبع چون آب و غزلهای روان ما را بس

ب،ج،ه،و،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ج،ز،ح،ط،ك،ل**. با ترتیب متن نسخهٔ **ه** بیت‌های ۲ و ۵ و نسخهٔ **و** بیت ۵ را ندارد. ترتیب نسخهٔ **ی** چنین است:

۱،۳،۴،۵،۲،۶،۷،۸

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ج: ازچمن **ط:** زچمن **ی:** درچمن **ج،ز،ح،ط،ك،ل:** سرو روان

۴ـ * ط: این اشارت **ل:** کاین اشارت

۵ـ * ج: که شما را **ح،ك:** کرشمارندبس

۶ـ * ی: صحبت این

۷ـ ج،ه،ز،ی: از درخویش خدایا **ك:** به‌بهشتم مفریب

۸ـ ج: قسمت کل **ج،ل:** ناانصافی است

۲۶۳

۱ دلا رفیق سفر بخت نیکخواهت بس
نسیم روضهٔ شیراز پیک راهت بس

۲ دگر ز منزل جانان سفر مکن درویش
که سیر معنوی و کنج خانقاهت بس

۳ هوای مسکن مألوف و عهد یار قدیم
ز رهروان سفرکرده عذرخواهت بس

۴ و گر کمین بگشاید غمی ز گوشهٔ دل
حریم درگه پیر مغان پناهت بس

۵ به صدر مصطبه بنشین و ساغری می نوش
که این‌قدر ز جهان کسب مال و جاهت بس

۶ زیادتی مطلب کار بر خود آسان کن
که شیشهٔ می لعل و بتی چو ماهت بس

۷ فلک به مردم نادان دهد زمام مراد
تو اهل فضلی و دانش همین گناهت بس

۸ به هیچ ورد دگر نیست حاجت ای حافظ
دعای نیمشب و درس صبحگاهت بس

۹ به منّت دگران خو مکن که در دو جهان
رضای ایزد و انعام پادشاهت بس

ب،ج،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ج،ز،ح،ك.** بـا ترتیب متن نسخهٔ **ط** بیت ۹ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ی: ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۹،۸ بیت ۶ را ندارد

ل: ۱،۲،۴،۵،۶،۷،۳،۹،۸

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ط: سفر عذرنیك خواهت

۲ـ ط: الا زمنزل جانان سفر مکن زین بیش *** ج،ط:** که سرمعنوی و **ح:** که پیر معنوی و

۴ـ ط: اگر کمین بگشاید زگوشهٔ غم دل

۵ـ ز: بصدرمصطبه‌ام‌می‌نشاند اکنون دوست **ب،ز،ط،ی،ل:** ساغر می‌نوش *** ی:** قدرمال و

۶ـ * ج: که شیشهٔ می صاف و **ل:** صراحی می لعل و **ج،ح،ط:** بت چو ماهت

۷ـ ج: زمان بمردم نادان

۸ـ ج: بهیچ وجه دگرنیست **ز،ح،ط،ك:** نیست‌حاجتت حافظ **ی:**جاجتی حافظ *** ی:** ورد صبحگاهت

۹ـ ب،ج،ی: بمنت دوجهان خومکن

۲۶۴

۱ جانا ترا که گفت که احوال ما مپرس
بیگانه گرد و قصّهٔ هیچ آشنا مپرس

۲ زانجا که لطف شامل و خلق کریم تست
جرم نکرده عفو کن و ماجرا مپرس

۳ خواهی که روشنت شود اسرار درد عشق
از شمع پرس قصّه ز باد صبا مپرس

۴ هیچ آگهی ز عالم درویشیش نبود
آن‌کس که با تو گفت که درویش را مپرس

۵ از دلق پوش صومعه نقد طلب مجوی
یعنی ز مفلسان سخن کیمیا مپرس

۶ در دفتر طبیب خرد باب عشق نیست
ای دل به درد خو کن و نام دوا مپرس

۷ ما قصّهٔ سکندر و دارا نخوانده‌ایم
از ما بجز حکایت مهر و وفا مپرس

۸ حافظ رسید موسم گل معرفت مگوی
دریاب نقد وقت و ز چون و چرا مپرس

ب،ج،د،ه،و،ز،ح،ط،ی،ك

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،و. با ترتیب متن نسخهٔ ج بیت ۳ و نسخهٔ ه بیت ۵ راندارد، درنسخه‌های د،ه بیت‌های ۲ و ۳ مقدم ومؤخراست ونسخهٔ ز بعد ازبیت ۷ بیت زیر را افزوده است:

من ذوق سوز عشق تو دانم نه مدعی — ازشمع پرس قصه ز باد هوا مپرس

درنسخهٔ ط بیت‌های ۴ و ۵ مقدم ومؤخر است وبعد ازبیت اول، بیت زیر را افزوده است:

نقش حقوق صحبت و اخلاص بندگی — از لوح سینه محو کن ونام ما مپرس

ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ح: ۱،۳،۷،۵،۶،۲،۴،۸

ی: ۱،۲،۴،۵،۳،۶،۷،۸

ك: ۱،۳،۷،۵،۶،۲،۸ بیت ۴ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ و: خلق شامل ولطف کریم *ح،ك: جرم مرا توعفو کن و

۳ـ د،ح: روشنت شود احوال سوزما ز: اسرار درس عشق ط،ی: احوال درد عشق * ب: ازتیغ پرس د،ه،و،ح،ط،ی،ك: زباد هوا مپرس

۴ـ ح: آگاهیش ز عالم درویش نیست هیچ

۵ـ ز: از نقد پوش صومعه * ز: طلب کیمیا ح،ك: خبرکیمیا

۶ـ ب،د،ه،ز،ح،ط،ك:طبیب جهان ی: حدیث جهان *ب،د،و،ط: نام ازدوا مپرس

۸ـ ح،ط: معرفت مکو * ج: درباب وقت را زچون و و،ی: درباب وقت را و زچون و ح،ك: درباب وقت عیش و زچون و ط: وقت زچون و

۲٦۵

۱ درد عشقی کشیده‌ام که مپرس
دُرد هجری چشیده‌ام که مپرس

۲ گشته‌ام در جهان و آخر کار
دلبری برگزیده‌ام که مپرس

۳ آنچنان در هوای خاک درش
می‌رود آب دیده‌ام که مپرس

۴ من به گوش خود از دهانش دوش
سخنانی شنیده‌ام که مپرس

۵ سوی من لب چه می‌گزی که مگوی
لب لعلی گزیده‌ام که مپرس

۶ بی تو در کلبهٔ گدائی خویش
رنجهائی کشیده‌ام که مپرس

۷ همچو حافظ غریب در ره عشق
به مقامی رسیده‌ام که مپرس

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ه،ز،ی،ك،ل.** ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ح: ۱،۲،۵،۳،۴،۶،۷

ط: ۱،۲،۴،۵،۶،۷،۳

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ه: بار عشقی کشیده‌ام * **ه:** درد هجری **ز:** طعم هجری **ح:** سوز هجری **ط،ی،ل:** زهر هجری

۴ـ ح: از دهانم دوش

۵ـ ی: که مگو

۶ـ ح: گدائی دوش

۷ـ ه: همچو حافظ برغم مدعیان

٢٦٦

۱ دارم از زلف سیاهش گله چندان که مپرس
که چنان زو شده‌ام بی سر و سامان که مپرس

۲ کس به امیّد وفا ترک دل و دین مکناد
که چنانم من ازین کرده پشیمان که مپرس

۳ به یکی جرعه که آزار کسش در پی نیست
زحمتی می‌کشم از مردم نادان که مپرس

۴ زاهد از ما به سلامت بگذر کاین می لعل
دل و دین می‌برد از دست بدان سان که مپرس

۵ گوشه‌گیری و سلامت هوسم بود ولی
شیوه‌ای می‌کند آن نرگس فتّان که مپرس

۶ گفتگوهاست درین راه که جان بگدازد
هر کسی عربدهٔ این که مبین آن که مپرس

۷ گفتم از گوی فلک صورت حالی پرسم
گفت آن می‌کشم اندر خم چوگان که مپرس

۸ گفتمش زلف به خون که شکستی گفتا
حافظ این قصّه دراز است به قرآن که مپرس

الف،ب،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،د،ز،ی. با ترتیب متن نسخهٔ ه بیت ۲ ونسخهٔ ح بیت ۷ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

الف: ۱،۲،۳،۶،۵،۷،۴،۸

ك: ۱،۲،۳،۴،۶،۷،۸،۵

ل: ۱،۲،۳،۴،۶،۵،۷،۸

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ د،ه،ز،ی: زلف سیاهت گله *** الف:** آن چنان زوشده‌ام **ب:** که ازان سان شده‌ام **ه:** که چنان زان شده‌ام **ط:** کان چنان زوشده‌ام

۲ـ * ب: من ازان کرده **د:** من ازو کرده

۴ـ الف: کین می ناب

۵ـ الف،ح،ط،ل: پارسائی وسلامت

۸ـ ط: بجور که شکستی **ی:** کشیدی گفتا **ك:** شکستی دل گفت

*** الف:** حافظا قصه

۲٦٧

۱ باز آی و دل تنگ مرا مونس جان باش
وین سوخته را محرم اسرار نهان باش

۲ زان باده که در مصطبهٔ عشق فروشند
ما را دو سه ساغر بده و گو رمضان باش

۳ در خرقه چو آتش‌زدی ای عارف سالک
جهدی کن و سر حلقهٔ رندان جهان باش

۴ دلدار که گفتا به توام دل نگران است
گو می‌رسم اینک به سلامت نگران باش

۵ خون شد دلم از حسرت آن لعل روان‌بخش
ای درج محبّت به همان مهر و نشان باش

۶ تا بر دلش از غصّه غباری ننشیند
ای سیل سرشک از عقب نامه روان باش

۷ حافظ که هوس می‌کندش جام جهان بین
گو در نظر آصف جمشید مکان باش

ب،د،ه،و،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق‌است با نسخه‌های ب،د،و،ز،ح،ط،ك،ل. با ترتیب متن نسخهٔ ی بیت ۵ را ندارد. ترتیب نسخهٔ ه چنین است:

۱،۳،۵،۴،۲،۶،۷

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ه،د،ط،ل: که درمیکدهٔ عشق

۳ـ ب،و،ز: عارف عاشق ح،ك: عارف عاقل

۴ـ د،ه: آن یار که گفتا

۵ـ ه: خون دل شدم ازحسرت و: دل خوش‌شدم ازحسرت ح،ك: دل خون شدم ازحسرت * ز: ای مهرمحبت

۶ـ ب: تا بردل ازان غصه ه: تا بر دلت ازغصه ط: غباری ننشاند ك: غباری بنشاند

۷ـ *ه: آصف خورشید زمان باش ط: آصف جمشید جهان باش

۲٦۸

۱ اگر رفیق شفیقی درست پیمان باش
حریف حجره و گرمابه و گلستان باش

۲ شکنج زلف پریشان به دست باد مده
مگو که خاطر عشّاق گو پریشان باش

۳ گرت هواست که با خضر همنشین باشی
نهان ز چشم سکندر چو آب حیوان باش

۴ زبور عشق نوازی نه کار هر مرغیست
بیا و نوگل این بلبل غزلخوان باش

۵ طریق خدمت و آئین بندگی کردن
خدای را که رها کن به ما و سلطان باش

۶ دگر به صید حرم تیغ برمکش زنهار
و زانچه با دل ما کرده‌ای پشیمان باش

۷ تو شمع انجمنی یکزبان و یکدل شو
خیال و کوشش پروانه بین و خندان باش

۸ کمال دلبری و حسن در نظربازیست
به شیوهٔ نظر از نادران دوران باش

۹ خموش حافظ و از جور یار ناله مکن
ترا که گفت که در روی خوب حیران باش

ب،ه،و،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ز،ح،ط،ل. با ترتیب متن نسخهٔ و بیت۹ ونسخهٔ ك بیت‌های ۸ و۹ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ه: ۱،۲،۵،۷،۸،۶،۹ بیت‌های ۳ و۴ را ندارد

ی: ۱،۲،۴،۵،۷،۳،۸،۶،۹

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ *ب،و،ز: رفیق حجره وگرمابه و ه،ح،ط،ل: حریف خانه وگرمابه و

۳ـ ح: همنشین گردی

۴ـ ز،ی: رموزعشق ح: نه‌کار هرمرغست * و: بیا وبلبل این نوگل غزل خوان باش ط: بیا وبر گل ما بلبل غزل خوان باش ی: بیا و همراه این ك: بیا و توگل این

۵ـ و: آیین سروری کردن ب،ه،ز،ح،ط،ك،ل: آئین بندگان‌کردن * ی: خدایرا تو ب،ی: رهاکن بیا و

۶ـ * ه: وزانچه با دل من و،ل: وزانکه با دل ما

۷ـ * ز،ك: خیال‌کوشش ه: بین که خندان

۸ـ * ز،ح: ازناظران دوران باش

۹ـ ه،ی: مرنج حافظ و از دلبران حفاظ مجوی * ح: که بر روی خوب

۲٦٩

۱ به دور لاله قدح گیر و بی ریا می‌باش
به بوی گل نفسی همدم صبا می‌باش

۲ نگویمت که همه ساله می‌پرستی کن
سه ماه می خور و نه ماه پارسا می‌باش

۳ چو پیر سالک عشقت به می حواله کند
بنوش و منتظر رحمت خدا می‌باش

۴ گرت هواست که چون جم به سرّ غیب رسی
بیا و همدم جام جهان نما می‌باش

۵ چو غنچه گر چه فرو بستگیست کار جهان
تو همچو باد بهاری گره‌گشا می‌باش

۶ وفا مجوی ز کس ور سخن نمی‌شنوی
به هرزه طالب سیمرغ و کیمیا می‌باش

۷ مرید طاعت بیگانگان مشو حافظ
ولی معاشر رندان آشنا می‌باش

ب،ج،د،ه،ز،ح،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ز،ح،ك،ل**. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ح،د،ی: ۱،۴،۳،۲،۵،۶،۷

ه: ۱،۳،۲،۶،۷ بیت‌های ۴ و ۵ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ز،ح،ك: بلوربادهٔ قدح

۲ـ *ب،ز: دوماه می‌خورد و ده‌ماه

۳ـ ج: چو درممالك غیبت بمی حواله‌کنند **د،ه:** چو درممالك عشقت بمی حواله‌کنند **ح:** عشقت میی‌حواله‌کند **ی:** عشقت بمی‌حوالت‌کرد

۴ـ ج: که چون غم بسر *** د:** تویار وهمدم

۵ـ * ج: توهم چوباد

۶ـ ه: گرسخن

۷ـ *ح،ل: رندان پارسا

۲۷۰

۱ صوفی گلی بچین و مرقّع به خار بخش
وین زهد تلخ را به می خوشگوار بخش

۲ طامات و شطح در ره آهنگ چنگ نه
تسبیح و طیلسان به می و میگسار بخش

۳ زهد گران که شاهد و ساقی نمی‌خرند
در حلقهٔ چمن به نسیم بهار بخش

۴ راهم شراب لعل زد ای میر عاشقان
خون مرا به چاه زنخدان یار بخش

۵ یا رب به وقت گل گنه بنده عفو کن
وین ماجرا به سرو لب جویبار بخش

۶ ای آنکه ره به مشرب مقصود برده‌ای
زین بحر قطره‌ای به من خاکسار بخش

۷ شکرانه را که چشم تو روی بتان ندید
ما را به عفو و لطف خداوندگار بخش

۸ ساقی چو شاه نوش کند بادهٔ صبوح
گو جام زر به حافظ شب زنده‌دار بخش

ب،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است بـا نسخه‌های **ب،ز،ل.** با تـرتیب متن نسخهٔ **ط** بیت ۳ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ح: ۱،۲،۵،۳،۴،۶،۸ بیت ۷ را ندارد

ی: ۱،۲،۳،۴،۶،۵،۸ بیت ۷ را ندارد

ك: ۱،۲،۵،۳،۴،۶،۷،۸

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ **ك:** صوفی تو گل بچین و * **ل:** وین زهد خشك

۲ـ **ح،ك:** طامات و زرق

۳ـ **ح،ی،ك:** زهد گران بها چوندیمان نمی‌خرند

۴ـ **ح،ك:** راهم شراب ناب زد * **ط:** خون مرا مجو بزنخدان یاربخش

۵ـ * **ب:** بسرو ولب جویبار **ح:** بسرو و گل وجویبار **ك:** بسرو و گل جویبار

۷ـ **ك:** شکرخدا که چشم تو **ط:** روی بدان ندید

۸ـ **ی:** ساقی چوخواجه نوش‌کند

۲۷۱

۱ باغبان گر پنج روزی صحبت گل بایدش
بر جفای خار هجران صبر بلبل بایدش

۲ ای دل اندر بند زلفش از پریشانی منال
مرغ زیرک چون به دام افتد تحمّل بایدش

۳ با چنین زلف و رخش بادا نظربازی حرام
هر که روی یاسمین و جعد سنبل بایدش

۴ رند عالم سوز را با مصلحت‌بینی چه کار
کار ملک است آنکه تدبیر و تأمّل بایدش

۵ تکیه بر تقویّ و دانش در طریقت کافریست
راهرو گر صد هنر دارد توکّل بایدش

۶ نازها زان نرگس ترکانه‌اش باید کشید
این دل شوریده تا آن جعد و کاکل بایدش

۷ ساقیا در گردش ساغر تعلّل تا به چند
دور چون با عاشقان افتد تسلسل بایدش

۸ کیست حافظ تا ننوشد باده بی‌آواز رود
عاشق مسکین چرا چندین تجمّل بایدش

ب،ج،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ز،ح،ی،ك. با ترتیب متن نسخهٔ ج بیت ۷ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ط،ل: ۱،۲،۴،۵،۳،۶،۷،۸

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ *ط: با جفای

۲ـ ی: ای دل ازبند سرزلف ارپریشانی‌منال

۵ـ ج: تکیه بردنیی و دانش

۶ـ ب،ی: بارها زان ج،ز،ط،ل: نرگس‌مستانه‌اش * ج: شوریده را
ب،ط: تا آن جعد سنبل ج: تا آن جعد وسنبل ز،ی،ك: جعدکاکل

۷ـ ز: درگردش باده ح: تعلل تابکی

۸ـ ج: گفت حافظ تابنوشد باده ز: بی‌آوازچنگ * ك: عاشقی‌مسکین
ب،ط،ی: چندین تحمل

۲۷۲

۱ فکر بلبل همه آن است که گل شد یارش
گل در اندیشه که چون عشوه کند در کارش

۲ دلربائی همه آن نیست که عاشق بکشند
خواجه آن است که باشد غم خدمتگارش

۳ جای آن است که خون موج زند در دل لعل
زین تغابن که خزف می‌شکند بازارش

۴ بلبلِ از فیض گل آموخت سخن ورنه نبود
این همه قول و غزل تعبیه در منقارش

۵ ای که در کوچهٔ معشوقهٔ ما می‌گذری
برحذر باش که سر می‌شکند دیوارش

۶ آن سفر کرده که صد قافله دل همره اوست
هر کجا هست خدایا به سلامت دارش

۷ صحبت عافیتت گرچه خوش افتاد ای دل
جانب عشق عزیز است فرو مگذارش

۸ صوفی سرخوش ازین دست که کج کرد کلاه
به دو جام دگر آشفته شود دستارش

۹ دل حافظ که به دیدار تو خوگر شده بود
نازپرورد وصال است مجو آزارش

ب،ج،د،ه،و،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،و،ز،ل. با ترتیب متن در نسخه‌های ج،د،ح،ی،ك بیت‌های ۵ و ۶ مقدم و مؤخر است. نسخهٔ ه بیت‌های ۳ و ۶ و نسخهٔ ط بیت‌های ۲ و ۷ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ه: فکر بلبل همه اینست * و،ط،ی: گل در آن فکر که چون
۳ـ ی: جای آن نیست * ط: زان تغابن ح: که صدف می‌شکند
۵ـ ز: ای که درخانهٔ معشوقهٔ ما * د: که سرمی‌شکند بازارش
۶ـ ح،ط،ك: صد قافله جان
۷ـ * د. عزیز است وفرومگذارش
۸ـ ب،ط: صوفی سرکش ازین و: که کج کرده کلاه
۹ـ ب،ز: چشم حافظ * و: ناز پرورد خیالست ج،ز: مجوی آزارش

۲۷۳

۱ شرابی مست می‌خواهم که مردافکن بود زورش
مگر یک دم برآسایم ز دنیا و شر و شورش

۲ بیاور می که نتوان شد ز مکر آسمان ایمن
به لعب زهرهٔ چنگی و مرّیخ سلحشورش

۳ سماط دهر دون‌پرور ندارد شهد آسایش
مذاق حرص و آز ای دل بشوی ازتلخ و ازشورش

۴ کمند صید بهرامی بیفکن جام می بردار
که من پیمودم این صحرا نه‌بهرام است و نه‌گورش

۵ نگه کردن به درویشان منافیّ بزرگی نیست
سلیمان با چنان حشمت نظرها بود با مورش

۶ بیا تا در می صافیت راز دهر بنمایم
به شرط آن که ننمائی به کج طبعان دل کورش

۷ کمان ابروی جانان نمی‌پیچد سر از حافظ
ولیکن خنده می‌آید بر این بازوی بی‌زورش

ب،و،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است بانسخه‌های **ب،و،ح،ی،ك**. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:
ط،ل: ۱،۳،۲،۴،۶،۵،۷

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ **ی:** شرابی تلـخ **ح،ك،ل:** شراب تلخ **ط:** شراب مست
* **ل:** که تا یکدم بیاسایم

۲ـ * **ح:** بسیر زهرهٔ چنگی و **ط:** چنگی‌مریخ

۳ـ **ط:** بساط دهر * **ح:** حرص و آز دل **ط:** حرص را ای دل
ح،ط،ل: بشنو از تلخ و **ی:** وز شورش

۴ـ **ك،ی**، جام جم بردار **و:** جام جم برگیر ***ط:** که پیمـودیم این صحرا **ح:** نه بهرامست نه گورش

۵ـ **ط،ی،ل:** نظر کردن **و،ح:** منافی بزرگان نیست **ك:** منافی‌بزرگانست
* **ط:** سلیمان با همه حشمت **ی:** با چنان رفعت

۶ـ ***ط،ك:** بکژ طبعان

۷ـ * **ب،ل:** بدین بازوی **ح:** برآن‌بازوی

۲۷۴

۱ خوشا شیراز و وضع بی‌مثالش
خداوندا نگه دار از زوالش
۲ ز رکناباد ما صد لوحش‌الله
که عمر خضر می‌بخشد زلالش
۳ میان جعفرآباد و مصلّی
عبیر آمیز می‌آید شمالش
۴ به شیراز آی و فیض روح قدسی
بخواه از مردم صاحب کمالش
۵ صبا زان لولی شنگول سرمست
چه داری آگهی؟ چونست حالش
۶ مکن بیدار ازین خوابم خدا را
که دارم عشرتی خوش با خیالش
۷ گر آن شیرین پسر خونم بریزد
دلا چون شیر مادر کن حلالش
۸ که نام قند مصری برد اینجا
که شیرینان ندادند انفعالش
۹ چرا حافظ چو می‌ترسیدی از هجر
نکردی شکر ایّام وصالش

ب۱، ب۲، ج، ز، ح، ط، ی، ك، ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب۲، ز.** با ترتیب متن نسخهٔ **ب۱** بیت ۴ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ج، ی: ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۷، ۹ بیت‌های ۵ و ۶ را ندارند

ح، ك: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۶، ۷، ۹

ط، ل: ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۵، ۷، ۶، ۹

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ط: ز رکناباد او

۳ـ * ب۱: صبا آمیز می‌آید **ط:** نسیم‌آمیز می‌آید

۴ـ ح: وضع روح قدسی **ط:** روح فیض را بین * **ل:** بجوی ازمردم

۶ـ ط، ل: مکن ازخواب بیدارم خدا را **ب۲:** خوابم خدایا ***ط، ل:** که دارم خلوتی **ح:** خوش با جمالش

۷ـ ز، ك: خونت بریزد

۸ـ ب۱: که آمد شکر مصری به‌شیراز **ب۲، ز:** کی‌آمد شکرمصری به‌شیراز **ط، ی، ك، ل:** بردانجا

۲۷۵

۱ یارب آن نوگل خندان که سپردی به منش
می‌سپارم به تو از چشم حسود چمنش

۲ گرچه از کوی وفا گشت به صد مرحله دور
دور باد آفت دور فلک از جان و تنش

۳ گر به سر منزل سلمی رسی ای باد صبا
چشم دارم که سلامی برسانی ز منش

۴ به ادب نافه گشائی کن از آن زلف سیاه
جای دلهای عزیزست به هم بر مزنش

۵ گو دلم حقّ وفا با خط و خالت دارد
محترم دار در آن طرّهٔ عنبر شکنش

۶ در مقامی که به یاد لب او می‌نوشند
سفله آن مست که باشد خبر از خویشتنش

۷ عرض و مال از در میخانه نشاید اندوخت
هر که این آب خورد رخت به دریا فکنش

۸ هر که ترسد ز ملال انده عشقش نه حلال
سر ما و قدمش یا لب ما و دهنش

۹ شعر حافظ همه بیت‌الغزل معرفتست
آفرین بر نفس دلکش و لطف سخنش

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ک،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ز،ک،ل. با ترتیب متن نسخهٔ ه بیت‌های ۲ و ۷، نسخهٔ ح بیت۵، نسخهٔ ط بیت ۸ و نسخهٔ ی بیت‌های ۴ و ۶ را ندارد. درنسخهٔ ه بیت‌های ۵ و ۶ مقدم ومؤخر است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ط،ل: یارب این ح،ک: نو گل بستان ی: گلبن‌خندان * ح: چشم حسود زمنش

۲ـ ط،ک: گشته بصد * ح،ک: دور دارآفت دور قمر ازجان وتنش

۳ـ ح: بسرمنزل لیلی رسی ی: گر به‌منزلگه سلمی ح،ک: ای پیک‌صبا

۴ـ ه: نافه‌گشا می کن * ی: جای جانهای عزیزست

۵ـ ز: گر دلم حق وفای خط و ه: گر دلم حق دعا ی: چون دلم حق دعا ب،ه،ی،ک: برخط وخالت

۶ـ * ط: سفله‌آنست

۷ـ ب: نشاید انداخت * ح: هرکه این خورد برو رخت

۹ـ * ه،ی: دلکش ونظم سخنش

۲۷۶

۱ چـو بـرشکست صبا زلف عنبر افشانش
به هر شکسته کـه پـیوست تـازه شد جـانش

۲ کـجاست همنفسی تـا بـه شرح عرضه دهم
کـه دل چـه مـی‌کشد از روزگـار هجـرانش

۳ بـرید صبح وفـا نـامه‌ای کـه بـرد بـه دوست
ز خـون دیـدهٔ مـا بـود مـهر عنوانش

۴ زمـانه از ورق گـل مثال روی تـو ساخـت
ولی ز شرم تـو در غنچـه کـرد پـنهانش

۵ تـو خسته‌ای و نشد عشق را کرانه پـدید
تـبارک‌الله ازیـن ره کـه نـیست پـایانش

۶ جمال کـعبه مگر عذر رهروان خـواهد
کـه جـان زنـده‌دلان سوخـت در بـیابانش

۷ بـدین شکستهٔ بـیت‌الحـزن کـه مـی‌آرد
نشان یـوسف دل از چـه زنـخدانش

۸ بگیرم آن سر زلف و بـه دست خـواجه دهم
کـه داد من بستانـد ز مکر و دستانش

ه،ز،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق‌است با نسخه‌های ز،ط،ی. با ترتیب متن نسخهٔ **ه** بیت‌های ۲ و۷، نسخهٔ **ك** بیت ۵ ونسخهٔ **ل** بیت ۳ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * **ی:** که بگذشت تازه شد

۲ـ **ز:** تا بشرح غصه دهم **ط:** تاکه شرح غصه دهم **ی:** تاکه شرح...دهد

۳ـ **ه،ی:** نسیم صبح سعادت‌که نامه بردبدوست **ط:** نسیم صبح ونالهٔ‌که برد

۴ـ **ز:** روی توخواست **ل:** روی توبست

۵ـ **ی:** توخسته و نشد این عشق را **ل:** تو خفتهٔ ونشد **ط:** کناره پدید

۷ـ **ی:** بدین سفینه نشد عشق را کرانه پدید

۸ـ * **ه،ی:** که‌کشت حافظ مسکین بمکر و دستانش **ل:** که سوخت حافظ بیدل زمکر و دستانش

۲۷۷

۱ ببرد از من قرار و طاقت و هوش
بتی، شیرین لبی، سیمین بناگوش

۲ نگاری، چابکی، شنگی، پریوش
حریفی، مهوشی، ترکی قباپوش

۳ ز تاب آتش سودای عشقش
بسان دیگ دایم می‌زنم جوش

۴ چو پیراهن شوم آسوده خاطر
گرش همچون قبا گیرم در آغوش

۵ اگر پوسیده گردد استخوانم
نگردد مهرش از جانم فراموش

۶ دل و دینم، دل و دینم، ببرده‌ست
بر و دوشش، بر و دوشش، بر و دوش

۷ دوای تو، دوای توست حافظ
لب نوشش، لب نوشش، لب نوش

ب۱،ب۲،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌هـای ح،ط،ی،ك،ل. با ترتیب متن نسخه‌های ب۱،ب۲ بیت ۳ را ندارند، درنسخهٔ ز بیت‌های ۳ و ۴ مقدم ومؤخر است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ *ب۲،ز،ك: بت شیرین لب   ط،ی،ل: بت سنگین دل

۲ـ ط: نگارچابك وشنگی   ل: شنگی کله دار   * ح،ك،ل: ظـریفی مهوشی   ط: ظریفی مه وش و

۳ـ ح: زآب وآتش   * ح: دیگ روئین

۵ـ * ل: نگردد مهرت

۶ـ ز: دل و دین و دل و دینم   *ط: ور و دوشش ور و دوشش ور و دوش

۷ـ * ط: بت‌نوشین لب نوشین‌لب نوش

۲۷۸

۱ سحر ز هاتف غیبم رسید مژده به گوش
که دور شاه شجاع است می دلیر بنوش

۲ شد آنکه اهل نظر بر کناره می‌رفتند
هزار گونه سخن در دهان و لب خاموش

۳ به بانگ چنگ بگوئیم آن حکایتها
که از نهفتن آن دیگ سینه می‌زد جوش

۴ شراب خانگی ترس محتسب خورده
به روی یار بنوشیم و بانگ نوشانوش

۵ ز کوی میکده دوشش به دوش می‌بردند
امام خواجه که سجّاده می‌کشید به دوش

۶ دلا دلالت خیرت کنم به راه نجات
مکن به فسق مباهات و زهد هم مفروش

۷ محلّ نور تجلّیست رای انور شاه
چو قرب او طلبی در صفای نیّت کوش

۸ بجز ثنای جلالش مساز ورد ضمیر
که هست گوش دلش محرم پیام سروش

۹ رموز مصلحت ملک خسروان دانند
گدای گوشه‌نشینی تو حافظا مخروش

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ز،ط،ل. با ترتیب متن نسخهٔ ه بیت‌های ۵ و ۶ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ح،ی: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۹،۷،۸

ك: ۱،۲،۴،۳،۵،۶،۹،۷،۸

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ب،ی،ك: شجاع است ومی

۲ـ ح: برکناره می‌گفتند

۳ـ ط،ل: به صوت چنگ   ی: این حکایتها

۴ـ ز،ط: شراب خانگی‌وترس   ح،ك: شراب خانگی ازترس   ح: محتسب کرده   * ح،ك: بصوت چنگ بنوشیم وبانگ   ی: ببوی یاربنوشیم و

۵ـ * ی،ل: امام شهر   ی: می‌کشد بردوش

۶ـ ح: خیرت‌کنم بیا بشنو   * ز،ح،ط،ی: مکن بعشق مباهات و

۷ـ * ی: درصفای طینت‌کوش

۸ـ * ه: گوش دلت   ح،ك: گوش دلم   ه،ط: محرم سرای سروش

۹ـ ح: رموز مملکت و ملك   * ح: گدای‌گوشه نشین حافظا توئی مخروش

۲۷۹

۱ هاتفی از گوشهٔ میخانه دوش
گفت ببخشند گنه می بنوش
۲ عفو الهی بکند کار خویش
مژدهٔ رحمت برساند سروش
۳ لطف خدا بیشتر از جرم ماست
نکتهٔ سربسته چه گوئی خموش
۴ این خرد خام به میخانه بر
تا می لعل آوردش خون به جوش
۵ گرچه وصالش نه به کوشش دهند
هر قدر ای دل که توانی بکوش
۶ گوش من و حلقهٔ گیسوی یار
روی من و خاک در می فروش
۷ رندی حافظ نه گناهیست صعب
با کرم پادشه عیب پوش
۸ داور دین شاه شجاع آنکه کرد
روح قدس حلقهٔ امرش به گوش
۹ ای ملک‌العرش مرادش بده
وز خطر چشم بدش دار گوش

ب،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ز،ح،ی،ك. باترتیب متن نسخهٔ د بیت ۸ ونسخهٔ ه بیت‌های ۸ و ۹ ونسخهٔ ط بیت ۳ را ندارد. ترتیب نسخهٔ ل چنین است:
۱،۲،۴،۵،۳،۶،۷،۸،۹

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ح،ط،ك،ل: لطف الهی
۳ـ ح،ك: فضل خدا * ط،ی،ل: چه دانی خموش
۴ـح،ك: این خرد پیر ب: بمی‌خانه ده (متن: بمی خانه ده، بعد کاتب زیر سطر، کلمهٔ «ده» را به «بر» اصلاح کرده است.)
۵ـ ك: نه بکوشش بود * د: ان قدر ای دل
۷ـ ح،ك: رندی حافظ گنهی صعب نیست * ه،ی: پادشه جرم پوش
۸ـ ب،ز: آنکه هست
۹ـ * ی: وز نظر چشم

۲۸۰

۱ در عهد پادشاه خطابخش جرم پوش
حافظ قرابه‌کش شد و مفتی پیاله نوش

۲ صوفی ز کنج صومعه با پای خم نشست
تا دید محتسب که سبو می‌کشد به دوش

۳ احوال شیخ و قاضی و شرب‌الیهودشان
کردم سؤال صبحدم از پیر می فروش

۴ گفتا نه گفتنیست سخن گرچه محرمی
درکش زبان و پرده نگه‌دار و می بنوش

۵ ساقی بهار می‌رسد و وجه می نماند
فکری بکن که خون دل آمد ز غم به جوش

۶ عشق است و مفلسیّ و جوانیّ و نوبهار
عذرم پذیر و جرم به ذیل کرم بپوش

۷ تا چند همچو شمع زبان‌آوری کنی
پروانهٔ مراد رسید ای مُحب خموش

۸ ای پادشاهِ صورت و معنی که مثل تو
نادیده هیچ دیده و نشنیده هیچ گوش

۹ چندان بمان که خرقهٔ ازرق کند قبول
بخت جوانت از فلک پیر ژنده پوش

هـ،و،ز،ح،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های و،ز،ح،ك،ل. با ترتیب متن‌درنسخهٔ ی بیت‌های ۷ و ۸ مقدم ومؤخر است. ترتیب نسخهٔ هـ چنین است:

۱،۲،۵،۶،۸،۹،۷ بیت‌های ۳ و ۴ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ز: مفتی قرابه‌کش شد وحافظ پیاله نوش ی: حافظ پیاله‌کش‌شد ومفتی قرابه نوش

۲ـ * ی: تا [د]ید محتسب که صبوحی کشید دوش

۴ـ ح: گفتا نگفتنی‌ست

۵ـ * ح: فکری مکن ح،ك: که خون دل آید ی: آمد ز می

۶ـ * و،ز،ی: عذرم ببین و جرم هـ،ح،ك: جرم به‌بین وزکرم بپوش

۷ـ * هـ: مراد رسد حافظا خموش

۹ـ ی: چندانکه چرخ خرقهٔ

۲۸۱

۱ دوش پنهان گفت با من کاردانی تیزهوش
کز شما پوشیده نبود راز پیر می فروش

۲ گفت آسان‌گیر بر خود کارها کز روی طبع
سخت می‌گیرد جهان بر مردمان سخت کوش

۳ وانگهم در داد جامی کز فروغش بر فلک
زهره در رقص آمد و بربط زنان می‌گفت نوش

۴ گوش کن پند ای پسر وز بهر دنیا غم مخور
گفتمت چون در حدیثی گر توانی داشت گوش

۵ با دل خونین لب خندان بیاور همچو جام
نی گرت زخمی رسد آئی چو چنگ اندر خروش

۶ تا نگردی آشنا زین پرده رمزی نشنوی
گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش

۷ در حریم عشق نتوان دم زد از گفت و شنید
زانکه آنجا جمله اعضا چشم باید بود و گوش

۸ بر بساط نکته‌دانان خودفروشی شرط نیست
یا سخن دانسته گو ای مرد بخرد یا خموش

۹ ساقیا می ده که رندیهای حافظ فهم کرد
آصف صاحب قران جرم بخش عیب پوش

ب،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ك. با ترتیب‌متن‌نسخهٔ ح بیت ۶ را ندارد ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ط: ۱،۲،۳،۴،۷،۶،۸،۹ بیت ۵ را ندارد

ی،ل: ۱،۲،۳،۵،۶،۴،۷،۸،۹

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ح،ل: دوش‌با من گفت پنهان ی: گفت‌با ما کاردانی ك: کاردانی تیزگوش * ح: کز شما پنهان نشاید راز ط: کز شما پنهان نشاید داشت سرّ می فروش ی: ازشما پنهان‌نشاید‌کرد سرّ می فروش ك: ازشما پنهان نشاید داشت پند می فروش ل: وز شما پنهان نشاید‌کرد سرّ می‌فروش

۲ـ ك: گفت‌کاسان‌گیر * ح،ل: سخت می گردد جهان

۳ـ ب: کز فروغش نه فلك * ی: زهره بررقص‌آمد و

۴ـ *ل: داشت هوش

۵ـ ح: با دل خونی ك: لبی‌خندان * ب،ی: آیی چونی ح: آئی‌بجان

۶ـ ی:از پرده

۷ـ ح،ل: نتوان زددم از * ب،ح،ط،ی،ك:گرچه آنجا

۸ـ ی: دربساط * ك: پاسخی دانسته‌گو ی: دانسته‌گوی ح،ط،ی،ك،ل: ای مرد عاقل یا خموش

۲۸۲

۱ ای همه شکل تو مطبوع و همه جای تو خوش
دلم از عشوهٔ یاقوت شکرخای تو خوش

۲ همچو گلبرگ طری بود وجود تو لطیف
همچو سرو چمن خلد سراپای تو خوش

۳ شیوه و ناز تو شیرین خط و خال تو ملیح
چشم و ابروی تو زیبا قد و بالای تو خوش

۴ هم گلستان خیالم ز تو پر نقش و نگار
هم مشام دلم از زلف سمن‌سای تو خوش

۵ در ره عشق ز سیلاب فنا نیست گذار
کرده‌ام خاطر خود را به تمنّای تو خوش

۶ پیش چشم تو بمیرم که بدان بیماری
می‌کند درد مرا از رخ زیبای تو خوش

۷ در بیابان طلب گرچه ز هر سو خطریست
می‌رود حافظ بیدل به تولّای تو خوش

ب،ج،ه،و،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ه،و،ح،ط،ك،ل. با ترتیب متن در نسخهٔ ج بیت های ۶ و ۷ و در نسخهٔ ی بیت‌های ۴ و ۵ و بیت‌های ۶ و ۷ مقدم و مؤخر است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ج،ح،ط،ك،ل. عشوهٔ شیرین شکر خای
۲ـ ل: طری هست ح: بود و وجود تو * ح،ط،ك: چمنی جمله سراپای
۳ـ ك: خال تو ظریف
۴ـ ی: پر نقش جمال
۵ـ ط،ل: عشق که از سیل بلا ح: نیست گذر * ب: بتولای تو خوش
ج،ه،ز،ی: به تماشای تو خوش
۶ـ ل: شکرچشم تو چگویم که بدان بیماری ط: پیش چشمان تو میرم
ج: که بدین زیبایی
۷ـ ه،و: دربیابان طرب ط: دربیابان بلا ه،و،ح،ی،ك: ز هر سو
خطرست * ب: بتولای توخوش (درمتن «بتولای» بوده که به‌خط جدیدتری
«بتمنای» نوشته‌اند) ج: بتماشای تو خوش

۲۸۳

۱ کنار آب و پای بید و طبع شعر و یاری خوش
معاشر دلبری شیرین و ساقی گلعذاری خوش

۲ الا ای دولتی طالع که قدر وقت می‌دانی
گوارا بادت این عشرت که داری روزگاری خوش

۳ هر آن کس را که بر خاطر ز عشق دلبری باریست
سپندی گو بر آتش نه که دارد کار و باری خوش

۴ عروس طبع را زیور ز فکر بکر می‌بندم
بود کز نقش ایامم به دست افتد نگاری خوش

۵ شب صحبت غنیمت دان و داد خوشدلی بستان
که مهتابی دل‌افروزست و طرف لاله‌زاری خوش

۶ میی در کاسهٔ چشم است ساقی را بنامیزد
که مستی می‌کند با عقل و می‌بخشد خماری خوش

۷ به غفلت عمر شد حافظ بیا با ما به میخانه
که شنگولان خوشباشت بیاموزند کاری خوش

ب،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ح: پای سرو وطبع * **ط،ك:** دلبرشیرین‌و

۲ـ ط: الا ای طالب دولت که قدر **ح،ك:** الا ای دولت طالع **ب:** که قدر وصل * **ب،ط،ل:** گوارا باد این **ب،ط:** این عیشت **ط،ی:** که داری کار وباری خوش

۳ـ ل: که درخاطر **ی:** دلبرش باریست * **ط،ی:** که داری روزگاری خوش **ك:** که دارد روزگاری خوش

۴ـ ط: عروس شعر را زیور **ح:** زبکر فکر می‌بندم **ی:** زبکر فکرمی‌بستم * **ل:** بود کز دست **ح:** نقش ایامش **ط:** بدست آید

۵ـ ب: کام خوش دلی **ط:** کام از خوش دلی * **ب،ح:** که مهمانی دلفروزست **ح،ك:** طرف‌جویباری خوش **ط:** وبستان لاله‌زاری‌خوش

۶ـ ی: چو می درکلهٔ جامست وساقی درنیامیزد **ط:** کاسهٔ چشمت‌که ساقی‌را * **ی:** که مستی می‌کند با عطر و **ح،ك:** می‌آرد خماری خوش **ط:** خمار خوش

۷ـ ك: بغفلت صرف شد عمرت بیا حافظ بمیخانه * **ح،ك:** که شنگولان شیرینت بیاموزند

۲۸۴

۱ مجمع خوبی و لطف است عذار چو مهش
لیکنش مهر و وفا نیست خدایا بدهش

۲ دلبرم شاهد و طفل است و به بازی روزی
بکشد زارم و در شرع نباشد گنهش

۳ چارده ساله بتی چابک شیرین دارم
که به جان حلقه به گوش است مه چاردهش

۴ بوی شیر از لب همچون شکرش می‌آید
گرچه خون می‌چکد از شیوهٔ چشم سیهش

۵ من همان به که ازو نیک نگه دارم دل
که بد و نیک ندیدست و ندارد نگهش

۶ از پی آن گل نورسته دل ما یا رب
خود کجا شد که ندیدیم درین چند گهش

۷ جان به شکرانه کنم صرف اگر آن دردانه
صدف دیدهٔ حافظ شود آرامگهش

۸ یار دلدار من ار قلب بدین سان شکند
ببرد زود به جانداری خود پادشهش

ب،ج،د،ه،ح،ط،ك،ل

ترتیب ابیات

متن‌مطابق است با نسخهٔ د. با ترتیب‌متن نسخهٔ ج بیت ۸ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ب: ۱،۲،۵،۴،۶،۷ بیت‌های ۳ و ۸ را ندارد

ه: ۱،۲،۳،۴،۵،۸،۶،۷

ح،ك: ۱،۲،۵،۴،۳،۸،۶،۷

ط،ل: ۱،۲،۵،۴،۳،۶،۸،۷

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ج،د،ه،ط: رخ همچو مهش * ط،ك: لیکن انصاف و وفا نیست

۲ـ ب: دلبرم شاهد طفلست و ج،ه: دلبرم کوچك وطفلست و د: دلبرم کوچك وترك است ط: یار من شاهد و

۳ـ ط: چابك و دلبر دارم

۴ـ * ه: گرچه خون میرود ط: که بدونیك ندیدست وندارد نگهش

۵ـ * ح: کو بد و نیك ندیدست ندارد نگهش ط: گرچه خون می‌چکد از عشوهٔ چشم سیهش

۶ـ ب،ح،ك: درپی آن گل ب: دل ما درياب

۷ـ ب: کنم صید دربن دانه که او د: کنم صید درین دام گر او ه: کنم صیددرین دام که او ح،ط،ل: کنم صرف گران دانهٔ در ك: کنم صرف که آن دانهٔ در * ل: صدف سینهٔ حافظ * ب،ل: بود آرام گهش

۸ـ *د: بدلداری خود

۲۸۵

۱ دلم رمیده شد و غافلم من درویش
که آن شکاری سرگشته را چه آمد پیش

۲ چو بید بر سر ایمان خویش می‌لرزم
که دل به دست کمان ابروییست کافر کیش

۳ خیال حوصلهٔ بحر می‌پزم هیهات
چه هاست در سر این قطرهٔ محال اندیش

۴ به کوی میکده گریان و سرفکنده روم
چرا که شرم همی آیدم ز حاصل خویش

۵ نه عمر خضر بماند نه ملک اسکندر
نزاع بر سر دنیای دون مکن درویش

۶ بنازم آن مژهٔ شوخ عافیت کش را
که موج می‌زندش آب نوش در سر نیش

۷ ز آستین طبیبان هزار خون بچکد
گرم به تجربه دستی نهند بر دل ریش

۸ تو بنده‌ای گله از دوستان مکن حافظ
که شرط عشق نباشد شکایت از کم و بیش

۹ بدان گُهر نرسد دست هر گدا حافظ
خزینه‌ای به کف آور ز گنج قارون بیش

ب،ج،د،ه،و،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق‌است با نسخه‌های ب،و،ح، اما نسخهٔ ب بیت‌های ۵ و ۸، نسخهٔ و بیت ۹ ونسخهٔ ح بیت ۶ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ج: ۱،۲،۷،۴،۵،۸ بیت‌های ۳ و ۶ و ۹ را ندارد

د: ۱،۲،۷،۴،۵،۶،۳،۹ بیت ۸ را ندارد

ه: ۱،۷،۴،۶،۸،۳،۹ بیت‌های ۲ و ۵ را ندارد

ز: ۱،۲،۳،۶،۴،۷،۵،۸،۹

ط: ۱،۳،۲،۶،۷،۴،۵،۸ بیت ۹ را ندارد

ی: ۱،۲،۷،۴،۵،۶،۸،۹ بیت ۳ را ندارد

ك: ۱،۲،۳،۶،۴،۵،۷،۸ بیت ۹ را ندارد

ل: ۱،۲،۳،۶،۷،۴،۵،۹ بیت ۸ را ندارد، ظاهراً این بیت نسخه بدل بیت ۹ است

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ * ج: چه آید پیش

۲ــ ب: ایمان خود همی لرزم

۳ــ ل: می‌یزد هیهات * د: که چیست درسر این و: چهاست برسراین قطرهٔ خیال اندیش

۴ــ ج،د،ه،ی: بکنج میکده گریان و ب،ج،و،ز،ی: سر فکنده شوم ك: سرفکنده شویم * ج: همی‌آمدم

۵ــ د،ط: بماندونه د: نه‌آب اسکندر * ك،ل: دنیی دون

۶ــ * ك: نوش و درسر د،ل: نوش بر سرنیش ز،ط: نوش ازسرنیش

۷ــ ح،ك: ازآستین طبیبان ی: هزار قطرهٔ خون

۸ــ ط: خموش حافظ و از جور یار ناله مکن ه،ز،ح: دوستان مکن یارا * ی: که شرط بنده نباشد

۹ــ ب،ل: بدان‌کمر د،ه،ز،ح: بآن کمر نرسد ی: بآن گهر نرسد ح: دست هر کسی حافظ * ی،ل: خزانهٔ بکف‌آور ح: زمال قارون بیش

۲۸۶

۱ ما آزموده‌ایم درین شهر بخت خویش
بیرون کشید باید ازین ورطه رخت خویش

۲ از بس که دست می‌گزم و آه می‌کشم
آتش زدم چو گل به تن لخت لخت خویش

۳ دوشم ز بلبلی چه خوش آمد که می‌سرود
گل گوش پهن کرده ز شاخ درخت خویش

۴ کای دل تو شاد باش که آن یار تندخوی
بسیار تندروی نشیند ز بخت خویش

۵ گر موج‌خیز حادثه سر بر فلک زند
عارف به آب تر نکند رخت و پخت خویش

۶ خواهی که سخت و سست جهان بر تو بگذرد
بگذر ز عهد سست و سخنهای سخت خویش

۷ ای حافظ ار مراد میسّر شدی مدام
جمشید نیز دور نماندی ز تخت خویش

ب،و،ز،ح،ط،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ز. با ترتیب متن نسخه‌های ب،و،ط بیت ۵، نسخه‌های ح،ك بیت‌های ۲ و ۵ را ندارند وبعد ازبیت ۶ بیت زیر را افزوده‌اند:

یمست کز فراق تو و سوز اندرون آتش درافکنم بتن لخت لخت خویش

نسخهٔ ل بیت ۲ را ندارد وبعد ازبیت ۶ بیت زیر را افزوده است:

وقتست کز فراق تو و سوز اندرون آتش درافکنم بهمه رخت وپخت خویش

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ب: درین شهر رخت خویش * ح،ك: بیرون کشیده باید

۲ـ و،ط: آه می‌زنم * ب،ح: به‌دل لخت لخت

۳ـ * ط: گل پهن کرده گوش

۴ـ و: ای‌گل توشاد باش ح،ك: کای دل صبورباش ط: ای دل‌صبور باش ك: کان یار ح،ل: تند خو * ط: تند روبنشیند

۶ـ ح: دوش از درم درآمد وبس شرمسار بود ك: دوشم ز در درآمد وبس شرمساربود * ح،ك: زان عهدهای سست و

۷ـ و،ح،ك: حافظ اگر مراد ز: ای حافظ اروصال * ط: جمشید نیز بازنماندی ح،ك: جمشید نیزدورنگشتی

۲۸۷

۱ قسم به حشمت و جاه و جلال شاه شجاع
که نیست با کسم از بهر مال و جاه نزاع

۲ شراب خانگی‌ام بس می مغانه بیار
حریف باده رسید ای رفیق توبه وداع

۳ خدای را به می‌ام شست و شوی خرقه کنید
که من نمی‌شنوم بوی خیر ازین اوضاع

۴ ببین که رقص‌کنان می‌رود به نالهٔ چنگ
کسی که رخصه نفرمودی استماع سماع

۵ به عاشقان نظری کن به شکر این نعمت
که من غلام مطیعم تو پادشاه مطاع

۶ به فیض جرعهٔ جام تو تشنه‌ایم ولی
نمی‌کنیم دلیری، نمی‌دهیم صداع

۷ هنر نمی‌خرد ایّام و غیر ازینم نیست
کجا روم به تجارت بدین کساد متاع

۸ جبین و چهرهٔ حافظ خدا جدا مکناد
ز خاک بارگه کبریای شاه شجاع

ب،ج،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ج،ز،ی**. با ترتیب متن نسخهٔ **ل** بیت ۷ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ح: ۱،۲،۳،۴،+ ، × ،۵،۶،۷،۸

ط: ۱،۲، × ،۳،۴،+،۵،۶،۷،۸

ك: ۱،۲،۳،۴،+،۵،۶،۷،۸

+ بیارمی که‌چوخورشید مشعل‌افروزد ‌‌ ‌ ‌ رسد بکلبهٔ درویش نیز فیض شعاع

که درنسخهٔ **ح** «شعله افروزد» آمده است.

× صراحیی وحریفی‌خوشم زدنیا بس ‌ ‌ ‌ که غیرازین همه اسباب تفرقست ونزاع

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ب،ج،ح،ط،ك: بحشمت جاه و ‌ ‌ ‌ * **ط:** از بهرجاه ومال نزاع

۲ـ ح،ط،ك: می مغانه بده ‌ ‌ ‌ * **ی:** ای ندیم توبه

۳ـ * ح،ط: بوی عشق ازین اوضاع ‌ ‌ ‌ **ك:** بوی عیش ازین اوضاع

۴ـ ج،ح،ط،ك: بیا که رقص‌کنان

۵ـ ط: نظری‌کن برای‌آن رحمت ‌ ‌ ‌ **ح،ك:** بشکران نعمت

۶ـ ز: جام تو تشنه‌ایم ای دل

۷ـ ح: ایام وبیش ازینم نیست ‌ ‌ ‌ * **ط:** درین‌کساد متاع

۸ـ ح: خدا جدا نکند

۲۸۸

۱ بامدادان که ز خلوتگه کاخ ابداع
شمع خاور فکند بر همه اطراف شعاع

۲ برکشد آینه از جیب افق چرخ و در آن
بنماید رخ گیتی به هزاران انواع

۳ در زوایای طربخانهٔ جمشید فلک
ارغنون ساز کند زهره به آهنگ سماع

۴ چنگ در غلغله آید که کجا شد منکر
جام در قهقهه آید که کجا شد منّاع

۵ وضع دوران بنگر ساغر عشرت برگیر
که به هر حالتی اینست بهینِ اوضاع

۶ طرّهٔ شاهد دنیی همه بندست و فریب
عارفان بر سر این رشته نجویند نزاع

۷ عمر خسرو طلب ار نفع جهان می‌طلبی
که وجودیست عطابخش کریم نفّاع

۸ مظهر لطف ازل روشنی چشم امل
جامع علم و عمل جان جهان شاه شجاع

ب،ه،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ط،ك،ل.** باترتیب متن نسخهٔ **ه** بیت ۸، نسخهٔ **ح** بیت‌های ۴ و ۵ونسخهٔ **ی** بیت ۴ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ك: شمس خاور **ح،ك:** خاور بکشد برهمه

۲ـ ح،ك: برکشد آینه ازچرخ افق چرخ‌زنان **ه:** افق جیب دران **ط:** افق چرخ دو رو **ب:** چرخ دران *** ح:** بهزاران ابداع

۳ـ ی: د. . درد ایام‌طربخانهٔ (در در وبام طربخانهٔ؟) ***ح:** زهره با چنگ وسماع

۴ـ ه: که کجائی مطرب *** ب:** قهقهه گوید که کجا رفت مناع **ه:** وضع دوران نگرو ساغر وعشرت برگیر

۵ـ ه: جام درقهقهه‌آید که کجا شد مناع *** ك:** که بهرحال همینست

۶ـ ح: طرهٔ شاهد چین چون همه **ط،ی:** شاهد دنیا همه **ح،ك:** همه بندست و گرد **ی:** همه زرقست وفریب

۷ـ ط: عمر خرم طلب ار **ل:** نفع جهان مـی‌خواهی

*** ح،ك:** عطا بخش و کریمیست نفاع **ط:** عطا بخش وکریم ونفاع

۸ـ ب،ح،ط،ی: منظر لطف ازل

۲۸۹

۱ در وفای عشق تو مشهور خوبانم چو شمع
شب‌نشین کوی سربازان و رندانم چو شمع

۲ کوه صبرم نرم شد چون موم در دست غمت
تا در آب و آتش عشقت گدازانم چو شمع

۳ رشتهٔ صبرم به مقراض غمت ببریده شد
همچنان در آتش مهر تو خندانم چو شمع

۴ گر کمیت اشک گلگونم نبودی گرم رو
کی شدی روشن به گیتی راز پنهانم چو شمع

۵ در میان آب و آتش همچنان سرگرم تست
این دل زار نزار اشک بارانم چو شمع

۶ بی‌جمال عالم‌آرای تو روزم چون شبست
با کمال عشق تو در عین نقصانم چو شمع

۷ سرفرازم کن شبی از وصل خود، گردن کشا
تا منوّر گردد از دیدارت ایوانم چو شمع

۸ همچو صبحم یک نفس باقیست با دیدار تو
چهره بنما دلبرا تا جان برافشانم چو شمع

۹ در شب هجران مرا پروانهٔ وصلی فرست
ورنه از دودَش جهانی را بسوزانم چو شمع

۱۰ آتش مهر تو را حافظ عجب در سر گرفت
آتش دل کی به آب دیده بنشانم چو شمع

ب،ه،ز،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ز،ك. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ه: ۱،۲،۳،۵،۶،۷،۸،۹،+،۴،۱۰

ط: ۱،+،۳،۴،۵،۲،۶،۷،۸،۹،۱۰

ی: ۱،۲،۳،۴،۵،۸،۶،۷،۹،۱۰

ل: ۱،+،۳،۴،۵،۹،۶،۲،۸،۷،۱۰

+روزوشب‌خوابم نمی‌آیدبه‌چشم‌غم‌پرست   بس‌که دربیماری هجرتو گریانم چوشمع

که درنسخهٔ ط «شب‌رو خوابم‌نمی‌آید» ودرنسخهٔ ه «بس‌که درتیمار هجران‌تو»آمده‌است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ك: در وفا ومهر تو مشهور   ه: مشهور جانانم   * ه: کوی‌سربازان رندانم

۲ـ * ك: اندرآب وآتش

۳ـ * ط: همچنان برآتش   ه،ط،ل: مهر تو سوزانم چوشمع

۴ـ ی: نبودی تیزرو   * ط: روشن نگفتن رازپنهانم

۵ـ * ب: زار ترا در اشك   ك: زار مرا در اشك   ط: زار ونزار

۶ـ ه: روز من شبست

۷ـ ل: از وصل خود ای نازنین

۸ـ ی: باقیست تا دیدار تو   * ب: چهره بنما دل ربا یا جان

۹ـ * ط:ورنه از دودش   ی: ورنه از دستت جهانراهم بسوزانم چوشمع

ل: ورنه از دردت

۱۰ـ ط: عجب از سر گرفت

۲۹۰

۱ طالع اگر مدد دهد دامنش آورم به کف
گر بکشم زهی طرب ور بکشد زهی شرف

۲ طرف کرم ز کس نبست این دل پر امید من
گرچه سخن همی برد قصهٔ من به هر طرف

۳ از خم ابروی توام هیچ گشایشی نشد
وه که درین خیال کج عمر عزیز شد تلف

۴ ابروی دوست کی شود دستکش خیال من
کس نزده‌ست ازین کمان تیر مراد بر هدف

۵ چند به ناز پرورم مهر بتان سنگدل
یاد پدر نمی‌کنند این پسران ناخلف

۶ من به خیال زاهدی گوشه‌نشین و طرفه انک
مغبچه‌ای ز هر طرف می‌زندم به چنگ و دف

۷ بی‌خبرند زاهدان نقش بخوان و لاتقل
مست ریاست محتسب باده بده و لاتخف

۸ صوفی شهر بین که چون لقمهٔ شبهه می‌خورد
پاردمش دراز باد آن حیوان خوش علف

۹ حافظ اگر قدم زنی در ره خاندان به صدق
بدرقهٔ رهت شود همّت شحنهٔ نجف

ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ح،ك،ل.** ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ب: ۱،۲،۵،۶،۳،۷،۹،۸ بیت ۴ را ندارد
ج: ۱،۲،۵،۳،۶،۷،۸،۹ بیت ۴ را ندارد
د: ۱،۲،۵،۳،۴،۶،۸،۹ بیت ۷ را ندارد
ه: ۱،۲،۵،۳،۶،۷،۴،۹ بیت ۸ را ندارد
ز،ی: ۱،۲،۵،۳،۴،۶،۷،۸،۹
ط: ۱،۵،۲،۷،۶،۳،۸،۹ بیت ۴ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ب،ج،ح: اگر مدد کند *** د،ه:** وربکشم زهی طرب **ح:** گر بکشد زهی طرب **ك:** کونکشد زهی‌طرب
۲ـ ح،ك: طرف کمر زکس *** د:** ورچه سخن **ط:** کس نزدست‌ازین کمان تیر مراد برهدف
۳ـ ب،د،ه: از خم ابروی ویم **ط:** ازخم ابروی بتم **ج،ز،ط:** توام نقش گشایشی **د،ه:** نقش گشایشی‌نبود **ی:** هیچ گشایشی‌نبود **ك:** هیچ گشادی نبود *** ح،ك:** وه که ازین
۴ـ ح: دستخوش خیال من **ی:** دست کش من ضعیف **ز،ح،ك:** خیال ما *** د،ه:** ازین میان
۵ـ ب: مهر بتان تنگ دل
۶ـ * د،ه،ز،ی،ك: مغبچهٔ بهرطرف
۷ـ *ح: مست‌شراب محتسب **ج:** باده بخواه ولاتخف **ط:** باده بنوش ولاتخف
۸ـ د: زاهد شهر بین *** ح:** پاردمت درازباد ای حیوان **ب:** حیوان‌ناخلف
۹ـ د: قدم زند **ز،ح،ك:** قدم نهی **ب،د،ز،ح،ی،ك:** در ره خاندان عشق *** ه:** بدرقهٔ رهش بود **ح:** بدرقهٔ رهت کند **ی:** بدرقهٔ رهت کنم **ب،ح،ط:** همت شحنة‌النجف

۲۹۱

۱ زبان خامه ندارد سر بیان فراق
وگرنه شرح دهم با تو داستان فراق

۲ رفیق خیل خیالیم و همرکیب شکیب
قرین آتش هجران و هم قران فراق

۳ دریغ مدّت عمرم که بر امید وصال
به سر رسید و نیامد به سر زمان فراق

۴ سری که بر سر گردون به فخر می‌سودم
به راستان که نهادم بر آستان فراق

۵ چگونه باز کنم بال در هوای وصال
که ریخت مرغ دلم پر در آشیان فراق

۶ کنون چه چاره که در بحر غم به گردابی
فتاد زورق صبرم ز بادبان فراق

۷ بسی نماند که کشتیّ عمر غرقه شود
ز موج شوق تو در بحر بیکران فراق

۸ چگونه دعوی وصلت کنم به جان که شدست
تنم وکیل قضا و دلم ضمان فراق

۹ فلک مگر چو سرم دید اسیر چنبر عشق
ببست گردن صبرم به ریسمان فراق

۱۰ ز سوز شوق دلم شد کباب دور از یار
مدام خون جگر می‌خورم ز خوان فراق

۱۱ به پای شوق گر این ره به سر شدی حافظ
به دست هجر ندادی کسی عنان فراق

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ز،ی. با ترتیب متن نسخهٔ ح بیت ۷، نسخهٔ ط بیت ۹ ونسخهٔ ك بیت‌های ۵ و ۹ را ندارد. درنسخهٔ ه بیت‌های ۲ و۳ مقدم ومؤخر است.

ترتیب نسخهٔ ل چنین است:

۱،۳،۴،۵،۶،۷،+،۲،۸،۱۰،۹،۱۱

+ اگر به دست من افتد فراقرا بکشم　　　که روزهجر سیه‌باد وخان ومان‌فراق

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ز: هم رکاب شکیب　　ح،ك: هم شکیب شکیب　　ط: هم عنان شکیب
ل: همنشین شکیب　　* ح: وهم عنان فراق

۳ـ ه: که در امید　　* ه: بسر رسید نیامد

۴ـ ح: گردون هجر می‌دیدم　　ه،ك: بفخر می‌دیدم　　* ه،ك: بر آستان که نهادم

۵ـ ح: بازکنم پر درهوای　　* ه،ز،ی: بر آشیان

۶ـ * ی،ك: فتاده زورق

۸ـ ح: وصلت بجان‌کنم که شدست

۹ـ ه،ل: فلك چو دید سرم را　　ب: اسیر چنبر شوق　　ح: اسیر چنبرشد
* ه: ببست چنبر وصلم

۱۰ـ ح: کباب بی‌رخ یار　　ی: کباب و دورازیار

۱۱ـ ه: بیان شوق‌کزین ره

۲۹۲

۱ مقام امن و می بیغش و رفیق شفیق
گرت مدام میسّر شود زهی توفیق

۲ جهان و کار جهان جمله هیچ در هیچ است
هزار بار من این نکته کرده‌ام تحقیق

۳ دریغ و درد که تا این زمان ندانستم
که کیمیای سعادت رفیق بود رفیق

۴ به مأمنی رو و فرصت شمر غنیمت وقت
که در کمینگه عمرند قاطعان طریق

۵ بیا که توبه ز لعل نگار و خندهٔ جام
تصوّریست که عقلش نمی‌کند تصدیق

۶ اگر چه موی میانت به چون منی نرسد
خوش است خاطرم از فکر این خیال دقیق

۷ حلاوتی که ترا در چه زنخدان است
به کنه آن نرسد صد هزار فکر عمیق

۸ اگر به رنگ عقیق است اشک من چه عجب
که مهر خاتم لعل تو هست همچو عقیق

۹ به خنده گفت که حافظ غلام طبع توام
ببین که تا به چه حدّم همی کند تحمیق

ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ل. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین‌است:

ج: ۱،۲،۳،۷،۵،۸،۹ — بیت‌های ۴ و ۶ را ندارد

د: ۱،۲،+،*،۳،۷،۶،۵،۹ — بیت‌های ۴ و ۸ را ندارد

ه: ۱،+،۲،*،۴،۷،۶،۵،۸،۹ — بیت ۳ را ندارد

ز: ۱،۲،۳،۴،۷،۶،۵،۸،+،۹

ح: ۱،۲،+،۵،۷،۴،۶،۳،۹ — بیت ۸ را ندارد

ط: ۱،۲،+،۵،۷،۳،۶،۸،۹ — بیت ۴ را ندارد

ی: ۱،۲،۳،۴،۷،۶،۵،۸،۹

ك: ۱،۲،+،۵،۶،۷،۸،۳،۹ — بیت ۴ را ندارد

+ کجاست اهل‌دلی تا کند دلالت خیر — کـه ما بدوست نبردیم ره بهیچ طریق

* فدای خندهٔ ساقی هزارجان آن دم — که ترکند لب لعل‌ازشراب‌همچوعقیق

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ك: شفیق رفیق

۲ـ ل: هیچ برهیچ است

۳ـ ب: این قدر ندانستم

۴ـ ب،ه،ز: معیشت وقت — ح: غنیمت عمر

۵ـز: خندهٔ می — * ح،ط،ك،ل: حکایتیست که

۶ـ ح،ك: موی میان تو خود بما نرسد

۷ـ ط: ك: ملاحتی‌که ترا — * ب: بکنه او نرسد

۸ـ ل: عقیقی شد اشك — ط: رنك من چه عجب — ك: رنك من زانست

* ب،ج،ه،ی: که مهرخاتم‌چشم‌منست — ز،ط،ك: که مهرخاتم‌چشمم لبیست‌همچو

۲۹۳

۱ اگر شراب خوری جرعه‌ای فشان بر خاک
از آن گناه که نفعی رسد به غیر چه باک

۲ برو به هر چه تو داری بخور دریغ مخور
که بی‌دریغ زند روزگار تیغ هلاک

۳ به خاک پای تو ای سرو نازپرور من
که روز واقعه پا وامگیرم از سر خاک

۴ چه دوزخی چه بهشتی چه آدمی چه ملک
به مذهب همه کفر طریقت است امساک

۵ مهندس فلکی راه دیر شش جهتی
چنان ببست که ره نیست زیر دام مغاک

۶ فریب دختر رز طرفه می‌زند ره عقل
مباد تا به قیامت خراب طارم تاک

۷ به راه میکده حافظ خوش از جهان رفتی
دعای اهل دلت باد مونس دل پاک

ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با تمام نسخه‌های فوق، اما نسخهٔ ط بیت ۵ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ب،ج،د،ه،ز،ح،ی،ك: در ان گناه   د،ه: چو نفعی   ی: بخلق چه باك
۲ـ ج: برو هرآنچه   ط: بیا بهرچه   ب: دریغ مدار
۳ـ * ب،ح: با وامگیر از سرخاك   ج: باوانگیری از سرخاك   ز: باوانگیر از سرخاك
۴ـ ل: چه‌آدمی چه پری
۵ـ د: مهندس فلك این راه   * ز،ح،ك،ل: زیر دیر مغاك
۶ـ ب: فریب دختر زن   ی: فریب دختر رز نور چشم ماست مگیر
ج،ح: ره‌عشق

۲۹۴

۱ هزار دشمنم ار می‌کنند قصد هلاک

گرم تو دوستی از دشمنان ندارم باک

۲ مرا امید وصال تو زنده می‌دارد

وگرنه هر دمم از هجر تست بیم هلاک

۳ نفس نفس اگر از باد نشنوم بویت

زمان زمان چو گل از غم کنم گریبان چاک

۴ رود به خواب دو چشم از خیال تو هیهات

بود صبور دل اندر فراق تو حاشاک

۵ اگر تو زخم زنی به که دیگری مرهم

وگر تو زهر دهی به که دیگران تریاک

۶ بضرب سیفک قتلی حیاتنا ابدا

لانّ روحی قد طاب ان یکون فداک

۷ عنان مپیچ که گر می‌زنی به شمشیرم

سپر کنم سر و دستت ندارم از فتراک

۸ ترا چنانکه توئی هر نظر کجا بیند

به قدر بینش خود هر کسی کند ادراک

۹ به چشم خلق عزیز آن زمان شود حافظ

که بر در تو نهد روی مسکنت بر خاک

ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ل. با ترتیب متن نسخه‌های ه،ط بیت‌های ۶ و ۷ و نسخهٔ ز بیت۶ را ندارد. درنسخه‌های ی،ك بیت‌های ۷ و ۸ مقدم ومؤخراست و بیت ۶ را ندارند.
ترتیب نسخهٔ ح چنین است:

۱،۲،۳،۴،۶،۵،۸،۹ بیت ۷ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ط،ح: هزار دشمن اگر می‌کنند
۲ـ * ه: وگرنه صدرهم از دست ط،ی،ك: وگرنه صدرهم از هجر
ی: از هجر کشت
۳ـ ه: بشنوم بویت ح،ل: نشنوم بویش ط: نشنوم بویت
* ه،ز،ط: زمان‌زمان کنم ازغم چوگل گریبان چاك
۴ـ * ط: بود صبور دلم ازفراق
۵ـ ه،ح،ط،ی،ك: زخم زنی بردلم به ازمرهم ز: به که دیگران مرهم
* ح: گرم تو زهر دهی * ك،ل: به که دیگری تریاك
۷ـ * ز: سپر شوم من و دستت
۸ـ ز: هرکجا نظر بیند ك: هرکسی کجا بیند * ك،ل: به‌قدر دانش خود ه،ز،ط،ك: هرکسی کنند ادراك
۹ـ ح: عزیزآن کسی بود حافظ ل: عزیز جهان شود حافظ * ز: در خاك

۲۹۵

۱ ای دل ریش مرا بـر لب تـو حـقّ نـمک
حق نگهدار کـه مـن مـی‌روم الله مـعک

۲ تـوئی آن جـوهر پـاکیزه کـه در عالم قـدس
ذکـر خیر تـو بـود حـاصل تسبیح مـلک

۳ در خلوص منت ار هست شکی تـجربه کـن
کس عیار زر خـالص نشناسد چـو مـحک

۴ گفته بـودی کـه شوم مست و دو بـوست بـدهم
وعده از حد بشد و مـا نـه دو دیـدیم و نـه یک

۵ بگشا پستهٔ خندان و شکرریـزی کـن
خلق را از دهن خـویش مینداز بـه شک

۶ چـرخ بـر هم زنـم ار غیر مـرادم گـردد
مـن نـه آنـم کـه زبـونی کشم از چـرخ فـلک

۷ چـون بـر حـافظ خـویشش نگذاری بـاری
ای رقـیب از بـر او یک دو قـدم دورتـر ک

ب،ج،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق، اما درنسخهٔ ز بیت‌های ۴ و ۵ مقدم ومؤخراست.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ج: این دل ریش مرا برتو بود حق نمك   ز،ل: با لب تو
۲ـ ج،ل: گوهر پاکیزه
۳ـ ج: درخلوص من اگر نیست   ه: در خلوص من اگر هست غشی تجربه کن
۴ـ ب: دو بوسه بدهم   * ه: وعده رفت از حد وآنرا نه دو دیدیم و نه یك
ح: مانه دو دیدیم نه یك
۵ـ * ب،ز،ی،ك: خلق را در دهن   ه: خلق را بردهن
۶ـ ح: ار غیر مرادی گردد   * ی: من نه‌آنم که صبوری کنم از   ط: ازچرخ وفلك
۷ـ ی: چون‌نشستی برحافظ بکرامت‌یارا   ط: چونکه‌با حافظ   ج: نگذاری روزی   * ج،ح: از در اویك   ح: قلدم پیش ترك

۲۹٦

۱ خوش خبر باشی ای نسیم شمال
که به ما می‌رسد زمان وصال

۲ ما لسلمی و من بذی سلم
أین جیراننا و کیف‌الحال

۳ عرصهٔ بزمگاه خالی ماند
از حریفان و رطل مالامال

۴ عفت‌الدار بعد عافیته
فاسألوا حالها عن‌الاطلال

۵ سایه افکند حالیا شب هجر
تا چه بازند شبروان خیال

۶ قصّة‌العشق لاانفصام لها
فصمت هاهنا لسان مقال

۷ ترک ما سوی کس نمی‌نگرد
وه ازین کبریا و جاه و جلال

۸ فی جمال‌الکمال نلت منی
صرّف‌الله عنک عین کمال

۹ حافظا عشق و صابری تا چند
نالهٔ عاشقان خوش است بنال

۱۰ یا برید‌الحمی حماک‌الله
مرحبا مرحبا تعال تعال

ب،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ز،ك**. با ترتیب متن نسخهٔ **ح** بیت ۱۰ را ندارد.
ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ط: ۱،۱۰،۲،۳،۴،۵،۷،۸،۹ بیت ۶ را ندارد

ی: ۱،۲،۳،۴،۶،۷،۵،۸،۹،۱۰

ل: ۱،۶،۲،۴،۸،۱۰،۳،۵،۷،۹

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ز،ح،ط: خوش خبر بادی * **ب:** که بما کی رسد
۲ـ ز: مال سلمی
۳ـ * ك: فاسئلوا حالها عن‌الاطلال **ك،ل:** جام مالامال
۴ـ * ح: فاسألو حالیاً عن **ك:** ازحریفان و رطل مالامال
۵ـ ی: شب قدر * **ط:** قلعت‌هاهنا لسان مقال
۶ـ * ز: فصحت هاهنا **ل:** لسان‌القال
۷ـ * ط،ی،ل: آه ازین **ط:** کبر وناز وجاه و
۸ـ ب: فی‌کمال‌الکمال نلت منی **ح،ك:** فی‌الجمال الکمال **ط:** قلت منی
۹ـ ح: صابری تا کی

۲۹۷

۱ شممت روح وداد و شمت برق وصال
بیا که بوی ترا میرم ای نسیم شمال

۲ احادیاً بجمال الحبیب قف و انزل
که نیست صبر جمیلم ز اشتیاق جمال

۳ حکایت شب هجران فرو گذاشته به
به شکر آنکه برافکند پرده روز وصال

۴ چو یار بر سر صلح است و عذر می‌خواهد
توان گذشت ز جور رقیب در همه حال

۵ بیا که پردهٔ گلریز هفت خانهٔ چشم
کشیده‌ایم به تحریر کارگاه خیال

۶ بجز خیال دهان تو نیست در دل تنگ
که کس مباد چو من در پی خیال محال

۷ ملال مصلحتی می‌نمایم از جانان
که کس به جد ننماید ز جان خویش ملال

۸ قتیل عشق تو شد حافظ غریب ولی
به خاک ما گذری کن که خون مات حلال

ب،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ح،ط**، اما نسخهٔ **ب** بیت ۷ ونسخهٔ **ط** بیت ۶ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ی،ل: ۱،۲،۳،۵،۴،۶،۸ بیت ۷ را ندارند

ك: ۱،۲،۳،۴،۷،۵،۶،۸

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ح: احادیاً لجمال **ك:** فانزل * **ح:** از اشتیاق جمال **ك:** در اشتیاق جمال

۳ـ ب،ح،ك: شکایت شب‌هجران **ح،ط:** فروگذارای دل * **ط:** بشکر آنکه برانداخت پرده صبح وصال

۴ـ ل: عذر می‌طلبد

۵ـ ب،ح،ط،ی،ك: هفت‌کاری چشم * **ی:** کشیده‌اند بتحریر **ك:** فکنده‌ایم بتحریر

۷ـ * ط: که‌کس بجان ننماید

۸ـ ك: قتیل تیغ تو شد

۲۹۸

۱ دارای جهان نصرت دین خسرو کامل
یحیی‌بن مظفّر ملک عالم عادل
۲ ای درگه اسلام پناه تو گشاده
بر روی زمین روزنهٔ جان و در دل
۳ تعظیم تو بر جان و خرد واجب و لازم
انعام تو بر کون و مکان فایض و شامل
۴ روز ازل از کلک تو یک قطره سیاهی
بر روی مه افتاد که شد حل مسائل
۵ خورشید چو آن خال سیه دید به دل گفت
ای کاج که من بودمی آن هندوی مقبل
۶ شاها فلک از بزم تو در رقص و سماع است
دست طرب از دامن این زمزمه مگسل
۷ می نوش و جهان بخش که از زلف کمندت
شد گردن بدخواه گرفتار سلاسل
۸ دور فلکی یکسره بر منهج عدل است
خوش باش که ظالم نبرد راه به منزل
۹ حافظ قلم شاه جهان مقسم رزق است
از بهر معیشت مکن اندیشهٔ باطل

ط،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ط،م: یحیی مظفر
۲ـ م: ای‌آنکه در اسلام ط،م: پناه تو گشوده * ط،م: برروی جهان روزنهٔ ط: روزنهٔ جاه تو در دل م: روزنهٔ جان زره دل
۳ـ ط،م: جان خرد * م: وانعام تو ط: فایض و سایل
۴ـ ط: یك نقطه سیاهی
۶ـ م: ملك از بزم تو
۷ـ ط: که از دردکمندت
۸ـ * ط:نبرد بار بمنزل

۲۹۹

۱ به عهد گل شدم از توبهٔ شراب خجل
که کس مباد ز کردار ناصواب خجل

۲ صلاح ما همه دام ره است و من زین بخت
نیم ز شاهد و ساقی به هیچ باب خجل

۳ بود که یار نرنجد ز ما به خلق کریم
که از سؤال ملولیم و از جواب خجل

۴ ز خون که رفت شب‌دوش از سراچهٔ چشم
شدیم در نظر شب‌روان خواب خجل

۵ رواست نرگس مست ار فکند سر در پیش
که شد ز شیوهٔ آن چشم پر عتاب خجل

۶ رخ از جناب تو عمریست تا نتافته‌ایم
نی‌ام به یاری توفیق ازین جناب خجل

۷ تو خوب روی‌تری ز آفتاب و شکر خدا
که نیستم ز تو در روی آفتاب خجل

۸ حجاب ظلمت از آن بست آب خضر که گشت
ز طبع حافظ و این شعر همچو آب خجل

۹ ازان نهفت رخ خویش در نقاب صدف
که شد ز نظم خوشش لؤلؤ خوشاب خجل

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ح،ل**، اما نسخهٔ **ل** بیت‌های ۶ و ۹ را ندارد.
ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ب: ۱،۲،۳،۴،۷،۵،۸ — بیت‌های ۶ و ۹ را ندارد
ه: ۱،۲، +،۶،۹،۴،۳،۷،۵،۸
ز: ۱،۲،۴،۵، +،۳،۶،۸،۹ — بیت ۷ را ندارد
ط: ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۸،۶،۹
ی: ۱،۲،۴،۷،۵،۳،۸ — بیت‌های ۶ و ۹ را ندارد
ك: ۱،۲،۵،۶،۷،۸،۹ — بیت‌های ۳ و ۴ را ندارد
م: ۸،۳،۹ — بیت‌های ۱ و ۲ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ را ندارد

+ چرا بزیر ابت جام زهرخنده‌زند — **اگر نه ازلب لعل‌تو شد شراب خجل**

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ ل،م: بوقت گل شدم از

۲ــ ب: صواب‌ما همه دام **ح،ك:** صلاح من همه **ط:** همه جام میست و **ز:** در این بحث **ط:** ما زین بخت **ی،ل:** من زین بحث *** ط:** نیم ز ساقی وساقی

۳ــ ز: بودکه یار بپرسد **ط:** بودکه بازنپرسدگنه بخلق کریم **م:** بود که بازنپرسد زخلق کریم **ح:** بترسد گنه زخلق کریم *** ب،ه:** که در سؤال‌ملولیم و **ح،م:** که ازسؤال نگردیم و **ط:** که ازصواب‌ملولیم‌و **ب،ه،ز:** درجواب خجل

۴ــ * ز،ك،ل: ره روان خواب

۶ــ ط: رخ از جناب تو جایی دگر نتافته‌ام **ك:** عمریست ما گرفته‌ایم **ز:** تا نتافته‌ام **ح:** تا گرفتم باز *** ط:** ازان جناب

۷ــ ز،ل: تویی که خوب تری **ب:** زافتاب وفضل خدای **ه:** زآفتاب چوفضل خدای **ح:** زآفتاب فضل خدای **ط:** زافتاب وفضل خداست **ی،ك:** زافتاب وفضل خدا

۸ــ ب،ه،م: نقاب ظلمت ازان **ز:** ازان کشت آب خضر که هست **ح،ط،ك:** ازان جست آب خضر ***ی،ل،م:** ز شعر حافظ و آن طبع همچوآب خجل **ط:** آن شعر همچو **ی:** این طبع همچو

۹ــ *ح،م: ز نظم خوشم **ط:** ز لولوی نظمش در خوشاب

۳۰۰

۱ اگر به کوی تو باشد مرا مجال وصول
رسد به دولت وصلت نوای من به اصول

۲ قرار برده ز من آن دو سنبل رعنا
فراغ برده ز من آن دو نرگس مکحول

۳ دل از جواهر مهرت چو صیقلی دارد
بود ز زنگ حوادث هر آینه مصقول

۴ من شکستهٔ بدحال زندگی یابم
در آن نفس که به تیغ غمت شوم مقتول

۵ چه جرم کرده‌ام ای جان و دل به حضرت تو
که طاعت من بی‌دل نمی‌شود مقبول

۶ چو بر در تو من بی‌نوای بی‌زر و زور
به هیچ باب ندارم ره خروج و دخول

۷ کجا روم چکنم چون روم چه چاره کنم
که گشته‌ام ز غم و جور روزگار ملول

۸ خراب‌تر ز دل من غم تو جای نیافت
که ساخت در دل تنگم قرارگاه نزول

۹ به درد عشق بساز و خموش کن حافظ
رموز عشق مکن فاش پیش اهل عقول

ب،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،د،ط،ك،م**. با ترتیب متن نسخهٔ **ه** بیت ۶، نسخهٔ **ز** بیت ۳ ونسخهٔ **ی** بیت ۷ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است.

ح: ۱،۲،۳،۴،۶،۷،۸،۵،۹

ل: ۱،۲،۶،۷،۴،۸،۳،۵،۹

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * **ز:** رسد بدولت عشقت　　**ل:** رسد بدولت وصل تو کار من به‌اصول　　**ح،ك:** نوای ما به‌اصول

۲ـ **ب،ه،ط،م:** قراربرد زمن　　**ز،ح،ك،ل:** آن دونرگس رعنا　　***ب،ه،ط:** فراغ بردزمن　　**ز:** آن دوسنبل مکحول　　**ح،ك،ل:** آن‌دوجادوی‌مکحول

۳ـ **ب،د،ه،ط،ی،ك،م:** چو ازجواهر مهرتوصیقلی دارد　　**ح:** چو ازجواهر مهر توصیقلی داده　　* **م:** هرآینه مجهول

۴ـ * **ح،ك:** درآن زمان　　**ی:** درآن هوس　　**ط:** که زتیغ

۵ـ **ح:** چه جرم‌کردم ای جان و

۷ـ **د،ه:** چکنم چون‌کنم چه چاره کنم　　**ز،ح،ط:** چکنم چون شوم چه‌چاره کنم　　**ك:** چه کنم چون‌شوم چه‌چاره برم　　**ل:** چکنم چاره ازکجا جویم　　**م:** چکنم بعدازین چه‌چاره کنم　　* **ب،د،ه،م:** زغم جور روزگار

۸ـ * **ی:** که‌کرد در دل

۹ـ **ی،م:** خموش شوحافظ

۳۰۱

۱ هر نکته‌ای که گفتم در وصف آن شمائل

هر کاو شنید گفتا لله درّ قائل

۱ تحصیل عشق و رندی آسان نمود اوّل

جانم بسوخت آخر در کسب این فضائل

۳ گفتم که کی ببخشی بر جان ناتوانم

گفت آن زمان که نبود جان در میانه حائل

۴ حلّاج بر سر دار این نکته خوش سراید

از شافعی نپرسند امثال این مسائل

۵ دل داده‌ام به یاری شوخی گشی نگاری

مرضیّة السّجایا محمودة الخصائل

۶ در عین گوشه‌گیری چشمم ز ره بینداخت

و اکنون شدم چو مستان بر ابروی تو مائل

۷ از آب دیده صد ره طوفان نوح دیدم

وز لوح سینه نقشت هرگز نگشت زائل

۸ ای دوست دست حافظ تعویذ چشم زخم است

یا رب ببینم آنرا در گردنت حمائل

الف،ب،ج،د،ه،و،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق‌است با نسخه‌های **الف،ب،د،و،ز،ط،ی**. با ترتیب متن نسخهٔ **ج** بیت‌های ۳ و ۶، نسخهٔ **ه** بیت ۴ و نسخهٔ **ح** بیت ۶ را ندارد. ترتیب نسخهٔ **ك** چنین است: ۸،۲،۷،۶،۵،۴،۳،۱

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ج: هر نکتهٔ که گفتیم

۲ـ ح: آسان نمود از اول * **الف،ح،ك:** واخر بسوخت جـانم **ل:** آخر بسوخت جانم **ج،ط:** لیکن بسوخت جانم **ج،ح،ك:** در کسب آن فضائل **و:** در وصف این شمائل

۴ـ ح: آن‌نکته خوش سرایید * **ج،ح:** ازشافعی مپرسید **و:** کزشافعی نپرسند امثال‌آن مسائل

۵ـ ك: دل داده‌ام‌بشوخی‌یاری * **د،ه،و:** محمودة‌الفضائل **ح:** محمودة‌الشمائل

۶ـ ه: درعیش گوشه‌گیری **ل:** درعین گوشه‌گیری بودم چوچشم‌مستت **ب،ز،ط،ك:** عشقم زره بینداخت **د،ه،و،ی:** عقلم زره بینداخت * **د:** اکنون شدم **ب،ل:** شدم به‌مستان **ب،ل:** چون ابروی تو

۷ـ ج: زاب دو دیده * **ج،د:** وز لوح دیده نقشت **ح:** وز دیده نقش رویت هرگز **ط:** ازنقش دیده نقشت **ه:** سینه نقشم هرگز

۸ـ * ط: آیا بودکه بینم **ك:** یا رب که بینم‌آنرا

۳۰۲

۱ بشری اذ السّلامة حلّت بذی سلم
لله حمد معترف غایة النّعم

۲ آن خوش خبر کجاست که این فتح مژده داد
تا جان فشانمش چو زر و سیم در قدم

۳ از بازگشت شاه درین طرفه منزل است
آهنگ خصم او به سراپردهٔ عدم

۴ پیمان‌شکن هر آینه گردد شکسته حال
انّ العهود عند ملیک النّهی ذمم

۵ می‌جست از سحاب امل رحمتی ولی
جز دیده‌اش معاینه بیرون نداد نم

۶ در نیل غم فتاد سپهرش به طنز گفت
الآن قد ندمت و ما ینفع النّدم

۷ ساقی چو یار مهرخ و از اهل راز بود
حافظ بخورد باده و شیخ و فقیه هم

ب،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ل. با ترتیب متن نسخه‌های دیگر بیت ۷ را ندارند.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ب: بشری لنا السلامة
۳ـ ب،ك،م: درین طرفه نوبتست
۴ـ * م: انا لملوك عند مليك النهى قدم
۵ـ * ك: نداده نم
۶ـ ب،ك: درنیل غم فتاده

۳۰۳

۱ عشق‌بازیّ و جوانیّ و شراب لعل فام
مجلس انس و حریف همدم و شرب مدام

۲ ساقی شکّر دهان و مطرب شیرین سخن
همنشین نیک‌کردار و ندیم نیکنام

۳ شاهدی از لطف و پاکی رشک آب زندگی
دلبری در حسن و خوبی غیرت ماه تمام

۴ بزمگاهی دلنشان چون قصر فردوس برین
گلشنی پیرامنش چون روضهٔ دارالسّلام

۵ صف‌نشینان نیکخواه و پیشکاران با ادب
دوستداران صاحب اسرار و حریفان دوستکام

۶ بادهٔ گلرنگ تلخ تیز خوشخوار سبک
نقلش از لعل نگار و نقلش از یاقوت خام

۷ غمزهٔ ساقی به یغمای خرد آهخته تیغ
زلف جانان از برای صید دل گسترده دام

۸ نکته دانی بذله‌گو چون حافظ شیرین سخن
بخشش آموزی جهان‌افروز چون حاجی قوام

۹ هر که این عشرت نخواهد خوشدلی بر وی تباه
وانکه این مجلس نجوید زندگی بر وی حرام

ب،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با همهٔ نسخه‌های فوق.

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ * ل: همنشینی نیک‌کردار وندیمی نیکنام
۴ـ ط: بزمگاه دلستان
۵ـ ط: صف نشینان نیک‌نام و * ط: دوستاران صاحب سرّ وحریفان نیک‌نام
۶ـ ط: بادهٔ گلرنگ خواه وتلخ وتیز وخوش‌گوار ك: تیز وباران سبك
* ط،ی،ك: نقلی از لعل نگار ونقلی از ط: یاقوت جام
۷ـ ط،ی: خردآمیخته * ط: صید جان افکنده دام
۸ـ ب: نکته دانی خوش‌سخن چون‌حافظ افسانه‌ساز ط،ی: نکته‌دان‌بذله‌گو
* ط: بخشش‌آموزجهان افروز
۹ـ ب،ك: هرکه این عشرت ندارد ط،ی: هرکه این صحبت نخواهد
ب: عیش‌خوش بروی تباه ط: خرّمی‌بروی تباه ك: زندگی بروی
تباه * ب: وانك این مجلس نخواهد ط: وانکه این عشرت
نجوید ی: وآنك این عشرت نخواهد ك: وانکه این مجلس
ندارد ط،ك: خوش دلی بر وی حرام

۳۰۴

۱ مرحبا طایر فرّخ پی فرخنده پیام
خیر مقدم چه خبر یار کجا راه کدام

۲ یا رب این قافله را لطف ازل بدرقه باد
که ازو خصم به دام آمد و معشوقه به‌کام

۳ ماجرای من و معشوقِ مرا پایان نیست
هر چه آغاز ندارد نپذیرد انجام

۴ زلف دلدار چو زنّار همی فرماید
برو ای شیخ که شد بر تن ما خرقه حرام

۵ مرغ روحم که همی زد ز سر سدره صفیر
عاقبت دانهٔ خال تو فکندش در دام

۶ چشم بیمار مرا خواب نه درخور باشد
من له یقبل داء دنف کیف ینام

۷ تو ترحّم نکنی بر من بیدل گفتم
ذاک دعوای وها انت و تلک‌الآیام

۸ گل ز حد برد تنعّم به کرم رخ بنمای
سرو می‌نازد و خوش نیست خدا را بخرام

۹ حافظ ار میل به ابروی تو دارد شاید
جای در گوشهٔ محراب کنند اهل کلام

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ز،ی. با ترتیب متن نسخهٔ ه بیت ۳ و نسخه‌های ح،ك بیت‌های ۴ و۵ را ندارند. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ط،ل: ۱،۲،۳،۸،۴،۵،۶،۷،۹

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ط: فرخ رخ ح،ك: فرخنده مقام * ی: خیرمقدم زکجا ه: زاه کجا ح،ط،ل،ك: دوست کجا ه،ح،ط،ك: یار کدام ی: دوست کدام

۲ـ ط: همره باد * ز: آمد معشوقه ه: معشوق بکام

۵ـ ب،ه،ی: مرغ عزمم ز: مرغ عرشم ط: مرغ عیشم ه: زره سدره

۶ـ ه: چشم بیمارترا ح،ط،ك: چشم خونبادمرا ط،ك: خواب چه درخور باشد * ب: من له یقتل دآه دنفاً ه: من له تقبل داه دنفاً ح،ی،ل: من له یقتل ط: من له بعسل کلف ك: من‌له بقبل

۷ـ ح،ط،ك،ل: برمن مخلص گفتم ح: برمن مفلس گفتم ك: برمن و مخلص گفتم * ب،ه،ز،ح،ك: ذاك دعواك ك: لها انت

۳۰۵

۱ عاشق روی جوانی خوش نو خاسته‌ام
وز خدا شادی این غم به‌دعا خواسته‌ام
۲ عاشق و رند و نظربازم و می‌گویم فاش
تا بدانی که به‌چندین هنر آراسته‌ام
۳ شرمم از خرقهٔ آلودهٔ خود می‌آید
که بر و پاره به صد شعبده پیراسته‌ام
۴ خوش بسوز از غمش ای شمع که اینک من نیز
به همین کار میان بسته و برخاسته‌ام
۵ با چنین خبرتم از دست بشد صرفهٔ کار
در غم افزوده‌ام آنچ از دل و جان کاسته‌ام
۶ همچو حافظ به خرابات روم جامه قبا
بو که در بر کشد آن دلبر نو خاسته‌ام

ب،ج،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ج،ح،ی،ك،ل،م.** با ترتیب متن نسخه‌های **ه،ز** بیت۳ و نسخهٔ **ط** بیت ۶ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ط،م: روی جوان خوش * **ح،ك:** وزخدا صحبت او را بدعا **ل:** وز خدا دولت این غم

۲ـ ح،ك: عاشق و رندم ومیخواره باوازبلند

۳ـ *ح: که بران پاره **ط:** که برو زهد **ی:** که بدوپاره **ل:** که برو وصله

۴ـ ز: ای شمع که من نیز چوتو **ط:** ای‌شمع که امشب من‌نیز **ی:** ای یار که * **ه،ح،ط،ك،ل:** هم بدین کار کمر بسته

۵ـ ط: باچنین حسرتم **ك:** با چنین‌حسرتم **ب،ج،ه،ز،ح،ل:** با چنین حیرتم * **ه:** آنچه ازغم دل کاسته‌ام

۶ـ ز: بخرابات‌کنم جامه **ح:** بخرابات‌زدم جام فنا

۳۰٦



۱ باز آی ساقیا که هواخواه خدمتم
مشتاق بندگی و دعاگوی دولتم

۲ زانجا که فیض جام سعادت فروغ تست
بیرون شدی نمای ز ظلمات حیرتم

۳ هر چند غرق بحر گناهم ز صد جهت
تا آشنای عشق شدم ز اهل رحمتم

۴ عیبم مکن به رندی و بدنامی ای حکیم
کاین بود سرنوشت ز دیوان قسمتم

۵ می خور که عاشقی نه بهکسب است و اختیار
این موهبت رسید ز میراث فطرتم

۶ من کز وطن سفر نگزیدم به عمر خویش
در عشق دیدن تو هواخواه غربتم

۷ دریا و کوه در ره و من خسته و ضعیف
ای خضر پی خجسته مدد ده به همّتم

۸ دورم به صورت از در دولت سرای دوست
لیکن به جان و دل ز مقیمان حضرتم

۹ حافظ بهپیش چشم تو خواهد سپرد جان
در این خیالم ار بدهد عمر مهلتم

ب،د،ه،ز،ی،ک،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ز،ل. با ترتیب متن نسخهٔ م بیت ۵ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

د: ۱، ۲، ۳، ۴، +، ۵، ۸، ۶، ۷، × ،۹

ه: ۱، +، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۹ بیت ۶ را ندارد

ی: ۱، +، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹

ک: ۱، ۲، ۳، +، ×، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹

+ گر دم‌زنی زطرهٔ مشکین آن نگار فکری کن ای صبا زمکافات غیرتم

× درابروی‌تو نیز نظر تا بگوش هوش آورده و کشیده و مسوقوف فرصتم

که درنسخهٔ د «مشکین اوصبا» ودرنسخهٔ ک «چون‌ابروی توتیر نظر تا بگوش دوش»آمده‌است

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ * د،ه،ک: بیرون شدن

۳ـ د،ه،ز: بصد جهت * ب،ز،ی: گرآشنای عشق شوم د،ه: چون آشنای عشق شدم اهل رحمتم م: عشق شوم زاهل

۴ـ * م: این‌موهبت رسید زمیراث فطرتم

۵ـ * ه: ز دیوان فطرتم ز: ز دیوان بفطرتم

۶ـ * م: درغرق دیدن تو

۷ـ * م: ای پیک پی‌خجسته ل: مددکن بههمتم

۸ـ ی: دولت پناه تو ک: دولت پناه دوست ل: دولت سرای تو

۹ـ ک: سپرد روح * م: خیالم گر بدهد

۳۰۷

۱ دوش بیماری چشم تو ببرد از دستم
لیکن از لطف لبت صورت جان می‌بستم

۲ عشق من با خط مشکین تو امروزی نیست
دیرگاهست کزین جام هلالی مستم

۳ از ثبات خودم این نکته خوش آمد که به جور
در سر کوی تو از پای طلب ننشستم

۴ عافیت چشم مدار از من میخانه‌نشین
که دم از خدمت رندان زده‌ام تا هستم

۵ در ره عشق از آن سوی فنا صد خطر است
تا نگوئی که چو عمرم بسر آمد رستم

۶ بعد ازینم چه غم از تیر کج‌انداز حسود
چو به‌محبوب کمان ابروی خود پیوستم

۷ بوسه بر درج عقیق تو حلال است مرا
که به افسوس و جفا مُهر وفا نشکستم

۸ رتبت دانش حافظ به‌فلک بر شده بود
کرد غمخواری شمشاد بلندت پستم

۹ صنمی لشکریم غارت دل کرد و برفت
آه اگر عاطفت شاه نگیرد دستم

ب،د،ه،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ط. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

د: ۱،۲،۳،۴،۶،۵،۷،۸ بیت ۹ را ندارد

ه: ۱،۲،۳،۵،۷،۹،۸ بیت‌های ۴ و ۶ را ندارد

ی: ۱،۲،۴،۶،۵،۷،۸،۹ بیت ۳ را ندارد

ك: ۱،۲،۳،۵،۴،۶،۷،۸ بیت ۹ را ندارد

م: ۱،۲،۳،۵،۴،۶،۷،۸

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * د: لیك ازلطف ح،ك: گرچه ازلطف

۲ـ ه: برخط مشکین ح،ك: برخط سودای تو * ك: دیرگاهیست
ب: که با جام

۳ـ د،ه: خوش‌آمدکه بخود ط: خوش‌آیدکه بخود * ح: برسرکوی تو

۴ـ ط: ازمن سجاده نشین * ح،ك: صحبت رندان ی: همت رندان

۵ـ ب،م: در ره عاشق ح،ط،ك: سوی اجل

۶ـ ح،ك: چه غم ازتیرکج اندازبود دست مرا ب: تیر که انداخت حسود
* ی،م: که بمحبوب ل: چون به‌محبوب

۷ـ * ح: که‌بافسوس‌جفا د،ه،ط،ی،ك،م: مهر و وفا ح: عهد ووفا

۸ـ ح،ك: من چوحافظ هنری بودم و دانا لیکن * ط: آه اگرعاطفت شاه نگیرد دستم

۹ـ ح: پسری لشکریم ی: صنم لشکریم ط: غارت دین‌کرد * ه: مرحمت

۳۰۸

۱ بغیر از آنکه بشد دین و دانش از دستم
بیا بگو که ز عشقت چه طرف بر بستم

۲ اگر چه خرمن عمرم غم تو داد به‌باد
به‌خاک پای عزیزت که عهد نشکستم

۳ چو ذرّه گرچه حقیرم ببین به‌دولت عشق
که در هوای رخت چون به‌مهر پیوستم

۴ بیار باده که عمریست تا من از سرِامن
به‌کنج عافیت از بهر عیش ننشستم

۵ اگر ز مردم هشیاری ای نصیحت گوی
سخن به‌خاک میفکن چرا که من مستم

۶ چگونه سر ز خجالت بر آورم برِ دوست
که خدمتی بسزا بر نیامد از دستم

۷ بسوخت حافظ و آن یار دلنواز نگفت
که مرهمش بفرستم چو خاطرش خستم

ب،د،ز،ط،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ط،ك: بغیر آنکه
۴ـ م: از سر درد * **ب،ط:** بنشستم
۵ـ د: ای ملامت‌گوی **ك،ل:** ای نصیحت‌گو
۷ـ * ز،ل: که مرهمی بفرستم **ط،ل:** که خاطرش

۳۰۹

۱ زلف بر باد مده تا ندهی بر بادم
ناز بنیاد منه تا نبری بنیادم

۲ رخ بر افروز که فارغ کنی از برگ گلم
قد برافراز که از سرو کنی آزادم

۳ شهرهٔ شهر مشو تا ننهم سر در کوه
شور شیرین منما تا نکنی فرهادم

۴ می مخور با دگران تا نخورم خون جگر
سر مکش تا نکشد سر به‌فلک فریادم

۵ زلف را حلقه مکن تا نکنی در بندم
چهره را آب مده تا ندهی بر بادم

۶ چون فلک سیر مکن تا نکشی حافظ را
رام شو تا بدهد طالع فرّخ دادم

۷ شمع هر جمع مشو ورنه بسوزی ما را
یاد هر قوم مکن تا نروی از یادم



۸ یار بیگانه مشو تا نبری از خویشم
غم اغیار مخور تا نکنی ناشادم

۹ رحم کن بر من مسکین و به‌فریادم رس
تا به‌خاک در آصف نرسد فریادم

۱۰ حافظ از جور تو حاشا که بگرداند روی
من از آن روز که دربند توام آزادم

ب،د،ه،ز،ط،ی،ل،م

ترتیب ابیات

متن تا بیت ۷ مطابق‌است با نسخه‌های **ب،م،د،ه،ز** که در سه نسخهٔ اخیر بیت‌های ۶ و ۷ مقدم ومؤخر است. بیت ۸ ازنسخه‌های **ط،ی،ل** وبیت‌های ۹ و ۱۰ ازنسخه‌های **ط** و **ل** به‌متن اضافه شده است. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ط،ل: ۱،۴،۵،۸،۲،۷،۳،۹،۱۰ بیت ۶ را ندارند

ی: ۱،۲،۳،۴،۵،۸،۶،۷ بیت‌های ۹ و ۱۰ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * **ط،ل،م:** نازبنیاد مکن **ط،ی،ل:** تا نکنی‌بنیادم

۲ـ * **ط:** قد برافروز

۳ـ * **ط:** نازشیرین

۴ـ **ط:** می‌خورم با همه‌کس **ل:** می‌مخور با همه‌کس * **ز:** یاد هرقوم مکن تا نروی ازیادم **ط:** یاد هرقوم مکن تا نبری ازیادم

۵ـ **ط:** زلف را حلقه مده * **ز،ط،ل:** طره را تاب مده تا ندهی بربادم **م:** طره را آب مده **ط:** یاد هرقوم مکن تا نبری ازیادم

۷ـ **د،ه:** ورنه بسوزی دل من **م:** گرنه بسوزی ما را * **ز:** سرمکش‌تا نکشد سربفلك فریادم **ط:** دستگیرم که زهجر تو زپا افتادم

۸ـ * **ی:** دست‌گیرم که زهجر تو ز پا افتادم

۱۰ـ **ط:** که بگردد روزی

۳۱۰

۱ فاش می‌گویم و از گفتهٔ خود دلشادم
بندهٔ عشقم و از هر دو جهان آزادم

۲ طایر گلشن قدسم چه دهم شرح فراق
که درین دامگه حادثه چون افتادم

۳ من ملَک بودم و فردوس برین جایم بود
آدم آورد درین دیر خراب آبادم

۴ سایهٔ طوبی و دلجوئی حور و لب حوض
به‌هوای سر کوی تو برفت از یادم

۵ نیست بر لوح دلم جز الف قامت دوست
چکنم حرف دگر یاد نداد استادم

۶ کوکب بخت مرا هیچ منجّم نشناخت
یا رب از مادر گیتی به چه طالع زادم

۷ تا شدم حلقه به‌گوش در میخانهٔ عشق
هر دم آید غمی از نو به مبارکبادم

۸ می‌خورد خون دلم مردمک چشم و سزاست
که چرا دل به جگرگوشهٔ مردم دادم

۹ پاک کن چهرهٔ حافظ به سر زلف ز اشک
ورنه این سیل دمادم ببرد بنیادم

ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ج،ط،ی،ل،م.** در نسخهٔ **ن** بیتهای ۴،۳ مقدم و مؤخر است ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

د،ه،ح،ك: ۱،۲،۳،۴،۶،۷،۸،۵،۹

ز: ۱،۲،۳،۴،۶،۷،۸،۹ بیت ۵ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ * **ح،ك:** که درین دائره حادثه

۳ـ ***ك:** آدم آورد بدین دیر

۴ـ **ح:** دلجوئی حوض و لب حور **ن:** لب کشت ***ح،ك:** با هوای سرکوی

۵ـ **ط،ی:** سرخط لوح دلم جز الف قد تونیست **ب،د،ه،م:** نیست درلوح **ك:** قامت یار

۶ـ **ط:** هیچ مهندس نشناخت * **ب،د،ز،ی:** مادرفطرت

۷ـ **ی:** درمیخانهٔ دل * **ط:** غمی از در

۸ـ **ی،ل:** مردمك دیده سزاست **ك:** مردمك چشم و رواست

۹ـ **ب،د،ه،ز:** از اشك * **ز،ط:** دمادم بکند بنیادم

۳۱۱

۱ مرا می‌بینی و در دم زیادت می‌کنی دردم
ترا می‌بینم و میلم زیادت می‌شود هر دم

۲ به‌سامانم نمی‌پرسی نمی‌دانم چه سر داری
به‌درمانم نمی‌کوشی نمی‌دانی مگر دردم

۳ نه راه است این که بنشانی مرا بر خاک و بگذاری
گذاری آر و بازم پرس تا خاک رهت گردم

۴ ندارم دستت از دامن بجز در خاک و آن دم هم
که بر خاکم روان گردی بگیرد دامنت گردم

۵ فرورفت از غم عشقت دمم دم می‌دمی تا کی
دمار از من بر آوردی نمی‌گوئی بر آوردم

۶ شبی دل را به‌تاریکی ز زلفت باز می‌جستم
رخت می‌دیدم و جامی هلالی باز می‌خوردم

۷ کشیدم در برت ناگاه و شد در تاب گیسویت
نهادم بر لبت لب را و جان و دل فدا کردم

۸ تو خوش می‌باش با حافظ بروگو خصم جان می‌ده
چو گرمی از تو می‌بینم چه باک از خصم دم سردم

ب،ه،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ی،ل: مرا می‌بینی و هردم
۳ـ ه،ط: اینك اندازی‌مرا **ك،ل،م:** اینکه بگذاری مرا **ط:** مرا برـ راه وبگذاری **ك:** مرا وبگذری چون باد **ه:** درخاك وبگذاری **ی:** درخاك وبگریزی **ل:** برخاك و بگریزی * **ه،ی:** تاخاك درت گردم
۴ـ م: ندارم دست از دامن **ك:** درخاك وان هم نیز * **ك:** چوبرخاکم
۵ـ ی: از دم عشقت **ط،ی،ك،ل:** دم می‌دهی
۶ـ * ب،ی،ك: جامی‌زلعلت‌باز می‌خوردم **ه،م:** جامی‌برویت بازمی‌خوردم
۸ـ ط: جان می‌کن * **ب،ط،ك:** چه غم ازخصم **ه،م:** چه فکر ازخصم

۳۱۲

۱ سالها پیروی مذهب رندان کردم
تا به فتویِّ خرد حرص به زندان کردم

۲ من به سر منزل عنقا نه بخود بردم راه
قطع این مرحله با مرغ سلیمان کردم

۳ از خلاف آمد عادت بطلب کام که من
کسب جمعیّت ازان زلف پریشان کردم

۴ سایه‌ای بر دل ریشم فکن ای گنج مراد
که من این خانه به‌سودای تو ویران کردم

۵ توبه کردم که نبوسم لب ساقی و کنون
می‌گزم لب که چرا گوش به نادان کردم

۶ نقش مستوری و مستی نه به‌دست من و تست
آنچه سلطان ازل گفت بکن آن کردم

۷ دارم از لطف ازل جنّت فردوس طمع
گر چه دربانی میخانه فراوان کردم

۸ این که پیرانه سرم صحبت یوسف بنواخت
اجر صبریست که در کلبهٔ احزان کردم

۹ هیچ حافظ نکند در خم محراب فلک
این تنعّم که من از دولت قرآن کردم

۱۰ گر به دیوان غزل صدر نشینم چه عجب
سالها بندگی صاحب دیوان کردم

ب،ج،د،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ب. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ج: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۸،۹	بیت‌های ۷ و ۱۰ را ندارد
د: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،+	بیت‌های ۹ و ۱۰ را ندارد
ز: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۱۰،+	بیت ۹ را ندارد
ح،ط: ۱،۲،۴،۳،۶،۷،۸،+،۱۰	بیت‌های ۵ و ۹ را ندارند
ی: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹	بیت ۱۰ را ندارد
ك: ۱،۲،۴،۵،۶،۷،۸،۳،+	بیت‌های ۹ و ۱۰ را ندارد
م: ۴،۵،۶،۸،+،۹،۱۰	بیت‌های ۱ و ۲ و ۳ و ۷ را ندارد

+ صبح خیزی وسلامت طلبی چون حافظ   هـر چه کردم همه از دولت قـرآن کردم
که در نسخهٔ ط «هرچه کردم همه‌ازهمت مردان کردم» آمده است.

اختلاف نسخه‌ها

۲ــ ج: نه بخود ره بردم

۳ــ د،ل: در خلاف آمـد   ی: آمده عادت   ج،ی،ك: مطلب کام
* ج: کسب جمعیت ازین

۴ــ ط،ل: ای گنج روان   * ب: من که این خانه   م: کاین طرب خانه
بسودای تو

۷ــ ب: لطف خدا منظر فردوس   ح: ازل منظرفردوس   * ط: گرچه
دروانی‌میخانه

۸ــ ج،ی،م: انك پیرانه سرم   ح،ك: آنچه پیرانه سرم   * م: اجرخبربست که

۹ــ * ج،م: آن تنعم

۱۰ــ م: گر بدیوان ازل

۳۱۳

۱ دیشب به سیل اشک ره خواب می‌زدم
نقشی به یاد خطّ تو بر آب می‌زدم

۲ ابروی یار در نظر و خرقه سوخته
جامی به یاد گوشهٔ محراب می‌زدم

۳ روی نگار در نظرم جلوه می‌نمود
وز دور بوسه بر رخ مهتاب می‌زدم

۴ چشمم به روی ساقی و گوشم به قول چنگ
فالی به چشم و گوش درین باب می‌زدم

۵ نقش خیال روی تو تا وقت صبحدم
بر کارگاه دیدهٔ بی‌خواب می‌زدم

۶ هر مرغ فکر کز سر شاخ سخن بجست
بازش ز طرّهٔ تو به مضراب می‌زدم

۷ ساقی به صوت این غزلم کاسه می‌گرفت
می‌گفتم این سرود و می ناب می‌زدم

۸ خوش بود حال حافظ و فالی به بخت نیک
بر نام عمر و دولت احباب می‌زدم

ب،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق‌است با نسخه‌های ب،د،ه،ز،م. با ترتیب متن نسخهٔ ط بیت ۶ ونسخهٔ ی بیت ۵ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ح: ۱،۳،۲،۷،۴،۶،۸ بیت ۵ را ندارد

ك: ۱،۳،۲،۷،۴،۵،۶،۸

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ح،ك: نقش مثال روی تو براب

۲ـ ط: خرقه دوخته

۳ـ ح،ك: جلوهٔ نمود * ح: از دوربوسه

۶ـ د: هرمرغ فکر من‌که بشاخ سخن نشست ه: هرمرغ فکر که برسرشاخ نشست ز: شاخ طرب ب،ی،م: شاخ سخن نشست * ز،ح،ی،ك: بازش بطرهٔ

۷ـ د،ه،ی: ساقی بقول این *د،ح: می گفتم ان سرود و * ط: برنام عمر و دولت احباب می‌زدم

۸ـ د: خوش بود فال حافظ و ط،ل: خوش بود وقت حافظ و ب،ه،م: حافظ وفالش د: حافظ وحالش ز،ل: حافظ وفال مراد وکام * ك: برنام و عمر و * ط: می گفتم این سرود ومی‌ناب میزدم

۳۱۴

۱ هر چند پیر و خسته دل و ناتوان شدم
هر گه که یاد روی تو کردم جوان شدم

۲ شکر خدا که هر چه طلب کردم از خدا
بر منتهای همّت خود کامران شدم

۳ ای گلبن جوان بر دولت بخور که من
در سایهٔ تو بلبل باغ جهان شدم

۴ اوّل ز تحت و فوق وجودم خبر نبود
در مکتب غم تو چنین نکته‌دان شدم

۵ قسمت حوالتم به خرابات می‌کند
چندان که اینچنین شدم و آنچنان شدم

۶ من پیر سال و ماه نی‌ام یار بی‌وفاست
بر من چو عمر می‌گذرد پیر از آن شدم

۷ زان روز بر دلم در معنی گشوده شد
کز ساکنان درگه پیر مغان شدم

۸ در شاهراه دولت سرمد به تخت بخت
با جام می به‌کام دل دوستان شدم

۹ از آن زمان که فتنهٔ چشمت به من رسید
ایمن ز شرّ فتنهٔ آخر زمان شدم

۱۰ دوشم نوید داد عنایت که حافظا
بازآ که من به عفو گناهت ضمان شدم

ب،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های د،ه. با ترتیب متن نسخه‌های ب،ز،ك بیت‌های ۸ و ۹ ونسخهٔ ی بیت ۸ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ح: ۱،۸،۹،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۱۰

ط: ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۱۰ بیت‌های ۶ و ۸ و ۹ را ندارد

ل: ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۸،۹،۶،۱۰

م: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۸،۹،۷،۱۰

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ك: هر که نام روی تو بردم جوان

۲ـ ز: ازخدای

۳ـ * ب: درسایهٔ تو گلبن د،ه،ز،ط،ی: باغ جنان

۴ـ ح،ك: اول زصوت و حرف وجودم خبرنبود ط: اول زحرف وصوت وجودم خبرنبود ی: اول‌زفوق وتحت وجودم م: اول زصوت وحرف جهانم خبرنبود ب،ز: فوق جهانم * ب: چنین خرده دان

۵ـ د: بخرابات‌کرده بود * د،ط،ل: هرچندکاین چنین ز،ی: هرچند این چنین ز،ح،ط،ك،م: چنین زدم وآنچنان شدم

۶ـ ی،م: پیرسالخورده نیم * ب،د،ه،ز: ازمن چوعمر ك،ی،م: وز من چوعمر

۷ـ ل: آن روز د،ه: بردلم در دولت ب،ز: درمعنی‌گشوده‌اند ط: گشاده شد * ب،ك: کز سالکان درگه

۸ـ ح: سرمد ببخت نیك

۹ـ ه،ی: فتنهٔ حسنت

۳۱۵

۱ خیال روی تو در کارگاه دیده کشیدم
به صورت تو نگاری نه دیدم و نه شنیدم

۲ اگر چه در طلبت هم‌عنان باد شمالم
به‌گرد سرو خرامان قامتت نرسیدم

۳ گناه چشم سیاه تو بود و گردن دلخواه
که من چو آهوی وحشی ز آدمی برمیدم

۴ ز شوق چشمهٔ نوشت چه قطره‌ها که فشاندم
ز لعل باده فروشت چه عشوه‌ها که خریدم

۵ ز غمزه بر دل ریشم چه تیرها که گشادی
ز غصّه بر سر کویت چه بارها که کشیدم

۶ ز کوی یار بیار ای نسیم صبح غباری
که بوی خون دل ریش از آن تراب شنیدم

۷ چو غنچه بر سرم از کوی او گذشت نسیمی
که پرده بر دل خونین به‌بوی او بدریدم

۸ امید در شب زلفت به روز عمر نبستم
طمع به دور دهانت ز کام دل ببریدم

۹ به‌خاک پای تو سوگند و نور دیدهٔ حافظ
که بی‌رخ تو فروغ از چراغ دیده ندیدم

ب، ه، ح، ط، ی، ك، ل، م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ب. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ه: ۱، ۲، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹ بیت‌های ۳ و ۴ را ندارد

ح: ۱، ۲، +، ۴، ۵، ۶، ۷، ۳، ۸، ۹

ط: ۱، ۲، ۸، ۵، ۶، ۳، ۹ بیت‌های ۴ و ۷ را ندارد

ك: ۱، ۲، +، ۴، ۵، ۶، ۳، ۹ بیت‌های ۷ و ۸ را ندارد

ل: ۱، ۲، ۸، ۴، ۵، ۶، ۳، ۷، ۹

م: ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۳، ۸، ۷، ۹

+ هوای خواجگیم بود بندگی تــوجستم امید سلطنتم بــود خــدمت تــو گزیدم

که درنسخهٔ ك «بود و بندگی» ـ «بود وخدمت تو» آمده است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ح، ط، ك، ل، م: خیال نقش تو ه: درپرده‌های دیده‌کشیدم ح، ك، م: بر کارگاه * ب، ه، ح، ط، ی، ل، م: ندیـدم ونشنیدم ك: ندیدم و

م: فغان که بردل ازبن‌نقش پردهٔ بلدریدم

۲ـ * ب: فغان که بردل ازین نقش پرده‌ها بدریدم

۳ـ ط: تو بود کین دل رنجور * م: وحشی ازآدمی برمیدم

۴ـ ل: به‌شوق ب: چه قطرها بفشاندم ی، ك: چه قطرها بفشاندم

م: چه قطرها نفشاندم * ب، ی: چه عشوه‌ها بخریدم م: چه عشوها نخریدم

۵ـ ب، ك: چه تیرها بگشادی م: چه تیرها نگشادی * ی، ك: زعشوه بر سرکویت ب، ك: چه بارها بکشیدم ه: چه بارها نکشیدم

ی: چه نازها بکشیدم م: چه نازها نه‌کشیدم

۶ـ م: زکوی دوست بیار ح: ای نسیم باد غباری ط: ای نسیم وصل غباری * ب، ه، م: دل خویش ازان ح: ریش زان شراب

۷ـ ح: چوغنچه برسرم ازکوی اونسیمی رفت * ح: بردل خونی ببوی

۸ـ ه: امید درسرزلفت بروز عمربیستم ب: شب وصلت بروزغم‌بنشینم

ح، ك: شب وصلت بروزغم نبستم * ه: بکام دل‌نبریدم

۹ـ ه: پای توآنکه بنور دیدهٔ ح، ك: سوکند نوردیدهٔ حافظ م: سوگند وخون دیدهٔ حافظ * ه: که پیش راه خود ای شب چراغ دیده ندیدم

ط: که بی‌فروغ جمالت چراغ‌دیده ندیدم ب: ازجهان دیده ندیدم

۳۱۶

۱ من که باشم که بر آن خاطر عاطر گذرم
لطف‌ها می‌کنی ای خاک درت تاج سرم

۲ دلبرا بنده نوازیت که آموخت بگو
که من این ظن به رقیبان تو هرگز نبرم

۳ همّتم بدرقهٔ راه کن ای طایر قدس
که دراز است ره مقصد و من نوسفرم

۴ ای نسیم سحری بندگی من برسان
که فراموش مکن وقت دعای سحرم

۵ راه خلوتگه خاصم بنما تا پس ازین
می خورم با تو و دیگر غم دنیا نخورم

۶ خرّم آن روز کزین مرحله بربندم رخت
وز سر کوی تو پرسند رفیقان خبرم

۷ حافظا شاید اگر در طلب گوهر وصل
دیده دریا کنم از اشک و درو غوطه خورم

۸ پایهٔ نظم بلند است و جهانگیر بگو
تا کند پادشه بحر دهان پرگهرم

ب،د،هـ،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ز،ی،ل، اما این نسخه‌ها بیت ۵ را نـدارند. با ترتیب متن نسخهٔ د بیت ۸ ونسخهٔ ط بیت‌های ۳ و ۸ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

هـ: ۱،۲،۴،۵،۶،۳،۷ بیت ۸ را ندارد

ح: ۱،۲،۳،۴،۶،۵،۷،۸

ك: ۱،۲،۳،۴،۶،۵،۷ بیت ۸ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ب: دران خاطر *** ب،ز،ی:** خاك رهت

۲ـ ب،د: که آموخت بکوی *** ب:** ظن برفیقان

۳ـ هـ: راه‌کن ازبهر خدا *** ب،هـ،ی:** من برسفرم **ح:** من درسفرم

۴ـ * د،ح،ك: کوفراموش مکن

۵ـ * هـ: می‌خورم باز دیگر **ط:** می‌خورم با خود و دیگر

۶ـ ب: خواهم آن روز **هـ:** کزین منزل بربندم **ل:** بربندم بار *** ح،ك:** رقیبان خبرم

۷ـ ب،د،هـ،ز،ط،ی،ك: دولت وصل *** ز:** دریا کنی **ح،ك:** دریا کنم ازشوق

۸ـ *ب: تا کند پادشه دهر دعا برگهرم **ح:** پادشه دهر دهان

۳۱۷

۱ تو همچو صبحی و من شمع خلوت سحرم
تبسّمی کن و جان بین که چون همی سپرم

۲ چنین که بر دل من داغ زلف سرکش تست
بنفشه‌زار شود تربتم چو درگذرم

۳ بر آستان امیدت گشاده‌ام در چشم
که یک نظر فکنی خود فکندی از نظرم

۴ چه شکر گویمت ای خیل غم عفاک‌الله
که روز بی‌کسی آخر نمی‌روی ز سرم

۵ غلام مردم چشمم که با سیاه دلی
هزار قطره ببارد چو درد دل شمرم

۶ به هر نظر بت ما جلوه می‌کند لیکن
کس این کرشمه نبیند که من همی نگرم

۷ به خاک حافظ اگر یار بگذرد چون باد
ز شوق در دل آن تنگنا کفن بدرم

ب،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق.

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ د،ه،ی،ل: چنین که در دل‌من   ط: چنین که درسرمن   * ی: بنفشه‌زار شود برتنم چو درنگرم

۳ـ ل: برآستان مرادت   د،ه،ی: نهاده‌ام درچشم   * ط،م: که یك نظربکنی

۴ـ * ك: نمیروی زبرم

۵ـ * ه: قطره ببارم

۶ـ ط: بهرطرف بت ما   ح،ك: جلوهٔ کند   * ز: کس‌آن کرشمه م: کرشمه ندارد که

۷ـ ح: گر بار بگذرد   ب،م: اگر بگذری چوباد نسیم   * م: چوغنچه درتن‌آن   ح،ك: درلحد تنگنا کفن   ط: تنگنا قفص بلدرم

۳۱۸

۱ ز دست کوته خود زیر بارم
که از بالا بلندان شرمسارم
۲ مگر زنجیر موئی گیردم دست
وگرنه سر به شیدائی برآرم
۳ ز چشم من بپرس اوضاع گردون
که شب تا روز اختر می‌شمارم
۴ به این شکرانه می‌بوسم لب جام
که کرد آگه ز راز روزگارم
۵ من از بازوی خود دارم بسی شکر
که زور مردم آزاری ندارم
۶ اگر گفتم دعای می‌فروشان
چه باشد حقّ نعمت می‌گزارم
۷ سری دارم چو حافظ مست لیکن
به لطف آن سری امّیدوارم
۸ تو از خاکم نخواهی برگرفتن
به جای اشک اگر گوهر ببارم

ب،ج،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ج،ز،ك**. با ترتیب متن نسخهٔ **ح** بیت ۷، نسخهٔ **ی** بیت ۵ را ندارد. ترتیب نسخهٔ **ه** چنین است:

۱،۲،۳،۴،۵،۶،+،۷

+ مکن عیبم بخون خوردن درین دشت   کـه کـار آمـوز آهـوی تتارم

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ * ك: که از بالا بلندی

۲ــ ب: مگرموی میانی گیردم

۳ــ ی: زچشم خود بپرس

۴ــ ج،ل: بدین شکرانه   **ح،ك:** بآن شکرانه   * **ه:** زکار روزگارم

۵ــ ط: دارم شکایت

۶ــ ب: اگر کردم دعای   **ط:** اگر گویم دعای

۷ــ ك: سری دارم مهیا بر کف دست   **ه،ی:** به‌پیری‌گشت حافظ

۸ــ ك: تو ازخاکش نخواهی

۳۱۹

۱ گرچه افتاد ز زلفش گرهی در کارم
همچنان چشمِ گشاد از کرمش می‌دارم

۲ به طرب حمل مکن سرخی رویم که چو جام
خون دل عکس برون می‌دهد از رخسارم

۳ پردهٔ مطربم از دست برون خواهد برد
آه اگر زانکه درین پرده نباشد بارم

۴ منم آن شاعر ساحر که به افسون سخن
از نی کلک همه قند و شکر می‌بارم

۵ به صد امّید نهادیم درین بادیه پای
ای دلیل دل گمگشته فرو مگذارم

۶ چون ترا درگذر باد نمی‌یارم دید
با که گویم که بگوید سخنی با یارم

۷ دیدهٔ بخت به افسانهٔ او شد در خواب
کو نسیمی ز عنایت که کند بیدارم

۸ پاسبان حرم دل شده‌ام شب همه شب
تا درین پرده جز اندیشهٔ او نگذارم

۹ دوش می‌گفت که حافظ همه روی است و ریا
بجز از خاک درش با که به رو در کارم

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق‌است با نسخه‌های ب،ز. باترتیب متن نسخهٔ ه بیت‌های ۲ و ۵ راندارد. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ح: ۹،۷،۶،۵،۲،۸،۳،۲،۱

ط: ۳،۲،۱ وپنج بیت ۷،۶،۵،۴،۳ را ازغزل شمارهٔ ۳۱۶ دنبال سه بیت اول این غزل‌آورده است و بیت‌های ۴ و۶ و۷ و ۸ و۹ را ندارد.

ی: ۹،۶،۸،۷،۴،۳،۲،۵،۱

ك: ۹،۷،۴،۸،۳،۲،۱ بیت‌های ۵ و۶ را ندارد

ل: ۹،۶،۷،۴،۸،۳،۲،۱ بیت ۵ را ندارد

م: ۹،۸،۶،۵،۴،۷،۳،۲،۱

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ی:چشم امید ط: گشاد ازکمرش

۲ـ ح،ك: که چوشام ط: رویم چون جام

۳ـ ح،ك،م: ازدست بدرخواهد برد ط: از دست نخواهد بردن ی: ازدست بخواهد بردن * ب: نباشد یارم ی: نباشد رازم

۴ـ م: ازپی‌کلك ز: همه شهد وشکر

۵ـ ح: بادیه روی * م: ره‌گم‌گشته

۶ـ ز: چون‌منش ط،ل: درگذر ای یار ی: درگذربار

۸ـ * ی: جز اندیشه نباشدکارم

۹ـ * ز،ط،ی،ك: بجز ازخاك درت ه،ز،ك: باکه بکو ح،ل: باکه بود بازارم

۳۲۰

۱ گر دست دهد خاک کف پای نگارم
بر لوح بصر خطّ غباری بنگارم

۲ پروانهٔ او گر رسدم در طلب جان
چون شمع همان دم به دمی جان بسپارم

۳ گر قلب دلم را ننهد دوست عیاری
من نقد روان در رهش از دیده شمارم

۴ دامن مفشان از من خاکی که پس از من
زین در نتواند که برد باد غبارم

۵ بر بوی کنار تو شدم غرق و امید است
از موج سرشکم که رساند به کنارم

۶ امروز مکش سر ز وفای من و اندیش
زان شب که من از غم به دعا دست برآرم

۷ زلفین سیاه تو به دلداری عشّاق
دادند قراریّ و ببردند قرارم

۸ ای باد از آن باده نسیمی به من آور
کان بوی، شفا می‌دهد از رنج خمارم

۹ حافظ لب لعلش چو مرا جان عزیزست
عمری بود آن لحظه که جان را به لب آرم

ب،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ز،ی. با ترتیب متن، نسخهٔ د بیت‌های ۴ و۶، نسخهٔ ه بیت ۴، نسخه‌های ح،ط بیت‌های ۳ و۴ و۵ ونسخهٔ م بیت‌های ۸ و۹ را ندارد.
ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ك: ۹،۸،۷،۶،۳،۴،۲،۱ بیت ۵ را ندارد

ل: ۹،۴،۳،۸،۷،۶،۲،۵،۱

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ د،ه: گر دست رسد * ب،ح،ی،ك: خط نگاری

۳ـ * د،ه: زین درنتواندکه برد باد غبارم ك: ازموج سرشکم که رساند بکنارم * د،ه،ك،ل: نقد روان دردمش م: نقد روان درپیش ز: از دیده بیارم

۴ـ ی،م: مفشان برمن خاکی ب،ز،ی،م: که پس ازمرگ * ب: نتوانم که برد م: برد خاك غبارم

۵ـ د،ه: بربوی وفای تو م: شدم مست و امیدست

۶ـ ح: سر ز دعای من م: سرزجفای من * ط: زانغم که بشبها من‌ازو دست برآرم

۷ـ د،ه: زلفین درازتو

۸ـ ط: ازان یارنسیمی * ح: شفابخش دهد رنج خمارم ط: شفابخش دهد دفع خمارم ل: شفابخش بود دفع خمارم

۹ـ ك: چومرا جان‌روانست * ه: که جانرا بکف‌آرم

۳۲۱

۱ در نهانخانهٔ عشرت صنمی خوش دارم
کز سر زلف و رخش نعل در آتش دارم

۲ عاشق و رندم و میخواره به آواز بلند
وین همه منصب از آن حور پریوش دارم

۳ گر به کاشانهٔ رندان قدمی خواهی زد
نقل شعر شکرین و می بی‌غش دارم

۴ گر تو زین دست مرا بی‌سر و سامان داری
من به آه سحرت زلف مشوّش دارم

۵ ور چنین چهره گشاید خط زنگاری دوست
من رخ زرد به خونابه منقّش دارم

۶ ناوک غمزه بیار و رسن زلف که من
جنگها با دل مجروح بلاکش دارم

۷ حافظا چون غم و شادیّ جهان در گذر است
بهتر آن است که من خاطر خود خوش دارم

ب،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،د،ه،ز،ح،ی،ك،م. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ط،ل: ۱،۲،۴،۵،۳،۶،۷

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ * م: ازان ترك پری‌وش
۳ـ * ز: نقل شیرشکرین و م: نقل وشعر
۴ـ * ح: سحرت دیده مشوش
۵ـ ح،ط،ل: گرچنین ح: گشاید رخ رنگ آینت ط: گشاید رخ زنگاری * ط: من بآه سحرت زلف مشوش دارم
۶ـ د،ه: ناوك غمزه بیاور که مرا بی‌رخ دوست ز: بیاور زسر زلف که من ی: بیاور گره‌زلف ح،ك،م: بیار و زره زلف که من
۷ـ د،ه،ح،ط،ك: برگذرست *ط: اولی‌آنست که من‌خاطر

۳۲۲

۱ مرا عهدیست با جانان که تا جان در بدن دارم
هواداران کویش را چو جان خویشتن دارم

۲ صفای خلوت خاطر از آن شمع چگل جویم
فروغ چشم و نور دل از آن ماه ختن دارم

۳ به کام و آرزوی دل چو دارم خلوتی حاصل
چه فکر از خبث بدگویان میان انجمن دارم

۴ مرا در خانه سروی هست کاندر سایهٔ قدّش
فراغ از سرو بستانیّ و شمشاد چمن دارم

۵ گرم صد لشکر از خوبان به قصد دل کمین سازند
بحمدالله والمنّه بتی لشکرشکن دارم

۶ سزد کز خاتم لعلش زنم لاف سلیمانی
چو اسم اعظمم باشد چه باک از اهرمن دارم

۷ الا ای پیر فرزانه مکن عیبم ز میخانه
که من در ترک پیمانه دلی پیمان‌شکن دارم

۸ خدا را ای رقیب امشب زمانی دیده بر هم نه
که من با لعل خاموشش نهانی صد سخن دارم

۹ چو در گلزار اقبالش خرامانم بحمدالله
نه میل لاله و نسرین نه برگ نسترن دارم

۱۰ به رندی شهره شد حافظ میان همدمان لیکن
چه غم دارم که در عالم قوام‌الدّین حسن دارم

ب،ه،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ل،م**، اما نسخه‌های **ب،م** بیت۷ را ندارند. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ه: ۱،۲،+،۴،۵،۸،۹	بیت‌های ۳ و ۶ و ۷ و ۱۰ را ندارد
ط: ۱،۳،+،۷،۸،۱۰	بیت‌های ۲ و ۴ و ۵ و ۶ و ۹ را ندارد
ی: ۱،۲،۳،+،۴،۵،۶،۱۰	بیت‌های ۷ و ۸ و ۹ را ندارد
ك: ۱،۳،۴،۷،۸،۱۰	بیت‌های ۲ و ۵ و ۶ و ۹ را ندارد

+ شرابی خوش‌گوارم هست و یاری چون‌نگارم مست

ندارد هیچکس باری چنین کاری‌که من دارم

که درنسخهٔ **ی** «شراب..... یار....» و «کاری چنین یاری» **ومصراع دوم درنسخهٔ ط** «فراغ از سرو بستانی زگلهای چمن دارم» آمده است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ط،ك: مرا شرطیست با جانان

۲ـ ه: صفای خاطرخلوت **ب،ه:** ازان شمع چگل دارم **ی:** ازان سرو چگل جویم

۳ـ *ط: چه‌غم ازخبث **ب،ی:** بدگویان وقصد انجمن

۴ـ ك: سروی هست‌کز رفتار و دیدارش *** ك:** بستانی وگلهای چمن

۵ـ ه: اگر صد لشکر خوبان بصید دل

۶ـ ب،ی: زند لاف سلیمانی *** م:** چه فکر از اهرمن

۷ـ ط،ك: مکن منعم زمیخانه *** ط:** دل پیمان شکن

۸ـ ب: امشب خدا را چشم برهم نه *** ب،ه:** که من با اهل خاموشی

۱۰ـ ب،م: حافظ پس‌ازصد رنج وغم‌لیکن **ی:** حافظ پس ازصدرنج وغم‌بیشش *** ب،ی،م:** چو درعالم **ب،ه،ط،ی،ك:** امین‌الدین حسن

۳۲۳

۱ به تیغم گر کشد دستش نگیرم
وگر تیرم زند منّت پذیرم
۲ کمان ابروی ما را گو بزن تیر
که پیش دست و بازویت بمیرم
۳ غم گیتی که از پایم درآرد
بجز ساغر که باشد دستگیرم
۴ برآی ای آفتاب صبح امّید
که در دست شب هجران اسیرم
۵ به فریادم رس ای پیر خرابات
به یک جرعه جوانم کن که پیرم
۶ به گیسوی تو خوردم دوش سوگند
که من از پای تو سر برنگیرم
۷ بسوز این خرقهٔ تقوی تو حافظ
که گر آتش شوم در وی نگیرم

،ب،ه،ز،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ه،ل،م** با ترتیب متن نسخه‌های **ب،ز** بعد از بیت ۶ بیت زیر را که ازغزل ۳۲۲ است اینجا آورده‌اند:

من آن مـرغم که هرشام وسحرگاه ز بـام عـرش می‌آیـد صفیرم

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ **ز،ل:** کمان ابرویت را گـو **ز:** کمان ابـروی گوما را بزن تیر

* **ه،ز،م:** دست وبازویش

۳ـ **ل:** گرازپایم

۴ـ **ب،ز:** برآ ای‌آفتاب

۵ـ * **ه:**جرعه خرابم

۷ـ **ه:** تقوی جوحافظ * **ه:** که گرآنش شوی **ز،م:** که‌گرآتش‌شود

۳۲۴

۱ مزن بر دل ز نوک غمزه تیرم
که پیش چشم بیمارت بمیرم

۲ نصاب حسن در حدّ کمال است
زکاتم ده که مسکین و فقیرم

۳ قدح پر کن که من در دولت عشق
جوانبخت جهانم گرچه پیرم

۴ چنان پر شد فضای سینه از دوست
که فکر خویش گم شد از ضمیرم

۵ مبادا جز حساب مطرب و می
اگر حرفی کشد کلک دبیرم

۶ درین غوغا که کس کس را نپرسد
من از پیر مغان منّت پذیرم

۷ چو طفلان تا کی ای زاهد فریبی
به سیب بوستان و شهد و شیرم

۸ قراری کرده‌ام با می‌فروشان
که روز غم بجز ساغر نگیرم

۹ من آن مرغم که هر شام و سحرگاه
ز بام عرش می‌آید صفیرم

۱۰ چو حافظ گنج او در سینه دارم
اگر چه مدّعی بیند حقیرم

۱۱ خوشا آن دم که استغنای مستی
فراغت بخشد از شاه و وزیرم

ب،ه،ز،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ب، امـا این نسخه بیت ۱۱ را ندارد. تـرتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ه: ۱،۲،۳،۴،۶،۵،۷،۸،۹،۱۱،۱۰
ز: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۱،+
ط: ۱،۲،۴،۳،۸،۵،۶،۱۱،+ بیت‌های ۷ و ۹ و ۱۰ را ندارد
ی: ۱،۲،۸،۵،۶،۱۱،۷،۴،۳،۱۰ بیت ۹ را ندارد
ك: ۱،۳،۴،۲،۱۱،۵،۶،۸،+ بیت‌های ۷ و ۹ و ۱۰ را ندارد
ل: ۱،۲،۷،۴،۳،۸،۵،۶،۱۱،۹،۱۰
م: ۱،۲،۳،۴،۵،۱۱،۷،۶،۸،۱۰،۹

+ من آنگه برگرفتم دل ز حافظ کـه ساقی گشت یـار ناگزیرم
که درنسخهٔ ط «یار دلپذیرم»آمده است.

اختلاف نسخه‌ها

۳ـ ه: در دولت تو * ب،م: جوان مرد جهانم
۴ـ * ب،ه،م: که فکر عشق‌گم شد ز: که فکرعشق‌گم‌گشت ط،ی: گم شد درضمیرم
۵ـ * ب،ل: اگر نقشی‌کشد م: کلك زمانم
۶ـ ه،ی: دران غوغا ك،م: کس را نپرسید
۷ـ ی: تاکی این زاهد فریبی
۸ـ ط،ل: قراری بسته‌ام * ط: که درد غم بجز
۱۰ـ ز: فراوان‌گنج او * ه: بیند فقیرم
۱۱ـ ه: که ز استغناء مستی ل: کز استغنای مستی *ل: فراغت باشد

۳۲۵

۱ نماز شام‌غریبان چو گریه آغازم
به مویه‌های غریبانه قصّه پردازم

۲ به یاد یار و دیار آن چنان بگریم زار
که از جهان ره و رسم سفر براندازم

۳ من از دیار حبیبم نه از بلاد غریب
مهیمنا به رفیقان خود رسان بازم

۴ خدای را مددی ای رفیق ره تا من
به کوی میکده دیگر علم برافرازم

۵ خرد ز پیری من کی حساب برگیرد
که باز با صنمی طفل عشق می‌بازم

۶ بجز صبا و شمالم نمی‌شناسد کس
غریب من که بجز باد نیست همرازم

۷ هوای منزل یار آب زندگانی ماست
صبا بیار نسیمی ز خاک شیرازم

۸ سرشکم آمد و عیبم بگفت رویاروی
شکایت از که کنم خانگیست غمّازم

۹ ز چنگ زهره شنیدم که صبحدم می‌گفت
غلام حافظ خوش لهجهٔ خوش‌آوازم

ب،د،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق، اما نسخهٔ ح بیت ۳ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ز: چومویه آغازم
۳ـ ز: من ازبلاد حبیبم نه از دیارغریب
۴ـ ط: خدایرا مدد ره روان بده تامن
۵ـ ح،ك: حساب می‌گیرد * د: که باز با صنم
۶ـ * د،ح،ل: عزیز من که بجز **باد نیست دمسازم** **ك:** عزیز من...
نیست غمازم
۸ـ ب،ح: سرشك‌آمد و ب: عیبم نگفت ح: عیبم بگرد روی‌آورد
ك: عیبم بکرد رو وا رو ط: روی برو ی،ل: روی بروی
۹ـ * ب،د،ز: نوید حافظ ح،ط،ی،ك: مرید حافظ

۳۲۶

۱ گر دست رسد در خم زلفین تو بازم
چون گوی چه سرها که به چوگان تو بازم
۲ زلف تو مرا عمر دراز است ولی نیست
در دست سر موئی ازین عمر درازم
۳ پروانهٔ راحت بده ای شمع که امشب
از آتش دل پیش تو چون شمع گدازم
۴ آن دم که به یک خنده دهم جان چو صراحی
مستان تو خواهم که گزارند نمازم
۵ چون نیست نماز من آلوده نمازی
در میکده زان کم نشود سوز و گدازم
۶ در مسجد و میخانه خیالت اگر آید
محراب و کمانچه ز دو ابروی تو سازم
۷ گر خلوت ما را شبی از رخ بفروزی
چون صبح در آفاق جهان سر بفرازم
۸ محمود بود عاقبت کار درین راه
گر سر برود در سر سودای ایازم
۹ حافظ غم دل با که بگویم که درین دور
جز جام نشاید که بود محرم رازم

ب،د،ه،ز،ح،ط،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،د،ز،ط،ل. با ترتیب متن نسخه‌های ه،ح بیت۶ را ندارند ونیز درنسخهٔ ح بیت‌های ۵ و۶ مقدم ومؤخر است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ب،ه،ك: گر دست دهد ه،ح،ل،م: در سرزلفین تو
۲ـ * ه: ازان زلف درازم ك،ل،م: ازآن عمر درازم
۳ـ ه: ای شمع که هرشب
۴ـ ك: که یك دیده دهم
۵ـ *ب،ز،ح،ك: کم نشود سوز ونیازم
۶ـ ب،ح،ك: خیالت گرم‌آید * ط: محراب کمانچه دهد ابروی ح: کمانچه من از ابروی
۷ـ * ه: چون میغ ط،ل،م: صبح برآفاق
۹ـ ب،د،ح،ك: با تونگویم ه،ز: با توبگویم ك: که درین درد * ط: همدم رازم

۳۲۷

۱ در خرابات مغان گر گذر افتد بازم
حاصل خرقه و سجّاده روان دربازم
۲ حلقهٔ توبه گر امروز چو زهّاد زنم
خازن میکده فردا نکند در بازم
۳ ور چو پروانه دهد دست فراغ بالی
جز بدان عارض شمعی نبود پروازم
۴ همچو چنگ ار به کناری ندهی کام دلم
از لب خویش چو نی یک نفسی بنوازم
۵ صحبت حور نخواهم که بود عین قصور
با خیال تو اگر با دگری پردازم
۶ ماجرای دل خون گشته نگویم با کس
زانکه جز تیغ غمت نیست کسی دمسازم
۷ سرّ سودای تو در سینه بماندی پنهان
چشم تردامن اگر فاش نکردی رازم
۸ مرغسان از قفس خاک هوائی گشتم
به هوائی که مگر صید کند شهبازم
۹ گر به هر موی سری بر تن حافظ باشد
همچو زلفت همه را در قدمت اندازم

ب،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق‌است با نسخهٔ ی. با ترتیب متن نسخه‌های ب،ح بیت ۴ را ندارند و در نسخهٔ ك بیت‌های ۴ و ۵ مقدم ومؤخر است. ترتیب نسخهٔ ط چنین است:

۹،۸،۵،۷،۳،۲،۱ بیت‌های ۴ و۶ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۳ـ * ح،ی،ك: جز بر آن عارض

۴ـ ی: همچوچنگ اربگناهی بدهی کام دلم ك: اربگشادی ندهی

* ی: بازچون نی زلبانت نفسی‌بنوازم ك: چون نی‌آخر زلبانت بدمی‌بنوازم

۷ـ ب: درسینه نماند پنهان ط: در دیده نماندی پنهان ك: درسینه‌بماندی تنها * ح: اشك تردامن ی: اگر فاش نکردم

۸ـ ط: از قفص باد هوای ی: ازنفس باد هوایی

۹ـ ك: درتن حافظ * ك: درقدمی اندازم

۳۲۸

۱ مژدهٔ وصل تو کو کز سر جان برخیزم
طایر قدسم و از دام جهان برخیزم

۲ به ولای تو که گر بندهٔ خویشم خوانی
از سر خواجگی کون و مکان برخیزم

۳ یا رب از ابر هدایت برسان بارانی
پیش‌تر زانکه چو گردی ز میان برخیزم

۴ بر سر تربت من با می و مطرب بنشین
تا به بویت ز لحد رقص‌کنان برخیزم

۵ خیز و بالا بنما ای بت شیرین حرکات
که چو حافظ ز سر جان و جهان برخیزم

۶ گر چه پیرم تو شبی تنگ در آغوشم کش
تا سحرگه ز کنار تو جوان برخیزم

ب،هـ،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق، اما نسخهٔ ل بیت زیر را درآخر آورده است:

روز مرگم نفسی مهلت دیدار بده — تا چو حافظ ز سرجان وجهان برخیزم

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ب: مژدهٔ وصل تو ده کز * هـ: از گلشن جان برخیزم ح: آزادجهان ك: ازباغ جهان ط: جهان بگریزم

۲ـ *ی،م: خواجگی‌وکون و مکان

۳ـ * ح،ط،ی: زجهان برخیزم

۴ـ ب،ی،م: برسرتربت ما ب،م: بی می ومطرب بنشین * هـ: تابیوبت ز زمین نعره زنان

۵ـ * هـ: تا چوحافظ ح،ط،ی،ل: کز سرجان و جهان دست فشان برخیزم

۶ـ ب: توشبی‌نیك ز،ح،ط،ی: توشبی دست درآغوشم کن هـ،ك: توشبی‌مست درآغوشم گیر * ب،ك،م: که سحر گه

۳۲۹

۱ من دوستدار روی خوش و موی دلکشم
مدهوش چشم مست و می صاف بیغشم

۲ در عاشقی گزیر نباشد ز ساز و سوز
استاده‌ام چو شمع مترسان ز آتشم

۳ من آدم بهشتی‌ام امّا درین سفر
حالی اسیر عشق جوانان مهوشم

۴ بخت ار مدد دهد که کشم رخت ازین دیار
گیسوی حور گرد فشاند ز مفرشم

۵ شیراز معدن لب لعلست و کان حسن
من جوهریّ مفلسم ایرا مشوّشم

۶ از بس که چشم مست درین شهر دیده‌ام
حقّا که می نمی‌خورم اکنون و سرخوشم

۷ گفتی ز سرّ عهد ازل نکته‌ای بگو
آنگه بگویمت که دو پیمانه درکشم

۸ حافظ عروس طبع مرا جلوه آرزوست
آیینه‌ای ندارم ازان آه می‌کشم

ب،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،د،ز،م. با ترتیب متن نسخهٔ ه بیت ۵ را ندارد.
ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ح: ۱،۷،۲،۳،۴،۸،۵،۶، +

ط: ۱،۷،۳،۲،۶،*،۴،۸ بیت ۵ را ندارد

ی: ۱،۵،۲،۳،۴،۶،۷،۸

ك: ۱،۷،۲،۳،۸،۵،۶، +

ل: ۱،۷،۳،*،۲،۵،۶،*،۴،۸

+ حافظ زتاب فکرت بی‌حاصلم بسوخت ساقی کجاست تا زند آبـی برآتشم

* شهریست پر کـرشمهٔ حوران زشش جهت چیزیم نیست ورنـه خریدار هرششم

که درنسخهٔ ط «خوبان زشش جهت» آمده است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ط: من دوستار * م: مخمورچشم مست و ح،ك: می‌ناب بی‌غشم

۲ـ * ح،ك: آزاده‌ام چوشمع ی: پروانه‌ام چوشمع د،ه: بسوزان باتشم ح،ك: مترسان ازآتشم ی: مسوزان بآتشم

۳ـ ب: من‌آدم بهشتم * ح: اسیر قید جوانان ك: اسیر زلف جوانان

۴ـ ط: بخت اردهدمدد ح،ط،ك،ل: رخت سوی دوست * ح: گیسوی دوست گرد فشاند

۵ـ ح،ك: شیراز مسکن لب ز: کان قند * د: من جوهری ومفلسم اما ی: من‌مشتری‌مفلسم م: من‌جوهری‌ومفلس‌ازآنرومشوشم ز،ك: مفلس ازیرا مشوشم خ: مفلس ازآنرا مشوشم

۶ـ د،ه،ی: درین راه دیده‌ام ح،ط،ك،م: درین شهر شد پدید

۷ـ ط،ی: گفتم ز سرعهد ح،ط،ل: ازل یك سخن‌بگو د،ه: نکتهٔ بکوی ك: یك سخن بگوی * ب: آنگه بگویمش ح،ك: وقتی بگویمت

۸ـ ح،ك: حسن عروس طبع مرا

۳۳۰

۱ چرا نه در پی عزم دیار خود باشم
چرا نه خاک سر کوی یار خود باشم

۲ غم غریبی و غربت چو برنمی‌تابم
به شهر خود روم و شهریار خود باشم

۳ ز محرمان سراپردهٔ وصال شوم
ز بندگان خداوندگار خود باشم

۴ چو کار عمر نه پیداست باری آن اولی
که روز واقعه پیش نگار خود باشم

۵ ز دست بخت گران‌خواب و کار بی‌سامان
گرم بود گله‌ای رازدار خود باشم

۶ همیشه پیشهٔ من عاشقیّ و رندی بود
دگر بکوشم و مشغول کار خود باشم

۷ بود که لطف ازل رهنمون شود حافظ
وگرنه تا به ابد شرمسار خود باشم

ب،د،ز،ح،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ح،ی،ك،ل.** با ترتیب متن درنسخه‌های **ب،د،ز** بیت‌های ۵ و ۶ مقدم ومؤخر است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * د: چرا نه خاك کف پای یار

۲ـ ب،ی: غم وغریبی و **ب،ح،ی،م:** غریبی ومحنت

۵ـ * د،ح،ی،ك: اگر کنم گلهٔ

۳۳۱

خیال روی تو چون بگذرد به گلشن چشم
دل از پی نظر آید به سوی روزن چشم

۲ بیا که لعل و گهر در نثار مقدم تو
ز گنج‌خانهٔ دل می‌کشم به مخزن چشم

۳ سزای تکیه‌گهت منظری نمی‌بینم
منم ز عالم و این گوشهٔ معیّن چشم

۴ سحر سرشک روانم سر خرابی داشت
گرم نه خون جگر می‌گرفت دامن چشم

۵ نخست روز که دیدم رخ تو دل می‌گفت
اگر رسد خللی خون من به گردن چشم

۶ به بوی مژدهٔ وصل تو تا سحر شب دوش
به راه باد نهادم چراغ روشن چشم

۷ به مردمی که دل دردمند حافظ را
مزن به ناوک دلدوز مردم افکن چشم

ب،د،ه،ز،ح،ط،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن‌مطابق است با نسخه‌های ب،د،ز،ك،م. با ترتیب متن‌نسخهٔ ح بیت ۵ را ندارد، درنسخه‌های ط،ل بیت‌های ۲ و ۳ مقدم ومـؤخر شده است، نسخهٔ ه بعد از بیت ۶ و نسخهٔ م به‌جای بیت ۶، بیت زیر را افروده‌اند:

به اضطرار کسی رحم کـن که شب همه شب ز رخ روانـه کند خون دل بـروزن چشم

که در نسخهٔ ح «بر اضطرار» ومصراع دوم آن «براه بادنهد شبچراغ روشن چشم» آمده است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ه: دل ازسوی نظر آید ك: نظر آید برون ز روزن

۲ـ ه: بیا که لعل‌کهر * ل: به‌روزن چشم

۳ـ ح: دیده‌ای نمی‌بینم * د،ه: منم بعالم

۴ـ * ح: اگر نه خون دلم می‌گرفت

۵ـ ز: رخ تومی گفتم

۳۳۲

۱ گرچه از آتش دل چون خم می می‌جوشم
مهر بر لب زده خون می‌خورم و خاموشم

۲ قصد جان است طمع در لب جانان کردن
تو مرا بین که درین کار به جان می‌کوشم

۳ من کی آزاد شوم از غم دل چون هر دم
هندوی زلف بتی حلقه کند در گوشم

۴ حاش‌لله که نی‌ام معتقد طاعت خویش
این قدر هست که گه گه قدحی می‌نوشم

۵ هست امیدم که علی‌رغم عدو روز جزا
فیض عفوش ننهد بار گنه بر دوشم

۶ پدرم روضهٔ جنّت به دو گندم بفروخت
من چرا باغ جهان را به جوی نفروشم

۷ خرقه پوشیّ من از غایت دین داری نیست
پرده‌ای بر سر صد عیب نهان می‌پوشم

۸ من که خواهم که ننوشم بجز از راوق خم
چه کنم گر سخن پیر مغان ننیوشم

۹ گر ازین دست زند مطرب مجلس ره عشق
شعر حافظ ببرد وقت سماع از هوشم

ب،ج،د،هـ،ز،ح،ط،ك،ل،م

ترتیب ابیات

منن مطابق است با نسخه‌های فوق غیر ازنسخهٔ هـ که ترتیب آن چنین است:

۹،۷،۶،۸،۳،۲،۱ بیت‌های ۴ و ۵ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ ج،ل: من که ازآتش دل چون خم می درجوشم

۲ــ ك: طمع برلب ج: درلب شیرین‌کردن * ج: تو درین‌کارمرا بین که بجان

۳ــ ج: من‌که آزاد شوم ح: من که آزاده شدم ازغم

۴ــ ج،ح،ك،م: طاعت دوست

۵ــ * د: فیض عفوش بنهد بارگنه از دوشم ح: فیض لطفش ننهد ح،ك: ننهد بارگران بردوشم

۶ــ ج،د،هـ،ل: روضهٔ رضوان * ل: ملك جهان را

۸ــ د: راوق جام ز: راوق می

۹ــ * ك: وقت سحر ازهوشم

۳۳۳

۱ گر من از سرزنش مدّعیان اندیشم
شیوهٔ مستی و رندی نرود از پیشم

۲ زهد رندان نوآموخته راهی به دهیست
من که بدنام جهانم چه صلاح اندیشم

۳ شاه شوریده سران خوان من بی‌سامان را
زانکه درکم خردی از همه عالم بیشم

۴ بر جبین نقش کن از خون دل من خالی
تا بدانند که قربان تو کافر کیشم

۵ اعتقادی بنما و بگذر بهر خدا
تا درین خرقه ندانی که چه نادرویشم

۶ شعر خونبار من ای باد بدان یار رسان
که ز مژگان سیه بر رگ جان زد نیشم

۷ من اگر باده خورم ور نه چه کارم با کس
حافظ راز خود و عارف وقت خویشم

ب،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌هـای ب،ح،ك،ل،م. با تـرتیب متن نسخهٔ ط بیت ۵ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ز: ۱،۲،۳،+،۴،۵،۶،۷

ی: ۱،۳،۴،۲،۵،۶،۷

+ دامن از رشحهٔ خون دل ما درهم‌چین   که اثـر در تـو رسد گر بخراشی‌ریشم

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ز،ی: شیوهٔ رندی ومستی   ز،ط: برود ازپیشم

۲ـ ب،ط: راهی بدنیست   * ط: من‌که خود رند جهانم چه صلاح

۳ـ ط: شاه شوریده سران جان من بی‌سروپاست   * م: زانکه ازکم خردی

۴ـ ط: توچنین نقش کن   ز: خون دل‌ما   ی: خون سیاهم خالی   ط: حالی

۵ـ ب: اعتقادی بنمـای و   ز: اعتقادی ننما و   ح: التفاتی بنما و   ی: بهرخدای   * ب،ز: تا بدانی‌که درین خرقه چه نادرویشم   ح،م: تا ندانی‌که درین‌خرقه چه نادرویشم   ی: تا به‌بینی‌که درین‌خرقه چه‌کافرکیشم   ك: تا دربن حلقه بدانی‌که چه نادرویشم

۶ـ ز: شعر خون خوارمن   ب: ای باد بریار بخوان   ز،ح: ای یاربر-یاربخوان   ط: ای باد بریار ببر   ك،م: ای دوست بریار بخوان   ی: ای باد برآن یاربخوان   * ح: که بمژگان سیه

۷ـ ب،ز،ی: من اگر رندم وگرشیخ   م: من اگرشوخم وگر شیخ   * ح: حافظ رازخودم عارف   ب،م: عارف حال خویشم

۳۳۴

۱ حجاب چهرهٔ جان می‌شود غبار تنم
خوشا دمی که از آن چهره پرده برفکنم

۲ چنین قفس نه سزای چو من خوش الحانیست
روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمنم

۳ عیان نشد که چرا آمدم کجا بودم
دریغ و درد که غافل ز کار خویشتنم

۴ چگونه طوف کنم در فضای عالم قدس
چو در سراچهٔ ترکیب تخته‌بند تنم

۵ اگر ز خون دلم بوی شوق می‌آید
عجب مدار که همدرد نافهٔ ختنم

۶ طراز پیرهن زرکشم مبین چون شمع
که سوزهاست نهانی درون پیرهنم

۷ بیا و هستی حافظ ز پیش او بردار
که با وجود تو کس نشنود ز من که منم

ب،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ح،ی،ك،ل،م. با ترتیب متن نسخهٔ ز بعد از بیت ۴ بیت زیر را افزوده است:

مرا که منظر حورست مسکن و مأوا چـرا به کـوی خراباتیان بود وطنم

ونسخهٔ ط بیت ۲ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * م: که از این چهره

۲ـ ب،ح،ی: چنین قفص ح: نه سرای چومن ز: خوش‌الحانست

۳ـ ط: یقین نشدکه چرا آمدم ح: که چرا زادم ل: کجا رفتم

* ح،ی: که فارغ زکار ز،ط: زحال خویشتنم

۴ـ ح،ك: چگونه طوف زنم * ل: که درسراچهٔ

۵ـ ح،ك: بوی عشق می‌آید

۶ـ ز: مبین‌که چوشمع * ز: چه سوزهاست ح: که سوزهای نهانی

۷ـ ط: حافظ ز راه اوبردار

۳۳۵

۱ چل سال رفت و بیش که من لاف می‌زنم
کز چاکران پیر مغان کمترین منم
۲ هرگز به یمن عاطفت پیر می فروش
ساغر تهی نشد ز می صاف روشنم
۳ در جاه عشق و دولت رندان پاکباز
پیوسته صدر مصطبه‌ها بود مسکنم
۴ در شأن من به دردکشی ظنّ بد مبر
کالوده گشت جامه ولی پاک دامنم
۵ شهباز دست پادشهم یا رب از چه حال
از یاد برده‌اند هوای نشیمنم
۶ حیف است بلبلی چو من اکنون درین قفس
با این لسان عذب که خامش چو سوسنم
۷ آب و هوای پارس عجب سفله‌پرور است
کو همرهی که خیمه ازین خاک برکنم
۸ حافظ به زیر خرقه قدح تا به کی کشی
در بزم خواجه پرده ز کارت برافکنم
۹ تورانشه خجسته که در من یزید فضل
شد منّت مواهب او طوق گردنم

ب،د،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ح،ك،ل.** با ترتیب متن نسخه‌های **ب،د،ز،ط،ی،م** بیت ۹را ندارند.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ز،ط: چل سال رفت بیش **ح،ك:** چل سال هست بیش **ل:** چل‌سال بیش رفت **م:** چارسال بیش رفت **ح،ط،ك:** که این لاف می‌زنم * **د،ی:** کز ساکنان دیر **ح:** کز ساکنان درگه پیرمغان منم **ب،د،ز،ی:** دیرمغان

۳ـ ل: ازجاه **ز:** رونق رندان * **ط:** صدرمیکدها بود

۴ـ ط: ظن کج مبر **ح،ك:** ظن مبرکه من * **ح،ك:** آلوده‌گشته جامه **د،ز،ط،ی:** گشت خرقه

۵ـ ز،ی،ك: یا رب از چه خاست **ح:** یا رب از چه خواست **ط،ل:** پادشهم این چه‌حالتست * **ز،ح،ط،ی،ك،ل:** کز یاد برده‌اند

۶ـ ب: چومن اندرچنین چمن **د،ز:** چومن اندرچنین قفس **ح:** چومن ای دل درین چمن **ك:** چومن ای‌گل درین چمن **ط:** درین چمن **ی:** درین قفص * **ب:** با این نشان عذر

۷ـ ز،ح،ی،ل،م: هوای فارس * **ب،د،ح،ط،ی،ك:** کوهمدمی **ح:** ازین ملك

۸ـ د،ط: تا بکی کشد * **د:** وقت‌آمد انك‌پرده **د،م:** پرده زکارش‌برافکنم **ط:** پرده‌کارش برافکنم

۹ـ * ح،ك: شد همت مواهب او

۳۳۶

۱ عمریست تا من در طلب هر روز گامی می‌زنم
دست شفاعت هر زمان در نیکنامی می‌زنم

۲ بی ماه مهرافروز خود تا بگذرانم روز خود
دامی به راهی می‌نهم مرغی به دامی می‌زنم

۳ اورنگ کو گلچهر کو نقش وفا و مهر کو
حالی من اندر عاشقی داو تمامی می‌زنم

۴ دانم سر آرد غصّه را رنگین برآرد قصّه را
این آه خون افشان که من هر صبح و شامی می‌زنم

۵ تا بو که یابم آگهی از سایهٔ سرو سهی
گلبانگ عشق از هر طرف بر خوشخرامی می‌زنم

۶ هرچند کان آرام دل دانم نبخشد کام دل
نقش خیالی می‌کشم فال دوامی می‌زنم

۷ با آنکه از وی غایبم وز می چو حافظ تایبم
در مجلس روحانیان گه گاه جامی می‌زنم

ب،ح،ط،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ **ب**. با ترتیب متن درنسخه‌های **ح،ك** بیت‌های ۴ و ۵ مقدم ومؤخر است ونسخهٔ **ط** بیت ۴ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ل: ۱،۲،۳،۵،۶،۴،۷

م: ۱،۲ بیت‌های دیگر را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ **ب،م:** عمریست تا اندرطلب **ح:** هرروز جامی می‌زنم * **ب:** هردمی برنیك نامی **ط:** هرنفس درنیك‌نامی **م:** هردمی درنیکنامی

۲ـ **ب،م:** تا بگذرانم روز را **ح:** تا من بدانم روز خود * **ح:** صیدی براهی می‌نهم فالی بدامی میزنم

۳ـ **ح:** اورنگ چون گلچهر * **ب:** داوی تمامی‌میزنم

۴ـ * **ح:** درصبح

۵ـ **ح،ك:** زان سایهٔ

۶ـ **ب:** هرچندآن **ح،ك:** هرگزنبخشد * **ب:** خیالی‌میکنم **ح،ك:** خیالی می‌بزم فالی

۷ـ **ب،ح،ط،ك:** با آنك ازخود **ط:** یا خود چوحافظ تایبم * **ح،ك:** در خلوت روحانیان

۳۳۷

۱ بی تو ای سرو روان با گل و گلشن چکنم
زلف سنبل چه کشم عارض سوسن چکنم

۲ آه کز طعنهٔ بدخواه ندیدم رویت
نیست چون آینه‌ام روی ز آهن چکنم

۳ برو ای ناصح و بر دردکشان خرده مگیر
کارفرمای قدر می‌کند این من چکنم

۴ برق غیرت چو چنین می‌جهد از مکمن غیب
تو بفرما که من سوخته خرمن چکنم

۵ شاه ترکان چو پسندید و به چاهم انداخت
دستگیر ار نشود لطف تهمتن چکنم

۶ مددی گر به چراغی نکند آتش طور
چارهٔ تیره شب وادی ایمن چکنم

۷ حافظا خلد برین خانهٔ موروث منست
اندرین منزل ویرانه نشیمن چکنم

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با همهٔ نسخه‌های فوق، اما نسخهٔ ه بیت ۵ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ح،ك: بی‌رخ سرو روان   م: بی‌قد سرو روان
۲ـ * ح،ك،م: روی ازاهن   ط: روی چو آهن چکنم
۳ـ * ه: کارفرمان قدر
۴ـ ح: برق عزت که چنین می‌جهد ازپردهٔ غیب   ك: که چنین می‌جهد ازپردهٔغیب
۶ـ ح،ك: مددم گربچراغی‌نکند   * ح: تیره شب و وادی
۷ـ ه: خازن موزون منست   ط: خانهٔ موزون منست   ی: خانهٔ موروثی‌تست
* ح،ك: من درین منزل

۳۳۸

۱ من نه آن رندم که ترک شاهد و ساغر کنم
محتسب داند که من این کارها کمتر کنم

۲ من که عیب توبه‌کاران کرده باشم بارها
توبه از می وقت گل دیوانه باشم گر کنم

۳ چون صبا مجموعهٔ گل را به آب لطف شست
کج دلم خوان گر نظر بر صفحهٔ دفتر کنم

۴ لاله ساغر گیر و نرگس مست و برما نام فسق
داوری دارم بسی یا رب کرا داور کنم

۵ عشق دردانه‌ست و من غوّاص و دریا میکده
سر فرو بردم در آنجا تا کجا سر برکنم

۶ گرچه گردآلود فقرم شرم باد از همّتم
گر به آب چشمهٔ خورشید دامن تر کنم

۷ من که دارم در گدائی گنج سلطانی به دست
کی طمع در گردش گردون دون پرور کنم

۸ بازکش یک دم عنان ای ترک شهر آشوب من
تا ز اشک و چهره راهت پر زر و گوهر کنم

۹ دوش لعلت عشوه‌ای می‌داد حافظ را ولی
من نه آنم کز وی این افسانه‌ها باور کنم

ب،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،م. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ز: ۱،۲،+،۵، ×، *،۸،⊕،۴،۷،۹ — بیت‌های ۳ و ۶ را ندارد

ح،ك: ۱،۲،⊗،۴،*،۵،۶،۷،۸،۹ — بیت ۳ را ندارند

ط: ۱،۲،۵،۴،۸،۷،۶،*،۹ — بیت ۳ را ندارد

ی: ۱،۲،۵،۶،۷،⊗،۹ — بیت‌های ۳ و ۴ و ۸ را ندارد

ل: ۱،۲،۵،۴،۸،●،۳،*،۷،۶،*،۹

+ گرچو بید بی‌ثمر تا گه کنون صوفی‌شوم — بعد ازان ازشرم روی گـل کجا سر بر کنم

× گر چنین بی‌راه خواهد بود بامامدعی — خاك پای پادشاه از دست او بر سر کنم

* عهد و پیمان فلك را نیست چندان اعتبار — عهد با پیمانه بندم شرط با ساغـر کنم

⊕ من که امروزم بهشت نقد حاصل‌میشود — وعدهٔ فردای زاهـد در کجا باور کنم

⊗ وقت گل گویی کەزاهدشو بچشم وسرولی — میروم تـا مشورت با شاهـد و ساغـر کنم

که درنسخهٔ ی «گر تومیگویی که زاهد شو» و «میروم کین مشورت» آمده است.

* عاشقان‌را گردر آتش‌می‌پسندلطف‌دوست — تنگ چشمم گر نظر درچشمهٔ کـوثر کنم

● من که ازیاقوت ولعل اشك دارم گنجها — کی نظر در فیض خورشید بلند اختر کنم

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ * ب: که من کاری چنین   ك: که من این کارخود   م: که من کارچنین

۳ــ * م: عهدبا پیمانه بندم شرط با ساغرکنم

۴ــ ط: نام عشق

۵ــ * ك: سرفرو کردم   ب،ی،ك،م: دراینجا   ح: ازینجا

۸ــ ز: یك زمان برکش عنان   * ب،ز،ح،ط،ك،م: تا زاشك چهره

۹ــ ط،ل: دوش لعلش   * ط: من نه انم کین چنین افسانهٔ باورکنم

۳۳۹

۱ صنما با غم عشق تو چه تدبیر کنم
تا به کی در غم تو نالهٔ شبگیر کنم

۲ دل دیوانه ازان شد که نصیحت شنود
مگرش هم ز سر زلف تو زنجیر کنم

۳ با سر زلف تو مجموع پریشانی من
کو مجالی که یکایک همه تقریر کنم

۴ آنچه در مدّت هجر تو کشیدم هیهات
در یکی نامه محال است که تحریر کنم

۵ آن زمان کآرزوی دیدن جانم باشد
در نظر نقش رخ خوب تو تصویر کنم

۶ گر بدانم که وصال تو بدین دست دهد
دل و دین را همه دربازم و توفیر کنم

۷ دور شو از برم ای واعظ و بیهوده مگوی
من نه آنم که دگر گوش به تزویر کنم

۸ نیست امّید صلاحی ز فساد حافظ
چون که تقدیر چنین است چه تدبیر کنم

ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ز،ح،ط،ی،ك. با ترتیب متن نسخهٔ ه بیت ۴ را ندارد و در نسخه‌های ل،م بیت‌های ۳ و ۴ مقدم ومؤخر است، نسخهٔ م بیت‌های ۲ و۸ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ه،ك: ازان شد که پذیرد درمان ز: ازان شد که بدرمان برسید
۳ـ ز،ك،ل،م: پریشانی خود * ز،ك،ل،م: کومجالی که سراسر
۴ـ ح: وانچه ی: آنچه ازمحنت هجرتو م: آنکه درمدت عشق تو
۵ـ م: آن زمان کآرزوی روی نگارم باشد
۶ـ ح: وصال توبدان * ح،ل: دہن و دل را
۷ـ ك: واعظ و افسانه مگو م: واعظ و افسانه مگوی ح،ی: بیهوده مگو
* ز،ط،ی: گوش بتذکیر کنم ك: گوش بتکبیر کنم
۸ـ ه،ز: نیست امید خلاصی زفساد ای حافظ ح: هست امید صلاحی وفسادی حافظ ط: نیست امید صلاحی وفسادی حافظ ی: صلاحی زفسادآن حافظ

۳۴۰

۱ دیده دریا کنم و صبر به صحرا فکنم
و اندرین کار دل خویش به دریا فکنم

۲ از دل تنگ گنهکار برآرم آهی
کاتش اندر گنه آدم و حوّا فکنم

۳ خورده‌ام تیر فلک باده بده تا سرمست
عقده در بند کمر ترکش جوزا فکنم

۴ جرعهٔ جام برین تخت روان افشانم
غلغل چنگ درین گنبد مینا فکنم

۵ مایهٔ خوشدلی آنجاست که دلدار آنجاست
می‌کنم جهد که خود را مگر آنجا فکنم

۶ بند برقع بگشا ای مه خورشید کلاه
تا چو زلفت سر سودازده در پا فکنم

۷ حافظا تکیه بر ایّام چو سهو است و خطا
من چرا عشرت امروز به فردا فکنم

ب،ج،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ج،ز،ح،ی،ك،م**. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ط،ل: ۱،۲،۵،۶،۳،۴،۷

ه: ۱،۲،۵،۶،۴،۳،۷

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ط،ك: راز بصحرا فکنم * **ی:** و اندر آن کار **ه:** دل‌خویش بغوغا فکنم

۲ـ * ج،ی: وانش اندر

۳ـ ك: خورده‌ام تیرنظر * **ب،ط،ی،ك:** عقد دربند کمر

۴ـ ب،ه،ز،م: جام بدین **ط:** افشانیم * **ز:** چنگ بدین

۵ ـ ه: پایهٔ خوشدلی

۶ـ ط،ك،ل: بگشا بندقبا ای مه **ج:** ای مه فرخنده لقا * **ح:** سرسودازده برپا فکنم

۳۴۱

۱ دوش سودای رخش گفتم ز سر بیرون کنم
گفت کو زنجیر تا تدبیر این مجنون کنم

۲ قامتش را سرو گفتم سر کشید از من به خشم
دوستان از راست می‌رنجد نگارم چون کنم

۳ نکته ناسنجیده گفتم دلبرا معذور دار
عشوه‌ای فرمای تا من طبع را موزون کنم

۴ زرد روئی می‌کشم زان طبع نازک بی‌گناه
ساقیا جامی بده تا چهره را گلگون کنم

۵ ای نسیم منزل سلمی خدا را تا به کی
ربع را برهم زنم اطلال را جیحون کنم

۶ من که ره بردم به گنج حسن بی‌پایان دوست
صد گدای همچو خود را بعد ازین قارون کنم

۷ ای مه صاحب قران از بنده حافظ یاد کن
تا دعای دولت آن حسن روزافزون کنم

ب،ه،ح،ط،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با تمام نسخه‌های فوق.

اختلاف نسخه‌ها

۳ـ * ط: عشوهٔ فرمان که طمع‌طبع را موزون کنم   ح،ك: تا طبع‌سخن موزون کنم   م: تا طبع طمع موزون کنم
۴ـ ح،ك: میکشم زهن طبع نازك گاه‌گاه
۵ـ ح،ك: ای نسیم حضرت سلمی   ط،ل: منزل لیلی   * ه: ربع را درهم زنم
۷ـ ح،ك: ای مه نامهربان

۳۴۲

۱ به عزم توبه سحر گفتم استخاره کنم
بهار توبه شکن می‌رسد چه چاره کنم

۲ سخن درست بگویم نمی‌توانم دید
که می خورند حریفان و من نظاره کنم

۳ به دور لاله دماغ مرا علاج کنید
گر از میانهٔ بزم طرب کناره کنم

۴ ز روی دوست مرا چون گل مراد شکفت
حوالهٔ سر دشمن به سنگ خاره کنم

۵ به تخت گل بنشانم بتی چو سلطانی
ز سنبل و سمنش ساز طوق و یاره کنم

۶ گدای میکده‌ام لیک وقت مستی بین
که ناز بر فلک و حکم بر ستاره کنم

۷ چو غنچه با لب خندان به یاد مجلس شاه
پیاله گیرم و از شوق جامه پاره کنم

۸ مرا که از زر تمغاست ساز و برگ معاش
چرا مذمّت رند شرابخواره کنم

۹ ز باده خوردن پنهان ملول شد حافظ
به بانگ بربط و نی رازش آشکاره کنم

ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ج،ز،م**. با ترتیب متن نسخهٔ **ط** بیت‌های ۵ و ۷، نسخهٔ **ی** بیت ۷ و نسخهٔ **ك** بیت ۵ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

د،ه: ۱،۲،۳،۴،۶،۵،۸،۹،۷

ح: ۱،۲،۳،۴،۶،۷،۸،+،۹ بیت ۵ را ندارد

ل: ۱،۲،۷،۳،۴،۶،۸،۵،۹

+ اگر ز لعل لب یار بوسه‌ای طلبم جوان شوم ز سر و زندگی دوباره کنم

اختلاف نسخه‌ها

۳ـ د،ك: بدور باده * **ب،ه،ط،ك:** که ازمیانهٔ بزم **ط:** طرب کرانه کنم

۴ـ * ب،د: حوالت سر

۵ـ م: بتی به‌سلطانی

۸ـ ب،ز،ح،ط،ك،ل،م: مرا که نیست ره و رسم لقمه پرهیزی **د:** چوروشنست مرا وضع لقمه پرهیزی **ه:** چوروشنست مرا رسم * **ط:** چرا نه‌خدمت **ل،م:** چرا ملامت

۳۴۳

۱ حاشا که من به موسم گل ترک می کنم
من لاف عقل می‌زنم این کار کی کنم

۲ مطرب کجاست تا همه محصول زهد و علم
در کار بانگ بربط و آواز نی کنم

۳ از قال و قیل مدرسه حالی دلم گرفت
یک چند نیز خدمت معشوق و می کنم

۴ کو پیک صبح تا گله‌های شب فراق
با آن خجسته طلعت فرخنده پی کنم

۵ کی بود در زمانه وفا جام می بیار
تا من حکایت جم و کاووس و کی کنم

۶ از نامهٔ سیاه نترسم که روز حشر
با فیض لطف او صد ازین نامه طی کنم

۷ این جان عاریت که به حافظ سپرد دوست
روزی رخش ببینم و تسلیم وی کنم

ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ج،ز،م. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:
د،ه،ح،ی،ك: ۱،۳،۲،۶،۴،۵،۷
ط،ل: ۱،۲،۳،۵،۶،۴،۷

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ج: این‌کار کم‌کنم (غلط کاتب)
۲ـ ط: ما همه تحصیل‌زهد وعلم **ح:** محصول درس وعلم *** ل:** درکار چنگ وبربط و
۳ـ ز،ح،ی،ل: ازقیل وقال
۴ـ * ب،ه: با این خجسته **ج،د،ز،ی،ل:** خجسته طالع
۵ـ ب: جام می‌مخواه **د،ه،ز،ح،ط:** جام می‌بخواه *** ح،ل:** کاووس کی
۶ـ * ی: با فیض فضل او **م:** با فیض عفو او
۷ـ ب،م: آن جان عاریت که بحافظ سپردیار

۳۴۴

۱ روزگاری شد که در میخانه خدمت می‌کنم
در لباس فقر کار اهل دولت می‌کنم

۲ تا کی اندر دام وصل آرم تذروی خوش خرام
در کمینم و انتظار وقت فرصت می‌کنم

۳ واعظ ما بوی حق نشنید بشنو کاین سخن
در حضورش نیز می‌گویم نه غیبت می‌کنم

۴ چون صبا افتان و خیزان می‌روم تا کوی دوست
وز رفیقان ره استمداد همّت می‌کنم

۵ خاک کویت زحمت ما برنتابد بیش ازین
لطف‌ها کردی بتا تخفیف زحمت می‌کنم

۶ زلف دلبر دام راه و غمزه‌اش تیر بلاست
یاد دار ای دل که چندینت نصیحت می‌کنم

۷ دیدهٔ بدبین بپوشان ای کریم عیب پوش
زین دلیریها که من در کنج خلوت می‌کنم

۸ حافظم در محفلی دردی‌کشم در مجلسی
بنگر این شوخی که چون با خلق صنعت می‌کنم

ب،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ **ل**. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ب: ۸،۷،۵،۴،۳،۲،۱ بیت ۶ را ندارد

ز: ۸،*،×،+،۷،۵،۶،۴،۳،۲،۱

ح،ك: ۸،۷،*،×،۵،۴،۳،۶،+،۲،۱

ط: ۸،۷،۶،۴،۳،۲،۱ بیت ۵ را ندارد

ی: ۸،+،۵،۴،۳،۲،۱ بیت‌های ۶ و۷ را ندارد

م: ۶،۸،۷،۵،۴،۳،۲،۱

+ حاش‌لله کز حساب روزحشرم باك نیست — فال فردا میزنم و امروز عشرت میکنم

که در نسخهٔ **ز** «حشرم نیست بیم» و درنسخه‌های **ح،ك** «حشرم بیم هست» آمده‌است.

× ازیمین عرش آمین میکند روح‌الامین — چون دعـای پادشاه ملك وملت میکنم

* خسروا امید اوج جاه دارم زیـن قبل — التماس آستان بـوسی حضرت میکنم

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ط: مفلسم دریوزهٔ ازاهل دولت میکنم

۲ـ ح: گه‌گه اندر دام می‌آرم پری خوشخرام **ط:** تاکه از دستم برآیدتیر تدبیرصواب **ك:** تاکه اندر دام زلف آرم * **ط:** درکمین انتظار

۳ـ ط: ناصح ما **ی:** واعظ من **ز،ك:** نشنید وبشنو **ح،ك:** این‌سخن

۴ـ ط،ل،م: با صبا **ك:** میروم درکوی دوست * **ی:** وزرفیقان نیز استمداد **م:** وز ریاحین وزگل استمداد

۵ـ ب: خاك کوی تونتابد زحمت ما **ز،ی،م:** خاك کویت برنتابد زحمت‌ما **ح:** خاك پایت برنتابد زحمت ما **ك:** خاك راهت‌برنتابد زحمت‌ما

۶ـ ط: تیر بلا

۸ـ ط: حافظم درمحفل و دردی کش اندرخلوتم **ی،ل:** حافظم درمجلسی‌دردی کشم درمحفلی * **ح:** که چون با دلق

۳۴۵

۱ من ترک عشق و شاهد و ساغر نمی‌کنم
صد بار توبه کردم و دیگر نمی‌کنم

۲ باغ بهشت و سایهٔ طوبیّ و قصر حور
با خاک کوی دوست برابر نمی‌کنم

۳ تلقین و درس اهل نظر یک اشارت است
گفتم کنایتیّ و مکرّر نمی‌کنم

۴ هرگز نمی‌شود ز سر خود خبر مرا
تا در میان میکده سر بر نمی‌کنم

۵ ناصح به طنز گفت حرام است می مخور
گفتم به چشم و، گوش به هر خر نمی‌کنم

۶ شیخم به طیره گفت که رو ترک عشق کن
محتاج جنگ نیست برادر نمی‌کنم

۷ این تقوی ام تمام که با شاهدان شهر
ناز و کرشمه بر سر منبر نمی‌کنم

۸ حافظ جناب پیر مغان جای دولت است
من ترک خاک بوسی این در نمی‌کنم

ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ب. با ترتیب متن نسخه‌های ج،ط،ل بیت ۵ را ندارند.
ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

د،ه: ۱،۲،۶،۳،۴،۷،۸ — بیت ۵ را ندارد
ز: ۱،۲،۳،۶،۴،۵،۷،۸
ح،ك: ۱،۲،۳،۴،۶،+،۷،۸ — بیت ۵ را ندارند
ی: ۱،۲،۴،۶،۵،۷،۸ — بیت ۳ را ندارد
م: ×،۱،۲،۳،۶،۴،۵،۷،۸

+ پیر مغان حکـایت معقول می‌کند — معـذورم ارمحال تو باور نمی‌کنم
× من‌ترك عشق‌وشاهد وساغر نمی‌کنم — تقلید علـم و عقل مـزور نمـی‌کنم

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ب،د،ه،م: من ترك‌عشق‌بازی وساغر — ل: عشق شاهد وساغر
* ح: تقلید علم وعقل مزور نمیکنم
۲ـ ل: قصر وحور
۳ ـز،ح،ط،ك،م: تلقین درس — * د،ه،ح،ط،ك: کردم نصیحتی‌ومکرر نمیکنم
۵ـ ز،ی: ناصح بطیره گفت
۶ـ ل: ناصح به‌طعن‌گفت — د،ح،ك: بطعنه گفت — ز،ی: بطنز گفت
ج،د،ه،ز،ی: گفت بروترك
۷ـ ح: این تقویم بس‌است — * ه،ی: در سرمنبر — ط،م: از سرمنبر

۳۴٦

۱ به مژگان سیه کردی هزاران رخنه در دینم
بیا کز چشم بیمارت هزاران درد برچینم

۲ الا ای همنشین دل که یارانت برفت از یاد
مرا روزی مباد آن دم که بی‌یاد تو بنشینم

۳ جهان پیراست و بی‌بنیاد ازین فرهادکش فریاد
که کرد افسون و نیرنگش ملول از جان شیرینم

۴ ز تاب آتش دوری شدم غرق عرق چون گل
بیار ای باد شبگیری نسیمی زان عرقچینم

۵ جهان فانی و باقی فدای شاهد و ساقی
که سلطانیّ عالم را طفیل عشق می‌بینم

۶ اگر برجای من غیری گزیند دوست حاکم اوست
حرامم باد اگر من جان به‌جای دوست بگزینم

۷ صباح‌الخیر زد بلبل کجائی ساقیا برخیز
که غوغا می‌کند در سر خیال خواب دوشینم

۸ شب رحلت هم از بستر روم در قصر حورالعین
اگر در وقت جان دادن تو باشی شمع بالینم

۹ حدیث آرزومندی که در این نامه ثبت افتاد
همانا بی‌غلط باشد که حافظ داد تلقینم

ب،د،ه،ز،ح،ط،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ز،ل،م**، اما نسخهٔ **ز** بعد از بیت ۲ بیت زیر را افزوده است:

لبت شکر بمستان دادوچشمت‌می‌بمیخواران   منم کز غایت حرمان نه با آنم نه‌با اینم

با ترتیب متن نسخه‌های **د،ه،ح،ك** بیت‌های ۷ و ۸ ونسخهٔ **ط** بیت ۸ را ندارد.

[ابیات هفت وهشت که درنسخهٔ قزوینی درغزل فوق آمده است درنسخهٔ **ه** جزوغزل شمارهٔ ۳۴۸ همان نسخه آمده است که در زیرغزل مذکورنوشته شد.]

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * م: بیمارت فراوان

۲ـ * م: آنگه که بی‌روی تو بنشینم

۳ـ د: ازان فرهادکش فریاد   ***ط:** افسون نیرنگش

۴ـ د،ه: بتاب آتش   *** ك:** نسیمی ازعرق چینم

۵ـ ك: فدای مطرب وساقی

۷ـ * ز،ط: برسر   **ب،ز،م:** خروش چنگ دوشینم

۸ـ ب،ز،م: دوم برقصر

۹ـ * ط: همانا آن غلط کردم   **ه:** باشد چوحافظ   **ح،ط:** کرد تلقینم

۳۴۷

۱ حالیا مصلحت وقت در آن می‌بینم
که کشم رخت به‌میخانه و خوش بنشینم

۲ جز صراحیّ و کتابم نبود یار و ندیم
تا حریفان دغا را ز جهان کم بینم

۳ بس که در خرقهٔ‌آلوده زدم لاف صلاح
شرمسار رخ ساقیّ و می رنگینم

۴ جام می گیرم و از اهل ریا دور شوم
یعنی از خلق جهان پاک‌دلی بگزینم

۵ سر به‌آزادگی از خلق برآرم چون سرو
گر دهد دست که دامن ز جهان درچینم

۶ بر دلم گرد ستمهاست خدایا مپسند
که مکدّر شود آئینهٔ مهرآئینم

۷ من اگر رند خراباتم وگر حافظ شهر
این متاعم که تو می‌بینی و کمتر زینم

۸ سینهٔ تنگ من و بار غم او هیهات
مرد این بار گران نیست دل مسکینم

۹ بندهٔ آصف عهدم دلم از راه مبر
که اگر دم زنم از چرخ بخواهد کینم

ب،ج،د،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ج، اما دراین دونسخه بیت‌های ۸ و۹ نیست. با ترتیب متن نسخهٔ ح بیت‌های ۳ و۸ ونسخهٔ ك بیت ۸ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

د،ی: ۱،۲،۳،۴،۵،۸،۷ بیت‌های۶ و۹ را ندارد
ز: ۱،۴،۲،۳،۵،۶،۸،۹،۷
ط: ۱،۴،۲،۵،۳،۸،۷ بیت‌های ۶ و۹ را ندارد
ل: ۱،۴،۲،۵،۳،۸،۷،۹،۶
م: ۱،۴،۲،۵،۳،۸،۶،۷ بیت ۹ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ب: صراحی‌وکتابی ج،ط: صراحی‌وکبابم * ك: باحریفانْدغارا
ط،ز،ل: به‌جهان ك: کی‌بینم
۳ـ د،ی: خرقهٔ تقوی زده‌ام * ح،ل: شرمسار از رخ
۴ـ ك: و ز اهل ریا * ط،ی،ل: از اهل جهان د: صاف تنی‌بگزینم
ح،ی: صاف دلی‌بگزینم
۵ـ * ك،م: که دامن زخسان درچینم
۷ـ ط: اگر حافظ شهر ل: گر زاهد شهر * ز،ح،ل: که همی‌بینی
۸ـ * ط: نیست‌تن مسکینم
۹ـ ح،ك: دلم آزرده مکن

۳۴۸

۱ اگر برخیزد از دستم که با دلدار بنشینم
ز جام وصل می‌نوشم ز باغ عیش گل‌چینم

۲ شراب تلخ صوفی سوز بنیادم بخواهد برد
لبم بر لب نه ای ساقیّ و بستان جان شیرینم

۳ مگر دیوانه خواهم شد درین سودا که شب تا روز
سخن با ماه می‌گویم پری در خواب می‌بینم

۴ چو هر خاکی که باد آورد فیضی برد از انعامت
ز حال بنده یادآور که خدمتکار دیرینم

۵ لبت شکّر به‌مستان داد و چشمت می به‌مخموران
منم کز غایت حرمان نه با آنم نه با اینم

۶ رموز مستی و رندی ز من بشنو نه از واعظ
که با جام و قدح هرشب ندیم ماه و پروینم

۷ نه هر کاو نقش نظمی زد کلامش دلپذیر افتد
تذرو طرفه من گیرم که چالاک است شاهینم

۸ وگر باور نمی‌داری رو از صورتگر چین پرس
که مانی نسخه می‌خواهد ز نوک کلک مشکینم

۹ وفاداریّ و حق‌گوئی نه کار هر کسی باشد
غلام آصف ثانی جلال‌الحق والدّینم

ب،ه،ز،ح،ط،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ **ب.** ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ه: ۱،۲، +،۳،۴،۵،۷،۸، ×،۶ بیت۹ را ندارد

ز: ۱،۲،۳،۴،۷،۸،۶،۹ بیت ۵ را ندارد

ح: ۱،۲،۳، +، ×،۴،۵،۷،۶،۹ بیت ۸ را ندارد

ط: ۱،۲،۳، +،۵،۴،۷،۸،۹ بیت ۶ را ندارد

ك: ۱،۲،۴،۵،۷،۸،۶،۹ بیت ۳ را ندارد

م: ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۸،۹،۶

+ شب رحلت هم از بستر روم بر قصر حورالعین
اگر در وقت جان دادن تو باشی شمع بالینم

× صباح الخیرزدبلبل کجایی ساقیا برخیز که غوغا می کند درسر نوای چنگ دوشینم

دو بیت اضافی فوق درنسخهٔ قزوینی جزو غزل شمارهٔ ۳۴۶ با اندك اختلاف آمده است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ط،ك،ل،م: گرم از دست برخیزد **م:** که بی‌دلدار * **ه:** زجام عشق‌می‌نوشم ز روی‌دوست **م:** زجام‌خضرمی نوشم **ح،م:** زباغ خلدگل‌چینم

۲ـ ه: شوربنیادم

۳ـ ب،ه،م: خواهم شدکه درعشق توشب **ز،ح:** خواهم شدکه ازعشق تو شب **ط:** ازین سودا * **م:** رخت درخواب

۴ـ ب: چو هرکس را که یادآری برد فیضی زانعامت **ه،ك:** نه برخاکی که یادآورد فیضی **ط،م:** فیضی بود از **ك:** فیضی برد از انفاست * **ه،ح،م:** زحال من بیادآور **ك:** که دولتخواه دیرینم

۵ـ ب،ز،ط،ك،ل،م: می به میخواران ***ط:** منم از غایت

۶ـ ب: زحافظ پرس رمزعشق وشرح مستی ازمن خواه **ه،ز،ك،م:** رموز عشق وسرمستی زمن بشنو نه ازحافظ **ح:** زحافظ پرس حال عیش وشرح‌مستی ازمن خواه * **ب،ز:** هرشب حریف ماه و **ه،ك،م:** هرشب ندیم‌ماه و **ح:** هردم حریف ماه و **ط،ل:** هردم ندیم

۷ـ ك: نقش نظمی‌بست **م:** طرزنظمی زد **ب،ز،ط:** کلامش دلپذیر آمد **م:** کلامش دلپذیرآید * **ط:** تذروی طرفه می گیرم

۸ـ ط،ل: اگرباور **ه:** رو ازبتخانهٔ چین

۹ـ ح: وفاداری وخوشخوئی نه رسم هرجهاندارست * **ب،ز،ك:** آصف‌دوران

۳۴۹

۱ در خرابات مغان نور خدا می‌بینم
این عجب بین که چه نوری ز کجا می‌بینم

۲ جلوه بر من مفروش ای ملک‌الحاج که تو
خانه می‌بینی و من خانه خدا می‌بینم

۳ خواهم از زلف بتان نافه‌گشائی کردن
فکر دور است همانا که خطا می‌بینم

۴ سوز دل اشک روان آه سحر نالهٔ شب
این همه از نظر لطف شما می‌بینم

۵ هر دم از روی تو نقشی زندم راه خیال
با که گویم که درین پرده چها می‌بینم

۶ کس ندیدست ز مشک ختن و نافهٔ چین
آنچه من هر سحر از باد صبا می‌بینم

۷ دوستان عیب نظربازی حافظ مکنید
که من او را ز محبّان شما می‌بینم

ه،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ه،ط،ی،ل. ترتیب نسخهٔ ك چنین است:

۱، +، ۲، ۴، ۶، ۵، ۷ بیت ۳ را ندارد

+ کیست دردی‌کش این میکده یارب که درش
قبلهٔ حاجت و محراب دعا می‌بینم

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ی: سرّ خدا * ط: که چه نورست وکجا ی: که چه سرّی زکجا
ك: که چه رمزی زکجا

۲ـ ك: جلوه برمن مکن ای خواجهٔ حج کرده که تو ه: جلوه درمن

۴ـ ك: منصب عاشقی و رندی وشاهدبازی *ه،ی: این همه مرتبه ازلطف
ك: همه ازتربیت لطف ط: ازنظر ولطف ه،ط: لطف‌خدا

۶ـ ك: درج عطارندید ازنفس مشك ختن

۷ـ * ه،ط،ی: زانکه او را ط:زمحبّان خدا

۳۵۰

۱ غم زمانه که هیچش کران نمی‌بینم
دواش جز می چون ارغوان نمی‌بینم

۲ به ترک خدمت پیر مغان نخواهم گفت
چرا که مصلحت خود در آن نمی‌بینم

۳ درین خمار کسم جرعه‌ای نمی‌بخشد
ببین که اهل دلی در جهان نمی‌بینم

۴ ز آفتاب قدح ارتفاع عیش مگیر
چرا که طالع وقت آن چنان نمی‌بینم

۵ نشان اهل خدا عاشقیست با خوددار
که در مشایخ شهر این نشان نمی‌بینم

۶ نشان موی میانش که دل دران بستم
ز من مپرس که خود در میان نمی‌بینم

۷ قد تو تا بشد از جویبار دیدهٔ من
به جای سرو جز آب روان نمی‌بینم

۸ برین دو دیدهٔ حیران من هزار افسوس
که با دو آینه رویش عیان نمی‌بینم

۹ من و سفینهٔ حافظ که جز درین دریا
بضاعت سخن دل‌ستان نمی‌بینم

ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق‌است با نسخه‌های ب،ح،ی،ك. با ترتیب‌متن نسخهٔ ج بیت ۴ را ندارد.
ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

د: ۱،۲،۳،۵،۶،۴،۸،۷،۹

ه: ۱،۲،۸،۶،۷،۹ بیت‌های ۳ و۴ و۵ را ندارد

ز،م: ۱،۲،۳،۴،۵،۸،۶،۷،۹

ط: ۱،۲،۴،۵،۸،،۷،۹ بیت‌های ۳ و۶ را ندارد

ل: ۱،۲،۴،۵،۸،۷،۳،۶،۹

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ د،ه،ز،ح: بترك صحبت ط: بخواهم گفت
۳ـ * ل،م: درمیان نمی‌بینم ح: در زمان نمی‌بینم
۴ـ ج،ه،ز،ك،ل،م: عیش بگیر * ح،ط،ك: که طالع خود
۵ـ ج: نشان اهل دلی عاشقیست خود را دان
۶ـ ج،ح،ی،ك: نشان موی میانت ه،ح،ل: که دل درو
۷ـ ب: جویبار دیدهٔ ما * ج: بجای سبزه وآب
۸ـ ج،د،ه،ی،ل: بدین دو دیدهٔ ز: گریان من
۹ـ ب،ز،ط: که جز دران ج: حافظ که بحر دریادان * د،ه،ز،ح،ك،م: سخن دل‌نشان ط،ل: سخن درفشان

۳۵۱

۱ خرّم آن روز کزین منزل ویران بروم
راحت جان طلبم وز پی جانان بروم

۲ گرچه دانم که به جائی نبرد راه غریب
من به‌بوی سر آن زلف پریشان بروم

۳ چون صبا با تن بیمار و دل بی‌طاقت
به هواداری آن سرو خرامان بروم

۴ دلم از وحشت زندان سکندر بگرفت
رخت بربندم و تا ملک سلیمان بروم

۵ در ره او چو قلم گر به‌سرم باید رفت
با دل زخم‌کش و دیدهٔ گریان بروم

۶ نذر کردم گر ازین غم بدر آیم روزی
تا در میکده شادان و غزل‌خوان بروم

۷ به هواداری او ذرّه صفت رقص‌کنان
تا لب چشمهٔ خورشید درخشان بروم

۸ تازیان را غم احوال گرانباران نیست
پارسایان مددی تا خوش و آسان بروم

۹ ور چو حافظ نبرم ره ز بیابان بیرون
همره کوکبهٔ آصف دوران بروم

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ی،ك،م، اما این نسخه‌ها بیت ۸ را ندارند. با ترتیب متن نسخهٔ ه بیت‌های ۲ و ۸ ونسخهٔ ط بیت‌های ۲ و ۷ و ۸ را نـدارد، درنسخهٔ ل بیت‌های ۳ و ۴ مقدم ومؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ز: ۱،۲،۳،۴،۸،۵،۶،۷،۹

ح: ۱،۲،۳،۵،۴،۸،۷،۹ بیت ۶ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ح: حاجت جان طلبم و زبی درمان بروم

۲ـ ك: درسفرگرچه بجائی‌نبرد ه،ی،م: گرچه داند * ه: من به‌آن بوی سرزلف ز: من ببوی خوش‌آن زلف ی: من برآن‌بوی‌سرزلف

۳ـ ب: چوصبا ه،ز،ح،ی،ك،م: با دل بیمار وتن بـی‌طاقت ط: با تن بدحال و دل * م: آن زلف پریشان بروم

۵ـ ك: در رهت همچوقلم گر

۶ـ ط: نذرکردم‌که اگر غم بسر آید روزی ه: که ازین غم

۷ـ * ی: چشمهٔ حیوان درخشان

۸ـ ز: تازیانرا چوغم‌ازحال‌گران باران ح: تازیان را چه‌غم‌ازحال‌گرانبارانست

۹ـ ط: حافظ ببیابان نبرم ره ل: زبیابان نبرم ره

۳۵۲

۱ گر ازین منزل غربت به‌سوی خانه روم
دگر آنجا که روم عاقل و فرزانه روم

۲ زین سفر گر به سلامت به وطن بازرسم
نذر کردم که هم از راه به‌میخانه روم

۳ تا بگویم که چه کشفم شد ازین سیر و سلوک
به در صومعه با بربط و پیمانه روم

۴ آشنایان ره عشق گرم خون بخورند
ناکسم گر به‌شکایت سوی بیگانه روم

۵ بعد ازین دست من وزلف چو زنجیر نگار
چند و چند از پی کام دل دیوانه روم

۶ گر ببینم خم ابروی چو محرابش باز
سجدهٔ شکر کنم وز پی شکرانه روم

۷ خرّم آن دم که چو حافظ به تولّای وزیر
سرخوش از میکده با دوست به‌کاشانه روم

ب،ز،ح،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با همهٔ نسخه‌های فوق.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ل،م: منزل ویران * ك: دیگرانجا
۲ـ ب،ز،ی: بوطن گردم باز
۳ـ * ز،ح: بردرصومعه ی: تا درصومعه ك: بردرمیکده با بربط و
۴ـ ح،ك: آشنایان غم غشقم اگر خون بخورند * ح،ك: بربیگانه روم
۵ـ ز: دست من و دامن‌آن سروبلند * ح،ك: چندچند
۶ـ ح،ك: چومحرابت باز
۷ـ * ی: یکسر ازمیکده

۳۵۳

۱ آنکه پامال جفا کرد چو خاک راهم
خاک می‌بوسم و عذر قدمش می‌خواهم
۲ من نه آنم که به‌جور از تو بنالم حاشا
بندهٔ معتقد و چاکر دولت خواهم
۳ بسته‌ام در خم گیسوی تو امّید دراز
آن مبادا که کند دست طلب کوتاهم
۴ ذرّهٔ خاکم و در کوی توام وقت‌خوش است
ترسم ای دوست که بادی ببرد ناگاهم
۵ صوفی صومعهٔ عالم قدسم لیکن
حالیا دیر مغان است حوالتگاهم
۶ پیر میخانه سحر جام جهان بینم داد
واندران آینه از حسن تو کرد آگاهم
۷ با من راه‌نشین خیز و سوی میکده آی
تا در آن حلقه ببینی که چه صاحب جاهم
۸ مست بگذشتی و از حافظت اندیشه نبود
آه اگر دامن حسن تو بگیرد آهم
۹ خوشم آمد که سحر خسرو خاور می‌گفت
با همه پادشهی بندهٔ توران‌شاهم

ب،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ب، اما این نسخه بیت ۳ را ندارد. با ترتیب متن در نسخهٔ ل بیت‌های ۵ و۶ مقدم ومؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

د: ۱،۴،۲،۵،۶،۷،۳،۸ بیت ۹ را ندارد

ه: ۱،۲،۴،۵،۶،۷،۳،۸ بیت ۹ را ندارد

ز: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۹،۸

ح: ۱،۲،۳،۴،۶،۷،۵،۸،۹

ط: ۱،۲،۳،۴،۶،۵،۷،۸ بیت ۹ را ندارد

ی: ۱،۴،۲،۳،۵،۶،۷،۸ بیت ۹ را ندارد

ك: ۱،۲،۳،۴،۶،۷،۵،۸ بیت ۹ را ندارد

م: ۱،۲،۴،۵،۶،۷،۹،۸

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ط: که زجور تو * ب،ز،ی،ك،م: چاکرمعتقد وبندهٔ د،ه،ح،د: چاکر ومعتقد وبندهٔ

۳ـ ك: درخم ابروی تو * د،ه،ح،ك: وین‌مبادا ط: ای مبادانکه

۴ـ ل: جای خوشست * ح: ببرد از راهم

۶ـ * ز: ازلطف تو ی: دادآگاهم

۷ـ ح،ك: با من خاك‌نشین خیزو د: سوی میکده‌آر ز: سوی مصطبه‌آی

* ه،ی: تا به‌بینی‌که دران حلقه چه صاحب جاهم

۸ـ * ز: دامن عیش تو

۹ـ * م: با همه سلطنتی بندهٔ

۳۵۴

۱ دیدار شد میسّر و بوس و کنار هم
از بخت شکر دارم و از روزگار هم

۲ زاهد برو که طالع اگر طالع من است
جامم به دست باشد و زلف نگار هم

۳ ما عیب کس به رندی و مستی نمی‌کنیم
لعل بتان خوش است و می خوشگوار هم

۴ ای دل بشارتی دهمت محتسب نماند
وز می جهان پر است و بت میگسار هم

۵ آن شد که چشم بد نگران بودی از کمین
خصم از میان برفت و سرشک از کنار هم

۶ خاطر به دست تفرقه دادن نه زیرکیست
مجموعه‌ای بخواه و صراحی بیار هم

۷ بر خاکیان عشق فشان جرعهٔ لبش
تا خاک لعل‌گون شود و مشکبار هم

۸ چون کاینات جمله به بوی تو زنده‌اند
ای آفتاب سایه ز ما برمدار هم

۹ چون آب روی لاله و گل فیض حسن تست
ای ابر لطف بر من خاکی ببار هم

۱۰ حافظ اسیر زلف تو شد از خدا بترس
وز انتصاف آصف جم اقتدار هم

۱۱ برهان ملک و دین که ز دست وزارتش
ایّام کان یمین شد و دریا یسار هم

۱۲ گوی زمین ربودهٔ چوگان عدل اوست
وین برکشیده گنبد نیلی حصار هم

۱۳ عزم سبک عنان تو در جنبش آورد
این پایدار مرکز عالی مدار هم

۱۴ بریاد رای انور او آسمان به صبح
جان می‌کند فدا و کواکب نثار هم

۱۵ تا از نتیجهٔ فلک و طور دور اوست
تبدیل ماه و سال و خزان و بهار هم

۱۶ خالی مباد کاخ جلالش ز سروران
و ز ساقیان سرو قد گلعذار هم

ب،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ **ی**. با ترتیب متن نسخه‌های **ب،ز،م** بیت‌هـای ۱۱ به‌بعد را ندارند. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ح: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۸،۹،۱۰،۱۱ بیت‌های دیگر را ندارد

ط: ۱،۲،۳،۶،۸،۹،۱۰ بیت‌های دیگر را ندارد

ك: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۴،۱۵،۱۶،۱۲،۱۳

ل: ۱،۲،۳،۴،۶،۷،۵،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۴،۱۲،۱۳،۱۵،۱۶

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ب،ز،م: از بخت خود بشکرم و از **۳ـ ح،ل:** به‌مستی و رندی
۵ـ ك: نگران بود از کمین
۹ـ م: فیض روی تست
۱۰ـ ح،ی،ك: اهل نظر اسیر تواند ازخدا بترس * **ط:** درانتصاف اصف
۱۲ـ ح،ك: عدل تست * **ح،ك:** بر کشیده قبهٔ نیلی‌حصار **ی:** سر کشیده گنبد
۱۳ـ ی: عدل سبك عنان **۱۴ـ ح:** بریادکارانور **ی:** آسمان صبح
* **ح:** جان می کند فنا و **۱۵ـ * ح،ی،ك:** تبدیل سال وماه و **۱۶ـ ی:** خالی‌مباد بزم تو ازجمع سروران

۳۵۵

۱ دردم از یار است و درمان نیز هم
دل فدای او شد و جان نیز هم

۲ این که می‌گویند آن خوشتر ز حسن
یار ما این دارد و آن نیز هم

۳ داستان در پرده می‌گویم ولی
گفته خواهد شد به‌دستان نیز هم

۴ هر دو عالم یک فروغ روی اوست
گفتمت پیدا و پنهان نیز هم

۵ یاد باد آن کاو به قصد خون ما
زلف را بشکست و پیمان نیز هم

۶ اعتمادی نیست بر کار جهان
بلکه بر گردون گردان نیز هم

۷ چون سرآمد دولت شبهای وصل
بگذرد ایّام هجران نیز هم

۸ محتسب داند که حافظ عاشق است
واصف ملک سلیمان نیز هم

۹ عاشق از قاضی نترسد می بیار
بلکه از یرغوی سلطان نیز هم

ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ك،ل،م،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ب. با ترتیب متن درنسخهٔ ز بیت‌های ۸ و ۹ مقدم و مؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ج: ۱،۲،۴،۳،۵،۷،۶،۸ بیت ۹ را ندارد
د: ۱،۲،۴،۳،۹،+،۵،۷،۶،۸
ه: ۱،۲،۴،۳،+،۷،۸ بیت‌های ۵ و ۶ و ۹ را ندارد
ح: ۱،۲،+،۵،۴،۷،۹،۶،۳،۸
ط: ۱،۲،۵،۷،۴،۶،۹،۸ بیت ۳ را ندارد
ی: ۱،+،۲،۴،۳،۵،۷،۶،۸،۹
ك: ۱،۲،۴،۵،۷،۹،۶،۳،۸
ل: ۱،۲،۵،۳،۷،۴،۶،۹،۸
م: ۱،۲،۴،۳،۵،۷،۶،۹،۸
ن: ۱،۲،۴،۳،۷،۶،۸،۹ بیت ۵ را ندارد

+ خون ما آن نرگس مستانه ریخت وان سر زلف پریشان نیز هم

که درنسخهٔ ه «نرگس‌ترکانه» و درنسخهٔی به‌جای‌مصراع‌اول«خال اوحالم پریشان‌می‌کند» و درنسخه‌های د،ه «با سرزلف» آمده است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ز: یارست درمان

۲ـ د،ه: این‌که می‌گویی که آن ح: آن بهتر ز حسن ك: آنرا چیست حسن ن: ای که

۳ـ ل: دوستان درپرده می‌گویم سخن د،ه: پرده میگوید سخن

۴ـ م: فروغ از روی ه،ح،م،ن: روی تست

۵ـ ك: یارما اکنون بقصدجان ما ح،م: بقصد جان ما * ب،ز،ك،ل،م: عهد را بشکست و د: عهدها بشکست ج،ح،ط: بشکست پیمان

۶ـ ج،ز،ی،م: برنقش جهان

۷ـ ن: چون دراید *ك: بگذرد این دور هجران

۸ـ ج،ح: حافظ می‌خورد * د: آصف

۹ـ * ح،ط،ل،م: برغوی دیوان

۳۵۶

۱ ما بی‌غمان مست دل از دست داده‌ایم
همراز عشق و همنفس جام باده‌ایم

۲ بر ما بسی کمان ملامت کشیده‌اند
تا کار خود ز ابروی جانان گشاده‌ایم

۳ ای گل تو دوش داغ صبوحی کشیده‌ای
ما آن شقایقیم که با داغ زاده‌ایم

۴ پیر مغان ز توبهٔ ما گر ملول شد
گو باده صاف کن که به‌عذر ایستاده‌ایم

۵ کار از تو می‌رود نظری ای دلیل راه
کانصاف می‌دهیم و ز راه اوفتاده‌ایم

۶ چون لاله می مبین و قدح در میان کار
این داغ بین که بر دل خونین نهاده‌ایم

۷ گفتی که حافظ این همه رنگ و خیال چیست
نقش غلط مخوان که همان لوح ساده‌ایم

ب،د،ه،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق، اما نسخهٔ ط بیت‌هـای ۶ و ۷ را ندارد و بعد از بیت ۵ بیت زیر را افزوده است:

مـا را بساده طبـع مخـوان ای دقیقه‌بین — چون حافظ ارچـه معتقد روی ساده‌ایم

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ح،ك،م: هم درد عشق و — ی: هم درس عشق و — ط: جام و باده‌ایم
۳ـ * ط: ما آن سعادتیم که با زاغ زاده‌ایم
۴ـ * ط: گو عزم صلح کن که بعزم ایستاده‌ایم
۵ـ ل: مددی ای دلیل راه — * ی: میدهیم وزره — ك: میدهیم زراه
۶ـ ه: درمیان گل — * ب،د،ی: که بردل ویران — ه: که در دل ویران
ح: که بردل دانا — ك: که بردل بریان
۷ـ * ح،ی،ك،ل: نقش غلط مبین — ح،ی،ك: که همین لوح

۳۵۷

۱ ما پیش خاک پای تو صد رو نهاده‌ایم
روی و ریای خلق به‌یکسو نهاده‌ایم

۲ ننهاده‌ایم بار جهان بر دل ضعیف
وین کار و بار بسته به‌یک مو نهاده‌ایم

۳ طاق و رواق مدرسه و قال و قیل فضل
در راه جام و ساقی مهرو نهاده‌ایم

۴ ما ملک عافیت نه به‌لشکر گرفته‌ایم
ما تخت سلطنت نه به‌بازو نهاده‌ایم

۵ تا سحر چشم یار چه بازی کند که ما
بنیاد بر کرشمهٔ جادو نهاده‌ایم

۶ بی‌ناز نرگسش سر سودائی از ملال
همچون بنفشه بر سر زانو نهاده‌ایم

۷ بر بوی عید وصل چو نظّارگان ماه
چشم طلب بر آن خم ابرو نهاده‌ایم

۸ گویند حافظا دل سرگشته‌ات کجاست
در حلقه‌های آن خم گیسو نهاده‌ایم

ب،ه،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ب، اما دراین نسخه پس از بیت ۷ ونیز درنسخهٔ م پس از بیت ۶ یك بیت اضافی دارد که قافیهٔ آن بی‌فاصله تکرارشده و درغزل بعد (بیت۴) می‌آید.

ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ه: ۱، +، ۵، ۳، ۶، ۷، ۸ — بیت‌های ۲ و ۴ را ندارد

ح،ك: ۱، ×، *، ۵، ۷، ۳، +، ۶، ۲، ●، ۴، ۸

ط: ۱، ۳، +، ۶، ●، ۴، ۸ — بیت‌های ۲ و ۵ و۷ را ندارد

ی: ۱، ×، +، ۶، ●، ۴، ۸ — بیت‌های ۲ و۳ و۵ و۷ را ندارد

ل: ۱، ۳، +، ●، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸ — بیت ۲ را ندارد

م: ۱، ۳، ۲، ×، +، ۴، ۵، ۶، ۸ — بیت ۷ را ندارد

+ هم جان بدان دو نرگس جادو سپرده‌ایم — هم دل بدان دوسنبل هندو نهاده‌ایم

که درنسخهٔ **ط** «هم دل بران»آمده است.

× ناموس چند سالهٔ اجداد نیك نام — در راه جام و ساقی مهرو نهاده‌ایم

* هشیار وعاقلیم که بردست وپای دل — زنجیر و بند از خم گیسو نهاده‌ایم

که درنسخهٔ **ح** «آن خم گیسو»آمده است.

● عمری گذشت و ما به امید اشارتی — چشمی بدان دو گوشهٔ ابرونهاده‌ایم

که درنسخهٔ **ط** «عمریست تا که ما بامید» و «چشمی بران» و درنسخه‌های **ی،ل** «گذشت تا به‌امید» آمده است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ط،ی،ل: عمریست تا به راه غمت رونهاده‌ایم

۲ـ * ح،ك،م: بیکسو نهاده‌ایم

۳ـ ط: ناموس چند سالهٔ اجداد وننگ ونام   **ی:** ناموس چند سالهٔ اجداد نیك نام   **م:** رواق ومدرسه وقیل وقال   **ل:** قال وقیل علم   *** ح:** در راه عشق دلبرگلرو نهاده‌ایم   **ك:** در راه عیش و دلبر مه‌رونهاده‌ایم

۵ـ ب،ه: تا موج بحرچشم   **ب،ه،ك:** چه بازی کند که کار

۶ـ ب،ه: بی‌ناز سرکشش   **ح،ك:** بی‌وصف زلف‌تو   **ط،ی:** : بی‌وصل زلف تو   **ل:** بی زلف سرکشش

۷ـ ه: بر بوی وصل عید   **ح،ك،ل:** درگوشهٔ امید چو   ***ب،ه:** چشم امل

۸ـ ه،ح،ط،ی،ل: گفتی که حافظا   **ك:** گفتی توحافظا

۳۵۸

۱ عمریست تا به راه غمت رو نهاده‌ایم
روی و ریای خلق به یکسو نهاده‌ایم

۲ ناموس چند سالهٔ اجداد نیک نام
در راه جام و ساقی مهرو نهاده‌ایم

۳ هشیار و عاقلیم که بر دست و پای دل
زنجیر و بند از خم گیسو نهاده‌ایم

۴ فرما اشارتی که دو چشم امیدوار
بر گوشه‌های آن خم ابرو نهاده‌ایم

۵ هم جان بدان دو نرگس جادو سپرده‌ایم
هم دل بدان دو سنبل هندو نهاده‌ایم

۶ عمریست تا که ما به امید اشارتی
چشمی بدان دو گوشهٔ ابرو نهاده‌ایم

۷ گفتی که حافظا دل سرگشته‌ات کجاست
در حلقه‌های آن خم گیسو نهاده‌ایم

ب،ه،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

بیت‌های این‌غزل‌میان ابیات غزل‌پیشین (۳۵۷) پراکنده است وترتیب ثابت وواحدی ندارد.

اختلاف‌نسخه‌ها

۱ـ ب،ه،ح،ك،م: ما پیش خاك پای توصدرونهاده‌ایم
۲ـ ب،ه،ح،ك: طاق و رواق مدرسه وقال وقیل فضل　ل: طاق و رواق‌مدرسه وقال وقیل علم　م: طاق و رواق ومدرسه وقیل‌وقال‌فضل　ط: اجداد و ننگ ونام
۳ـ * ح: آن خم گیسو
۴ـ م: فرمای اشارتی
۵ـ * ط: هم دل‌بران
۶ـ ی،ل: عمری‌گذشت تا بامید　ح،ك: گذشت وما بامید　* ط: چشمی برآن
۷ـ ب،م: گویند حافظا　ك: گفتی توحافظا

۳۵۹

۱ ما بدین در نه پی حشمت و جاه آمده‌ایم
از بد حادثه اینجا به‌پناه آمده‌ایم

۲ رهرو منزل عشقیم و ز سرحدّ عدم
تا به‌اقلیم وجود این همه راه آمده‌ایم

۳ سبزهٔ خطّ تو دیدیم و ز بستان بهشت
به طلب‌کاری این مهرگیاه آمده‌ایم

۴ با چنین گنج که شد خازن آن روح امین
به‌گدائی به در خانهٔ شاه آمده‌ایم

۵ لنگر حلم تو ای کشتی توفیق کجاست
که درین بحر کرم غرق گناه آمده‌ایم

۶ آبرو می‌رود ای ابر خطاپوش ببار
که به‌دیوان عمل نامه سیاه آمده‌ایم

۷ حافظ این خرقهٔ پشمینه بینداز که ما
از پی قافله با آتش آه آمده‌ایم

ب،ج،د،ه،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ه،ی،ك،ل،م. با ترتیب متن نسخهٔ ح بیت ۶ را ندارد، درنسخهٔ د بیت‌های ۵ و۶ مقدم ومؤخر است. ترتیب نسخهٔ ط چنین است: ۱،۲،۳،۴،۶،۷،۵

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ج،ط: ما برین در ج،د،ه،ح،ط،م: زهی حشمت و * د: وز بد حادثه ه: ازپی حادثه ج،د،ك: آنجا به‌پناه

۲ـ ط: عشقیم ز سرحد

۳ـ ج،ط،ك: دیدیم زبستان بهشت ی: زبستان نعیم * ح: بهواداری آن مهر گیاه ط: آن مهرگیا

۴ـ د: با چنان گنج که شد ی: که شد ره‌زن او ه،ح،ك،ل: خازن او

۵ـ ب،ی: لشکرحکم تو د،ه،ح،ط،م: لنگرحکم تو ح،ك: ای کعبهٔ توفیق

۶ـ د،ح،م: ای ابر خطا شوی ببار ی: ای بحرخطابوش بیا ك: ای ابر خطا شوی بیا

۷ـ * ه: ازپی‌حادثه ب،ج،د،ه،ح،ط: با آتش وآه

۳٦۰

۱ فتوی پیر مغان دارم و قولیست قدیم
که حرام است می آنجا که نه یار است ندیم

۲ چاک خواهم زدن این دلق ریائی چه کنم
روح را صحبت ناجنس عذابیست الیم

۳ تا مگر جرعه فشاند لب جانان برمن
سالها تا شده‌ام بر در میخانه مقیم

۴ مگرش خدمت دیرین من از یاد برفت
ای نسیم سحری، یاد دهش عهد قدیم

۵ بعد صد سال اگر بر سر خاکم گذری
سر بر آرد ز گلم رقص‌کنان عظم رمیم

۶ دلبر از ما به صد امّید ستد دل اوّل
ظاهراً عهد فرامش نکند خلق کریم

۷ غنچه گو تنگدل از کار فروبسته مباش
کز دم صبح مدد یابی و انفاس نسیم

۸ فکر بهبود خود ای دل ز دری دیگر کن
درد عاشق نشود به به‌مداوای حکیم

۹ گوهر معرفت اندوز که با خود ببری
که نصیب دگران است نصاب زر و سیم

۱۰ دام سخت است مگر یار شود لطف خدا
ورنه، آدم نبرد صرفه ز شیطان رجیم

۱۱ حافظ ار سیم وزرت نیست چه شد شاکر باش
چه به از دولت لطف سخن و طبع سلیم

ب،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ط،ل.** با ترتیب متن نسخه‌های **ب،م** بیت‌های ۴ و ۵ و نسخهٔ **ی** بیت‌های ۶ و ۱۰ ونسخهٔ **ك** بیت ۶ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین‌است:

د: ۱،۲،۳،۶،۷،۸،۹،۱۰،۵،۴،۱۱

ه: ۱،۳،۶،۹،۵،۴،۱۱ بیت‌های ۲ و۷ و ۸ و۱۰ را ندارد

ز: ۱،۲،۳،۶،۷،۸،۹،۱۰،۴،۵،۱۱

ح: ۱،۲،۳،۶،۴،۵،۷،۸،۹،۱۰،۱۱

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ د،ه،ك: عهدیست قدیم * **ب،ه،ی:** نه یارست وندیم

۳ـ * **ط،ل:** سالها شدکه منم

۴ـ ح،ك: مگرت خدمت

۵ـ ز: بعد صد سالم اگر **ز،ح:** اگر باد توبرخاك وزد **ط،ی:** اگرباد تو برجان وزدم **ك:** اگر یاد تو ازیاد رود

۶ـ ح: سند دل و او را **ل:** سند اول * **ط:** جان‌کریم **ب:** حق قدیم **م:** عهد قدیم

۷ـ ز: فروبسته مشو * **ح،ی:** مدد یابد و

۸ـ ط: ز در دیگرکن * **ح:** بند عاشق نشود

۹ـ ح،ل: معرفت‌آموز

۱۰ـ د،ز: لطف خدای * **ط:** صرفهٔ شیطان

۱۱ـ ط: ساکن باش * **ح:** چه به ازگوهرطبع سخن ولطف سلیم

۳۶۱

۱ خیز تا از در میخانه گشادی طلبیم
بر ره دوست نشینیم و مرادی طلبیم

۲ زاد راه حرم وصل نداریم مگر
به گدائی ز در میکده زادی طلبیم

۳ اشک آلودهٔ ما گر چه روان است ولی
به رسالت سوی او پاک‌نهادی طلبیم

۴ لذّت داغ غمت بر دل ما باد حرام
اگر از جور غم عشق تو دادی طلبیم

۵ نقطهٔ خال تو بر لوح بصر نتوان زد
مگر از مردمک دیده مدادی طلبیم

۶ عشوه‌ای از لب شیرین تو دل خواست به جان
به شکرخنده لبت گفت مزادی طلبیم

۷ تا بود نسخهٔ عطری دل سودازده را
از خط غالیه‌سای تو سوادی طلبیم

۸ چون غمت را نتوان یافت مگر در دل شاد
ما به امّید غمت خاطر شادی طلبیم

۹ بر در مدرسه تا چند نشینی حافظ
خیز تا از در میخانه گشادی طلبیم

ب،د،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق. با ترتیب متن نسخهٔ ی بیت‌های ۶ و۷ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * د،ی،ل: بـره دوست **ح:** بردردوست **ك:** در ره دوست
۲ـ * ب،د،ز،م: زدر مصطبه
۳ـ ح: اشك پالوده ما نهادی *** ح:** سوی اوپیش نهادی **ك:** سوی اوپای
۵ـ د،ی: نتوان دید *** ب،د:** مرادی طلبیم **ی،ك،م:** سوادی طلبیم
۶ـ ك: بوسهٔ ازلب *** د:** که زادی طلبیم **ز،ط،م:** مرادی طلبیم
ك: که رادی طلبیم
۸ـ ی: غمت می نتوان یافت **ح،ك:** مگر در دل ریش **ی:** مگر در دل تنگ *** ز:** بامید غم توخاطر
۹ـ د: بر درصومعه

۳٦۲

۱ ما ز یاران چشم یاری داشتیم
خود غلط بود آنچه می‌پنداشتیم

۲ تا درخت دوستی کی بر دهد
حالیا رفتیم و تخمی کاشتیم

۳ گفت و گو آیین درویشی نبود
ورنه با تو ماجراها داشتیم

۴ شیوهٔ چشمت فریب جنگ داشت
ما غلط کردیم و صلح انگاشتیم

۵ گلبن حسنت نه خود شد دلفروز
ما دم همّت بر او بگماشتیم

۶ نکته‌ها رفت و شکایت کس نکرد
جانب حرمت فرو نگذاشتیم

۷ گفت خود دادی به ما دل حافظا
ما محصّل بر کسی نگماشتیم

ب،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ح،ط،ی،ك،ل،م، امـا نسخهٔ ط بیت ۵ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ب: ۱،۲،۳،۶،۷ بیت‌های ۴ و ۵ را ندارد

ز: ۱،۲،۶،۳،۴،۷ بیت ۵ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ح،ط،ل: آنچه ما پنداشتیم

۲ـ ك،ل،م: بر کی دهد

۳ـ ح: گفت وگوی ب،ز،ط،ك: درویشان نبود

۴ـ م: فریب وجنگ * ز: ما ندانستیم وصلح

۵ـ ح، ك: گل برحسنت ی: حسنت بخود شد * ی،م: ما دم وهمت
ح،ی،م: برآن ی: ننگاشتیم

۶ـ ب،ی،م: حکایت‌کس نکرد * ب: جان ما حرمت ط: جانب رحمت

۳۶۳

۱ صلاح از ما چه می‌جوئی که مستان را صلا گفتیم
به دور نرگس مستت سلامت را دعا گفتیم

۲ در میخانه‌ام بگشا که هیچ از خانقه نگشود
گرت باور کند ورنی سخن این بود و ما گفتیم

۳ من از چشم تو ای ساقی خراب افتاده‌ام لیکن
بلائی کز حبیب آید هزارش مرحبا گفتیم

۴ قدت گفتم که شمشاد است و بس خجلت ببار آورد
که این نسبت چرا کردیم و این بهتان چرا گفتیم

۵ اگر بر من نبخشائی پشیمانی خوری آخر
به خاطردار این معنی که با خدمت کجا گفتیم

۶ جگر چون نافه‌ام خون گشت و کم زینم نمی‌باید
جزای آنکه با زلفش سخن از چین خطا گفتیم

۷ تو آتش گشتی ای حافظ ولی با یار در نگرفت
ز بد عهدی گل گوئی حکایت با صبا گفتیم

ب،ح،ط،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ح،ك،م**. با ترتیب متن نسخهٔ **ط** بیت ۴ را ندارد و درنسخهٔ **ل** بیت‌های ۴ و ۵ مقدم ومؤخر است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ م: که رندان را صلا گفتیم *** ح:** نرگس مستش

۲ـ ب: درمیخانه را بگشا **م:** که شیخ ازخانقه *** ط:** گرت باور بود ورنه سخن این بدکه ما گفتیم **ك:** باورکند ورنه **ل:** باوربود ورنه

۳ـ ح،ك: چشم خوش ساقی

۴ـ ل: شمشادست بس **ح،م:** این خجلت **ح:** خجلت بیادآور

۵ـ ط: پشیمانی کشی آخر *** ح،ط،ل:** که درخدمت

۶ـ ح،ك: جگرچون لاله‌ام خون شد **ط،ل:** خون‌گشت کم زینم **ح:** وزینم به‌نمی باید **ك:** و به‌زینم‌نمی باید ***ط،ل:** با زلفت

۳٦۴

۱ ما حاصل خود در سر خمخانه نهادیم
محصول دعا در ره جانانه نهادیم

۲ در خرمن صد زاهد عاقل زند آتش
این داغ که ما بر دل دیوانه نهادیم

۳ سلطان ازل گنج غم عشق به ما داد
تا روی درین منزل ویرانه نهادیم

۴ در دل ندهم ره پس ازین مِهر بتان را
مُهر لب او بر در این خانه نهادیم

۵ در خرقه ازین بیش منافق نتوان بود
بنیادش ازین شیوهٔ رندانه نهادیم

۶ چون می‌رود این کشتی سرگشته که آخر
جان در سر این گوهر یکدانه نهادیم

۷ المنّة‌لله که چو ما بی دل و دین بود
آن را که خرد پرور و فرزانه نهادیم

۸ قانع به خیالی ز تو بودیم چو حافظ
یا رب چه گدا همّت و بیگانه نهادیم

ب،د،ه،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ **ل**. با ترتیب متن نسخهٔ **ب** بیت ۲، نسخهٔ **ه** بیت ۵، نسخهٔ **ط** بیت ۶ و نسخهٔ **م** بیت‌های ۱ و ۲ و ۴ را ندارد، درنسخهٔ **ی** بیت‌های۲ و۵ ودرنسخه‌های **ح،ك** بیت‌های ۵ و۶ مقدم ومؤخر است. ترتیب نسخهٔ **د** چنین است:
۱،۵،۲،۳،۴،۶،۷،۸

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ **ح،ك،ل**: ما درس سحر **ح**: درسرمیخانه **ل**: در ره میخانه * **ح،ك**: اوقات دعا

۲ـ **ه،ح،ك**: درخرقهٔ صد **ح،ك**: صد عارف‌عاقل **ط**: صد عاقل‌وعالم * **د،ه،ح،ك**: آن داغ **د**: در دل دیوانه

۳ـ **ب،د،ه،ی**: غم خویش‌بما داد * **ب**: تا روی بدین **د،ح**:ما روی درین **ك**: ما روی بدین

۴ـ * **د،ه،ط،ی**: بردرمیخانه نهادیم **ك**: بردربتخانه نهادیم

۵ـ * **ط**: آنرا که خرد پرور وفرزانه نهادیم **ل**: بنیاد ازین **د**: شیوهٔ مستانه

۶ـ **ك**: چون میرودآن **ح،ك**: کشتی بر گشته به‌آخر * **د،ح،ك،ل**: آن گوهریکدانه

۷ـ **د،ح،ك**: بی‌دل و دین شد * **ط**: بنیادش ازین شیوهٔ مـردانه نهادیم **ل،م**: آنرا که لقب عاقل وفرزانه نهادیم

۸ـ **ی** : قانع به‌خیال **ح،ی،م**: زتودوریم * **ی**: یارب که چه‌کم همت و **ط**: چه‌گدا طبع وچه بیگانه

۳۶۵

۱ بگذار تا ز شارع میخانه بگذریم
کز بهر جرعه‌ای همه محتاج این دریم

۲ روز نخست چون دم رندی زدیم و عشق
شرط آن بود که جز ره این شیوه نسپریم

۳ جائی که تخت و مسند جم می‌رود به باد
گر غم خوریم خوش نبود به که می خوریم

۴ تا بو که دست در کمر او توان زدن
در خون دل نشسته چو یاقوت احمریم

۵ واعظ مکن نصیحت شوریدگان که ما
با خاک کوی دوست به فردوس ننگریم

۶ چون صوفیان به حالت و رقصند مقتدا
ما نیز هم به شعبده دستی برآوریم

۷ از جرعهٔ تو خاک زمین درّ و لعل یافت
بیچاره ما که پیش تو از خاک کمتریم

۸ حافظ چو ره به کنگرهٔ کاخ وصل نیست
با خاک آستانهٔ این در بسر بریم

ب،ج،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ط،ل. با ترتیب متن نسخه‌های ب،م بیت ۸، نسخهٔ ه بیت‌های ۳ و ۵ و ۶ ونسخهٔ ی بیت ۷ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ج: ۱،۳،۲،۴،۵،۶،۷ بیت ۸ را ندارد

ز: ۱،۲،۳،۴،۵،۸،+ بیت‌های ۶ و۷ را ندارد

ح،ك: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،+

+ زان پیشتر که عمر گرانمایه بگذرد بگـذار تا مقابـل روی تـو بگذریم

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ج،ط،ك: تا بشارع * ح،ط: محتاج آن دریم

۲ـ ط: چون در رندی * ب: که جزاین‌شیوه ط،ل: که جز ره‌آن‌شیوه

۵ـ ح: ملامت شوریدگان ب،ز،م: شوریدگان ازانك * ب،ز،م: ما خاك ب،ج،ز،م: بفردوس نشمریم

۶ـ ط: بحالت رقصند مبتلا ی: بحالت رقصند ومقتدا

۷ـ ط: ازجرعهٔ که خاك ح: خاك و زمین ب،ه،م: زمین قدرلعل

٣٦٦

۱ خیز تا خرقهٔ صوفی به خرابات بریم
شطح و طامات به بازار خرافات بریم

۲ سوی رندان قلندر به ره‌آورد سفر
دلق بسطامی و سجّادهٔ طامات بریم

۳ تا همه خلوتیان جام صبوحی گیرند
چنگ صبحی به در پیر مناجات بریم

۴ با تو آن عهد که در وادی ایمن بستیم
همچو موسی ارنی گوی به میقات بریم

۵ کوس ناموس تو از کنگرهٔ عرش زنیم
علم عشق تو بر بام سماوات بریم

۶ خاک کوی تو به صحرای قیامت فردا
همه بر فرق سر از بهر مباهات بریم

۷ ور نهد در ره ما خار ملامت زاهد
از گلستانش به زندان مکافات بریم

۸ شرممان باد ز پشمینهٔ آلودهٔ خویش
گر بدین فضل و کرم نام کرامات بریم

۹ قدر وقت ار نشناسد دل و کاری نکند
بس خجالت که ازین حاصل اوقات بریم

۱۰ فتنه می‌بارد ازین سقف مقرنس برخیز
تا به میخانه پناه از همه آفات بریم

۱۱ در بیابان هوا گم شدن آخر تا چند
ره بپرسیم مگر پی به مهمّات بریم

۱۲ حافظ آب رخ خود بر در هر سفله مریز
حاجت آن به که بر قاضی حاجات بریم

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ **ل**. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ب: ۱،۳،۵،۶،۹،۱۰،۸،۱۱،۷،۱۲ — بیت‌های ۲ و۴ را ندارد

ه: ۱،۳،۴،۶،۷،۹،۱۱،۱۲ — بیت‌های ۲ و۵ و۸ و۱۰ را ندارد

ز: ۱،۳،۵،۶،۱۱،۷،۱۲ — بیت‌های ۲،،۴،۸،۹،۱۰ را ندارد

ح: ۱،۳،۷،۲،۴،۸،۹،۱۰،۱۱،۵،۶،۱۲

ط: ۱،۲،۳،۴،۱۰،۹،۵،۶،+،× — بیت‌های ۷ و۸ و۱۱ و۱۲ را ندارد

ی: ۱،۲،۳،۷،۸،۴،۱۰،۱۱،۹،۵،۶،+،×،۱۲

ك: ۱،۳،۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۵،۶،۱۲ — بیت‌های ۲ و۴ را ندارد

م: ۱،۳،۷،۵،۱۰،۹،۸،۱۱،۶،۱۲ — بیت‌های ۲ و۴ را ندارد

+ بگذری وبگذاری نه نشان کرمست — این میانجی بـرار بـاب کرامات بـریم

× ای دل این کـار مهمست بهمت‌بگشای — ورنه بس‌جور زاصحاب خرابات بریم

که درنسخهٔ ط «حافظا کارمهمست» و «از اصحاب» آمده است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ك: جامهٔ صوفی * ب،ه،ح،ك،م: دلق‌وطامات ز: دفتر زرق‌بیازار
ط،ی: دفتر وعظ بیازار

۲ـ * ح: دلق بطحائی ط: دلق سلطانی وسجاده وطامات بریم ی: دلق و سجاده وشطاحی وطامات بریم

۳ـ * ه: ببرپیرمناجات

۴ـ ط: ایمن بستم

۵ـ ط،ی،ل: برکنگرهٔ

۶ـ * ط: بفرق وسروچشم بهر

۷ـ ی: ملامت حافظ

۸ـ م: شرمم آن‌باد * ب،ح: گر به‌این ك: که باین ی،ل: فضل‌وهنر

۹ـ ب: کاری بکند

۱۰ـ ح،ك: قصرمقرنس

۱۱ـ ه،ل،م: دربیابان فنا ی: دربیابان طلب م: گم شده‌آخر
ل،م: تاکی * ی: ره بمهمات

۱۲ـ ب: خود درپی هرسفله ز: خود دربرهرسفله ی: خود را بدرسفله
ك: سفله مبر

۳۶۷

۱ بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم
فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم

۲ اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد
من و ساقی بهم تازیم و بنیادش براندازیم

۳ شراب ارغوانی را گلاب اندر قدح ریزیم
نسیم عطرگردان را شکر در مجمر اندازیم

۴ چودردست‌است‌رودی‌خوش‌بگومطرب‌سرودی‌خوش
که دست افشان غزل خوانیم و پاکوبان سر اندازیم

۵ صبا، خاک وجود ما بدان عالی‌جناب انداز
بود کان شاه خوبان را نظر بر منظر اندازیم

۶ یکی از عقل می‌لافد یکی طامات می‌بافد
بیا کاین داوریها را به پیش داور اندازیم

۷ بهشت عدن اگر خواهی بیا با ما به میخانه
که از پای خمت روزی به حوض کوثر اندازیم

۸ سخن دانی و خوش خوانی نمی‌ورزند در شیراز
بیا حافظ که تا خود را به ملکی دیگر اندازیم

ب،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ط،ی،ل،م**. با ترتیب متن‌نسخهٔ **ب** بیت ۵ را ندارد.
ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است
ح،ك: ۱،۲،۳،۷،۴،۶،۵،۸

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * **ط،ی:** طرح نو
۲ـ **ی،م:** وگرغم * **ب،ط:** بدوتازیم **ح:** بهم سازیم **ك:** درو تازیم **ی،م:** بروتازیم
۳ـ **ی:** ارغوانی باگلاب
۴ـ **ح:** چو بردست **ح،ی،ل:** بزن مطرب
۵ـ **ح،ط،م:** به‌آن عالی‌جناب
۶ـ **ح:** یکی درعشق می‌لافد **ح:** * بیا تا داوریها را
۷ـ **م:** اگرجویی * **م:** خمت سرخوش بحوض کوثر
۸ـ **ط:** سخن گویی و **ح،ك:** سخن دانان وخوش خوانان نمیدارند درشیراز * **ح،ك:** که ما خود را **ط:** بملك دیگر

۳۶۸

۱ صوفی بیا که جامهٔ سالوس برکشیم
وین نقش زرق را خط بطلان به سر کشیم

۲ نذر و فتوح صومعه در وجه می‌نهیم
دلق ریا به آب خرابات برکشیم

۳ سرّ قضا که در تتق غیب منزویست
مستانه‌اش نقاب ز رخسار برکشیم

۴ بیرون جهیم سرخوش و از بزم صوفیان
غارت کنیم باده و شاهد به برکشیم

۵ عشرت کنیم ورنه به حسرت کشندمان
روزی که رخت جان به جهانی دگر کشیم

۶ کو عشوه‌ای ز ابروی او تا چو ماه نو
گوی سپهر در خم چوگان زر کشیم

۷ فردا اگر نه روضهٔ رضوان به ما دهند
غلمان ز غرفه حور ز جنّت به در کشیم

۸ حافظ نه حدّ ماست چنین لافها زدن
پای از گلیم خویش چرا بیشتر کشیم

ب،د،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،د،ز،م. با ترتیب متن نسخه‌های ح،ك بیت ۷ را ندارند و درنسخهٔ ی بیت‌های ۳ و ۴ مقدم ومؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ط: ۱،۲،۴،۵،۳،۶،۸ بیت ۷ را ندارد

ل: ۱،۲،۷،۴،۵،۳،۶،۸

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ط،ل: که خرقهٔ سالوس * ط: این نقش

۲ـ ب: نذرفتوح ك: فتوح مدرسه * ح،ك: ریا درآب

۳ـ ط،ل: سرخدا * ز: رخساره درکشیم ح: رخساره برکشیم ط:رخساره درکشیم

۴ـ ب،ی،ك،م: ازبزم عارفان د: دربزم عارفان ز،ح: ازبزم مدعی ط:ازبزم‌عاشقان *ط:غارت‌کنیم‌وباده ب،د،ز،ط،ح،ی،ك،م:بدرکشیم

۵ـ ب،ح،ط،ك،م: کام ازجهان بران‌که ببخشد خدا گناه د،ی: کاری کنیم ورنه خجالت برآورد ز: کام جهان بران‌که ببخشد خدا گناه * ط: بجهان دگر

۶ـ ل،م: کوجلوهٔ ط: کوعشوه زچهرهٔ او

۷ـ * ل: غلمان ز روضه

۸ـ ی: حافظ نه حد تست

۳۶۹

۱ دوستان وقت گل آن به که به عشرت کوشیم
سخن اهل دل است این و به جان بنیوشیم

۲ نیست در کس کرم و وقت طرب می‌گذرد
چاره آن است که سجّاده به می بفروشیم

۳ خوش هوائیست فرح‌بخش خدایا بفرست
نازنینی که به رویش می گلگون نوشیم

۴ ارغنون ساز فلک رهزن اهل هنر است
چون ازین غصّه ننالیم و چرا نخروشیم

۵ گل به جوش آمد و از می نزدیمش آبی
لاجرم ز آتش حرمان و هوس می‌جوشیم

۶ می‌کشیم از قدح لاله شرابی موهوم
چشم بد دور که بی مطرب و می مدهوشیم

۷ حافظ این حال عجب با که توان گفت که ما
بلبلانیم که در موسم گل خاموشیم

ب،ج،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن‌مطابق است با نسخه‌های فوق، اما درنسخهٔ ط بیت‌های ۵ و ۶ مقدم ومؤخراست.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ك: وقت‌گل آمدکه * ج،ی: سخن‌پیرمغانست وبجان ح،ك: سخن‌پیر مغانست بجان ز: دل اینست وبجان ط: دلست این بجان م: دل آن به‌که بجان

۲ـ ح: کرم و دورطرب

۴ـ * ج: نتایم وچرا ح،ك: نسوزیم وچرا

۵ـ * ح،ك: حرمان هوس ج: هوس درجوشیم

۶ـ ج،ط،م: میکشم ازقدح ب،ط،ی،ك: شراب موهوم * ط: که ای مطرب ومی ی: مطرب ومی‌میجوشیم

۳۷۰

۱ ما برآریم شبی دست و دعائی بکنیم
غم هجران تو را چاره ز جائی بکنیم

۲ دل بیمار شد از دست رفیقان مددی
تا طبیبش به سر آریم و دوائی بکنیم

۳ خشک شد بیخ طرب راه خرابات کجاست
تا در آن آب و هوا نشو و نمائی بکنیم

۴ آنکه بی جرم برنجید و به تیغم زد و رفت
بازش آرید خدا را که صفائی بکنیم

۵ در ره نفس کزو سینهٔ ما بتکده شد
تیر آهی بگشائیم و غزائی بکنیم

۶ مدد از خاطر رندان طلب ای دل ورنی
کار صعب است مبادا که خطائی بکنیم

۷ سایهٔ طایر کم حوصله کاری نکند
طلب سایهٔ میمون همائی بکنیم

۸ دلم از پرده بشد حافظ خوش لهجه کجاست
تا به قول و غزلش ساز و نوائی بکنیم

ب،ج،د،ه،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن‌مطابق است‌با نسخهٔ ب. باترتیب‌متن نسخهٔ ج بیت ۵ را ندارد. ترتیب‌نسخه‌های دیگرچنین است:

د: ۱،۲،۴،۵،۶،۳،۷،۸

ه: ۱،۲،۵،۶،۳،۷،۸ بیت ۶ را ندارد

ط،ك،ل: ۱،۲،۲،۳،۶،۷،۸ بیت۵ را ندارند

ی: ۱،۲،۴،۵،۶،۷،۳،۸

م: ۱،۴،۵،۶،۳،۷،۸ بیت ۲ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ط،ل: ما شبی دست برآریم و

۲ـ * ط: تا طبیبی

۳ـ * ب: تا بدان آب وهوا

۵ـ م: بتکده بود * ه: آهی بنشانیم ی: آهی بچشانیم

۶ـ د،ه،ط،ل: ورنه * ب،ط،ك: کارسخنست

۷ـ * ج،ط،ل: طلب ازسایهٔ

۸ـ ط،ل،م: حافـظ خوش‌گوی *ب،ج،ط: بقول غزلش

د،ك،ل: سازنوائی

۳۷۱

۱ ما نگوئیم بد و میل به ناحق نکنیم
جامهٔ کس سیه و دلق خود ازرق نکنیم

۲ رقم مغلطه بر دفتر دانش نزنیم
سرّ حق بر ورق شعبده ملحق نکنیم

۳ عیب درویش و توانگر به کم و بیش بد است
کار بد مصلحت آن است که مطلق نکنیم

۴ آسمان کشتی ارباب هنر می‌شکند
تکیه آن به که برین بحر معلّق نکنیم

۵ شاه اگر جرعهٔ رندان نه به حرمت نوشد
التفاتش به می صاف مروّق نکنیم

۶ هجو اگر گفت حسودیّ و رفیقی رنجید
گو تو خوش باش که ما گوش به احمق نکنیم

۷ حافظ ار خصم خطا گفت نگیریم بر او
ور به حق گفت جدل با سخن حق نکنیم

ب،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،م. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ز: ۱،۲،۳،۴،+،۶،۷ بیت ۵ را ندارد

ح: ۱،۳،+،۲،۵،۴،۶،۷

ط،ك: ۱،۳،۲،۵،۴،۶،۷

ی: ۱،۲،۳،۵،۶،+،۴،۷

ل: ۱،۳،۲،۵،+،۴،۶،۷

+خوش برانیم جهان درنظر راه روان　　فکـر اسب سیه و زیـن مفـرق نکنیم

که درنسخهٔ ح «زبن مفرق» آمده است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ب،ز،ط،م: خانهٔ‌کس سیه و　　ك: خانهٔ خود سیه و

۲ـ ی: ورق مغلطه　　ب،ز،م: دانش نکشیم　　* ك: شعبده ناحق‌نکنیم

۴ـ * ز: که بدین بحر

۵ـ ح،ك: زاهد ارمنع من ازباده کند وان بهتر (ك: آن‌بهتر)　* ح،ك:کالتفاتش

۶ـ ز،ح،ك،ل: گر بدی گفت حسودی و

۷ـ ز: نگیریم بوی

۳۷۲

۱ سرم خوش است و به بانگ بلند می‌گویم
که من نسیم حیات از پیاله می‌جویم

۲ عبوس زهد به وجه خمار بنشیند
مرید فرقهٔ دردی‌کشان خوشخویم

۳ گرم نه پیر مغان در به روی بگشاید
کدام در بزنم چاره از کجا جویم

۴ مکن درین چمنم سرزنش به خود روئی
چنانکه پرورشم می‌دهند می‌رویم

۵ تو خانقاه و خرابات در میانه مبین
خدا گواه که هر جا که هست با اویم

۶ غبار راهِ طلب کیمیای بهروزیست
غلام دولت آن خاک عنبرین بویم

۷ ز شوق نرگس مست بلند بالائی
چو لاله با قدح افتاده بر لب جویم

۸ شدم فسانه به سرگشتگی چو گیسوی دوست
کشید در خم چوگان خویش چون گویم

۹ بیار می که به فتویّ حافظ از دل پاک
غبار زرق به فیض قدح فروشویم

ب،ج،د،ز،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ز،ك،م. با ترتیب متن نسخهٔ ط بیت‌های ۳ و ۸ را ندارد و در نسخهٔ ج بیت‌های ۶ و ۷ مقدم و مؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

د : ۱،۲،۴،۵،۳،۷،۸،۹ بیت ۶ را ندارد

ی : ۱،۲،۴،۵،۶،۷،۸،۳،۹

ل : ۱،۲،۸،۳،۴،۵،۶،۷،۹

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ك : خوشست بیانك * ك : از پیاله می‌بویم

۲ـ ج : عروس زهد همهٔ نسخه‌ها : ننشیند [«بنشیند در این بیت تصحیح قیاسی است به جای «ننشیند».] * همهٔ نسخه‌ها غیر از ج : خرقهٔ

۳ـ ج : گرم نه پیر دری خوش بروی بگشاید

۴ـ * د،ك : چنانچه ط : پرورشم می‌کنند

۵ـ * ج،ط،ك : خداگو است

۶ـ ط،ك : غبار خاك طلب ط : کیمیای سروریست * ج : غباردولت آن ی : غلام همت آن ب،د: دولت این

۷ـ ج : بلند بالایت

۸ـ ب،ز : شدم نشانه ب،ز،ك : بسرگشتگی ابروی‌دوست د،ط،ی،ل،م: بسرگشتگی و ابروی دوست * ج،ك : کشیده در خم ج : چوگان دوست ك : چوگان زلف

۹ـ ط : بیار باده بفتوی

۳۷۳

۱ بارها گفته‌ام و بار دگر می‌گویم
که من گمشده این ره نه به خود می‌پویم

۲ در پس آینه طوطی صفتم داشته‌اند
آنچه استاد ازل گفت بگو می‌گویم

۳ من اگر خارم وگر گل چمن آرائی هست
که از آن دست که او می‌کشدم می‌رویم

۴ دوستان عیب من بیدل حیران مکنید
گوهری دارم و صاحب نظری می‌جویم

۵ گر چه با دلق ملمّع می گلگون عیب است
مکنم عیب کزو رنگ ریا می‌شویم

۶ خنده و گریهٔ عشّاق ز جائی دگر است
می‌سرایم به شب و وقت سحر می‌مویم

۷ حافظم گفت که خاک در میخانه مبوی
گو مکن عیب که من مشک ختن می‌بویم

ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخههای د،ه،ز،ط،ی،ل،م . با ترتیب متن نسخهٔ ج بیت ۴ را ندارد و در نسخه‌های ح،ك بیت‌های ۶ و ۷ مقدم و مؤخر است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ج،ل : که من دلشده   ه : نه بخود می‌جویم
۲ـ ح،ك : طوطی صفتم میدارند   * ك : وانچه   ه : استاد خرد ح،ك : گفت همان می‌گویم
۳ـ ط : خارم اگر گل   * ج،ز : که می‌پروردم می‌دویم
۵ـ د،ه : دلق مرقع   د،ه،ی : می رنگین   ج : گلگون کفرست * ح،ك : چه کنم عیب کزو   م : عیب که از زنگ ریا
۶ـ ح : خنده بر گریهٔ مستانه نه برجای خودست   ط : ز حالی دگر است * ج : من سرایم بشب و وقت سحر می‌جویم   ط : می‌سرایم شب و در وقت
۷ـ د،ه،ی : واعظم گفت که حافظ   د : ره میخانه مبوی   ك : ره میخانه مبوس   * ط : تو مکن عیب   ح،ك : گو مکن سهو که من   م : مکتم عیب   ج : که مشك ختنی

۳۷۴

۱ گرچه ما بندگان پادشهیم
پادشاهان ملک صبحگهیم
۲ گنج در آستین و کیسه تهی
جام گیتی نمای و خاک رهیم
۳ هوشیار حضور و مست غرور
بحر توحید و غرقهٔ گنهیم
۴ شاهد بخت چون کرشمه کند
ماش آیینهٔ رخ چو مهیم
۵ شاه بیداربخت را هر شب
ما نگهبان افسر و کلهیم
۶ گو غنیمت شمار همّت ما
که تو در خواب و ما به دیده‌گهیم
۷ شاه منصور واقف است که ما
روی همّت به هر کجا که نهیم
۸ دشمنان را ز خون کفن سازیم
دوستان را قبای فتح دهیم
۹ رنگ تزویر پیش ما نبود
شیر سرخیم و افعی سیهیم
۱۰ وام حافظ بگو که باز دهند
کرده‌ای اعتراف و ما گوهیم

ب،ه،ز،ی،ک،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ل . با ترتیب متن نسخه‌های ه،ی بیت‌های ۷ و ۸ و ۹ و نسخهٔ ک بیت های ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ را ندارند. ترتیب نسخهٔ ز چنین است: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۱۰،۷،۸،۹

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ * ل : جام گیتی نما و
۴ـ ک : شاهد بحر
۶ـ ی،ک،ل : غنیمت شمار صحبت ما
۹ـ ز : زانک تزویر
۱۰ـ ک : که باز دهد * ک : کرده است اعتراف و

۳۷۵

۱ فاتحه‌ای چو آمدی بر سر خسته‌ای بخوان
لب بگشا که می‌دهد لعل لبت به خسته جان

۲ آن که به پرسش آمد و فاتحه خواند و می‌رود
گو نفسی که روح را می‌کنم از پی‌اش روان

۳ ای که طبیب خسته‌ای روی زبان من ببین
کاین دم و دود سینه‌ام بار دل است بر زبان

۴ گرچه تب استخوان من کرد ز مهر گرم و رفت
همچو تبم نمی‌رود آتش مهر از استخوان

۵ حال دلم ز خال تو هست در آتشش وطن
جسمم از آن دو چشم تو خسته شده‌ست و ناتوان

۶ بازنشان حرارتم زاب دو دیده و ببین
نبض مرا که می‌دهد هیچ ز زندگی نشان

۷ آن که مدام شیشه‌ام از پی عیش داده است
شیشه‌ام از چه می‌برد پیش طبیب هر زمان

۸ حافظ از آب زندگی شعر تو داد شربتم
ترک طبیب کن بیا نسخهٔ شربتم بخوان

ه،ط،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق، اما نسخهٔ ه بیت ۵ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ط : برسر کشتهٔ بخوان   ك : برسر مردهٔ بخوان   * ل : به مرده جان

۲ـ ه،ط : انك پرسش آمد و   ك : آنکه پرسش آمدت   ه : فاتحه
خواند و زود رفت   ك : فاتحهٔ بخواند و رفت   * ك : از لبش روان

۳ـ * ه،ط : سینه را بار

۴ـ ط : گر چه براستخوان من کرد ز مهر و گرم رفت

۵ـ ط : ز حال تو   ك : چو حال تو   ط: برآتشش   * ط : چشم
ازان درهمهٔ نسخه‌ها «چشم» ثبت شده، اما باید درست «جسم» باشد

۷ـ ه،ك : از می عیش

۸ـ * ه : کن بتا

۳۷۶

۱ چندانکه گفتم غم با طبیبان
درمان نکردند مسکین غریبان
۲ درج محبّت بر مُهر خود نیست
یا رب مبادا کام رقیبان
۳ آن گل که هر دم در دست بادیست
گو شرم بادت از عندلیبان
۴ ما درد پنهان با یار گفتیم
نتوان نهفتن درد از طبیبان
۵ یا رب امان ده تا بازبیند
چشم محبّان روی حبیبان
۶ ای منعم آخر بر خوان جودت
تا چند باشیم از بی‌نصیبان
۷ حافظ نگشتی شیدای گیتی
گر می‌شنیدی پند ادیبان

ب،ز،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ز. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ط: ۱،۳،۵،۲،۴،۶،۷

ی: ۱،۵،۳،۴،۶،۲،۷

ك: ۱،۵،۳،۲،۴،۶،۷

ل: ۱،۳،۵،۲،۶،۷ بیت ۴ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ك: برمهر خودبین

۳ـ ز: در دست یاریست ك: در دست یا دست *ل: گوشرم بادش

۴ـ ظ: با درد پنهان * ز،ط: رنج ازطبیبان

۵ـ ب: تا بازبینیم ك: تا بازبینند

۶ـ ب،ز: برخوان لطفت ط،ك: برخوان وصلت * ز: تا چند باشم

۷ـ * ی: پند از ادیبان

۳۷۷

۱ می‌سوزم از فراقت روی از جفا بگردان
هجران بلای ما شد یا رب بلا بگردان

۲ مه جلوه می‌نماید بر سبز خنگ گردون
تا او بسر درآید بر رخش پا بگردان

۳ یغمای عقل و دین را بیرون خرام سرمست
بر سر کلاه بشکن در بر قبا بگردان

۴ مرغول را برافشان یعنی به رغم سنبل
گرد چمن بخوری همچون صبا بگردان

۵ ای نور چشم مستان در عین انتظارم
چنگی حزین و جامی بنواز یا بگردان

۶ دوران چو می‌نویسد بر عارضت خطی خوش
یا رب نوشتهٔ بد از یار ما بگردان

۷ حافظ ز خوبرویان بختت جز این‌قدر نیست
گر نیستت رضائی حکم قضا بگردان

ب،ه،ز،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ه،ز،ط،ی،ك.** با ترتیب متن در نسخهٔ **ل** بیت‌های ۳ و ۴ مقدم و مؤخر است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ **ه،ز:** روی ازبلا **ط:** رو ازجفا * **ط:** بلای جان شد **ی:** بلای باشد

۲ـ * **ه،ط،ی:** تا اوبسر بگردد **ك:** تا اوبسرنگردد **ه:** در رخش

۳ـ **ك:** بنمای عقل و دین را **ب،ز:** بیرون خرام یك شب **ط:** بیرون خرام یعنی * **ز،ط،ی،ل:** در سر کلاه

۴ـ **ی:** این زلف را برافشان **ك:** مرغول را بگردان **ط:** یعنی برغم‌دشمن **ی:** یعنی به‌رسم سنبل * **ب:** گرد بخور وعنبر گردصبا بگردان

۵ـ **ی:** درعین انتظارم ای نورچشم مستان **ز:** درعین انتظاریم * **ط،ل:** چنگ حزین

۶ـ **ط،ل:** دوران‌همی نویسد برعارضش **ك:** دوران بخط عنبر برعارضت‌نویسد **ط،ی:** خط خوش * **ه:** یارب نبشتهٔ بد

۷ـ **ط:** حافظ زماه رویان

۳۷۸

۱ یا رب آن آهوی مشکین به ختن بازرسان
وان سهی سرو خرامان به چمن بازرسان

۲ دل آزردهٔ ما را به نسیمی بنواز
یعنی آن جانِ ز تن رفته به تن بازرسان

۳ ماه و خورشید به منزل چو به‌امر تو رسند
یار مهروی مرا نیز به من بازرسان

۴ دیده‌ها در طلب لعل یمانی خون شد
یا رب آن کوکب رخشان به یمن بازرسان

۵ برو ای طایر میمون همایون آثار
پیش عنقا سخن زاغ و زغن بازرسان

۶ سخن این است که ما بی‌تو نخواهیم حیات
بشنو ای پیک خبر گیر و سخن بازرسان

۷ آنکه بودی وطنش دیدهٔ حافظ یا رب
به مرادش ز غریبی به وطن بازرسان

ب،ز،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن‌مطابق است با نسخه‌های ب،ز،ك،ل. با ترتیب متن نسخهٔ ط بیت ۶ را ندارد.
ترتیب نسخهٔ ی چنین است:
۱،۳،۲،۴،+،۶،۷ بیت ۵ را ندارد و بعد از بیت دوم بیت زیر را آورده که گوئی‌صورت دیگری از بیت‌چهارم‌است:
+ سنگ و گل گشت‌عقیق ازگذر گریهٔ‌من یا رب آن کوکب میمون به‌یمن‌بازرسان

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ * ب: سرو قدم‌را بچمن ز،ی: سرو قدمن بچمن ك: سرو روانرا
۲ــ ب،ز،ك: بحث پژمردهٔ ما را
۳ــ ب: چوبامر تو رسید ط: چوبام تو رسند
۴ــ ب،ز،ك: سنگ وگل گشت عقیق ازگذرگریهٔ من * ب،ز: کوکب میمون ی،ك: گوهر رخشان
۵ــ ب،ز،ط،ك: دیدی‌آن طایر میمون ب: میمون‌که همای‌آینست ز: میمون‌که برون رفت از دست ط: میمون‌که همای‌آزردست ك: میمون که همای‌آزردند
۶ــ ك: سخن انست ب: نخواهیم نشست
۷ــ ب: وطنش سینهٔ حافظ

۳۷۹

۱ خدا را کم‌نشین با خرقه پوشان
رخ از رندان بی‌سامان مپوشان

۲ درین خرقه بسی آلودگی هست
خوشا وقت قبای می فروشان

۳ تو نازک طبعی و طاقت نیاری
گرانیهای مشتی دلق پوشان

۴ بیا وز غبن این سالوسیان بین
صراحی خونْ‌دل و بربط خروشان

۵ چو مستم کرده‌ای مستور منشین
چو نوشم داده‌ای زهرم منوشان

۶ درین صوفی وشان دَردی ندیدم
که صافی باد عیش دُرد نوشان

۷ ز دل‌گرمیّ حافظ بر حذر باش
که دارد سینه‌ای چون دیگ جوشان

ب،ه،ز،ط،ی،ک،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با همه نسخه‌های فوق

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ط: خرقه پر ازآلودگی * ب،ز: که خوش وقت قبای ه،ز،ی،ک: قبای باده نوشان ط: قبای دردنوشان

۳ـ * ط:عیش دردی نوشان

۴ـ ب: بیا وزعین این ه: وزغبن ان

۵ـ * ه: نیشم منوشان

۳۸۰

۱ شاه شمشادقدان خسرو شیرین‌دهنان
که به مژگان شکند قلب همه صف‌شکنان
۲ مست بگذشت و نظر بر من درویش انداخت
گفت کای چشم و چراغ همه شیرین سخنان
۳ تا کی از سیم و زرت کیسه تهی خواهد بود
بندهٔ من شو و بر خور ز همه سیم‌تنان
۴ کمتر از ذرّه نئی پست مشو مهر بورز
تا به خلوتگه خورشید رسی چرخ زنان
۵ بر جهان تکیه مکن ور قدحی می داری
شادی زهره جبینان خور و نازک بدنان
۶ پیر پیمانه کش من که روانش خوش باد
گفت پرهیز کن از صحبت پیمان‌شکنان
۷ با صبا در چمن لاله سحر می‌گفتم
که شهیدان که‌اند این همه خونین کفنان
۸ گفت حافظ من و تو محرم این راز نه‌ایم
از می لعل حکایت کن و شیرین دهنان
۹ دامن دوست بدست آر و ز دشمن بگسل
مرد یزدان شو و ایمن گذر از اهرمنان

ب،د،ه،ز،ط،ی،ك،ل،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ز،ط،ی،ك. با ترتیب متن نسخهٔ د بیت ۹ ونسخهٔ ه بیت ۶ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ل: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۹،۷،۸

ن: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۹،۸ بیت ۷ ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۲ــ ك: برمن مسکین‌انداخت **ن:** بگذشت نظر *** ی: گفت‌آن چشم**
ل: گفت ای‌چشم **ی: همه شیرین دهنان**

۳ــ * ط: زهمه سیم بران

۴ــ ط: ذره سرمست مشو **ب: پست شو ومهر بمورز** **د: پست مشو مهرمورز** **ز،ی،ك:** پست شو و *** ط،ك: تا بهشرتگه خورشید روی**
ن: تا بمنزلگه

۵ــ ی: درقدح ارمی داری **ن:** گر قدحی

۶ــ ی: پیرمیخانه کش من

۷ــ ب: با صبا درد دل لاله **د،ه:** در ره **لاله‌سحری می گفتم**

۸ــ د،ه: لایق این راز **ط:** واقف این راز *** ب: ازمی‌لعل‌کفایت‌کن‌و**
ی: حکایت کن وسیمین پسران **ن:** شیرین ذقنان

۹ــ * ب: ره یزدان **ه: فریزدان** **ب،ل: فارغ‌گذر** **ز: اهمن شو ازین اهرمنان**

۳۸۱

۱ چو گل هر دم به بویت جامه در تن
کنم چاک از گریبان تا به دامن
۲ تنت را دید گل گوئی که در باغ
چو مستان جامه را بدرید بر تن
۳ من از دست غمت مشکل برم جان
ولی دل را تو آسان بردی از من
۴ به قول دشمنان برگشتی از دوست
نگردد هیچ‌کس با دوست دشمن
۵ تنت در جامه چون در جام باده
دلت در سینه چون در سیم آهن
۶ ببار ای شمع اشک از چشم خونین
که سوز دل شود بر خلق روشن
۷ مکن کز سینه‌ام آه جگر سوز
برآید همچو دود از راه روزن
۸ دلم را مشکن و در پا میانداز
که دارد در سر زلف تو مسکن
۹ چو دل در زلف تو بسته‌ست حافظ
بدینسان کار او در پا میفکن

ب،ه،ز،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ز،ط،ل. با ترتیب متن نسخهٔ ه بیت ۴ ونسخهٔ ی بیت ۶ را ندارد، درنسخهٔ ك بیت‌های ۶ و۷ مقدم ومؤخر است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ط،ی،ك: جامه برتن * ب،ه: زنم چاك
۲ـ ی: دیدگوئی گل که * ب،ز،ی: بدرید درتن
۴ـ ط: برگشتن از دوست * ك: نگشته هیچ کس
۵ـ * ب: چون درسینه‌آهن ه: چون درشیشه‌آهن ی: چون درسنگ آهن
۶ـ ب: برانی سرخ اشك ازدیده چون خون ه: بیار ای شمع اشك از دیدهٔ خون ز: برا ای سرخ اشك از دیده‌چون خون ط: اشك از دیده خونین ك: اشك ازچهرهٔ ما * ط،ك،ل: که شد سوز دلت برخلق
۷ـ ك: آهی جگرسوز
۸ـ * ه،ز،ی: که دارد باسر
۹ـ ب،ه: اگر دل بست در زلف توحافظ ز: چو دلرابست در زلفتوحافظ

۳۸۲

۱ رایت سلطان گل پیدا شد از طرف چمن
مقدمش یا رب مبارک باد بر سرو و سمن

۲ خوش به‌جای خویشتن بود این نشست خسروی
تا نشیند هرکسی اکنون به‌جای خویشتن

۳ خاتم جم را بشارت ده به‌حسن خاتمت
کاسم اعظم کرد ازو کوتاه دست اهرمن

۴ تا ابد معمور باد این خانه کز خاک درش
هر نفس با بوی رحمت می‌وزد باد یمن

۵ شوکت پور پشنگ و تیغ عالمگیر او
در همه شهنامه‌ها شد داستان انجمن

۶ خنگ چوگانیّ چرخت رام شد در زیر زین
شهسوارا خوش به میدان آمدی گوئی بزن

۷ جویبار ملک را آب روان شمشیر تست
تو درخت عدل بنشان بیخ بدخواهان بکن

۸ بعد ازین نشگفت اگر با نکهت خلق خوشت
خیزد از صحرای ایذج نافهٔ مشک ختن

۹ گوشه‌گیران انتظار جلوهٔ خوش می‌کنند
برشکن طرف کلاه و برقع از رخ برفکن

۱۰ مشورت با عقل کردم گفت حافظ باده نوش
ساقیا می ده به قول مستشار مؤتمن

۱۱ ای صبا بر ساقی بزم اتابک عرضه دار
تا از آن جام زر افشان جرعه‌ای بخشد به من

ب،ه،ط،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ل. با ترتیب متن نسخهٔ ه بیت‌های ۵ و ۱۱ و نسخهٔ ط بیت‌های ۲ و ۶ و ۸ و نسخهٔ ك بیت‌های ۲ و ۸ و ۱۱ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ط،ك،ل: افسرسلطان گل * ب: مبارك باد بر سروچمن
۲ـ ك: ان نشست * ك: هر کسی برجایگاه خویشتن
۳ـ ط: جم را اشارت ده * ط: کاسم یزدان کرد
۴ـ * ك: با بوی رحمن ب: می‌رود باد یمن
۵ـ * ك: داستان خویشتن
۶ـ ك: خنگ جولان‌گاه چرخت ل: چون به‌میدان
۷ـ ك: جویبار کلك
۹ـ ط: جلوه خوشترمی کنند * ك: برقع از رو برفکن
۱۰ـ ط،ل: حافظ می‌بنوش * ط: ساقیا می ده بعون‌المستشارالمؤتمن
۱۱ـ ط: برساقی شاد اتابك

۳۸۳

۱ خوشتر از فکر می و جام چه خواهد بودن
تا ببینم که سرانجام چه خواهد بودن

۲ غم دل چند توان خورد که ایّام نماند
گو مه دل باش و مه ایّام چه خواهد بودن

۳ مرغ کم‌حوصله را گو غم خود خور که بر او
رحم آنکس که نهد دام چه خواهد بودن

۴ باده خور غم مخور و پند مقلّد منیوش
اعتبار سخن عام چه خواهد بودن

۵ دسترنج تو همان به که شود صرف به کام
دانی آخر که به ناکام چه خواهد بودن

۶ پیر میخانه همی خواند معمّائی دوش
از خط جام که فرجام چه خواهد بودن

۷ بردم از ره دل حافظ به دف و چنگ و غزل
تا جزای من بدنام چه خواهد بودن

ب،ط،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ط،ك،ل. با ترتیب متن در نسخهٔ ب بیت‌های ۲ و ۳ مقدم ومؤخر است.

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ * ك: باده خورخوش غم ایام چه خواهد بودن　　ل: نه دل باش ونه
۳ـ ط: غم خود خور وبرو
۴ـ ك: پند مقلد مشنو
۶ـ ك: معمائی خوش　　* ط: ازخط خاکی وفرجام
۷ـ ب،ك: سرحافظ　　ط،ك: حافظ بمی وچنگ وغزل

۳۸۴

۱ دانی که چیست دولت دیدار یار دیدن
در کوی او گدائی بر خسروی گزیدن

۲ از جان طمع بریدن آسان بود ولیکن
از دوستان جانی مشکل توان بریدن

۳ خواهم شدن به بستان چون غنچه با دل تنگ
وانجا به نیکنامی پیراهنی دریدن

۴ گه چون نسیم با گل راز نهفته گفتن
گه سرّ عشقبازی از بلبلان شنیدن

۵ بوسیدن لب یار اوّل ز دست مگذار
کاخر ملول گردی از دست و لب گزیدن

۶ فرصت‌شمار صحبت کز این دوراهه منزل
چون بگذریم دیگر نتوان به هم رسیدن

۷ گوئی برفت حافظ از یاد شاه منصور
یا رب به یادش آور درویش پروریدن

ب،ه،ز،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ه،ط،ك،ل،م. با ترتیب متن نسخهٔ ی بیت ۷ را ندارد و در نسخهٔ ز بیت‌های ۴ و ۵ مقدم و مؤخر است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ط: برخسروی خریدن

۲ـ ط: آسان توان ولیکن * ه: مشکل بود بریدن

۳ـ ی: خواهم شدن بکویش چون غنچه با دلی‌تنگ

۴ـ * ز: ازبلبلان شنودن

۶ـ ی: صحبت کزان ی،ك: دو راه منزل * ی: چون بگذریم نتوان دیگربهم رسیدن

۷ـ ك: گفتی‌که رفت‌حافظ ط،ل: شاه یحیی ه: شاه (کلمهٔ بعدازشاه محو وناخوانا بوده است)

۳۸۵

۱ منم که شهرهٔ شهرم به عشق ورزیدن
منم که دیده نیالوده‌ام به بد دیدن

۲ به می پرستی از آن نقش خود برآب زدم
که تا خراب کنم نقش خود پرستیدن

۳ وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم
که در طریقت ما کافریست رنجیدن

۴ به پیر میکده گفتم که چیست راه نجات
بخواست جام می و گفت راز پوشیدن

۵ ز خطّ یار بیاموز مهر با رخ خوب
که گرد عارض خوبان خوش است گردیدن

۶ مراد دل ز تماشای باغ عالم چیست
به دست مردم چشم از رخ تو گل چیدن

۷ عنان به میکده خواهیم تافت زین مجلس
که وعظ بی‌عملان واجب است نشنیدن

۸ به رحمت سر زلف تو واثقم ورنه
کشش چو نبود از آن‌سو چه سود کوشیدن

۹ مبوس جز لب معشوق و جام می حافظ
که دست زهد فروشان خطاست بوسیدن

ب،ج،ه،ز،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ك. بـا ترتیب متن نسخه‌های ب،ج،ز بیتهای ۶ و۸ را ندارند. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ه: ۱،۵،۶،۸،۲،۴،۹ بیتهای ۳ و۷ را ندارد

ط: ۱،۳،۴،۶،۲،۸،۹ بیتهای ۵ و۷ را ندارد

ی: ۱،۲،۳،۴،۶،۷،۵،۹ بیت ۸ را ندارد

ل: ۱،۳،۴،۶،۲،۸،۷،۵،۹

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ط: منم که دیده فروبسته‌ام ز بد دیدن

۲ـ ه،ك،ل: ز دم برآب * ج،ه،ی: رنگ خود پرستیدن

۳ـ * ج،ز،ط،ك: که درشریعت ما

۴ـ * ط،ك،ل: عیب پوشیدن

۵ـ ك: مهربارخ یار

۶ـ ه،ك: مراد ما ط،ی: زتمنای باغ

۷ـ ب،ز: بطوف میکده خواهیم رفت ازین مجلس ج: خواهیم یافت

۸ـ ط،ك: ورنی * ك: نبود ازان سرچه سود

۹ـ ل: لب ساقی و

۳۸٦

۱ ای روی ماه منظر تو نوبهار حسن
خال و خط تو مرکز لطف و مدار حسن

۲ در چشم پرخمار تو پنهان فنون سحر
در زلف بی‌قرار تو پیدا قرار حسن

۳ ماهی نتافت همچو تو از برج نیکوئی
سروی نخاست چون قدت از جویبار حسن

۴ خرّم شد از ملاحت تو عهد دلبری
فرّخ شد از لطافت تو روزگار حسن

۵ از دام زلف و دانهٔ خال تو در جهان
یک مرغ دل نماند نگشته شکار حسن

۶ دایم به‌لطف طبع فلک از میان جان
می‌پرورد به ناز ترا در کنار حسن

۷ گرد لبت بنفشه از آن تازه و ترست
کاب حیات می‌خورد از چشمه‌سار حسن

۸ حافظ طمع برید که بیند نظیر تو
دیّار نیست جز رخت اندر دیار حسن

ز،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است بانسخه‌های فوق، اما نسخه‌های **ز،ك** بیت ۸ را ندارند.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ل: مرکزحسن ومدارحسن
۲ـ ز،ل: فسون سحر
۴ـ ك: عهد دلبران *** ز:** ازفصاحت تو روزگار
۵ـ * ز: نگشته فکارحسن
۶ـ ل: دایم به لطف دایهٔ طبع
۷ـ ز،ك: ازان تازه‌روترست *** ل:** ازجویبارحسن

۳۸۷

۱ گلبرگ را ز سنبل مشکین نقاب کن
یعنی که رخ بپوش و جهانی خراب کن
۲ بگشا به شیوه نرگس پرخواب مست را
وز رشک چشم نرگس رعنا به‌خواب کن
۳ بفشان عرق ز چهره و اطراف باغ را
چون شیشه‌های دیدهٔ ما پر گلاب کن
۴ ایّام گل چو عمر به رفتن شتاب کرد
ساقی به دور بادهٔ گلگون شتاب کن
۵ بوی بنفشه بشنو و زلف نگار گیر
بنگر به رنگ لاله و عزم شراب کن
۶ زانجا که رسم و عادت عاشق‌کشی تست
با دشمنان قدح‌کش و با ما عتاب کن
۷ همچون حباب دیده به روی قدح گشای
وین خانه را قیاس اساس از حباب کن
۸ حافظ وصال می‌طلبد از ره دعا
یا رب دعای خسته‌دلان مستجاب کن

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن تا بیت پنجم مطابق است با نسخه‌های ب،ز،ی وسه بیت آخر مطابق بانسخهٔ ل است. با ترتیب متن‌نسخه‌های ب،ز بیت۶ ونسخهٔ ی بیت۷ را ندارد، درنسخهٔ ه بیت‌های ۵ و۶ مقدم ومؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ح: ۱،۳،۲،۶،۴،۵ بیت‌های ۷ و۸ را ندارد

ط: ۱،۴،۲،۵،۸ بیت‌های ۳ و۶ و۷ را ندارد

ك: ۱،۳،۲،۶،۴،۵،۷،۸

ل: ۱،۳،۴،۲،۵،۶،۷،۸

م: ۱،۳،۴،۲ بیت‌های ۵ و۶ و۷ و۸ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ح،ك: وانگه نقاب برکش‌وعالم خراب‌کن ط،م: یعنی نقاب درکش وعالم خراب‌کن

۲ـ ح،ك: بگشا زشیوه م: نرگس پرتاب ب،ه،ط: پرخواب خویش را * ح،ط،ك: وز شیوه چشم ی: وز تنگ چشم

۴ـ م: چوعمربرفت وشتاب‌کرد

۶ـ ه،ح،ك: ما بخت خویش وخوی ترا آزموده‌ایم

۷ـ * ه: وین خانه را اساس خراب از حباب‌کن ب،ز،ك: قیاس خراب از

۳۸۸

۱ صبح است ساقیا قدحی پر شراب کن
دور فلک درنگ ندارد شتاب کن

۲ زان پیشتر که عالم فانی شود خراب
ما را ز جام بادهٔ گلگون خراب کن

۳ خورشید می ز مشرق ساغر طلوع کرد
گر برگ عیش می‌طلبی ترک خواب کن

۴ روزی که چرخ از گِلِ ما کوزه‌ها کند
زنهار کاسهٔ سر ما پر شراب کن

۵ ما مرد زهد و توبه و طامات نیستیم
با ما به جام بادهٔ صافی خطاب کن

۶ کار صواب باده پرستیست حافظا
برخیز و روی عزم به‌کار صواب کن

ب،هـ،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق.

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ * ك: ما را بیاد بادهٔ

۵ـ * ب: بجام پردل صافی هـ،ك: بجام بردل سافی

۶ـ * ك: برخیز و زود عزم به‌کار ل: برخیز وعزم جزم

۳۸۹

۱ ز در درآی و شبستان ما منوّر کن
هوای مجلس روحانیان معطّر کن

۲ به‌چشم و ابروی جانان سپرده‌ام دل و جان
بیا بیا و تماشای طاق و منظر کن

۳ ستارهٔ شب هجران نمی‌فشاند نور
به بام قصر برآی و چراغ مه برکن

۴ بگو به خازن جنّت که خاک این مجلس
به تحفه بر سوی فردوس و عود مجمر کن

۵ فضول نفس حکایت بسی کند ساقی
تو کار خود مده از دست و می به‌ساغر کن

۶ وگر فقیه نصیحت کند که عشق مباز
پیاله‌ای بدهش گو دماغ را تر کن

۷ چو شاهدان چمن زیردست حسن تو اند
کرشمه بر سمن و جلوه بر صنوبر کن

۸ ازین مزوّجه و خرقه نیک در تنگم
به یک کرشمهٔ صوفی‌کشم قلندر کن

۹ پس از ملازمت عیش و عشق مهرویان
ز کارها که کنی شعر حافظ از بر کن

ب،ج،ه،ز،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ب. با ترتیب متن نسخهٔ ج بیت ۷ را ندارد و درنسخهٔ ز بیت‌های ۷ و ۸ مقدم ومؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ه: ۱،۲،۴،۳،۷،۵،۶،۹ بیت ۸ را ندارد

ط: ۱،۶،۲،۳،۴،۸،۹ بیت‌های ۵ و۷ را ندارد

ی: ۱،۲،۴،+،۷،۳،۵،۶،۸،۹

ك: ۱،۳،۴،⊕،۲،×،۵،*،۸،۹ بیت‌های ۶ و۷ را ندارد

ل: ۱،۶،۲،۳،۴،۸،۷،۵،+،×،*،۹

م: ۱،۲،⊗،۳،۴،۷،۵،۶،۸ بیت ۹ را ندارد

+ حجاب دیدهٔ ادراك شد شعاع جمال بیا و خـرگه خـورشید را منور کن

که درنسخهٔ ی «بیا وخرقهٔ خورشید» آمده است.

× طمع به‌قند وصـال تو حـد ما نبود حـوالتم بـه‌لب لعل همچو شکرکن

درنسخهٔ ك «به‌نقد وصال توحد من ـ حواله‌ایم بدان لعل» آمده است.

* لب پیاله ببوس‌آنگـهـی به مستان ده بـدین دقیقه دمـاغ معـاشران ترکن

درنسخهٔ ك «بدین دقیقه مشام خرد معطرکن»آمده است.

⊕ ازآن‌شمایل‌الطاف‌وخلق‌خوش‌که‌تراست هـوای مجلس روحـانیان معطـر کـن

⊗ ز خـاك مجلس ما ای نسیم باغ بهشت بـه تحفه برسوی رضـوان وعـود مجمرکن

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ه،ز،ط،ی،ك،ل: ز درآو * ه،ی: دماغ مجلس ط: میان‌گلشن روحانیان ك: میان بزم حریفان چوشمع سربرکن

۲ـ ك: ابروی ساقی ط: سپرده‌ام دلرا * ب: بیا شبها وتماشای ه: بیا شبی وتماشای ز،ی: درآ درآ و تماشای ط: باغ ومنظرکن

۳ـ ط: همی‌فشاند نور * ه،ط،ی،ل: قصر برآو

۴ـ ط: بگو بخازن میخانه خاك آن مجلس ج: که خاك این منزل م: بخاك این مجلس * م: ببرشمامه بفردوس و

۵ـ م: فضول عقل * ی: روبساغرکن

۶ـ ط،ل: اگر فقیه

۷ـ * ی: کرشمهٔ کن وصد جلوه برصنوبرکن ب: درسمن و ه،ز: در چمن و ب،ه،ز: جلوه درصنوبر

۸ـ * ك،ل،م: صوفی وشم ب: مدبرکن

۹ـ ك: پس ازمداومه عیش وعشق ج: ملازمت این عیش وعشق

۳۹۰

۱ ای نور چشم من سخنی هست و گوش کن
چون ساغرت پر است بنوشان و نوش کن

۲ پیران سخن ز تجربه گویند و گفتمت
هان ای پسر که پیر شوی پند گوش کن

۳ بر هوشمند، سلسله ننهاد دست عشق
خواهی که زلف یار کشی ترک هوش کن

۴ تسبیح و خرقه لذّت مستی نبخشدت
همّت درین عمل طلب از می فروش کن

۵ برگ نوا تبه شد و ساز طرب نماند
ای چنگ ناله برکش و ای دف خروش کن

۶ در راه عشق وسوسهٔ اهرمن بسیست
پیش آی و گوش دل به پیام سروش کن

۷ ساقی که جامت از می صافی تهی مباد
چشم عنایتی به من دُردنوش کن

۸ سرمست در قبای زرافشان چو بگذری
یک بوسه نذر حافظ پشمینه پوش کن

ب،ج،د،ه،و،ز،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ج،ز، اما در نسخهٔ ب بیت ۷ نیست. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

د: ۱،۲،۳،۷،۵،۶،۸ بیت ۲ را ندارد
ه: ۱،۲،۳،۷،۴،۵،+،۶،۸
و: ۱،۲،۶،۴،۵،۷،۳،۸
ط: ۱،۶،۵،۴،۷،۸ بیت‌های ۲ و ۳ را ندارد
ی: ۱،۲،۶،۴،۷،۳،+،۸ بیت ۵ را ندارد
ك: ۱،۲،۴،۶،۵،۷،۸،۳
ل: ۱،۶،۵،۴،۲،۳،+،۷،۸

+ با دوستان مضایقه درعمر ومال نیست صد جان فدای یار نصیحت نیوش کن

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ج،ز،ط،ك،ل: هست گوش * ز،ی: ساغرت بداست
۲ـ ز،ط،ل: گویند گفتمت
۴ـ * ك: همت درین طلب ز در می‌فروش کن
۵ـ ج،ه،ط،ك: برگ ونوا
۶ـ * ك: هش‌دار و گوش دل ط: پیش آو ه: کام دل د،ه: به پیام وسروش کن
۷ـ * ز: مستم عنایتی

۳۹۱

۱ کرشمه‌ای کن و بازار ساحری بشکن
به غمزه رونق بازار سامری بشکن

۲ به باد ده سر و دستار عالمی یعنی
کلاه‌گوشه به آیین دلبری بشکن

۳ به زلف گوی که آیین سرکشی بگذار
به غمزه گوی که قلب ستمگری بشکن

۴ برون خرام و ببرگوی خوبی از همه کس
سزای حور بده رونق پری بشکن

۵ به آهوان نظر شیر آفتاب بگیر
به ابروان دو تا قوس مشتری بشکن

۶ چو عطرسای شود زلف سنبل از دم باد
تو قیمتش به سر زلف عنبری بشکن

۷ چو عندلیب، فصاحت فروشد ای حافظ
تو قدر او به سخن گفتن دری بشکن

ب،ه،ز،ط،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ه،ط،ك،ل، اما نسخهٔ ط بیت ۷ ونسخهٔ ك بیت ۴ را ندارد. ترتیب نسخهٔ ز چنین است:

۱،۳،۲،۴،۶،۵،۷

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ط،ك: رونق ناموس ل: رونق وناموس
۲ـ ب: بباده ده ك: عالمی وانگه * ل: به‌آئین سروری
۳ـ ز: بزلف‌گو که ره و رسم سرکشی بگذار ه،ط،ك،ل: آئین دلبری بگذار * ز: بغمزه‌گو که سپاه ستمگری
۵ـ ه: بآهویان نظر * ه: باابرویان ب،ز: قوس ومشتری
۶ـ ب: زلف عنبر از دم باد * ط: توقیمتش بسخن‌گفتن دری بشکن ه: توهمتش بسر
۷ـ ك: فصاحت فروش شد ه: دوان شد * ب: تو رونقش بسخن‌گفتن ه: توقدر این

۳۹۲

۱ بالا بلند عشوه‌گر نقش‌باز من
کوتاه کرد قصّهٔ زهد دراز من

۲ دیدی دلا که آخر پیریّ و زهد و علم
با من چه کرد دیدهٔ معشوقه باز من

۳ گفتم به دلق زرق بپوشم نشان عشق
غمّاز بود اشک و عیان کرد راز من

۴ مست است یار و یاد حریفان نمی‌کند
ذکرش بخیر ساقی مسکین‌نواز من

۵ یا رب کی آن صبا بوزد کز نسیم او
گردد شمامهٔ کرمش کارساز من

۶ نقشی بر آب می‌زنم از گریه حالیا
تا کی شود قرین حقیقت مجاز من

۷ می‌ترسم از خرابی ایمان که می‌برد
محراب ابروی تو حضور نماز من

۸ بر خود چو شمع خنده زنان گریه می‌کنم
تا با تو سنگ دل چه کند سوز و ساز من

۹ زاهد چو از نماز تو کاری نمی‌رود
هم مستی شبانه و راز و نیاز من

۱۰ حافظ ز غصّه سوخت بگو حالش ای صبا
با شاه دوست‌پرور دشمن‌گداز من

ب ۱، ب ۲، ج، د، ه، ز، ط، ی، ك، ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است بانسخهٔ ج. با ترتیب متن نسخهٔ ز بیت ۹ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ب ۱: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۰، ۸ — بیت ۹ را نداردارد

ب ۲: ۱ — بقیهٔ بیت‌ها را ندارد

د، ه: ۱، ۲، ۴، ۳، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۰ — بیت ۹ را ندارند

ط: ۱، ۲، ۳، ۷، ۴، ۵، ۶، ۱۰ — بیت‌های ۸ و ۹ را ندارد

ی: ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۳، ۸، ۱۰ — بیت ۹ را ندارد

ك: ۱، +، ۲، ۳، ۶، ۵، ۷، ۹، ۴، ۱۰ — بیت ۸ را ندارد

ل: ۱، ۲، ۷، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۰

+ یاران بناز و نعمت و ما غرق محنتیم — یا رب بساز کار من ای کار ساز من

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ز: عشوه‌گر سرو ناز من

۲ـ * ط: آخر چه کرد دیدهٔ معشوق باز من

۳ـ ج: زرق فروشو نشان — * ك: غماز بود عشق و فرو خواند راز من

ط: اشك عیان

۴ـ * ك: ساقی عاشق نواز من

۵ـ ج، ه: که آن صبا بوزد — ز: که آن صبا چه بود — ل: کز نسیم آن

* ك: آرد شمامهٔ ز سوی کار ساز من

۸ـ د، ه: من همچو شمع — ج: گریه زنان خنده میکنم — ز: گریه میزنم

۹ـ * ج، ك: شبانه و سوز و نیاز من

۱۰ـ ط، ل: حافظ ز گریه سوخت

۳۹۳

۱ چون شوم خاک رهش دامن بیفشاند ز من
ور بگویم دل بگردان رو بگرداند ز من

۲ روی رنگین را به هر کس می‌نماید همچو گل
ور بگویم بازپوشان بازپوشاند ز من

۳ چشم خود را گفتم آخر یک نظر سیرش ببین
گفت می‌خواهی مگر تا جوی خون راند ز من

۴ او به خونم تشنه و من بر لبش تا چون شود
کام بستانم ازو یا داد بستاند ز من

۵ گر چو شمعش پیش میرم بر غمم خندد چو صبح
ور برنجم خاطر نازک برنجاند ز من

۶ گر چو فرهادم به تلخی جان برآید باک نیست
بس حکایت‌های شیرین باز می‌ماند ز من

۷ دوستان جان داده‌ام بهر دهانش بنگرید
کاو به چیزی مختصر چون باز می‌ماند ز من

۸ ختم کن حافظ که گر زین دست باشد درس شوق
عشق در هر گوشه‌ای افسانه‌ای خواند ز من

ب،ج،د،ز،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،د،ز** اما این نسخه‌ها بیت ۷ را ندارند. با ترتیب متن نسخه‌های **ج،ط** بیت ۶ و نسخهٔ **ك** بیت‌های ۵ و ۶ را ندارد، در نسخهٔ **ل** بیت‌های ۵ و ۶ مقدم و مؤخر است. ترتیب نسخهٔ **ی** چنین است:

۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۶، ۸

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ **ك:** خاك درش   * **ز،ط،ك:** رخ بگرداند ز من

۲ـ * **ك:** گر بگویم

۴ـ **ب:** جان فدایی وار خواهم بر سر زلفش فشاند   **ج:** تا چون شوم

* **ب:** داد بستانم

۵ـ **ط:** گر چو شمعم   **ج:** در غمم خندد   **ل:** بر غمم خندان شود

۶ـ **ب:** بر آید حیف نیست

۷ـ **ج،ی،ك:** جان دادم از بهر دهانش

۸ـ **ك،ل:** صبر کن حافظ   **ج:** اگر زین دست باشد درد عشق   **د،ل:** درس غم   **ز،ك:** درس عشق

۳۹۴

۱ نکته‌ای دلکش بگویم خال آن مهرو ببین
عقل و جان را بستهٔ زنجیر آن گیسو ببین

۲ عیب دل کردم که وحشی وضع و صحرائی مباش
گفت چشم شیرگیر و غنج آن آهو ببین

۳ حلقهٔ زلفش تماشاخانهٔ باد صباست
جان صد صاحبدل آنجا بستهٔ یک مو ببین

۴ عابدان آفتاب از دلبر ما غافلند
ای ملامتگر خدا را رو مبین آن رو ببین

۵ زلف دل دزدش صبا را بند برگردن نهاد
با هواخواهان رهرو حیلت هندو ببین

۶ این که من در جست‌جوی او ز خود بیرون شدم
کس ندیدست و نبیند مثلش از هر سو ببین

۷ حافظ ار در گوشهٔ محراب می‌نالد رواست
ای ملامتگر خدا را آن خم ابرو ببین

۸ از مراد شاه منصور ای فلک سر بر متاب
تیزی شمشیر بنگر قوّت بازو ببین

ب،ط،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ط،ل. ترتیب نسخهٔ ك چنین است:
۱،۴،۵،۶،۷ بیت‌های ۲ و ۳ و ۸ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ك: جان صد صاحب دل انجا بستهٔ هرمو به بین
۲ـ ك،ل: هرجائی مباش ط: شیدایی مباش * ب: گفت چشم مست وروی وقنج ط: چشم شبرمست وغنج
۳ـ *ب: جان صاحب‌دل درانجا ب،ط: بستهٔ هرمو ببین
۴ـ * ل: ای ملامت‌گو ب: خدا را رومبین ورو ببین ك: خدا را روی آن مه‌رو به‌بین
۵ـ ب،ك: زلف دلدوزش ب: بند درگردن برد * ك: تا هواخواهان ل: با هواداران رهروحیلهٔ هندوببین
۶ـ ب،ط،ك: ای‌که من ط،ك: زخود یکسوشدم ل: زخود فارغ شدم
۷ـ * ل: ای نصیحت‌گو
۸ـ ط: رو برمتاب

۳۹۵

۱ شراب لعل کش و روی مه‌جبینان بین
خلاف مذهب آنان جمال اینان بین

۲ به زیر دلق ملمّع کمندها دارند
درازدستی این کوته‌آستینان بین

۳ به خرمن دو جهان سر فرو نمی‌آرند
دماغ و کبر گدایان و خوشه چینان بین

۴ گره ز ابروی مشکین نمی‌گشاید یار
نیاز اهل دل و ناز نازنینان بین

۵ حدیث عهد محبّت ز کس نمی‌شنوم
وفای صحبت یاران و همنشینان بین

۶ اسیر عشق شدن چارهٔ خلاص من است
ضمیر عاقبت‌اندیش پیش بینان بین

۷ غبار خاطر حافظ ببرد صیقل عشق
صفای نیت پاکان و پاک دینان بین

ب،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ط،ك،ل. با ترتیب متن نسخهٔ ی بیت ۶ و نسخهٔ م بیت‌های ۱ و ۲ و ۳ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ **ب:** شراب لعل وش * **ب:** اینان جمال‌آنان
۲ـ ***ی:** دراز دستی‌آن
۳ـ * **ط،ك:** دماغ کبر
۴ـ **ط،ل:** بهای نیم کرشمه هزارجان طلبند **ك:** زره ز ابروی مسکین
۵ـ **ك:** حدیث اهل محبت ز کس نمی‌شنوند **ل:** حقوق صحبت ما را به‌باد داد وبرفت **م:** عهد مودت
۷ـ **ط:** کدورت از دل حافظ ببرد همت دوست **ك:** کدورت از دل حافظ ببرد صیقل عشق **ل:** کدورت ازدل حافظ ببرد صحبت دوست ***ك،م:** صفای آینهٔ‌پاك پاك بینان‌بین **ل:** صفای همت‌پاکان و **ب،ی:** پاك بینان‌بین

٣٩٦

۱ می‌فکن بر صف رندان نظری بهتر ازین
بر در میکده می‌کن گذری بهتر ازین

۲ در حق من لبت این لطف که می فرماید
سخت خوب است و لیکن قدری بهتر ازین

۳ آنکه فکرش گره از کار جهان بگشاید
گو درین نکته بفرما نظری بهتر ازین

۴ دل بدان رود گرامی چه کنم گر ندهم
مادر دهر ندارد پسری بهتر ازین

۵ ناصحم گفت که جز غم چه هنر دارد عشق
برو ای خواجهٔ عاقل هنری بهتر ازین

۶ من چو گویم که قدح نوش و لب ساقی بوس
بشنو ای جان که نگوید دگری بهتر ازین

۷ کلک حافظ شکرین میوه نباتیست بچین
که درین باغ نبینی ثمری بهتر ازین

ب،ج،ه،ز،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ج،ز،ك. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ه: ۱،۲،۴،۵،۳،۶،۷

ط،ل: ۱،۲،۳،۵،۴،۶،۷

ی: ۱،۳،۲،۴،۵،۶،۷

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ج: می‌فکن درصف ی: فکن اندرصف

۲ـ ط: لبت ازلطف همی‌فرماید ك: آن لطف ه: این حکم که‌می‌فرماید
* ز: گو درین نکته بفرما نظری بهتر ازین ك: نیك وخوبست ولیکن

۳ـ ب: انکه سحرش گره از ه: ازکارجهانی‌بگشاد * ز: سخت خوبست ولیکن قدری بهتر ازین ط: که درین‌کاربفرما ی،ل: گو درین کاربفرما

۴ـ ج،ز: دل بدین رود * ط: مادر دهر نزاید پسری

۵ـ ی: گفت بجز غم * ك: بشنو ای خواجه ز: خواجهٔ غافل

۶ـ ز: من‌بگویم ط،ك: من چه‌گویم ب: من نگویم که قدح گیرو
ه،ز،ك: ساغرنوش * ج: بشنو ارزانك بگوید
ط،ل: بشنو ازمن

۷ـ ه: شکرش میوه ی: مگرش میوه ز،ی: نباتست ب: نباتیست بجو ج: نباتیست بخر ط: نباتیست بچش * ی: باغ نه‌چینی

۳۹۷

۱ به جان پیر خرابات و حقّ نعمت او
که نیست در سر ما جز هوای خدمت او
۲ بهشت اگر چه نه جای گناهکاران است
بیار باده که مستظهرم به همّت او
۳ چراغ صاعقهٔ آن سحاب روشن باد
که زد به خرمن ما آتش محبّت او
۴ بیار باده که دوشم سروش عالم غیب
نوید داد که عام است فیض رحمت او
۵ بر آستانهٔ میخانه گر سری بینی
مزن به پای که معلوم نیست نیت او
۶ مکن به چشم حقارت نگاه در من مست
که نیست معصیت و زهد بی‌مشیت او
۷ مدام خرقهٔ حافظ به باده در گرو است
مگر ز خاک خرابات بود طینت او
۸ نمی‌کند دل ما میل زهد و توبه ولی
به نام خواجه بکوشیم و فرّ دولت او

ب۱،ب۲،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق‌است با نسخهٔ ب۲. با ترتیب متن نسخه‌های ب۱،ج بیت ۸ را ندارند و درنسخهٔ ه بیت‌های ۴ و ۵ مقدم ومؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

د،ح،ك: ۱، ۲، ۳، ۵، ۴، ۶، ۷ بیت ۸ را ندارند

ز: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، +، ۷، ۸

ی: ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۴، +، ×، ۷ بیت ۸ را ندارد

ط: ۱، ۲، ۳، *، ۵، ۴، ۶، ۷ بیت ۸ را ندارد

ل: ۱، ۲، ۳، ۵، ۴، ۶، ۸، ۷

+ صدآفرین خدا بر بلای آن طوفان که زد بخرمن ما آتش محبت او

که درنسخهٔ ی «بخرمن من» آمده است.

× دلا طمع مبر از لطف بی‌نهایت دوست کـه هست مشتمل حـال فیض رحمت او

* بخرمن دوجهان سرفرونمی‌آرند مصرع دوم ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ط،ل: حق صحبت او * ب۱،ح،ی،ل: درسرمن خدمت او ط: جزخیال

۲ـ * ح: که مستظهرم برحمت او

۳ـ ب۱: این سحاب د،ه،ح،ط،ك: صدآفرین خـدا بربلای‌آن طوفان

* :ب۱،ب۲،ی: بخرمن من

۴ـ ل: بیا که دوش به‌مستی سروش عالم غیب

۶ـ ب۱: برمن مست

۷ـ ی: زباده * ح: مگر زآب خرابات ب۱،ب۲،ز،ی،ك،ل: فطرت او

۸ـ ل: نمی‌کند دل من * ه: بنام شاه

۳۹۸

۱ گفتا برون شدی به تماشای ماه نو
از ماه ابروان منت شرم باد رو

۲ عمریست تا دلت ز اسیران زلف ماست
غافل ز حفظ جانب یاران خود مشو

۳ مفروش عطر عقل به هندوی زلف ما
کانجا هزار نافهٔ مشکین به نیم جو

۴ تخم وفا و مهر درین کهنه کشته‌زار
آنگه عیان شود که رَسَد موسم درو

۵ ساقی بیار باده که رمزی بگویمت
از سرّ اختران کهن‌سیر و ماه نو

۶ شکل هلال هر سرِ مه می‌دهد نشان
از افسر سیامک و ترگ کلاه زو

۷ حافظ جناب پیرِ مغان مأمن وفاست
درس حدیث عشق بر او خوان و زو شنو

ب،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با تمام نسخه‌های فوق.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ب: گفتم برون شدی
۲ـ ك: تا دلم ز اسیران زلف تست　　ب: زیسیران ملك ماست　　* ط: غافل زخط جانب یاران ما مشو
۳ـ ط: مفروش خط عقل　　ك: زلف یار
۴ـ ج : درین کشته‌زار عمر　　ی: درین کشته زارنیست　　* ی: آنگـه شود عیان　　ح،ط،ل: که بود موسم
۵ـ * ط،ك: ازسیر اختران　　ك: کهن سال و
۶ـ ط: شکل هلال در سرهرمه دهد نشان　　ی: هلال برسرمه　　* ب،ط: پر کلاه زو　　ك: فرکلاه
۷ـ * ب: عشق بدوخوان

۳۹۹

۱ مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو
یادم از کشتهٔ خویش آمد و هنگام درو

۲ گفتم ای بخت بخسبیدی و خورشید دمید
گفت با این همه از سابقه نومید مشو

۳ آنچنان رو شب رحلت چو مسیحا به فلک
کز چراغ تو به خورشید رسد صد پرتو

۴ تکیه بر اختر شب‌دزد مکن کاین عیّار
تخت کاووس ببرد و کمر کیخسرو

۵ گوشوار زر و لعل ار چه گران دارد گوش
دور خوبی گذران است نصیحت بشنو

۶ چشم بد دور ز خال تو که در عرصهٔ حسن
بیدقی راند که برد از مه و خورشید گرو

۷ آسمان گو مفروش این عظمت کاندر عشق
خرمن مه به جوی خوشهٔ پروین به دو جو

۸ آتش زهد ریا خرمن دین خواهد سوخت
حافظ این خرقهٔ پشمینه بینداز و برو

ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ه،ط،ل، اما نسخهٔ ه بیت‌های ۴ و ۷ را ندارد، ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ب،ج: ۱،۴،۲،۳،۷،۵،۶،۸

د،ز: ۱،۲،۴،۳،۷،۵،۶،۸

ح،ك: ۱،۲،۴،۳،۷،۶،۵،۸

ی: ۱،۲،۴،۳،۷،۸ بیت‌های ۵ و ۶ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ز: فلك دیدم وهنگام درو * ج: آمد هنگام درو

۲ـ د،ی،ل: بخفتیدی و ط: مخفتیدی و درخواب شدی ه: خورشید رسید

۳ـ ج: آنچنان شو د،ه،ط،ل: گرروی پاك ومجرد چومسیحا ح: که مسیحا * د،ه،ل: ازچراغ تو ح: کزحباب تو ك: کز فروغ تو ی: رسد از روشنی‌حسن تو ما را پرتو

۴ـ ب،د: شب‌گرد مکن ز: کان عیار * ط،ل: تاج کاوس

۵ـ ب: از زر ولعل * ب: دورخوبان

۸ـ د،ه،ح،ك: زهد و ریا

۴۰۰

۱ ای آفتاب آینه‌دار جمال تو
مشک سیاه مجمره‌گردان خال تو

۲ صحن سرای دیده بشستم ولی چه سود
کاین گوشه نیست در خور خیل خیال تو

۳ در اوج ناز و نعمتی ای آفتاب حُسن
یا رب مباد تا به قیامت زوال تو

۴ مطبوع‌تر ز نقش تو صورت نبست باز
طغرانویس ابروی مشکین مثال تو

۵ در چین زلفش ای دل غمگین چگونه‌ای
کاشفته گفت باد صبا شرح حال تو

۶ برخاست بوی گل ز در آشتی درآی
ای نوبهار ما رخ فرخنده فال تو

۷ تا آسمان ز حلقه بگوشان ما شود
کو عشوه‌ای ز ابروی همچون هلال تو

۸ تا پیش بخت بازروم تهنیت کنان
کو مژده‌ای ز مقدم عید وصال تو

۹ این نقطهٔ سیاه که آمد مدار نور
عکسیست در حدیقهٔ بینش ز خال تو

۱۰ در صدر خواجه عرض کدامین جفا کنم
شرح نیازمندی خود یا ملال تو

۱۱ حافظ درین کمند سر سرکشان بسیست
سودای کج مپز که نباشد مجال تو

ب،ج،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ل. با ترتیب متن نسخهٔ ج بیت‌های ۵ و۶ و۷ و۸ و۹ ونسخهٔ ح بیت‌های ۴ و۷ و۸ و۹ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ب،ز،ك: ۱،۲،۳،۵،۶،۴،۱۰،۱۱ بیت‌های ۷ و۸ و۹ را ندارد

ه: ۱،۲،۳،۵،۸،۷،۶،۴،۱۰،۱۱ بیت ۹ را ندارد

ط: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۱۱،۱۰ بیت‌های ۷ و۸ و۹ را ندارد

ی: ۱،۹،۸،۷،۲،۳،۵،۶،۴،۱۰،۱۱

ن: ۱،۲،۳،۶،۴،۵،۱۱ بیت‌های ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ط: سرای چشم بشستم * ج: کین گفته

۳ـ ه،ط،ك،ل،ن: ای پادشاه حسن

۵ـ ط،ل: ای دل مسکین *ن: حسب حال تو

۶ـ ن: درآ *با رخ

۹ـ ی: آن نقطهٔ سیاه

۱۰ـ ب،ز: درپیش خواجه ه،ل: درپیش شاه ط: برعدل خواجه

ج: عرض کدامین حرا کنم ط: عرض کدامین خطا کنم

۱۱ـ ج،ی،ك: سر سرکشان به‌بین

۴۰۱

۱ ای خونبهای نافهٔ چین خاک راه تو
خورشید سایه پرور طرف کلاه تو

۲ نرگس کرشمه می‌برد از حد برون خرام
ای جان فدای شیوهٔ چشم سیاه تو

۳ خونم بخور که هیچ مَلَک با چنان جمال
از دل نیایدش که نویسد گناه تو

۴ آرام و خواب خلق جهان را سبب توئی
زان شد کنار دیده و دل تکیه گاه تو

۵ با هر ستاره‌ای سر و کاریست هر شبم
از حسرت فروغ رخ همچو ماه تو

۶ یاران همنشین همه از هم جدا شدند
مائیم و آستانهٔ دولت پناه تو

۷ حافظ طمع مبر ز عنایت که عاقبت
آتش زند به خرمن غم دود آه تو

ب،ج،د،هـ،ز،ح،ط،ی،ك،ل،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با همهٔ نسخه‌های فوق، اما با ترتیب متن نسخهٔ **ب** بیت ۶ و نسخهٔ **ج** بیت‌های ۵ و ۶ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ * **ح،ط،ك:** خورشید درحمایت

۲ــ **ن:** کرشمه می‌کند * **ح،ط،ك،ل:** ای من فدای

۳ــ **ز:** خونم مخور **ط:** ملك را چنین **د،هـ،ح،ك،ن:** با چنین

۴ــ **ط،ك:** آرام وصبر **ط:** خلق جهان زان شدت یقین **ن:** آرام جان

۵ــ **د،ز،ح،ی،ك،ل:** سروکارست * **ط:** ازصورت فروغ

۶ــ **ح،ك:** همه ازما جدا شدند * **ط:** آستانهٔ عالم پناه تو

۷ــ **ح،ط،ك:** حافظ مبرطمع زعنایت * **ط:** بخرمن ما دود **ح:** دود و آه تو **ی:** دوزآه تو

۴۰۲

۱ ای قبای پادشاهی راست بر بالای تو
تاج شاهی را فروغ از گوهر والای تو

۲ آفتاب فتح را هر دم طلوعی می‌دهد
از کلاه خسروی رخسار مه سیمای تو

۳ گر چه خورشید فلک چشم و چراغ عالم است
روشنائی بخش چشم اوست خاک پای تو

۴ جلوه‌گاه طایر اقبال گردد هر کجا
سایه اندازد همای چتر گردون‌سای تو

۵ در رسوم شرع و حکمت با هزاران اختلاف
نکته‌ای هرگز نشد فوت از دل دانای تو

۶ آب حیوانش ز منقار بلاغت می‌چکد
طوطی خوش لهجه یعنی کلک شکّرخای تو

۷ آنچه اسکندر طلب کرد و ندادش روزگار
جرعه‌ای بود از زلال جام جان افزای تو

۸ عرض حاجت در حریم حضرتت محتاج نیست
راز کس مخفی نماند با فروغ رای تو

۹ حافظ اندر حضرتت لاف غلامی می‌زند
بر امید عفو جان‌بخش جهان‌بخشای تو

ب،ه،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن تا بیت ۵ مطابق است با نسخه‌های ب،ه،ی. با ترتیب متن نسخه‌هـای ب،ی بیت‌های ۶ و۷، نسخهٔ ه بیت ۷، نسخهٔ ك بیت‌های ۳ و۶ و۷ را ندارد.
ترتیب نسخه‌های ط،ل چنین است:
۱،۲،۴،۵،۶،۳،۷،۸،۹

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ط،ل: زینت تاج ونگین ازگوهر **ب،ه:** ازلولوه لالای تو
۲ـ ط: آفتاب‌صبح *** ط:** درکلاه خسروی **ك:** این کلاه خسروی‌مقدارمه
۳ـ * ط: روشنائی بخش‌آب اوست
۴ـ ط: طایرچرخ‌آشیان شد هرکجا **ط،ل:** طایر اقبال باشد **ی:** طایر افلاك‌گردد *** ه،ی:** سایه اندازد بجایی
۵ـ ط،ل: از رسوم
۶ـ ط: زمنقارملاحت
۸ـ * ك: مخفی‌نماند بردل بینای تو **ط:** برفروغ
۹ـ ط،ل: خسروا پیرانه سرحافظ جوانی می‌کند *** ط:** گنه بخشای تو
*** ل:** گنه فرسای تو

۴۰۳

۱ تاب بنفشه می‌دهد طرّهٔ مشکسای تو
پردهٔ غنچه می‌درد خندهٔ دلگشای تو

۲ ای گل خوش نسیم من بلبل خویش را مسوز
کز سر صدق می‌کند شب همه شب دعای تو

۳ من که ملول گشتمی از نفس فرشتگان
قال و مقال عالمی می‌کشم از برای تو

۴ مهر رخت سرشت من خاک درت بهشت من
عشق تو سرنبشت من راحت من رضای تو

۵ دلق گدای عشق را گنج بود در آستین
زود به سلطنت رسد هر که بود گدای تو

۶ شاه‌نشین چشم من تکیه‌گه خیال تست
جای دعاست شاه من بی‌تو مباد جای تو

۷ شور شراب عشق تو آن نفسم رود ز سر
کاین سر پرهوس شود خاک در سرای تو

۸ خوش چمنیست عارضت خاصه که در بهار حسن
حافظ خوش کلام شد مرغ سخن سرای تو



۹ دولت عشق بین که چون از سر فقر و افتخار
گوشهٔ تاج سلطنت می‌شکند گدای تو

۱۰ خرقهٔ زهد و جام می گر چه نه درخور هم‌اند
این همه نقش می‌زنم از جهت رضای تو

ب،ج،ه،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن تا بیت ۸ مطابق است با نسخهٔ ب. دوبیت ۹ و ۱۰ ازنسخه‌های ه،ل به آن افزوده شده است. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ج: ۱،۳،۴،۵،۶،۷،۸ بیت‌های ۲ و۹ و۱۰ را ندارد
ه: ۱،۲،۳،۴،۱۰،۹،۵،۶،۷،۸
ح: ۱،۲،۱۰،۳،۴،۵،۶،۸ بیت‌های ۷ و۹ را ندارد
ط: ۱،۲،۱۰،۷،۸ بیت‌های ۳ و۴ و۵ و۶ و۹ را ندارد
ی: ۱،۲،۳،۴،۱۰،۵،۶،۸،۷ بیت ۹ را ندارد
ك: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۸ بیت ۷ ،۹،۱۰ را ندارد
ل: ۱،۲،۳،۹،۱۰،۷،۶،۸ بیت‌های ۴ و۵ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ط: بنفشه می‌برد
۲ـ * ح،ك: هرسحری دعای تو
۳ـ * ه،ح: قال‌مقال ح: عالمی گشته‌ام از ب: عالمی‌من‌بکشم برای‌تو
۴ـ ج: خاك تو سرنوشت من خاك درت ح،ك: عشق توسرنوشت من خاك درت * ج،ه،ی: سرنوشت ح،ك: مهر رخت سرشت من راحت ج: راحت جان
۵ـ * ی: زود رسد بسلطنت
۷ـ ط: شوروشرار وسوزعشق ب،ج،ی: شراب وسوزعشق ه: شراب وشورعشق ط: رود زهاد
۸ـ ط: کام بران ونام جوخاصه‌که اندرین زمن * ج: حافظ خوش‌سخن بود
۹ـ ه: که چون ازسرومغزمحتشم * ه: تاج وسلطنت
۱۰ـ ه: خرقه و زهد وجام می

۴۰۴

۱ مرا چشمیست خون افشان زدست آن کمان ابرو
جهان پرفتنه خواهد شد از این چشم و از آن ابرو

۲ غلام چشم آن ترکم که در خواب خوش مستی
نگارین گلشنش رویست و مشکین سایبان ابرو

۳ هلالی شد تنم زین غم که با طغرای مشکینش
که باشد مه که بنماید ز طاق آسمان ابرو

۴ رقیبان غافل و ما را از آن چشم و جبین هر دم
هزاران گونه پیغام است و حاجب در میان ابرو

۵ روان گوشه‌گیران راجبینش طرفه گلزاریست
که بر طرف سمن‌زارش همی گردد چمان ابرو

۶ دگر حور و پری را کس نگوید با چنین حسنی
که‌این را این‌چنین چشم است و آن‌را آن‌چنان ابرو

۷ تو کافر دل نمی‌بندی نقاب زلف و می‌ترسم
که محرابم بگرداند خم آن دلستان ابرو

۸ اگر چه مرغ زیرک بود حافظ در هواداری
به تیر غمزه صیدش کرد چشم آن کمان ابرو

ب،ه،ح،ط،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ **ل**. با ترتیب متن نسخهٔ **ب** بیت ۷، نسخهٔ **ح** بیت ۵، نسخهٔ **ط** بیت‌های ۵ و ۶ ونسخهٔ **ك** بیت‌های ۶ و ۷ را ندارد. ترتیب **ه** چنین است:

۱،۲،۳،۶،۴،۵،۸ بیت ۷ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * **ه،ح،ط،ل:** جهان بس فتنه خواهد دید ازآن چشم و

۲ـ * **ك:** نگارین‌گلشن رویست ومسکین

۳ـ **ب:** منم زین غم **ح:** تنم زآنرو **ل:** طغرای ابرویش

۴ـ **ب:** رفیقان غافل و **ح:** رقیبان غافلند ازما کزآن چشم و **ك:** غافل و یاران ازان

۵ـ **ك:** رواق گوشه‌گیرانرا زحسنش * **ب،ه،ك:** که برطرف چمن‌سارش

۶ـ **ب،ه،ح:** با چنان حسنی * **ه،ح:** که‌آنرا این چنین **ح:** چنین حسنست و **ه:** چشمست و این را

۷ـ **ح:** نقاب و زین همی‌ترسم **ط:** نقاب حسن و

۸ـ **ح:** حافظ در وفاداری

۴۰۵

۱ خطّ عذار یار که بگرفت ماه ازو
خوش حلقه‌ایست لیک به در نیست راه ازو

۲ ابروی دوست گوشهٔ محراب دولت است
آنجا بمال چهره و حاجت بخواه ازو

۳ ای جرعه نوش مجلس جم سینه پاک دار
کایینه ایست جام جهان بین که آه ازو

۴ صوفی مرا به میکده برد از طریق عشق
این دوده بین که نامهٔ من شد سیاه ازو

۵ شیطان غم هر آنچه تواند بگو بکن
من برده‌ام به باده فروشان پناه ازو

۶ ساقی چراغ می به ره آفتاب دار
گو بر فروز مشعلهٔ صبحگاه ازو

۷ آبی به روزنامهٔ اعمال ما فشان
بتوان مگر سترد حروف گناه ازو

۸ حافظ که ساز مجلس عشّاق راست کرد
خالی مباد عرصهٔ این بزمگاه ازو

۹ آیا درین خیال که دارد گدای شهر
روزی بود که یاد کند پادشاه ازو

ب،ج،د،هـ،ز،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق‌است با نسخه‌های ج،ط،ل. با ترتیب متن در نسخه‌های ب،ز،ك بیت‌های ۴ و ۵ مقدم ومؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

د: ۱،۲،۳،۶،۴،۷،۵،۹،۸

هـ: ۱،۲،۳،۵،۴،۶،۷،۹،۸

ی: ۱،۳،۵،۴،۶،۸،۹ بیت‌های ۲ و ۷ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ج: لیکن ط: برون نیست راه ازو

۳ـ * د: جهان‌بین و آه

۴ـ ط،ل: کردار اهل صومعه‌ام کـرد می‌پرست د،ی: ازطریق عقل

* ب،د،هـ،ط،ی،ل: این دودبین ط: که نامهٔ ما شد

۵ـ ب،ز،ط،ی،ك،ل: سلطان غم

۶ـ ط: چراغ من ب: می بیرآفتاب * ی: باشد تـوان سترد حـروف گناه ازو

۷ـ * د،هـ،ل: باشد توان سترد ك: بتوان سترد بو که حروف

۸ـ ط،ل: سازمطرب عشاق ی: سازومجلس ج،ط،ل: عشاق سازکرد

۴۰٦

۱ گلبن عیش می‌دمد ساقی گلعذار کو
باد بهار می‌وزد بادهٔ خوشگوار کو

۲ هر گل نو ز گلرخی یاد همی کند ولی
گوش سخن شنو کجا دیدهٔ اعتبار کو

۳ مجلس بزم عیش را غالیهٔ مراد نیست
ای دم صبح خوش نفس نافهٔ زلف یار کو

۴ حسن فروشی گلم نیست تحمّل ای صبا
دست زدم به خون دل بهر خدا نگار کو

۵ خیز که شمع صبحدم لاف ز عارض تو زد
خصم زبان دراز شد خنجر آبدار کو

۶ گفت مگر ز لعل من بوسه نداری آرزو
مُردم ازین هوس ولی قدرت و اختیار کو

۷ حافظ اگر چه در سخن خازن گنج حکمت است
از غم روزگار دون طبع سخن گزار کو

ب،ه،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ه،ی،ل. با ترتیب متن درنسخهٔ ح بیت‌های ۶ و ۷ مقدم ومؤخر است، نسخهٔ ط بیت ۶ ونسخهٔ ك بیت ۴ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۳ـ ح،ط،ی،ك: بزم عشق را   ب،ی. غالیه ازهوای تست   * ب: ای دم خوش نفس صبانافهٔ   ی: بادهٔ زلف
۴ـ * ب: بهرخدا شکارکو
۵ـ ح،ك: شمع سحر زخیرگی لاف   ط،ل: شمع سحرگهی اگر
۶ـ ح: زلعل ما   ك: زلعل او   * ه: فرصت اختیارکو   ك: قدرت اختیارکو
۷ـ * ط،ك: سخن‌گذار

۴۰۷

۱ ای پیک راستان خبر سرو ما بگو
احوال گل به بلبل دستان‌سرا بگو
۲ بر این فقیر قصّهٔ آن محتشم بخوان
با این گدا حکایت آن پادشا بگو
۳ ما محرمان خلوت انسیم غم مخور
با یار آشنا سخن آشنا بگو
۴ بر هم چو می‌زد آن سر زلفین مشکبار
با ما سر چه داشت ز بهر خدا بگو
۵ هر کس که گفت خاک ره او نه توتیاست
گو این سخن معاینه در چشم ما بگو
۶ هان بر در است قصّهٔ ارباب معرفت
رمزی برو بپرس حدیثی بیا بگو
۷ مرغ چمن به مویهٔ من دوش می‌گریست
آخر نه واقفی که چه رفت ای صبا بگو
۸ گر دیگرت بران در دولت گذر بود
بعد از ادای خدمت و عرض دعا بگو
۹ در راه عشق فرق غنّی و فقیر نیست
ای پادشاه حسن سخن با گدا بگو
۱۰ آن کس که منع ما ز خرابات می‌کند
گو در حضور پیر من این ماجرا بگو
۱۱ آن می که در سبو دل صوفی به عشوه برد
کی در قدح کرشمه کند ساقیا بگو
۱۲ حافظ گرت به مجلس او راه می‌دهند
می نوش و ترک زرق ز بهر خدا بگو

ب،ه،ح،ط،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ب، اما این نسخه بیت‌های ۴ و۶ و ۱۰ را ندارد، ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ه: ۱،۳،۵،۸،+،۲،۱۰،×،۱۲ بیت‌های ۴ و۶ و۷ و ۹ و۱۱ را ندارد

ح: ۱،۳،۵،۸،۱۰،+،۲،×،۱۲ بیت‌های ۴ و۶ و۷ و ۹ و۱۱ را ندارد

ط: ۱،۳،۴،۵،۶،۸،۱۰،+،۲،۱۲ بیت‌های ۷ و ۹ را ندارد

ل: ۱،۳،۴،۵،۱۰،۸،+،۲،×،۶،۱۲ بیت‌های ۷ و ۹ و ۱۱ را ندارد

+ هرچندما بدیم توما را بدان مگیر شاهانه ماجرای گناه گدا بگو

درنسخهٔ ه «هرچندمانده‌ایم ـ ماجرای‌فقیرگدا» ودرنسخهٔ ط «شاها توماجرای»آمده است.

× جانها زدام زلف چو برخاك می‌فشاند برآن غریب ما چه گذشت ای صبا بگو

درنسخه‌های ه،ح «دلها زدام زلف» و درنسخهٔ ح «برآن عزیزما» آمده است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ح،ط،ل: خبریار ما بگو * ح: بستان سرا

۲ـ ط: این‌فقرنامه را برآن محتشم‌بخوان ه: مایهٔ‌آن‌محتشم ح،ل: نامهٔ آن محتشم

۳ـ ب: ما محرمان‌صوت‌الستیم غم مخور * ه: با ما سرچه داشت‌زبهرخدابگو

۵ـ ه،ح،ط،ل: خاك در دوست توتیاست

۶ـ ل: جان پرورست قصهٔ

۸ـ * ب: بعداز اداء ح: بعد از ثنای حضرت و ه: خلعت ما عجزمابگو

۱۲ـ * ط: می کوش وترك

۴۰۸

۱ خنک نسیم معنبر شمامهٔ دلخواه
که در هوای تو برخاست بامداد پگاه

۲ دلیل راه شو ای طایر خجسته لقا
که دیده آب شد از شوق خاک آن درگاه

۳ به یاد شخص نزارم که غرق خون دل است
هلال را به کنار شفق کنید نگاه

۴ منم که بی تو نفس می‌زنم زهی خجلت
مگر تو عفو کنی ورنه نیست عذر گناه

۵ ز دوستان تو آموخت در طریقت مهر
سپیده‌دم که هوا چاک زد شعار سیاه

۶ به عشق روی تو روزی که از جهان بروم
ز تربتم بدمد سرخ گل به جای گیاه

۷ مده به خاطر نازک ملالت از من زود
که حافظ تو خود این لحظه گفت بسم‌الله

ب،هـ،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق، اما نسخهٔ ح بیت ۵ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ب: بامدادگاه
۲ـ ب: ای طالب خجسته ك: ای طالع * ح،ك: که دیده خاك شداز
م: ازشوق آن در و درگاه ب،هـ،ح،ی: این درگاه
۳ـ ط: نگر بشخص نزارم * هـ،ح،ط،ی،ك،ل،م: زکنار ح: افق
کنند ط: افق کسد ل: افق کنید
۴ـ هـ،ط،ل: نفس می‌کشم * هـ،ح،ط،ك،ل،م: ورنه چیست
۵ـ ب: درطریقت ومهر ط،ك: درطریقهٔ مهر * ك،ل: که صبا چاك
زد ط: که هوا خاك بردمید سیاه
۶ـ ح: زعشق روی تو ط: به‌پیش روی تو روزی‌کزین جهان بروم
۷ـ ط: ملامت از می و رود * ح،ك: که حافظ توهمین لحظه

۴۰۹

۱ عیشم مدام است از لعل دلخواه
کارم به کام است الحمدلله
۲ ای بخت سرکش تنگش به برکش
گه جام زرکش گه لعل دلخواه
۳ ما را به رندی افسانه کردند
پیران جاهل شیخان گمراه
۴ از دست زاهد کردیم توبه
وز فعل عابد استغفرالله
۵ جانا چه گویم شرح فراقت
چشمی و صد نم جانی و صد آه
۶ کافر مبیناد این غم که دیده‌ست
از قامتت سرو از عارضت ماه
۷ شوق لبت برد از یاد حافظ
درس شبانه ورد سحرگاه

ب،هـ،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ح،ك،ل،م. با ترتیب متن نسخهٔ ب بیت‌های ۴ و۶، نسخهٔ هـ بیت ۶ ونسخهٔ ط بیت ۷ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ز: ۱،۲،۳،۵،۶،۴،۷

ی: ۱،+،۲،۵،۶،۳،۴،۷

+ دیشب برویش خوش‌بود وقتم　　　ای وصل جانان صد لوحش‌الله

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ط: عیشم بکامست ازلعل

۲ـ هـ: تنگش به برگیر　ط: تنگم ببرکش　* ب: گه جام می کشت‌گه　ز،ط: گه جام می‌کش گه　ی: زرکش ازلعل　ح،ط: گه‌کام دلخواه

۳ـ ب،ح،ط،ك: ما را بتشنیع　هـ،ز،ی،م: ما را بمستی　* ح: شیخان جاهل پیران گمراه

۴ـ * هـ،م: وز دست عابد　ح،ك: وز قول عابد

۷ـ هـ،ی،ك،م: ذوق لبت　* ب،هـ: ورد شبانه درس سحرگاه

۴۱۰

۱ گر تیغ بارد در کوی آن ماه
گردن نهادیم الحکم لله

۲ آیین تقوی من نیز دانم
لیکن چه چاره با بخت گمراه

۳ من رند و عاشق وانگاه توبه
استغفرالله استغفرالله

۴ ما شیخ و واعظ کمتر شناسیم
یا جام باده یا قصّه کوتاه

۵ الصبّر مرّ والعمر فانٍ
یالیت شعری حتّام القاه

۶ مهر تو عکسی بر ما نیفکند
آیینه رویا آه از دلت آه

۷ عشق لبت برد از یاد حافظ
درس شبانه ورد سحرگاه

ب،ج،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ب، اما این نسخه بیت ۷ را ندارد. با ترتیب متن نسخهٔ ج بیت‌های ۶ و ۷ را ندارد و درنسخه‌های ی،ك بیت‌های ۵ و ۶ مقدم ومؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ز: ۱،۲،۳،۴،۶،+،×،*، — بیت ۵را ندارد

ح: ۱،۲،۳،۴،۶،۵ — بیت ۷ را ندارد

ط،م: ۱،۲،۴،۳،۶،۵،

ل: ۱،۲،۴،۳،۶،۵،۷ — بیت ۷ را ندارد

+ دلق ملمع زنار را هست — صوفی نداند این رسم واین راه

× رخ برنتابیم از راه خدمت — سر برنداریم از خاك درگاه

* وقتی برویش خوش بود وقتم — ای وصل جانان صد لوحش‌الله

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ * ج: نهادیم الحمدلله

۲ــ ح،ك،ل: ما نیزدانیم ط: من نیك دانم * ز: چاره با عیش گمراه

۴ــ ی: عاشق‌آنگاه توبه ل: عاشق درموسم‌گل * ل: آنگاه توبه استغفرالله

۵ــ ز،م: عکسی ز رویت برما نیفتاد ح،ی،ك: عکسی زمهرت برما نیفتاد

۶ــ * ج: حیاه‌القاه

۷ــ ط: ورد رخش برد ك: شوق لبت برد م: عشق رخت برد

* ط،م: ورد شبانه درس سحرگاه

۴۱۱

۱ وصال او ز عمر جاودان به
خداوندا مرا آن ده که آن به

۲ به شمشیرم زد و با کس نگفتم
که راز دوست از دشمن نهان به

۳ شبی می‌گفت چشم کس ندیده‌ست
ز مروارید گوشم در جهان به

۴ دلا دایم گدای کوی او باش
به حکم آنکه دولت جاودان به

۵ به خلدم دعوت ای زاهد مفرمای
که این سیب زنخ زان بوستان به

۶ به داغ بندگی مردن درین در
به جان او که از ملک جهان به

۷ گلی کان پایمال سرو ما گشت
بود خاکش ز خون ارغوان به

۸ خدا را از طبیب من بپرسید
که آخر کی شود این ناتوان به

۹ جوانا سر متاب از پند پیران
که رای پیر از بخت جوان به

۱۰ سخن اندر دهان دوست گوهر
ولیکن گفتهٔ حافظ از آن به

ب،ج،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ز. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ج: ۱،۲،۴،۵،۷،۸،۹،۱۰ بیتهای ۳ و ۶ را ندارد

ه: ۱،۲،۶،۳،۸،۵،۷،۴،۹ بیت ۱۰ را ندارد

ح: ۱،۲،۶،۴،۵،۷،۸،۹،۳،۱۰

ط: ۱،۲،۸،۷،۵،۴،۳ بیتهای ۳ و ۶ و ۱۰ را ندارد

ی: ۱،۲،۳،۸،۵،۴،۶،۹،۷،۱۰

ك: ۱،۲،۶،۴،۵،۷،۸،۹،۱۰ بیت ۳ را ندارد

ل: ۱،۲،۶،۸،۷،۵،۴،۹،۳،+،۱۰

+ اگر چه زنده روداب حیاتست ولی شیراز ما از اصفهان به

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ج: وصال تو

۵ـ ح: بخلدم ای پسر دعوت مفرما ط،ل: مفرما

۶ـ ز،ی: بدین در ح،ك،ل: برین در * ه: بخاك پات کزملك

۷ـ ه،ز،ی: گلی کو ب،ح: سروباشد ج،ز،ط،ك: سرو ما شد

۸ـ ب،ك: ازطبیب ما * ح،ط: آن ناتوان به

۹ـ ه،ط: چوحافظ سرمتاب * ز،ط: که پند پیر ح،ك: پیر با بخت

۱۰ـ ل: دوست شکر

۴۱۲

۱ ناگهان پرده برانداخته‌ای یعنی چه
مست از خانه برون تاخته‌ای یعنی چه

۲ زلف در دست صبا گوش به فرمان رقیب
این چنین با همه در ساخته‌ای یعنی چه

۳ شاه خوبانی و منظور گدایان شده‌ای
قدر این مرتبه نشناخته‌ای یعنی چه

۴ نه سر زلف خود اول تو به دستم دادی؟
بازم از پای درانداخته‌ای یعنی چه

۵ سخنت رمز دهان گفت و کمر سرّ میان
در میان تیغ به ما آخته‌ای یعنی چه

۶ هر کس از مهرهٔ مهر تو به نقشی مشغول
عاقبت با همه کج باخته‌ای یعنی چه

۷ حافظا در دل تنگت چو فرود آمد یار
خانه از غیر نپرداخته‌ای یعنی چه

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق، اما درنسخهٔ ح بیت‌های ۲ و۳ مقدم ومؤخراست.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ح،ك،م: مرکب ازخانه **ح،ك:** بدرتاختهٔ
۴ـ ب،ز: چو سر زلف
۵ـ ه،ح،ك،م: گفت و دهـان سرمیان **ظ:** دهان وکمرت سرمیان
*** ه،ی:** زین میان تیغ **ح:** ازمیان تیغ **ز،ط،ك،ل،م:** و زمیان
ح: تیغ بمن **م:** تیغ جفا
۶ـ ب،ز،ح،ك،م: هرکس از چهره و روی تو **ی:** هرکس از چهره و زلف تو **ط:** بنوعی مشغول
۷ـ ز،ط: چوفرودآید **ه:** آمد باز *** ه:** بپرداختهٔ

۴۱۳

۱ در سرای مغان رُفته بود و آب زده
نشسته پیر و صلائی به شیخ و شاب زده

۲ سبوکشان همه در بندگیش بسته کمر
ولی ز ترک کله چتر بر سحاب زده

۳ شعاع جام و قدح نور ماه پوشیده
عذار مغبچگان راه آفتاب زده

۴ عروس بخت در آن حجله با هزاران ناز
شکسته کسمه و بربرگ گل گلاب زده

۵ ز شور و عربدهٔ شاهدان شیرین کار
شکر شکسته سمن ریخته رباب زده

۶ سلام کردم و با من به روی خندان گفت
که ای خمارکَش مفلس شراب زده

۷ که این کند که تو کردی به ضعف همت و رای
ز گنج خانه شده خیمه بر خراب زده

۸ وصال دولت بیدار ترسمت ندهند
چه خفته‌ای تو در آغوش بخت خواب زده

۹ فلک جنیبه‌کش شاه نصرةالدّین است
بیا ببین ملکش دست در رکاب زده

۱۰ خرد که ملهم غیب است بهر کسب شرف
ز بام عرش صدش بوسه بر جناب زده

۱۱ بیا به میکده حافظ که بر تو عرضه کنم
هزار صف ز دعاهای مستجاب زده

ب،ج،د،ه،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ب. با ترتیب متن نسخهٔ ج بیت ۱۰، نسخه‌های د،ط،ی بیت‌های ۹ و ۱۰، نسخهٔ ه بیت‌های ۸ و ۹ و ۱۰ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ح،ك: ۱،۲،۴،۳،۵،۶،۷،۸،۱۱ بیت‌های ۹ و ۱۰ را ندارند

ل: ۱،۲،۳،۴، + ،۵،۶،۷،۸،۱۱،۹،۱۰

+ گرفته ساغرعشرت‌فرشتهٔ رحمت زجرعه بررخ حور وپری‌گلاب زده

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ د،ه: رفته‌اند و * ی: نشسته بود وصلایی

۲ـ ح: همه دربندگی کمربسته * د،ه: کله‌گوشه

۳ـ ح،ك: فروغ جام وقدح چتر ماه پوشیده ج: صفای جام و د،ه: پوشیدند * ج: مدارمغ‌بچگان

۴ـ ه: دران حجره * ح،ك: شکسته تسمه و

۵ـ ج،ك: ز ناز وعربدهٔ ساقیان * ح،ك: گل ریخته ك: گلاب زده

۶ـ ح،ی،ك: مرا بجرعهٔ خود شادکرد وانگه‌گفت

۷ـ ج: که‌کردآنچه توکردی ط: که کرد اینك تو کردی ج: زضعف وهمت و د،ه: بضعف وهمت و ح،ك: بعقل وهمت و * ج: خیمه برآب ط،ی: خیمه درخراب

۸ـ ب،ج: مرا بجرعهٔ خود شادکرد وانگه‌گفت ح،ك: دولت جاوید ی: ترسمت ندهد * ح،ط،ی،ك،ل: که خفته‌ای تو

۱۰ـ * ب: بوسه بررکاب زده

۱۱ـ د: عرضه دهم ح،ط،ك: عرض‌کنم * د: صف دعاهای

۴۱۴

۱ دوش رفـتم بـه در مـیکده خـواب آلوده
خـرقه تـر، دامـن و سجّـاده شراب آلوده

۲ آمـد افسوس کـنان مـغبچهٔ بـاده فـروش
گـفت بیدار شو ای رهرو خـواب آلوده

۳ شست و شوئـی بکن آنگه بـه خـرابات خـرام
تـا نگردد ز تـو ایـن دیـر خـراب آلوده

۴ در هوای لب شیریـن پسران چند کـنی
جـوهر روح بـه یـاقوت مـذاب آلوده

۵ بـه طهـارت گـذران مـنزل پـیریّ و مکن
خلعت شیب چـو تشریـف شباب آلوده

۶ آشنایـان ره عشق دریـن بـحر عمیق
غرقـه گشتند و نگشتند بـه آب آلوده

۷ پاک و صافـی شو و از چـاه طبیعـت بـدرآی
کـه صفـائی نـدهد آب تـراب آلوده

۸ گفتم ای جان جـهـان دفـتر گـل عیبی نـیست
کـه شود فصل بـهار از مـی نـاب آلوده

۹ گفت حـافظ لغـز و نکته بـه یـاران مـفروش
آه ازیـن لطف بـه انـواع عتاب آلوده

ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ک،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ج،ه،ز،ح،ی،ک. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

د: ۱،۲،۳،۴،۷،۶،۸،۹ بیت ۵ را ندارد

ط: ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۸،۹ بیت ۶ را ندارد

ل: ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۸،۶،۹

م: ۹ بقیهٔ ابیات را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ب: مغ بچهٔ باده پرست ج،ی،ک: مغ بچهٔ * ح،ک: ای رهبر

۳ـ د،ز،ی،ل: شست وشوئی کن وآنگه ه: شست وشوئی کن وسرخوش ح: شست وشوئی کن آنگه

۴ـ ح،ط،ک،ل،م: بهوای ز،ی: شیرین دهنان ه: خنده کنی

۵ـ ه: گذر ازمنزل * ط: خلقت شیب ح،ط،ک: شیب بتشریف

۶ـ ح،ک: غم‌عشق * ب،ج: غرقه‌گردند ونه‌گردندبه‌آب د،ه: غرق گشتند و

۷ـ ب: صافی وخوش ازچاه ح: از راه طبیعت بدرآ * ج،ه: آب شراب‌آلوده

۸ـ ی،ل،م: ای جان جهان ح،ک: دفتر گل باکی نیست * ح،ی: گر شود ح: فصل بهاران می

۹ـ د،ه،ز،ی،م: گفت خامش لغز ونکته بحافظ مفروش ط: حافظ بروونکته

۴۱۵

۱ دامن کشان همی شد در شَرب زر کشیده
صد ماهرو ز رشکش جیب قصب دریده

۲ از تاب آتش می برگرد عارضش خوی
چون قطره‌های شبنم بر برگ گل چکیده

۳ یاقوت جان‌فزایش از آب لطف زاده
شمشاد خوش خرامش در ناز پروریده

۴ لفظی فصیح شیرین قدی بلند چابک
روئی لطیف دلکش چشمی خوش کشیده

۵ آن لعل دلکشش بین وان خندهٔ دل آشوب
وان رفتن خوشش بین وان گام آرمیده

۶ آن آهوی سیه چشم از دام ما برون شد
یاران چه چاره سازیم با این دل رمیده

۷ زنهار تا توانی اهل نظر میازار
دنیا وفا ندارد ای یار برگزیده

۸ تا کی کشم عتیبت از چشم دلفریبت
روزی کرشمه‌ای کن ای نور هر دو دیده

۹ گر خاطر شریفت رنجیده شد ز حافظ
بازآ که توبه کردیم از گفته و شنیده

ب،ه،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ب. با ترتیب متن نسخهٔ ه بیت‌های ۶ و۷ را نـدارد، در نسخهٔ ط بیت‌های ۳ و۲ و در نسخهٔ ی بیت‌های۴ و۵ مقدم ومؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ك: ۱،۳،۲،۴،۵،۶،۷،۸،۹،+

ل: ۱،۲،۴،۳،۵،۶،۷،۸،۹،+

م: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹،+

+ بس شکر باز گویم دربندگی‌خواجه گـر اوفتد بـه دستم آن میوهٔ رسیده

که درنسخهٔ م «بس شکر باز گوییم» آمده است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ب،ی،ك: دامن‌کشان همی رفت * ط: صدماه روش در پی جیب ك: صد ماهرو زعشقش

۳ـ ه: لطف داده * ی: شمشاد دلربایش ازناز

۴ـ ی: رویی لطیف‌نازك قدی ط: قدبلند م: بلند نازك *ه،ل: رویی لطیف زیبا ط: روئی‌لطیف وزیبا ی: لفظی فصیح شیرین‌چشمی

۵ـ ط: آن حسن دلکشش بین وان خنده‌های شیرین * ك: آن رفتن

۶ـ ی: آن‌آهوی رمیده * ك: یا رب چه چاره ك،ل: چه چاره سازم ط: با آهوی رمیده

۷ـ * م: دنیا بقا ندارد ل: ای نور هردو دیده

۸ـ ب،ط،ك: کشم عتـابـت ب،ه: زان چشم ك: وز چشم *ه،ل: ای یار برگزیده

۹ـ * ط: بازاکه گشتیم ك: که توبه‌کردم

۴۱٦

۱ از سوز دل نوشتم نزدیک دوست نامه
انی رأیت دهراً من هجرک القیامه

۲ دارم من از فراقش در دیده صد علامت
لیست دموع عینی هذا لنا العلامه

۳ هر چند کازمودم از وی نبود سودم
من جرّب المجرب حلّت به النّدامه

۴ پرسیدم از طبیبی احوال دوست گفتا
فی بعدها عذاب فی قربها السّلامه

۵ گفتم ملامت آید گر گرد کوت گردم
والله ما راینا حبّاً بلا ملامه

۶ حافظ چو طالب آمد جامی به جان شیرین
حتّی یذوق منه کأساً من الکرامه

ب،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ل،م. با ترتیب متن نسخهٔ ح بیت ۲ و نسخهٔ ط بیت ۵ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است.

ب: ۱،۳،۴،۲،۵،۶

ی: ۱،۳،۲،۴،۵،۶

ك: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،+

+ باد صبا زماهم تا گه نقاب برداشت　　　کالشمس فی ضحاء تطلع من الغمامه

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ب: نبشتم　　ب،م: نزدیك یار　　* ط: فی هجرك

۲ـ ب،ی: ازفراقت　　ب: بردیده　　* ب: ملاً لنا

۳ـ ح: چندان که آزمودم از وی نداد سودم　　م: هرچندآزمودم　　ی: هیچم نبود سودم

۴ـ ب: پرسیدم ازچه بینی انکار دوست گفتا　　ط،م: از حال دوست گفتا

* ب،ط،م: فی قربها عذاب　　ك: فی قربها عتاب　　ب: من بعدها ندامه　　ط،ك،م: فی بعدها سلامه

۵ـ ی: ملامت آرد　　ی،ل: گر گرد دوست گردم　　* ی: رأینا حالا بلا

۶ـ ب: حافظ چوطالبی تو　　* ب: حتی تذوق

۴۱۷



۱ چراغ روی ترا شمع گشت پروانه
مرا ز خال تو با حال خویش پروا نه

۲ خرد که قید مجانین عشق می‌فرمود
به بوی حلقهٔ زلف تو گشت دیوانه

۳ به مژده جان به صبا داد شمع در نفسی
ز شمع روی تواش چون رسید پروانه

۴ به بوی زلف تو گرجان به باد رفت چه شد
هزار جان گرامی فدای جانانه

۵ برآتش رخ زیبای او به جای سپند
به غیر خال سیاهش که دید به دانه

۶ من رمیده ز غیرت ز پا فتادم دوش
نگار خویش چو دیدم به دست بیگانه

۷ چه نقشها که برانگیختیم و سود نداشت
فسون ما بر او گشته است افسانه

۸ مرا به دور لب دوست هست پیمانی
که بر زبان نبرم جز حدیث پیمانه

۹ حدیث مدرسه و خانقه مگوی که باز
فتاد در سر حافظ هوای میخانه

ب،ه،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ه،ح،ی،ك،م. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین‌است:

ط: ۱،۴،۶،۷،۸،۹ بیت‌های ۲ و۳ و۵ را ندارد

ل: ۱،۲،۴،۶،۷،۵،۳،۸،۹

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ط: شمع روزپروانه ك،م: شمع‌گشته پروانه * ی: مرا زخال تو

۲ـ ل: ببوی سنبل زلف

۳ـ * ی: که شمع روی تواش میرساند پروانه ب: چون رساند پروانه

۵ـ ب،ه،ی: زیبای توبرای سپند

۷ـ * ب: فسون او برما

۸ـ ح: مرا بدان دولب و دست * ی: مرا بدولت‌آن دوست ك: مرا بران دولب و دست * ك: حدیث جانانه

۹ـ ه،ی: خانقه مگو با ما ط: خانقه بگوی‌که باز * ك: فتاده درسر ط: هوای جانانه

۴۱۸

۱ سحرگاهان که مخمور شبانه
گرفتم باده با چنگ و چغانه

۲ نهادم عقل را ره توشه از می
ز شهر هستی‌اش کردم روانه

۳ نگار می فروشم عشوه‌ای داد
که ایمن گشتم از مکر زمانه

۴ ز ساقی کمان ابرو شنیدم
که ای تیر ملامت را نشانه

۵ نبندی زان میان طرفی کمروار
اگر خود را ببینی در میانه

۶ برو این دام بر مرغی دگر نه
که عنقا را بلند است آشیانه

۷ ندیم و مطرب و ساقی همه اوست
خیال آب و گل در ره بهانه

۸ بده کشتی می تا خوش برآئیم
ازین دریای ناپیدا کرانه

۹ وجود ما معمّائیست حافظ
که تحقیقش فسونست و فسانه

ب،د،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ **ب**. با ترتیب متن درنسخه‌های **د،ز،ی،م** بیت‌های ۷ و ۸ مقدم ومؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ح: ۱،۲،۳،۸،+،۴،۵،۷،×،۶ بیت ۹ را ندارد

ط،ل: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،×،۷،۸،۹

ك: ۱،۲،۳،۸،+،۴،۵،۷،۶،۹

+ سرا خالیست از بیگانه مـی نـوش که جز تـو نیست ای مـرد یگانه

× که بندد طرف وصل ازحسن شاهی کـه با خـود عشق بـازد جاودانه

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ **ط:** سحر گاهی چومخمور * **ك:** نهادم باده **د:** باده وچنگ

۲ـ * **ب،ح،م:** زملك هستیش **د،ز،ی:** بشهرهستیش

۵ـ **د:** ببندی زان **ح،م:** نبندی زین **ك:** به‌بندی زین **م:** طوق کمروار

* **د،ط،ك:** نه‌بینی

۶ـ **ح،ك:** برصیدی دگرنه **ی،م:** برمرغ دگرنه

۷ـ **ب:** ندیم وساقی ومطرب همه * **ط:** در وی بهانه

۸ـ **ز:** تا خوش برآیم **ب،ح،ط،ك،ل:** برانیم

۴۱۹

۱ ای که با سلسلهٔ زلف دراز آمده‌ای
فرصتت باد که دیوانه‌نواز آمده‌ای

۲ ساعتی ناز مفرمای و بگردان عادت
چون به پرسیدن ارباب نیاز آمده‌ای

۳ پیش بالای تو نازم چه به صلح و چه به جنگ
که به هر حال برازندهٔ ناز آمده‌ای

۴ آب و آتش بهم آمیخته‌ای از لب لعل
چشم بد دور که خوش شعبده باز آمده‌ای

۵ آفرین بر دل نرم تو که از بهر ثواب
کشتهٔ غمزهٔ خود را به نماز آمده‌ای

۶ زهد من با تو چه سنجد که به یغمای دلم
مست و آشفته به خلوتگه راز آمده‌ای

۷ گفت حافظ دگرت خرقه شراب آلوده‌ست
مگر از مذهب این طایفه باز آمده‌ای

ب،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با تمام نسخه‌های فوق، اما نسخهٔ ه بیت ۲ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ح،ط،ك،ل: نازمفرما و   **ك:** بگردان جامی   * **ط:** چو پیرسیدن
ی: که بهرحال برازندهٔ نازآمدهٔ

۳ـ ه،ل: پیش بالای تومیرم   * **ی:** چون بخلوت‌گه ارباب نیازآمدهٔ   **ل:** چون به هرحال   **ط:** چوبهرحال   **ه:** برازندهٔ راز

۴ـ ك: از می لعل   * **د،ی،ل:** که بس شعبده باز

۴۲۰

۱ از من جدا مشو که توام نور دیده‌ای
محبوب جان و مونس قلب رمیده‌ای
۲ از دامن تو دست ندارند عاشقان
پیراهن صبوری ایشان دریده‌ای
۳ از چشم بخت خویش مبادت گزند از آنک
در دلبری به غایت خوبی رسیده‌ای
۴ منعم کنی ز عشق وی ای مفتی زمان
معذور دارمت که تو او را ندیده‌ای
۵ آن سرزنش که کرد ترا دوست حافظا
بیش از گلیم خویش مگر پا کشیده‌ای

ب،هـ،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌هـای فوق، اما درنسخه‌های ح،ك بیت‌هـای ۲ و ۳ مقدم و مؤخر است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ هـ: ازما جدا مشو * ط،ل: آرام جان
۳ـ ب: ازچشمها بد که مبادت هـ: ازچشم زخم مبادت ح: ازچشم زخم خویش ك: ازچشم خوب خویش
۴ـ ح،ط،ك،ل: منعم مکن زعشق ط: زعشق ومی
۵ـ ك: از سرزنش ح،ط،ك،م: ترا دوش حافظا

۴۲۱

۱ ساقی بیا که شد قدح لاله پر ز می
طامات تا به چند و خرافات تا به کی

۲ بگذر ز کبر و ناز که دیده‌ست روزگار
چین قبای قیصر و طرف کلاه کی

۳ هشیار شو که مرغ چمن مست گشت هان
بیدار شو که خواب عدم در پی است هی

۴ خوش نازکانه می چمی ای شاخ نوبهار
کاشفتگی مبادت از آشوب باد دی

۵ بر مهر چرخ و شیوهٔ او اعتماد نیست
ای وای بر کسی که شد ایمن ز مکر وی

۶ فردا شراب کوثر و حور از برای ماست
و امروز نیز ساقی مهروی و جام می

۷ باد صبا ز عهد صِبی یاد می‌دهد
جان داروئی که غم ببرد در ده ای صُبَیّ

۸ حشمت مبین و سلطنت گل که بسپرد
فراش باد هر ورقش را به زیر پی

۹ در ده به یاد حاتم طی جام یک منی
تا نامهٔ سیاه بخیلان کنیم طی

۱۰ زان می که داد حسن و لطافت به ارغوان
بیرون فکند لطف مزاج از رخش به خوی

۱۱ مسند به باغ بر که به خدمت چو بندگان
استاده است سرو و کمر بسته است نی

۱۲ حافظ حدیث سحر فریب خوشت رسید
تا حدّ مصر و چین و به اطراف روم و ری

ه،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ل. با ترتیب متن نسخهٔ ح بیت‌های ۸ و ۱۰، نسخهٔ ط بیت ۹ ونسخهٔ ك بیت ۱۱ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ه: ۱،۴،۶،۱۰،+،۱۱،۱۲ بیت‌های دیگر را ندارد.

ی: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰،+،۱۱،۱۲

+ بشنو که مطربان چمن راست کرده‌اند آهنگ چنگ و بربط ومرغول نای ونی

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ط: بگذر بکبر وناز ك: بگذر زناز وکبر * ح،ط: حسن قبای‌قیصرو

۳ـ ك: مرغ سحر

۴ـ ه: نازکانه می‌روی ك: ای باد نوبهار * ه،ح،ط،ك: ازآشوب ماه دی

۵ـ ی: چرخ وعشوهٔ او

۶ـ ی: کوثر وحوران برای ك: ازبرای مست * ه،ط: مه رو وجام می

۷ـ ح: باد صبا ز مهد چمن ك: زعهد صبا ط،ی،ك: یاد می‌کند
* ح: زان داروی

۸ـ ط: حشمت مبین و سلطنت گل که چون ببرد ی: سلطنت آن گل که گسترد
ك: که بسترد * ط: فراش باد بیر رخش را ك: فراش باغ
ی: هرورقش برسریر کی

۹ـ * ی: تا نامهٔ بخیل وسیاهش کنیم

۱۰ـ ط: در ده بیاد حاتم طی جام ارغوان ه،ی: آن می که داد رنگ طبیعت بارغوان ك: آن می که داد * ه: بیرون فکند از رخش آن رنگ خوش بخوی ی: لطف ازل از رخش

۱۱ـ * ح: سرو ایستاده است وکمر بسته همچونی

۱۲ـ * ه: تا حد چین ومصر و ح: تا حد چین ومصر باطراف روم و ری

۴۲۲

۱ به صوت بلبل و قمری اگر ننوشی می
علاج کی کنمت آخرالدّواء الکیّ

۲ ذخیره‌ای بنه از رنگ و بوی فصل بهار
که می‌رسند ز پی رهزنان بهمن و دی

۳ چو گل نقاب برافکند و مرغ زد هو هو
منه ز دست پیاله چه می‌کنی هی هی

۴ خزینه‌داری میراث خوارگان کفر است
به قول مطرب و ساقی به فتوی دف و نی

۵ چو هست آب حیاتت به دست تشنه ممیر
فلاتمت و من الماء کل شیء حی

۶ زمانه هیچ نبخشد که باز نستاند
مجو ز سفله مروت که شیئه لاشی

۷ نوشته‌اند بر ایوان جنّةالمأوی
که هر که عشوهٔ دنیی خرید وای به وی

۸ سخا نماند سخن طی کنم شراب کجاست
بده به شادی روح و روان حاتم طی

۹ بخیل بوی خدا نشنود بیا حافظ
پیاله گیر و کرم ورز والضّمان علی

ب،هـ،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ز،ط،ك. با ترتیب متن‌نسخهٔ ح بیت ۴ را ندارد.
ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

هـ،ی: ۱،۲،۶،۳،۴،۵،۷،۸،۹

ل: ۱،۲،۳،+،۴،۶،۷،۸،۹

+ شکوه سلطنت وحسن کی ثباتی‌داد ز تخت جم‌سخنی‌مانده است و افسر کی

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ط: بصوت قمری وبلبل

۲ـ * ب: که دربیند دگر ره زنان

۴ـ * ب: ساقی وفتوی

۵ـ ب: نگفتمت ومن‌الماء ز: فلاتمت‌الماء

۶ـ * ط: که شبهه لاشی

۷ـ هـ،ی: نبشته‌اند برایوان ب: در ایوان

۸ـ ب،ح: طی‌کنم بیا ساقی ی: طی‌کنم بیا وباده بده * به‌شادکامی روح هـ: طی‌کن ای ندیم حکیم * بیارباده بشادی روح حاتم طی

ح: روح روان

۹ـ هـ،ز،ط،ی: نشنود بروحافظ * ی: بهیش‌کوش وکرم

۴۲۳

۱ لبش می‌بوسم و در می‌کشم می
به آب زندگانی برده‌ام پی
۲ نه رازش می‌توانم گفت با کس
نه کس را می‌توانم دید با وی
۳ لبش می‌بوسد و خون می‌خورد جام
رخش می‌بیند و گل می‌کند خوی
۴ بده جام می و از جم مکن یاد
که می‌داند که جم کی بود و کی کی
۵ بزن در پرده چنگ ای ماه مطرب
رگش بخراش تا بخروشم از وی
۶ زبانت درکش ای حافظ زمانی
حدیث بی‌زبانان بشنو از نی

د،ه،ط،ی،ك،ل،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ط،ی،ك ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

د: ۱،۲،۴،۳،۶ بیت ۵ را ندارد

ه: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،+

ل: ۱،۲،۳،۴،۵، ×،*،⊕،۶

ن: ۱،۲،۳،۴،۵+۶

+ چو مرغ باغ مـی‌گویـد که هوهو منـه از دست جام بـاده هی هی

× گل از خلوت به باغ آورد مسند بساط زهـد همچون غنچه کـن طـی

* چو چشمش مست را مخمور مگذار به یـاد لعلش ای ساقـی بـده مـی

⊕ نجوید جان از آن قالب جدائی که باشد خون جامش در رگ وپی

اختلاف نسخه‌ها

۳ـ ی،ن: لبش می‌بوسم و *ی،ن: رخش می‌بینم و

۴ـ د: جام‌جم و زجم ه،ط،ك: جام جم و ازجم ی: بده‌جام جمم وزجم

۵ـ ط،ی،ك: بزن درچنگ چنگ ط: دلش بخراش

۶ـ ط: زبان درکش تو ای حافظ زمانی

۴۲۴

۱ مخمور جام عشقم ساقی بده شرابی
پرکن قدح که بی می مجلس ندارد آبی

۲ وصف رخ چو ماهش در پرده راست ناید
مطرب بزن نوائی ساقی بده شرابی

۳ شد حلقه قامت من تا بعد ازین رقیبت
زین در دگر نراند ما را به هیچ بابی

۴ در انتظار رویت ما و امید روزی
در عشوهٔ وصالت ما و خیال خوابی

۵ مخمور آن دو چشمم آیا کجاست جامی
بیمار آن دو لعلم آخر کم از جوابی

۶ حافظ چه می نهی دل تو در خیال خوبان
کی تشنه سیر گردد از لمعهٔ سرابی

ب،ه،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق، اما نسخه‌های ب،ی بیت‌های ۳ و۶ را ندارند. این غزل درنسخهٔ ی بدون عنوان در دنبالهٔ غزل «بگرفت کار حسنت چون عشق من کمالی» نوشته شده است و درآخر آن نیز مسلماً افتادگی‌دارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ *ه: در ده قدح که مطرب بی‌می نداردآبی ح،ك: در ده قدح که بی‌می مطرب نداردآبی
۲ـ ب،ی: عشق رخ‌چوماهش ه،ح،ك: حسن رخ چوماهت ط: عیش رخ چوماهش ح: دردیده راست ناید ط: در دیده راست‌آمد
۳ـ * ه: ما را ز درنراند هردم بهیچ بابی ح،ط،ك: هردم ز درنراند ما را بهیچ بابی
۴ـ ب: ما و امیدواری ی: ما را امید روزی * ب: درعشوه وخیالت ح: درعشوهٔ وصالی ی: درعشوهٔ خیالت ه،ط،ك،ل: ما وخیال‌وخوابی
۵ـ ب،ی: آخر کجاست جامی
۶ـ ه،ح،ك: می‌نهی تو دل ه: در وصال ح،ك: بروصال

۴۲۵

۱ ای که بر ماه از خط مشکین نقاب انداختی
لطف کردی سایه‌ای بر آفتاب انداختی

۲ تا چه خواهد کرد با ما تاب و رنگ عارضت
حالیا بیرنگ نقش خود بر آب انداختی

۳ گوی خوبی بردی از خوبان خلّخ شادباش
جام کیخسرو طلب کافراسیاب انداختی

۴ هر کسی با شمع رخسارت به وجهی عشق باخت
زان میان پروانه را در اضطراب انداختی

۵ طاعت من گرچه از مستی خرابم رد مکن
کاندرین شغلم به امّید ثواب انداختی

۶ گنج عشق خود نهادی در دل ویران ما
سایهٔ دولت برین کنج خراب انداختی

۷ زینهار از آب آن عارض که شیران را از آن
تشنه لب کردیّ و گردان را در آب انداختی

۸ خواب بیداران ببستی وانگه از نقش خیال
تهمتی بر شبروان خیل خواب انداختی

۹ پرده از رخ برفکندی یک نظر در جلوه‌گاه
وز حیا حور و پری را در حجاب انداختی

۱۰ باده نوش از جام عالم بین که بر اورنگ جم
شاهد مقصود را از رخ نقاب انداختی

۱۱ از فریب نرگس مخمور و لعل می پرست
حافظ خلوت‌نشین را در شراب انداختی

۱۲ وز برای صید دل در گردنم زنجیر زلف
چون کمند خسرو مالک رقاب انداختی

۱۳ داور داراشکوه ای آنکه تاج آفتاب
از سر تعظیم بر خاک جناب انداختی

۱۴ نصرت‌الدّین شاه یحیی آنکه خصم ملک را
از دم شمشیر چون آتش در آب انداختی

ب،ه،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ل، اما این نسخه بیت ۵ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ب: ۱،۲،۳،۴،۵،۱۱ بیت‌های دیگر را ندارد
ه: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۱۱ بیت‌های دیگر را ندارد
ح: ۱،۲،۳،۴،۵،۱۱،۶،۱۲،۱۰ بیت‌های دیگر را ندارد
ط: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۱۱،۱۲،۷ بیت‌های دیگر را ندارد
ی: ۱،۲،۳،۴،۵،۱۱،۶،۹،۱۲،۱۴،۱۳،۱۰ بیت‌های ۷ و ۸ را ندارد
ك: ۱،۲،۳،۴،۵،۱۱ بیت‌های دیگر را ندارد
م: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۹،۱۲،۱۴،۱۳،۱۰،۱۱ بیت‌های ۷ و ۸ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ه،ك: تاب رنگ ح،ط،ی،ك: آب و رنگ *ح: نیرنگ نقش خود م: نیرنگ ونقش ك: عشق خود ل: نقشی خوش ه: دراب
۳ـ ه،ح: خوبان عالم ۴ـ * ه: زین میان
۶ـ ه: گنج حسن خود ح،ی: ویران او * ه: بدان کنج ح،ی: بر آن کنج
۷ـ ط: ازاب شمشیرت * ط: تشنه لب کشتی و گردن درخلاب انداختی
۹ـ ی،م: از رخ بر گرفتی * ی،م: وز ضیا
۱۰ـ ح: چو براورنگ م: اورنگ چشم * ی،م: تاج مقصود ترا
۱۱ـ ب،ه،ی،ك،م: ازفروغ نرگس ح: ازفروغ روی‌میگون ودوچشم‌می‌پرست
۱۲ـ ط،ی،م: ازبرای صید دل ح: در گردنش ی،م: بر گردنم * م: کمند خسروان
۱۳ـ ی،م: خسرو دارا شکوه
۱۴ـ * ی: ازلب شمشیر م: درلب شمشیر

۴۲۶

۱ با مدّعی مگوئید اسرار عشق و مستی
تا بی‌خبر بمیرد در درد خودپرستی

۲ با ضعف و ناتوانی همچون نسیم خوش باش
بیماری اندرین ره خوشتر ز تندرستی

۳ تا فضل و عقل بینی بی‌معرفت نشینی
یک نکته‌ات بگویم خود را مبین و رستی

۴ در آستان جانان از آسمان میندیش
کز اوج سربلندی افتی به خاک پستی

۵ عاشق شو ارنه روزی کار جهان سرآید
ناخوانده نقش مقصود از کارگاه هستی

۶ در مذهب طریقت خامی نشان کفر است
آری طریق دولت چالاکی است و چستی

۷ در گوشهٔ سلامت مستور چون توان بود
تا نرگس تو با ما گوید رموز مستی

۸ آن روز دیده بودم آن فتنه‌ها که برخاست
کز سرکشی زمانی با ما نمی‌نشستی

۹ خار ارچه جان بکاهد گل عذر آن بخواهد
سهل است تلخی می در جنب ذوق مستی

۱۰ صوفی پیاله پیما حافظ قرابه پرهیز
ای کوته‌آستینان تا کی درازدستی

ب،ج،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ج، اما نسخهٔ ج مصراع دوم بیت ۶ را به جای مصراع دوم بیت ۵ آورده ونسخهٔ ب بعد ازبیت۹ بیتی را که در زیر با علامت + مشخص شده است افزوده دارد. درنسخه‌های ح،ط،ل ابیات این غزل به‌صورت دو غزل جداگانه آمده‌که ترتیب ابیات غزل دوم با علامت // مشخص شده است. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ج: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۰ — بیت ۶ را ندارد

ح: // ×، *، ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۰ — بیت‌های ۱ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ را ندارد

ط: ۱، ۵، +، ⊗، ۷، ۲ // ×، *، ۲، ۶، ۳، ۴، ۹، ۱۰ — بیت ۸ را ندارد

ی: ۱، ۶، ۲، ۷، ۵، ۸، ۳، ۴، ۹، ۱۰

ك: ۱، ۶، ۲، ⊕، ۷، **، ۸، ⊗، ۹، ۳، ۴ — بیت‌های ۵ و ۱۰ را ندارد

ل: ۱، ۵، ⊕، ⊗، ۷، ۸، ** // ×، *، ۲، ۶، ۳، ۴، ۹، ۱۰

م: ۱، ۶، ۲، ۷، ۵، ۸، ۳، ۴، ۹، ۱۰، +

+ ازراه دیده‌حافظ تا دید زلف پستت — با جمله سربلندی شد پایمال پستی

درنسخهٔ ی «تا دیده زلف» آمده است.

× ای دل‌مباش یکدم‌خالی‌زعشق‌ومستی — وآنگه بروکه رستی از نیستی و هستی

درنسخهٔ ط «مباش خالی‌یکدم» آمده است.

* گرجان به‌تن ببینی مشغول کاراوشو — هر قبله‌ای‌که بینی بهتر ز خودپرستی

درنسخهٔ ح «گرخود... بینی‌مشغول کارخود شو» و درنسخهٔ ط «گرخود دوی نه‌بینی مشغول کارمن شو» و درنسخه‌های ح،ط «هرقبلهٔ‌که باشد» آمده است.

⊕ دوش آن‌صنم‌چه خوش‌گفت‌درمجلس‌مغانم — با کافران چه کارت‌گر بت نمی‌پرستی

مصراع اول درنسخهٔ ك به‌صورت «درحلقهٔ مغانم دی‌شب بطنز گفتند ـ چون بت» و درنسخهٔ ط «باکافری» آمده است.

⊗ سلطان من خدا را زلفت شکست ما را — تا کی کند سیاهی چندین دراز دستی

** عشقت به‌دست‌طوفان خواهدسپردحافظ — چون برق‌ازین کشاکش پنداشتی که جستی

درنسخهٔ ك «سپرده‌ای جان» آمده‌است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ط: بگویید احوال عشق و * ج: درمدد خودپرستی ۲ـ ك: با ذوق ناتوانی * ج: اندرین غم بهتر ی،م: اندرین غم خوشتر ۳ـ ی: تا فضل [و] عقل ك: تا عقل وفضل ح،ل: خود را مبین که رستی ۴ـ ج: درآستین جانان ح،ط: براستان جانان ط: حافظ ندید اول وین غم گرفت مهمل ك: حافظ ندید از اول وین‌غم گرفت مهمل * ط: افتد بچاه پستی ك: افتد بخاك پستی ۵ـ ط: ارنه‌آخر کار * ج: آری طریق دولت چالاکیست و چستی ۷ـ ك: در شیوهٔ ملامت مستور * ح،ط،ی: گوید با ما ۸ـ ج،ك،ل: این فتنه‌ها ی: آن نقشها که برخاست ۹ـ * ح: ذوق ومستی ۱۰ـ ح: حافظ پیاله پیما صوفی قرابه پرهیز ط: حافظ قرابه برکن ب،ی،م: عاید قرابه پرهیز

۴۲۷

۱ آن غالیه خط گر سوی ما نامه نوشتی
گردون ورق هستی ما در ننوشتی

۲ هر چند که هجران ثمر وصل برآرد
دهقان جهان کاج که این تخم نکشتی

۳ آمرزش نقد است کسی را که در اینجا
یاریست چو حوریّ و سرائی چو بهشتی

۴ تنها نه منم کعبهٔ دل بتکده کرده
در هر قدمی صومعه‌ای هست و کنشتی

۵ در مصطبهٔ عشق تنعّم نتوان کرد
چون بالش زر نیست بسازیم به خشتی

۶ مفروش به باغ ارم و نخوت شدّاد
یک شیشه می و نوش لبّی و لب کشتی

۷ تا کی غم دنیی دنی ای دل دانا
حیف است ز خوبی که شود عاشق زشتی

۸ آلودگی خرقه خرابیّ جهان است
کو راهروی اهل دلی پاک سرشتی

۹ از دست چرا هشت سر زلف تو حافظ
تقدیر چنین است چه کردی که نهشتی

ب،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ط**. با ترتیب متن نسخهٔ **ز** بیت ۵، نسخهٔ **ل** بیت۴ را ندارد ودرنسخه‌های **ه،ك** بیت‌های ۵ و۶ مقدم‌ومؤخراست، ترتیب نسخهٔ **ی** چنین‌است: ۱،۲،۳،۴،۶،۷،۵،۸،۹

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ ب: کر برما

۲ــ ب: وصل بر آورد   *** ط،ل:** کاش که این   **ط:** دانه نکشتی

۴ــ ط: میکده کرده

۷ــ ز،ح،ی،ل: دنیای دنی   **ط:** ای دل نادان   *** ی:** که بود عاشق

۸ــ * ح،ك: پاك دلی

۹ــ ی: از دست فراهشت

۴۲۸

۱ ای قصّهٔ بهشت ز کویت حکایتی
شرح جمال حور ز رویت روایتی

۲ انفاس عیسی از لب لعلت لطیفه‌ای
واب خضر ز نوش دهانت کنایتی

۳ هر پاره از دل من و از غصّه قصّه‌ای
هر شطری از خصال تو وز رحمت آیتی

۴ کی عطرسای مجلس روحانیان شدی
گل را اگر نه بوی تو کردی رعایتی

۵ در آرزوی خاک در یار سوختیم
یادآور ای صبا که نکردی حمایتی

۶ ای دل به هرزه دانش و عمرت ز دست رفت
صد مایه داشتی و نکردی کفایتی

۷ بوی دل کباب من آفاق را گرفت
این آتش درون بکند هم سرایتی

۸ در آتش ار خیال رخش دست می‌دهد
ساقی بیا که نیست ز دوزخ شکایتی

۹ دانی مراد حافظ ازین درد و غصّه چیست
از تو کرشمه‌ای و ز خسرو عنایتی

ب،ه،ز،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ل. با ترتیب متن نسخه‌های ب،ه،ط،ی بیت‌های ۷ و ۸ را ندارند ودرنسخهٔ ز بیت‌های ۷و۸ مقدم ومؤخرشده است. ترتیب نسخهٔ ك چنین‌است:
۱،۲،۳،۴،۸،۷،۵،۶،۹

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ك: ای روضهٔ بهشت
۲ـ ط: انفاس حور ی: لعلت وظیفهٔ * ه،ط،ل: آب خضر
ل: نوش لبانت ی: لبانت حکایتی
۳ـ ط: ازقصه غصهٔ * ه،ز،ط،ی،ك،ل: هرسطری ه: ازخصالی
واز ه،ط،ك: و از رحمت
۴ـ *ه: کردی حمایتی ز: کردی عنایتی
۵ـ ز،ط،ك: خاك ره یار ك: سوختم * ط: یادآر ای ه: نکردی رعایتی
۶ـ ط: دانش وجهدت ك: دانش و دینت ك: ز دست شد ل: بیادرفت
* ز: سرمایه داشتی
۷ـ ز: آفاق درگرفت * ك: این ریش اندرون بکند
۸ـ ز: گرصحبت خیال رخش
۹ـ ب،ك: ازین درس غصه * ز: زخسرو رعایتی

۴۲۹

۱ سَبَت سَلمی بِصُدغَیها فؤادی
وروحی کُلَّ یومٍ لی یُنادی

۲ خدا را بر من بیدل ببخشای
وَ واصِلنی عَلی رَغمِ الاَعادی

۳ اَمَنْ اَنکَرْتَنی عَن عِشقِ سلمی
تَزْ اوّل آن روی نهکو بِوادی

۴ که همچون مُت ببو تن دل وَای رَه
غریق العِشقِ فی بَحْرِ الوِدادِ

۵ غم این دل بواتت خورد ناچار
وغرنه او بِنی آنچت نشادی

۶ نگارا در غم سودای عشقت
توکّلنا عَلی رَبِّ العِبادِ

۷ پی ماچان غرامت بسپریمن
غَرت یک وی روشتی از امادی

۸ دل حافظ شد اندر چین زلفت
بِلَیلٍ مُظلِمٍ واللّه هادی

ب،ه،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با ل. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ب: ۱،۲،۳،۴،۶،۸،۷ بیت ۵ را ندارد

ه: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۸،۷

ط: ۱،۵،۲،۶،۸،۳،۴ بیت ۷ را ندارد

ی: ۱،۲،۳،۴،۷،۶،۸ بیت ۵ را ندارد

ك: ۱،۲،۳،۴،۷،۵،۶،۸

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ه،ط،ل: نگارا بر من * ط: و اوصلی

۳ـ ط: وان انکر تنی ب،ه،ی: عن عشق لیلی * ب: تزاوّل روی نکوه لولی بوادی ه: از اول ری نیك لولی بوادی ط: نز اوّل روی نیکو توبدادی ی: از اوّل تان روی نیهکو بوادی ك: تز اول ری نیکوی لولی بوادی

۴ـ ب: اعزّ جون مت بیوتن دل و ایره ه: که همجومت بیوتن ط: مت سوی دل * ب،ه،ی،ك: بحرالودادی

۵ـ ه،ك: که غمت دل بواتن خورد ط: غمت دل برد و تن را خورد ناچار * ط: وعرنه اونچت نشادی

۶ـ ل: حبیبا در غم ه،ی: از غم ب: سودآه رویت

۷ـ ب: و پی‌ماچان غرامت بشپریمن ه،ك: ولی ما جان ی: و پی‌ماچان * ب: عزت یك وی روشتی از امادی

۸ـ ط: دلم گم گشت درچین دوزلفت ك: اندر چین زلفش * ی: مظلم الله هادی

۴۳۰

۱ دیدم به خواب دوش که ماهی برآمدی
کز عکس روی او شب هجران سرآمدی

۲ تعبیر چیست؟ یار سفر کرده می‌رسد
ای کاج هر چه زودتر از در درآمدی

۳ ذکرش به خیر ساقی فرخنده فال من
کز در مدام با قدح و ساغر آمدی

۴ خوش بودی ار به خواب بدیدی دیار خویش
تا یاد صحبتش سوی ما رهبر آمدی

۵ فیض ازل به زور و زر ار آمدی به دست
آب خضر نصیبهٔ اسکندر آمدی

۶ آن عهد یاد باد که از بام و در مرا
هر دم پیام یار و خط دلبر آمدی

۷ کی یافتی رقیب تو چندین مجال ظلم
مظلومی ار شبی به در داور آمدی

۸ خامان ره نرفته چه دانند ذوق عشق
دریا دلی بجوی دلیری سرآمدی

۹ آنکاو ترا به سنگدلی کرد رهنمون
ای کاشکی که پاش به سنگی برآمدی

۱۰ گر دیگری به شیوهٔ حافظ زدی رقم
مقبول طبع شاه هنر پرور آمدی

ه،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ط،ل. با ترتیب متن نسخهٔ ح بیت‌های ۷ و ۸ ونسخهٔ ی بیت‌های ۶و۷و۸و۹ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ه: ۱،۲،+،۳،۴،۵،۱۰ بیت‌های ۶و۷و۸و۹ را ندارد

ك: ۱،۲،۳،۴،۹،۵،۶،۱۰ بیت‌های ۷و۸ را ندارد

+ جانش نثار کرد می‌آن دلنواز اگر چون روح محض جلوه کنان دربرآمدی

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ح: وزعکس ه،ی: شب هجرم

۲ـ ل: تعبیر رفت * ح: ای‌کاج زودتر ز در ما درآمدی ی: ای‌کاج هر آنچه زودتر

۴ـ * ح: یا باد صبحیش سوی ما ه،ی: با یاد صحبتش دل ما رهبر

۵ـ ه: ازل چو برزر و زور آمدی

۶ـ * ك: دایم پیام

۸ـ *ط: دریا دلی بچون تو دلیری برآمدی

۹ـ ح،ط: گشت رهنمون * ك: ای‌کاجکی

۱۰ـ ه،ك: وردیگری ك: بشیوهٔ حافظ رقم زدی ی: زدی قلم

۴۳۱

۱ سحر با باد می‌گفتم حدیث آرزومندی
خطاب آمد که واثق شو به الطاف خداوندی

۲ دعای صبح و آه شب کلید گنج مقصود است
بدین راه و روش می‌رو که در دلدار پیوندی

۳ قلم را آن زبان نبود که سرّ عشق گوید باز
ورای حدّ تقریر است شرح آرزومندی

۴ الا ای یوسف مصری که کردت سلطنت مشغول
پدر را باز پرس آخر کجا شد مهر فرزندی

۵ جهان پیر رعنا را ترحّم در جبلّت نیست
ز عشق او چه می‌جوئی در او همّت چه می‌بندی

۶ همائی چون تو عالی قدر حرص استخوان حیف است
دریغ آن سایهٔ همّت که بر نااهل افکندی

۷ درین بازار اگر سودیست با درویشِ خرسند است
خدایا منعمم گردان به درویشیّ و خرسندی

۸ به خوبان دل مده حافظ ببین آن بیوفائیها
که با خوارزمیان کردند ترکان سمرقندی



۹ به شعر حافظ شیراز می‌رقصند و می‌نازند
سیه چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ز،ی،ك،ل، اما نسخه‌هـای ب،ز،ی بیت ۹ و نسخه‌های ك،ل بیت ۸ را ندارند. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ه: ۱، ۲، ۳، +، ۵، ۷، ۹ بیت‌های ۴و۶و۸ را ندارد

ح: ۱، +، ۴، ×، ۶، ۵، ۷، ۹ بیت‌های ۲و۳و۸ را ندارد

ط: ۱، ۳، +، ۴، ×، ۶، ۵، ۷، ۹ بیت‌های ۲و۸ را ندارد

+ دل اندر زلف لیلی بند و کار از عقل مجنون کن
که عاقل را زیان دارد مقالات خردمندی

که در نسخهٔ ح «مجنون پرس» و در نسخه های ح،ط «که عاشق را» و در نسخهٔ ح «ملامات خردمندی» آمده است.

× بسحر غمزهٔ فتان دوا بخشی و دردانگیز
بچین زلف مشك افشان دلارامی و دلبندی

بیت ۸ در نسخه‌های ب،ز،ی هست و بیت نهم در نسخه‌های ه،ح،ط،ك. شایـد شاعر خود به مناسبتی این بیت را عوض کرده و بیت هشتم را به‌جای بیت نهم گذاشته باشد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ *ح: به‌لطفم مژدگانی داد والطاف ط: بوصلم مژدگانی داد و الطاف

۲ـ * ه: تو از این راه روشن رو که با ه،ل: که با دلدار

۳ـ ك: که راز عشق * ك: حدّ و تقریرست

۴ـ ط: بیا ای یوسف ز: که گردد سلطنت ك،ل: سلطنت مغرور

۵ـ ح: ترحم نیست درحیلت * ح،ك: ز عشق اوچه می‌خوانی ط،ل: ز مهر او ل: چه می‌پرسی در او

۶ـ ك: همای سدرهٔ عرشی تو حرص ط،ی: عالی قدر و حرص ح: عرض استخوان ز: استخوانی چیست ی: استخوان سهلست ط،ك،ل: حرص استخوان تاکی * ز: دریغ از سایهٔ همت ح،ط، ك: سایهٔ دولت

۷ـ ط،ی: اگر سودست

۸ـ ی: ببین این بیوفاییها

۹ـ ح: چو شعرحافظ شیرازمی‌خوانند می‌رقصند ه،ك: می‌رقصند و می‌غلطند ط: می‌رقصند و می‌خندند

۴۳۲

۱ چه بودی ار دل آن یار مهربان بودی
که حال ما نه چنین بودی ار چنان بودی

۲ گرم زمانه سرافراز داشتی و عزیز
سریر عزّتم آن خاک آستان بودی

۳ به خواب نیز نمی‌بینمش چه جای وصال
چو این نبود و ندیدیم باری آن بودی

۴ بگفتمی که چه ارزد نسیم طرّهٔ دوست
گرم به هر سر موئی هزار جان بودی

۵ برات خوشدلی ما چه کم شدی یا رب
گرش نشان امان از بد زمان بودی

۶ ز پرده کاج برون آمدی چو قطرهٔ اشک
که بر دو دیدهٔ ما حکم او روان بودی

۷ اگر نه دایرهٔ عشق راه بر بستی
چو نقطه حافظ سرگشته در میان بودی

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ز. با ترتیب متن نسخهٔ ب بیت ۵ و نسخهٔ ه بیت ۶ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ح: ۱،۲،+،۶،۷ بیت‌های ۳و۴و۵ را ندارد
ط: ۱،۴،+،۵،۲،۶،۷ بیت ۳ را ندارد
ی: ۱،۲،۳،۴،×،۶،*،۷ بیت ۵ را ندارد
ك: ۱،۲،+،۶،۵،۷ بیت‌های ۳و۴ را ندارد
ل: ۱،۴،۵،۲،۶،۷ بیت ۳ را ندارد

+ عیان شدی که بها چیست خاك پایش را گرم حیات گرانمایه جاودان بودی
که در نسخهٔ ط «اگر حیات» است و نیز این بیت با اختلاف نسخه در غزل ۴۳۳ (بیت ۴) آمده است.

× برخ چو مهر فلك بی نظیر آفاقست بدل دریغ که یك ذره مهربان بودی
این بیت نیز در غزل ۴۳۳ (بیت ۳) آمده است.

* کسی بکوی ویم کاشکی نشان دادی که تا فراغتم از باغ و بوستان بودی

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ح،ط،ك،ل، دل آن ماه
۲ـ * ه: سرای عزتم
۳ـ * ز: چوآن نبود و
۴ـ ط: به نکهتی‌که چو آرد نسیم
۵ـ ط: برای خوش دلی ز: چه‌کم شود * ط: گرش تفقد این زار ناتوان بودی
۶ـ ه،ط،ل: ز پرده کاش
۷ـ ط: اگرنه دایرهٔ راه عشق برگشتی ك: راه برگشتی * ه: چونکته حافظ مسکین دران میان بودی ز: حافظ مسکین دران میان بودی ب،ی: حافظ مسکین نه در میان ط: حافظ بی دل نه در میان ح،ك: حافظ بی دل دران میان بودی

۴۳۳

۱ به‌جان او که گرم دسترس به جان بودی
کمینه پیشکش بندگانش آن بودی

۲ اگر دلم نشدی پای‌بند طرّهٔ او
کی‌ام قرار درین تیره خاکدان بودی

۳ به رخ چو مهر فلک بی‌نظیر آفاق است
به دل دریغ که یک ذرّه مهربان بودی

۴ بگفتمی که بها چیست خاک پایش را
اگر حیات گرانمایه جاودان بودی

۵ درآمدی ز درم کاجکی چو لمعهٔ نور
که بر دو دیدهٔ ما حکم او روان بودی

۶ به بندگی قدش سرو معترف گشتی
گرش چو سوسن آزاده ده زبان بودی

۷ ز پرده نالهٔ حافظ برون کی افتادی
اگر نه همدم مرغان صبح‌خوان بودی

ب،ه،ز،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ه،ز،ك. با ترتیب متن نسخهٔ ط بیت‌های ۴و۶ و نسخهٔ ی بیت ۳ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ل: ۱،۴،۶،+،۲،۳،۵،۷

م: ۱،۴،۲،۳ بیت‌های ۵و۶و۷ را ندارد

+ به خواب نیز نمی‌بینمش چه جای وصال چو این نبود ونديدیم باری آن‌بودی

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ك: فدای پیش‌کش

۲ـ ك: وگر دلم نبدی * ط،ل،م: کیش قرار ك: درین دیر خاکدان

۳ـ ب: بی‌نظیر آفاق اوست ه: بی‌نظیر آفتاب است

۴ـ ك: تو گفتهٔ که بها * ك: گرم حیات

۵ـ ط،ل،م: کاشکی ه: چو قطرهٔ نور

۶ـ * ب،ه،ز،ی،ك: اگر چو سوسن ب،ه،ی: آزاده‌اش زبان

۴۳۴

۱ چو سرو اگر بخرامی دمی به گلزاری
خورد ز غیرت روی تو هر گلی خاری

۲ ز کفر زلف تو هر حلقه‌ای و آشوبی
ز سحر چشم تو هر گوشه‌ای و بیماری

۳ مرو چو بخت من ای چشم مست یار به خواب
که در پی است ز هر سویت آه بیداری

۴ نثار خاک رهت نقد جان من هر چند
که نیست نقد روان را بر تو مقداری

۵ دلا همیشه مزن راه زلف دلبندان
چو تیره رای شدی کی گشایدت کاری

۶ سرم برفت و زمانی بسر نرفت این کار
دلم گرفت و نبودت دل گرفتاری

۷ چو نقطه گفتمش اندر میان دایره آی
به خنده گفت که ای حافظ این چه پرگاری

ب،ه،ح،ط،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با تمام نسخه‌های فوق.

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ * ح: خورد ز حسرت
۲ــ ط: زلف توم حلقه و آشوبی * ه: ز بحر چشم ح: ز بهر چشم‌تو
۳ــ ح: ای چشم یار اندر خواب ه،ط: مست باز بخواب * ب: که در ببست ز هر سوی آه ط: که در پیت ح: ز هر سوی آه بیداری
۴ــ ب: خاك رهش ط: جان من هر دم * ه،ح،ك: گنج روانرا
۵ــ ه،ح،ط،ك: مزن رای زلف ل: مزن‌لاف زلف *ح: تیره رای‌شدت ط،ل: تیره رای شوی
۶ــ ط: زمانه بسر نبرد این‌کار * ب: نبودت دلی کرفتاری ط: نبودت سر گرفتاری ل: نبودت غم‌گرفتاری
۷ــ * ب: گفت بحافظ‌که این ح: گفت‌که حافظ عجب چه پر گاری

۴۳۵

۱ شهریست پر ظریفان وز هر طرف نگاری
یاران صلای عشق است گر می‌کنید کاری

۲ چشم جهان نبیند زین تازه‌تر جوانی
در دست کس نیفتد زین خوبتر نگاری

۳ جسمی که دیده باشد کز روحش آفریدند
زین خاکیان مبادا بر دامنش غباری

۴ چون من شکسته‌ای را از پیش خود چه رانی
کم غایت توقّع بوسیست یا کناری

۵ می بیغش است بشتاب وقتی خوش است دریاب
سال دگر که دارد امیّد نوبهاری

۶ در بوستان حریفان مانند لاله و گل
هر یک گرفته جامی بر یاد روی یاری

۷ چون این گره گشایم وین ریش چون نمایم
دردی و صعب دردی کاری و سخت کاری

۸ هر تاره موی حافظ در دست زلف شوخیست
مشکل توان نشستن در این دیار باری

ب،ج،ه،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق، اما نسخه‌های ج،ه بیت ۷ را ندارند.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ط: در هرطرف * ب: صلاء عشقست ارمی کنید ك: صلای‌عیش است

۲ـ ط: چشم جهان ندیدست ج،ل: چشم فلك نبیند زین‌طرفه‌تر * ط: کس نباشد

۳ـ ج،ل: هرگز که دیده باشد جسمی ز جان مرکب ط: چشمی که دیده‌باشد ه: کو روح آفریدند ی: کز روح آفریدند * ج،ل: بر دامنش مبادا زین خاکیان غباری ط: زین خاکدان مبادا ك: برخاطرش‌غباری

۴ـ ط: شکسته دلرا ج: زین پیش خود * ی: کش غایت توقع ه: بوسیست باکتاری ط،ك: بوسیست باکناری

۵ـ ك،ل: می‌بیعنش است درباب وقتی خوش است بشتاب ط: وقت‌خوشست * ج،ط: سالی دگر

۶ـ * ط: هرکس گرفته

۷ـ ط،ل: دین راز ك: ریش را نمایم * ه،ط،ل: دردی و سخت دردی ه،ل: کاری و صعب‌کاری

۸ـ ی،ل: هر تار موی حافظ ه: حافظ برگوشهٔ مقیم است ج،ل: در دست زلف شوخی ی: در دست یارشوخیست ك: بردست یارشوخی *ج،ط،ل: در این چنین دیاری

۴۳۶

۱ ترا که هر چه مراد است در جهان داری
چه غم ز حال ضعیفان ناتوان داری

۲ بخواه جان و دل از بنده و روان بستان
که حکم بر سر آزادگان روان داری

۳ میان نداری و دارم عجب که هر ساعت
میان مجمع خوبان کنی میان‌داری

۴ بیاض روی ترا نیست نقش در خور از آنک
سوادی از خط مشکین بر ارغوان داری

۵ بنوش می که سبک روحی و لطیف مدام
علی‌الخصوص در این دم که سر گران داری

۶ مکن عتاب ازین بیش و جور بر دل ما
بکن هر آنچه توانی که جای آن داری

۷ به اختیارت اگر صد هزار تیر جفاست
به قصد خون من خسته در کمان داری

۸ بکش جفای رقیبان مدام و جور حسود
که سهل باشد اگر یار مهربان داری

۹ به وصل دوست گرت دست می‌دهد یکدم
برو که هر چه مراد است در جهان داری

۱۰ چو گل به دامن ازین باغ می‌بری حافظ
چه غم ز ناله و فریاد باغبان داری

ﻫ،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ی،ل. با ترتیب متن نسخهٔ ﻫ بیت ۹ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ط: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۹،۱۰،+

ك: ۱،۲،۴،۵،۷،۶،۸،۹،۱۰

+ چو ذکر لعل لبش میکنی چه می‌شنوی(؟) حدیث ما شکرست آنکه دردهان‌داری

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ﻫ: از بندگان روان بستان

۴ـ ﻫ،ط: در خور رنگ * ط: سواد از خط مشکین ارغوان

۵ـ ﻫ،ی،ك: روحی ای ظریف مدام ط: لطیف اندام * ط،ل: در آن دم

۶ـ ط،ی: جور بر دل من ك: جور با دل ما * ل: مکن هر آنچه

۷ـ ی: باختیارگرت صدهزار ﻫ: اگر صد خدنك درکیش است ی: تیر دعاست ك: تیر بلاست *ط،ك،ل: به قصد جان

۸ـ ك: بکش جفای حسودان بسی و جور رقیب ﻫ،ی: مدام و خوشدل باش

۹ـ ك: وصال دوست

۱۰ـ ط: می برد حافظ

۴۳۷

۱ صبا تو نکهت آن زلف مشکبو داری
به یادگار بمانی که بوی او داری

۲ دلم که گوهر اسرار حسن و عشق در اوست
توان به دست تو دادن گرش نکو داری

۳ در آن شمایل مطبوع هیچ نتوان گفت
جز این قدر که رقیبان تندخو داری

۴ نوای بلبلت ای گل کجا پسند افتد
چو گوش هوش به مرغان هرزه‌گو داری

۵ به جرعهٔ تو سرم مست گشت نوشت باد
خود از کدام خم است اینکه در سبو داری

۶ به سرکشی خود ای سرو جویبار مناز
که گر به او رسی از شرم سر فرو داری

۷ دم از ممالک خوبی چو آفتاب زدن
ترا رسد که غلامان ماهرو داری

۸ قبای حسن فروشی ترا برازد و بس
که همچو گل همه آیین رنگ و بو داری

۹ ز کنج صومعه حافظ مجوی گوهر عشق
قدم برون نه اگر میل جست و جو داری

ب،ج،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ل. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ب،ج،ز،ط: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۹ بیت‌های ۷و۸ را ندارند

ه: ۱،۲،۸،۷،۳،۴،۵،۶،۹

ح،ك: ۱،۲،۵،+،۳،۸،۷،۴،۶،۹

ی: ۱،۲،۳،۵،۴،۶،۹ بیت‌های ۷و۸ را ندارد

م: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،*،۹ بیت‌های ۷و۸ را ندارد

+ زمانه کر همه مشك ختن دهد بر باد فدای تو که خط وخال مشکبو داری

* خراب می‌شوم از نور دیدهٔ رندان خوداز کدام‌خم‌است‌اینکه‌درسبوداری

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ج،ه: اسرار عشق و حسن ح: اسرار وگنج عشق * ط: بدست‌توش دادگرنکو ج: گرش نگه داری

۳ـ * م: که رفیقان تندخو

۴ـ ج،ه،ط: ای دل‌کجا ه: کجا بدست افتد * ط،ی: چه گـوش هوش ح،ل: که‌گوش و هوش م: چو گوش و هوش ز،ح: بمرغان بذله گو

۵ـ ح،ك: خراب می‌شوم ای نوردیدهٔ رندان ط: سرم سبزگشت * ح، ك: خود ازکدام میست

۶ـ ه: بسر خوشی خود * ط،ل: که‌گر بلورسی ب: از شرم سرفرو آری ج،ز،ط: سر فرود آری

۸ـ ك: برارد بس * ك: آیین و رنگ و بو

۹ـ * ك: قدم براه نه ار عشق جست و جو ح،م: اگر عشق جست وجوداری

۴۳۸

۱ بتا با ما مَوَرز این کینه داری
که حقّ صحبت دیرینه داری
۲ نصیحت گوش کن کاین دُر بسی به
از آن گوهر که در گنجینه داری
۳ به فریاد خمار مفلسان رس
خدا را گر می دوشینه داری
۴ و لیکن کی نمائی رخ به رندان
تو کز خورشید و مه آیینه داری
۵ بد رندان مگو ای شیخ و هش‌دار
که با مهر خدائی کینه داری
۶ نمی ترسی ز آه آتشینم
تو دانی خرقهٔ پشمینه داری
۷ ندیدم خوشتر از شعر تو حافظ
به قرآنی که اندر سینه داری

ب،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،د،ه،ز،ح،ی،ك،م. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ط،ل: ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۳، ۷

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ د،ز،ح،ی: بتا با ماموزز
۳ـ * ح: خدا را گر میی
۵ـ* د،ه: تو با مهر خدائی **ح:** که با مهر سپهری **ط:** که بر حکم خدایی **ل:** که با حکم خدایی
۶ـ * ط: که در بر خرقهٔ

۴۳۹

۱ ای که در کوی خرابات مقامی داری

جم وقت خودی ار دست به جامی داری

۲ ای که با زلف و رخ یار گذاری شب و روز

فرصتت باد که خوش صبحی و شامی داری

۳ ای صبا سوختگان بر سر ره منتظرند

گر از آن یار سفر کرده پیامی داری

۴ بوی جان از لب خندان قدح می‌شنوم

بشنو ای خواجه اگر زانکه مشامی داری

۵ نانی ار می طلبد از تو غریبی چه شود

توئی امروز درین شهر که نامی داری

۶ خال سر سبز تو خوش دانهٔ عیشیست ولی

بر کنار چمنش وه که چه دامی داری

۷ بس دعای سحرت حارس جان خواهد بود

تو که چون حافظ شبخیز غلامی داری

ب،ج،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ج،ی،م. با ترتیب متن نسخهٔ ب بیت‌های ۵و۶ را ندارد و در نسخهٔ ه بیت‌های ۳و۴ مقدم و مؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ز: ۱،۲،۳،+،۴،۵،۶،۷

ح،ك: ۱،۲،۳،×،۴،۵،۶،۷

ط: ۱،۲،۳،۶،۴،۵،۷

ل: ۱،۲،۳،۶،۴،+،۵،۷

+ گو بهنگام وفا گر چه ثباتیت نبود　　　می کنم شکر که در جور دوا می داری

که در نسخهٔ ل «چون بهنگام وفا هیچ ــ برجور» آمده است.

× هر بعمری صنمی رسم جفائی بنهد　　　توئی ای جان که درین کار دوامی داری

که در نسخهٔ ك «که درین شیوه» آمده است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ی: در کنج خرابات　　* ط: توی امروز جم وقت که جامی داری　　ح: خودی امروز که جامی داری

۲ـ ز: وای که با زلف　　ح،ط،ك: وی که با زلف　　م: رخ و یارگذاری همه شب　　ج: کدایان شب و روز

۴ـ ح،ك: از لب جانبخش قدح

۵ـ ط،ل: نام نیك ارطلبد

۶ـ ج،ه،ی،م: خالشبرین تو　　ز،ط،ك: عیشست　　* ك: برکنارچمنت

۷ـ ك: دعای سحری　　ب،ه،ز،ی،ل،م: مونس جان　　ح،ك: حامی جان

۴۴۰

۱ ای که مهجوری عشّاق روا می‌داری
بندگان را ز بر خویش جدا می‌داری

۲ تشنهٔ بادیه را هم به زلالی دریاب
به امیدی که درین ره به خدا می‌داری

۳ دل ربودی و بحل کردمت ای جان لیکن
به ازین دار نگاهش که مرا می‌داری

۴ ساغر ما که حریفان دگر می‌نوشند
ما تحمّل نکنیم ار تو روا می‌داری

۵ ای مگس حضرت سیمرغ نه جولانگه تست
عرض خود می‌بری و زحمت ما می‌داری

۶ تو به تقصیر خود افتادی ازین در محروم
از که می‌نالی و فریاد چرا می‌داری

۷ حافظ از پادشهان پایه به خدمت طلبند
کار ناکرده چه امّید عطا می‌داری

ب،د،ه،ز،ح،ط،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با همهٔ نسخه‌های فوق بجز نسخهٔ ط که بیت ۷ را ندارد و به جای آن بیت زیر را افزوده است:

+ حافظا عادت خوبان همه جورست و جفا

پس چرا این همه ناله ز جفا می‌داری

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ح،ك،ل،م: عاشقان را ز بر خویش ط: ز در خویش

۳ـ ح،ط،ل: دل ببردی و

۴ـ * ز،ی: ما تحمل مکنیم ط،ك: ما تحمل بکنیم

۵ـ ط: سیمرغ تو جولانگه

۶ـ * ك: از که می‌بینی و فریاد

۷ـ ج،ه: حافظ خام طمع شرمی ازین قصه بدار ز: حافظ ار پادشهان

* ط،ل: سعی نابرده چه امید

۴۴۱

۱ روزگاریست که ما را نگران می‌داری
مخلصان را نه به وضع دگران می‌داری

۲ گوشهٔ چشم رضائی به منت باز نشد
این چنین عزت صاحب‌نظران می‌داری

۳ تا صبا بر گل و بلبل ورق حسن تو خواند
همه را نعره‌زنان جامه‌دران می‌داری

۴ ساعد آن به که بپوشی تو چو از بهر نگار
دست در خون دل پرهنران می‌داری

۵ ای که در دلق ملمع طلبی ذوق حضور
چشم سری عجب از بی‌خبران می‌داری

۶ نرگس باغ نظر چون توئی ای چشم و چراغ
سر چرا بر من دلخسته گران می‌داری

۷ گوهر جام جم ازکان جهانی دگر است
تو تمنّا ز گِل کوزه‌گران می‌داری

۸ پدر تجربه ای دل توئی آخر ز چه روی
طمع مهر و وفا زین پسران می‌داری

۹ گرچه رندیّ و خرابی گنه ماست همه
عاشقی گفت که تو بنده بر آن می‌داری

۱۰ مگذران روز سلامت به ملامت حافظ
چه توقّع ز جهان گذران می‌داری

ب،ج،ز،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن تا بیت ۴ مطابق است با نسخه‌های ب،ز و بقیه مطابق است با نسخهٔ ل، اما این نسخه بیتی افزوده دارد. باترتیب متن‌نسخهٔ ط بیت‌های ۴و۸و۹ راندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ب: ۱،۲،۳،۴،۸،۹،۶،۵،۷،۱۰
ج: ۱،۲،۴،۶،۳،۵،۸،+،۷،۱۰ بیت ۹ را ندارد
ز: ۱،۲،۳،۴،۸،۹،۶،۵،+،×،۷،۱۰
ی: ۱،۲،۴،۸،۳،۹،۶،۵،۷،۱۰
ك: ۱،۲،۶،۳،۴،۹،۵،۷،۸،۱۰
ل: ۱،۲،۴،۳،۵،۶،۷،۸،+،۹،۱۰
م: ۱،۲،۳،۸،۴،۹،۶،۵،۷،۱۰

+ کیسهٔ سیم و زرت پاك بباید پرداخت این طمع‌ها که تو از سیمبران می‌داری
که در نسخهٔ ح «زین طمعها» و در نسخهٔ ز «این توقع که تو از» آمده است.

× دل ودین رفت ولی راست نمی‌یارم گفت که من سوخته دلرا تو بران میداری

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ز،م: بندگانرا نه بوضع
۳ـ ج،ك: نه گل از دست غمت رست نه بلبل در باغ ل: نه گل ازدست‌غمت رست و نه بلبل در باغ * ب،ز،م: جامه دران نعره زنان
۴ـ ط: که بپوشی تو و از بهر نگار م: تو از بهر نگار
۵ـ ك: دلق مرقع ی،م: طلبی ذوق و حضور ل: طلبی نقد حضور * ز: چشم خیری عجب
۶ـ ج: چون توئی نرگس بستان من ای چشم و چراغ ط: چون توی نرگس باغ نظر و چشم وچراغ ل: چون توئی نرگس باغ نظر ای چشم و چراغ * ز: برمن شوریده‌گران
۷ـ ط: جوهر جام * ط: تو تمنای‌گل
۸ـ ك: پدر تجربه آخر توئی ای دل ز چه روی ب،ز: تویی از بهرچه‌روی
۹ـ ل: گنه ماست ولی * ز: عاشقی‌گفت که ما را تو بران میداری
۱۰ـ * ی: بجهان گذران م: ز جهان دگران میداری

۴۴۲

۱ خوش کرد یاوری فلکت روز داوری
تا شکر چون کنیّ و چه شکرانه آوری

۲ در کوی عشق شوکت شاهی نمی‌خرند
اقرار بندگی کن و اظهار چاکری

۳ آنکس که اوفتاد و خدایش گرفت دست
گو بر تو باد تا غم افتادگان خوری

۴ ساقی به مژدگانی عیش از درم درآی
تا یکدم از دلم غم دنیا به در بری

۵ در شاهراه جاه و بزرگی خطر بسیست
آن به کزین گریوه سبکبار بگذری

۶ سلطان و فکر لشکر و سودای گنج و تاج
درویش و امن خاطر و کنج قلندری

۷ یک حرف صوفیانه بگویم اجازت است
ای نور دیده صلح به از جنگ و داوری

۸ نیل مراد بر حسب فکر و همّت است
از شاه نذر خیر و ز توفیق یاوری

۹ حافظ غبار فقر و قناعت ز رخ مشوی
کاین خاک بهتر از عمل کیمیاگری

ب،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ی،م. با ترتیب متن نسخهٔ ز بیت ۸ و نسخهٔ ط بیت ۴ را ندارد، در نسخه‌های ط،ل بیت‌های ۳و۲ مقدم و مؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ح: ۱،۲،۳ بقیهٔ بیت‌ها را ندارد

ك: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۹،۷،۸

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ب: در کوی عشقت شوکت ح: عشق دولت شاهی ك: عشق دولت و شاهی ط: شوکت وشاهی ی: شوکت شاهان * ح: اظهار بندگی کن و اقرار چاکری

۳ـ ز،ح،ط،ك،ل: اوفتاد خدایش

۴ـ * ك: غم دینی

۶ـ ط،ل: تاج وگنج ك: گنج و مال

۸ـ ط،ك: سیر مراد ط: برحسب و فکر

۹ـ ط: ز رخ بشوی ك: از دل مشوی * ط: کاں خاك پاش به از کیمیا گری ك: این خاك

۴۴۳

۱ طفیل مستی عشقند آدمی و پری
ارادتی بنما تا سعادتی ببری

۲ چو مستعد نظر نیستی وصال مجوی
که جام جم نکند سود وقت بی‌بصری

۳ بکوش خواجه و از عشق بی‌نصیب مباش
که بنده را نخرد کس به عیب بی‌هنری

۴ می صبوح و شکر خواب صبحدم تا چند
به عذر نیمشبی کوش و گریهٔ سحری

۵ بیا و سلطنت از ما بخر به مایهٔ حسن
وزین معامله غافل مشو که حیف خوری

۶ دعای گوشه‌نشینان بلا بگرداند
چرا به گوشهٔ چشمی به ما نمی‌نگری

۷ زهجر و وصل تو در حیرتم چه چاره کنم
نه در برابر چشمی نه غایب از نظری

۸ هزار جان مقدّس بسوخت زین غیرت
که هر صباح و مسا شمع مجلس دگری

۹ چو هر خبر که شنیدم دری به حیرت داشت
ازین سپس من و مستی و وضع بی‌خبری

۱۰ بیا که وضع جهان را چنانکه من دیدم
گر امتحان بکنی می خوری و غم نخوری

۱۱ به یمن همّت حافظ امید هست که باز
اَری اُسامِرُ لَیْلایَ لَیْلَةُ القَمَری

۱۲ ز من به حضرت آصف که می‌برد پیغام
که یادگیر دو مصرع ز من به نظم دری

۱۳ کلاه سروریت کج مباد بر سر حسن
که زیب‌بخت و سزاوار ملک و تاج‌سری

۱۴ به بوی زلف و رخت می‌روند و می‌آیند
صبا به غالیه سائی و گل به جلوه‌گری

ب،ح،ه،ز،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ب، اما این نسخه بیت‌های ۱۲و۱۳و۱۴ را ندارد. سه‌بیت اخیر که متضمن ذکر و مدح ممدوح است در اکثر نسخه‌ها نیست و هریك، تنها در دو نسخه از ۹ نسخه وجود دارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ج: ۱،۲،۳،۴،۵،۸،۷،۴،۱۱ بیت‌های ۶،۹،۱۰،۱۲،۱۳ را ندارد

ه: ۱،۲،۴،۷،۸،۶،۵،۱۱ بیت‌های ۹و۱۲و۱۳ را ندارد

ز: ۱،۲،۳،۴،+،۵،۶،۴،۱۰،۷،۸،۱۱ بیت‌های ۳و۹و۱۰و۱۲و۱۳و۱۴ را ندارد

ط: ۱،۳،۲،۴،۶،۵،×،۱۱ بیت‌های۷و۸و۹و۱۰و۱۲و۱۳و۱۴ را ندارد

ی: ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۸،۹،۱۲،۱۰،۱۱ بیت‌های ۱۳و۱۴ را ندارد

ك: ۱،۲،۴،۳،۵،۶،۷،۸،۱۳،۱۰،۱۱ بیت‌های ۹و۱۲و۱۴ را ندارد

ل: ۱،۳،۴،۷،۸،۱۲،۱۰،۱۳،۱۴،۲،۶،۵،×،۱۱ بیت ۹ را ندارد

م: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۲،۱۰،۱۱ بیت‌های ۱۳و۱۴ را ندار

+ تو خود چه لعبتی ای نازنین شعبد، باز نه در برابر چشمی نه غائب از نظری

× طریق عشق طریقی عجب‌خطرناك است نعوذبالله اگـر ره بـه مقصدی نبری

که در نسخهٔ ط «طریق عشق طریق عجب» آمده است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ه،ز،ی،ك:ل،م: هستی‌عشقند ط: مستی وعشقند ۲ـ ز: چو مستحق‌نظر

۴ـ ج،ه: مرا در‌ین‌ظلمات انك ره نمایی کرد ط: مرا ازین‌ظلمات آنکه‌رهنمایی داد ب: شکر خواب بامدادی چند ك: شکر خواب صبح تا بچه حد * ج: نمازنیم شبی بود ه،ط: نیاز نیم شبی بود ی: کوش و نالهٔ سحری

۵ـ ج: می صبوح و شکر خواب صبحدم تا چند * ه،ك: درین معامله ه: که حیف بری

۷ـ ه: تو خود چه لعبتی ای نازنین شعبده باز ل: تو خود چه لعبتی ای‌شهسوار شیرین‌کار ك: چه چاره برم * ه،ل: که در برابـر چشمی و غایب از نظری ی: چرا بگوشهٔ چشمی بما نمی‌نگری

۸ـ ب،ز: بسوخت از غیرت * ه،ك: که هر صباح دگر شمع ی،م: که در صباح و ب،ه،ی: شمع مجلسی دگری ج: شمع و مجلس

۹ـ ی: چو هر خبر که تو دادی دری بغیب‌گشاد م: چو هر خبر که شنیدی

۱۱ـ ط: منال حافظ و می‌نوش کاندرین دو سه روز * ط: اذا اسامر ی: ابیت سامر

۱۲ـ ی: نمی‌روی از دل برون و این عجب است * ی: تو یادگیر

۱۳ـ * ك: سزاوار تخت و ۱۴ـ ج: زلف رخت

۴۴۴

۱ ای که دایم به خویش مغروری
گر ترا عشق نیست معذوری
۲ گرد دیوانگان عشق مگرد
که به عقل عقیله مشهوری
۳ مستی عشق نیست در سر تو
رو که تو مست آب انگوری
۴ روی زرد است و آه دردآلود
عاشقان را دوای رنجوری
۵ بگذر از نام و ننگ خود حافظ
ساغر می طلب که مخموری

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ح: عشق هست معذوری
۲ـ ط: عشق بگرد * ط،ی: که بعقل و عقیله م: که بعقل عقیل‌مشهوری
۳ـ ط: مستی وعشق ی: عشق هست * ح: زانکه تومست ه،ك: مست از آب
۴ـ ط: آه اشك‌آلود
۵ـ ی: گذر از ط: ننك و نام خود * ه،ز،ط،ك: ساغری می ح: ساعتی می

۴۴۵

۱ ز کوی یار می‌آید نسیم باد نوروزی
ازین باد ار مدد خواهی چراغ دل برافروزی

۲ چو گل گر خرده‌ای داری خدا را صرف عشرت کن
که قارون را غلط‌ها داد سودای زر اندوزی

۳ سخن در پرده می‌گویم چو گل از غنچه بیرون آی
که بیش از پنج روزی نیست حکم میر نوروزی

۴ میی دارم چو جان صافیّ و صوفی می‌کند عیبش
خدایا هیچ عاقل را مبادا بخت بد روزی

۵ طریق کام‌بخشی چیست ترک کام خود کردن
کلاه سروری آن است کز این ترک بردوزی

۶ ندانم نوحهٔ قمری به طرف جویبار از چیست
مگر او نیز همچون من غمی دارد شبانروزی

۷ جدا شد یار شیرینت کنون تنهانشین ای شمع
که حکم آسمان این است اگر سازی و گرسوزی

۸ به بستان شو که از بلبل رموز عشق گیری یاد
به مجلس آی کز حافظ غزل گفتن بیاموزی

ب،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ی. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ح: ۱،۲،۵،۷،۳،۴،۸ بیت ۶ را ندارد

ط: ۱،۲،۵،۳،۶،۷،۸ بیت ۴ را ندارد

ك: ۱،۲،۵،۷،*،۳،۴،۶،۸

ل: ۱،۲،+،۸، × ،۵،۳،۶،۴،۷،**،⊕،⊗،⊕

م: ۸ بقیهٔ بیت‌ها را ندارد

+ زجام گل دگر بلبل چنان مست می لعلست
که زد بر چرخ فیروزه صفیر تخت فیروزی

× چو امکان خلود ای دل درین فیروزه ایوان نیست
مجال عیش فرصت دان به فیروزی و بهروزی

* به عجب علم نتوان شد زاسباب طرب محروم
بیا ساقی که جاهل راهنی تر می رسد روزی

که در نسخهٔ ك «شد از اسباب» آمده است.

⊕ می اندر مجلس آصف به نوروز جلالی نوش
که بخشد جرعهٔ جامت جهان را ساز نوروزی

⊗ نه حافظ می کند تنها دعای خواجه تورانشاه
ز مدح آصفی خواهد جهان عیدی و نوروزی

** جنابش پارسایان راست محراب دل و دیده
جبینش صبح خیزان راست روز فتح و فیروزی

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ح،ك: ارمدد جوئی

۳ـ ب،ح،ك: می گویم زخود چون غنچه ی: میگویم بهار وگل غنیمت دان ح: بیرون آ

۵ـ ی: ترك كام خود گفتن * ب،ی: سروری این دان کزین دو ترك ط: سروری اینست کر ترکی بران دوزی ك: کران ترك

۶ـ ی،ل: جویباران چیست * ك: مگر کونیز

۷ـ ب: یار شیرینم ی: یار شیرین وکنون * ط: اکرسوزی

۸ـ ح،ك: به بستان رو ط: بمجلس روکه ازحافظ رموز ل: به صحرا روکه از دامن غبار غم بیفشانی * ح: بمجلس آکه از حافظ ط: ببستان آکه از بلبل ل: بگلزار آی کز بلبل ك: کز حافظ چراغ دل برافروزی

۴۴۶

۱ عمر بگذشت به بیحاصلی و بلهوسی
ای پسر جام می‌ام ده که به پیری برسی

۲ چه شکرهاست درین شهر که قانع شده‌اند
شاهبازان طریقت به مقام مگسی

۳ با دل خون شده چون نافه خوشش باید بود
هر که مشهور جهان گشت به مشکین نفسی

۴ بال بگشای و صفیر از شجر طوبی زن
حیف باشد چو تو مرغی که اسیر قفسی

۵ کاروان رفت و تو در راه کمینگاه به خواب
وه که بس بی‌خبر از این همه بانگ جرسی

۶ لمع البرق من الطور و آنست به
فلعلی لَکَ آتٍ بشهاب قبس

۷ تا چو مجمر نفسی دامن جانان گیریم
جان نهادیم بر آتش ز پی خوش نفسی

۸ چند پوید به هوای تو ز هر سو حافظ
یَسّرَاللّه طریقاً بک یا ملتمسی

الف،ب،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **الف،ب**، اما نسخهٔ **ب** بیت ۷ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ح،ك: ۱،۶،۲،۳،۴،۵،۸ بیت ۷ را ندارد

ط: ۱،۲،۶،۵،۴،۷،۸ بیت ۳ را ندارد

ی: ۱،۲،۶،۳،۴،۵،۸ بیت ۷ را ندارد

ل: ۱،۲،+،۳،۶،۵،۴،۷،۸

+ دوش در خیل غلامان درش می‌رفتم گفت ای عاشق بیچاره تو باری چه کسی

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ * **ط:** پادشاهان ملاحت بمقام مگسی

۳ـ * **ح:** بشیرین نفسی

۴ـ **ح،ط،ل:** بال بگشا و

۵ـ **ل:** کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش * **الف،ی،ل:** بی‌خبر از غلغل چندین جرسی **ح:** غلغل بانگ جرسی **ك:** غلغل و بانگ جرسی

۶ـ * **ب،ی،ك:** آتی **ب،ط،ی:** قبسی

۷ـ متن مطابق نسخهٔ **الف** است. **ط،ل:** جانان گیرم

۸ـ **الف،ط:** ز هوای تو **الف،ح،ط،ك:** بهر سو

۴۴۷

۱ نوبهار است در آن کوش کـه خـوشدل بـاشی
که بسی گـل بـدمد بـاز و تـو در گـل بـاشی

۲ چنگ در پـرده همین مـی‌دهدت پـند ولی
وعظت آنگاه کـند سود کـه قـابل بـاشی

۳ من نگویم که کنون بـا کـه نشین و چـه بـنوش
که تو خود دانـی اگـر زیـرک و عاقـل بـاشی

۴ در چمن هر ورقـی دفـتر حـالی دگـر است
حیف باشد کـه ز حـال همه غافـل بـاشی

۵ گرچه راهیست پر از بـیم ز مـا تـا بـر دوست
رفـتن آسان بـود ار واقـف مـنزل بـاشی

۶ نـقد عمرت بـبرد غصّهٔ دنـیی بـه گـزاف
گـر شب و روز دریـن قصّهٔ مشکل بـاشی

۷ حـافظا گـر مـدد از بـخت بـلندت بـاشد
صید آن شاهد مـطبوع شمایـل بـاشی

ب،ه،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ب. با ترتیب متن درنسخهٔ ه بیت‌های ۵و۶ و درنسخه‌های ح،ی،ك بیت ۲و۳ مقدم و مؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ط،ل: ۱،۳،۲،۴،۶،۵،۷

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ه: نوبهارست و * ه: بدمد خار و تو

۲ـ ی: پند لیکن

۳ـ ه: چه پوش

۴ـ * ط،ك،ل: زکار همه

۵ـ ب،ط،ك: ز ما تا در دوست

۶ـ ه،ح،ط،ل: غصهٔ دنیا ی: قصهٔ دنیا * ط،ی: که شب و روز

ه: پردهٔ مشکل

۴۴۸

۱ هزار جهد بکردم که یار من باشی

مرادبخش دل بیقرار من باشی

۲ چراغ دیدهٔ شب زنده‌دار من گردی

انیس خاطر امّیدوار من باشی

۳ چو خسروان ملاحت به بندگان نازند

تو در میانه خداوندگار من باشی

۴ از آن عقیق که خونین دلم ز عشوهٔ او

اگر کنم گله‌ای رازدار من باشی

۵ در آن چمن که بتان دست عاشقان گیرند

گرت ز دست برآید نگار من باشی

۶ شود غزالهٔ خورشید صید لاغر من

گر آهوئی چو تو یکدم شکار من باشی

۷ سه بوسه کز دو لبت کرده‌ای وظیفهٔ من

اگر ادا نکنی قرض‌دار من باشی

۸ من این مراد ببینم به خود که نیم شبی

به جای اشک روان در کنار من باشی

۹ من ار چه حافظ شهرم جوی نمی‌ارزم

مگر تو از کرم خویش یار من باشی

الف،ب،ه،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **الف،ط**. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ب،ح،ك: ۱،۲،۳،۵،۴،۶،۷،۹ بیت ۸ را ندارند

ه: ۱،۲،۳،۵،۴،۶،۸،۷،۹

ی: ۱،۲،۵،۳،۴،۶،۷،۹ بیت ۸ را ندارد

ل: ۱،۲،۳،۴،۵،+،۶،۷،۸،۷

+ شبی به‌کلبهٔ احزان عاشقان آئی دمی انیس دل سوگـوار من باشی

اختلاف نسخه‌ها

۴ـ * **الف،ط،ی،ل:** غمگسار من

۶ـ * **ح:** که آهوئی **ط:** گر آهوی

۷ـ **ه:** کز دولبان * **ط:** وام دار من

۸ـ **ه:** من آن مراد **الف:** نبینم بخود **ط:** نه بینم بخود

۴۴۹

۱ ای دل آن دم که خراب می گلگون باشی
بی‌زر و گنج به صد حشمت قارون باشی

۲ در مقامی که صدارت به فقیران بخشند
چشم دارم که به جاه از همه افزون باشی

۳ در ره منزل لیلی که خطرهاست در آن
شرط اوّل قدم آن است که مجنون باشی

۴ نقطهٔ عشق نمودم به تو هان سهو مکن
ورنه چون بنگری از دایره بیرون باشی

۵ کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش
کی روی ره ز که پرسی چه کنی چون باشی

۶ تاج شاهی طلبی گوهر ذاتی بنمای
ور خود از گوهر جمشید و فریدون باشی

۷ ساغری نوش کن و جرعه بر افلاک فشان
چند و چند از غم ایّام جگر خون باشی

۸ حافظ از فقر مکن ناله که گر شعر این است
هیچ خوشدل نپسندد که تو محزون باشی

ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،د،ز،ط،ی،ل. با ترتیب متن نسخهٔ ج بیت‌های ۲ و ۴ و نسخهٔ ه بیت ۶ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ح،ك: ۱،۴،۲،۳،۵،۷،۶،۸

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ز،ی: ای دل آن به   د،ح،ك،ل: خراب ازمی   * ج: گرچه‌هیچت نبود خواجه که قارون   ح،ك: گنج و درم پیش چو قارون

۳ـ ح: که خطرهاست دراو   ك: که عجبهاست درو   * ح،ك: اول روش انست که

۴ـ ط: منظر عشق نمودم

۵ـ ه: تو در راه و بیابان   ح،ك: تو در خوابی و تنها آخر   * ج: کی روی ره چکنی کی برسی چون باشی   ك: کی روی چون برسی من چکنم چون باشی

۶ـ ط: ذاتی بنما   * ل: از تخمهٔ جمشید

۷ـ ز،ح،ك: قدحی نوش‌کن و   ط: جرعهٔ نوش‌کن و   ب: نوش‌کن جرعه   ط: درد برافلاك   ج،د،ز،ط،ی: برافلاك افشان   ح: بر افلاك رسان   * ز: تا بچند از غم   ح: چند چند از غم

۸ـ ح: حافظ از غصه مکن ناله   * ح،ك: هیچ عاقل نپسندد

۴۵۰

۱ این خوش رقم که بر گل رخسار می‌کشی
خط بر صحیفهٔ گل و گلزار می‌کشی

۲ اشک حرم‌نشین نهانخانهٔ مرا
زان سوی هفت پرده به بازار می‌کشی

۳ کاهل روی چو باد صبا را به بوی زلف
شیرین به قید و سلسله در کار می‌کشی

۴ هر دم به یاد آن لب میگون و چشم مست
از خلوتم به خانهٔ خمّار می‌کشی

۵ گفتی سر تو بستهٔ فتراک ما شود
سهل است اگر تو زحمت این بار می‌کشی

۶ با چشم و ابروی تو چه تدبیر دل کنم
وه زین کمان که بر من بیمار می‌کشی

۷ باز آ که چشم بد ز رخت دفع می‌کنم
ای تازه گل که دامن ازین خار می‌کشی

۸ حافظ دگر چه می‌طلبی از نعیم دهر
می می‌چشی و طرّهٔ دلدار می‌کشی

ب،د،ه،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ح،ط،ل. با ترتیب متن نسخهٔ د بیت ۳ و نسخهٔ ك بیت ۵ را ندارد، در نسخه‌های ه،ی بیت‌های ۳و۴ مقدم و مؤخر است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ه،ح،ك،ل: زین خوش رقم ط: که بر مه رخسار
۳ـ ك: صبازان ببوی * ح،ط،ك،ل: هر دم به قید سلسله
۴ـ ی: هر دم ببوی نرگس مخمور خویشتن
۵ـ ح: فتراك ماسزد
۶ـ * ح،ك: که بر دل بیمار میکشی
۷ـ ط،ل: دفع می‌کند ی: ز رخت دور می‌کنم * ك: دامن این خار
۸ـ ح،ك: حافظ بگوچه می‌طلبی *د،ه،ح،ل: می می‌خوری و ط،ك: می میکشی و طرهٔ دستار می‌کشی ح: طوره دستار می‌کشی

۴۵۱

۱ سُلَیمی مُنذُ حَلَّتْ بالعراق
اُلاقی مِنْ نَواها ما اُلاقی

۲ الا ای ساربان محمل دوست
الی رکبانکم طالَ اَشتیاقی

۳ خرد در زنده رود انداز و می نوش
به گلبانگ جوانان عراقی

۴ بیا ساقی بده رطل گرانم
سَقاک اَللهُ مِن کأسٍ دِهاق

۵ جوانی باز می‌آرد به یادم
سماع چنگ و دست افشان ساقی

۶ می باقی بده تا مست و خوشدل
به یاران بر فشانم عمر باقی

۷ درونم خون شد از نادیدن دوست
اَلا تَعْساً لاَیّام الفراقِ

۸ ربیعُ العُمر فی مَرعی حِمَاکُم
حَمَاکَ الله یا عَهْدَ التّلاقی

۹ دمی با نیک خواهان متفّق باش
غنیمت دان امور اتّفاقی

۱۰ مَضَتْ فرص الوِصال وَمَا شَعِرنا
بگو حافظ غزلهای فراقی

۱۱ دموعی بَعْدکم لاتحقروها
فکم بَحْرٍ عمیقٍ من سواقی

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ب. با ترتیب متن نسخهٔ ح بیت‌های ۸ و ۱۱ و نسخهٔ ك بیت ۱۱ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ه: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،+،×،۹،۱۰ بیت ۱۱ را ندارد

ز: ۱،۲،۳،۴،۵،+،۶،۸،۹،۱۰،۱۱،* بیت ۷ را ندارد

ط: ۱،۲،⊕،۳،۴،۵،۶،۷،۸،+،×،۱۰،۱۱ بیت ۹ را ندارد

ی: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،+،×،۹،۱۰،۱۱

ل: ۱،۲،۳،۸،۴،۵،۶،۷،۱۱،۹،⊕،+،**،۱۰

+ عروسی بس خوشی ای دختر رز ... ولی گه‌گه سزاوار طلاقی

× نهانی‌الشیب من وصل العذاری ... سوی تقبیل وجه واعتناقی

* امید وصل جانان خوش خیالیست ... بگو صوفی غزلهای عراقی

⊕ بسازای‌مطرب‌خوش‌خوان‌خوشگو ... به شعر فارسی صوت‌عراقی

در نسخهٔ ط «بیا ای مطرب خوش قول خوش‌گوی» آمده است

** مسیحای مجرد را برازد ... که با خورشید سازد هم و ثاقی

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ح،ط،ك: من هواها

۲ـ ل: ای ساروان ح،ط،ك،ل: منزل دوست

۴ـ * ی: سماع چنگ و دست افشان ساقی ط: من کاس الوفاقی

۵ـ ب،ه،ز: می‌آید بیادم * ه: سماع وچنگ ی: سقاك‌الله من‌کاس‌دهاقی

۶ـ ب،ز: تا مست و مدهوش * ح،ك: بساقی برفشانم

۷ـ ح: دل من خون شد از * ه،ی،ك: لایام الفراقی

۸ـ ز: مرعی الیکم * ط: کمال‌الله ما عهد ك: بالعهد التلاقی

۹ـ ب: نیك خواهان خوش بسر بر ه،ی: وصال دوستان روزی ما نیست
* ح: حضور اتفاقی

۱۰ـ ز،ح،ط،ی،ك: فرض‌الوصال ل: وصال دوستان روزی ما نیست
* ل: بخوان حافظ. ه،ل: غزلهای عراقی

۱۱ـ * ب،ط،ز: بحر جمعن ب: من‌العوافی ط: من‌البواقی ز: من‌الشواقی ی: من‌السواقی

۴۵۲

۱ کَتَبْتُ قِصَّةَ شَوْقی و مَدْمَعی باکی
بیا که بی‌تو به جان آمدم ز غمناکی

۲ بسا که گفته‌ام از شوق با دو دیدهٔ خویش
اَیا مَنازل سَلْمی فَاَیْنَ سَلْمَاک

۳ عجیب واقعه‌ای و غریب حادثه‌ایست
انا اصطَبَرْتُ قَتیلاً وقاتِلی شاکی

۴ کرا رسد که کند عیب دامن پاکت
که همچو قطره که بر برگ گل چکد پاکی

۵ ز خاک پای تو داد آب روی لاله و گل
چو کلک صنع رقم زد بر آبی و خاکی

۶ صبا عبیر فشان گشت ساقیا برخیز
وَهَاتَ شَمْسَةَ کَرمٍ مُطَیَّبٍ زاکی

۷ دَعِ التّکاسُل تَغْنَمْ فَقَدْ جَری مَثَلٌ
که زاد راهروان چستی است و چالاکی

۸ اثر نماند ز من بی شمایلت آری
اریَ مآثِرَ مَحْیایَ مِنْ مُحَیّاکِ

۹ ز وصف حسن تو حافظ چگونه نطق زند
که چون صفات الهی ورای ادراکی

ب،ه،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ب: قصة شوق ك: شوقی ملمعی الباکی ه: وادمعی باکی
۲ـ ل: با دو دیدهٔ خود * و این سلماکی ب،ه،ط،ی،ك: سلماکی
۳ـ ط،ل: حادثه‌ای * ب،ك: ان اصطبرت
۴ـ * ی: که همچو ذره‌که ط: که از برگ‌گل
۵ـ ط: تو دادند آب لاله وگل * ه،ل: به‌آبی و خاکی
۶ـ ط،ی: عبیر فشانست ساقیا ه: کشت و خاك غالیه بوی * ط: و
هات شمه راح ب،ط: زاك
۸ـ ب: اثر نماندن من * ط: فری مآثر ب،ه،ط،ی،ك: محیاکی
۹ـ ك: بوصف روی تو * ه،ل: که همچو صنع خدائی و رای ی:
که سر صنع خدایی برون ز ادراکی

۴۵۳



۱ یا مَبسِماً یحاکی دُرجاً من اللّالی
یا رب چه در خور آمد گِردش خط هلالی

۲ حالی خیال وصلت خوش می‌دهد فریبم
تا خود چه نقش بازد این صورت خیالی

۳ دل رفت و دیده خون شد تن خست و جان برون شد
فی العشق معجبات یأتین بالتوالی

۴ می ده که گرچه گشتم نامه‌سیاه عالم
نومید کی توان بود از لطف لایزالی

۵ ساقی بیار جامی وز خلوتم برون کش
تا در بدر بگردم قلّاش و لا ابالی

۶ از چار چیز مگذر گر عاقلی و زیرک
امن و شراب بی‌غش معشوق و جای خالی

۷ چون نیست نقش دوران در هیچ حال ثابت
حافظ مکن شکایت تا میْ خوریم حالی

۸ صافیست جام خاطر در دور آصف عهد
قُمْ فَاسْقِنِی رَحیقاً اَصْفی مِنَ الزلال

۹ الملک قَد تَباهی مِن جَدّه و جِدّه
یا رب که جاودان باد این قدر و این معالی

۱۰ مسند فروز دولت کان شکوه و شوکت
برهان ملک و ملّت بونصرِ بوالمعالی

ب،ز،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ل. اما این نسخه بیت ۳ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر:

ب: ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۸،۱۰ بیت‌های ۶ و ۹ را ندارد

ز: ۱،۲،۶،۴،۵،۷،۸،۱۰،۹

ط: ۱،۲،۳،۴، × ،۶،*،۷،۸،۱۰،۹

ی: ۱،۲،۳،۵،*،۷،۸،۱۰ بیت‌های ۶و۹ را ندارد

ك: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۸،۱۰،*،⊕،۷ بیت ۹ را ندارد

× العین ماتنامت فی‌شوق ارض‌نجد والقلب ذات وجد فی ذات انفصال

* دلبر بعشق بازی‌خونم حلال‌دانست فتوی قصه چونست ای زمرهٔموالی

که در نسخهٔ ك «فتوی شرع چونست» آمده است.

⊕ خوی‌تو گر نگردد هر گزد گر نگردد عاشق درین جوانب عارف درین حوالی

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ز: یا مبسمی ز،ك: بحالی * ب: گرد خطت‌هلالی ز: بررخ خط ط،ی،ك: گردت خط هلالی

۲ـ ب: خوش صورتیست لیکن ط: چون می‌دهد فریبم * ب،ی: نقش سازد ز: صورت هلالی

۳ـ ز: خوش دل شدم زدستش و زیاد چشم ستش ك: خوش دل شدم زچشمش ب: تن جست

۴ـ * ط: کی توان یافت

۵ـ ط: برون آر ب،ی،ك: برون کن * ز: قلاش لاابالی

۸ـ * ط: قم و اسقنی

۱۰ـ ط: جان شکوه و شوکت ی: کان شهی و شوکت *ك: بونصر ابوالمعالی

۴۵۴

۱ سلام الله ما کَرَّ اللّیالی
وَجاوَبَتِ المَثانی والمَثالی

۲ عَلَی وادِی الاَراکَ وَمَنْ عَلَیْها
وَ دَارٍ بالّلوی فَوقَ الرِّمال

۳ دعا گوی غریبان جهانم
و ادعو بالتّواتر والتّوالی

۴ منال ای دل که در زنجیر زلفش
همه جمعیت است آشفته حالی

۵ اَمُوتُ صَبابَةً یالَیْتَ شِعری
مَتَی نَطَق الْبَشیرُ عن الوصال

۶ به هر منزل که روی آرد خدایا
نگه دارش به فضل لایزالی

۷ فحبّک راحتی فی کلّ حینٍ
و ذکرُک مونسی فی کلّ حالٍ

۸ ز خطّت صد جمال دیگر افزود
که عمرت باد صد سال جلالی

۹ سویدای دل من تا قیامت
مباد از شوق و سودای تو خالی

۱۰ بر آن نقّاش قدرت آفرین باد
که گرد مه کشد خطّ هلالی

۱۱ کجا یابم وصال چون تو شاهی
من بد نام رند لاابالی

۱۲ تو می‌باید که باشی ورنه سهل است
زیان مایهٔ جاهیّ و مالی

۱۳ خدا واقف که حافظ را غرض چیست
و علم الله حسبی مِن سؤالی

ب،ه،ز،ط،ی،ک،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است بانسخه‌های ب،ز، امانسخهٔ ب بیت ۱۲ را ندارد. ترتیب‌نسخه‌های دیگر چنین است:

ه: ۱،۲،۳،۹،۱۰،۱۲،۴،۶،۷،۸،۱۱،۱۳ — بیت ۵ را ندارد
ط: ۱،۲،۳،۶،۴،۵،۷،۹،۱۱،۱۳ — بیت‌های ۸و۱۰و۱۲ را ندارد
ی: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۱۰،۹،۱۱،۱۳ — بیت ۱۲ را ندارد
ک: ۱،۲،۳،۱۲،۸،۴،۵،۷،۹،۱۰،۱۱،۱۳ — بیت ۶ را ندارد
ل: ۱،۲،۳،۶،۴،۸،۱۲،۱۰،۷،۹،۱۱،۱۳ — بیت ۵ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ط: المثانی واللیالی
۲ـ * ی: ودار بالنوی   ط،ک: فرق‌الرمالی
۴ـ ب: زلفت
۵ـ ط: نطق البشر   ط: عین‌الوصالی
۶ـ ه: که روی‌آری   ک،ل: که رو آرد   ل: خدا را   *،ز،ط،ی: بحفظ لایزالی   ک،ل: به لطف لایزالی
۹ـ * ه: مبادا ازسر سودات خالی   ز،ط،ی: ازشور وسودای   ک: از شور سودای
۱۰ـ ک: برین نقاش
۱۱ـ * ک: من بد روز رند
۱۲ـ * ک: زیان و سود جاهی
۱۳ـ ه،ک،ل: خدا داندکه حافظ   * ز: من حسبی سوالی   ط: حسبی فی سؤالی

۴۵۵

۱ بگرفت کار حسنت چون عشق من کمالی
خوش باش زانکه نبود این حسن را زوالی

۲ در وهم می‌نگنجد کاندر تصوّر عقل
آید به هیچ معنی زین خوبتر مثالی

۳ شد حظّ عمر حاصل گر زانکه با تو ما را
هرگز به عمر روزی روزی شود وصالی

۴ آن دم که با تو باشم یک سال هست روزی
وان دم که بی‌تو باشم یک لحظه هست سالی

۵ چون من خیال رویت جانا به خواب بینم
کز خواب می‌نبیند چشمم بجز خیالی

۶ رحم آر بر دل من کز مهر روی خوبت
شد شخص ناتوانم باریک چون هلالی

۷ حافظ مکن شکایت گر وصل دوست خواهی
زین بیشتر بباید بر هجرت احتمالی

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با همهٔ نسخه‌های فوق

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ح: چون کار من کمالی * ب،ه،ز،ح،ط،ك: از آنکه نبود ط: این عشق را زوالی ل: این هر دو را زوالی

۲ـ ط: کاندر فصول عقلی * ط: آید بهیچ وجهی

۳ـ ط: شد عمر حاصل من گر * ه: بعمر یك شب ح: روزی بشدوصالی

۴ـ * ه: یك روز هست سالی

۵ـ ح: من چون خیال رویت * ز: گر خواب می نه‌بینم ی: می‌نبندد

۷ـ * ی: بیشتر نباشد بر ط: با هجرت احتمالی

۴۵۶

۱ رفتم به باغ صبحدمی تا چنم گلی
آمد به‌گوش ناگهم آواز بلبلی

۲ مسکین چو من به عشق گلی گشته مبتلا
و اندر چمن فکنده ز فریاد غلغلی

۳ می‌گشتم اندر آن چمن و باغ دمبدم
می‌کردم اندر آن گل و بلبل تأمّلی

۴ گل یار حسن گشته و بلبل قرین عشق
این را تغیّری نه و آن را تبدّلی

۵ چون کرد در دلم اثر آواز عندلیب
گشتم چنانکه هیچ نماندم تحمّلی

۶ بس گل شکفته می‌شود این باغ را ولی
کس بی‌بلای خار نچیده‌ست ازو گلی

۷ حافظ مدار امید فرج زین مدار کون
دارد هزار عیب و ندارد تفضّلی

ح،ط،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ح،ط: صبحدمی یافتم گلی
۲ـ * ح: فکنده ز من باد غلغلی ط: فکند ز فریاد
۳ـ ك: چمن باغ
۴ـ ح: گل با رخش نشسته و بلبل * ح: این را تعزی نه و ل: آن را تفضلی نه و این را تبدلی
۵ـ * ح،ك: گشتم چنانچه هیچ
۶ـ * ح: کس از بلای خار ط: نچیدست خود گلی
۷ـ ح: امید طمع زین مدار کو ك: فرج کین مداردون ل: ازمدارچرخ
* ط: ندارم تفضلی

۴۵۷

۱ این خرقه که من دارم در رهن شراب اولی
وین دفتر بی‌معنی غرق می ناب اولی

۲ چون عمر تبه کردم چندانکه نگه کردم
در کنج خراباتی افتاده خراب اولی

۳ چون مصلحت‌اندیشی دور است ز درویشی
هم سینه پر آتش به هم دیده پر آب اولی

۴ من حال دل زاهد با خلق نخواهم گفت
کاین قصّه اگر گویم با چنگ و رباب اولی

۵ تا بی‌سر و پا باشد اوضاع فلک زین دست
در سر هوس ساقی در دست شراب اولی

۶ از همچو تو دلداری دل بر نکنم آری
چون تاب کشم باری زان زلف بتاب اولی

۷ چون پیر شدی حافظ از میکده بیرون آ
رندیّ و هوسناکی در عهد شباب اولی

ب،ه،ح،ط،ی،ك،ل،ن

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق، اما نسخهٔ **ه** بیت **۵** را ندارد. نسخهٔ **ن** یك بیت افزوده دارد

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ك: عمر تلف کردم * **ك:** در کوی خراباتی

۳ـ ح،ك: اندیشی در زمرهٔ درویشی *ل،ن: هم سینه پر از آتش هم

۴ـ ی،ل،ن: من حالت زاهد را *ح،ك،ل،ن: این قصه **ط:** کان قصه

۵ـ ی: تا بی سروبی‌پایم مانند فلك زین دست **ن:** ما بی سروبی‌پائیم مانند فلك **ب:** باشد احوال فلك زین‌سان **ح:** زین‌پس *ب، ی،ن: در سینه غم ساقی

۶ـ ی: از هجر تو دلداری **ب:** برنکنم باری * **ح،ك:** گر تاب کشم باری *ط: چون نازکشم باری **ن:** چون تاب‌کشم آری

۷ـ ن: از میکده بیرون شو *ن: مستی و هوسناکی

+ **ن:** خاك ره رندان شو کاین عمر گرانمایه
مصروف چو خواهد شد درکار شراب اولی

۴۵۸

۱ زان می عشق کز او پخته شود هر خامی
گرچه ماه رمضان است بیاور جامی

۲ روزها رفت که دست من مسکین نگرفت
ساق شمشاد قدی ساعد سیم اندامی

۳ روزه هر چند که مهمان عزیز است ای دل
صحبتش موهبتی دان و شدن انعامی

۴ مرغ زیرک به در خانقه اکنون نپرد
که نهاده‌ست به هر مجلس وعظی دامی

۵ گله از زاهد بد خو نکنم رسم این است
که چو صبحی بدمد در پی‌اش افتد شامی

۶ یار من گر بخرامد به تماشای چمن
برسانش ز من ای پیک صبا پیغامی

۷ آن حریفی که شب و روز می صاف کشد
بود آیا که کند یاد ز دُرد آشامی

۸ حافظا گر ندهد داد دلت آصف عهد
کام دشوار به دست آوری از خودکامی

ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ **ل**. با ترتیب متن نسخه‌های **ز،ی،ك** بیت ۷ ، نسخهٔ **ح** بیت ۴ و نسخهٔ **ط** بیت ۸ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ **ی:** آن می عشق

۲ـ * **ز،ط،ل:** زلف شمشاد قدی

۳ـ * **ز:** آمدن موهبتی دان و **ح،ی،ك:** رفتنش موهبتی دان و

۴ـ **ط:** زیرك بره خانقه * **ز:** که نهادند ز بهرطلبش هر دامی **ك:** که نهادست ز بهر طلبش هر دامی

۵ـ **ز:** زاهد خودبین نکنم * **ی:** از پیش آید شامی

۶ـ **ز:** یار ما گر بخرامد بتماشای بهار **ح،ط،ل:** یار من چون بخرامد

۷ـ **ح،ط:** کو حریفی

۸ـ * **ح،ط:** بدست اورد **ك:** کام دشخوار * **ح:** مصراع دوم ندارد

۴۵۹

۱ که برد به‌نزد شاهان ز من گدا پیامی

که به‌بزم دردنوشان دو هزار جم به جامی

۲ اگر آن شراب خام است و گر این حریف پخته

به هزار باره بهتر ز هزار پخته خامی

۳ ز رهم میفکن ای شیخ به دانه‌های تسبیح

که چو مرغ زیرک افتد نفتد به هیچ دامی

۴ شده‌ام خراب و بد نام و هنوز امیدوارم

که به همّت عزیزان برسم به‌نیک نامی

۵ تو که کیمیا فروشی نظری به‌قلب ماکن

که بضاعتی نداریم و فکنده‌ایم دامی

۶ به‌کجا برم شکایت به‌که گویم این حکایت

که لبت حیات ما بود و نداشتی دوامی

۷ عجب از وفای جانان که تفقدی نفرمود

نه به نامه‌ای پیامی نه به خامه‌ای سلامی

۸ سر خدمت تو دارم بخرم به‌لطف و مفروش

که چو بنده کمتر افتد به مبارکی غلامی

۹ بگشای تیر مژگان و بریز خون حافظ

که چنین کشنده‌ای را نکند کس انتقامی

ب،ج،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ب. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ج: ۱،۴،۵،۶،۷،۸،۹ بیت‌های ۲و۳ را ندارد

ه: ۱،۴،۵،۶،۸،۷،۹ بیت‌های ۲و۳ را ندارد

ز: ۱،۲،۳،۵،۴،۷،۶،۸،۹

ح،ك: ۱،۲،۳،+،۴،۵،۶،۷،۸،۹

ط: ۱،۴،۵،۷،۸،۶،۹ بیت‌های ۲و۳ را ندارد

ی: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸ بیت ۹ را ندارد

ل: ۱،۴،۵،۷،۲،۳،۸،۶،۹

+ بروید پارسایان که برفت پارسایی   می ناب درکشیدیم و نماند ننگ و نامی

که در نسخهٔ ح «نماند پارسایی» و در نسخهٔ ك «نماند نیك نامی» آمده است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ب،ط: ببزم شاهان   * ب: که بکوی باده نوشان   ه،ز،ح،ط،ی، ك،ل: که بکوی می فروشان

۲ـ ح،ی،ك: اگر این شراب خامست و   ج،ه،ط،ل: اگر این شراب خامست اگر آن   * ج،ه،ح،ط،ل: بهزار بار بهتر

۳ـ ز: ای پیر و بدانهای   ب،ی،ك: ای پیر   *ب: می ناب درکشیدیم و نماند ننگ ونامی

۴ـ * ی: که بدولت عزیزان   ح،ك: که ز بد خلاص یابم بدعای نیکنامی   ط: که مگر خلاص یابم بدعای نیك نامی

۵ـ ز: چو توکیمیا   ح،ك: نظری بحال ماکن   * ز: نداریم وشدیم اسیر دامی

۶ـ * ه: که لبت دوای ما بود و   ك: حیات ما داشت و نداشتی   ز: نداشت او دوامی

۷ـ ط،ل: عنایتی نفرمود   * ب،ك: نه بنامهٔ سلامی نه‌بخامهٔ پیامی   ج، ح: نه بخامهٔ سلامی نه بنامهٔ پیامی   ز: نه بخامهٔ سلامی نه بنوکری پیامی

۸ـ ز: بخر و بلطف   ح: بخرم بهیچ و مفروش   ط: بفروش

۹ـ* ه،ح،ط،ی،ك: که چنان

۴۶۰

۱ اَتَتْ رَوائِحُ رَنْدِ الحِمی وزادَ غرامی
فدای خاک در دوست باد جان گرامی

۲ پیام دوست شنیدن سعادت است و سلامت
مَنِ المبلّغ عَنّی الی سُعاد سَلامی

۳ بیا به شام غریبان و آب دیدهٔ من بین
بسان بادهٔ صافی در آبگینهٔ شامی

۴ اذا تَغَرَّدَ عَن ذِی الاراک طائِرُ خَیرٍ
فَلا تَفَرَّدَ عن روضِها اَنینُ حَمامی

۵ بسی نماند که روز فراق یار سر آید
رَاَیتُ مِن هَضَبَاتِ الحِمی قِباب خیام

۶ خوشا دمی که در آییّ و گویمت به‌سلامت
قَدمت خَیر قُدُومٍ نَزَلتَ خَیرَ مَقامٍ

۷ بَعدتُ منک وقد صرت ذائباً کَهِلالٍ
اگرچه روی چو ماهت ندیده‌ام به‌تمامی

۸ وَان دُعیتُ بِخُلدٍ وصِرتُ ناقِض عَهدٍ
فما تَطیّب نفسی وَ مَا استطابَ مَنَامی

۹ امید هست که زودت به‌بخت نیک ببینم
تو شاد گشته به‌فرماندهیّ و من بغلامی

۱۰ چو سلک درّ خوشاب است شعر نغز تو حافظ
که گاه لطف سبق می‌برد ز نظم نظامی

ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ **ل**. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ط: ۱،۲،۳،۴،۶،۹،۱۰ بیت‌های ۵و۷و۸ را ندارد

ی: ۱،۲،۳،۴،۸،۵،۶،۹،+،۷ بیت ۱۰ را ندارد

ك: ۱،۲،۴،۸،۵،+،۷،۱۰،۹ بیت‌های ۳و۶ را ندارد

+ من ار چه هیچ ندارم سزای صحبت شاهان ز بهر کار تو آیم قبول کن بغلامی
که در نسخهٔ ك «تو از برای ثوابم قبول کن بغلامی» آمده است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ط: فزاد غرامی * ط: فدای جان تر بادا هزار جان گرامی

۲ـ ط: سلامتست و سعادت

۳ـ ط: دیدهٔ ما بین

۴ـ ط،ی،ك، اذا تغرب ك: عنی‌الاراك

۵ـ ی،ك: فراق ما بسر آید * ی: رأیت عن هضبات ك: قلمت خیر قدوم نزلت خیر مقامی

۶ـ ط،ی: خیر مقامی

۷ـ ی،ك: تعنیب منك و قد صرت راننا کهلال

۸ـ ی: وان رغبت لنجد نصرت ك: وان رغبت بخلد * ی: فما تطیب یومی ك: فما طب نومی

۹ـ ط: که رویت ببخت ی: که زودت بکام خویش ببینم ك: که زودت ببخت خویش به بینم * ی: تو شاه گشته

۱۰ـ ك: بسلك در خوشاب وز نظم پاك تو حافظ ط: خوشابست نظم خوب تو حافظ * ط: سبق می بری ك: ز شعر نظامی

۴٦١

۱ سینه مالامال درد است ای دریغا مرهمی
دل ز تنهائی به جان آمد خدا را همدمی

۲ چشم آسایش که دارد از سپهر تیزرو
ساقیا جامی به من ده تا بیاسایم دمی

۳ خیز تا خاطر بدان ترک سمرقندی دهیم
کز نسیمش بوی جوی مولیان آید همی

۴ زیرکی را گفتم این احوال بین خندید و گفت
صعب روزی بوالعجب کاری پریشان عالمی

۵ سوختم در چاه صبر از بهر آن شمع چگل
شاه ترکان فارغ است از حال ما کو رستمی

۶ در طریق عشقبازی امن و آسایش بلاست
ریش باد آن دل که با درد تو خواهد مرهمی

۷ اهل کام و ناز را در کوی رندی راه نیست
رهروی باید جهان سوزی نه خامی بیغمی

۸ آدمی در عالم خاکی نمی‌آید به‌دست
عالمی دیگر بباید ساخت و ز نو آدمی

۹ گریهٔ حافظ چه سنجد پیش استغنای عشق
کاندرین طوفان نماید هفت دریا شبنمی

ب،ح،ط،ی،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ب، اما این نسخه بیت ۸ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ح: ۱،۲ بقیهٔ بیت‌ها را ندارد
ط: ۱،۲،۴،۵،۶،۷،۸،۹ بیت ۳ را ندارد
ی: ۱،۳،۲،۴،۵،۷،۸،۹ بیت ۶ را ندارد
ل: ۱،۲،۴،۵،۶،۷،۸،۳،۹

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ب،ط: ای دریغا محرمی * ح: خدا را محرمی ط: خدایا همدمی
۲ـ ح: زین سپهر تیره روی * ب: جامی بیاور تا ی: جامی بده تامن بیاسایم
۳ـ ی: بآن ترك ب: سمرقندی نهیم * ب: بوی خوی حوریان ی: بوی جان مولیان
۴ـ ط: احوال خوش خندید و * ب: هست‌کاری بوالعجب رای پریشان‌عالمی ی: صعب کاری بوالعجب روزی پریشان عالمی ط: بلعجب کاری
۵ـ * ب،ط،ی: غافلست از حال ما ط: کو دشمنی
۷ـ ی: اهل کون و راز را ط: کام و آز را ب،ی: درکوی رندان
۸ـ * ط: عالمی از نو بباید ساخت
۹ـ ب: توبهٔ حافظ چه سنجد پیش استغفار او * ب: کاندرین طوفان نماند ح،ط،ل: کاندرین دریا نماید هفت دریا

۴۶۲

۱ ز دلبرم که رساند نوازش قلمی
کجاست پیک صبا گر همی کند کرمی

۲ قیاس کردم و تدبیر عقل در ره عشق
چو شبنمیست که بر بحر می‌کشد رقمی

۳ بیا که خرقهٔ من گرچه رهن میکده‌هاست
ز مال وقف نبینی به نام من درمی

۴ چرا به یک نی قندش نمی‌خرند آنکس
که کرد صد شکرافشانی از نی قلمی

۵ دلم گرفت ز سالوس و طبل زیر گلیم
به آنکه بر در میخانه بر کنم علمی

۶ بیا که وقت‌شناسان دو کون بفروشند
به یک پیاله می صاف و صحبت صنمی

۷ دوام عیش و تنعّم نه شیوهٔ عشق است
اگر معاشر مائی بنوش نیش غمی

۸ طبیب راه‌نشین درد عشق نشناسد
برو به دست کن ای مرده‌دل مسیح دمی

۹ نمی‌کنم گله‌ای لیکن ابر رحمت دوست
به کشتزار جگرتشنگان نداد نمی

۱۰ حدیث چون و چرا دردسر دهد ای دل
پیاله گیر و بیاسا ز عمر خویش دمی

۱۱ سزای قدر تو شاها به دست حافظ نیست
جز از دعای شبی و نیاز صبحدمی

ب،هـ،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ح،ك. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

هـ: ۱،۲،۴،۶،۹،۱۰،۱۱ بیت‌های ۳و۵و۷و۸ را ندارد

ط: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۹،۱۱ بیت‌های ۸و۱۰ را ندارد

ی: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۱۱،۹،۱۰

ل: ۱،۲،۳،۱۰،۸،۵،۶،۷،۹،۴،۱۱

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ط: کجاست باد صبا

۲ـ * ب: چو شبنمست ح: که بر هجر می‌کشد ی: که در بحر

۳ـ ی: اگر چه خرقهٔ من وقف ... میکده‌هاست ح: بیا که خرقهٔ ما ب، ط: وقف میکده‌هاست

۴ـ ح،ك: نمی‌خردانکس

۵ـ ی: ز سالوس طبل * ط،ل: بر کشم علمی

۶ـ هـ: بیا که وقت فروشان ح: دو کون نفروشند * ط: پیاله می ناب

۷ـ ط: دوام عشق و تنعم

۸ـ ب،ی،ك: سر عشق

۹ـ ب،هـ،ی: نمیکنم گله لیکن ز ابر ح،ل: نمی کنم گله‌ای لیك * هـ، ل: بکشته زار هـ،ح،ط،ك: جگر خستگان ی: جگر سوختگان

۱۰ـ ح،ك: درد سر دهد زاهد

۱۱ـ ح،ط،ك: بدست حافظ چیست * ب،هـ: جز از نماز شبی و دعای صبحدمی ح: نیاز نیم شبی و دعای صبحدمی ط،ك: جز از نیاز شبی و دعای صبحدمی

۴۶۳

۱ اَحمد الله علی معدلة السّلطان
احمد شیخ اویس حسن ایلکانی
۲ خان بن خان و شهنشاه شهنشاه نژاد
آنکه می‌زیبد اگر جان جهانش خوانی
۳ دیده نادیده به‌اقبال تو ایمان آورد
مرحبا ای به چنین لطف خدا ارزانی
۴ ماه اگر بی‌تو بر آید به دو نیمش بزنند
دولت احمدی و معجزهٔ سبحانی
۵ جلوهٔ بخت تو دل می‌برد از شاه و گدا
چشم بد دور که هم جانی و هم جانانی
۶ برشکن کاکل ترکانه که در طالع تست
بخشش و کوشش خاقانی و چنگزخانی
۷ گرچه دوریم به یاد تو قدح می‌گیریم
بعد منزل نبود در سفر روحانی
۸ از گل پارسی‌ام غنچهٔ عیشی نشکفت
حَبّذا دجلهٔ بغداد و می ریحانی
۹ سر عاشق که نه خاک در معشوق بود
کی خلاصش بود از محنت سرگردانی
۱۰ ای نسیم سحری خاک در یار بیار
تا کند حافظ ازو دیدهٔ دل نورانی

الف،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با **الف،ط،ی،ل.** ترتیب نسخهٔ ك چنین است:

۱،۲،۷،۶،۴،۳،۵،۹،۱۰ بیت ۸ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * **الف،ط،ك،ل:** ایلخانی

۲ـ **الف:** شهنشاه و شهنشاه * **الف:** اگر جهان و جهانش

۳ـ * **ك:** ای بدوصد لطف

۴ـ **ی:** بدو نیمش بزند

۵ـ **الف:** جلوهٔ تخت

۶ـ * **الف:** قاآنی و چنگز خانی

۷ـ * **الف:** در سفر رحمانی

۸ـ **ی،** از گل مار ستم غنچهٔ * **ی:** می روحانی

۱۰ـ * **ط،ل:** که کند حافظ **الف:** دیده و دل نورانی

۴۶۴

۱ وقت را غنیمت دان آن‌قدر که بتوانی
حاصل از حیات ای جان این دم است تا دانی

۲ کام‌بخشی گردون عمر در عوض دارد
جهد کن که از دولت داد عیش بستانی

۳ پند عاشقان بشنو وز در طرب باز آی
کاین همه نمی‌ارزد شغل عالم فانی

۴ پیش زاهد از رندی دم مزن که نتوان گفت
با طبیب نامحرم حال درد پنهانی

۵ باغبان چو من زینجا بگذرم حرامت باد
گر به جای من سروی غیر دوست بنشانی

۶ با دعای شبخیزان ای شکردهان مستیز
در پناه یک اسم است خاتم سلیمانی

۷ یوسف عزیزم رفت ای برادران رحمی
کز غمش عجب دیدم حال پیر کنعانی

۸ خم شکن نمی‌داند این قدر که صوفی را
جنس خانگی باشد همچو لعل رمّانی

۹ می‌روی و مژگانت خون خلق می‌ریزد
تیز می‌روی جانا ترسمت فرومانی

۱۰ دل ز ناوک چشمت گوش داشتم لیکن
ابروی کماندارت می‌برد به پیشانی

۱۱ جمع کن به احسانی حافظ پریشان را
ای شکنج گیسویت مجمع پریشانی

۱۲ زاهد پشیمان را ذوق باده خواهد کشت
عاقلا مکن کاری کاورد پشیمانی

۱۳ گر تو فارغی از ما ای نگار سنگین دل
حال خود بخواهم گفت پیش آصف ثانی

ب،ه،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ب، اما این نسخه بیت‌های ۱۲ و ۱۳ را ندارد. بیت ۱۲ در نسخه‌های ح،ط،ل و بیت ۱۳ در نسخه‌های ه،ل آمده و ظاهراً چون در آن اشاره به‌نام ممدوح (آصف ثانی) بوده، کاتبان آن را حذف کرده‌اند. چنانکه درموارد دیگر نیزنظیر آن دیده می‌شود. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ه: ۱،۴،۲،۳،۹،+،۷،۱۳،۱۲ بیت‌های ۵و۶و۸و۱۰و۱۲ را ندارد
ح: ۱،۴،۵،۳،۱۲،۸،۶،۷،۹،۲،۱۱ بیت‌های ۱۰و۱۳ را ندارد
ط: ۱،۲،۵،۱۲،۸،۶،۷،۴،۹،۱۰،۱۱ بیت‌های ۳و۱۳ را ندارد
ی: ۱،۲،۳،۶،۴،۸،۷،۹،۱۰،۱۱ بیت‌های ۵و۱۲و۱۳ را ندارد
ك: ۱،۴،۵،۳،۶،۷،۸،۹،۲،۱۱ بیت‌های ۱۰و۱۲و۱۳ را ندارد
ل: ۱،۲،۵،۱۲،۸،۶،۳،۷،۴،۹،۱۰،۱۱،۱۳

+ ازدرم درآ روزی تا زنم بشادی دست دوستی بما پیوست راستی بمه مانی

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ *ب: حاصل حیوة ط: حاصل‌حیات * ب،ه،ط: ای دل ب، ی: یکدمست ه: آن دمست
۲ـ * ط: کام عیش ح،ك: جهد کن که از عشرت داد خویش بستانی
۳ـ ه: قول عاشقان‌بشنو ح،ل: طرب بازا * ح،ك: کین همه‌نمی‌ماند
۵ـ ب: چو من زانجا * ب،ط: گرنه برگلم سروی همچو دوست بنشانی
۷ـ * ل: عجب بینم
۸ـ ح،ط،ل: محتسب‌نمی‌داند
۹ـ ط: میروی ز مژگانت ب: خلق می‌ریزند
۱۰ـ ط: ناوك مژگان
۱۲ـ ح: زاهد پریشان را ط: شوق باده
۱۳ـ * ه: حال دل بخواهم گفت

۴۶۵

۱ هواخواه توام جانا و می‌دانم که می‌دانی
که هم نادیده می‌بینیّ وهم ننوشته می‌خوانی

۲ ملامت‌گو چه دریابد میان عاشق و معشوق
نبیند چشم نابینا خصوص اسرار پنهانی

۳ بیفشان زلف و صوفی را بپابازی و رقص‌آور
که از هر رقعهٔ دلقش هزاران بت بیفشانی

۴ گشاد کار مشتاقان در آن ابروی دلبند است
خدا را یک نفس بنشین گره بگشا ز پیشانی

۵ ملک در سجدهٔ آدم زمین بوس تو نیّت کرد
که در حسن تو چیزی یافت بیش از طور انسانی

۶ چراغ افروز چشم ما نسیم زلف خوبان است
مباد این جمع را یا رب غم از باد پریشانی

۷ دریغا عیش شبگیری که در خواب سحر بگذشت
ندانی قدر وقت ای دل مگر وقتی که درمانی

۸ ملول از همرهان بودن طریق کاروانی نیست
بکش دشواری منزل به‌یاد عهد آسانی

۹ خیال چنبر زلفش فریبت می‌دهد حافظ
نگر تا حلقهٔ اقبال ناممکن نجنبانی

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ل. با ترتیب متن نسخه‌های ب،ی،م بیت ۴ و نسخهٔ ه بیت‌های ۴و۷ را ندارد. در نسخهٔ ك بیت‌های ۳و۴ مقدم و مؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ز: ۱،۲،۳،۷،۸،۵،۶،۹ بیت ۴ ندارد

ح،ط: ۱،۲،۳،۵،۶،۴،۷،۸،۹

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ز،ط،م: ملامت گر ح،ك: ز راز عاشق و معشوق ط: ز راه عاشق و معشوق

۳ـ ط: صوفی را سراندازی و رقص آموز ك،م: صوفی را ببازی و برقص آور ح: بپابازی برقص‌آور * ب،ز،ك: رقعهٔ زلفش ه: رقعهٔ زلفت ز: هزار آیت ز،ط: برافشانی

۴ـ ح،ط،ك: امید از بخت میدارم که بگشایم کمر بندش * ح،ط: خـدا را ای فلك تا من گره بگشا ك: خدا را یکزمان

۵ـ * ح،ل: حسن تو لطفی دید ط: حسن تو لطفی یافت م: حسن تو چیزی دید ز،ل: بیش از حد انسانی

۶ـ ح: چراغ چشم جمع ما نسیم ه،ط،ل: زلف جانان است

۷ـ * ب،ز،ی،ك،م: بدانی قدر وصل ب،ز،ی،م: دران وقتی که درمانی ح: ولی وقتی که درمانی ك: چو در هجران فرومانی

۸ـ ط: سوی همرهان ماندن ح،ط،ی،ل،م: طریق کاردانی

۹ـ ح: خیال چین زلف او فریبت ك: خیال چین زلفش را فریبت ه: چنبر زلفت ه،ز: فریبی می‌دهد * ب: نگر تا چنبر اقبال

۴٦٦

۱ گفتند خلایق که توئی یوسف ثانی
چون نیک بدیدم به حقیقت به از آنی

۲ شیرین‌تر از آنی به شکرخنده که گویم
ای خسرو خوبان که تو شیرین زمانی

۳ تشبیه دهانت نتوان کرد به غنچه
هرگز نبود غنچه بدین تنگ دهانی

۴ صد بار بگفتی که دهم زان دهنت کام
چون سوسن آزاده چرا جمله زبانی

۵ گویی بدهم کامت و جانت بستانم
ترسم ندهی کامم و جانم بستانی

۶ چشم تو خدنگ از سپر جان گذراند
بیمار که دیده‌ست بدین سخت کمانی

۷ چون اشک بیندازی‌اش از دیدهٔ مردم
آنرا که دمی از نظر خویش برانی

ب،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ك،ل.** با ترتیب متن نسخهٔ **ب** بیت ۳ را ندارد.

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ك: شیرین‌تری از نی **ب،ك:** بشکر خنده چگویم
۵ـ ك: گفتی بدهم
۶ـ ب: از سر جان می گذراند.

۴٦۷

۱ نسیم صبح سعادت بدان نشان که تو دانی
گذر به کوی فلان کن در آن زمان که تو دانی

۲ تو پیک خلوت رازیّ و دیده بر سر راهت
به مردمی نه به فرمان چنان بران که تو دانی

۳ بگو که جان ضعیفم ز دست رفت خدا را
ز لعل روح‌فزایش ببخش از آن که تو دانی

۴ من این دو حرف نبشتم چنانکه غیر ندانست
تو هم ز روی کرامت چنان بخوان که تو دانی

۵ خیال تیغ تو با ما حدیث تشنه و آبست
اسیر خویش گرفتی بکش چنان که تو دانی

۶ امید در کمر زرکشت چگونه نبندم
دقیقه‌ایست نگارا در آن میان که تو دانی

۷ یکیست ترکی و تازی درین معامله حافظ
حدیث عشق بیان کن بدان زبان که تو دانی

ب،ه،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ه،ط،ی،ل**، اما نسخهٔ **ب** بیت ۵ را ندارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ح: ۱،۲،۳،۴،۶،۷،۵

ك: ۱،۴،۵،۳،۶،۲،۷

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ی،ك: بآن نشان * **ح:** بکوی فلانی در آن

۲ـ ب،ی،ك: تو پیك صورت رازی و **ی:** دیده برسر راهش **ه،ط،ك:** دیده برسر راهست * **ط:** بفرمان‌بران چنان‌که **ك:** بفرمان بری‌چنانك

۳ـ ه،ط،ل: جان عزیزم **ه،ح:** بلب رسید خدا را * **ط،ك:** روح فزایت **ح،ط،ل:** ببخش آنکه

۴ـ ح،ط،ل: من این حروف نوشتم **ی،ك:** من این دوحرف نوشتم **ه:** چنانچه غبر * **ه:** ز روی ارادت

۵ـ ه: حدیث تیغ... ماحدیث تشنه و آب‌است **ح:** تیغ توما را * **ط:** گرفتی چنان بکش‌که تودانی

۶ـ ه: درکرم‌زرکشت **ه،ك:** چه‌گونه **ح،ل:** ببندم * **ح:** لطیفه ایست نگارا **ه،ح،ط:** درین میان

۷ـ * ی: حدیث عشق چنان‌کن **ب،ی:** بآن زبان **ه:** بهر زبان

۴۶۸



۱ دو یار نازک و از بادهٔ کهن دو منی
فراغتی و کتابی و گوشهٔ چمنی

۲ من این مقام به دنیا و آخرت ندهم
اگر چه در پی‌ام افتند هر دم انجمنی

۳ که هر که کنج قناعت به گنج دنیا داد
فروخت یوسف مصری به کمترین ثمنی

۴ بیا که فسحت این کارخانه کم نشود
به زهد همچو توئی یا به فسق همچو منی

۵ ببین در آینهٔ جام نقش‌بندی غیب
که کس به یاد ندارد چنین عجب زمنی

۶ ز تندباد حوادث نمی‌توان دیدن
در این چمن که گلی بوده است یا سمنی

۷ ازین سَموم که بر طرف بوستان بگذشت
عجب که بوی گلی هست و رنگ یاسمنی

۸ به صبر کوش تو ای دل که حق رها نکند
چنین عزیز نگینی به دست اهرمنی

۹ مزاج دهر تبه شد درین بلا حافظ
کجاست فکر حکیمیّ و رای برهمنی

ب،ج،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ح،ك.** با ترتیب متن نسخهٔ **ه** بیت‌های ۶ و ۷ را ندارد و درنسخه‌های **ز،ل** بیت‌های ۵ و ۶ مقدم و مؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگرچنین است:

ج: ۱، ۲، ۴، ۵، ۷، +، ۸، ۹ — بیت‌های ۳و۶ را ندارد

ط: ۱، ۲، ۳، ۴، ×، ۶، ۷، ۸، ۹ — بیت ۵ را ندارد

ی: ۱، ۲، ۳، +، ۴، ×، ۶، ۵، ۷، ۸، ۹

+ نگار خویش بدست‌کسان همی بینم — چنین شناخت فلك حق خدمت چو منی

× بروز حادثه غم با شراب باید گفت — که اعتماد بکس نیست در چنین زمنی

که در نسخهٔ **ط** مصراع اول به صورت «مگو حکایت خود جز بجام صافی دل» آمده است.

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ **ب،ز،ح،ط،ی،ك،ل:** دو یار زیرك و

۲ـ **ز:** من آن مقام * **ه:** وگر چه در پیم **ط:** خلق انجمنی

۳ـ **ی،ل:** هر آنکه **ب:** کنج فراغت

۴ـ **ج،ح،ك:** بیا که قسمت این **ه:** بیا که حشمت این **ل:** بیا که رونق این **ه:** این کار بیش وکم نشود

۵ـ **ب،ك:** بخواهٔ آینهٔ جام و **ح:** بخواه آینهٔ جان و **ب،ح،ك:** سر دور به بین **ج:** نقش بندی غم **ه:** نقش‌های عجب

۶ـ * **ی:** که گلی دیده است

۷ـ **ج:** بوستان پیوست * **ب،ز،ح،ط،ك:** رنگ گلی هست و **ح،ی:** برگ گلی هست و **ب،ز،ح،ط:** بوی یاسمنی **ه،ل:** رنگ نسترنی **ك:** بوی نسترنی

۸ـ * **ج،ح،ط،ی:** چنان عزیز نگینی

۹ـ **ز:** مزاج عمر تبه شد درین هوا حافظ **ك:** مزاج دهر تلف شد * **ب:** کجاست رای حکیمی و فکر برهمنی

۴۶۹

۱ نوش کن جام شراب یک منی
تا بدان بیخ غم از دل برکنی

۲ دل گشاده دار چون جام شراب
سر گرفته چند چون خمّ دَنی

۳ چون ز جام بیخودی رطلی کشی
کم زنی از خویشتن لاف منی

۴ سنگ‌سان شو در قدم نی همچو ابر
جمله رنگ‌آمیزی و تردامنی

۵ دل به می دربند تا مردانه وار
گردن سالوس و تقوی بشکنی

۶ خیز و جهدی کن چو حافظ تا مگر
خویشتن در پای معشوق افکنی

ح،ط،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق.

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ * ح: چون خنب دنی
۳ـ ح: چون ز زخم بیخودی ط: جا می کشی * ح: از بیخودی لاف
ط: برخویشتن
۴ـ ح: نه همچو ابر ط: سر در قدم ط: نه همچـو آب ل: نی
همچو آب
۵ـ ط: دل بمن در بند
۶ـ *ح: خویش را در پای

۴۷۰

۱ صبح است و ژاله می‌چکد از ابر بهمنی
برگ صبوح ساز و بده جام یکمنی

۲ در بحر مائی و منی افتاده‌ام بیار
می تا خلاص بخشدم از مائی و منی

۳ خون پیاله خور که حلال است خون او
در کار باده باش که کاریست کردنی

۴ ساقی به دست باش که غم در کمین ماست
مطرب نگاه‌دار همین ره که می‌زنی

۵ می ده که سر به گوش من آورد چنگ و گفت
خوش بگذران و بشنو ازین پیر منحنی

۶ ساقی به بی‌نیازی رندان که می بده
تا بشنوی ز صوت مغنّی هُوالغنی

ز،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق.

اختلاف نسخه‌ها

۳ــ * ل: در کار یار باش
۶ــ ز: بی‌نیازی یزدان

۴۷۱

۱ ای که در کشتن ما هیچ مدارا نکنی
سود و سرمایه بسوزیّ و محابا نکنی

۲ دردمندان بلا زهر هلاهل دارند
قصد این قوم خطر باشد هان تا نکنی

۳ رنج ما را که توان برد به یک گوشهٔ چشم
شرط انصاف نباشد که مداوا نکنی

۴ دیدهٔ ما چو به امّید تو دریاست چرا
به تفرّج گذری بر لب دریا نکنی

۵ نقل هر جور که از خُلق کریمت کردند
قول صاحب غرضان است تو آنها نکنی

۶ بر تو گر جلوه کند شاهد ما ای زاهد
از خدا جز می و معشوق تمنّا نکنی

۷ حافظا سجده به ابروی چو محرابش بر
که دعائی ز سر صدق جز آنجا نکنی

ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های فوق.

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ی: هلاهل نوشند   ك: هلاهل دادن   * ل: خطاباشد   ی: باشد وهان

۴ـ ك: ماکه بامید

۶ـ ك: ارجلوه   * ی: جز می و معشوقه

۷ـ ی،ك: حافظا سجدهٔ ابروی چو محرابش کن

۴۷۲

۱ بشنو این نکته که خود را ز غم آزاده کنی
خون خوری گر طلب روزی ننهاده کنی

۲ آخرالامر گِل کوزه‌گران خواهی شد
حالیا فکر سبو کن که پر از باده کنی

۳ گر از آن آدمیانی که بهشتت هوس است
عیش با آدمیی چندِ پریزاده کنی

۴ تکیه بر جای بزرگان نتوان زد به گزاف
مگر اسباب بزرگی همه آماده کنی

۵ اجرها باشدت ای خسرو شیرین‌دهنان
گر نگاهی سوی فرهاد دل افتاده کنی

۶ خاطرت کی رقم فیض پذیرد هیهات
مگر از نقش پراگنده ورق ساده کنی

۷ کار خود گر به کرم باز گذاری حافظ
ای بسا عیش که با بختِ خدا داده کنی

۸ ای صبا بندگی خواجه جلال‌الدّین کن
که جهان پُر سمن و سوسن آزاده کنی

ب،ج،د،ه،ز،ح،ط،ی،ک،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ز،ل. با ترتیب متن نسخهٔ ج بیت‌های ۲ و ۸ و نسخه‌های د،ه،ط بیت ۷ را ندارد، در نسخهٔ م بیت‌های ۵ و ۶ و در نسخهٔ ی بیت‌های ۷ و ۸ مقدم و مؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ح،ک: ۱،۲،۳،۴،۵،۸،۶،۷

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ح،ک: بشنو این قصه * ح: جان دهی‌گر طلب

۲ـ ح: خواهی‌گشت ک: خواهی بود

۳ـ ح،ک: جهدآن کن‌که در ایام گل وفصل بهار م: آدمیانی‌که [ز] عقلت خبریست

۵ـ ز: ای خسرو خوبان جهان * ب: کر نهادی سوی ج: که نگاهی

۶ـ * ج: دلت ساده‌کنی

۸ـ * ک،م: تا جهان

۴۷۳

۱ ای دل به کوی عشق گذاری نمی‌کنی
اسباب جمع داری و کاری نمی‌کنی

۲ چوگان کام در کف و گوئی نمی‌زنی
بازی چنین به دست و شکاری نمی‌کنی

۳ ساغر لطیف و پر می و می افکنی به خاک
و اندیشه از بلای خماری نمی‌کنی

۴ در آستین کام تو صد نافه مُدرَج است
وان را فدای طرّهٔ یاری نمی‌کنی

۵ این خون که موج می‌زند اندر جگر ترا
در کار رنگ روی نگاری نمی‌کنی

۶ مشکین از آن نشد دم خلقت که چون صبا
بر خاک کوی دوست گذاری نمی‌کنی

۷ ترسم کزین چمن نبری آستین گل
کز گلشنش تحمل خاری نمی‌کنی

۸ حافظ برو که بندگی بارگاه دوست
گر جمله می‌کنند تو باری نمی‌کنی

ب،ج،ه،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ه. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ج: ۱،۲،۳،۴،۶،۵،۷،۸
ح: ۱،۲،۴،۵،۶،۷،۳،۸
ط: ۱،۲،۵،۷،۴،۳،۸ بیت ۶ را ندارد
ی: ۱،۲،۵،۷،۳،۴،۶،۸
ك: ۱،۲،۵،۶،۷،۳،۸ بیت ۴ را ندارد
ل: ۱،۲،۵،۶،۷،۴،۳،۸

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ج: بکوی دوست

۲ـ ب: میدانی این چنین خوش ه،ی: میدان بکام خاطر و گوئی نمی‌زنی ط،ل: چوگان حکم درکف و گوئی نمی‌زنی *ح،ط،ك،ل: باز ظفر به دست و

۳ـ ط،ل: لطیف و دلکش و * ج: از ملال خماری

۴ـ ح،ط،ك،ل: در آستین جان تو

۵ـ ج،ه: جگر مرا ك: جگر چرا * ل: رنگ و بوی نگاری

۶ـ ج: از آن بشد

۷ـ ج: که از چمن

۸ـ ح،ط،ل: بندگی پادشاه وقت

۴۷۴

۱ سحرگه رهروی در سرزمینی
همی گفت این معما با قرینی

۲ که ای صوفی شراب آنگه شود صاف
که در شیشه برآرد اربعینی

۳ گر انگشت سلیمانی نباشد
چه خاصیت دهد نقش نگینی

۴ خدا زان خرقه بیزار است صد بار
که صد بت باشدش در آستینی

۵ مروت گر چه نامی بی‌نشان است
نیازی عرضه کن بر نازنینی

۶ ثوابت باشد ای دارای خرمن
اگر رحمی کنی بر خوشه‌چینی

۷ درونها تیره شد باشد که از غیب
چراغی بر کند خلوت‌نشینی

۸ نه همت را امید سر بلندی
نه درمان دلی نه درد دینی

۹ اگر چه رسم خوبان تند خوئیست
چه باشد گر بسازد با غمینی

۱۰ ره میخانه بنما تا بپرسم
مآل حال خود از پیش‌بینی

۱۱ نه حافظ را حضور درس و خلوت
نه دانشمند را علم‌الیقینی

ب،ج،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ج،ز، اما در این دو نسخه بیت‌های ۱۰ و ۱۱ مقدم و مؤخر است و بیت ۹ را هم ندارند. با ترتیب متن نسخه‌های ب،ی بیت‌های ۹ و ۱۰ را ندارند. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ه: ۱،۲،۶،۸،۱۱،۱۰،۵ — بیت‌های ۳و۴و۷و۹ را ندارد
ح: ۱،۲،۳،۴،۷،۵،۶،۸،۱۱ — بیت‌های ۹و۱۰ را ندارد
ط: ۱،۲،۴،۵،۶،۸،۷،۳،۱۰،۹،۱۱
ك: ۱،۲،۳،۴،۷،۵،۶،۸،۱۱،۱۰ — بیت ۹ را ندارد
ل: ۱،۲،۴،۵،۶،۸،۷،۳،۹،۱۰،۱۱

اختلاف نسخه‌ها

۳ـ * ط: مهرنگینی
۴ـ * ج: که باشد صد بتش در آستینی   ط: بت دارد اندر آستینی
۵ـ ط: نام بی‌نشانی است   * ح: عرضه ده
۶ـ * ه،ح،ط،ی: رحمت‌کنی
۸ـ ه: نه می‌بینم نشاط عیش در کس   ح،ك،ل: نمی‌بینم نشاط عیش در کس
ط: نمی‌بینم نشاط عشق در کس
۱۰ـ ه،ز،ط: در میخانه   ز: بگشا تا   ك: تا به‌بینم   * ز،ط،ل: مآل خویش را
۱۱ـ ب،ه،ز،ح،ك،ل: درس خلوت   ط: سرّ خلوت

۴۷۵

۱ تو مگر بر لب آبی به‌هوس بنشینی
ورنه هر فتنه که بینی همه از خود بینی

۲ به خدائی که توئی بندهٔ بگزیدهٔ او
که بر این چاکر دیرینه کسی نگزینی

۳ ادب و شرم ترا خسرو مهرویان کرد
آفرین بر تو که شایستهٔ صد چندینی

۴ صبر بر جور رقیبت چکنم گر نکنم
عاشقان را نبود چاره بجز مسکینی

۵ عجب از لطف تو ای گل که نشینی با خار
ظاهراً مصلحت وقت در آن می‌بینی

۶ گر امانت به سلامت ببرم باکی نیست
بی‌دلی سهل اگر از پی نبود بی‌دینی

۷ سخن بی‌غرض از بندهٔ مخلص بشنو
ای که منظور بزرگان حقیقت بینی

۸ حیفم آید که خرامی به تماشای چمن
که تو خوشتر ز گل و تازه‌تر از نسرینی

۹ شیشه بازی سرشکم نگری از چپ و راست
گر بر این منظر بینش نفسی بنشینی

۱۰ (پارسائی چو تو پاکیزه دل پاک نهاد
بهتر آن است که با مردم بد ننشینی)

۱۱ سیل این اشک روان صبر دل حافظ برد
بَلَغَ الطّاقَةُ یا مُقْلَةَ عَیْنی بینی

۱۲ تو بدین نازکی و دلکشی ای مایهٔ ناز
لایق بزمگه خواجه جلال‌الدّینی

الف،ب،و،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **الف،ب،ز،م.** ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

و: ۱،۲،۳،۸،۴،۵،۷،۱۰،۱۱،۱۲ بیت‌های ۶و۹ را ندارد

ح: ۱،۲،۴،۶،۷،۱۰،۵ بیت‌های ۳و۸و۹و۱۱و۱۲ را ندارد

ط: ۱،۲،۶،۳،۵،۸،۱۰،۱۱ بیت‌های ۴و۷و۹و۱۰ را ندارد

ی: ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۸،۶،۹،۱۰،۱۱،۱۲

ك: ۱،۲،۴،۸،۶،۷،۱۰،۵،۳،۹،۱۱،۱۲

ل: ۱،۲،۶،۳،۵،۴،۸،۹،۷،۱۰،۱۱،۱۲

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ **الف،م:** ننشینی **و،ح:** منشینی

۲ـ * **الف:** چاکر بگزیده‌کسی **م:** چاکر بیچاره

۴ـ **م:** رقیبت چکند گر نکند

۵ـ **ب،و،ی،ل،م:** که نشستی با خار * **و،ز،ك:** غالباً مصلحت وقت **الف،و،ز،م:** درین می‌بینی

۶ـ * **الف،ز،ح:** سهل‌گراز پی نبود **ط،ل:** سهل بودگر نبود

۷ـ **ح،ط،ك،ل:** سخنی بی غرض

۸ـ **الف:** حیفم آمد **ك:** باد صبحی بهوای توز بستان برخاست **ل:** باد صبحی‌به هوایت زگلستان برخاست * **ك:** که تو خوش بوی تروتازه‌تر از

۹ـ * **الف:** گر بدین منطر چشمم نفسی **م:** که برین منظر

۱۰ـ **الف:** پادشاهی چو تو **ح،ط،ك،ل:** نازنینی چو تو **الف،ل:** پاکیزه‌دل و پاك نهاد **ح:** پاکیزه رخ پاك نهاد

۱۱ـ **و،ط:** سیل آن اشك روان **الف،ط،ك،ل:** صبر و دل **ط:** حافظ بود

۱۲ـ **و،ك:** تو بدین دلخوشی و سرکشی **ز،ح،ط،ل:** تو بدین نازکی و سرکشی **الف،ب،ز،ح،ط،ی،ل،م:** ای شمع چگل * **و،ز،ح، ط،ك،ل:** لایق بندگی

۴۷۶

۱ ساقیا سایهٔ ابر است و بهار و لب جوی
من نگویم چه کن ار اهل دلی خود تو بگوی

۲ بوی یکرنگی ازین نقش نمی‌آید خیز
دلق آلودهٔ صوفی به می ناب بشوی

۳ سفله طبع است جهان بر کرمش تکیه مکن
ای جهاندیده ثبات قدم از سفله مجوی

۴ گوش بگشای که بلبل به فغان می‌گوید
خواجه تقصیر مفرما گل توفیق ببوی

۵ شکر آنرا که دگر بازرسیدی به بهار
بیخ نیکی بنشان و ره تحقیق بجوی

۶ روی جانان طلبی آینه را قابل ساز
زانکه هرگز گل و نسرین ندمد ز آهن و روی

۷ دو نصیحت کنمت بشنو و صد گنج ببر
از در عیش درآ و به ره عیب مپوی

۸ گفتی از حافظ ما بوی ریا می‌آید
آفرین بر نفست باد که خوش بردی بوی

ب،ه،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ب،ح، اما در این نسخه‌ها بیت ۵ نیست. ترتیب نسخه های دیگر چنین است:

ه: ۱،۳،۷،۴،۶،+،۸ بیت‌های ۲و۵ را ندارد
ط: ۱،۲،۳،۷،۶،۸ بیت‌های ۴و۵ را ندارد
ی: ۱،۲،۳،۷،۴،۸ بیت‌های ۵و۶ را ندارد
ك: ۱،۲،۳،۴،۶،۷،۵،۸
ل: ۱،۲،۳،۷،۵،۶،۴،۸

+ پیشتر زانك شوی خاك در میکده‌ها یك دو روزی بسر اندر ره میخانه بپوی

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ح: ازین قوم نمی‌آید * ح: دلق و سجادهٔ صوفی
۳ـ * ه،ح،ی: ثبات از قدم سفله
۴ـ * ح: گل تقدیر ببوی
۵ـ ك: دگر باره رسیدی * ك: گل تحقیق
۶ـ ط: رخ جانان طلبی * ط،ل: ورنه هرگز
۷ـ * ب: بیخ نیکی بنشان وگل توفیق ببوی ه: ازره عشق ه،ی،ك: درآی و ح: درآ و بدر زهد مپوی

۱ بلبل ز شاخ سرو به گلبانگ پهلوی
می‌خواند دوش درس مقامات معنوی
۲ یعنی بیا که آتش موسی نمود گل
تا از درخت نکتهٔ توحید بشنوی
۳ مرغان باغ قافیه‌سنجند و بذله‌گوی
تا خواجه می‌خورد به غزلهای پهلوی
۴ خوش وقت بوریای گدائی و خواب امن
کاین عیش نیست روزی اورنگ خسروی
۵ جمشید جز حکایت جام از جهان نبرد
زنهار دل مبند در اسباب دنیوی
۶ این قصهٔ عجب شنو از بخت واژگون
ما را بکشت یار به انفاس عیسوی
۷ چشمت به عشوه خانهٔ مردم خراب کرد
مخموریت مباد که خوش مست می‌روی
۸ دهقان سالخورده چه خوش گفت با پسر
کای نور چشم من بجز از کشته ندروی
۹ ساقی مگر وظیفهٔ حافظ زیاده داد
کاشفته گشت طرّهٔ دستار مولوی

الف،ب،ج،ه،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **الف،ط**. با ترتیب متن در نسخهٔ **ه** بیت‌هـای ۷ و ۸ مقدم و مؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ب: ۱،۲،۳،۷،۸،۶،۵،۴،۹

ج: ۱،۲،۳،۷،۴،۸،۶،۵،۹

ح،ك: ۱،۲،۳،۵،۶،۷،۸،۴،۹

ی: ۱،۲،۳،۵،۴،۸،۷،۹

ل: ۱،۲،۳،۵،۶،۴،۷،۸،۹

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ ج: فهلوی

۳ــ * ك: بغزلهای مثنوی　　**ج:** فهلوی

۴ــ الف: میخور که درقیاس فراغ و حساب من　　**ط:** می‌خور که در قیاس‌فراغ وحساب‌امن　　**الف،ه،ح،ط،ی،ل:** بوریا وگدائی　　*** الف:** یکبوریای فقر صد اورنگ خسروی　　**ط:** یك بوریـای فقر و صـد اورنگ خسروی　　**ح،ل:** در خور اورنگ

۵ــ * ج،ه،ك،ل: بر اسباب دنیوی

۶ــ ه: این نکتهٔ عجب شنو　　**ج:** عجب نگر　　**ط،ی:** ای بخت

۷ــ الف،ب،ط،ل: چشمت بغمزه　　**ب،ج،ط،ك:** خانهٔ مردم سیاه کرد

۸ــ ی: چنین گفت با پسر

۹ــ ح: حافظ مگر وظیفهٔ　　*** ح:** کاشفته است طرهٔ

۴۷۸

۱ ای بیخبر بکوش که صاحب خبر شوی
تا راهرو نباشی کی راهبر شوی

۲ در مکتب حقایق پیش ادیب عشق
هان ای پسر بکوش که روزی پدر شوی

۳ دست از مس وجود چو مردان ره بشوی
تا کیمیای عشق بیابیّ و زر شوی

۴ خواب و خورت ز مرتبهٔ خویش دور کرد
آنگه رسی به خویش که بی‌خواب‌و خور شوی

۵ گر نور عشق حق به دل و جانت اوفتد
بالله کز آفتاب فلک خوبتر شوی

۶ یک دم غریق بحر خدا شو گمان مبر
کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی

۷ از پای تا سرت همه نور خدا شود
در راه ذوالجلال چو بی پا و سر شوی

۸ وجه خدا اگر شودت منظر نظر
زین پس شکی نماند که صاحب نظر شوی

۹ بنیاد هستی تو چو زیر و زبر شود
در دل مدار هیچ که دیگر زبر شوی

۱۰ گر در سرت هوای وصال است حافظا
باید که خاک درگه اهل هنر شوی

ب،هـ،ز،ط،ی،ک،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های ط،ک،ل. با ترتیب متن نسخهٔ ب بیت ۸ ، نسخهٔ هـ بیت ۵ و نسخهٔ ز بیت ۷ را ندارد. ترتیب نسخه ی چنین است:

۱،۲،۳،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰،۴

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ک: تا راه بین نباشی چون راه بر

۲ـ ی: حقایق و پیش هـ: نزد ادیب عشق ط: نفس ادیب

۴ـ ط،ک، ز مرتبهٔ عشق * ط: رسی بعشق ی: بخویش که بی‌پا و سر شوی

۵ـ * ط: دورتر شوی

۸ـ هـ،ز: وجه خدای

۹ـ * هـ،ز،ط،ی،ک: چو زیر و زبر شوی

۱۰ـ * ط: درگه صاحب هنر شوی ی: درگه اهل نظر شوی

۴۷۹

۱ سحرم هاتف میخانه به دولت خواهی
گفت باز آی که دیرینهٔ این درگاهی

۲ همچو جم جرعهٔ ما کش که ز سرّ دو جهان
پرتو جام جهان‌بین دهدت آگاهی

۳ بر در میکده رندان قلندر باشند
که ستانند و دهند افسر شاهنشاهی

۴ خشت زیر سر و بر تارک هفت اختر پای
دست قدرت نگر و منصب صاحب جاهی

۵ سر ما و در میخانه که طرف بامش
به فلک بر شد و دیوار بدین کوتاهی

۶ قطع این مرحله بی‌همرهی خضر مکن
ظلمات است بترس از خطر گمراهی

۷ اگرت سلطنت فقر ببخشند ای دل
کمترین ملک تو از ماه بود تا ماهی

۸ تو دم فقر ندانی زدن از دست مده
مسند خواجگی و مجلس تورانشاهی

۹ حافظ خام‌طمع شرمی ازین قصّه بدار
عملت چیست که مزدش دو جهان می‌خواهی

ج،ه،ح،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ ل. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ج،ح،ط،ك: ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۶،۹ — بیت ۸ را ندارد

ه: ۱،۲،۳،۵،۷،۶،+،۸،۹ — بیت ۴ را ندارد

ی: ۱،۷،۲،۳،۴،۵،۹ — بیتهای ۶و۸ را ندارد

+ با گدایان در میکده‌ای سالك راه — بادب باش گر از سر خدا آگاهی

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ ی: جرعهٔ می‌کش — ج: که ز اسرار نهان — ه،ح،ك: که ز سرّ ملکوت

۳ـ * ج: دهند از سر شاهنشاهی

۴ـ ط: خشت در زیر سر و بر سر هفت اختر پای — * ط: دست مسند نگـر و

ح،ك: مسند صاحب جاهی

۵ـ * ه،ح،ط: برشده دیوار

۶ـ ط: گذرت برظلماتست بجو خضر رهی — ك: مرحله دانی که ثباتی نکند

* ه: ظلماتست و بترس — ط: که درین مرحله بسیار بودگمراهی

۸ـ ه: تو در فقر — * ه: مجلس خواجگی و مسند بزم شاهی

۹ـ ی: حافظا شرمی ازین قصهٔ بیهوده بدار — * ل: عملت چیست که فردوس

برین می‌خواهی

۴۸۰

۱ ای در رخ تو پیدا انوار پادشاهی
در فکرت تو پنهان صد حکمت الهی

۲ کلک تو بارک‌الله بر ملک و دین گشاده
صد چشمه آب حیوان از قطره‌ای سیاهی

۳ بر اهرمن نتابد انوار اسم اعظم
ملک آن تست و خاتم فرمای هرچه خواهی

۴ در حشمت سلیمان هر کس که شک نماید
بر عقل و دانش او خندند مرغ و ماهی

۵ باز ار چه گاه‌گاهی بر سر نهد کلاهی
مرغان قاف دانند آئین پادشاهی

۶ تیغی که آسمانش از فیض خود دهد آب
تنها جهان بگیرد بی‌منّت سپاهی

۷ کلک تو خوش نویسد در شأن یار و اغیار
تعویذ جان‌فزائی افسون عمرکاهی

۸ ای عنصر تو مخلوق از کبریای عزّت
وی دولت تو ایمن از صدمهٔ تباهی

۹ گر پرتوی ز تیغت بر کان و معدن افتد
یاقوت سرخ‌رو را بخشند رنگ کاهی

۱۰ عمریست پادشاها کز می تهیست جامم
اینک ز بنده دعوی وز محتسب گواهی

۱۱ دانم دلت ببخشد بر عجز شب‌نشینان
گر حال من بپرسی از باد صبحگاهی

۱۲ ساقی بیار آبی از چشمهٔ خرابات
تا خرقه‌ها بشوییم از عجب خانقاهی

۱۳ جائی که برق عصیان بر آدم صفی زد
ما را چگونه زیبد دعوی بیگناهی

۱۴ حافظ چوپادشاهت گه گاه می‌برد نام
رنجش ز بخت منما بازآ به عذرخواهی

ب،ه،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

متن مطابق است بانسخه‌های ب،ی، اما نسخهٔ ب بیت ۱۲ را ندارد و نسخهٔ ی بعد از بیت ۱۲ بیت زیر را که با علامت + مشخص شده است افزوده دارد. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ه: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۱۰،۸،۹،۱۱،۱۲،۱۳،۱۴،+

ط: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۳ بیت ۱۲و۱۴ را ندارد

ك: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸، × ،۹،۱۰،۱۱،۱۲،۱۳،۱۴

ل: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۱۲،۱۰،۹،۱۱،۱۳،۱۴

+ یا ملجأ البرایا یا واهب العطایا عطفاً علی مقل حلت به‌الدواهی

در نسخهٔ ه «یا ملجأ المزایا» آمده است

× جور ازفلك نیاید تاتو ملك سریری ظالم از جهان برون شد تاتوجهان‌پناهی

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ * ك: در پیکر تو پنهان

۲ــ ب،ه،ك: بر ملك دین

۳ــ ی: نتابد اسرار

۴ــ ط،ل: در حکمت سلیمان

۵ــ ه: مرغی که گاه گاهی * ه: سیمرغ قاف داند

۶ــ * ط: تنها جهان نگیرد بی وصمت سپاهی

۷ــ * ط،ی: و افسون

۸ــ ی،ل: ازکیمیای عزّت * ه: وای چشمهٔ تو ایمن ط: ای دولت‌تو ل، از وصمت تباهی

۹ــ ط: درکان معدن ی: درکان و معدن

۱۱ــ ك: بر اشك شب نشینان * ط،ل: گرحال بنده پرسی ی،ك: گر حال ما پپرسی

۱۲ــ ب: ساقی بیاور آبی ی: کز چشمه

۱۴ــ ی: گه‌گاه می‌نوازد * ه: منما دیگر ز بی‌پناهی

۴۸۱

۱ در همه دیر مغان نیست چو من شیدایی
خرقه جایی گرو باده و دفتر جایی

۲ دل که آئینهٔ شاهیست غباری دارد
از خدا می‌طلبم صحبت روشن رایی

۳ کرده‌ام توبه به دست صنمی باده فروش
که دگر می نخورم بی رخ بزم آرایی

۴ جوی‌ها بسته‌ام از دیده به دامن که مگر
بر کنارم بنشانند سهی بالایی

۵ کشتی باده بیاور که مرا بی‌رخ دوست
گشت هر گوشهٔ چشم از غم دل دریایی

۶ سرّ این نکته مگر شمع برآرد به زبان
ورنه پروانه ندارد به سخن پروایی

۷ نرگس ار لاف زد از شیوهٔ چشم تو مرنج
نروند اهل نظر از پی نابینایی

۸ سخن غیر مگو با من معشوقه پرست
کز وی و جام می ام نیست به کس پروایی

۹ این حدیثم چه خوش آمد که سحرگه می‌گفت
بر در میکده‌ای با دف و نی ترسایی

۱۰ گر مسلمانی از این است که حافظ دارد
آه اگر از پی امروز بود فردایی

الف، ب، ج، هـ، ز، ح، ط، ی، ك، ل، م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب، ی**، اما این دو نسخه بیت ۸ را ندارند. با ترتیب متن در نسخهٔ **ز** بیت‌های ۷و۸ مقدم و مؤخر است. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

الف، ط: ۱، ۲، ۵، ۴، ۳، ۷، ۶، ۹، ۱۰ — بیت ۸ را ندارد

ج: ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۳، ۷، ۹، ۱۰ — بیت ۶ را ندارد

هـ: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۶، ۷، ۹، ۱۰

ح: ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۶، ۳، ۷، ۹، ۱۰

ك: ۱، ۲، ۴، ۵، ۳، ۸، ۶، ۷، ۹، ۱۰

ل: ۱، ۲، ۳، ۷، ۶، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۰

م: ۱، ۲، ۸، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۰

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ * الف، ح، ط: می‌طلبد

۳ـ الف، ب، ط، ك، ل: صنم باده فروش

۴ـ ح، ی، ك، ل، م: به دامان *** هـ، ز، ط، ل:** درکنارم

۶ـ الف، ج، ط، ل: شرح این قصه **الف:** درارد به زبان

۷ـ ج: از گوشهٔ چشم تو **ی:** چشم تو عجب *** ط:** نرود اهل نظر **هـ، ح:** در پی نابینائی

۸ـ * ج: که بجز جام میم **ك:** کز می و جام میم نیست بخود پروایی

۱۰ـ * ك: وای اگر **م:** از پس امروز

۴۸۲

۱ به چشم کرده‌ام ابروی ماه سیمایی
خیال سبزخطی نقش بسته‌ام جایی

۲ زمام دل به کسی داده‌ام من درویش
که نیستش به کس از تاج و تخت پروایی

۳ سرم ز دست بشد چشم از انتظار بسوخت
در آرزوی سر و چشم مجلس آرایی

۴ زهی خیال که منشور عشقبازی من
از آن کمانچهٔ ابرو رسد به طغرایی

۵ مکدّر است دل آتش به خرقه خواهم زد
بیا ببین که کرا می‌کند تماشایی

۶ به روز واقعه تابوت ما ز سرو کنید
که می‌رویم به داغ بلند بالایی

۷ در آن مقام که خوبان ز غمزه تیغ کشند
عجب مدار سری اوفتاده در پایی

۸ فراق و وصل چه باشد رضای دوست طلب
که حیف باشد ازو غیر او تمنّایی

۹ مرا که از رخ او ماه در شبستان است
کجا بود به فروغ ستاره پروایی

۱۰ دُرر ز شوق برآرند ماهیان به نثار
اگر سفینهٔ حافظ بری به دریایی

ب،ج،ه،ز،ح،ط،ی،ک،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ج**، اما این دو نسخه بیت ۹ را ندارند. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ه: ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۸ — بیت‌های ۶ و ۹ و ۱۰ را ندارد
ز: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۱۰،۹
ح: ۱،۴،۶،۷،۱۰ — بیت‌های ۲ و ۳ و ۵ و ۸ و ۹ را ندارد
ط: ۱،۴،۳،۵،۶،۷،۹،۸،۱۰ — بیت ۲ را ندارد
ی: ۱،۲،۳،۴،۶،۷،۸،۱۰ — بیت‌های ۵ و ۹ را ندارد
ک: ۱،۴،۳،۶،۷،۱۰ — بیت‌های ۲ و ۵ و ۸ و ۹ را ندارد
ل: ۱،۴،۳،۵،۶،۲،۷،۹،۸،۱۰
م: ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۱۰ — بیت ۹ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ * ح،ک: خیال سروقدی
۳ـ ط،ک: ز دست شد و چشم **ک:** چشم اختیار بدوخت * **ک:** درانتظار قد سرو مجلس
۴ـ ه،ح،ط،ک،ل: امید هست که منشور * **ه،ط:** ازان کمان مه ابرو
۵ـ * ج: بیا بیا که کرا **ه:** بیا به بین که اگر می کنی تماشایی
۶ـ ب،ج،ه،ی،ک،م: تابوت من *ح،ک: که مرده‌ایم بامید سروبالایی
۷ـ ی،ک،ل،م: ز غمزه تیغ زنند **ج:** بغمزه تیرزنند **ه،ح،ط:** زغمزه تیر زنند * **ح:** سری‌را فتاده
۸ـ ج: نعیم خلد چه باشد وصال دوست طلب * **ه:** غیر ازو تمنائی
۹ـ ز: هوا که از رخ او همچو مه شبستانست
۱۰ـ ج: گهر ز شوق * **ه،ح،ک،ل:** حافظ رسد بدریایی

۴۸۳

۱ سلامی چو بوی خوش آشنایی
بر آن مردم دیدهٔ روشنایی

۲ درودی چو نور دل پارسایان
بدان شمع خلوتگه پارسایی

۳ نمی‌بینم از همدمان هیچ بر جای
دلم خون شد از غصه ساقی کجایی

۴ ز کوی مغان رخ مگردان که آنجا
فروشند مفتاح مشکل‌گشایی

۵ می صوفی‌افکن کجا می‌فروشند
که در تابم از دست زهد ریایی

۶ رفیقان چنان عهد صحبت شکستند
که گویی نبوده‌ست خود آشنایی

۷ عروس جهان گر چه در حدّ حسن است
ز حد می‌برد شیوهٔ بی‌وفایی

۸ دل خستهٔ من گرش همتی هست
نخواهد ز سنگین دلان مومیایی

۹ مرا گر تو بگذاری ای نفس طامع
بسی پادشاهی کنم در گدایی

۱۰ بیاموزمت کیمیای سعادت
ز هم صحبت بد جدایی جدایی

۱۱ مکن حافظ از جور دوران شکایت
چه دانی تو ای بنده کار خدایی

ب،ه،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ب،ز،م.** با ترتیب متن نسخهٔ **ح** بیت‌های **۵** و **۶** و **۸** و نسخه‌های **ط،ك** بیت‌های **۵** و **۶** را ندارند. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ه: ۱،۲،۳،۴،۶،۵،۹،۱۰،۱۱ بیت‌های ۷ و ۸ را ندارد

ی: ۱،۲،۳،۴،۷،۸،۹،۱۰،۵،۶،۱۱

ل: ۱،۲،۳،۴،۷،۸،۵،۶،۹،۱۰،۱۱

اختلاف نسخه‌ها

۱ــ ب: چو یاد خوش * **ه،ز،ح،ط،ك،ل:** بدان

۲ــ ه: ز نور دل * **م:** بران شمع

۳ــ ه: هیچ یادی

۴ــ ز: ره بگردان **ح،ط،ك:** ره مگردان **ب:** که اینجا

۵ــ * ز: که در تنگم

۶ــ ه،ی، رقیبان؟

۷ــ * ی: شیوهٔ دلربائی

۹ــ * ط،ل: پادشائی

۱۰ــ * م: ز همصحبت بد خدا را

۱۱ــ ه: از دست دوران **ح:** از دهر و دوران **ك:** از دهر دوران

۴۸۴

۱ ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی
دل بی‌تو به جان آمد وقت است که بازآیی

۲ دایم گل این بستان شاداب نمی‌ماند
دریاب ضعیفان را در وقت توانایی

۳ دیشب گلهٔ زلفت با باد همی کردم
گفتا غلطی بگذر زین فکرت سودایی

۴ صد باد صبا آنجا با سلسله می‌رقصند
این است حریف ای دل تا باد نپیمایی

۵ مشتاقی و مهجوری دور از تو چنانم کرد
کز دست بخواهد شد پایاب شکیبایی

۶ یارب به که شاید گفت این نکته که در عالم
رخساره به کس ننمود آن شاهد هرجائی

۷ ساقی چمن گل را بی‌روی تو رنگی نیست
شمشاد خرامان کن تا باغ بیارایی

۸ ای درد توام درمان در بستر ناکامی
وی یاد توام مونس در گوشهٔ تنهایی

۹ در دایرهٔ قسمت ما نقطهٔ تسلیمیم
لطف آنچه تو اندیشی حکم آنچه تو فرمایی

۱۰ فکر خود و رای خود در عالم رندی نیست
کفر است درین مذهب خودبینی و خودرایی

۱۱ زین دایرهٔ مینا خونین جگرم می ده
تا حل کنم این مشکل در ساغر مینایی

۱۲ حافظ شب هجران شد بوی خوش وصل آمد
شادیت مبارک باد ای عاشق شیدایی

هـ،ط،ی،ك،ل

ترتیب ابیات

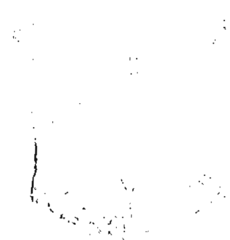
متن مطابق است با نسخهٔ **ل**. ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

هـ، ۱،۵،۸،۹،۶،۳،۴،۷،۱۱،۱۲ بیت‌های ۲و۱۰ را ندارد
ط: ۱،۵،۸،۹،۱۰،۶،۲،۷،۱۱،۳ بیت‌های ۴و۱۲ را ندارد
ی: ۱،۲،۳،۴،۱۲ بیت‌های دیگر را ندارد
ك: ۱،۲،۳،۴،۷،۱۱،۸،۶،۵،۱۲ بیت‌های ۹و۱۰ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ **ط:** سیراب نمی‌ماند **ی:** شاداب نمی‌باشد * **ك:** در روز توانایی
۳ـ **ل:** کلهٔ زلفش **ط:** با باد همی گفتم
۴ـ **ك،ل:** اینجا با سلسله **هـ:** انجا بی‌سلسله **ط،ی:** می‌رقصد
۵ـ * **هـ:** بخواهد رفت
۶ـ * **هـ:** رخسار بکس ننمود
۷ـ **هـ:** ساقی چمن را چون رخسار تو رنگی نیست
۸ـ **ط:** ای درد توم درمان مستیز بناکامی * **ط:** چون عشق تو فخر ماست مـا را چه ز بد نامی
۹ـ **هـ:** در دایرهٔ پنهان ما نقطهٔ پرگاریم
۱۲ـ **هـ:** خوش صبح آمد **ط،ی،ك:** خوش یار آمد * **ط:** ای عاشق هر جائی

۴۸۵



۱ ای دل گر از آن چاه زنخدان بدر آیی
هر جا که روی زود پشیمان بدر آیی

۲ هش‌دار که گر وسوسهٔ نفس کنی گوش
آدم صفت از روضهٔ رضوان بدر آیی

۳ شاید که به آبی فلکت دست نگیرد
گر تشنه لب از چشمهٔ حیوان بدر آیی

۴ جان می‌دهم از حسرت دیدار تو چون صبح
باشد که چو خورشید درخشان بدر آیی

۵ تا کی چو صبا بر تو گمارم دم همّت
کز غنچه چو گل خرّم و خندان بدر آیی

۶ در تیره شب هجر تو جانم به لب آمد
وقت است که همچون مه تابان بدر آیی

۷ بر خاک درت بسته‌ام از دیده دو صد جوی
تا بو که تو چون سرو خرامان بدر آیی

۸ حافظ مکن اندیشه که آن یوسف مهروی
باز آید و از کلبهٔ احزان بدر آیی

ب،ز،ح،ط،ی،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخه‌های **ز،ی،ل،م**. با ترتیب متن نسخهٔ **ب** بیت ۴، نسخه‌های **ح،ك** بیت ۶ و نسخهٔ **ط** بیت ۳ را ندارد

اختلاف نسخه‌ها

۱ـ ز: اگر از چاه زنخدان * **ز:** آدم صفت از روضهٔ رضوان بدرآئی **ط، م:** باز پشیمان

۲ـ ل: وسوسهٔ عقل **م:** وسوسهٔ خصم * **ز:** هر جا که روی زود پشیمان بدرآئی

۳ـ م: دست نگیرند * **ب:** کت تشنه لب

۴ـ ز،ح،ی،ك، دولت دیدار * **ح:** تا بو که چو خورشید

۵ـ ط،ل: چندان چو صبا **ز:** برتو گذارم **ب،ز،ی:** دم و همت

۶ـ ی: هجر توام جان بلب آورد

۷ـ ط،ل: بر ره گذرت بسته‌ام **ب:** بستم از دیده **ط،ل:** دوصد جو * **ز:** چون غنچهٔ خندان بدر آئی **ح:** باشد که تو چون

۸ـ ب،ز: که آن خسرو خوبان **م:** که این یوسف **ب،ز،ط،ل:** یوسف مه‌رو

۴۸۶

۱ می خواه و گل افشان کن از دهر چه می‌جویی
این گفت سحرگه گل بلبل تو چه می‌گویی

۲ مسند به گلستان بر تا شاهد و ساقی را
لب گیری و رخ بوسی می نوشی و گل بویی

۳ شمشاد خرامان کن واهنگ گلستان کن
تا سرو بیاموزد از قدّ تو دلجویی

۴ تا غنچهٔ خندانت دولت به که خواهد داد
ای شاخ گل رعنا از بهر که می‌رویی

۵ چون شمع نکورویی بر رهگذر باد است
طرف هنری بر بند از شمع نکورویی

۶ امروز که بازارت پر جوش خریدار است
دریاب و بنه گنجی از مایهٔ نیکویی

۷ آن طرّه که هر جعدش صد نافهٔ چین دارد
خوش بودی اگر بودی بوییش ز خوشخویی

۸ هر مرغ به دستانی در گلشن شاه آید
بلبل به نواسازی حافظ به دعا گویی

الف،ب،ه،ح،ك،ل،م

ترتیب ابیات

متن مطابق است با نسخهٔ **ب**. با ترتیب متن نسخه‌های **الف،ه،م** بیت ۶ را ندارند، در نسخهٔ **ل** بیت‌های ۵ و ۶ مقدم و مؤخر است. (گمان می‌رود که یکی از دو بیت ۵ و ۶ نسخه بدل بیت دیگری باشد) ترتیب نسخه‌های دیگر چنین است:

ح،ك: ۱،۲،۴،۳،۶،۷،۸ بیت ۵ را ندارند

اختلاف نسخه‌ها

۲ـ **ب،ه،م:** زان به چه که در بستان معشوقه و ساقی را **ح،ك:** مسند به گلستان بر تا ساقی مستانرا

۵ـ **الف:** برده گذر یاریست **ح،ك،ل:** در رهگذر * **الف،ب،ه،م:** از مایهٔ نیکویی

۶ـ **ح:** امروز چو بازارت

۷ـ **ح،ك،ل،م:** نافهٔ چین ارزد * **ب:** بوییش ز خوشبویی

۸ـ **ب:** در مجلس شاه آید **الف،ل:** شاه آمد **ه:** شاه آیند * **ك:** بلبل بغزلخوانی **ح،ل:** حافظ به غزلگویی